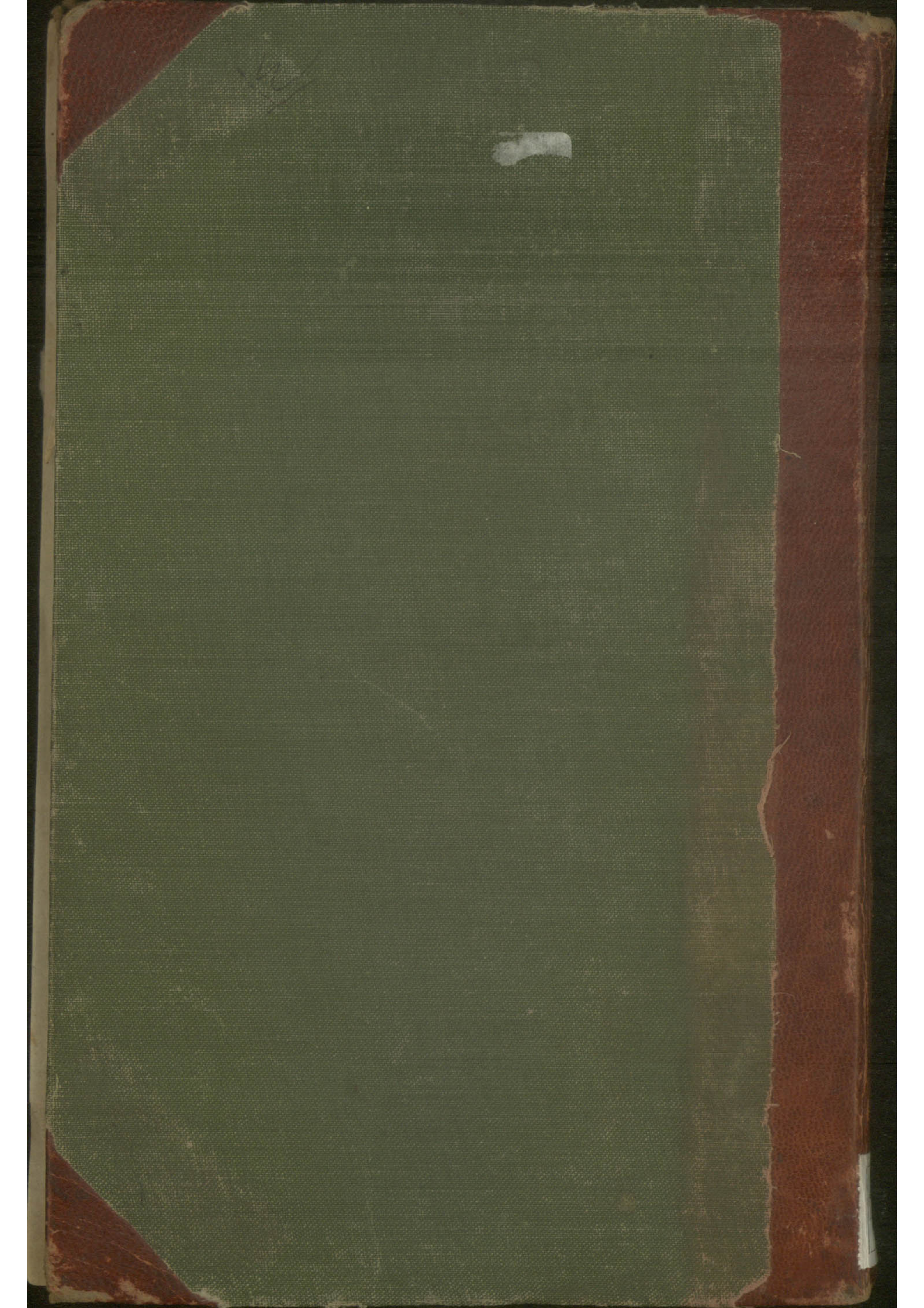
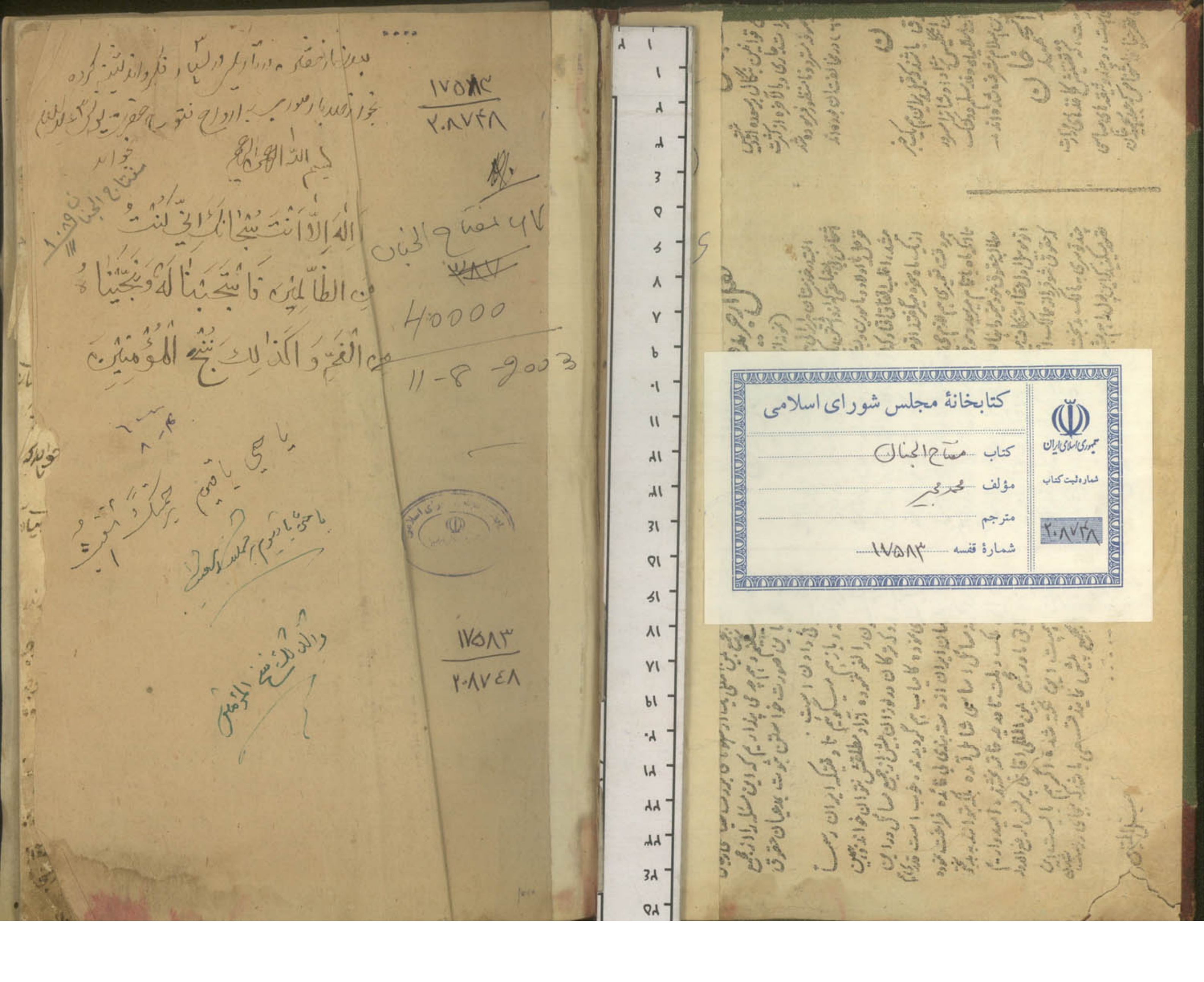


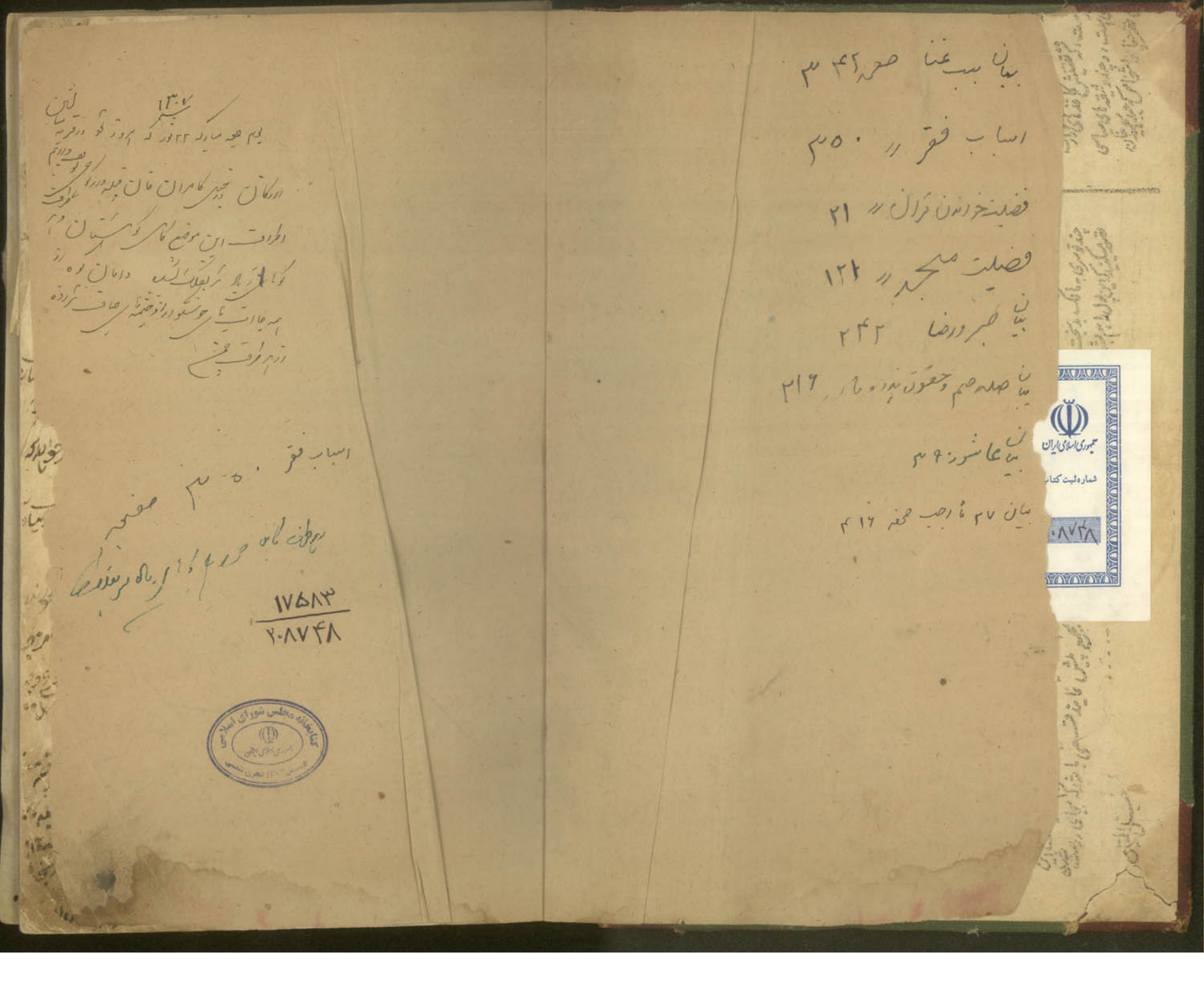

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۸۷۴۸
کتاب مصباح الجنان
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۵۸۳
۱۷۵۸۳
۲۰۸۷۴۸
40000
11-8-2003



بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین
مفتاح الجنان
۱۷۵۸۳
۲۰۸۷۴۸
40000
11-8-2003
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۲۰۸۷۴۸
کتاب مفتاح الجنان
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۵۸۳



لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۸۷۴۸
کتاب مفتاح الجنان
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۷۵۸۳



۱۳۰۷

یوم جمعه مبارکه ۲۲ [illegible]

[illegible]

اسباب فقر ۳۵۰ صفحه

[illegible]

مفتاح الجنان

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بيحد و ثناء بي عد مر خالق احد و رازق صمد را و لقد كرمنا بني آدم بر كشيد بعضي را بر بعضي ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات و دنيا فريد آدمي و پري را مكر از براي بندكي و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون و دنيا فريد براي بازي را افحسبتم انما خلقناكم عبثا و انكم الينا لا ترجعون و رزق را پيش از وجود ايشان متكفل شده و ما من دابة في الارض الا على الله رزقها و شكر و سپاس بي قياس مر پروردكاري را كه از رحمت قديم و كرم عميم خويش عاصيان رانده و فاسقان درمانده را بقبول توبه و عفو كناه اميدوار كرد غافر الذنب و قابل التوب و باحسان جبرئيل از براي تسكين درد دل مجرمان مسموم بخطيه و عاصيان مغموم معصيت را بشراب رحمت و شربت مغفرت بشارت داد لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا و بلطف و فضل خويش نيكوكاران را بر كزيده و برحمت بر كشيد قال الله تعالى ان اكرمكم عند الله اتقيكم و بدخول بهشت و بدرجات عاليه ان المتقين في جنات و نهر في مقعد صدق عند مليك مقتدر و بنعيم باقي ان الابرار لفي نعيم و ان الفجار لفي جحيم و شربت قربت عينا يشرب بها المقربون و ديدار خود وعده فرمود قوله الحق وعده الصدق جل جلاله و عم نواله و تقدست اسماؤه و تعالى كبرياؤه و صلوة بي نهايت و تحيات بي غايت بروح مقدس و مطهر كه متوج بتاج و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين مدوج بدواج لولاك لما خلقت الافلاك است سيد المرسلين و خاتم النبيين محمد
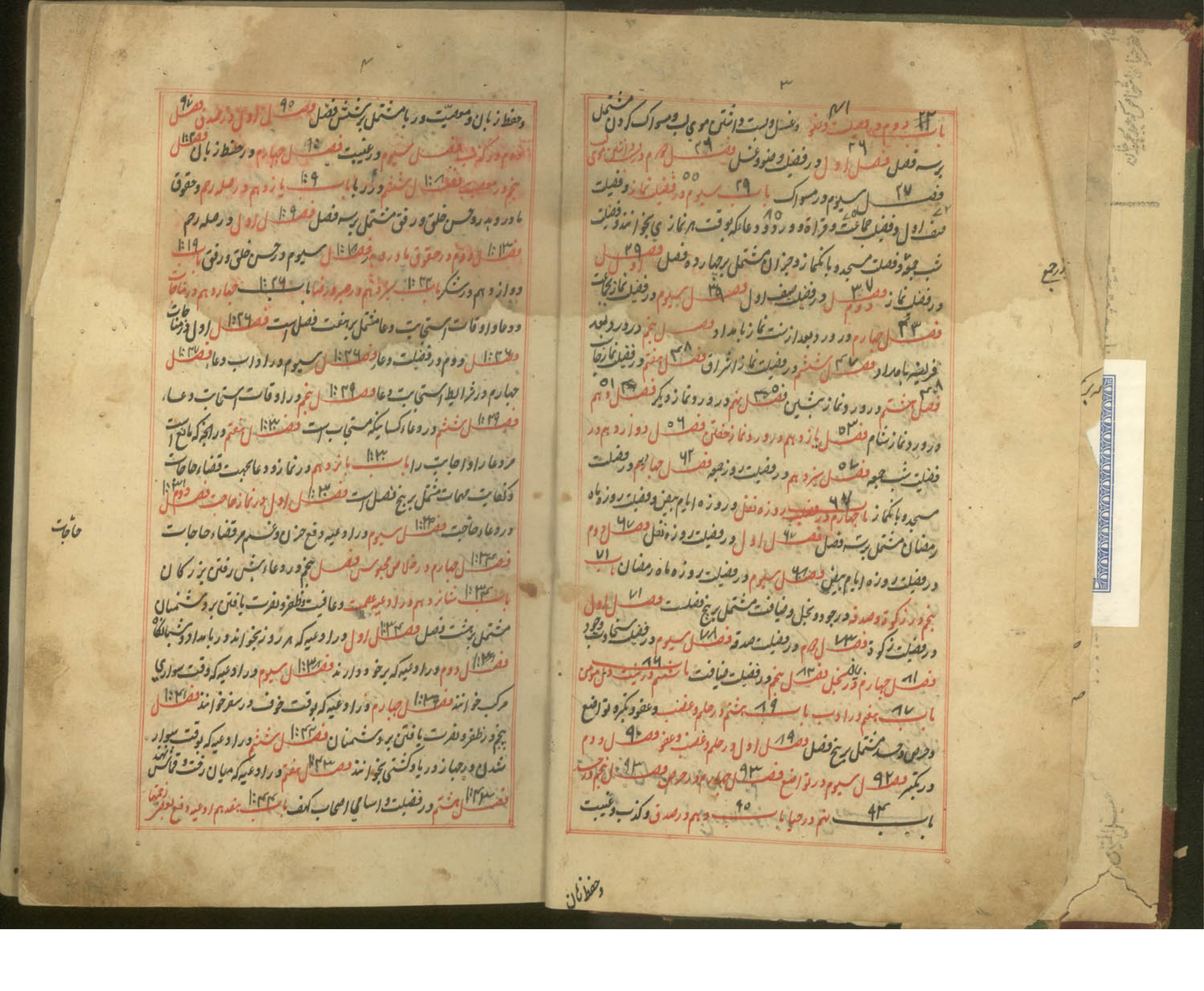
رسول الله صلى

مر بر گزيده بر كل مخلوقات

و هو هر كار را ... بشارت داد

فصل اول در كلمه تهليل — فصل دوم در ذكر و فكر و خواند قرآن و فضيلت بسم الله الرحمن الرحيم

رسول الله صلى الله عليه و سلم و بر اهل بيت و ياران او كه مصابيح ظلم و مفاتيح كرم اند و بعد ميكويد بنده ضعيف كناهكار اميدوار برحمت پروردكار جل جلاله محمد مجير وجيه اديب غفر الله له و لوالديه اصغر و احقر خدام دركاه سلطان المشايخ ولا وليا قدوة الزهاد ولا تقيا كاشف الحقايق مظهر الدقايق حجة الحق على الخلق قطب الاقطاب في الارضين ملك المشايخ في العالمين وارث علوم الانبياء و المرسلين ختم الواصلين و العارفين رضي الله عنه و ارضاه و جعل في بحبوحة الفردوس مثواه چون ديدم كه درين زمانه بعضي عوام الناس عربي مي خوانند و اكر ميخوانند بر معاني آن اطلاع ندارند و از فايده آن محروم مي مانند اين ضعيف فايده چند در فضيلت نماز و روزه و زكوة و صدقه و كلمه تهليل و ذكر و درود و ادعيه و جز آن از كتب معتبر از تفاسير و اخبار و فقه و سلوك و اوراد مشايخ و ورد كه از والد خود و عم خود مولانا ضياء الدين صاحب تفسير منيخ عليه الرحمة و الغفران ديده و شنيده بود جمع كردم و از براي فوايد عوام خلق اين درويش بقدر فهم خويش هرچه پارسي بود عين از كتاب نقل كرده و عربي را بپارسي در قلم آورده تا عوام خلق و فرزندان ايشان درين رغبت نمايند و از فايده بهره يابند و مواظبت كنند تا بمطالب و مقاصد و بسعادت دارين برسند و اين مجموع را مفتاح الجنان نام كرده و فهرست اين بر پنج باب است با فصول در قلم آمد التماس از مخدومان و مكرمان زمانه آنكه درين اوراق نظر قصور بينند و اكر سهو يا خطا يابند بقلم كرم اصلاح فرمايند و عيب و منقصت را بذيل عفو و لطف بپوشند فهرست الابواب باب اول در كلمه تهليل و استغفار و دعا كه هر روز بايد خواند در سحرگاه و بامداد و شبانگاه بخوانند و فضيلت درود مشتمل بر پنج فصل است فصل اول در كلمه تهليل فصل دوم در ذكر و تفكر و خواندن قرآن و فضل بسم الله الرحمن الرحيم فصل سيوم در استغفار فصل چهارم در درود صبح و دعا از خواب خواستن فصل در فضيلت درود ...



و حفظ زبان

حاجات

ودعاها که هر روز و هر سحرگاه و بامداد و شب اگاه بخوانند و فضیلت ده رود مشتمل
بر پنج فصل است **فصل اول** در کلمه تهلیل مروی است که رسول علیه السلام فرمود
هر که بگوید هر روز و هر بامداد بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمد رسول
الله گرامی کند او را خدای تعالی هفت کرامت اول قبض کند روح او را بر اسلام
دوم آسان کند بر وی سختی جان کندن سیوم منور کرداند گور او را چهارم بنماید
او را بر منکر و نکیر بهترین صورتها خویش پنجم بدهد نامهٔ اعمال او بدست راست او ششم
گران کرداند ترازوی او بحسنات هفتم بگذراند از پل صراط چون برق جهنده **نقل از
خالصة الحقایق** رسول علیه السلام فرمود شفاعت من روز قیامت بر آنکسی است
که بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله و حذیفه بن یمان گفت رضی الله عنه
مردی را از قوم موسی علیه السلام بیارند روز قیامت حق تعالی بگوید فرشتگان
را نظر کنید هست چیزی نیکی بدین بندهٔ من تا رستگاری یابد بدان امروز پس گویند
فرشتگان یا رب نیافتیم که رستگاری یابد بدان امروز بجز آنک در انگشتری او نبشته
می بینیم کلمه لا اله الا الله پس بگوید حق تعالی در آرید بنده مرا در بهشت بدرستی که بیا
مرزیدم روایت میکند ابو بکر صدیق رضی الله عنه که پیغامبر فرمود علیه السلام بر شما باد که بسیار
بگویید کلمه لا اله الا الله و استغفار بدرستی که شیطان گفت هلاک کردم من مردمان را
بگناهها و ایشان هلاک کردند مرا بگفتن لا اله الا الله پس هر گاه که اینچنین بینم هلاک کنم
ایشان را بهواها و بدعتها پس چرا از گفتن این کلمه غافل باشند و ابن عباس رضی الله
عنه میگوید که پیغامبر علیه السلام فرمود که تلقین کنید مردگان خود را یعنی بیماران خود را
کلمه شهادت گفتن لا اله الا الله پس هر که بگوید نزدیک مردن واجب شود او را
بهشت یاران پرسیدند یا رسول الله پس اگر بگوید این کلمه در حالت صحت رسول علیه
السلام دو بار فرمود او را بهشت واجب شود بهشت واجب شود این جواب از روی

کرامت است نه از روی الزام **از تفسیر مغنی** در حدیث آمده است تلقین کنید مردگان خود را
یعنی بیماران خود را نزدیک مردن کلمه شهادت یعنی لا اله الا الله محمد رسول الله
و ایشان را امر کنید بگفتن کلمه لا اله الا الله نشاید که او را در آن حال دشوار نماید یا در
غضب شود و منکر شود و گوید باید که نزدیک او خود کلمه بلند بگوید تا او بشنود و در زبان
و یا در دل بگوید **از خالصة الحقایق** روایت میکند از امیر المومنین عایشه رضی الله عنه
که گفت مردی را بدهند نامهٔ اعمال او بدست او روز قیامت آن نامه از شب
تاریک سیاه تر باشد و در روی حرفی باشد که نور چون چراغ روشن تابد و آن
قول لا اله الا الله باشد پس بگوید حق تعالی بندهٔ من مبالغت کرد در ثنا و من پس
امروز مبالغت کنم در رضا او کعب احبار گفت رضی الله عنه وحی کرد حق تعالی سوی
او در پس پیغامبر علیه السلام که بگوی مر قوم خود را تا این کلمه بگویند لا اله الا الله مروی
از انس بن مالک رضی الله عنه که رسول علیه السلام گفت خبر کرد مرا جبرئیل علیه السلام و گفت
بشارت مر امت تراست که هر که بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له
در آید در بهشت و حرام شود بر وی آتش دوزخ و بعضی علما گفته اند باقی نماند در آخر
الزمان مر چیزی را از طاعت فضیلتی مگر دو چیز شهادة لا اله الا الله و درود بر رسول
علیه السلام زیرا که طاعتها بیشتر خالی نباشد از ریا و عجب مگر این دو چیز و فضل گفت
جنانست که بنده بگوید لا اله الا الله و من همی ترسم بر وی از آتش دوزخ گفتند چگونه
یا ابا علی گفت پیش او مردی غیبت کند مردی را و او را خوش آید گوید لا اله الا الله
یا بگوید سبحان الله یا بگوید زیادت کن و مروی است از پیغامبر علیه السلام گفت
بیارند روز قیامت نود و نه نامهٔ اعمال یک بنده که در آن هم گناهان و خطاها باشد
درازی هر نامه از مشرق تا مغرب پس بنهند این نامها در یک پلهٔ میزان و در پلهٔ دیگر
حسنات او بنهند پس راجح آید سیئات او پس روان کنند او را سوی دوزخ پس فرمان

و به باری تعالی ذو الجلال گناه را باز کردانند بر من بنده من پس بگوید باری تعالی هست
مر ترا نزد یک من از حسنه که نه نهاده ام مر ترا از وی تو لیس آن بنده بگوید الهی مرا حسنه
نیست تو آن خدای که ظلم نکنی مقدار ذره پس بگوید خدای تعالی نزد یک من مر ترا ذخیره
است پس بیرون آرد حق تعالی بیانی مقدار انگشت نبشته بر آن لا اله الا الله محمد رسول الله
پس بنهد این را در یک پله میزان و نهاده شود دفتر نامه در پله دوم راجح آید پله کلمه
شهادت بر پله دیگر پس روان کنند آن بنده را سوی بهشت نقل از کفایه شعبی و در خبر است
که موسی صلوة الله علیه مناجات کرد گفت یا رب مرا راهنمونی کن بر عملی که بجا آوردن آن
مشقتی در نفس من برسد خدای تعالی وحی کرد سوی موسی بگو لا اله الا الله محمد رسول الله
مهتر موسی علیه السلام این کلمه گفت هیچ مشقت او را لاحق نشد بار دوم و سیوم دعا کرد
هر بار همین فرمان می شد بگوی لا اله الا الله کرت چهارم دعا کرد یا رب من عملی میخواهم
که مرا در آن مشقت باشد پس وحی کرد سوی موسی حق تعالی صلوة الله علیه بدرستی که من
آسان کرده ام گفتن این کلمه بر تو فاما گفتن این کلمه مر کافر از سخت و دشوار تر است
از بریدن کوه به دندان و آورده اند که در بنی اسرائیل چون کسی خواستی که کلمه لا اله الا الله
بگوید چهل روز گوشت نخوردی و چهل روز زن خود را جماع نکردی آنگاه ممکن بودی
تا بگفتی لا اله الا الله و در حدیث است هر که بگوید لا اله الا الله بامد بیامرزد خدای تعالی
چهل هزار گناه وی را از کبایر و در بدیع المبانی آورده است مبالغت مد کلمه لا اله الا الله
بر مذهب این گروه مقدار دو الف است و مبالغت داد رفیع الدین خدای عز و جل
و در تفسیر آورده است که دو مرد بودند به دعوی یکدیگر خصومت کردند و بخدمت رسول
علیه السلام آمدند پس یکی سوگند خورد بر دعوی صاحب خود و گفت بالله الذی لا اله
الا هو و بعد گفت چون سوگند دروغ خورده است ولیکن خدای عز و جل این را بیامرزد
به آن مد که گفت و ابو اللیث در کتاب تنبیه خود آورده است که واجبست بر همه مسلمانان

کہ بسیار بگوید

که بسیار بگوید قول لا اله الا الله و درخواست کند از حق تعالی در ساعتهای شب و روز
تا با ذکر دارد این کلمه را از وی نگاه دارد نفس او را از معاصی و در مغفرات آورده است
اگر کسی گفت مر مسلمانی را که بگو لا اله الا الله او نگفت کافر شود اگرچه معتقد باشد ایمان را
و از تفسیر منیر از پیغامبر علیه السلام با سناد درست که گفت خدای تعالی کتابی نبشته
به بیاورد و خبر که پیش از آنکه خلق آفریده دو هزار سال بر عرش نهاده اند آمده که ای
امت محمد پیش از آنکه از من عطا خواستید عطا یا دادم و پیش از آنکه امر زش خواستند
بیامرزیدم و هر که کلمه طیب گوید در بهشت در آرم او را چنانکه گفت یخاطب الطور الا من
از کفایه شعبی حذیفه یمانی گفت رضی الله عنه که من بر رسول علیه السلام در آمدم و رسول
علیه السلام را زحمت بود که در آن رحلت خواهند کرد و امیر المومنین علی رضی الله عنه
نزدیک پیغامبر علیه السلام نشسته بود و پس پیغامبر علیه السلام فرمود که مرا بگذارید تا بنشینم
من گفتم امیر المومنین علی را رضی الله عنه بگذار تا من پشت مبارک رسول علیه السلام در کنار
خود بگیرم رسول علیه السلام فرمود بگذار تا علی بگیرد که او اولی است بر این پس رسول علیه
السلام گفت یا حذیفه نزدیک من آی حذیفه میگوید من نزدیک رفتم رسول علیه السلام فرمود
هر که کار ختم او بکلمه شهادت شود در آید در بهشت و هر که را ختم کار او بطعام دادن
شود یک مسکین را در آید در بهشت پس من گفتم یا رسول الله پوشیده دارم این حدیث
را یا آشکار کنم فرمود بلکه آشکار اکن و شیخ عبد الله در کتاب زف المبین چنین آورده است
بر سبیل مسند صد هزار و بیست و چهار هزار پیغامبر علیه السلام نشسته بودند که لا اله الا الله محمد رسول الله
چنانکه ما همه پیغامبران ایمان داریم است چنین محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم ایمان داشتند
از خلاصة الحقایق سوال هر چیزی را از اشیا بایه و فایی ثمن است پس ثمن کدام بهشت است
جواب پرسیده شد از رسول علیه السلام ثمن جنت چیست گفت لا اله الا الله فرمود که هیچ
بنده نگوید کلمه لا اله الا الله در هر کدام ساعتی از شب و یا روز مگر آنکه محو کرده شود گناهان

کناهان گذشته از نامهٔ اعمال او محو کرده شود و بجای آن نیکیها ایضاً ابن عباس گفت
رضی الله عنه پیغامبر فرمود علیه السلام که خدای تعالی فرشته آفریده است از آن روز باز
که آسمان و زمین آفریده است و امر کرده است که بگوید لا اله الا الله و او دایم همین
کلمه میگوید و در گفتن قطع نمیکند و باز نمی ایستد و دم نمیگیرد و تمام نمیکند پس چون تمام میگوید
این کلمه را همان ساعت خدای عز و جل امر کند اسرافیل را تا صور بدمد و قیامت قایم شود
از تفسیر مبغ در حدیث است نگوید بنده کلمه لا اله الا الله در شب و یا روز مگر آنکه محو شود آنچ
در صحیفهٔ اوست از گناهان و بیافریند خدای تعالی از آن کلمه مرغی سبز در بهشت بخورد از میوه
بهشت و بیاشامد از جویهای بهشت چون قبض کرده شود روح آن بنده بگوید آن مرغ
الهی بیافریدی مرا از تسبیح او پس بگردان روح او با من پس روح او را خدای تعالی
در حوصلهٔ آن مرغ کند و بچرد آن مرغ با آن روح در بوستانهای بهشت تا روز قیامت
ایضاً در تفسیر مبغ در حدیث است بدرستی که خدای تعالی ستونی آفریده است آن نور را او
زیر عرش و اسفل او بزیر هفتم زمین چون بنده بگوید کلمهٔ اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله آن ستون در جنبش آید پس بگوید خدای تعالی
ساکن شو پس آن ستون بگوید چگونه ساکن شوم مادام که نیامرزی گوینده این کلمه را از
تنبیه ابو اللیث رسول علیه السلام گفت یا جبرئیل چگونه باشد مردمان را روز قیامت
گفت بر زمینی سپید باشند که بر آن زمین گناه نکرده باشند هرگز جبرئیل علیه السلام گفت
انگاه چون دوزخ یکی خروشیدن بجوشد فرشتگان اندر عرش او ترسند هر فرشته
گوید یا رب هیچ چیزی نخواهم مگر خویشتن را او گوید همه که از هول دوزخ یا محمد
بیارند دوزخ را روز قیامت برابر او هفتاد هزار فرشته بود تا بدارند پیش
خدای تعالی ندا آید از خدای تعالی با دوزخ سخن گوی دوزخ بسخن آید گوید لا اله
الا الله بعزت و عظمت تو که امروز کینه بکشم از آن کسانیکه اندر دنیا روزی تو خوردند

و دیگر را

و دیگر را پرستیده اند از من هیچ کس در نگذرد جواز رسول علیه السلام گفت یا جبرئیل
جواز چه باشد گفت بشارت مر ترا یا محمد که امت تو با جواز آیند هر که بگوید لا اله الا الله
بگذرد از پل دوزخ رسول علیه السلام گفت شکر مر آن خدای را که الهام داد مر امت
را شهادت آن لا اله الا الله روایت کند انس بن مالک از رسول علیه السلام
که مر او را گفت یا رسول الله بهشت را بها چیست گفت گفتن قول لا اله الا الله بهای
بهشت است روایت کرده اند که مردی بوده اندر بنی اسرائیل عابدتر از همه عابدان
بنی اسرائیل و مردی بود فاسق تر از همه بنی اسرائیل این دو مرد را بزمانه مهلت
برآمد موسی را صلوات الله علیه خبر کردند که فلان عابد نقل کرد و نیز گفتند که فلان
فاسق نقل کرد موسی صلوات الله علیه تدبیر آن بکرد که بدین عابد نماز کند و بگور کند جبرئیل
آمد از خداوند جل و علا بگوید یا موسی جای این عابد در دوزخ است و جای این
فاسق اندر بهشت است موسی صلواة الله علیه در تعجب فرو ماند بعده موسی نزدیک
زن آن عابد آمد و پرسید از حال عابد گفت وی عابدترین از عابدان بود چنانکه
از شما پوشیده نیست موسی گفت عمل او چگونه بود زن گفت یا موسی چون اندر جامهٔ
خواب در آمدی گفتی نمیدانم که از آنچ موسی آورد نزدیک ما هم حق است موسی صلوات الله
چون آن بشنید از گور خویش بنید از این گفتار پس نزدیک زن فاسق آمد و پرسید
از حال مرد وی این زن گفت شوهر من فاسق ترین همه فاسقان بود چنانکه بر شما
پوشیده نیست موسی گفت ای زن اندر خانه کردار و عمل او چه بود زن گفت
چون پای در بستر خواب کردی از تخت بگفتی قول لا اله الا الله رسول علیه السلام گفت
هر که بگوید قول لا اله الا الله از دهان وی مرغی بیرون آید پس آن مرغ را دو پر سپید
بزر و یاقوت تافته باشد پران همی شود تا بزیر عرش و آن مرغ را بانگی بود چون
بانگ زنبور فرشتگان گویند بیارای مرغ مرغ گوید نیارایم تا گوینده مرا نیامرزی

وبهم حال جابر زند کو بنده قول لا اله الا الله را پس این مرغ را هفتاد هزار زبان
آفریند تا کو بنده خویش را آمرزش همی خواهد تا روز قیامت و چون روز قیامت
شود آن مرغ بیاید و دست کو بنده خویش را بگیرد و بهشت برد روایت کرده اند که
ابو ذر غفاری رضی الله عنه که من بگفتم یا رسول الله مرا کاری بیاموز که بهشت نزدیک
کرداند و از دوزخ دور کند رسول علیه السلام گفت یا اباذر چون از تو بدی آمد
جهد کن از پس آن نیکی تا وه چنه ان بود که گفتم یا رسول الله لا اله الا الله گفتن
از نیکی هست رسول علیه السلام گفت گفتن لا اله الا الله بر هم نیکیها است و در فقیه
ابو اللیث آورده است واجب است بر هم مردمان که بسیار بگویند قول لا اله الا الله
و از خدای عز و جل همی خواهند شب و روز که این قول را از ایشان باز نستانند
و کو بنده خود را از صعیقها نگاه دارند اندر دنیا بسیار نه که این قول میگویند چون
باخر عمر رسند از وی باز نستانند از سبب کارها و بد و خوی کناه و از دنیا برون
میروند با کافران معصیت هیچ بزرگتر از این که مردی بود نام وی از مسلمانان
اندر همه عمر خویش تا بمیرد قول لا اله الا الله نگوید چون روز قیامت شود بر خیزد تا وی
از کافران باشد بهشت چگونه حرمت از حرمتها بزرگ و حرمت آنجو د آنرا که بیرون آرند
او را از کنشت یا از آتش کده به دوزخ برند و لیکن حرمت سخت آن کس را بود که
از مسجد بیرون آرند و بآتش برند و این همه از سبب کاری بد است و بسیار کس است
که جزی از ان کسی بدست وی افتد آنرا بر خویش نفقه کند و کوید آنرا الخصم باز دهم و
بحلی خواهم ناگاه اندرین میان بمیرد پیش از انکه خصم خشنود شود و بسیار کس است
که میان حیفت وی حرامی افتاده باشد گوید چگونه بحل کنم آنرا که مادر فرزندان منست
از وی فرزندان زادم و برین کار مرا بالستید ناگاه مرگ اندر آید وی هم بدان
حرام بمیرد و باشد که ایمان از وی باز نستانند جهد کن ای برادر صلاح باز آور دن

کار خویش پیش از انکه مرگ آید و تو هیچ جز نا ساخته و تو نه ایدکه مرگ ناگاه آید بدان ای
برادر عمر کار اندک است و حرمت بسیار بر تو باد که بسیار بگویی قول لا اله الا الله
از قواید الاسلام بدانکه کلمه لا اله الا الله گفتن اول بوقت کرویدن فریضه است
بعده مکرر سنت است لا اله نفی اله باطل است و الا اثبات اله حق ای لا معبود للخلق
الا الله و لا الوهیت الا الله و لا واجب للمعبودیت الا الله یعنی نیست سزای پرستش
مگر خدای عز و جل و نیست و نبود و نباشد سزای خدای بجز خدای عز و جل و بدانک
بگفتن کلمه لا اله الا الله کفر صد ساله محو شود و باید که کلمه را ورد سازد تا اگر ازین
کس موجبات کفر در وجود آمده باشد برین کلمات تجدید ایمان شود و ایمان وی
مدام در نعمت بود و چون بگفتن این کلمه در حالت حیات عادت داشته باشد امید بود
که بوقت نزع همین کلمه بر زبان رود کما تعیشون تموتون و ختم کار وی بدین کلمه بود
و در خبر است من ختم بلا اله الا الله دخل الجنة نقل از کتاب تقویم هر که ایمان
آرد برسالت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بشناسد او را و نه داند که کدام محمد است پس او
به درستی که نباشد مومن و نباشد از امت او یعنی اگر نام پدر وجد محمد علیه السلام نه داند از
عقیده مولانا حافظ الدین به درستی که پیغامبر ما محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم
بن عبد المناف رسول است نامه شیخ المشایخ جلال الدین تبریزی بجانب شیخ الاسلام
شیخ بهاء الدین ذکریا قدس الله سره العزیز بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا
الله محمد رسول الله تبارک و تعالی برکات دلهای خواص که محرم اسرار این
کلمه طیب اند بروز کار آن عزیز احسن الله له فی الدارین و اکرم فی المنزلین برساند
دل عزیزان برادر را ذکر و رات محبت این خاکدان فانی که غار غرور است
نه و از مهر و رها کرده اند تا دیده دل کشاده کرده اند و باز نظر با آخرت نگرده که
که کارگاه حقیقی آنست مشتاق آن عالم پاک کرد دلش معلوم شد که رفتن بدان عالم

طیب یا آنکه کلمه گوید ممکن نگردد زیرا که او را از آن عالم فرستاده اند تا بنور آوازه
از تاریکی این خرابه خانه و ظلمت نفس نجات یابم و بدان عالم شاد مانند که جیبور زینم
چنانکه مهتر عالم علیه السلام میفرماید که مُعْتَنِمْ قول لا اله الا الله لیلی برادر باید که
دل و زبان در اثنا و گواهی این کلمه کرد اند چون از مخلوقات تنها ماند با آواز بلند
میگوید و چون در میان خلق باشد آهسته میگوید چنانکه کسی نشنود این کلمه را با لب که برده
حروف هست کار نیست ولب را جنبانند در بارگاه الله و در خلا و ملا هرجه که باشد
با او نباشد تا در آن وقت که بر حضرت الوهیت در رسد و بدان عالم خواند او
با تو باشد دلیل و راهبر جان تو گردد و ترا بدان جا و دان حضرت رساند
که فِي مَقْعَدِ الصِّدْقِ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ و آورده اند که در جمله درهای بهشت
اول این کلمه نبشته اند لا اله الا الله و در پنجم نبشته لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ
مَنْ أَرَادَ السَّلَامَةَ فِي الدَّارَيْنِ فَلْيَعْتَصِمْ بِقَوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ
از وسیلت القلوب در حدیث آمده است بروایت ابو هریره رضی الله عنه از رسول
علیه السلام هر که بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ و می شمرد و عقد میکرد
با انگشتان تا پنج انگشت بکرده اگر بمیرد او در آن روز یا در آن شب یا در آن ماه
که این کلمات گفته است بیامرزد خدای تعالی گناهان او را **فصل دوم در ذکر**
و فضیلت و تفکر و فضیلت خواندن قرآن و فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم از خلاصة
الحقایق رسول علیه السلام گفت خدای تعالی میفرماید من با بنده خودم چون او مرا یاد
میکند و در ذکر من هر دو لب را می جنباند و رسول علیه السلام فرموده ابو درداء رضی الله
عنه تفکر تو ساعتی نزدیک خلق که ذکر خدای تعالی میگویند بهتر است از عبادت هزار
سال و مومن چون بنشینند نزدیک قومی که ذکر خدای عز و جل گویند بگشاید خدای تعالی
بر آن مومن درهای رحمت و برنخیزد از آن مقام مگر آنکه خدای تعالی همه را بیامرزد پس

فصل اول در ذکر

مادر ملائکه

جنس منادی ندا کند که علما از سر گیرید بدرستی که بیامرزیدم جمله گناهان شما را و ابن
عباس روایت میکند از رسول علیه السلام که وحی کرد خدای تعالی سوی موسی صلوات
الله علیه بدرستی که من میخواهم که با تو جلیس شوم و با تو سخن گویم پس چون موسی این
سخن بشنید متعظم برخاست و بنشست پس وحی کرد خدای تعالی یا موسی چون تو مرا یاد
کردی بدرستی که من با تو جلیس شوم و خدای تعالی فرموده است که انا جلیس من ذکرنی
من جلیس اویم کسی که مرا یاد کند و کعب احبار گفت رضی الله عنه مومن را از شیطان سه حصار است
ذکر خدای تعالی و قراءة قرآن و مسجد و مروی است که مردی بیامد بخدمت رسول علیه السلام
و گفت یا رسول الله شرایع اسلام بسیار است و جستجوی کن مرا بچیزی اندک رسول صلی الله
علیه السلام فرمود باید که همیشه ترک نباشد بذکر خدای تعالی آن مرد گفت یا رسول الله
مرا این قدر بسنده بس و رسول علیه السلام فرمود بسنده مر ترا و در خبر است که جبرئیل علیه السلام
گفت مر رسول را بدرستی که خدای تعالی میفرماید بدادم مر امت ترا که ندادم امتی را از
از امتان پیشین رسول علیه السلام پرسید آن چیست یا جبرئیل گفت در کلام خود فرمود خدای
تعالی فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ جز این امت هیچ امتی را نگفته است **تعمیم منه** رسول
علیه السلام فرمود ذکر گویند مر خدای را ذکر جاهد گفتند یا رسول الله چیست ذکر جاهد گفتند
ذکر خفی **ایضا** پیغامبر گفت علیه السلام مر هر چیزی را صیقلی است و صیقل دل ذکر خدای تعالی است
ایضا پیغامبر علیه السلام گفت فرمود هر که مطیع باشد خدای را پس او ذکر گوید اگر چه
اندک باشد او را نماز و روزه و تلاوة قرآن و هر که عاصی شود خدای را پس فراموش
کرد خدای تعالی را اگر چه نماز و روزه و تلاوة قرآن او را بسیار بود و رسول علیه السلام
فرمود بهترین ذکر کلمه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ است و بهترین دعا الحمد لله و در مرصاد العباد آورده است
بسیار مشایخ کلمه لا اله الا الله اختیار کرده اند این کلمه را خاصیتی است در تنویر باطن
و در معرفت المریدین آورده است ذکر نامور میان مشایخ طبقات سه ذکر است

یکی لا اله الا الله محمد رسول الله دوم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر سیوم یا حی یا قیوم لیس کمثله شیء وهو السمیع العلیم اگر ذکر لا اله الا الله اختیار کند
نه بار لا اله الا الله وهم بار محمد رسول الله گوید اگر ذکر سبحان الله اختیار کند بیست
یکبار گوید وبعد از بیست یکبار گوید ارنا الهی خیرا ورشدا واگر ذکر یا حی یا قیوم اختیار
کند سی بار بگوید وبیشتر در وقت سحرگاه گوید بآواز بلند چنانکه وغیر آن نیز خطی کرنند وگ
گوید باری بشنوند وبرکت این چنین ذکر بسیار است وبعضی میگویند آهسته گوید اما کلمه الله
بآواز بلند گوید چندان ذکر بگوید که هر تار موئی که بر تن اوست زبان گردد وچنان پندارد
که گوئی همه جوارح زبان شده است ودر کفایه شعبی آورده است در هر موضعی وهر کاری
که تسمیه کند شیطان را در آن خلطی ونقصی نباشد بدرستی که در خبر است چون یکی از شما در خانه
آید شیطان هم دنبال او در خانه می آید چون در آمدن در خانه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
شیطان بگوید مرا اینجا محل نیست درین خانه چون طعام پیش آرند بگوید بسم الله شیطان
بگوید مرا درین طعام نصیبی نیست وهمچنین در طعام خوردن هم واگر بوقت خفتن بگوید بسم الله
شیطان بگوید خوابگاه من اینجا نیست پس شیطان بگوید چگونه باشد حال من در خانه
که مرا مسکونت نیست وطعام نیست وآب نیست واگر تسمیه ترک کند در آمدن خانه نگوید شیطان
برابر او در خانه در آید وهمچنین چون طعام بخورد وتسمیه نگوید شیطان در برابر او بخورد
وهمچنین در آب خوردن اول در کوزه آب شیطان دهن خود می نهد بعد از آن آب
خورنده واگر در وقت جماع حلال خود تسمیه نگوید شیطان برابر او جماع کند ودلیل محبت
این قول باری تعالی است وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ومشارکت در
اموال ودر اکل وشرب است اما مشارکت در اولاد هر فرزندی که معتوه وکم عقل و
عضوی از اعضاء او شکسته ومعیوب است آن از اثر شیطان است شیطان بگوید
خانه یافتم طعام وآب وخواب گاه می یابم از خانه این بیرون نیایم همچنین اگر وقت

[margin: البصیر]
[margin: بس]
[margin: المهیمن]
[margin: ور آب]

بیرون آمدن

بیرون آمدن از خانه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بگریزد از وی شیطان آورده اند
دیوی را دیو دیگر پیش آمد یکی از ایشان فربه بود ودیگر لاغر فربه پرسید مر لاغر را
که حالت این چنین چراست لاغر گفت من بر مردی می باشم اگر در خانه در می آید میگوید بسم الله
الرحمن الرحیم واگر از خانه می رود میگوید بسم الله واگر طعام وآب میخورد میگوید بسم الله
واگر خواب میکند میگوید بسم الله من از وی شب وروز گریزان می باشم پس لاغر پرسید
فربه را که حالت این چنین از کجاست که فربه وخوش می باشی پس او گفت من بر مردی
مسلط شده ام در خانه در می آید غافل وطعام وآب او می خورد وخواب میکند واز
خانه بیرون می آید بسم الله نمیگوید با او در همه شریک ام واگر از خانه بیرون می آید بر
گردن او سوار می شوم سنت است چون از خانه بیرون می آید بسم الله الرحمن الرحیم
توکلت علی الله وعلی ملت رسول الله حسبی الله ولا حول ولا قوة الا
بالله اللهم اعتصم دینی ودنیای وآخرتی بگوید هر کجا رود دولت به برابر او رود و
تا الکافة که در خانه باز آید از تفسیر ابن عباس گفت حق تعالی فرمود بگو ای محمد سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم عدد ما علم الله وزنة ما علم الله وملء ما علم الله
پس گفت هر که این بگوید نویسد مر او را حسنتش چنانکه ذاکرین الله کثیرا نویسند و
فضل این خبر از آن باشد که شب وروز مرضات او را ادا کنند واز بهر وی درخت
درختان نشانند وگناهان وی بریزند همچو برگ درختان که خشک باشند وخدای تعالی
برحمت نگرد وهر که او برحمت نگریست هرگز عذاب نکند او را منزلت اعلا دهد تکبیر مسنون
رسول علیه السلام فرمود صحابه را تکبیر بسیار گوید در گفتند از برای دشمنان گفت نه بلکه از
برای آتش دوزخ گفتند حبیب سپر ما از آتش رسول علیه السلام فرمود سبحان الله والحمد
لله تا آخر بگویند القصه پیغامبر علیه السلام گفت چون مرا معراج شد سوی آسمان پس بدیدم

ابراهیم خلیل الله صلوات الله علیه مرا گفت بگوی امت خود را تا بسیار کنند از
غراس بهشت بدرستی که خاک آن خوشبوی است و زمین آن فراخ است رسول الله
گفت من گفتم چیست غراس بهشت گفت سبحان الله تا آخر در خبر است که مردی گفت
یا رسول الله من قرآن خواندن نمیدانم مرا چیزی بیاموز که بدل قرآن بخوانم رسول
علیه السلام فرمود که بگوی سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر اعرابی بگفت
پس پرسید که بهرهٔ من چیست این همه حق است رسول علیه السلام فرمود که در عقب این بگوی
اللهم اغفر لی وارحمنی وعافنی **از ملفوظ** شیخ الاسلام فرید الحق والشرع والدین
قدس الله سره العزیز وقتی بخدمت شیخ شهاب الدین سهروردی حاضر بودم فرمود
که حق تعالی بنده را خواهد که دوست گیرد در ذکر بروی کشاده گرداند پس اورا
در رای فردانیت فرود آرد و محل او عظمت جلال باشد فرمود که حدیث است
ذکر مولی بجز زبان داشتن نشان ایمان است و بیزاری است از نفاق و حصاری است
او را از دیو و حرزی است او را از آتش دوزخ بعد از آن فرمود در زمین مشایخ
نبشته دیده ام چون مومنان دهان باز کنند بذکر خدای عز و جل شما را اجابت رزد
از تفسیر شفی پیغامبر فرمود علیه السلام هر که عاجز شود از شب که بیدار دارد نفس خود را
و دلیری ندارد که با دشمن جهاد کند و بخیلی کند در مال که آن را نفقه کند پس او ذکر
خدای تعالی بسیار گوید **از تفسیر منیر** سلاح مومن است بر ابلیس در ابتدای خوردن
طعام بگوید بسم الله و چون از طعام فارغ شود بگوید الحمد لله و چون گناهی کند استغفر الله
بگوید و چون قرآن بخواند بگوید اعوذ بالله و چون شیطان وسوسه کند بگوید لا اله
الا الله **ایضا** رسول علیه السلام فرمود که ذاکر میان غافلان چون مرد تیغ زن است
در میان گریزندگان **نقل است** از دعا یار رسول علیه السلام فرمود یا علی هر که هر روز
بیست و یکبار بگوید اللهم بارک لی فی الموت و فیما بعد الموت حساب

نکنند با او

حساب نکنند با او خدای عز و جل بدانچ داده است در دار دنیا از تنبیه ابو اللیث
اندر خبر است که موسی گفت علیه السلام یا رب چگونه دانم آنکس را که تو دوست داری
و آنکس را که تو دشمن داری ندا آمد که یا موسی هر آنکس را که من دوست دارم
اندر وی دو علامت پدید آرم اول آنکه الهام دهم بذکر خود تا یاد کند مرا پس فرشتگان
را فرمان دهم تا او را یاد کنند اندر آسمان او را نگاه دارم از جمله حرامها و از
چیزی که مستوجب خشم من شود و عذاب من بر وی فرود نیاید و باز چون بنده را دشمن
دارم اندر وی دو علامت پدید آرم اول آنکه ذکر خود بر زبان وی فراموش
گردانم و دیگر آنکه مر او را بر وی بگذارم تا اندر حرامها بیفتد ناگاه بینی که عذاب من
بر وی فرود آید **ایضا** روایت کرد ابو الفتح از پدر خود که مردی از اصحابه
رسول علیه السلام بر ستوری برنشست آن ستور بر آمد این مرد گفت لعنت بر تو باد
رسول علیه السلام بشنید گفت این چنین مگوی که چنین گفتار دیو بزرگ گردد چندان شود
که خانه از وی پر شود ولیکن بگوی بسم الله که دیو بدین کلمه ضعیف گردد **از خلاصة**
الحقایق ابو هریره رضی عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمود اهل آسمان خانها را اهل زمین
که دران ذکر میگویند روشن می بینند چنانکه اهل زمین ستارگان را می بینند **ایضا**
آورده اند که مردی در حج روان گردد در راه مسجد در آمد دو رکعت نماز بگذارد
و گفت الحمد لله علی کل حال پس هرگاه که حج بگذارد و باز گشت و هم دران مسجد در آمد
نماز گذارد و خواست تا بگوید الحمد لله علی کل حال آواز شنید که تو مشغول کردی
تو هفصد هزار فرشته آسمان را نبشتن ثواب حمد اول که تو گفته بودی هنوز فارغ نشده
اند و حاتم اصم گفت سلاح شیطان بر تو مدح کردن مردمان را و ثنا گفتن ایشان
و سلاح تو بر شیطان ذکر خدای عز و جل است **ایضا** خالصة الحقایق **سوال حق تعالی**
نفاق را بدی یاد کرد و پدید اگر در مقام منافقانه او در آتش پس از چه چیز بیرون آید

بنده از نفاق **جواب** ابو هریره رضی الله عنه روایت کرد از پیغامبر علیه السلام
هر که بسیار گوید ذکر خدای تعالی پس او بیزار باشد از نفاق **ایضا سوال** مومنان
مامورند بذکر گفتن کثیر چیست بیان کثرت در ذکر **جواب** ابو یزید بسطامی گفت
رحمة الله علیه ذکر کثیر نیست بشمار ولیکن بحضور دل بی غفلت **ایضا** ابو هریره گفت پیغامبر
فرمود علیه السلام چون بنده بگوید یا رب یا رب یا رب سه بار حق تعالی بگوید لبیک عبدی
فضیلت تفکر از تفسیر زاهدی تفکر سه است تفکر در عجایب نفس خود است تا آنرا با صلاح
باز آرد و این بمنزلت عبادت یکشبانه روزیست و تفکر در آلاء و نعماء باری تعالی
است و این بشکر و طاعت می آرد و این بمنزلت عبادت یک سال است و تفکر در آفرینش
آسمانها و زمین است و دلایل وحدانیت باری تعالی است و از این ثبات ایمان است
و آن بمنزلت عبادت شصت سال است **از تفسیر معنی** پیغامبر فرمود علیه السلام تفکر یک ساعت
بهتر از عبادت هفتاد سال است **ایضا** پیغامبر فرمود علیه السلام تفکر یک ساعت
بهتر از عبادت آدمیان و پریان است و آورده اند در بنی اسرائیل عابدی بود
سی سال عبادت کرده و در میان امتان اینچنین بود اگر مردی از ایشان سی
سال عبادت کردی خدای تعالی ابری بر وی سایه کردی تا بر سر او سایه
افکندی آن عابد چون سی سال عبادت کرد ابر آن ندید بمادر خود شکایت کرد
مادر گفت تو هیچ گناهی کرده در این سی سال گفت هیچ گناهی نکرده ام و قصد هم نکرده ام
بگناه مادرش گفت بسوی آسمان نظر کرده پس نظر باز داشت بفکرت گفت بسیار
بار همچنین کرده ام پس مادرش گفت کسی که اینچنین کند کرامت نیابد **فصل خواندن قرآن**
از تفسیر منیر در خبر است هر که قرآن پیش روی خود کرد او را بقیامت پیش او می رود
او را بسوی بهشت رهنمونی کند و هر که پس پشت انداز در قیامت پس او می آید و در گردن
او میزند تا او را بسوی دوزخ راند نعوذ بالله و در خبر است که عدد درجه بهشت برابر

بی غفلت

فصل در تفکر

قرآن خواندن است و گویند که اگر کسی همی قرآن داند یا آنچه داند و خواند پس ویرا گویند
اگر قرآن زیادت دانستی درجه تو زیادت بودی عقبه عامر گفت که از پیغامبر علیه السلام شنیده
ام هر که را قرآن خواندن نهان بود همچنان باشد که صدقه نهان دهد و هر که را قرآن
خواندن آشکارا بود همچنان بود که صدقه آشکارا دهد و اگر نهان خواند ثواب بیشتر و
فاضلتر و رسول علیه السلام فرمود شب معراج گناهان امت من بر من عرضه کردند ندیدم
از آن میان بزرگتر از آنکه کسی قرآن داند و نخواند و رسول علیه السلام فرمود هر که قرآن
بیاموزد و پس فراموش کند هر آیتی که فراموش کرده باشد درجه اول نام وی که بود
فرو نهند و روز قیامت قرآن بر وی خصمی کند و رسول علیه السلام فرمود هر که قرآن بیاموزد
و فراموش کند روز قیامت آنکس را بیارند بینی بریده و ابو حنیفه رضی الله عنه گفت هر که
ختم قرآن کند در سالی دو بار حق آن گذارده باشد از بهر آنکه پیغامبر علیه السلام گفت که جبرئیل
علیه السلام عرضه کرد قرآن بر من دو بار در آن سال که مرا فرمان حق تعالی رسید **خالصة
الحقایق** انس بن مالک رضی الله عنه گفت به رستی که پیغامبر علیه السلام فرمود عرضه کرده میشود
بر من اعمال و ثواب امت من تا حسنی را بیرون آرند مردمان از مسجد و عرضه کرده میشود
بر من گناه امت من پس نمی بینم هیچ گناهی بزرگتر از آیتی و سوره که کسی یاد کرده باشد و فراموش
کند آنچ شیخ امام احمد ابن حنبل رحمة الله علیه گفت که من بدیدم در خواب حضرت عزت را
هزار بار پس گفتم یا رب بکدام عبادت قربت بشود بندگان را بسوی خدای تعالی فرمود
یا احمد بتلاوة کلام من پس گفتم یا رب بفهم یا بغیر فهم حق تعالی یا احمد بفهم و بغیر فهم هیچ قرآنرا
فهم کند یا نکند و رسول علیه السلام فرمود اگر خواهی که خدای تعالی با تو سخن گوید پس قرآن
بخوان و اگر خواهی که تو با خدای تعالی سخن گویی پس نماز بگذار از تفسیر معنی در حدیث
است هر که بخواند هر شبی از قرآن سی آیه پس او نبشته نشود از غافلان و هر که بخواند
صد آیه مر او را ثواب قیام شب نبشته شود و هر که دویست آیه بخواند پس نبشته شود

او را از مطیعان و مخلصان و هر که چهارصد آیه بخواند بنویسند او را از عابدان
و هر که ششصد آیه بخواند بنویسند او را از عابدان و هر که هفتصد آیه بخواند بنویسند
او را از مطیعان و متواضعان و هر که هزار آیه بخواند بنویسند او را انجام او قنطار
و قنطار مال کثیر را گویند و بقولی پوست گاو پر زر را گویند آن قدر ثواب او را
بدهند هر که دو هزار آیه بخواند بنویسند او را از آن کسانکه ایشان نزد ایشان ثقلین وکیل
باشند **فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم** از صلوة مسعودی روایت میکند خواجه امام محمد
طیار رحمة الله علیه که فردا قیامت اهل عرصات چون مستوجب عقوبت شده باشند
و فرشتگان عذاب در ایشان آویخته باشند پیران جوانان را گویند که شما پیش باشید
که حال شما قوی تر است باز جوانان پیران را گویند شما پیش شوید در دنیا شما متعبدتر
بودید باز پیران زنان را گویند شما پیش باشید که شما ضعیف تر باشید که خداوند تعالی بر ضعیف
بخشاید همچنان میروند تا لب دوزخ بنده مومن چون در دنیا عبادت کرده باشد
بسم الله بسیار گفتی قدم در دوزخ نهد و گوید بسم الله الرحمن الرحیم آتش دوزخ
پانصد ساله راه از وی کرانه کند مالک خازن دوزخ بانک بر آتش زند که چرا نمی گیری
ایشانرا آتش گوید من ایشانرا چگونه گیرم نام پروردگار را رحمان و رحیم یاد میکنند خطاب
حضرت عزت در رسید که ایشان بندگان منند و آتش نیز بنده من چون آتش نام مرا
عزت میدارد من بقوت نام خود اولی ترم ببرکت بسم الله خداوند عز و جل همه را
از او کرداند بسم الله الرحمن الرحیم نوزده حرف است و زبانیه نیز نوزده
اند بنده مومن چون بسم الله گوید خداوند تعالی از نوزده زبانیه دوزخ نگاه
دارد ببرکت بسم الله الرحمن الرحیم و خواجه امام زاهد فخر الدین رحمة الله علیه
حدیثی روایت کرده است باسناد درست از پیغامبر علیه السلام که فرمود فردا قیامت
اُمَّنَّا و صُدِّقْنا از ان بنده از جریده اعمال او هفتصد بار بسم الله الرحمن الرحیم

فضل بسم الله

گفت برآید خداوند عز و جل آن بنده را از او کرداند **از خالصة الحقایق**
مرویست چون آدم صلوات الله علیه در دنیا آمد تیر رسید بر فرزندان خود از
عذاب چون بسم الله الرحمن الرحیم منزل شد گفت الحمد لله سلامت ماند
فرزندان من از عذاب خدای تعالی از زاد الارواح آورده اند که فرعون
پیش از آنکه دعوی خدائی کند بر در سرای خود بسم الله نوشته بود و بعد
آن چون دعوی خدائی کرد موسی صلوات الله علیه بروی آمد و دعوت کرد او را
باسلام او قبول نکرد چون او را فایده ندید هلاک وی دعا کرد ایزد تعالی وحی
کرد که یا موسی تو هلاک او میخواهی و نظر بر کفر او میکنی و من نظر کنم بسوی آنچ نبشته
اند بر در او پس کسی نبشته بود بسم الله الرحمن الرحیم در خانهٔ او ایمن باشد از هلاک
اگرچه او کافر بود پس مومنی که بسم الله نبشته است در صحیفهٔ دل یاد دارد و میگوید
می توان دانست که وی را چه کرامت بود **در خبر است که وحی کرد** خدای تعالی بموسی
موسی صلوات الله علیه هر نفسی که از دنیا بیرون می آید تشنه میرود مگر کسی که بسم الله
گفته باشد و مظفر دریا گفت از خضر علیه السلام پرسیدم فضیلت بسم الله الرحمن الرحیم
و فضیلت محمد است علیه السلام گفت ای مظفر در بار رسول علیه السلام گفت در شب
معراج از حق سبحانه و تعالی پرسیدم **الحکی** ترا با امت من فضل هست و منت
بسیار است کدام منت است که هیچ منت ورای آن نیست گفت ای محمد از امروز تا آن
زمان که دنیا برآید هر که از امت تو متولد شود او را نامی نهند که یک حرف از حروف
بسم الله الرحمن الرحیم از ده بیش نیست باقی مکرر است چون فردا قیامت
شود امنا و صدقنا و خلق اولین و آخرین حشر و نشر شود و فرمان وَاِنْ مِنْكُمْ
اِلَّا وَارِدُهَا در رسد و جملهٔ خلایق بحکم آن فرمان روی بدوزخ آرند چون
از امت تو کسی که یک حرف از حروف بسم الله الرحمن الرحیم در نام وی باشد قدم در دوزخ

یشد و دوزخ هزار سال راه از پیش قدم او بگریزد و آنکس که بسم الله بر زبان راند
از آتش دوزخ بر وی کامی کند آنکس که جمله قرآن از زبان راند بتوان دانست که منزلت
چه باشد و منظفر و ربا گفت از حضرت علیه السلام پرسیدم که مهتر عالم علیه السلام گفته است مومن
بهشت نرود مگر بجواز بسم الله الرحمن الرحیم گفتم جواز بسم الله الرحمن الرحیم چگونه
باشد گفت ای منظفر و ربا ترا درین سخن بگویم که کسی نشنوده است مگر من لقمان حکیم و پسر
لقمان حکیم و آنچنان بود که روزی لقمان حکیم پسر را پندی داد و هر کاری که ابتدا کنی
بگو بسم الله الرحمن الرحیم و هیچ کاری مکن مگر بگفتن بسم الله الرحمن الرحیم
لقمان پسر را پند داد و بر از ان روز رحمت حق پیوست گفت ای منظفر و ربا از لقمان حکیم
شنوده ام که بهشت را هشت در است معروف و یک در دیگر است نام آن در ربانست
و از ان در کسی دیگر نرود مگر روزه داران ماه رمضان و آن کسان که باخلاص
گفته باشند بسم الله الرحمن الرحیم از تفسیر منبع در حدیث است هر که بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
و کور نکند هر سه میم و ها را که در بسم الله الرحمن الرحیم با چشم بنویسد خدای تعالی بدهد هر
مر او را بدان نبشتن هزار هزار نیکی و محو گرداند از وی هزار هزار بدی و بر آورد
برای او هزار هزار درجه در بهشت و مروی است که ساق عرش بسم الله الرحمن الرحیم
نبشته اند و از ان چهار چشمه حق تعالی روان کرده است چشمه آب از میم بسم و چشمه شیر
از هاء الله و چشمه خمر از میم الرحمان و چشمه شهد از میم الرحیم این چهار چشمه
روان است و در حوض کوثر می رفتند و این حوض پیغامبر است علیه السلام و تخصیص این
چهار چیز مروی است که چون اهل بهشت در آیند در بهشت ایشان تلخی مرگ چشیده باشند
و دود آتش در آمده خایف و ضعیف شده بر ایشان اول آب دهند تا تازه و زنده
شوند پس از ان شیر دهند که حیات هر چیزی از آب است بعد از ان شیر دهند تا پرورش یابند
و ضعیف نگردند بعد از ان خمر دهند تا خوش شوند و اندوه و غم از باطن ایشان کلی

فصل استغفار ۳

بر و دود فراموش کند بعد از ان شهد دهند تا تندرست شوند و بیمار نباشند ورحمها
ایشان کلی برود و آورده اند مردی را سحر تعلیم کرده او را گفت نباید
که ذکر خدای تعالی جمل رود نگوئی تا ترا این سحر دست دهد آن مرد روزی
بمکتبی گذشت شنید که بچه میخواند بسم الله الرحمن الرحیم چون آن مرد از آنجا بگذشت
عمل سحر از وی برفت این حال کسی است که بسم الله شنیده است پس چگونه بود حال
کسی که بسم الله را بگوید و یاد دارد و پیغامبر علیه السلام فرمود بدرستی که چون معلم
بگوید مر صبی را بگوی بسم الله الرحمن الرحیم پس بگوید آن صبی بیزار شوی و بدهد
خدای تعالی از آتش دوزخ آن صبی را او مادر و پدر و معلم او را در استغفار از حدایق
الحقایق رسول علیه السلام فرمود بدرستی که هر دردی را دارو ی است و داروی
گناه استغفار است و در خبر است هیچ نیست از بنی آدم مگر او را دو صحیفه است و ملکان
عمل روزی مینویسند در صحیفه و دوم عمل شب پس می پیچند آن هر دو صحیفه را اگر در ان
هر دو صحیفه استغفار بیک گناهی باشد روشنائی نور او در ان صحیفه بتابد و اگر
استغفاری نباشد پس پیچیده آن هر دو صحیفه را سیاه و تاریک و رسول علیه السلام
فرمود هر که استغفار نگوید هر روزی دو بار به درستی که ظلم کرده باشد بر نفس خود
و رسول علیه السلام که معصوم بود سوگند یاد کرده است بخدای که من هر روز هفتاد
بار استغفار میگویم این از برای تعلیم امت را است و رسول علیه السلام فرمود هر که
استغفار گوید هیچ توبه نکند و او مصر بگناه نباشد اگر چه در ان روز هفتاد بار
باز همان گناه کند در خبر است ابلیس گفت من شکستم پشت بندگان خدای بگناهان و
وشکستند ایشان پشت مرا باستغفار از تفسیر منبع لقمان حکیم گفت مر پسر خود را ای
پسر مباش غافل بدرستی که خروس از تو زیرک تر است که ندا میکند در سحرگاه
و تو خفته باشی ایضا در حدیث آمده است سه صوت است که آن را دوست دارد خدای

تعالی یکی بانگ خروس دوم آواز خواندن قرآن سیوم آواز گویندگان استغفار
بسحرگاه ایضا پیغامبر علیه السلام فرمود خدای تعالی فرموده است هر که بداند که من
قادرم بر آمرزش بیامرزم من او را باک ندارم از روضة القلوب در حدیث
آمده است که گفت بخدای که من هر روزی هفتاد بار استغفار میگویم و توبه میکنم گفت
ای مردمان باز گردید بسوی حضرت عزت و توبه کنید که من هر روز صد بار توبه میکنم
و سوی حق باز میگردم و میگویم استغفر الله و اتوب الیه صد بار عبد الله عمر
گفت رضی الله عنه که بشمردم در مجلس رسول علیه السلام بر جای بگفت صد بار رب
اغفر لی و تب علی انک انت التواب الرحیم ه و در حدیث آمده است
حق تعالی عبادت نکرد اند بنده را گفتن اللهم اغفر لی الا که آن نشان است
که حق تعالی میخواهد که او را بیامرزد و در خبر است که خدای تعالی گفت موسی
را صلوات الله علیه یا موسی هر که استغفار گوید بسحرگاه آمرزش خواهد مر او را
هر جزی یا که بر آن آفتاب و ماهتاب می تابد تا ماهتاب در دریا یا موسی بدرستی
که من سوگند خورده ام که رحمت کنم و بیامرزم مر گناهکاری را که استغفار گوید بسحرگاه
یا موسی چون جمع شوند خلق اولین و آخرین جدا کنم اهل بهشت را از اهل دوزخ
بروزه ایام بیض و یا استغفار بسحرگاه یا موسی حق است آنچه من گفته ام بدرستی که
روزه داران ایام بیض و گویندگان استغفار بسحرگاه بمیرند سیراب و بخیزند سیراب
از گور و در آیند در بهشت سیراب و بیرون نروند از دنیا تا عرض کرده شود بر ایشان
از بهشت یا موسی گویندگان استغفار بسحرگاه روزه داران ایام بیض حشر کرده شوند
بر شتری از اشتران بهشت و رویهای ایشان تابان باشد چون ماه شب چهاردهم
و بدهم مر ایشان را برائت از آتش دوزخ و بیزاری از آتش و امان از عذاب
یا موسی گویندگان استغفار را بسحرگاه گران گردانم میزان ایشان روز قیامت

وثابت

وثابت گردانم قدم ایشان بر صراط و اگر بودم من در اول عمر ایشان نعمت خشنود
شوم از آخر عمر ایشان بگفتن استغفار ایشان بسحرگاه و در کتاب بحر [illegible] آورده
حکایت از محمد بن حسن رحمة الله علیه بدرستی که او گفت در آمدم من بمحمد بن منکر
صوری رحمة الله علیه و من در نفس خودی گفتم پس استغفر الله شنید آنرا پس شنیدن
فرمود چون نشستم نزدیک او مرا گفت که تو استغفار روان میگوئی این توبه
کاذبانست گفتم چگونه است گفت شاید مر استغفار را هفت چیز اول آنکه ندامت
بدل دوم فرمان برداری کند او امر باری تعالی را سیوم باز ایستد از آنچه خدای
تعالی نهی کرده است چهارم دریابد فوایت را پنجم ادا کند حق بندگان تا فارغ باشد
نفس او روز قیامت ششم گداختن نفس است بطاعتها هفتم آنکه بچشاند هر عضوی
را حلاوت طاعت چنانکه چشانیده است حلاوت معصیت پس چون بگوید بعد آن
استغفر الله باشد مر آن استغفار را بانگی چون بانگ زنبور انگبین بالا شود
بی حجاب از تفسیر مغنی در حدیث است هر که بگوید استغفر الله و اتوب الیه
بصدق از دل آمرزیده شود گناهان او و اگرچه رجوع کند باز بدان گناه و مقاتل
گفت که رسول علیه السلام اهل مکه را فرمود توبه کنید و استغفار گوئید ایشان فرمان
رسول نکردند و توبه و استغفار نگفتند حق تعالی ایشان را مبتلا کرد بقحط هفت سال تا
استخوان سوخته و سگان و مردار را بخوردند ایضا در حدیث است
هر که استغفار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه
آمرزیده شوند گناهان او و اگرچه مثل کف دریا گناه بود ایضا مروی است که مردی
بیامد بر حسن بن علی رضی الله عنه گفت من صاحب مالم و فرزندی ندارم مرا چیزی
تعلیم کن شاید خدای تعالی مرا فرزندی روزی کند گفت بر تو باد بگفتن استغفار
آن مرد هر روز استغفار بسیار می گفت چنانکه هفتصد بار هر روز بگفتی خدای تعالی

مرو را هر روزی کرداند از تفسیر منیر در حدیث است هر کرا بسیار نبود که صد
دهد پس استغفار گوید مر مومنین و مومنات را بدرستی که آن صدقه است سید رسول
علیه السلام فرمود هر که این استغفار در روزی یکبار بخواند که در آن روز یا شب از
شب الکاه بمیرد از اهل بهشت باشد و ابن عباس رضی الله عنه گفت که این استغفار
از زبان رسول علیه السلام شنیده ام در عقب هر نمازی فریضه ترک نداده ام و این
استغفار را ورد خود ساخته ام بعد نقل او را در خواب دیدند پرسیدند خدای
تعالی با تو با توچه کرد فرمود که بیامرزید و بهشت روزی کرداند از برکت این
استغفار که رسول علیه السلام فرموده بود استغفار اینست اللهم انت ربی لا اله
الا انت خلقتنی و انا عبدک و انا علی عهدک و وعدک ما استطعت
و اعوذ بک من شر ما صنعت و ابوء لک بنعمتک علی و ابوء لک بذنبی
فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت از تفسیر زاهدی استغفار
آدم صفی صلواة الله علیه چون از آدم علیه السلام را آن ذلت در وجود آمد او را
از بهشت به دنیا فرستادند سیصد سال بگریست بعد آن حق تعالی او را این استغفار
الهام کرد او را و بیاموخت تا چون آدم این استغفار بگفت حق تعالی او را بیامرزید
در کلام مجید خود میگوید فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه
و مروی است از امیر المومنین علی رضی الله عنه که با این استغفار هیچ گناهی نماند اگرچه
گناهان او بیش از ریگ بیابان و موج دریا باشد استغفار اینست لا اله
الا انت سبحانک و بحمدک رب عملت سوءا و ظلمت نفسی فا
غفر لی فانت خیر الغافرین لا اله الا انت سبحانک و بحمدک
رب عملت سوءا و ظلمت نفسی فتب علی انک انت التواب الرحیم
لا اله الا انت سبحانک و بحمدک رب عملت سوءا و ظلمت نفسی

فارحمنی

فارحمنی فانت خیر الراحمین در خلاصة الصلواة آورده است
رسول علیه السلام فرمود هر که را نباشد نماز او مثل نماز من آن نماز مردود
بر صاحب نماز بود پرسیدند یا رسول الله چگونه گذاریم مثل نماز تو پس رسول علیه السلام
فرمود هر که این استغفار بعد آنکه گذارده است سه بار بگوید نماز او مثل نماز من
گفتند یا رسول الله این استغفار کدام است رسول علیه السلام فرمود این را اسناد
بسیار است در سحرگاه و بعد از هر نماز سه بار بخواند استغفار اینست اللهم
انی استغفرک من کل ذنب اذنبته عمدا او خطاء سرا او
علانیة و اتوب الیک من ذنب الذی اعلم و من
ذنب الذی لا اعلم و انت علام الغیوب از تفسیر منیر و حیاة
العلوم در خبر است هر که هر روز مومنانرا آمرزش خواهد بیست و شش بار هر روز
این استغفار بگوید ایزد تعالی هم خصمان وی را خشنود کرداند اگر هم روی زمین
خصم او باشد خدای تعالی همه را خشنود کرداند او را خبر نباشد که هم مومنان
در حق او شفاعت کنند استغفار اینست اللهم اغفر للمومنین و المومنات
و المسلمین و المسلمات حیهم و میتهم شاهدهم و غایبهم
و صغیرهم و کبیرهم و ذکرهم و انثاهم انک تعلم منقلبهم
و مثواهم انک علی کل شیء قدیر از خلاصة الحقایق
ابن عباس رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرموده است هر که استغفار گوید
مر مومنان و مومنات را در هر روزی بیست و پنج بار بیرون آرد خدای تعالی
از غل و غش از سینه او و بپوشد او را از ابدالان الصفا مرویست که رسول
علیه السلام بعیادت مریضی برفت از انصار و او در حالت نزع بود پس پیغامبر
علیه السلام گفت او را توبه کن زبان او مانده بود کار نمی کرد پیغامبر علیه السلام

بگریست چون آنچنان حال بدید که توبه نمی توانست کرد پس ساعتی پیغامبر علیه السلام
تبسم کرد عمر خطاب رضی الله عنه ازین سوال کرد پیغامبر علیه السلام فرمود تعجب کردم
از فضل خدای تعالی بدرستی که مریض را زبان بتوبه کار نمی کرد سر بسوی آسمان
برداشت و در دل تفکر و ندامت آورد پس خدای تعالی این را بدان بیامرزید
و گفت بدرستی که بنده من عاجز است بزبان از گفتن توبه و من میدانم ندامت
دل او را پس بیامرزیدم او را ایضا ابو عبد الله بن ابو حفص گفت که پدر من
بیماری در آمد و من برابر او بودم و آن مریض در حالت نزع بود پس گفت آن
مریض را یا ابا محمد بگو استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه آن مریض
بسیار جهد کرد و بکوشید و این استغفار گفت و نقل کرد بعد آن او را در خواب
دیدند و از حال وی پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد گفت مرا بیامرزید گفتند
بکدام چیز گفت بتلقین ابو حفص و ابو عبد الله گفت پدر من هر بار همین گفتی اگر با مریض
ملاقات شود این استغفار تلقین کند که دو چیز درین جمع است هم استغفار و هم
ذکر و اگر کلمه تهلیل تلقین کند شاید که از هیبت مرگ او را گفتن گران نماید نعوذ
بالله منها **فصل چهارم در وردها** از اوراد چون صبح صادق بدمد سه آیه از اول
سوره انعام بخوانند و این آیه بخوانند فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ
سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
و این دعا بخوانند الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِاللَّيْلِ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ
وَجَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ اللَّهُمَّ هَٰذَا خَلْقٌ جَدِيدٌ
وَيَوْمٌ جَدِيدٌ فَافْتَحْ عَلَيَّ بِطَاعَتِكَ وَاخْتِمْ لِي بِمَغْفِرَتِكَ
وَرِضْوَانِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِ حَسَنَةً تَقَبَّلْهَا مِنِّي وَزَكِّهَا وَضَعِّفْهَا
وَمَا عَمِلْتُ فِيهِ مِنْ سَيِّئَةٍ فَاغْفِرْهَا لِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي

انک غفور

إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ **اللَّهُمَّ** اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي
وَأَجِرْنِي وَارْزُقْنِي وَعَافِنِي وَاعْفُ عَنِّي
سفیان ثوری گفت رضی الله عنه هر که بامداد کند و تضرع کند بخدای تعالی
بدین سه دعا بدرستی که غرق نشود در دریا و فتنه و تباه هلاک نشود و اول دعا بگوید
يَا رَبِّ أَنْتَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ عَالِمٌ وَأَنَا عَبْدُكَ جَاهِلٌ
أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي عِلْمًا نَافِعًا حَتَّى أَعْبُدَكَ
بِعِلْمِكَ وَإِلَّا هَلَكْتُ **دوم** دعا بگوید يَا رَبِّ أَنْتَ إِلَٰهٌ
غَنِيٌّ وَأَنَا عَبْدُكَ فَقِيرٌ أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْفَظَنِي
حَتَّى لَا أَذِلَّ مَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ أَمْرِ
الدُّنْيَا وَإِلَّا هَلَكْتُ **سوم** دعا بگوید يَا رَبِّ أَنْتَ إِلَٰهٌ قَوِيٌّ
وَأَنَا عَبْدُكَ ضَعِيفٌ أَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي حَتَّى أَغْلِبَ
الشَّيْطَانَ بِقُوَّتِكَ وَإِلَّا هَلَكْتُ و مروی است از پیغامبر علیه
السلام هر که بامداد کند و این چهار تحمیدات بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ النَّهَارَ مُبْصِرًا
بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
رَزَقَنَا مَعْرِفَتَهُ وَلَمْ يَجْعَلْنَا عُمْيَانَ الْقُلُوبِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ عَلَيْنَا عُيُوبَنَا وَرَزَقَنَا
بِيَدِهِ وَلَمْ يَجْعَلْهَا بِيَدِ غَيْرِهِ **از ملفوظ** ملک المشایخ مولانا
فرید الحق والشرع والدین قدس الله سره العزیز فرمود مذکور است بعضی بنده
آدم چو اینجا بود و از حد فاسق بوده و در معصیت بودی اما وقت صبح و وقت خفتن
این آیه بسیار خواندی بعد از ان در کلمه دیگر مشغول شدی الوزن خیال شد که ا

جوان فقاک کرد بعد از قفل او را در خواب دیدند در بهشت میخرامید خلق را عجب آمد
از ان جوان پرسیدند که این دولت از کجا یافتی جواب داد من اکرچه بد بوده بودم
یک کاری کردم وقت صبح و وقت خفتن کلمه ما شاء الله لا قوة الا
بالله بسیار گفتمی پرسعادت که یافتم از گفتن این کلمه یافتم و آورده اند در فوائد
الفواد و در ادام المعاد هر که بامداد از بستر خواب برخیزد و هفت بار سوره فاتحه
با لتسمیه بخواند و بر اطراف خود بدمد حق تعالی او را در ان روز از شر ده هزار
بلا نگاه دارد از تفسیر منیر الی مالک گفت که پیغامبر علیه السلام فرموده است هیچکس از امت
من نباشد که بامداد برخیزد و ده بار بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم
من الشیطان الرجیم و اعوذ بک رب ان یحضرون
که خدای عز و جل فرشته بگمارد تا شیطان را از وی دور دارد و تا شب نگاه
دارد و اگر در شب نگاه خواند تا بامداد نگاه دارد و ابن عمر رضی الله عنه روایت کرد
که مردی جامه نزد یک رسول علیه السلام وار آمد و گفت یا نبی الله دنیا از من
روی بگردانیده است و هیچ چیز ندانم و حاجتی بر من سخت است پس رسول علیه السلام فرمود
کجایی تو از نماز ملائکه و تسبیح خلایق که بدان روزی از آسمان باید کم
بعد از دمیدن صبح و پیش از گزاردن سنت نماز بامداد صد بار این تسبیح بگوی تسبیح
اینست سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم و بحمده
استغفر الله و اتوب الیه دنیا به تو روی آورد خوار شده و هر بار که این تسبیح
بگوید حق تعالی از تسبیح و دعای که کند ثواب آن در نامه این گوینده می نویسند و پس
روز کار دعی بگذرد و الحمد که در وساخته باشد توانگر شود و از دو خلق این بی نیاز
کرد و از تفسیر مغنی دو کلمه است که دوست اند نزدیک رحمان و سبک اند بر زبان
و گران اند در میزان آن دو کلمه اینست سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم و بحمده

از مشارق پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بگوید بامداد و شبانگاه سبحان الله و بحمده
صد بار نیاید یکی از روز قیامت فاضلتر از وی مگر کسی که باخلاص این تسبیح گفته باشد
و از وی زیادت گفته باشد و هر که این تسبیح صد بار بگوید محو شود گناه او اگرچه گناه
مانند کف دریا باشد الف پیغامبر فرمود علیه السلام هر که بگوید لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و هو
علی کل شیء قدیر روزی صد بار باشد او را ثواب آزاد کردن
ده برده و نبشته شود در دیوان او صد نیکی و پاک کرده شود صد بدی و باشد
مر او را حصاری از شیطان آن روز تا شب و نیاید فاضلتر از روز قیامت
مگر مردی که زیادت گفته باشد از وی و در فواید الفواد آورده است هر که
این کلمه بگوید هر روز صد بار بیابد اسباب خوش بهشت و خوش زید و در ترغیب الصلوة
آورده است خواجه امام زاهد فخر الدین رحمة الله علیه حدیثی روایت کرده است باسناد
درست تا به رسول علیه السلام که بنده مومن چون بامداد برخیزد ده بار بگوید اعوذ
بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم
خداوند عز و جل فرشتگان فرستد تا آن بنده را از شر دیوان نگاه دارند و در حدیث
دیگر آمده است که مومن چون بامداد برخیزد دیوان در وی آویزند چنانکه زنبوران
در عسل چون او بگوید اعوذ بالله العظیم من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم خدای عز و جل فرشتگان فرستد تا دیوان را از این
بنده برانند چنانکه باد برگ درختان بکس برانند اما از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید
الدین قدس الله سره العزیز بلفظ مبارک راند که در اوراد شیخ معین الدین
سجزی رحمة الله علیه نبشته دیدم بروایت ابن مسعود رضی الله عنه هر که ده آیت از
سوره بقره بدین ترتیب که چهار آیة اول و آیة الکرسی و دو آیة بعد از آیة الکرسی

وسه آیه از آخر سوره بقره بخواند هر روز شیطان در خانه در نرود تا شب و اگر
شب بخواند در نرود تا روز در روی است که رسول علیه السلام گفت خدای تعالی
فرمود بگوی ای محمد مر امت خود را تا بگویند لا حول و لا قوة الا بالله
ده بار نزدیک صبح و ده بار نزدیک در آمدن شب و ده بار وقت خفتن خدای
تعالی گفت دفع کنم وقت خواب بلاهای دنیا و نزدیک کید شیطان و بوقت صبح ایمن
باشد از غضب من از روضة القلوب در حدیث آمده است هر که بامداد کند ده بار
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
صد فرشته آن روز عبادت خود وهد به کنند هر که بوقت خفتن در شب ده بار بگوید
بیرون آید از گناه چنانکه از مادر زاده باشد از منافع جعفر صادق رضی الله عنه
هر که سوره حجرات بنویسد با خود دارد یا بخواند در بامداد و شب آنگاه ایمن باشد از
وسوسه شیطان و امرزیده شود از آن گناه که در آن شب و روز کرده باشد
از تفسیر منور رسول علیه السلام فرمود مر صحابه را که شما عاجز می آیید که عهد کنید با خدای
تعالی عهدی در هر بامدادی و شبانگاهی اللهم فاطر السموات
والارض عالم الغیب والشهادة انی اعهد الیک
فی هذه الحیوة الدنیا بانی اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا
عبدک و رسولک ان لا تکلنی الی نفسی فانک ان
تکلنی الی نفسی تقربنی من الشر و تباعدنی من الخیر و
وانی لا اثق الا برحمتک و اجعل عندک عهدا انک
توفینیه یوم القیامة انک لا تخلف المیعاد چون بنده
این بگوید فرشته بفرمان خدای تعالی این را مهر کند و در زیر عرش بنهد پس چون

روز قیامت شود منادی ندا کند کجا اند آنکسان که مرا نزد است نزدیک ضمانت
عهد در آید و بهشت ایضا از تفسیر مخفی رسول علیه السلام فرمود هر که بگوید در
بامداد و شب آنگاه ده بار این دعا لا اله الا الله و الله اکبر
و سبحان الله و بحمده استغفر الله و لا حول و لا قوة الا بالله
الاول الآخر الظاهر الباطن بیده الخیر یحیی و یمیت
وهو علی کل شیء قدیر بدهد خدای تعالی مر او را شش خصلت اول
آنکه نگاه دارد او را از ابلیس و لشکر او دوم کرد برکه داود و آزده فرشته باشد
تا او را نگاه دارد سیوم گران گرداند میزان حساب چهارم برآرد برای درجه
در بهشت که آن را آراسته و پرند نیکوکاران پنجم بزنی دهد او را از حوران در بهشت
ششم ثواب دهد مر او را ثواب خواننده قرآن و توریت و انجیل باشد مر او را
حج و عمره مقبول و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد نقل از وصایا رسول علیه السلام
فرمود یا علیا هر که ذکر خدای تعالی پیش از صبح و بعد طلوع آفتاب و پیش از غروب
گوید شرم دارد پروردگار ما که عذاب کند او را باتش اگرچه برسد گناه او بعدد
ستارگان آسمان بهفتاد بار از تفسیر ابو اللیث رسول علیه السلام فرمود هر که بامداد
برخیزد و بزرگترین اندوه وی یاد دنیا بود خدای تعالی اندر وی سه خصلت
بنهد اول اندوهی که بریده نشود از وی هرگز دوم شغلی که از وی فارغ نبود
و سیوم درویشی که پایان نرسد از روضة القلوب در حدیث آمده است من نام حتی
اصبح بال الشیطان فی اذنیه هر که بخسپد همچنان خفته باشد تا صبح بمد شیطان
در گوشهای وی بول کند چون خفتن و سخن گفتن و نماز بطوع کردن در آن وقت
کراهیت دارد و لیکن بذکر و تسبیح مشغول باید بود تا اول روز بر تو مبارک گردد و آخر
آن در روزی و در عمر و علم و عمل خود دیده شود از خالصة الحقایق سلیمان دارانی

گفت شنیده ام صالح بن عبد الجلیل که او گفت وحی کرد خدای تعالی سوی داود
پیغامبر علیه السلام گفت یا داود بعزت و جلال من که من نظر میکنم در روی پیر هر
بامداد و شبانگاهی و میگویم عزاورا ای بندهٔ من موی تو سپید شد و استخوان
تو باریک و تن تو ضعیف و عمر تو بزرگ گشت و هنگام آن رسید که آمدن تو بر من باشد
پس شرم دار از من بدرستی که من شرم میدارم از تو **فصل نهم در فضیلت درود و نقل**
از ملفوظ ملک المشایخ مولانا اولیاء فرید الحق والشرع والدین قدس الله سره العزیز بر لفظ
مبارک راند که در آثار مشایخ آمده است و نبشته دیده ام هر که یکبار صلوات
بر رسول علیه السلام فرستد همچنان باشد که ده هزار گناه آن کو بی این زمان از مادر
زاده شده است و صد هزار نیکی در نامهٔ اعمال او بنویسند بعد از آن هم درین محل
فرمود که وقتی هارون الرشید نور الله مرقده را زحمت شده بود چنانکه یکسال آن خلش
ماه در زحمت بود برین شد که در حالت نزع آمد قضا شیخ ابوبکر شبلی رحمة الله علیه
در پیش در میگذشت این خبر بسمع هارون الرشید رسید که امام ابوبکر شبلی میگذرد او را
کسان را فرستاد و بعزت تمام خواجه شبلی را بالا بردند همین که هارون الرشید بدید
گفت خاطر جمع دار اکنون نیکو شدی یکبار این درود بخوان در ساعت هارون الرشید
بدمید دست بر روی فرود آورد در حال هارون الرشید از زحمت نیکو شد آخر معلوم
شد که یکبار این درود خوانده بود از برکت این درود صحت یافت بعد از آن
شیخ الاسلام بر لفظ مبارک راند که اینکس را می باید درود بسیار فرستد اگر این
پنج درود بهتر بود که این درود بهترین همه درودهاست و فاضلتر از همه ثواب
اگرچه درود دیگر است فاما در هر درودی خصلتی است دیگر است و این پنج درود است
اللهم صل علی محمد بعدد من صلی علیه و صل علی
محمد بعدد من لم یصل علیه و صل علی محمد کما

تحب و ترضی ان تصل علیه و صل علی محمد کما
ینبغی الصلوة علیه و صل علی محمد کما امرتنا
بالصلوة علیه آنگاه شیخ الاسلام بر لفظ مبارک راند که این از
آن گفتم که مولانا فقیه ابوالحسن یحیی زندولیسی رحمة الله علیه در روضه خود این
دو فضیلت نبشته است اول امام مسلمانان امام شافعی را رحمة الله علیه بعد نقل
بخواب دیدند پرسیدند که خدای تعالی با شما چه کرد امام شافعی فرمود حضرت
عزت جل جلاله مرا بیامرزید از برکت این پنج درود بر خواجه عالم فرستادم
اما فضیلت دوم اینست که روزی مصطفی صلی الله علیه و سلم نشسته بود و یاران گرد
بر گرد ابوبکر صدیق رضی الله عنه طرف راست بود جوانی بیامد خواجه عالم علیه السلام
فرمان داد تا بالاتر از ابوبکر بنشیند ابوبکر متامل شد یاران دانستند مگر این جوان
بهتر است حضرت پیغامبر علیه السلام روی سوی ابوبکر کرد و گفت ابوبکر صدیق این مردی
آن قدر درود که بر من میفرستد هیچکس نمی فرستد ابوبکر صدیق گفت یا رسول الله
مگر این جوان طعام و آب نمی خورد و هیچ مصلحتی دیگر مشغول نمی شود بجز درود رسول
علیه السلام فرمود طعام و آب میخورد و بمصالح خود مشغول می باشد اما یکبار درود در
روز بر من میفرستد و یکبار در شب همین طریق که بالا گفته شده است **از تفسیر مغنی**
رسول علیه السلام فرمود نه نشیند قومی در مجلسی پس برخیزند و متفرق شوند بغیر آنکه
بر من صلوة فرستند نه خیزند مگر آنکه بابوی گنده از مردار گنده تر و رسول علیه السلام
فرمود هر که درود من در کتاب بنویسد فرشتگان همه او را آمرزش خواهند مادام
که نام من در کتاب بنویسد فرشتگان در آن کتاب باشند و رسول علیه السلام فرمود
بر من این درود بگوید اللهم صل علی محمد فی الانبیاء و علی اسمه فی
الاسماء و علی جسده فی الاجساد و علی قبره فی القبور و علی

روحه في الارواح نبشته شود در صحیفه او هزار نیکی و پاک کرده
شود هزار بدی و بر آورده شود برای او هزار درجه و رسول علیه السلام فرمود
هر که درود گوید بر من در روزی صد بار روا کرده شود مر او را از آن روز
صد حاجت و هر که فراموش کند درود بر من پس به درستی که گم کرده باشد راه بهشت را
الضیا تفسیر مغنی رسول علیه السلام فرمود هر که درود گوید بر من بیافریند خدای
تعالی از آن درود فرشته را که مر او را دو جناح باشد یک جناح تا مشرق و دوم
جناح تا مغرب و سر او بزیر عرش باشد و او بگوید ای بار خدای درود گوی بر بنده
تو ما دام که او درود بگوید بر پیغامبر تو از تفسیر منیر پیغامبر علیه السلام فرمود مومن
نباشد کسی که من نیز دوست تر از تن و مال وی و فرزندان وی و هم
آدمیان نباشم و در خبر دیگر هیچکس حلاوت ایمان نیابد تا مگر که من نزد وی
دوست تر از مادر و پدر و فرزندان و عیال و تن وی نباشم و از هم آدمیان
نیز از تفسیر منیر رسول علیه السلام فرمود چون من یاد کرده شوم نزدیک کسی و او درود
بر من نفرستد در آید در دوزخ و دور بود از رحمت خدای تعالی و رسول علیه السلام
فرمود به درستی که خدای تعالی موکل کرده است بر من دو فرشته را او دعا
می کنند و آمرزش میخواهند و میگویند خدای تعالی مر ترا بیامرزد و فرشتگان
آمین میگویند و رسول علیه السلام گفت هر که درود گوید بر من یکبار درود گوید خدای
تعالی بر وی ده بار و هر که درود گوید بر من ده بار درود گوید خدای تعالی بر وی
صد بار و هر که درود گوید بر من صد بار برهد او را خدای تعالی برائتی از نفاق و برائة
از آتش و ساکن گرداند او را روز قیامت با شهیدان و شیخ عبد الله در کتاب
شرف النبی آورده است هر مومنی که روز قیامت در بهشت آید نام محمد بر پیشانی او نقش
بیند او را بگذرانند و اگر نام نه بیند بگذارد و هر پیغامبری را که کاری پیش آمدی نام

محمد را شفیع آوردندی از کفایه شعبی رسول علیه السلام فرمود هر که درود گوید بر من
یکبار درود گویم من بر وی ده بار روا کرده اند از کفایه شعبی که ابراهیم نخعی را اشنا
شاکردی فقیه نقل کرد او را بخواب دیدند و در بن او کلام مجوس بود از وی سوال
کردند که ترا چه رسید که برین حال می بینم جواب داد که چون من نام محمد علیه السلام می گفتم
درود نمی فرستادم از شومی آن حق تعالی عقوبت کرد مرا [illegible] متوقف از تفسیر مغنی
آورده اند حمزه بن محمود گفت که من می نبشتم حدیث رسول علیه السلام می نبشتم پس
رسول علیه السلام را بخواب دیدم مرا گفت یا حمزه چیست مر ترا که تمام نمی کنی درود بر من
حمزه میگوید بعد آن نه نبشتم مگر درود و سلام تمام و در خبر است رسول علیه السلام فرمود
ای بار خدای هر که مرا دوست دارد روزی ده او را به قدر کفاف و پارسائی
و هر که دشمن دارد مرا پس زیادت کند مال او و فرزندان از وصایا رسول علیه السلام
فرمود یا علی هر که درود فرستد هر روزی و هر شبی بر من صد بار و دو بار گفت واجب
شود مر او را شفاعت من اگرچه او از اهل کبایر باشد از تنبیه ابو اللیث روایت
میکند از فقیه ابو جعفر که رسول علیه السلام گفت هر که صلوة دادن بر من فراموش
کند راه بهشت گم کرده باشد از وسیلت القلوب ابا کعب گفت رضی الله عنه که من
پرسیدم از رسول علیه السلام که چه فرمائی یا رسول الله اگر من دعا خود را چهار قسم
کنم یک قسم از آن صلوات گویم بر تو گفت اگر زیادت کنی ترا بهتر گفتم اگر دو قسم کنم
صلوات گویم گفت اگر زیادت کنی ترا بهتر گفتم اگر سه قسم گویم گفت اگر زیادت کنی ترا
بهتر گفتم اگر چهار قسم صلوات گویم گفت چون چنین کردی آنگاه همه مهمات تو کفایت
شود و گناهان تو آمرزیده شود دلیل مومن را ایمان دو غم است یکی کفایت مهمات
و یکی کفارت سیئات چون هرد و غرض ازین یک کار بر می آید آن را
لازم باید گرفت از تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بمیرد بر محبت محمد و محبت

آل محمد شهید مرده باشد و مغفور بمیرد و تایب مرده باشد و مومن بمیرد و با کمال ایمان
بمیرد و با سنت و جماعت بمیرد و بشارت دهد ملک الموت او را بهشت و با عزاز
و اکرام او را در بهشت برند چنانکه عروس را در خانه شوهر کنند و منور دارد او را در گور
و سوی بهشت دور او مزار کاه فرشتگان رحمت باشد و هر که بمیرد بر بغض آل
محمد بیاید روز قیامت و نبشته باشند در پیشانی او نومیدست این از رحمت خدای
کافر بمیرد و بوی بهشت نیابد آورده اند که دختری داشت او لعبت بازی میکرد
یک روز آن مرد برخاست و جمله لعبت بازی او بستد و یکان یکان لعبت را در
آتش می انداخت یک لعبتی بود میان آن او را شنیده شد ان دو محمد کرده بود
چون آن لعبت را دید از جهت حرمت و محمد مناسبت سادات در آتش نه
انداخت چون آن مرد نقل کرد او را بخواب دیدند پرسیدند که چگونه است
حال تو گفت چون مرا در پیش کرسی قضا بردند من ترسان بودم فرمان آمد
از حضرت عزت که ما ترا بیامرزیدیم بدان تعظیم و محمد مناسبت سادات
که لعبت را نسوختی باب دوم در فضیلت وضو و غسل و نیت داشتن موی
لب و مسواک مشتمل بر سه فصل فصل اول در فضیلت وضو و غسل باید که
مدام با وضو باشد و خود را عادت کند با وضو بودن زیرا که هر که با وضو باشد
بهیچ بلایی مبتلا نشود و هر کرا بلایی برسد و او بی وضو باشد ملامت نکند مگر نفس خود
را چنانکه پیغامبر علیه السلام فرموده مَنْ أَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ وَهُوَ مُحْدِثٌ فَلَا
يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ و پیغامبر علیه السلام فرمود فرشتگان آمرزش خواهند کسی را
که با وضو است مادام که حدث نرسیده قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ مَاتَ
عَلَى الْوُضُوءِ مَاتَ شَهِيدًا هر که با وضو بمیرد شهید مرده باشد و قال علیه وضو
علیه السلام الوضوء سلاح المؤمن پیغامبر فرمود علیه السلام وضو حصار مومن است

چون با سلاح باشد هیچ دشمنی بر وی دست نیابد از خالصة الحقایق رسول علیه السلام
فرمود هر که وضو کند و دعا کند آن موضع او را تا روز قیامت وزن کنند اعمال او
پس راجح آید سیئات او بر حسنات او پس جای بر رند پاره جامه که بدان بعد وضو و غسل
روی و اعضا پاک کرده باشد در پله حسنات نهند پس راجح آید حسنات او و لهذا مکروه
نیست نزدیک ابو حنیفه رحمة الله علیه مسح وضو و غسل بخرقه جامه و رسول علیه السلام فرمود
هر که با وضو بخسبد برابر او در جامه خواب دو فرشته باشند پس بیدار نشود آن بنده
از خواب ساعتی از شب مگر آن فرشتگان دعا کنند مر او را و گویند ای بار خدای بیامرز
این فلان بنده را که او با وضو خفته است از صلوة مسعودی رسول علیه السلام فرمود
که من از پروردگار خود جل جلاله شنیده ام هر کرا حدث رسد و وضو نکند بدرستی که جفا
کرده باشد بر من و هر کرا حدث رسد و وضو کند و دو رکعت نماز نگذارد به درستی که
بر من جفا کرده باشد و هر کرا حدث رسد و وضو کند و دو رکعت نماز بگذارد و حاجت
دینی و دنیاوی خود بخواهد اگر من اجابت نکنم بدرستی که جفا کرده باشم و نیستم من بر
پروردگار جفا کننده این حدیث بر طریق وعده است نه بر طریق وجوب که اصلح بنده
بر حق واجب نیست و حکم حق مرتبه را اجتبیه از خالصة الحقایق از اهل معرفت
گفته اند هر که مدام با وضو باشد گرامی کند او را خدای تعالی بهفت خصال اول رغبت
کنند فرشتگان در صحبت او دوم همیشه تر باشد قلم کاتبان اعمال از نبشتن ثواب
سیوم تسبیح گویند اعضاء او و جوارح او چهارم تکبیر اولی از وی فوت نشود پنجم
چون بخسبد حق تعالی فرشتگان فرستد تا او را نگاه دارند از شر آدمیان و پریان
ششم آسان کند خدای تعالی بر وی سختی و دشواری جان کندن هفتم در زنهار
و امان خدای تعالی باشد تا دام که با وضوست و فرقد سبحی گفت در خواب دیدم انگشت
خود را با من خصومت میکند و از من می پرسد و میگوید مرا چه شد که از جمله اندام تو من غذاب

کرده میشوم فرمود گفت من و ام انگشت خود گفت چون تو وضو میکردی انگشترین بجنبانیدی
و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرمود اول چیزی که بسوزد از تن
امتان مرا موضع انگشترین باشد و ناف که ترک آورده باشند در وضو و غسل و گفته اند
طهارت دو است طهارت ظاهر و طهارت باطن ظاهر بآب و خاک است چون آب
موجود باشد بآب وضو سازند و در عدم آن بخاک تیمم کنند و ایمان خلقت ترا ازین
هردو است و بدین هردو آتش دنیا کشته میشود و امید است با مر و فضل حق آتش آخرت هم هر دو
کشته شود اما طهارت باطن چیست شکستگی و فروتنی و خوف و حضور در دل و مرویست
که عائشه رضی الله عنها لشم صوف بر پوشیدی پس هر گاه بانگ نماز شنیدی همان ساعت
از آن بر خاستی و تاری که رسیده بودی همچنان کشاده گذاشتی و زود کب باوردی
و بر خاستی و بوضو مشغول شدی ازین حال سؤال کردند گفت از رسول علیه السلام
شنیده ام چون موذن بانگ نماز گوید بدرستی که هر عملی که بنده بکند بعد بانگ نماز آن
نصیب شیطان است از ترجمان صلوة چون از آب دست فارغ شود روی بقبله آرد
این کلمات بگوید در خبر آمده است که خداوند عز و جل وعده کرده است هر که در عقب
آب دست این کلمات بگوید او را بیامرزم و از وی خشنود شوم و گفته اند تسبیح
امر ست برین کلمات است عائشه میگوید رضی الله عنها گفتم یا رسول الله کلماتی می
شنوم پیوسته میگوئی که پیش ازین نمی گفتی گفت در سوره نصر برین کلمات فرموده شدم
که هر که از مجلسی برخیزد این کلمات بگوید اگر در آن مجلس خیر باشد پذیرفته شود و اگر
نه باشد آمرزیده شود و کلمات اینست سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ
وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ روایت بکند امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه که من از پیغامبر علیه السلام که این حدیث و همین حدیث ابو بکر صدیق ر

بسیار نفع دارد ص

رضی الله عنه همی گفت که از پیغامبر علیه السلام شنیده ام نیست از مردی که گناهی کرده
شود او را پس وضو کند وضوی نیکو باحتیاط و شستن هر عضوی و عار آن بخواند دو
رکعت نماز بگذارد و بقول بعضی بخواند و در رکعت اول بعد از فاتحه این آیه وَمَنْ
يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا
رَحِيمًا و در رکعت دوم بعد از فاتحه وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً
أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ
وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللّٰهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا
وَهُمْ يَعْلَمُونَ پس از نماز استغفار گوید بیامرزد خدای تعالی مر او را
و آن نماز را نماز توبه گویند از کفایه شعبی مرویست که رسول علیه السلام فرمود
و مر صحابه را چیست پنج چیز بغیر پنج چیز گفتند خدای و رسول خدای داناتر است پس رسول
علیه السلام فرمود یکی از آن است کشتن بی تیغ دوم آمرزش بی توبه سیوم رضای
خدای تعالی بی خدمت و بی عبادت چهارم بسیاری مال بی کسب و تجارت پنجم
حاصل شدن پاکی بغیر آب اما قتل که بغیر تیغ باشد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ چون گفتی
کشتی شیطان را بدرستی که هر که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم شیطان بگدازد و اندر بیاید
بالا آتش اما آمرزش بغیر توبه است چون کسی بقضاء الشبابه نشسته باشد مستقبل قبله
بعد آن او را یاد آمد و همان ساعت روی بگرداند از قبله بدرستی که خدای تعالی
او را بیامرزد اما رضای خدای تعالی بغیر خدمت است که استنجا کند بآب بعد آنکه خود
را بکلوخ پاک کرده باشد فاما بسیاری مال بغیر کسب و تجارت است که بگذارد
نماز خفتن بجماعت و بگذارد وتر را در خانه و بگذارد دو رکعت سنت نماز
بامداد در خانه و بگذارد فریضه نماز بامداد در مسجد بجماعت اما حاصل شدن
طهارت بغیر آب است که گوید در آغاز وضو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ پاک شود همه جلد

اعضاء و هر که بسم الله نگوید پاک نشود دیگر اعضاء و وضو مروی است که رسول علیه السلام
فرمود وضو بر وضو نور است بر نور روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود هر که وضو
کند بر وضو حسنه بود مر او را ده نیکی و مروی است از شیخ شیوخ اوحد الدین کرمانی
طیب الله ثراه هر که بعد از اتمام وضو این دعا بخواند خدای تعالی عمر او را به صد و شصت
سال برساند دعا ربّ اللهمّ اجعلنی محبوبًا فی قلوب المؤمنین
و بلّغنی الی مائة و عشرین و صلّی الله علی خیر خلقه محمّد
و آله اجمعین و پیغامبر علیه السلام فرمود نیک مردان امت من آن کسان
باشند که وضو کنند با آب اندک و بدترین مردمان امت من آن کسان باشند که اسراف
آب کنند در وضو و مطهره و ربا برسید حضرت را علیه السلام خدای تعالی گفته است خلقکم من
تراب شما را از خاک و آب آفریدم حکمت چیست گفت حکمت آنست تا با آب طهارت
کنی و بخاک تیمم تا چون فردا قیامت شود از تو هم بوی خاک آید و هم بوی آب گوید
الهی ازین بندگان دو بوی بر می آید که بوی پیغامبران علیهم السلام ماند و گوشت
پیغامبران علیهم السلام بر آتش حرام است فرمان رسد از حق تعالی که چون چنین است
تو نیز آتش را مسوز تا بوی نسیم از آتش به بهند و بهشت برسند و دیگر گفت ای مظفر دریا
آتش را به چه توان کشت با آب و بخاک تو ببرد و طهارت کن تا چون قیامت شود آتش
دوزخ بدین هر دو توان کشت نقل از دوازده مسئله مسئله هفتم آنست ابلیس گفت
علیه اللعنة مهتر خضر را علیه السلام چون مرد مومن و موحد خود را الکا دو بوجه
نکاح مشغول کرد و چون اتفاق مجامعت افتد غسل جنابت بر وی واجب شود چون
از برای غسل کردن بجای خالی برود بر بنه کند ابلیس لعین میگوید من بر سر او بایستم
و دل او را از وسوسه مشغول کنم تا شرایط غسل از سنتها و فرایضها فراموش
کند و اگر هم احتیاط بکند و خاطر و دل را جمع دارد دست در انگشت خود را

بر یک از موضع

ونسب فی عمری الی ما بین عشرین سنة فی خیر وعافیة
وصحة داعیة لحبک ورضاک ومع امتثال اوامرک
واجتناب نواهیک ورضاک وشوق الی لقائک

بر یک موضع از تن او نهم تا بر همه اندام او آب نرسد و آن موضع انگشت خشک بماند
و او پندارد که همه اندام شسته ام و غسل کرده ام و او خود همچنان جنب باشد و آب
دست و نماز میکند تا از شومی آن کار فکر دو وضو و بالله منها جواب رسول علیه السلام
گفت یا خضر علاج او آنست که بوقت غسل جنابت باید که هوشیار باشد و غافل نگردد
تا بجد امکان بکوشد چون دو بار آب بر خود ریخته باشد بار سیوم کلمه تمجید بسیار گوید تا
رنجه و تا دیو بگریزد و غسل او درست باشد و از جنابت پاک گردد و بعد از غسل
این دعا بخواند اللهمّ طهّرنی من الذّنوب ولا فواحش واغسلنی
من الذّنوب الصّغائر والکبائر برحمتک یا ارحم الرّاحمین
مسئله هشتم آنست ابلیس علیه اللعنة گفت که بوقت آبدست بر راه کند رسول و عاقبت
ایشان در ایام بعض از بول ایشان باز دارم تا او پندارد که آبدست پاک کرده ام
چون در نماز شود دست از آن موضع دور کنم تا بقیه بول بیرون آید و او اخر نماز
یا بادی جدا شود که آبدست او تباه شود و او بی آبدست نماز کند تا در دنیا و آخرت
گرفتار گردد و داند که نماز تمام کرده ام و فریضه همچنان در گردن او بماند و او را
خبر نباشد نعوذ بالله منها جواب رسول علیه السلام فرمود یا خضر علاج او آنست
که ابتدا آبدست کردن بجد امکان بکوشد و شرایط استنجا و استبرا نگاه دارد و دوم
باز کلمه تمجید گوید و این دعا بخواند اللهمّ انی اعوذ بک من شرّ
الشیطان الذی خلقته لی عدوًّا و ایکنه فی کبدا
و اجریته مجری الدم منی ارادنی من حیث لا اراه و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و پیغامبر علیه السلام علی
را رضی الله عنه فرمود یا علی چون وضو کردی بعد وضو بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسألک تمام الوضوء و تمام الصلوة و تمام رضوانک و تمام مغفرتک

بهر رستی که این زکوة وضوست **فضیل عیاض** گفت رحمة الله علیه بلا را اعضا و در
کمترین آن فقیرست هر که تمام کند وضو را و بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنَ اللهِ اِلَّا اِلَیْهِ
سه بار کفایت شود این هم از وی بفرمان خدای تعالی و امیر المومنین علی رضی الله
عنه گفت چون خواهد که بنده وضو کند شاید که پنج وضو کند اول وضو بشوید دل
خود را از غل و غش و خیانت و کفر و بدعت و حسد و حب دنیا و جز آن کقوله تعالی
و ثیابک فطهر بنیه فلیلک در اصلح و دوم وضو زبانست از دروغ و غیبت و فضول
و سخن چینی و لعنت و مانند آن کقوله تعالی و لا تقف ما لیس لک به علم و **سیوم**
وضو شکمست از حرام و شبهه کقوله کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاکُمْ
وچهارم وضو لبس است از پوشیدن حرام بهر رستی که نماز قبول نیست مگر بلباس
حلال کقوله تعالی وَرِیشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَی و پنجم وضو بابست و را اعضا
اربعه و آنرا گفته اند و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که با وضو بخسپد فرموده شود
روح او را تا طواف کند عرش و سجده کند مر خدای را عز و جل **و در خبرست**
آب در اعضاء متوضی تسبیح میکند ما دام که خشک نشده است از تفسیر منیر و در خبرست
با سنادی ابو امامه باهلی که پیغامبر علیه السلام فرموده است چون مسلمانی آبدست کند
گناه از گوش و چشم و دست و پای او فرو ریزد تا از گناه پاک و آمرزیده
گردد و آبدست کفارتست مر گناهی را که پیش از آن کرده باشد **روایت** کرده است
عقبه بن عامر و عمر از رسول علیه السلام هر که از آبدست فارغ شود و از پس آن بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ گشاده شود از بهر او هشت
در بهشت تا از هر دری که خواهد در رود در بهشت **از صلوة مسعودی**

رسول علیه السلام فرمود که ده چیز از جمله جفاست یکی آنکه هر که احدث رسد طهارت
نسازد جفا کرده است و اگر نماز کند و دعا نگوید جفا کرده است و چون دعا کند
ابتدا از مادر و پدر نکند جفا کرده است و چون مصحف باز کند قرآن ناخوانده از
جفا کرده است مادر و پدر را بنام خواند جفا کرده است و اگر بدعوتی خوانند و اجابت
نکند جفا کرده است نام من بشنود و یا بوی گل بنام من بروی رسد و درود نگوید جفا کرده است
و رسول علیه السلام فرموده است توانگری پیدا مال است و گشتن بیکار رود و پاکی پیداست
سوال کردند یا رسول الله این چگونه بود گفت بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ از عرش تا فرش نیکیها آن بنده بنویسد توانگری در مال
و گشتن بیکار رو آن بود که اگر شیطان مومنی را وسوسه کند باید که بلعنت وی مشغول
نشود و اگر بلعنت وی مشغول شود و بثنا شود بگوید دور کن مشغول آمد اما چون کلمه
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ گوید پشیمان بود که ویرا بیکار رو گشته
باشد آموزش بر تو بر آن بود که اگر سوی قبله غرد الستن بول می کند بعده دانست
که قبله است در حین بول روی بگرداند خدای تعالی ویرا بیامرزد و ببه توبه آمرزش
این بود و پاکی پیدا آب آن بود که مسلمانی طهارت می سازد و پیش از آنکه طهارت
ساختن مشغول شود باید که بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ گوید خدای تعالی هفت
اندام ویرا از گناهان پاک کرده اند یا پاکی پیدا آب این بود و رسول علیه السلام
فرموده یا علی بر تو باد اگر چون طهارت فارغ شوی بخوان سوره انا انزلناه
فی لیلة القدر و بعد از آنکه قد طهارت شسته باشی خدای عز و جل هر طهارتی ثواب
پنجاه سال عبادت کرامت کند و امیر المومنین علی رضی الله عنه طهارت ساخت فضله
آب طهارت را ایستاده خورد و این حدیث روایتست که در هر که فضلهٔ آب طهارت

و آمرزش بی توبه

سوی

بخور وخدای تعالی آنرا علاج بیماریها می کرداند که اطبا از معالجت آن عاجز آمده
باشند **ایضاً** پیغامبر علیه السلام فرمود هر که طهارت سازد وبعد از آنکه طهارت
تمام کرده باشد آب تو کردد و بکردن مسح آرد واین تسبیح بخواند سُبْحَانَكَ
اَللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَاَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ
لَا شَرِيْكَ لَكَ وَاَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ اِلَيْكَ و سوی چرخ نظر کند و بگوید
وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُوْلُكَ خدای عز وجل گناهان خورد و بزرگ
ویرا بیامرزد **از خالصة الحقایق** پیغامبر فرمود علیه السلام وضو زمستان برابر غزا
یکسال است **ایضاً** ابو امامه باهلی گفت پیغامبر علیه السلام فرمود خوردن بقیه آب
وضوی مومن را شفا است از هفتاد درد کمترین درد از آن تب است **ودر خبر است**
که رسول علیه السلام از ابلیس پرسید که دشمن ترین مردمان نزدیک تو کدام است
گفت کسی که دایم با وضو است پرسید چرا دشمن داری او را گفت برای داشتن نماز
مادام که با وضو است نماز فوت نشود ومرا غمی است از این جهت غمی سخت **فضل غسل**
از تفسیر منبع رحمت باید غسلی که از احتلام باشد روز قیامت بصورتی نیک وزیبا
ومثل آن صورت کسی ندیده باشد بر سر او تاج باشد از نور که روشنائی او از مشرق
تا مغرب باشد وبر آن تاج را هفتاد هزار رکن باشد در هر رکنی در تسبیح و یاقوت
سرخ و زبرجد سبز باشد پس بگوید ای فلان بن فلان می شناسی مرا آنکس گوید
که غسل اوست نمی شناسم تو کیستی بگوید من غسل توام از احتلام که فلان روز کرده بودی
پس او را بر دارد و برکتف خود نشاند و در پل صراط بگذرد چون برق جهنده و بهشتی
و بهشت رود و در بهشت ندا آید تو کیستی گوید من غسلم پس باز کند بر وی در های بهشت
و بگوید در آی در بهشت از هر دری که خواهی و شفاعت کند بعدد هر موئی که در تن
اوست هفتاد عاصی را و بدهد خدای تعالی بعدد هر قطرهٔ چشمه در بهشت و قصرها دهد

فصل غسل

بعدد ستارکان

بعدد ستارکان آسمان و قطرهای باران و ریگ بیابان وکف دریا و بدهد خدای
تعالی او را هر قصری چیزی که نه هیچ چشمی دیده و نه هیچ گوشی شنیده و نه در دل هیچ بشری
گذشته و در غسل جنابت نیت کند نَوَيْتُ اَنْ اَغْتَسِلَ مِنَ الْجَنَابَةِ و در غسل جمعه گوید نویت
ان اغسل تنظیفا للجمعة مستحبا و در عید نیز گوید که تنظیفا للعید و در غسل جنابت و احتلام
اول آب در دهان و بینی کردن غلا کند اگر روزه دار نباشد و مستی کند و احتیاط
بجا کند که در تن تا هیچ موئی آب برسد که در زیر هر تار موئی جنابت است اگر در تن
یک موی آب نرسد از عهده غسل بیرون نیامده باشد **فصل دوم در بیان**
داشتن موی لب از صلوة مسعودی موی لب بست داشتن سنت است و دراز داشتن
بدعت است [illegible] بدعت بود که آب چون به لب بست نرسد طهارت درست نبود و نماز روا نه
و رسول علیه السلام فرمود هر که موی لب بست دارد خداوند عز وجل ویرا چهار نور
کرامت کند یکی نور در روی و یکی نور در دل و یکی نور در گور و یک نور روز قیامت
و از وی ثواب چنان بود که صد اشتر سرخ موی خریده باشی و در راه رضای خدای
عز وجل همه را صرف کرده باشی و رسول فرمود هر که موی لب را دراز دارد خدای
عز وجل او را پنج چیز عقوبت کند از شفاعت من بی نصیب ماند و از حوض من آب
نخورد و منکر و نکیر را بر وی گمارد و مغضوب [illegible] آمده است از رسول علیه السلام
که چون بنده مومن موی لب بست دارد و کلمهٔ شهادة گوید آن کلمهٔ شهادة بهفت
آسمان را حجاب نکند همچنان میرود تا ساق عرش و جنبانکه نه بشود عرش خطاب
حضرت عزت در رسد که چرا ساکن نمی شوی گوید ای پروردگار من چگونه ساکن
شوم تا گوینده مرا بیامرزی امر آید از پروردگار که گوینده ترا آمرزیده ام
آنگاه ساکن شود باز اگر موی لب دراز دارد و کلمه شهادة گوید آن کلمه شهادة
گرد دهان وی بگردد و بیرون نیاید کاتبان اعمال گویند چرا بیرون نمی آئی تا

فصل موی لب

تا خواب نتوانیم کو بیه چگونه برون آیم چون این بلید بهر راه است و رسول علیه السلام
فرمود که فردا قیامت اهل عرصات سجده ارند برورد گار را سجده تحیت مگر
کافران نیارند که مو یها ایشان همچون سرون گاو مانده باشد آن مو یها
در زمین استوار بخت نشوند همچون تیرها و ایشان را مانع باشند از آوردن سجده
تا اهل عرصات ایشان را فرق توانند کرد میان ایشان فصل سیوم در فضلت
مسواک از عقلوه مسعودی رسول علیه السلام فرمود که پاک کنید دهان را بمسواک
که وی راه قرآنست و رسول علیه السلام فرمود مسواک پاک کننده دهان است و شادی
فرشتگان است و سبب رضاء حق است و رسول علیه السلام فرمود چهار چیز سنت است
وسنت انبیا که پیش از من بوده اند از مرسلان نکاح کردن و عطر داشتن و بوی
خوش داشتن و مسواک کردن و رسول علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز گذاردن
از مسواک بهترین از هفتاد رکعت بی مسواک و مسواک شفاست جمله بیماریست
مگر مرگ و رسول علیه السلام فرمود مرا برادرم جبرئیل صلوات الله علیه در چهار کار چنان
مبالغت کرد که گمان بردم که مگر بر امتانم فریضه گشت یکی در نیکو داشتن اهل و برده
چندانه مبالغت کرد که گمان بردم طلاق بر امتانم حرام شد و دیگر در نیکو داشتن همسایه
چندانه مبالغت کرد که گمان بردم که همسایه از همسایه میراث برد و دیگر در حق نماز شب
چندانه مبالغت کرد که گمان بردم بارسایان امت من شب نخسپند و دیگر در حق مسواک
کردن چندان مبالغت کرد که گمان بردم که بر امتانم فریضه گشت و بباید دانست
که رسول علیه السلام آخرین تسبیح چه گفت و آخرین دعا چه کرد و آخرین وصیت چه کرد و آخرین
فعل چه کرد و آخرین تسبیح این بود سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلّا
اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیم
و آخرین دعا این بود اَللّٰهُمَّ هَوِّن عَلَینا سَکَراتِ المَوتِ و آخرین وصیت این بود

فصل مسواک

الصلوة

الصَّلوةَ وَمَا مَلَکَت اَیمانُکُم نماز بر پای دارید و زیر دستان را نیکو دارید و
و آخرین فعل چه کرد مسواک کرد حکایت کرد مادر مومنان عایشه رضی الله عنها
که رسول علیه السلام در سکرات موت پشت مبارک بر زمین نهاده بود و محمد بن ابا بکر
رضی الله عنه از در حجره اندر آمد مسواک در دستار چه بسته بود رسول علیه السلام در آن
مسواک نگاه کرد و سوال کردم یا رسول الله بمسواک رغبتی هست رسول علیه السلام فرمود
که هست مسواک از برادر بگرفتم و در دهان مبارک رسول علیه السلام آب نمانده بود
از آب دهان خود بدو دادم و دهان مبارک را مسواک کردم رسول علیه السلام از
دار فنا به دار بقا رحلت فرمود از اینجاست که مادر مومنان عایشه رضی الله عنها بر
بر عیالان دیگر مفاخرت کردی بدو نفقه یکی آنکه آب دهان من در دهان رسول علیه السلام
اندر آمد و مهتر عالم جان در من بداد و ابراهیم نخعی رحمة الله علیه رسول علیه السلام را
بخواب دید از جهت دنبالید که یا رسول الله چیزی که میخوانم یاد نمی ماند مهتر عالم فرمود
که کجا نی از چند چیز اندک خور و اندک خسب و قرآن بسیار خوان و نماز بسیار
کن و در هر نمازی طهارت ساز و بعد طهارت مسواک کن چون از خواب اندر آمدم
این وصیت رسول علیه السلام را بجا آوردم در میان اندک روز و معتقد اعالمان شدم
چون ته به وی برابشی اگر در پیش حکایت کردندی گفت که سخن وی پیش من حکایت
مکنید که وی بسیار خوار است که در ماهی یکبار مرا قضاء حاجت آدمیان می آید و
او را دو بار و عبد الله مبارک رحمة الله علیه گفت که مسواک سنت است هر که سنت
وی را منکر شود نشاید که امام باوی حرب کند همچنانکه با حربیان و عبد الله مبارک
رحمة الله علیهم عمر خود را سه قسم کرده بود یکسال حج رفتی و یک سال غزا کردی و یک
سال علم درس گفتی درسالی که در غزا رفته بود در قلعه کران قدرت نمی یافت که گرفتن
آن قلع در آن اندیشه بخواب رفته بود رسول علیه السلام را بخواب دید رسول علیه السلام

رسول علیه السلام فرموده

فرمود و در جواب اندیشه کفت یا رسول الله بر من قلعه درست نمیشد هرگاه که جانی از طهارت
با مسواک عبد الله مبارک از خواب بیدار شد طهارت با مسواک ساخت و نماز بان
را فرمود تا طهارت با مسواک ساختند دیدبانان از بالا قلعه نگاه کردند آن حالت
را خدای تعالی هیبت در دل ایشان انداخت فرو رفتند و با امیران قلعه گفتند که جماعتی
که آمده اند آدمی خوارند دندانها تیز میکنند تا اگر بر ما ظفر یابند دمار از ما برآرند
خداوند هیبتی در دل ایشان افکند قاصدی فرستادند ما امان میخواهیم با جانها عبد الله
مبارک گفت رحمة الله علیه نه مال و نه جان شما مطلوب ما اسلام آوردن شماست چون
این بگفتند ایشان همه اسلام آوردند ببرکت اقامت آن سنت **نقل** از شرح السنة
مروی است از ابو درداء رضی الله عنه و مذکور است در رد و درر و عقبا از امیر المومنین علی
رضی الله عنه که پیغامبر فرمود علیه السلام بر شما باد که مسواک کنید و غافل مباشید از و
مداومت کنید بر سنت که در وی بیست و چهار خصلت است اول آنکه خشنودی کردگار خشنود
رحمان از وی هر که خشنود بود در رحمان او در بهشت در آید دوم بجای آوردن سنت است
و هر سنت رسول بجای آرد رسول علیه السلام از وی خشنود باشد سیوم نماز با مسواک
تضعیف میشود یک رکعت نماز هفتاد و پنج رکعت بی مسواک چهارم فراخی و توانگری
آرد و فقر برود و دو بجه محتاج نشود پنجم بوی دهن را خوش کند ششم گوشت
بن دندان را سخت کند هفتم درد سر را ببرد هشتم درد دندان را نیز دور کند
نهم فرشتگان با وی مصافحه کنند چون زیبائی و نور روی ببینند دهم دندان
را پاکیزه و خوش کند یازدهم فرشتگان دنبال او بروند از خانه تا مسجد
و از مسجد تا بخانه دوازدهم استغفار گویند مر او را فرشتگان حمله عرش سیزدهم
اقتدا کرده باشند بجمله پیغامبران و متابعت کرده باشند تا راه ایشان چهاردهم
گشاده شود بروی دری از درهای بهشت در آید در ان بی حساب پانزدهم

خوشان

بخشنوده

بهشتی شود مر او را اینکی بعد و هر که مسلمان میشود و انسان روز باز که او مسواک
می کند تا روز قیامت شانزدهم بسته شود بر وی درهای دوزخ هفدهم آمرزش
خواهند مر او را همه پیغامبران و مرسلان هژدهم قبض کند روح او را ملک الموت
طاهر و مطهر نوزدهم بیاید ملک الموت نزدیک وی بحیثیت قبض روح مگر صورتی که بدان
قبض کرده است ارواح پیغامبران علیهم السلام بیستم برون نشود از دنیا تا سیراب
بکنند او را از رحیق مختوم و این شرابیست از شرابهای بهشت خالص و مهر کرده بمشک
بیست یکم زیاده کند حفظ را و بیدار آرد در دل حکمت بیست دوم چون بمیرد
گور او فراخ شود دراز و پهنا فراخ تر بیست سیوم زیان نرساند او را الحجری حد
جنبیدگان زمین بیست چهارم پوشانیده شود کسوت پیغامبران و گرامی شود چون
گرامی کرده شود پیغامبران و در آید در بهشت با پیغامبران بی حساب پیغامبر فرمود
صلی الله علیه امیر المومنین علی را رضی الله عنه یا علی مسواک مکن چون تو استاده باشی
که از ان درد زانوها خیزد و مسواک مکن در حالت نشسته کردن و در راه رفتن که درد
پشت خیزد و مسواک مکن در حمام که بوی دهن را گنده کند و مسواک مکن که چون تو غلطیده
باشی و پهلو بر زمین آورده از ان علت طحال پیدا شود و پنج بیرزد و مسواک مکن
چون تو در مسجد باشی بد رسمی که در مجلس بود نزدیک خدای عز و جل **و در محیط**
آورده است شاید که مسواک باشد از درخت تلخ که بوی دهن را خوش کند و بیخ دندان
را محکم کند و معده را قوی گرداند و لیکن مسواک بر بند ببری انگشت خورد و دست
ببر از یک بدست باید و مسواک انگشت را قایم مقام بکند و اگر مسواک نباشد انگشت
بجای مسواک کند و از ترجمه احیا پیغامبر صلی الله علیه و سلم وقت نماز را هیچ فراگشت
بمسواک کردن آن را خوش باید داشت و باید که در وقت مسواک کردن نیت آن
باشد که دهن خود را برای خواندن قرآن و ذکر خدای عز و جل در نماز و پاک بگردانم

و پیغامبر گفت علیه السلام یک نماز از مسواک کردن به از هفتاد و پنج نماز بی مسواک
از تفسیر منیر در حدیث است که در مسواک ده خصلت است خشنودی پروردگار است
جل جلاله و دشمنایگی و خشم است مر شیطان را و شادی است مر فرشتگان را و محکم و پاکیزه
کننده است مر گوشت بیخ دندان را و تباهی و خشکی است بن دندان را و بینائی دیده
را چه روشن کننده و بوی دهان را خوش کند و بلغم را کم کند و بجای آوردن سنت
است و مزید حسنات است رسول علیه السلام فرمود در شب معراج دیدم که چون بگذشتم
در بهشت حوران مرا دیدند و سلام کردند و من جواب سلام ایشان گفتم مرا گفتند
یا محمد بگوی مر امتان خود را تا مسواک کنند مر امتان خود را تا مسواک کنند بدرستی
که گاه که ایشان مسواک میکنند حسن ما زیادت میشود و الله اعلم

باب سیوم در فضل نماز و فضیلت صف اول و فضیلت جماعت و جز آن مشتمل بر چهار فصل

فصل اول در فضیلت نماز ابن عباس رضی الله عنه گفت هر که دو رکعت نماز بگذارد و شادی
آواز گذاردن نماز آن بود که در آید در بهشت و بیرون رود از دنیا و خدای
از وی خشنود باشد بدرستیکه در نماز رضاء باری تعالی است و در دخول بهشت رضا
نفس و این پیری گفت اگر مخیر گردانند در میان بهشت و دو رکعت نماز من دو رکعت نماز
اختیار کنم زیرا که در نماز رضاء پروردگار است و در آمدن بهشت رضاء نفس من و
ثعبان نوفل گفت من بخدمت رسول علیه السلام آمدم گفتم یا رسول الله اگر من نمازها فریضه
را بگذارم و حلال را حلال دانم و حرام را حرام دانم زیادت نکنم بر این چیزی آیا من در بهشت
در آیم رسول علیه السلام گفت آری در بهشت در آئی از تفسیر منیر و در خبر آمده است از داود
پیغامبر علیه السلام صلوات الله علیه ایزد تعالی گفت هر روز خواهم که عذاب فرستم
بر اهل زمین بر هم کرده بندگان خود بنگرم عذاب از همه باز دارم یکی آنکه
از بهر خدای تعالی بیکجای دوست دارند دوم بدان مومنان که سحرگاه مرا استغفار کنند

سیوم آنکه

سیوم آنکه مسجدها را آبادان دارند و پیغامبر علیه السلام گفت قید کنید چهار چیز را
بچهار چیز مال را بزکوة و ایمان را بنماز و صحت را بالصدقه و علم را بکتاب و در خبر است
که رسول علیه السلام فرموده بدرستیکه مراست صد و هشتاد سنت پس عمل کنید بدین همه سنتها
اگر امید میدارید شفاعت من و اگر نتوانند که همه را اعمال کنند پس چهار ده سنت مرا که عمل
کنند شش سنت از آن پس هر که آن شش را عمل نکند مرا نخواهد یافت در بهشت نزد و **اول**
علم است بدرستیکه آن راس مال منست **دوم** نماز است و آن نور چشم منست
سیوم ذکر است و آن میوه دل منست **چهارم** خواندن قرآنست و آن روشن کننده
غم و اندوه است و **پنجم** غزاست بدرستیکه آن حرفت منست و **ششم** فقر است و آن
اختیار منست پس گفت که بوسع و طاقت خود نگاه دارید دوازده رکعت نماز سنت
موکده است در هر روزی و شبی بدرستیکه جبرئیل صلوات الله علیه مرا گفت ای محمد اگر
بخواهد امت تو تا در آید روز قیامت ثواب پیغامبران و رسولان پس مواظبت
نماید و بکنند این دوازده سنت را دو رکعت پیش از فریضه نماز بامداد و چهار
رکعت پیش از فریضه نماز پیشین و دو رکعت بعد از آن و دو رکعت بعد از فریضه نماز شام
و دو رکعت بعد از فریضه نماز خفتن **دوازدهم** که مردی بیامد بر ابو هریره رضی الله عنه
که من از مرگ نمی ترسم گفت مرا و راپنج وقت نماز بگذاری بجماعت گفت آری گفت
نماز جمعه میروی گفت آری گفت بمیر هر گونه که باشد و بر تو باکی نیست **از مطلوب مسعودی**
علامت ایمان اند چیست رسول علیه السلام فرمود که پایتها مومن را سه علامت است
نماز گذاردن و روزه داشتن و صدقه دادن یعنی مراد از این روزه روزه ماه رمضان
و مراد از این صدقه زکوة مال است و از مادر مومنان عائشه رضی الله عنها
سوال کردند که از چه میخ است که خدای تعالی مر نماز را در قرآن مجید بسیار
ذکر کرد و هیچ عبادتی را این مقدار ذکر نفرمود و مادر مومنان عائشه صدیقه رضی الله

عنها فرمود که رسول علیه السلام فرموده است هر که چیزی را دوست دارد ذکر آن چیز
بسیار کند چون خداوند عز و جل نماز را دوست داشت ذکر آن بسیار فرمود
و ابو کعب رضی الله عنه روایت کرد از رسول علیه السلام اول حسابی که خداوند تعالی
روز قیامت با بندگان کند از نماز کند هر که از عهده نماز بیرون آید امید بود
که حسابها دیگر بروی آسان شود و نجات یابد و اگر بعهدة الصلوة درماند حسابها
دیگر بروی دشوار شود و بماند در سقر و اصحاب دست راست که ایشان در بهشت
باشند آن بدکرداران را ببینند در دوزخ ایشان را گویند که شما را چه آورد اندرین
جای ایشان گویند ما نبوده ایم از جمله نماز کذارندگان از زوجیابا پیغامبر علیه السلام
فرمود دوست ترین بندگان نزدیک خدای تعالی بنده است که سجده کند و در سجده
بگوید رب انی ظلمت نفسی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت
از تنبیه ابو اللیث روایت کرده اند که دانیال پیغامبر علیه السلام صفت کرد امت
محمد را علیه السلام گفت قوم چو دیدا که نماز کنید اگر قوم نوح نماز کردندی باب غرق
نشدندی و اگر قوم عاد نماز کردندی هرگز باد صرصر ایشان را هلاک نکردی و اگر قوم
ثمود نماز کذاردندی صیحه مر ایشان را نگرفتی از خالصة الحقایق در روایت است
که عیسی پیغامبر صلوات الله علیه بدید عابدی را عبادت کرده بود خدای عز و جل را
بسیار سال دیرا گفت که در آخر الزمان پیغامبری است مر او را امتی باشند عمرها
ایشان اندک از شصت تا هفتاد و غایت عمر یکصد بود درنا خواهند و فرزندان
بزاهند و عمارتها بنا کنند آن عابد در تعجب بماند گفت که در اینچنین سهل عمر مشغول
شوند بدین چیزها اگر عمر من آن مقدار باشد در دو رکعت صرف کنم از خالصة الحقایق
مرویست که ابراهیم صلوات الله علیه زراعت میکرد و زمین را آب داد چون
وقت نماز رسید بنماز مشغول شد حق تعالی فرمود مر ملایکه را ببینید سوی بنده من

که هم زراعت دنیا می کند و هم زراعت آخرت شیخ الاسلام شیخ ابوبکر وراق گفت
که من چهار هزار صحیفه را که حق تعالی بر انبیا منزل کرده است بخواندم و معانیه نیکو
فهم کردم مقصود مرا این بود که بدانم چیست در آفریدن خلق پس یافتم چه داد
آفریدن به دو چیز یکی تعظیم داشتن فرمانهای خدای تعالی و دوم تعظیم داشتن
خلق خدای تعالی و آن شفقت است بر خلق خدای تعالی و در خبر است نیست
از روزی که میگذرد که نه ابگند ای فرزند آدم غنیمت دار مرا شاید که نباشد
روزی دیگر مرا بعد از من و نیست از شبی مگر که او میگوید ای فرزند آدم غنیمت
دار مرا شاید که بعد از من شبی نباشد ترا از تفسیر منیر در خبر است چون مومن از گور
بیرون آید نیکیها او را بصورت نیکو گردانند و او را گویند متابع من باش از پس او
می رود تا بهشت برد او را و کارهای کافر را بصورت زشت کردانند او را نیز همچنان
در دوزخ برد ایضا پیغامبر گفت علیه السلام که خدای تعالی فرموده است ای بنده
تا تو مرا پرستیدی و نیکی و امید از من داری من آمرزگار توام تا هرچه داری
بر من داری و اگر بنزد من آئی و روی زمین را پر از گناه آری آمرزش پیش تو دارم
پس از آنکه با من شریک نیاورده باشی و آورده اند که عیسی پیغامبر صلوات الله علیه
خفته بود در سایه دیواری عورتی بیامد و پای بزد و بانگ بر زد بیدار کرد و گفت
برخیز از این سایه عیسی صلوات الله علیه برخاست و در آفتاب نشست و بنگریست آن
زن بیامد و معذرت آغاز کرد عیسی صلوات الله علیه برخاست گفت من از این نمی گریم
که بر من بانگ زدی و بیدار کردی ولیکن میگریم از لطف پروردگار خود از خالصة
الحقایق آورده اند که مردی ابن سماک را گفت که مرا وصیت کن گفت وصیت می کنم
ترا بیک چیز که آن بهتر است مر ترا از هزار حدیث که نبشته ام اول آنکه مشغول شوی
بفراغ دل بخدمت پروردگار جل جلاله تا مشغول نشوند مردمان بخدمت

دور کن طمع خود را از خلق تا دور کنند مردمان عداوت از تو **سیوم** نگاه دار
خلق خود را تا نجات یابی از خشم خدای تعالی و از رضا طلبی خلق **و سفیان ثوری**
را گفتند کدام چیز عجب‌تر است نزدیک تو گفت مردی که بشناسد خدای عز و جل
و او را طاعت نمی‌کند و مردی است که حق تعالی در توریت گفته است ای فرزند
به راستی که تو هرگز امید بهشت مداری مگر بسبب طاعت و هرگز نجات از آتش نیابی
مگر بسبب معصیت پس هر که صبر کند بر طاعت من عطا کنم او را بهشت و هر که صبر کند از
معصیت من برهانم او را از آتش و مقاتل سلیمان گفت که در توریت یافته‌ام که
خدای تعالی گفته است ای فرزند آدم اگر امید از رحمت داری پس لازم گیر طاعت
من اگر می‌ترسی از عذاب من پرهیز کن از نهی فرمان من تا نیابی در آخرت کرامت من
از تفسیر منیر پیغامبر گفت علیه السلام حق تعالی در شب معراج گفت یا محمد کفارات چیست گفتم
گذاردن قدمها بسوی جماعتها و نشستن تا نماز از پس نماز و آب دست تمام کردن
از آب سرد و تعالی گفت راست گفتی یا محمد پس گفت درجات چیست گفتم اسلام
آشکارا داشتن و طعام دادن و نماز شب گذاردن گفت راست یا محمد و منجیات
گفتم ترسیدن از خدای تعالی پنهان و آشکارا و میانه بودن در حالهٔ توانگری
و درویشی و حق گفتن در حالهٔ خشنودی و خشمگین گفت موبقات چیست بخیلی و
و فرمان هوا کردن برای خود و معجب بودن گفت راست گفتی یا محمد برسان این با امتان
خود **از خالصة الحقایق** آورده است که حبیب عجمی چون از شب یکپاسی گذشتی
زن خود را بیدار کردی و گفتی ای فلان برخیز تا راه آخرت قطع کنیم بدرستی
که قافله گذشت و سفر بس بعید است و توشه اندک **و آورده اند که سفیان ثوری**
رحمة الله علیه چون در شب طعام پر خوردی با نفس خود گفتی اگر حمار را علف
زیادت داده شود تمام قیام کردی تا صبح وهب بن منبه گفت در توریت یافته‌ام

خدای تعالی فرموده است یا فرزند آدم منم آنکه مراست عزت و نیست زوال ملک
مرا پس بشتاب سوی من و مرا عبادت کن تا عطا کنم ترا ملکی که زوال نباشد
آنرا ای فرزند آدم منم آنکه بیافریده‌ام موت را و موت در نیابد مرا
پس بشتاب و مرا عبادت کنی تا عطا کنم ترا احیا تا که در نیابد ترا موت **ذکر ترک**
آوردن و تاخیر داشتن نماز از تفسیر منیر آورده اند در زمین اول ابلیس علیه
اللعنة در میان خلق خود را پیدا کردی و آشکارا نمودی مردی ابلیس را
دید و گفت چکنم که من مثل تو شوم ابلیس گفت وای بر تو هیچکس از من این نخواسته است
پس چگونه است که از من میخواهی که مثل من شوی دو چیز بکن نماز را خوار دار
و نماز را ترک گیر و از خوردن سوگند راست و دروغ باک مدار و سوگند خوردن
عادت کن پس آن مرد گفت من عهد کرده‌ام با خدای عز و جل که نماز ترک نیارم
و همه عمر سوگند نخورم پس ابلیس گفت نیاموخت کسی از من بحیله مگر تو **از خالصة الحقایق**
امیر المومنین علی رضی الله عنه هر که بانگ نماز بشنود و اجابت نکند یعنی نماز نگذارد
بغیر عذر پس مر او را نماز نیست یعنی او مسلمان نیست و هر که ترک آرد جماعت را یعنی
نماز بجماعت نگذارد پس او در بدعت افتد بیرون آرد خدای تعالی برکت از
عمل او و مال او **از تفسیر منیر** پیغامبر علیه السلام فرمود هر که ترک آرد نماز را تا بگذرد
دو وقت پس از آن قضا کند در غیر وقت آن عذاب کند خدای تعالی یک حقب
و در لغت حقب هشتاد سال است هر سالی سیصد و شصت روز هر روزی هزار
و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بکشد هفتاد ولی را از اولیای خدای تعالی
و بسوزد هفتاد هزار مصحف او زنا کند هفتاد دختر بکر و بکشد هفتاد هزار فرشته
مقرب را پس او نزدیک‌تر باشد برحمت پروردگار از آن کس که تاخیر دارد نماز را
از وقت **از سلک السلوک** روزی شخصی بحضرت رسالت گفت یا رسول الله هر چه من

رنج بیشتر می بینم گرسنه تر میشوم پیغامبر گفت مگر تو نماز نمی کنی گفت می گذارم فرمود
اهل و عیال تو چه می کنند گفت تبع من مصلی تر اند رسول علیه السلام متعجب ماند گفت در خانه
که نماز بگذارند در آن خانه درویشی چه کند فرمان آمد وقتی با نمازی میکند نشست
و در خانه این باز بود نظر با نماز در خانه این بگرفته اند و پرسیده شد از ابو حفص
بخاری رحمة الله علیه از کسی که نماز نگذارد گفت نظر کردم در جمله کتابها و در
جمیع قرآن مکرر بیافتم در آن کسی که نماز نگذارد و مسلمان باشد باز پس نیافتم
کسی که عمل بکند مسلمان نباشد **از تفسیر منیر پیغامبر گفت** علیه السلام تا بنده پنج وقت نماز
گذارده باشد حق آن نگاه داشته باشد همیشه بر عهد خدای تعالی باشد و هر که نماز را
بگذارد و مشغول به نماز نگزیند خدای تعالی از عهد او بیزار باشد **و آورده اند**
که یحیی پیغامبر را صلواة الله علیه بچگان گفتند برون آی برابر ما تا بازی کنیم و او چهار
ساله بود گفت من از برای بازی آفریده نشده ام **ذکر وسواس و غفلت در نماز از**
خالصة الحقایق آورده اند که مردی پرسید بزرگی را از بزرگان دین که این چه
حکمت است سلف که بوده اند چون از نماز و یا از طاعتی دیگر فارغ می شدند بر آن خایف
می بودند که آن قبول شده است یا نه و ما بدان خوش میشویم و خوف نداریم آن بزرگ
گفت سلف می کردند عمل بنده گان مطیع مر مولی را و ما عملی میکنیم عمل مکره چون از مکره
اکراه برود بدان خوش شود **و در خبر است** چون وقت نماز می شد ابلیس علیه
اللعنة لشکرهای خود را میگوید متفرق شوید و بروید و مردمان را از نماز باز دارید
و مشغول کنید پس هر یک آدمی و بوی آید سوی کسی میخواهد نماز بگذارد او را مشغول
میکند بکارهای دنیا تا تاخیر کند نماز را از وقت و اگر این نتواند او را در این
آرد تا رکوع و سجود و قراة تسبیح و دعا تمام نیارد و اگر این همه نتواند دل او را
در نماز مشغول کند تا بغفلت بگذارد و اگر به این هیچ کدام قدرت نیابد شیطان بلند

با نکرد و خجل شد پس شاید مر مومن را تا مالش ناسد مر افعال شیطان را و از آن
ممتنع باشد و توکل کند بخدای عز و جل در کل حالات و هر که خواهد از شیطان
و وسواس او ایمن باشد ساعت فساعة بخدای تعالی پناه جوید و بگوید **اللهم**
اعوذ بک من شر نفسی و من شر الشیطان و شر وسواسه از و
وسواس او ایمن باشد **از تفسیر مغنی در حدیث است** هر که وضو کند و ضو تمام و نماز
گذارد و در رکوع و سجود تمام کند و قراة بحضور دل بخواند آن نماز او را بگوید
نگاه دارد خدای تعالی ترا چنانکه نگاه داشتی تو مرا پس بالا رود و آن نماز بسوی
آسمان و مر او را دعا کند و از حضرت عزت شفاعت کند و اگر نماز را ضایع
کرده باشد رکوع و سجود تمام نیاورده باشد و قراة نیکو بخواند پس گوید ای
نماز ضایع کند خدای تعالی ترا چنانکه ضایع کردی مرا پس بالا رود و آن نماز
بسوی آسمان و سیاه و تاریک بود و آن نماز چون به آسمان برسد در آسمان
بر روی بسته شود پس پیچیده شود و آن نماز چنانکه جامه کهن پیچیده و زده شود در روی
او **از کفایة الشعبی در خبر آمده است** که سه چیز وزنی ندارد نزدیک باری تعالی
مقدار بایسته نماز گذاردن بعادت و ذکر گفتن بغفلت و دعا و گفتن بر کل
علیه السلام بی حرمت **از تفسیر مغنی رسول فرموده است** علیه السلام چون بنده از برای
نماز بر میخیزد و نماز شروع میکند حجاب از میان دور میشود و براستی که بنده در نماز
پیش از نظر رحمانست پس چون بنده روی نماز بسوی دیگر بکرد بگوید مر او را
پروردگار عالمیان سوی که می نگری گفت او بهتر از من مر ترا ای فرزند
آدم پیش من آی براستی که بهترم مر ترا از آنکه می نگری سوی او پس چون بار
دوم بنده بنگرد هم مثل این ایزد تعالی بگوید چون بار سیوم بنگرد مثل این
بگوید پس چون بار چهارم بنگرد و اعراض کند باری تعالی از وی شود نعوذ بالله منها

از تفسیر منیر در ربت آمده است که دیوی است که او را متقاضی گویند آن دیو را
شیطان بر عابدان گماشته است تا هر وقت که طاعتی کنند گرد ایشان در آید
و قضا نماز و سواس کند تا آن عابد طاعت خود را پیش کسی گوید چون گوید همه
طاعت تباه کرده باشد ایضا در تفسیر آمده است الذین فی صلوتهم
خاشعون ابن عباس رضی الله عنه گفت خاشع در نماز آنکس بود که چپ
و راست ننگرد و سعید جبیر گفت چهل سالست که نماز میکنم ندیده ام که بر راستم کی بوده است
و بر چپ من که سعید گفت حنبل رضی الله عنه هر که عمدا ببیند که بر راست و چپ من کیست
نماز او نیست و خواجه حسن بصری رحمة الله علیه گفت سیصد مرد بدیدم از صحابه پیغمبر
علیه السلام از ایشان هفتاد تن بدیدم که شبها نماز گذاردندی تا وقت سحرگاه
گریستن گرفتندی خداوندا به زاری گفت پرسیدم که چندین زاری چرا میکنید
از بیم آنکه مگر نپذیرد از عایشه صدیقه رضی الله عنها مروی است که رسول علیه السلام
از تفسیر این آیة والذین یؤتون ما اتوا وقلوبهم وجلة آن کسانی که میکنند
آنچه میکنند و دلهاء ایشان می ترسند یا رسول الله این گناه کاران باشند که گناه میکنند
از خدای تعالی می ترسند گفت یا عایشه آنکسان باشند که نماز میکنند و زکوة می دهند
و روزه میدارند و می ترسند مگر نپذیرد نقل دوازده مسئله مسئله چهارم که ابلیس علیه
اللعنة گفت بدان ای پیغمبر خوف گناهان کبیره چون ترک نماز و محرمات نزدیک بود دیگر
گناهان بر دل مومنان آسان کنم و سبک گردانم و بلذات ترغیب کنم تا در نهان
فساد کنند و آشکارا مردمان مصلح و زاهد نمایند و او پندارد که مسلمانم و نزدیک
خدای عز و جل منافق باشد و غرض من از وی حاصل آید نعوذ بالله منها حضرت گوید
علیه السلام که من آن دوازده مسئله که ابلیس علیه اللعنة با من گفته بود بخدمت پیغامبر
علیه السلام چون این بشنید اول بگریست بعد آن هر یک مسئله را علاج فرمود جواب

این مسئله رسول علیه السلام گفت ای خضر علاج او آنست چون خود را درین حالت
بیابد کلمه تمجید بسیار گوید و این دعا بخواند اللهم انی اعوذ بک من الشرک
والنفاق ومن غلبت الشقاوة علی السعادة بحق لا اله الا الله
محمد رسول الله ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی
الدین کله ولو کره المشرکون مسئله پنجم آنست شیطان
گفت زاهدان و عابدان را در ریا اندازم و وسوسه کنم هر طاعت و عبادت
که میکنی چنان کن که خلق دانند تا مردمان ترا بچشم تعظیم نگرند و صدقه چنان ده
که مردمان ترا جوانمرد خوانند تا چنان شود و با هستگی عمل او ریا شود و در قضاء
خدای تعالی در آن نباشد حضور دل مردمان نماز بسیار بگذارد و قرات در آن
خوانند و در رکوع و سجود و تسبیحات تمام بجا آرد و در خلوت نماز بزود و بی گذارد
و ارکان تمام نیارد و تا از شومی آن همه طاعت او حبط شود نعوذ بالله منها
جواب رسول علیه السلام چون این بشنید فرمود نعوذ بالله من الشرک الخفی گفت
یا رسول الله شرک خفی چیست گفت ریا پس فرمود علاج وی آنست که چون حال خود
بدین صفت یابد کلمه تمجید بسیار گوید و این دعا بخواند اللهم احفظنا ولا
تفضحنا واعصمنا من الریاء ومتابع الهوی ووفقنا لطاعة
خالصة بمرضاتک یا ارحم الراحمین مسئله ششم آنست که دیو
نماز گذاردن نماز فریضه بسیار او در آیم و دلش را بوقت نماز مشغول و خیال بین
کنم تا از حضور نماز باز ماند و نماز از وقت بسهو و لهو افتد چنانچه و
که در آن نماز هیچ ثواب نباشد و در رکوع و سجود بجا نیارد و غافل وار در نماز
در آید و غافل وار بیرون آید و او داند که از عهده نماز بیرون آمدم و نماز
در گردن همچنان مانده است فردا قیامت در روی وی باز زده و رنج باشد

بامن یکجا باشد **جواب** رسول علیه السلام فرمود با حفظ علاج او آنست که پیش از تکبیر سه بار
کلمه تجدید بگوید قل اعوذ برب الناس بخواند و این دعا بخواند **اللهم** انی
اعوذ بک من شر الشیطان الذی یوسوس فی الصلوة اللهم
فقرة سلطانک سلطانه حتی اعوذ بجاهک وانت منجی المؤمنین
یا ارحم الراحمین **و در خبرست** که شیطان بخدمت پیغامبر علیه السلام آمد پرسید
جواب و افعال خود را بیان میکرد و گفت یا رسول الله اگر یکی از امتان تو قصد نماز
کند خواهد تا نماز در وقت بگزارد من بر وی موکل کنم شیطانی را همیشه بر وی میگوید
که وقت هنوز دورست و او را بهر نوع مشغولی در پیش خاطر او نهد تا وقت نماز بگذرد
و اگر بدین نماز نماند کسی را از فرزندان آدم بر وی آرم تا او را مشغول کند بحدیث
و بکلام و بیع و شرا و بسبب از اسباب و حاجات تا آخر وقت نماز خوش و باید نماز بگزارد
چنانکه مرغ دانه چیند رکوع و سجود تمام نیارد و پس رد کند خدای تعالی او را توبه و به
کند توبه نکوکند و کنایه است **از تغیر میشود در حدیث** است ز اول نشنو و فقد نماید بنده از پیش
خدای تعالی بروز قیامت تا پرسیده نشود از پنج خصلت از جوانی پرسند که در چه
صرف کردی و از عمر پرسند که در کدام کار گذرانیدی و از مال پرسند از کجا کسب
کردی از نفقه پرسند که این مال در کدام محل خرج کردی و از علم پرسند چه عمل کردی
بدانچه دانستی **ذکر آداب در نماز از خرج اورداد** آداب نماز آنست خاستی در نماز
بر سر دو ساق هردو دست بر زمین نهند و نجز دو راست داشتن هردو قدم مقابل
قبله و فرجه میان هر دو قدم مقدار چهار انگشت بگذارد و هردو آوردن دستها
را از آستین نزدیک کتف تکبیر و بر را در قیام پیش افکندن چنانکه دوش بسینه رسد و نظر
کردن در حالت قیام در موضع سجود و نظر کردن بر پشت پای در حالت رکوع و نظر کردن
بر نوک بینی در حالت سجود و نظر کردن سوی کنار در حالت قعده و پوشیدن دهن نزد

سجده

امدن فازه

آمدن فازه و دفع کردن سر فه تا بتواند و نظر کردن در سلام اول سوی کتف
راست بعد از آن چپ و برخاستن امام چون موذن در تکبیر حی علی الفلاح
گوید و شروع امام نماز فریضه چون موذن قد قامت الصلوة بگوید مالک گفت
رضی الله عنه ادب در عمل علامت قبول عمل است و عبد الله مبارک گفت رحمه الله
علیه هر که خوار دارد ادب را او عقوبت کرده شود بحرمان سنتها و هر که خوار دارد
فرایض را او عقوبت کرده شود بحرمان معرفت **ذکر صفت نماز آورده اند**
که احتیاجی است در دو رکعت به دوازده مسئله هر که این نداند او را اجازه نیست
که دوازده هزار مسئله بیاموزد زیرا که این دوازده مسئله از دوازده هزار
مسئله استنباط کرده اند وضو و نماز بدان تمام میشود **اول** آن علم است و تمام
علم سه چیزست بداند حلال را از حرام و فریضه را از سنت و الهام را از وسوسه
دوم وقت است و تمام وقت سه چیزست مهیا بودن در وقت و او انتظار زوال
و شنیدن بانگ نماز **سیوم** وضوست و تمام او سه چیزست رسانیدن آب بمواضع فریضه
و ادا او سنت و فضایل با فریضه سیوم پاک کردن باطن را چنانکه پاک میکند ظاهر
را با آب **و چهارم** جامه پاکست و تمام او سه چیزست اصل او از وجه حلال باشد و دوم
عیب چیزیست و پوشیدن با خلاص **و پنجم** معرفت قبله است و بداند که کعبه قبله مؤمنانست
هر که از وی او در نماز از سمت قبله بگردد نماز او فساد پذیرد و هر که بگردد دل
او از حق دین او فساد پذیرد **کقوله تعالی** فول وجهک شطر
المسجد الحرام و بداند که پیغامبر علیه السلام امام مسلمانانست و همچنین بنداری
که امام مسلمانان ایستاده است **و ششم** نیت کقوله علیه السلام **انما الاعمال بالنیات**
و تمام او سه چیزست بداند که این کدام نماز است فریضه است یا سنت و بداند که مرا اوی
امر کرده اند و بداند چنین که ایستاده ام **هفتم** تکبیرست و تمام او سه چیزست فارغ دل از شغل

قال الله تعالی فاستقم کما امرت
و تفصیل کتاب ...
استقامت ظاهر ...
حدود شرعیه از اوامر ...
و استقامت باطنی ...
سواست قوله تعالی ان الذ
ین امنوا قالوا ربنا الله ثم
استقاموا فلا خوف علیهم
ولا هم یحزنون مژده
عظیم است مر اهل اسـ
را

و نیاز برداشتن دستها از تکبیر اولی و سیوم نظر سوی موضع سجود و در حالت قیام و رکوع
سوی هر دو قدم و در حالت سجود سوی نوک بینی و در تشهد سوی زانوها و در حالت سلام
سوی سرکتفها **و هشتم قرائت** و تمام او سه چیز است بخواند سورتی از قرآن آنچه آسان
تر است بر وی و بخواند بترتیل و سیوم فاتحه خواندن با سه آیت **و نهم** رکوع است و تمام
او سه چیز است برابر دارد پشت و گردن را و نهد هر دو کف دست بر هر دو زانو
و برابر هر دو دست و هر دو پای مقابل قبله بگوید سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ
سه بار و دهم سجود است و تمام او سه چیز است نهد زانوها را اول در زمین و پس
دستها و پیشانی و بینی بر زمین سیوم بگوید سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى سه بار **یازدهم**
خواندن تحیات است و تمام او سه چیز است بنشیند بر پای و بالستاند پای راست و بخواند
التَّحِيَّاتُ تا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ و سلام گوید بملایکه و جمله اهل طاعت و امام
دوازدهم اخلاص است و تمام او سه چیز است چون تنها باشد نماز نیکو چنان بگذارد
چنانکه برابر مردمان بگذارند و با مردمان چنانکه در خلوت و سیوم نیت کند نمازی
که بعد این بگذارد بهتر از این بگذارد پس آن وضو تمام و نماز تمام است چنانکه حق تعالی
فرموده است أَقِمِ الصَّلَوٰةَ إِنَّ الصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ
و بدانکه نماز مواصله است و یا مفاصله است و هر کرا نماز او باز دارد از فحش و منکر پس
آن نماز مرو را مواصله است و هر کرا باز ندارد او را از فحش و منکر پس آن نماز
مرو را مفاصله است مرو را مبعده است قریب نیست **از صلوة مسعودی** چون آدم
صلوات الله علیه از بهشت در دنیا آوردند آدم علیه السلام در بهشت شب
ندیده بود و هوا تاریک شد از آن اندیشمند شد چون صبح بدمید او را معلوم شد
که روز رفت و روز آینده شکرانه آن دو رکعت نماز گذارد بر ما فریضه گشت
دو رکعت نماز بامداد و ابراهیم خلیل چون بخواب دید پسر را قربان کن خداوند عز و جل

ندا فرستاد و از خوف منجنیق و از آتش برهید و نجات یافت شکرانه آن چهار سنت
چهار رکعت نماز گذارد بر ما فریضه گشت و آن چهار رکعت نماز پیشین است و یونس
پیغامبر صلوات الله علیه چون از خوف ذلت و ظلمت شکم ماهی و ظلمت دریا نجات یافت
و بشارت ایمان قوم شنید شکرانه آن چهار رکعت نماز گذارد بر ما فریضه گشت چهار
رکعت نماز دیگر است و عیسی پیغامبر علیه السلام شکرانه آن را که من بنده ام و پیغامبرم
و مادر من بنده است و پیغامبر نیز و خداوند عز و جل مرا از گفتن ثالث ثلاثه که ترسایان
میگفتند نگاه داشت سه رکعت نماز گذارد بر ما فریضه شد سه رکعت نماز شام و چون موسی
صلوات الله علیه از مداین بمصر میرفت و صفورا که در ولادت گرفته بود و هوا تار
شد و ابر بارید و برق جستن و رعد غریدن گرفت و گرگ در رمه در افتاد
هر چند که موسی سنگ بر آهن میزد آتش پدید نیامد بر طور سینا نوری دید و است
که نار است قدم رنجه کرد که وی بود و سیصد فرسنگ بود خدای تعالی در ساعتی بدانجا رسانید
چون کلام باری تعالی شنید از آنجا بازگشت با بشارت پیغامبری هوا صاف شد
و گرگ از آنجا بازگشت با بشارت پیغامبری هوا صاف شد و گرگ از رمه برفت و صفورا
بار نهاد شکرانه آن چهار رکعت نماز گذارد بر ما فریضه گشت چهار رکعت نماز خفتن
است و چون رسول علیه السلام از معراج بازگشت فرمود که خداوند عز و جل نمازی
از شما زیادت کرد و آن وتر است وقت وی بعد نماز خفتن است تا سپیده دم و وتر
طاق است و طاق را دوست دارد چون بنده مومن سر از خاک تیره برآرد بیند
نوری بر سر خاک وی ایستاده وی گوید بر من نشین که من ثواب نماز بامداد
توام بروی نشیند می برد وی تا نزدیک آدم صفی صلوات الله علیه از آنجا برود دیگر
پیش آید همچنان نوری و گوید بر من نشین من ثواب نماز پیشین توام بر نشیند
وی برده پیش تا نزدیک ابراهیم خلیل صلوات الله علیه از آنجا بر اید دیگر پیش آمد از

ازان نور ایشان ترا گوید خوش بر من نشین که من ثواب نماز دیگر توام بر وی بنشیند می
بردش تا نزدیک یونس پیغامبر علیه السلام از انجا براقی دیگر پیش آید همچنان نور ایشان
گوید خوش بر من نشین که من ثواب نماز شام توام بر وی بنشیند می بردش تا نزدیک
عیسی پیغامبر علیه السلام از انجا براقی دیگر پیش آید گوید خوش بر من نشین که ثواب نماز
خفتن توام بر وی بنشیند می بردش تا نزدیک موسی صلوات الله علیه از انجا براقی دیگر
پیش آید همچنان نور ایشان گوید خوش بر من نشین که من ثواب نماز وتر توام بر وی
بنشیند می بردش تا نزدیک محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم تا بمقام شفاعت فصل
از صلوة مسعودی در وقت تکبیر اول دست بر آوردن سنت است چون دست بر آرد
تا کجا بر آرد بر قول طاوس یمانی رحمة الله علیه زبر سر و بر قول امام مالک رحمة الله علیه
برابر سر و بر قول شافعی رحمة الله علیه تا کتف و بر قول علمای رحمهم الله تا نرمهٔ گوش
و امام اعظم ابو حنیفه رحمة الله علیه گفته اند که حدیثی بمن رسیده است مشهور و امیدوار رحمت
پروردگار فردا قیامت آمنا و صدقنا بنده بود که مستوجب عذاب و عقوبت شده
باشد و فرشتگان عذاب وی را سوی دوزخ میبرند خطاب حضرت عزت در رسد
که بنده از بندگان ما در دنیا نماز می گذارد و در وقت تکبیر اول دست تا بکتف ما آورد
تو وی را امر معروف کردی که دست تا نرمه گوش بر آر این ثواب امر معروف تست
پس معلوم شد که دست تا نرمه گوش بر آوردن اولی تر بود و سه جای دست برهنه باید
داشتن که سنت است یکی در وقت تکبیر اول دوم در وقت مناجات سیوم در وقت
که دست بر دست برادر مسلمان نهد ابو یوسف قاضی رحمة الله علیه گفته است این سه
سنت را اقامت کردم پروردگار مرا سه چیز کرامت کرد یکی عزیز شدم دوم توانگر
سیوم مقتدای عالمان گشتم ایضاً در فواید خواجه امام ابو الحسن رستغفنی و خواجه
امام لنباغزی رحمهما الله آورده است که بسیار جهد کردیم تا دل خود را در نماز حاضر یابیم

تا کتف نیز آورد

نیافتم مگر بچند خصلت یکی آنکه طهارت را از نقصان نگاه داشتم و جامه را از نجاست
اندک نگاه داشتم و زبان را از لغو و فحش و غیبت نگاه داشتم و در حالت قیام چشم بجای
سجده داشتم تا دل خود را در نماز حاضر یافتم و هر که این خصلتها بجا آرد خدای تعالی
ایمان بر وی نگاه دارد ایضاً آورده اند که نوح علیه السلام ابلیس علیه اللعنة
را دید گفت ای ملعون تو بچه کار مشغول شدی گفت بهمه کار یکی در سجده چشم بسته
داشتمی و چون بقیام رفتی قدمها بجای سجده نهادی و در قیام پای بجای بر
گذاشتی بشنوی ای پیغمبر بود که بسه خصلت گرفتار شدم بکبر و بخل و حسد از تکبر گشتی
این بود خواست که آدم نبودی و از بخل این بود که با آوردن یک سجده بخیلی کردم
تا ملعون گشتم بعدش و مطلوب دریا گفت آنحضرت علیه السلام پرسیدم که در شبانروزی
هفده رکعت چیست گفت ای مطلوب دریا حکمت آنست که در شبانروزی یازده رکعت
نماز فریضه است هشت در روز و هفت در شب هشت رکعت نماز روز هشت در
بر تو گشاده کرد اند آن چهار رکعت نماز پیشین و چهار رکعت نماز دیگر است و هفت
رکعت نماز شب هفت در دوزخ بر تو بندند و آن سه رکعت نماز شام و چهار رکعت
خفتن است از آن شب که روشن است هشت رکعت بود و ز روشنی یکی و دوزخ
تاریک است هفت رکعت تاریکی شب یکی باقی ماند و دو رکعت نماز بامداد که نه از
شب است و نه از روز و هم از شب است و هم از روز است که خورشید بر نیامده است
و شب است که نماز بامداد می توان گذارد و سحر توان خورد این آنست یک رکعت
نماز گناه روز بیامرزد و یک رکعت نماز گناه شب بیامرزد از خلاصة الحقائق سوال
چیست فساد در نماز بنده بغیر حضور دل جواب در حدیث آمده است بدرستی
که مردی نماز بگذارد و ننویسند مر او را از نماز او مگر نصفه از نماز و یا چهارم
و یا خمس یا ده و یا سدس از نماز و این مقدار حضور دل او است در نماز ذکر اخلاص

و در خبر میغ پیغامبر فرموده است علیه السلام هر که عمل کند از برای دنیا الیس او را
در آخرت بهره نباشد و این دلالت میکند به آنکه روا نباشد گرفتن اجر تعلیم قرآن
و نماز و حج و جز آن زیرا که از خصلتها و نیاست و نیز در حدیث است چون روز
قیامت شود امت را سه گروه کنند یک گروه این بود که عبادت کرده باشند
خدای تعالی از برای حضور دل و دنیا پس خدای تعالی بگوید آن طایفه را که عبادت
کرده اند از برای دنیا چه خواستند از عبادت من گویند دنیا پس خدا تعالی گوید
لاجرم دنیا شما را نفع نکرد به آنچه جمع کرده اید پس ایشان را بسوی دوزخ روان کنند
و بگوید خدای تعالی این طایفه را که عبادت ریا کرده اند چگونه عبادت کردید مر
مرا گویند برای ریا پس بگوید خدای تعالی ایشان را بسوی دوزخ برید بگوید خدای
تعالی آن طایفه را عبادت خالص کرده اند چه خواستند بعبادت من بگویند الهی
تو میدانی نیت ما و عقیده ما که عبادت مخصوص از برای تو کرده ایم پس حق تعالی
بگوید راست گفتند پس ایشان را فرمان شود که سوی بهشت روان کنید و آورده اند
که مردی نیم شب بیدار شد نماز تهجد دو رکعت گذارد و برخاست تا دو رکعت
دیگر بگذارد مردی نزدیک وی گذشت این مصلی را در خاطر خوش آمد که آن
مرد مرا در خدمت مولی دید نماز تمام کرد و در خواب شد بخواب دید او را که گویند
که این دو رکعت نماز که تو گذاردی شایان حضرت ما نیست شایسته حضرت ما
است که خالص و خالی باشد از ریا از وهب منبه پیغامبر علیه السلام گفت از جبرئیل
پرسیدم که اخلاص چیست جبرئیل گفت که من از پروردگار رحیم جل جلاله
سوال کردم از اخلاص که اخلاص چیست ایزد تعالی فرمود اخلاص سری است از
اسرار من که ودیعت نهاده ام آنرا در دل هرکه او را دوست میدارم از بندگان
خود و پیغامبر علیه السلام فرموده ای فرزند آدم اخلاص لازم گیر تا به رستگی که

که بنده نجات نیابد مگر با خلاص و در اخبار آمده است مردمان همه چون مرده اند
مگر عالمان و عالمان خفتگان اند مگر عاملان و عاملان غافلان اند مگر مخلصان و مخلصان
در خطر عظیم اند و مخلص کسی است که نیت و رایمان او نقصان و تنگی نبود در عمل او
ریا نبود و فضیل گفت ترک عمل از جهت مردمان ریا است و عمل از جهت مردمان
شرک است و اخلاص نیست که از این هر دو عصمت دهد خدای تعالی و ابو الحسن
و سحی گفت اخلاص چیزی است که فرشتگان آنرا نتوانند نوشت و شیطان آنرا
باطل نتواند کرد و مردمان از ان اطلاع نیست و حکیمی گفته است بدنیا که شرم می
وابرم از پیر و مرد کار خود که او را عبادت کنم از خوف آتش پس من بنده باشم بد که
ترسانید کار نیکی کنم و اگر نترساند نکنم بد رستی که شرم میدارم از پروردگار خود
که عبادت کنم او را از امید بهشت پس من همچو اجیر باشم اگر اجر دهد عمل کنم و اگر
ندهد نکنم فصل اول در فضیلت صف از کفایه شیخ مروی است که مردی آمد
بخدمت رسول علیه السلام و گفت یا رسول الله مرا عملی بگوی که تا بدان آن
عمل در بهشت روم رسول علیه السلام فرمود که موذنی کن و اگر نتوانی امامت کن
و اگر هم نتوانی در صف اول نماز گذار مقابل امام از فتاوی نسفی صف اول
افضل است از صف دوم و صف دوم افضل است از صف سیوم و در جرجانی است
که رحمت اول نازل میشود مر امام را پس تمام در صف اول پس در صف دوم
و سیوم تا آخر پس شاید مر بنده را که باشد در صف اول تا بعد امام اول رحمت
به و رسد و در تهذیب آورده است اولی آنست که در صف اول نزدیک امام
بنشیند زیرا که اول نزول رحمت بر سر امام و اگر در صف اول مقام نباشد
در صف دوم نشیند از مقر است اگر در صف اول فرجه بیابد و در صف دوم نباشد
باره کند صف دوم را در صف اول رود و آن فرجه را پر کند زیرا که حرمت

در صف اول

صف دوم را که از سبب تقصیر ایشان فرجه صف اول نه بسته اند از عوارف که
ترک آرد صف اول را خوف آنکه تنگی نشود و مرد مانرا دوم بایستد به خدای تعالی
مرا او را ثواب صف اول نیز نقصان از تفسیر زاهدی رسول علیه السلام فرمود
هر که ترک آرد صف اول را خوف آنکه ایذائی رسد مسلمانانرا او در صف دوم
و سیوم بگذارد به خدای تعالی او را و چند ثواب صف اول از خالصة الحقایق
و هب منبه گفت که کعب احبار در صف آخر نماز گذاردی از وی سوال کردم
جواب گفت که من در توریت یافته ام که از امت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم مردان
باشند چون سجده کنند یکی از ایشان سر از سجده بر نداشته باشند که حق تعالی بیامرزد
آنکس را که در عقب او باشد بدین نیت من در صف آخر می ایستم شاید که بود کسی که
پیش من ایستاده است بسجده او من آمرزیده شوم از تفسیر منیر خبر از پیغامبر علیه
السلام مشهور است که بندگان ندانند چند ثواب است جز بقرعه با یکدیگر کار کنند یکی
بکاه و رفتن سوی مسجد دوم بانگ نماز گفتن سیوم در صف اول ایستادن ایضا
پیغامبر گفت علیه السلام هر که فرجه در صف بندد برآرد خدای تعالی برای او
بدان درجه و بنا کند برای او خانه در بهشت از کفایه شعبی و در پنج گام است
کسی نتوانند ثواب آن مگر خدای تعالی یکی آنکه گام زند تا فرجه صف اول ببندد
دوم آنکه گام زند بطلب علم سیوم آنکه گام زند از برای پیوستن رحم چهارم آنکه
گام زند در غزا از صف مسلمانان سوی کفار وقت قتال پنجم آنکه گام زند
بجهت اصلاح میان دو کس پیغامبر گفت که ثواب این گامها کسی نداند مگر خدای تعالی و
و در جزاست فضل صف اول بر سایر صفوف و آنچنانست چنانکه فضل نبی بر غیر او
و در جزاست بدرستی که بهترین صف مردان اول صف است و بدترین صف ایشان
آخرین صف است و بهترین صف زنان آخر صف است و بدترین صف ایشان اول

صف است

صف است و مروی است که رسول علیه السلام فرمود قومی باشند تا فردا خدای تعالی
ایشانرا در آتش دوزخ پس از سبب این خبر مستحب که بگذارد از صفها چون ممکن باشد
و ببندد فرجه را و این در پنج نماز است اما در نماز جنازه مستحب است که صف آخر بایستند
در صف آخر فضیلت دارد از صف اول و در جزاست هر که بایستد در صف اول
پس امام بنویسد مرا او را صد نماز و هر که بایستد راست امام و در صف اول بنویسد
مرا او را هفتاد و پنج نماز و هر که بایستد برچپ امام و در صف اول بنویسند از برای
او پنجاه نماز و هر که بایستد در صفها دیگر مرا او را بیست و پنج نماز بدرستی که صف اول
مرتبه دارد و یک شرط آن آنست الطعام او و لباس او از حلال باشد اما چون پر باشد
شکم او از حرام پس اول و آخر برابر است از خالصة الحقایق آورده اند که میتب
رضی الله عنه نماز از جماعت فوت نشده بود و مدت چهل سال در صف اول روزی
در مسجد آمد کسی دیگر سابق شد و مقام او گرفت بسیار تاسف کرد و ندا شنید که بابت
نماز بگذارد و بدرستی که تو دریافتی صف اول را اول و اجر معصیت را از تفسیر منیر
ابن عباس گفت رضی الله عنه که روزی پیغامبر علیه السلام گفت که خدای تعالی و فرشتگان
خود درود فرستند بر آنکسانیکه در صف اول باشند و قومی را خانها بود گفتند که
بفروشیم و تن و یک مسجد خانه سازیم تا صف اول جای گیریم آواز آمد که ما صف اول
را می بینیم و می دانیم مانند کاشانه مکافات بزینت ایشان و هم و سفیان ثوری گفت
رضی الله عنه صلحا که بوده اند اگر ایشانرا نماز جماعت فوت شدی یک هفته تعزیت
می داشتند و اگر تکبیر فوت شدی یکروز تعزیت می کردند از خالصة الحقایق سوال کیست
از اهل صف اول در مسجد جواب ابو سعید خدری رضی الله عنه گفت که پیغامبر فرمود
علیه السلام اول گروه که در آیند در مسجد ایشان اهل صف اول اند اگرچه در صف اول
نماز نکرده اند و در جزاست رسول علیه السلام از شیطان لعین پرسید که کیست که نماز میخواند

گفت آنکس که در صف اول نماز میگذارد از تفسیر مغنی مرویست که رسول علیه السلام مردمانرا
ثواب فضیلت صف اول بیان میکرد پس قومی که از مسجد خانها دور داشتند گفتند خانها
را بفروشیم نزدیک مسجد خانه گیریم تا صف اول دریابیم پس رسول علیه السلام فرمود هر که
سوی مسجد آید مر او را بهر گامی چندین و چندین نیکی نویسند چنین و چنین درجه در بهشت
برمی آرند چون مردمان این شنیدند خانهاء دور از مسجد خریدند تا بهر گامی ثواب
بیشتر یابند و بر رسول علیه السلام وحی شده که مردمان را اجر بیشتر است ایشان دهیم و رسول
علیه السلام فرمود بهترین صفها صف اول است و بهترین صف اول است بهترین راستا
صف اول آنکه نزدیک تر است از امام و رسول علیه السلام فرمود چون قسمت می کنند
خدای تعالی رحمت را اول نزول میشود بر امام پس بر کسی که در عقب امام پس در راستا
صف اول و پس از آن در چپ صف

فصل سیوم در فضیلت جماعت

از خلاصة الحقایق رسول علیه السلام فرمود امر کرده مرا جبرئیل صلوات الله علیه نماز بجماعت و بر
و بر انگیخت مرا بران یعنی چندین ترغیب کرد که من بترسیدم که قبول نیست نماز مگر
بجماعت و از عبد الله بن ام کلثوم می آرند که مردی بخدمت رسول علیه السلام آمد
و گفت یا رسول الله من مردی نابینا ام و میان من و میان تو درختان و راه دور
دارخارها اندر بوده در هم پیچیده و مرا دستگیری نیست که در جماعت حاضر کرد اینجا
رخصت کن در نماز خفتن و نماز بامداد در مسجد حاضر نشوم رسول علیه السلام او را رخصت
نکرد از فواید الفواد سخن در نماز جماعت افتاده بود در آن باب نیکو غلو
فرمود که اگر دو کس باشند هم جماعت باید کرد اگرچه جماعت دو کس نباشد اما ثواب
جماعت یابند آن دو تن باید که برابر ایستند در صلوة مسعودی آورده است که نماز
بجماعت گذاردن سنت مؤکده است و ترک آوردن آن معصیت است و بدعت
و ضلالت و گرفتن وی بهدی و سبب سعادتست و در روضه آورده است که نزدیک

فضل در جماعت

احمد

داود طائی و امام احمد حنبل نماز بجماعت فریضه است تا چون کسی تنها گذارد نماز
او روا نباشد از کفایه شعبی علما رحمهم گفته اند اگر امام در رکوع باشد و مردی
محتشم درآید و امام درنگ کند در رکوع تا او دریابد رکوع را باید دانست
که امام کافر شود در ساعت زیرا که او در آوردن درنگ را در نماز امام اگر
محتشم نباشد ولیکن نمی داند که وی کیست پس اگر منتظر وی باشد تا او دریابد
رکعت را بعضی مشایخ گفته اند مکروه است و بعضی گفته اند مکروه نیست و پیغامبر
علیه السلام فرمود هر که روا نشود سوی مسجدها باری تعالی از برای جماعت
پس مر او راست بهر گامی آمدن و رفتن ده نیکی و پاک شود از وی ده بدی
و ابو هریره رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرموده است تارک جماعت
ملعون است در زبور و ملعون است در توریت و ملعون است و در فرقان
و اگر برود بر روی زمین لعنت کنند او را و اگر نظر کند سوی آسمان او را لعنت
کنند روایت کرد عبد الله بن عباس رضی الله عنهما از پیغامبر علیه السلام مردی سوال
کرد و گفت یا رسول الله اگر مردی تمام شب قیام کند و روز روزه دارد و
و نماز را بجماعت حاضر نشود او در آتش باشد و آورده اند که مردی بجای ابن عباس
از بصره آمد یکماه بر راه و پرسیدن در مردی که در شب قیام کند و روز روزه
دارد و بجماعت حاضر نشود گفت او در آتش باشد و سفیان بن عتبه گفت که مردی بود
در کوفه از اعتبار بجماعت حاضر نشدی او نیز بایک لطف کرد و خلق را طلب کرد
هیچکس بر وی حاضر نشد و دعوت او را اجابت نکردند گفتند ما اجابت نکنیم
دعوت کسی که اجابت نکند دعوت خدا را عز و جل آورده اند که قبول نکند
خدای تعالی عذر چهار کس روز قیامت مردی که بنماز نشود و بجماعت حاضر نشود و
بی عذر و مردی که بر وی حج لازم شود و حج نکند بی مانع و کسی که بر طعام خورد

و سائلی بر وی برسد او را اندوه و کسی که وی را منکری پیش آید و ایشان باز نمانند و
منع نکنند عذر ایشان مقبول نیست **از تفسیر منیر** فضیلت جماعت ابن عباس گفت از
رسول علیه السلام شنیدم اگر شما بدانید که در نماز جماعت چه فضیلت است بیایید و رفت
اگر چه بزانو باید رفتن گفت چون امام باشد و دو تن از پس او که نماز کنند نبشته
در نامه از ایشان بهر رکعتی هزار رکعت و هزار شارستان بنام او بنا کنند با هزار
حور العین و اگر سه تن دو گانه هزار شارستان و چهار تن چهار گانه هزار و پنج تن
پنجگان هزار و شش تن شش هزار و هفت تن هفت هزار و هشت تن هشت هزار و
نه تن نه هزار چون ده تن شوند بی اندازه فزایند و هر یکی را شصت هزار نماز
نویسند و نیز شصت هزار شارستان و شصت هزار حور العین بنام او بنا کنند و چون
از ده زیادت شود و همه دریاها مداد کردند و درختان قلم و هم آدمیان و پریان
نویسنده شوند ثواب یک رکعت ایشان نتوانند نبشت گفتند زیادت کن خدای تعالی
شرف تو زیادت کرداند گفت بدان خدای که تن و جان من بفرمان اوست
که یک رکعت نماز مومن که بجماعت بگذارد مر او را بهتر بود از هزار حج و هزار عمره
و مر او را بهتر از دنیا که هم چندانکه چون بتن زر بیرون دهند و بهتر از عبادت یکسال
و بهتر از هزار بنده آزاد کردن و بهتر از هزار اسپ بر غازیان سبیل کردن
و بهتر از یکساله با مجاور مکه نشستن و مومن که بر سنت و جماعت بمیرد عذاب گور نباشد
و شدت قیامت نیابد و هر که نماز جماعت را دوست دارد خدای تعالی او را
دوست دارد و فرشتگان دوست دارند و بامداد و شبانگاه دو در گشاده
کرده باشد او را در زیر خود و در شب اگر زنده باشد و خدای تعالی بوقت مرگ او
ملک الموت علیه السلام را بسوی او فرستد همچنانکه سوی پیغامبران فرستاده و
مرگ او چون مرگ شهیدان باشد خداوند عز و جل گور بر وی مرغزاری کرداند از

بهشت و از این جهان برود تا جای خود در بهشت نه بیند و از جویهای آن آب نخورد
و میوه‌ها نخورد روز قیامت در شمار آن از اهل بهشت وی شفاعت دهد و چون از گور
برخیزد و حله بپوشانند و تاجی از نور بر سر نهند روشن تابان با صدیقان و شهیدان
در سایه عرش جایش دهند بران خدای که مرا بحق فرستاد هر که بر سنت و جماعت
بمیرد در هشت بهشت بگشایند تا از هر در که خواهد بی حساب در آید و رفیق خلیل علیه السلام
باشد چون بامداد بکند مومن بجماعت در امان خدای تعالی باشد تا نماز پیشین همچنین
هر پنج نماز را و درین اخبار و فضایل بسیار است مختصر کرده شد **از صلوة مسعودی**
انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرد از رسول علیه السلام هر که پنج نماز را بجماعت
نگاه دارد خدای تعالی ثواب هزار شهید در دیوان وی ثبت کرداند و ابو بکر
صدیق رضی الله عنه گفته است که هر که یک ختم قرآن کند بعد تحریمه که در قرآنست
خداوند عز و جل امر فرماید تا بنام آن بنده در بهشت کوشکی بنا کنند و اگر من توفیق
یافتمی تا هزار ختم قرآن کردمی و آن هم از من فوت شدی بر دل من آن رنج
نرسیدی که یک تکبیر اول از من فوت شدی و امیر المومنین عمر رضی الله عنه گفته است
هر که گرسنه را یا روزه داری را طعام بدهد بعد هر ذره که در آن طعام باشد خدای
تعالی امر فرماید تا بنام آن بنده کوشکی در بهشت بنا کنند و اگر توفیق یافتمی همه گرسنگان
روزه داران عالم را طعام دادمی و این از هم فوت شدی بر دل من آن رنج
نرسیدی که یک تکبیر اول از من فوت شدی و امیر المومنین عثمان رضی الله عنه
گفته است که هر که بنده را قربان کند بعد هر موئی که در آن بنده است خداوند عز و جل
امر فرماید تا بنام آن بنده در بهشت کوشکی بنا کنند و اگر من توفیق یافتمی که جمله
بندگان عالم را قربان کردمی و آن از هم فوت شدی بر دل من آن رنج
نرسیدی که یک تکبیر اول از من فوت شدی و امیر المومنین علی رضی الله عنه گفته است

که هر که کافری را در سور که کافه بکشد بعد و هر موی که بر اعضاء آن کافر بشد خداوند
عز و جل امر فرماید تا بنام آن بنده درخت که نیکی بنا کنند و اگر من توفیق یافتمی
که جمله کافران عالم را در سور که کافه کشتمی و آن هم فوت شدی به دل من آن رنج
نرسیدی که بیک تکبیر اول از من فوت شدی بنا بر آن که رسول علیه السلام فرموده
که تکبیر اول از دنیاست و آنچه در دنیاست و عبد الله مسعود رضی الله عنه از رسول
علیه السلام روایت کرد که هر که را در دنیا یک تکبیر اول فوت شود و بقیامت ویرا
چندان حسرت و ندامت و مشقت بود که گوئی جهان سالی هزار بار سوال کرد و نکرد مشغول
شد سی این را حسرت و ندامت زیادت از آن بود بنا بر آن احوال که رسول علیه السلام
فرمود تکبیر اول به از دنیا و آنچه از دنیاست **اورده اند** که در عهد رسول علیه السلام
دو مرد بودند میان ایشان برادرخواندگی و محبت بود و یکی از ایشان نقل کرد دوم
بار که بود دعا کرد **الهی** مرا بوی برسان که من طاقت فراق او ندارم او هم نقل
کرد پس آن را بخواب دید پرسید که تو رسیدی بدان یار خود گفت بلی او از من
بالاتر است بنقاوه درجه گفتند از چه آن درجات یافت روزی ما هر دو یار بسوی
مسجدی رفتیم تا نماز بگذاریم یار من از من سابق شد و تکبیر اولی دریافت و من
دریافته ام و گفته اند که سخت ترین مصیبتها در دنیا پنج است **یکی** فوت برادری که محبت
برای خدا بوده باشد و فوت مجلس علم و فوت شدن تکبیر اولی و فوت حج و کسی را که سلب
ایمان باشد وقت نزع و یا بیرد بعنز توبه **ابن مسعود** رسول علیه السلام فرموده است
یا ملیکه نکبت را سه علامت است قولش از حلال بود و لیکنت و خاست او با علما بود
و پنج نماز را بجماعت بگذارد و رسول علیه السلام فرموده است مرد بدبخت را سه
علامت بود قولش از حرام بود و از علما دور باشد و نماز را تنها بگذارد و رسول
علیه السلام فرموده است نفرت خداوند تعالی در جماعت است هر که نماز تنها گذارد

تنها گذارد و در دوزخ رود و عبد الله عباس رضی الله عنه **روایت کرد** که سائلی از رسول
علیه السلام **سوال کرد** که مردی است زکوة مال میدهی و روزه ماه رمضان میدارد
و حج میرود و چهار نماز را در قضا تمام میگذارد و لیکن نماز خفتن بجماعت نمی آید
رسول فرمود **هُوَ فِی النَّارِ** تا یکماه این سائل همین سوال میکرد و رسول علیه السلام
همین جواب میداد و رسول علیه السلام فرمود هر که چهل شبانه روز جماعت نگاه دارد
که هیچ تکبیر از وی فوت نشود خداوند عز و جل امر فرماید تا ویرا دو برات نویسند
یکی بیزاری از نفاق و دوم بیزاری از فراق و رسول علیه السلام فرمود هر که
این دو نماز را بتاریکی بجماعت نگاه دارد مومن است و هر که بجماعت نگاه ندارد
منافق است قال النبی علیه السلام اِنَّ اَثْقَلَ الصَّلٰوةِ عَلَى الْمُنَافِقِيْنَ صَلٰوةُ
الْعِشَاءِ وَصَلٰوةُ الْفَجْرِ و رسول علیه السلام فرمود هر که اقتدا کند با امام متقی
چنان باشد که پیغامبری را اقتدا کرده است و هر که اقتدا کند با امام عالم چنان بود
که من اقتدا کرده است پس معلوم شد که عالم از عابد فاضلتر است و نشاید که مقتدی
پیش از امام سر برآرد و اگر برآرد و معلوم شد که هنوز امام سر از سجده
برنداشته است باید که باز رود در سجده نهد و رسول علیه السلام فرمود هر که پیش
از امام سر از سجده برآرد سر او همچو سر خر شود و **ایضا از صلوة مسعودی رسول**
علیه السلام فرمود سه وقت آسمانها و زمینها بحضرت خداوند تعالی بلرزد و عرش در
جنبش آید یکی وقتی که کسی یتیمی را بزند دوم وقتی که زنا کند سوم
وقتی که تکبیر اول را مومنی فوت کند آسمان بنالد که خداوند عز و جل
مرا فرمان ده تا بر وی زنم فرمان آید خداوند عز و جل که شما پاک شوید که بنده
صفت باشد که توبه کند بیامرزمش اگر چنین بنده را خداوند عز و جل بیامرزد
فضل کرده باشد و اگر عقوبت کند عدل کرده باشد ظلم **از وصایا** رسول علیه السلام

فرموداز و برده است جبرئیل علیه السلام که باشد باني آدم هفت خصلت یکي در پنج نماز
برابر امام دوم مجالست با علما سیوم عیادت مریض چهارم پس روي جنازه پنجم
آب دادن مر تشنه را ششم صلح کردن میان دو کس هفتم گرامي یتیم را با علما خویش
باشد بدآنچ تمنا کرده است جبرئیل صلواة الله علیه **از تنبیه ابو اللیث** گفته اند هر که پیوسته
نماز بجماعت کند خداي تعالی پنج خصلت مر او را کرامت کند اول تنگي عیش از وی برد
دوم عذاب گور از وي بردارد سیوم نامه او بدست راست دهند چهارم از پل صراط
بگذراند پنجم در بهشت اندر آید بی حساب و هر که نماز بجماعت نکند با وی دوازده چیز
بکنند سه چیز اندر دنیا و سه بوقت مرگ و سه چیز اندر گور و سه چیز اندر قیامت
اما سه چیز اندر دنیا بود برکت از کسب وي برگیرند دوم سیما از روي او برود
سیوم اندر دل مردمان دشمن گردانند اما این سه چیز که بوقت مرگ باشد
اول جان او گرسنه و تشنه بر آرد اگر خلق بدانند از آدمي و پري یک
وقت نماز بی جماعت نگذارد و قصد براي جماعت بکنند دوم جان کندن بروي
دشوار گردانند سیوم کلمه شهادت نیاید اما این سه چیز که اندر گور بود اول
پرسیدن منکر و نکیر با هول و فزع باشد دوم تاریک گور سیوم گور بروي تنگ
بود اما این سه چیز که اندر قیامت بود اول خشم خداي عز و جل دوم عذاب آتش
سخت بود سیوم حساب کردن بروي دشوار بود **از خالصة الحقایق معاذ النسفي** گفت که حاتم
شقیق را رحمة الله علیه نماز پیشین بجماعت فوت شد پنجاه درم صدقه بداد و گناه
تعزیت داشت و میگریست و میگفت **اَللّٰهُمَّ** اَعْطِنِيْ اَجْرَهَا فَاعْتِقْنِيْ وي آزرم
که ربیع بن خثیم با دفالج داشت هر دو جانب و کس میگرفتند اگاه گام زدي پنج
وقت نماز بجماعت حاضر شدي وي را گفتند که ترا رخصت است که در خانه بگذاري
گفت چگونه کسي که حَيَّ عَلَى الْفَلَاح بشنود و اجابت نکند اگر چه بزانو زدن باشد

داورده اند که مردي نابینا بود سوي مسجد روان شد تا نماز خفتن بجماعت
بگذارد و در شبي که باران بود زن وي را گفت که چرا در خانه نماز نمي گذاري
گفت بروم در مسجد تا آگاه کنم شکر دستها و پایها خود و پس چون از مسجد در خانه
آمد در خواب شد چون بامداد برخاست در هر دو چشم از وي بینائي ظاهر شد
در شب نابینا خفته بود و بامداد بینا برخاست پس گفت نیکو پروردگاریست پروردگار
من شکر کردم او را پس جزا داد مرا بر شکر من **از ملفوظ خیر المجالس** از خدمت
شیخ المشایخ نظام الحق و الشرع والدین قدس الله سره العزیز **روایت کردند**
وفرمودند که از خدمت شیخ شنوده ام مردي بود در سخن وي خلق خداي رغبت
و ذوق بود و در راحت بسیار میگرفتند و هیچ تذکر نبودي که چندین خلق بر این بارد
نکردي او را اتفاق زیارت کعبه شد آنجا رفت خلق مشتاق تر شدند که مولانا
را اینچنین سخن گران بود چون زیارت حج اسلام بجاي آرد باز گردد دیگي بعد
خواهد بود حج اسلام بجا آورد باز آمد عشر عشیر آن قبولي که داشت نمانده بود خلق
هم دران مجلس جمع شدند و حلقه کردند و با او گفتند که ما چندین مشتاق بوده ایم چون
مولانا باید در سخن او راحتي بگیریم اول در سخن شما را صفا داشتیم دانستیم بعد
زیارت خانه کعبه سخن او دیگي بعد خواهد شد چون آمدي عشر عشیر آن قبولي نمانده است
این از کدام شومیست مولانا گفت خداي میداند تا من رفته ام و باز آمده ام
حرمي و معصیتي در وجود من نیامده است مگر یک چیز همان زمان دانسته بودم که بترین
نعمتها بر و در چنان شد و آن این بود که یک نماز از جماعت فوت شد در وقت
گذاردم بجماعت نرسیدم این شومت آنست درین محل خواجه بگریست و حاضران
هم بگریستند گذارد براي فوت یک نماز بجماعت که در وقت گذارد بجماعت نرسید
اینچنین شومي روي داد بیچاره آنکه اصلا بجماعت نمي رسد با آنکه بیشتر اوقات

نمی رسید و تنها میکذارد و روز کابلی جماعت ترک می آرد او چه خواهد بود مناسب
این فایده فایده دیکر فرموده اند در منبع آنکه رعایت حفظ اوقات جمعه کاری آورد
شیخی بود خلق بر وی بسیار رجوع کردی و هجوم خلق بر وی شد اکرچه در آن وقت مشایخ
کبار بسیار بودند اما خلق بر وی توجه کردند او با خود کفته که در من طاعتی و عبادتی که
مشایخ را باید نیست این توجه خلق از کجاست او از وی شنید که بجهت رسیدن جماعت
جمعه بسیار می نمائی این از تو قبول کرده ایم و این حکایت در فوائد الفواد هم آمده است
فصل چهارم در ورد بعد از سنت نماز بامداد و نقل از کتابی مرویست از
پیغامبر علیه السلام هر که سنت نماز بامداد در خانه بکذارد حق تعالی او را سه چیز کرامت
فراخ کند رزق او و کم کردند منازعت را میان او و با اهل او و ختم کار او با ایمان
باشد نقل از کتاب الفتح هر که سنت نماز بامداد در رکعت اول بعد فاتحه الم نشرح
خواند و در رکعت دوم بعد فاتحه الم تر کیف بار بار و سور رخت نه بود و اکر مدام
خواند همه عمر باسور نشود و تجارت کرده اند و اکر کسی را خصمی باشد غالب آن خصم مغلوب
او نشود و اکر بر آن نیت بخواند و شیخ امام اجل محمد علی حکیم ترمذی رحمة الله علیه کفت
که من دیدم حضرت عزت را جل جلاله بخواب هزار بار و سوال کردم هر بار ربی رستی که
من می ترسیم از زوال ایمان لبیک امر کردید ورد کار من هر بار بکفتی این تسبیح در میان
سنت و فریضه نماز بامداد چهل یکبار و شیخ ابو بکر کتانی رحمة الله علیه کفته است که شبی
حضرت رسالت را صلی الله علیه وسلم بخواب دیدم کفتم یا رسول الله چه دعا کنم تا حق تعالی
دل مرا منیر اند رسول علیه السلام همین تسبیح که هر روز چهل یکبار در میان سنت و فریضه نماز
بامداد بکوی تسبیح اینست یَا حَيُّ یَا قَیُّومُ یَا بَدِیعَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
یَا ذِی الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ یَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُحْیِيَ
قَلْبِي بِنُورِ مَعْرِفَتِكَ یَا اللهُ یَا اللهُ یَا اللهُ فصل پنجم در ورد بعد

فریضه

فریضه نماز بامداد از خالصة الحقائق رسول علیه السلام فرمود کران ترین نماز بر منافقان
دو نماز است بامداد و نماز خفتن و اکر بدانند که درین هر دو چه ثواب است بکذارند
اکرچه بزانو رفتن باشد از تفسیر منبه رسول علیه السلام فرمود هر که نماز بامداد بکذارد
پس او در حرز و امان خدای تعالی باشد ایضا پیغامبر فرمود علیه السلام هر که نماز بامداد
بکذارد و پس بنشیند و ذکر خدای تعالی بکوید تا آفتاب طلوع کند باشد مر او را حجابی بری
از آتش و مر او را در جنت الفردوس هفتاد درجه باشد میان هر درجه آن مقدار
فاصله باشد اسب تازی هفتاد سال دوند باشد و باشد مر او را ثواب حج و عمره
و عمره مقبول و پیغامبر علیه السلام کفت هر که بکذارد نماز بامداد بجماعت بدهد خدای تعالی
مر او را پنج چیز اول رزق و حلال دوم برکت در رزق سیوم نجات از عذاب
کور چهارم بکذرد بر صراط چون برق جهنده پنجم آید در بهشت بی حساب از زبدة
القلوب در حدیث آمده است بروایت ابو درداء رضی الله عنه از رسول علیه السلام
بکوید از پس هر فریضه نماز بامداد که هنوز حدیث نکرده باشد و زانو بالا نکرده باشد
ده بار لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
یُحْیِي وَیُمِیتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا یَمُوتُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ بِیَدِهِ الْخَیْرُ
وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَيْءٍ قَدِیرٌ ثبت کردند حق تعالی در نامه اعمال او هر باری که بکوید
ده نیکی و بر آرد در بهشت ده درجه و باشد مر او را هر یکی از آن ثواب آزاد کردن بنده
و آن روز در حرز و حفظ و عصمت حق باشد از دیو و پری و نشوی کناه بد و نرسد
مکر ترک نعوذ بالله منها از ترجمان الصلوة در خبر مشهور می آید که خدای تعالی کفت
بعزت و جلال من هیچ بنده نیست که سوره فاتحه و این آیتها بخواند از پس هر فریضه تراکه
هفتاد بار هر روز برحمت در وی نظر کنم و او را هفتاد هزار حاجت روا کنم و دار
جلال وعده کناه دیده ار است ساکن کردانم با همه کناهان که بر وی باشد بیخ بیخ و من نزط بکذارد

وازین آیتها بخواند اگرچه او خود را گناه کار پندارد آن همه از و کفارت شده آیتها
آیت فاتحه و آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و قل اللهم
از خالقة الحقایق پیغامبر فرمود علیه السلام هر که بعد از نماز بامداد هر روز صد بار
بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین حق تعالی او را سه چیز او را کرامت
کند اول غنی گرداند فقیر نشود دوم آنکه عذاب گور نباشد سوم آنکه در بهشت رود
در تفسیر معنی پیغامبر فرمود علیه السلام هر که نماز بامداد و سخن نگوید تا ده بار قل هو
الله احد بخواند در نیابد او را در آن روز گناهی اگرچه او را شیطان ترغیب
وسوسه کند و ابو امامه باهلی گفت رسول فرمود علیه السلام هر که بخواند آیة الکرسی
پس هر نمازی نباشد میان او و میان بهشت حایلی مگر موت و عبد الله عمر رضی الله
عنه گفت که پیغامبر علیه السلام گفت هر که آیت الکرسی بخواند عقب نمازی روح او را
قبض نکند مگر خدای تعالی و جعفر صادق رضی الله عنه گفت هر که آیة الکرسی پس هر نماز
تا خالدون بخواند ایمن بود از وسوسه شیطان و اگر فقیر باشد خدای تعالی او را
غنی گرداند و رزق او را از آنجا که او نداند برساند و نمیرد تا جای خود در بهشت
نه بیند و مروی است از ابن عباس رضی الله عنه که جبرئیل علیه السلام بر موسی صلوات الله
علیه آمد و گفت که خدای عز و جل فرموده است هر که بگوید در عقب هر نمازی فریضه این
یکبار اللهم انی اقدم بین یدی کل نفس و لمحة و لحظة و طرفة یطرف
بها اهل السموات و اهل الارض و کل شیء و هو فی علمک کائن او
قد کان و انی اقدم الیک بین یدی ذلک کله مثل آن آیة
الکرسی بخواند بدرستی که شب و روز را بیست و چهار ساعت است بهر ساعتی سوی من آید
از آن بنده هفتاد هزار نیکی تا آنگاه که صور دمیده شود و فرشتگان مشغول باشند شمار
نیکیهای وی فضل تسبیحات عشر از اوراد شیخ الشیوخ رحمة الله علیه پیش از طلوع و

از غروب

پیش از غروب این ده چیز هر یک هفت بار بخواند بدین ترتیب اول سوره فاتحه
دوم قل اعوذ برب الناس سیوم قل اعوذ برب الفلق چهارم
قل هو الله احد پنجم قل یا ایها الکافرون ششم آیة الکرسی
هفتم سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم یکبار بگوید عدد ما علم الله و زنة
ما علم الله و ملاء ما علم الله [هشتم] اللهم صل علی محمد عبدک
و نبیک و رسولک النبی الامی و علی آله و بارک و سلم
نهم اللهم اغفر لی و لوالدی و لمن توالد و ارحمهما کما
ربیانی صغیرا و اغفر اللهم اغفر لجمیع المؤمنین و المؤمنات
و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات برحمتک
یا ارحم الراحمین دهم اللهم یا رب افعل بی و بهم عاجلا
فی الدین و الدنیا و الآخرة ما انت له اهل و لا تفعل
بنا یا مولانا ما نحن له اهل انک غفور حلیم جواد کریم
رؤف رحیم سه بار بگوید سبحان الله العلی الدیان سبحان
الله الحنان المنان سبحان الله الشدید الارکان سبحان
الله فی کل مکان سبحان الله من لا یشغله شان عن شان
سبحان من یذهب بالنهار و یاتی باللیل و بوقت طلوع بگوید سبحان
من یذهب باللیل و یاتی بالنهار یکبار بگوید سبحان الله بحمدک
علی حلمک بعد علمک سبحان الله و بحمدک علی عفوک
بعد قدرتک سبحان من له الطاف خفیة فسبحان الله
حین تمسون و حین تظهرون یخرج الحی من المیت و یخرج

المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک تخرجون سبحان
ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین ولله الحمد رب السموات ورب
الارض ورب العالمین وله الکبریاء فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم فالحمد لله نحمده ونستعینه ونستغفره ونؤمن
به ونتوکل علیه ونشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له ونشهد ان محمدا عبده المصطفی ورسوله المجتبی
ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره
المشرکون من یهدی الله فلا مضل له ومن یضلل فلا هادی
له نعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سیئات اعمالنا از سلطان
المحققین و از قوت القلوب و از احیاء علوم ابراهیم تیمی رضی الله عنه روزی نشسته
بود از پس خانه کعبه و خدای عز و جل را تعبد میکرد و گفت مردی را دیدم که بیامد
و بر دست راست من بنشست نگاه کردم نیکو روی و خوش بوی من او را نشناختم یا
یا عبد الله از کجایی و چه نام داری گفت من خضر پیغامبرم چون وی این سخن گفت
هیبتی در دل من افتاد و گفتم یا نبی الله چه بود که خود را بمن نمودی و بهر مردمان
ننمودی گفت از بهر آنکه تو دوست خدایی و دوست پیغامبران علیهم السلام آنگاه
خضر صلوات الله علیه گفت یا ابراهیم اگر من ترا هدیه دهم نگاه داری گفت نگاه دارم
بتوفیق خدای عز و جل پس گفت یا ابراهیم اگر من ترا هدیه هر روز پیش از طلوع
آفتاب و پیش از غروب مسبعات عشر بخوان و هر یک صورة و دعا را ایمان که جای جای
بال نبشته شده است پس گفت یا ابراهیم اگر همه عمر خود یکبار بخوانی بسنده است و اگر
هر روز بخوانی تو آن کیه اند مگر خدای تعالی پس ابراهیم گفت این ترا که آموخت

یا نبی الله

یا نبی الله پس مهتر خضر گفت که از محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم شنیدم ابراهیم گفت
خبر کن مرا از ثواب این مهتر خضر گفت از من مپرس که من ندانم ثواب این اگر
محمد مصطفی علیه السلام را بخواب بینی از ثواب این سوال کنی بپرسی که ترا از ثواب
این خبر کند پس ابراهیم گفت یا نبی الله مرا چیزی بیاموز که محمد مصطفی را در خواب
بینم پس مهتر خضر گفت یا ابراهیم چون نماز شام بگزاری با هیچکس حدیث نگویی تا آنگاه
که نماز خفتن بگزاری پس دو رکعت نماز بگزار بخوان در هر رکعتی الحمد یکبار و اخلاص
هفت بار بعد از سلام سخن مکن و در سجده هفتاد بار بگویی سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم پس از سجده بردار و این دعا بگویی یا حی یا قیوم یا ذو الجلال والاکرام
یا ارحم الراحمین یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما یا اله الاولین
والآخرین والاول انت قبل کل شیء والآخر بعد کل شیء یا رب
یا رب یا رب یا الله یا الله یا الله یا رحمن آنگاه برخیز و دو دست
بر آر و هر چه گفته شد خوانده باشی بر پای ایستاده بخوان آنگاه بر پهلوی راست
بخسب و روی خود سوی قبله کن و بر پیغامبر علیه السلام درود بگویی تا آنگاه که
در خواب شوی پس ابراهیم علیه السلام گفت آنچ مهتر خضر علیه السلام گفت بکردم و آن
دعا بخواندم چنانچه او فرموده بود و بخفتم در خواب دیدم که فرشتگان از آسمان
فرود آمدند و مرا به آسمان بردند و بهشت را بمن نمودند اندر بهشت کوشکها دیدم
از یاقوت سرخ و کوشک دیگر دیدم از مروارید سفید بهر کوشکی اندر جویها روان
از شیر و انگبین و می و در کوشکها کنیزکان حور العین بودند [illegible] دیدم و رو نهاده
[illegible] تابانتر از آفتاب پرسیدم از فرشتگان که این کوشکها و این جویها
کراست گفتند مر آنکس را که این عمل کند که تو کردی و از آن میوها و شیرها بخوردم

آنگاه پیغامبر را علیه السلام در خواب دیدم با هفتاد پیغامبران و هفتاد صف فرشته
هر صفی هم چندانکه از مشرق تا بمغرب همه بر من سلام کردند و پیغامبر علیه السلام دست
من بگرفت و بوسید بخوشی من گفتا و من نیز دست مبارک او بگرفتم و ببوسیدم و
بگفتم یا رسول الله خضر علیه السلام از تو شنیده بود این حدیث **مسبعات عشر**
که مرا خبر کرد پس پیغامبر علیه السلام گفت یا ابراهیم آنچ خضر با تو کرد همه حق است و همه
حق است و همه صدق بدرستی که او عالم اهل زمین است و او رئیس ابدالان است و او
از لشکرهای ایزد تعالی است در زمین و بدرستی که این من از جبرئیل علیه السلام آموختم
پس ابراهیم گفت یا رسول الله چه ثواب باشد آنکس که بدین عمل کند پس رسول علیه السلام
سوگند یاد کرد و گفت بدان خدایی که فرستاد مرا به پیغامبری بحق هر که بدین عمل
کند که تو کردی او ببیند مرا چنانکه دیدی و ببیند بهشت را چنانکه تو دیدی و بخورد
از طعام و شراب بهشت چنانچه تو خوردی بیامرزد خدای تعالی جمله گناهان کبیره
او بردارد خدای تعالی از وی غضب خود و بفرماید فرشته شمال را که ننویسند
گناه او را تا سال دیگر و بدان خدایی که فرستاد مرا به پیغامبری بحق که عمل نکند
این را مگر کسی را که خدای تعالی سعید آفریده باشد و ترک نیارد این را مگر کسی
را که او را بدبخت آفریده باشد و ابراهیم تیمی رحمة الله بعد از دیدن این خواب
چهار ماه بزیست و هیچ طعامی و شرابی در دنیا درین مدت نخورد و او را الطعام
و شراب حاجت نشد از آنکه طعام و شراب بهشت خورده بود و در **احیاء علوم**
آورده است قادر نشود بر خواندن مسبعات عشر مگر کسی که او از اهل بهشت باشد
و هر که مدام بخواند در روز و شب در حفظ و امان و عصمت حق تعالی باشد
و از دنیا نرود تا مقام خود در بهشت بخواب نه بیند و نمیرد تا طعام بهشت
نخورد و از فواید الفواد آورده است که برای برآمدن حاجات **مسبعات عشر**

خواندن

خواندن هم آمده است بنده عرضه داشت کرد که هر روز در وقت معین خوانده میشود
فرمود اگر مهمی دینی و دنیاوی پیش آید پیش از آن همه علاوه بخواند آن مهم کفایت رسد
ایضا از فواید الفواد در فضیلت **مسبعات عشر** بسیار غلو فرمود آنگاه گفت که مردی
بود پیوسته **مسبعات عشر** بخواندی وقتی در بادیه افتاد و طایفه راه زنان برخاستند
تا او را هلاک کنند درین میان ده سوار پدید آمدند و هر ده سوار مسلح بودند
این از ایشان پرسید که شما کیانید ایشان گفتند مسبعات عشریم ما آن دعائیم که هر روز
هفتگان بار بخواندی آن مرد گفت آنگاه در پی هشتم چرا اینجا گفتند بسم الله الرحمن الرحیم
وقت خواندن نمی گفتی بنده عرضه داشت کرد تسمیه کجا گوید فرمود بر سر هر سورة آنگاه
حکایت فرمود که قاضی کمال الدین جعفری که قاضی بدوان بود او را بسیار ورد بود
با چندان شغل قضا و کارها دیگر قرآن بسیار خواندی چون بیمار شد از خواندن
تنها باز ماند وازو پرسیدند که چه حال است گفت بر **مسبعات عشر** نشسته ام که جامع
اوراد است و پیغامبر علیه السلام فرمود بدرستی که مرگ را نوشند جز نیست هر چیز
بزرگتر از نوشیدن زخم کردن شمشیر پس هر که خواهد سلامتی از آن بعد هر فریضه نماز
این بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اعددت لکل هول فی الدنیا و
الآخرة لا اله الا الله و لکل هم و غم ما شاء الله کان و لکل
کرب لازم لا حول و لا قوة الا بالله و لکل ذنب
استغفر الله و لکل ضیق حسبی الله و لکل مصیبة انا لله
و لکل نعمة الحمد لله ما بی من نعمة فمن الله و لکل طاعة
و معصیة لا حول و لا قوة الا بالله و اقول لکل رغبة و رهبة
اللهم صل علی محمد و علی من واله . **از خالصة الحقایق** النبی بن مالک
گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود فرشتگان که اعمال را عمل بنده می نویسند و صحیفه

اعمال بحضرت باری تعالی میبرند حق سبحانه و تعالی در آن صحیفهٔ اعمال که در اول صحیفه
خیر است و در آخر خیر است فرشتگان را فرمان میشود از حضرت عزت ای ملایکه گواه
باشید که من بیامرزیدم آنچ میان دو طرف این صحیفه است از ملفوظ شیخ الاسلام
شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز بلفظ مبارک رانده که صاحب ورد باید که آنچ
وظیفه خود کرده باشد اگر روز نتواند خواند در شب بخواند و اگر در شب نتواند در
روز بخواند بهر حال وظیفه خود ترک ندهد که شومی آن بهم ساکنان شهر اثر کند و آن
خرابی پذیرد بعد از ان هم درین محل حکایت فرمودند وقتی سیاهی بر دعاگو آمده
بود از جانب دمشق او حکایت کرد روزی ان بر دمشق شهریست آنجا رسیدم آن
شهر را خراب یافتم ماننگ بیت خانه آباد ان نباشد از خرابی آن شهر تفحص
کردم بزرگی بود او حکایت کرد که درین شهر مسلمانان بسیار بودند اما صاحب ورد
چند نفر مسلمان وردی وظیفه ایشان بود ترک دادند بی بر نیامد که مغل بر در آمد
جمله شهر را خراب کردند و مسلمانان را اسیر کردند از شومت ایشان شهر خراب شده است

فصل ششم در نماز اشراق

در تفسیر آورده است رسول علیه السلام فرمود
هر که نماز بامداد بگذارد و بنشیند بذکر خدای عز و جل مشغول باشد تا آن زمانکه
آفتاب طلوع کند باشد مر او را حجاب و ستر از آتش دوزخ و مر او را در جنت
الفردوس هفتاد درجه باشد و در خبر است هر که نماز بامداد بگذارد و درنگ
کند تا آن زمانکه آفتاب طلوع کند چنانستی که چهار کس از فرزندان اسمعیل
پیغامبر صلوات الله علیه بها خریده باشد و آزاد کرده و در تنبیه ابو اللیث
رحمة الله علیه آورده است که پیغامبر صلی الله علیه و سلم فرمود هر که نماز بامداد
بگذارد و بنشیند در مصلا تا آفتاب طلوع کند پس بگذارد دو رکعت یا چهار رکعت
حرام کرداند خدای تعالی او را بآتش از تفسیر رسول علیه السلام فرمود

هر که نماز بامداد بگذارد در مسجد بنشیند و بذکر خدای تعالی مشغول باشد تا آفتاب
طلوع کند پس چون طلوع کند حمد گوید مر خدای او بر خیزد دو رکعت نماز بگذارد دهد
او را خدای تعالی در هر رکعتی هزار هزار قصر در بهشت در هر قصری هزار هزار
حور بر هر حوری هزار هزار خادم باشند دیگر خدا تعالی از مطیعان از فوائد
الفواد در خبر است چون روز قیامت برآید فرشته بر بام بیت المقدس
بر آید و ندا کند ای بندگان خدای و ای امتان محمد خدای شما را روزی نو
بخشد و شما را روزی در پیش است و آن روز قیامت است برای ذخیره آن روز
را درین روز کاری بکنید و آن است که دو رکعت نماز بگذارد و بعد طلوع آفتاب
شکر روز هر رکعتی بعد فاتحه یکبار قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند از روضه
مروی است که رسول علیه السلام نماز بامداد گذارد در روز دوشنبه هشتم ماه ربیع
الاول پس پشت مبارک بمحراب آورد و گفت هر که بگذارد نماز بامداد و بنشیند.
در جای نماز نبشته شود او در دیوان آمرزیدگان و اگر چهار رکعت بگذارد
نبشته شود در دیوان متعبدان و مطیعان و مسبحان و مخلصان که رجوع ایشان
بسیار از هر چیزی بخدای عز و جل باشد و اگر هشت رکعت بگذارد نبشته شود از اولیا
که ایشان از روز قیامت ترسیده اند و هی نیست از اوراد شیخ الشیوخ رحمة الله
علیه دو رکعت نماز اشراق برین ترتیب بگذارد نماز شکر الله دو رکعت بگذارد
نیت چنین کند نویت ان اصلی لله تعالی رکعتی شکر الله عبادة متوجها
الی بیت الله تعالی و در رکعت اول بعد از فاتحه آیة الکرسی تا العظیم
و در دوم آمَنَ الرَّسُوْلُ اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ تا عَلِیْمٌ
بخواند بعد از سلام صلوات گوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَصْبَحْتُ
لَا اَسْتَطِیْعُ دَفْعَ مَا اَکْرَهُ وَلَا اَمْلِکُ نَفْعَ مَا اَرْجُوْا اَصْبَحْتُ

مُرْبِّهنا بعملي واصلح امري بيد غيري فلا فقيرا افقر مني اللهم
لا تشمت بي عدوي ولا تسؤ بي صديقي ولا تجعل مصيبتي في
ديني ودنياي ولا في الآخرة ولا تجعل الدنيا اكبر
همي ولا مبلغ علمي ولا تسلط علي من يرحمني في الدنيا و
الآخرة اللهم اني اعوذ بك من الذنوب التي تزيل
بها النعم ومن الذنوب التي توجب بها النقم برحمتك
يا ارحم الراحمين **نماز استعاذه** دو رکعت نماز بگذارد و نیت چنین کند
نويت ان اصلي لله تعالى ركعتين صلواة الاستعاذه
متوجها الى القبلة الله اكبر در رکعت اول بعد از فاتحه سوره
الفلق و در دوم سوره الناس بخواند بعد از سلام صلوة گوید و این دعا بخواند
اللهم اني اعوذ باسمك الاعظم وكلمتك التامة
من شر ما يجري به الليل والنهار ان وليي الله الذي
لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
ايضا اللهم انك لا سلطت علينا عدوا بصيرا بعيوبنا يرانا
هو وقبيله من حيث لا نراه اللهم فآيسه منا كما آيسته
من رحمتك وقنطه منا كما قنطته من عفوك وابعد بيننا
كما ابعدت بينه وبين جنتك انك على كل شيء قدير
وبالاجابة جدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم **نماز استخاره** دو رکعت بگذارد و نیت چنین کند نويت ان اصلي
ركعتين صلواة الاستخارة متوجها الى القبلة در رکعت اول
بعد از فاتحه **قل يا ايها الكافرون** در دوم اخلاص بخواند بعد از سلام صلوة

گوید این

گوید و این دعا بخواند اللهم اني استخيرك بعلمك واستقدرك
بقدرتك واسالك من فضلك العظيم فانك تقدر ولا اقدر
وتعلم ولا اعلم وانت علام الغيوب اللهم اني
اسالك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة ولا
نشورا ولا استطيع ان آخذ الا ما اعطيتني ولا
ان اتقي الا ما وقيتني اللهم وفقني لما تحب وترضى
من القول والعمل في عافية اللهم خر لي واختر لي
ولا تكلني الى الاختياري اللهم اجعل الخيرة
في كل قول وعمل اريده في هذا اليوم والليلة **نماز
استجاب** دو رکعت بگذارد و نیت چنین کند **نويت ان** اصلي ركعتين صلوة
الاستجاب متوجها الى القبلة در رکعت اول بعد از فاتحه سوره الواقعه و در
دوم سبح اسم بخواند بعد از سلام صلوة فرستد و این دعا بخواند اللهم
اجعل حبك احب الاشياء الي وخشيتك اخوف الاشياء
عندي اللهم اذا اقررت عيون اهل الدنيا بدنياهم
فاقرر عيني بك وبعبادتك واقطع عيني بلقاء الدنيا
بانسك والشوق الى لقائك واجعل طاعتك في كل شيء
مني اللهم ارزقني حبك وحب من احبك وحب من يحبك
وحب عمل يقربني الى حبك واجعل حبك احب الي من
الماء البارد للعطشان يا ذا الجلال والاكرام **نماز شکر النهار**
دو رکعت بگذارد و نیت چنین کند نويت ان اصلي لله تعالى ركعتين
صلوة الشكر النهار متوجها الى القبلة در هر رکعت بعد از فاتحه یک بار

بار اخلاص بخوانند بعد از سلام صلواة گوید و سه بار بگوید الحمد لله علی
حسن الصباح و الحمد لله علی حسن المبیت و الحمد لله علی
حسن المساء بعد بگوید اللهم لک الحمد حمدا دائما خالدا
مع خلودک و لک الحمد حمدا لا منتهی له دون علمک
و لک الحمد حمدا لا امد له دون مشیتک و لک الحمد حمدا
لا جزاء لقائله الا رضاک و لک الحمد حمدا عند کل
طرفة عین و تنفس کل نفس و الحمد لله لما احقه و الصلوة
علی رسوله محمد خیر خلقه برحمتک ارجو فلا تکلنی الی
طرفة عین و لا اقل من ذلک و اصلح فی شانی بلا اله
الا انت وحدک لا شریک لک و تب علی و اغفر لی
و ارحمنی انک انت ارحم الراحمین اللهم لک الحمد
و الیک المشتکی و انت المستعان و علیک التکلان و لا
حول و لا قوة الا بک **فصل هفتم در نماز چاشت** از فواید
الاسلام رسول علیه السلام فرمود که شش چیز باشد که جمع نشود اول گناه با توبه
دوم توانگری با زنا سیوم درودی با نماز ضحی از صلوة مسعودی نماز ضحی
بر رسول علیه السلام فریضه بوده است اما بر ما سنت است اگر گذاری ثواب یابی
و اگر بجای نیاری گناهکار نشوی و در عدد رکعات وی علما را اختلاف است از دو رکعت
تا دوازده رکعت آمده است ظاهر **روایت** چهار رکعت است خوانند و در وی
آنچه خوانند فرضیت را روا بود اما مستحب است که در رکعت **اول** و الشمس خوانند و در
رکعت دوم و اللیل **و در سیوم** و الضحی و در **چهارم** الم نشرح از اوراد چون ربع
روز بگذشت نماز چاشت دوازده رکعت بگذارد و اول او چهار رکعت است بخوانند

بخوانند و ام رکعت

بخوانند و در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی یکبار و اخلاص سه بار و در چهار رکعت
دیگر در رکعت **اول** بعد از فاتحه و الشمس **و در دوم** و اللیل **و در سیوم** و الضحی
و در چهارم الم نشرح و در چهار رکعت دیگر و در هر رکعتی الم نشرح یکبار و اخلاص
سه بار و بعد از فراغ صد بار بگوید **اللهم** اغفر لی و ارحمنی و ارزقنی
و تب علی انک انت التواب الرحیم **از صلوة مسعودی** خواجه ابو
ابو القاسم حکیم ترمذی گفته است که ما چند چیز را در چند چیز یافتیم اول صحت را در
در روا داشتن روزه قال علیه السلام صوموا تصحوا و غفلت را در بسیاری خوردن
یافتیم و علم و حکمت را در تهی شکم یافتیم و برکت و رضای خدای تعالی در مخالفت
هوا یافتیم و برکت روزی در نماز ضحی یافتیم از نوافت پیغامبر علیه السلام فرموده بهشت
که در بهشت دری است نام او ضحی است چون روز قیامت شود آن در ندا کند کجااند
آنکسان که دایم نماز ضحی گذارده اند این در شماست پس در آیند برحمت خدای عز و جل
و در خبر است که رسول علیه السلام شیطان را پرسید که کدام اعمال نزدیک تو دشمن تر است
گفت نماز ضحی و روزه ایام بیض **از تفسیر معز** پیغامبر علیه السلام فرمود در آدمی
سیصد و شصت مفاصل است هر یکی از آن صدقه است گفتند که طاقت آن دارد
گفت خلت دارد و بینی و در مسجد دفن کردن و راه پاک کردن از آن چیز که زیان
دارد هر دو مانند اگر آن نتواند دو رکعت نماز ضحی بگذارد و مقابله هم صدقها باشد
و پیغامبر علیه السلام فرمود که گناه آشته نشود بر نماز ضحی مگر آنکه او بهشتی باشد و رسول
علیه السلام فرمود هر که نماز ضحی دوازده رکعت بگذارد بنا فرماید خدای عز و جل برای
او قصری از زر در بهشت و رسول علیه السلام فرمود که شنبه شود ثواب دو رکعت نماز
ضحی هزار هزار **فصل هشتم در ورد نماز پیشین از تفسیر معز** پیغامبر علیه السلام
گفت هر که نماز پیشین بگذارد بجماعت باشد مرا و را ثواب بیست و پنج نماز و هفتاد

درجه باشد مر او را در جنت الفردوس میان هر درجه صد ساله راه باشد و رسول
علیه السلام فرمود به درستی که مر خدای را است عز و جل مر آسمان دنیا حلقه میکرد و دوران
آفتاب پس چون آفتاب گشت تسبیح میگوید هر چه هست پروردگار را پس امر میکند خدای تعالی
نماز دران ساعت باز شده است درها آسمان و بسته نمی شود تا آن زمان که میگذارد
نماز ظهر و مستجاب میشود دران دعا و پیغامبر علیه السلام فرمود که بعد از نماز پیشین صد بار
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ بَارِکْ وَ سَلِّمْ حق تعالی او را سه چیز کرامت کند اول
آنکه هرگز وام دارش نکند و اگر وامش افتد از گنج خود بدهد رنج او دوخته گرداند دوم
ایمان او از زوال نگاه دارد سیوم آنکه هیچ نعمتش در قیامت بر وی حساب نکند و معذب
عذاب نکند از فواید الفواد بعد از اوراد صلوة ده رکعت نماز کند پنج سلام و در هر
ده رکعت ده سوره آخر قرآن بخواند از الم ترکیف تا آخر قرآن بعد از آن فرمود که
که این نماز صلوة الحفظ خوانند حقیقت است که این نماز بهتر حفظ است تا هر که این نماز
پیوسته بگذارد از بهتر حفظ ملایکه شود از اوراد شیخ الشیوخ شهاب الدین سهروردی
رحمة الله علیه از برای حفظ ایمان بعد از نماز پیشین دو رکعت نماز بگذارد بخواند
در رکعت اول بعد از فاتحه اِنَّ رَبَّکُمُ اللّٰهُ الَّذِیْ تا مِنَ الْمُحْسِنِیْنَ
و در رکعت دوم بعد از فاتحه اِنَّ الَّذِیْنَ آمَنُوْا وَ عَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ تا آخر سوره بعد از سلام صلوة گوید و این دعا بخواند
سُبْحَانَ مَنْ لَمْ یَزَلْ کَانَ کَمَا هُوَ الْآنَ سُبْحَانَ مَنْ
لَمْ یَزَلْ یَکُوْنُ کَمَا کَانَ مَنْ لَا یَزَالُ وَ کَمَا
هُوَ الْآنَ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَتَغَیَّرُ بِذَاتِهٖ وَ لَا فِیْ صِفَاتِهٖ
وَ لَا فِی اَسْمَائِهٖ لِحُدُوْثِ الْاَکْوَانِ سُبْحَانَ اللّٰهِ
الْقَائِمِ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الْحَیِّ الَّذِیْ

لَا یَمُوْتُ سُبْحَانَ الَّذِیْ یُمِیْتُ الْخَلَائِقَ وَ هُوَ حَیٌّ
لَا یَمُوْتُ سُبْحَانَ الْمُبْدِیْ سُبْحَانَ الْبَاقِی الْمُغْنِیْ
سُبْحَانَ مَنْ تَسَمّٰی قَبْلَ اَنْ یُسَمّٰی سُبْحَانَ الْعَلِیِّ الْاَعْلٰی
سُبْحَانَهٗ وَ تَعَالٰی سُبْحَانَهٗ فَسُبْحَانَ اللّٰهِ بِیَدِهٖ مَلَکُوْتُ
کُلِّ شَیْءٍ وَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ جابر رضی الله عنه
روایت میکند که جبرئیل صلوات الله علیه بر رسول علیه السلام آمد و گفت یا رسول الله
درود خدای بر تو باد آخنک او را پس خنک مر او را که بگوید از امت تو
پس هر نمازی فریضه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ
سه بار نقل از راحت القلوب در احادیث مسطور است از مصطفی صلی الله
علیه و سلم هر که بعد از نماز فریضه سه بار اخلاص بخواند و ده بار درود و
بعد از آن یکبار این آیه بخواند وَ مَنْ یَتَّقِ اللّٰهَ تا لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا و اگر
بعده سوی آسمان بیند حضرت عزت آن بنده را سه نعمت دهد درازی عمر
و مال بسیار و برخورداری در آخرت و بی حساب در بهشت رود [illegible]
تسبیح ابراهیم خلیل صلوات الله علیه بعد از نماز پیشین بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
قَبْلَ کُلِّ اَحَدٍ وَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَعْدَ کُلِّ اَحَدٍ وَّ الْحَمْدُ
لِلّٰهِ عَلٰی کُلِّ حَالٍ امر آید از پروردگار مر کاتبان اعمال وی را که
بعد هر چیزی که در آسمانها آفریده شده است نیکی در دیوان او ثبت کرداند
و چون گوید وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَعْدَ کُلِّ وَاحِدٍ امر آید از پروردگار
مر کاتبان اعمال وی را تا بجای در دیوان وی ثبت کرده اند بعد هر چیزی که در
زمینها آفریده شده است و چون گوید وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی کُلِّ حَالٍ امر آید
از پروردگار کاتبان اعمال وی را که بنویسند شمار از ثواب او نبشتن الخ

فقد را

آنچه خدای تعالی از وی می خواسته است داد **فصل در ورد نماز دیگر**
از فتاوی حجت فرمود پیغامبر علیه السلام هر که بگذارد چهار رکعت نماز دیگر را شود
حرام اورا از آتش دوزخ و در حدیث دیگر است هر که چهار رکعت نماز پیش از نماز
دیگر بگذارد بنا کند خدای تعالی برای او خانه در بهشت و در خبر دیگر است هر که نگاه
دارد چهار رکعت پیش از نماز دیگر پنج بگذارد حرام شود بروی آتش دوزخ **از عوارف**
و از فواید الفواد هر که در سنت نماز دیگر سوره بروج بخواند حق تعالی اورا از
وتل نگاه دارد **ایضاً** از فواید الفواد در چهار رکعت سنت نماز دیگر ده بار
سوره **والعصر** یا چهار بار و در دوم سه بار و در سیوم دو بار و در چهارم
یکبار و از شیخ الاسلام **شیخ بهاء الدین** ذکریا قدس الله سره العزیز
نقل است هر که ده بار والعصر در چهار رکعت سنت نماز دیگر بخواند موت او
بسعادت و شهادت شود **ایضاً** از فواید الفواد هر که بعد از نماز دیگر
سوره والنازعات بخواند خدای عز و جل او را در گور نگذارد و در گور نباشد
مگر مقدار یک وقت نماز بعد از آن چشم پر آب کرد و فرمود کسی که در گور نباشد
چگونه بود گفت آنچنان باشد که روح بکمال میرسد چون روح کامل شد قالب را
جذب کند و هر که بعد از نماز دیگر پنج بار **سوره عم** بخواند او اسیر حق شود و پیغامبر
علیه السلام فرمود هر که **سوره عم** بخواند بعد از نماز دیگر حق سبحانه و تعالی آسان
کند بروی سکرات موت و اورا از گور تشنه نگه دارد و پیغامبر علیه السلام
فرمود هر که بعد از نماز دیگر صد بار أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ
گوید حق تعالی وی را سه چیز کرامت کند **اول** آنکه گناه یک ساله او بیامرزد **دوم آنکه**
روزی بروی فراخ کند **سیوم آنکه** هر دعایی که بکند مستجاب شود منقول از
شیخ الاسلام رکن الدین قدس الله سره العزیز که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که

بگوید

بگوید بعد از نماز دیگر رو بقبله هفت بار اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ بیامرزد خدای
تعالی گناهان هفتاد ساله او را و نیز گفته‌اند گناهان او را محو کند و پیغامبر علیه السلام
فرمود هر که نماز جمعه بگذارد و نماز دیگر روز جمعه بجماعت بگذارد پس وی توبت
نفس خود بکند از روز شنبه تا شنبه دیگر **و در خبر است** هر که بعد از نماز دیگر دوازده
بار سوره اخلاص بخواند وقت نزع البته با ایمان برود و از تفسیر غریب پیغامبر علیه السلام
فرمود هر کرا نماز دیگر فوت شود بدرستی که او خیال بنده او بود و اهل او بی کشته
باشند و تمام مال و اسباب او بغیر حق ستده **از تفسیر** پیغامبر فرمود علیه السلام هر که
فوت کند نماز دیگر را حبط شود عمل آن روز او **از صلوة مسعودی** قال علیه السلام
مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ صَلَاةَ الْعَصْرِ كَانَ لَهُ جُنَّةً مِنَ النَّارِ
و رسول علیه السلام فرمود هر که چهار رکعت نماز بگذارد پیش از نماز دیگر خدای تعالی
و بهر چند آن ثواب دهد که هشت کس از فرزندان حضرت اسماعیل پیغامبر علیه السلام
کرده است که فرزندان اسیر شده باشند و وی سبب نجات ایشان بود و شیخ و سید امام ابو
شجاع حمد رحمی کرده است باسناد صحیح از رسول علیه السلام هر که چهار رکعت
نماز بگذارد پیش از نماز دیگر خداوند عز و جل ثواب ده ساله عبادت
در دیوان وی ثبت کرد [illegible] بکرم خویش و خواند [illegible] در روی و در هر رکعتی فاتحه
یکبار و سوره والعصر الا الانسان یکبار بخواند و بر رسول علیه السلام درود
فرستد و گذارد دل این نماز سبب بقاء ایمان است و جامع بود و هزار مسلمانان
شنو یک صحابه سعید جبیر را ناحق کشته بود و چون نقل کرد او را بخواب دید گفت
ولی اما شنیده بود و بوی ناخوش از وی می آمد از وی کرد که خدای
عز و جل با تو چه معامله کرد گفت از برای هر خونی که ناحق کرده بود مرا یکبار کشتند

امّا از برای کشتن سعید جبیر رضی الله عنه هفتاد بار مرا بکشتند گفتند ایمان برده
گفت برده ام خدای مرا بیامرزید گفتند بچه خصلت گفت چهار رکعت نماز پیش
از نماز دیگر نگاه داشته ام و پیوسته گذارده ام **از تفسیر منیع** پیغامبر علیه السلام
فرموده هر که نماز دیگر بگذارد بجماعت پس ذکر باری تعالی گوید تا آن زمانکه
آفتاب غایب شود چنانستی که وی آزاد کرده باشد ده کس را از اولاد
اسماعیل پیغامبر علیه السلام **کنز المواقیت** پیغامبر علیه السلام فرمود خدای تعالی
فرموده است ای بنی آدم یاد کن مرا پیش و در ذکر من باش بعد از نماز بامداد
ساعتی و بعد از نماز دیگر ساعتی کافیه مرترا مهمات و ساعات **از خالصة الحقایق**
سوال بعضی مردمان تاخیر میدارند نماز دیگر تا وقت غروب آفتاب چگونه است
حال نماز ایشان **جواب** انس بن مالک رضی الله عنه گفت بآنکه خبر میکنم شما را
از نماز منافقان تاخیر دارد و بگذارد یکی از شما نماز دیگر تا وقت غروب چون
باشد آفتاب میان دو سرون شیطان پس بگذارد چنانکه مرغ دانه چیند و در آن
ذکر خدای تعالی نگوید بگزارندگی **و در خبر است** که ابلیس علیه اللعنة بخدمت
پیغامبر علیه السلام آمد پیغامبر گفت ای ملعون کجا آمدی گفت یا رسول الله فرشته
بیامد و مرا گفت که برو بخدمت رسول صلی الله علیه وسلم و هرچه رسول علیه السلام
از تو **سوال** کند جواب آن بصدق بگوئی و اگر نه ترا خاکستر گردانم رسول علیه السلام
از هرچه می پرسید **جواب آن** بصدق میگفت رسول علیه السلام پرسید پیر را
چه نوع دری آئی گفت ای محمد پیر از چیزی نمی فرمایم که از ایشان نباید و مرا
بدان اطاعت نتوانند کردن اما بدرستی که بفرمایم دروغ گفتن و غیبت گفتن
و سخن کردن و گواهی دروغ دادن و تاخیر کردن نماز دیگر و کاهلی در طاعت
خدای تعالی **اما** جوانان را فرمایم فسق و فساد و جور و ظلم کردن و عجب و تکبر و نظر

کردن

کردن بسوی حرم مسلمانان اما بچگان ایشان زیر بغل مانند و بازی می کنانم
به بهتان و زیادت گفتن سخن و سخن دروغ و طعن کردن و در طعنها مردمان
و خو زد داشتن نماز و جز آن **واما** عورتان جوان را نیست میان من و ایشان خلافی
مگر آنکه از هزار زن یکی باشد که گفته من نکنند و اما از مردان از صد مرد یکی بود
والله اعلم بالصواب **فصل دهم در روز و نماز شام از تفسیر منیع** پیغامبر
علیه السلام فرموده هر که بگذارد نماز شام بجماعت باشد مر او را ثواب بیست و نماز
و هفتاد درجه و در جنت میان هر درجه صد ساله راه باشد از کفایة الاسلام حدیث
پیغامبر علیه السلام فرموده هر که بعد از نماز سنت نماز شام دو رکعت نماز نفل بگذارد
من شفاعت او بکنم البته اگرچه فرزندان کشته باشد نیز بدین حدیث در دل نقش
بست که پس از نماز شام دو رکعت نماز نفل بگذارد و شفاعت پیغامبر علیه السلام
مشرف کرد و چون فرض و سنت نماز شام بگذاردی از هوش برفتی تا دوام
که وقت نماز خفتن در آمدی آن زمان بهوش آمدی مقصود آنکه از شفاعت
محروم ماند و چنین می آرند از خواجه حسن بصری رحمة الله علیه که او را در خواب دیدند
بعد از وفات از وی **سوال** کردند از مسلمانان و از حال گور ما را خبر کن که چه دیدی
حسن بصری رحمة الله علیه گفت که دشوار دیدم از هزار مسلمان که می میرند صد مسلمان
با ایمان درست میروند هفتصد و نهصد بی ایمان میروند پرسیدند که چه کنیم گفت بعد از
نماز شام دو رکعت نماز نفل کنید فاتحه یکبار و بعد از فاتحه پنج آیه سوره انعام
در رکعت اول تا آیه که اَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ حق تعالی ایمان او را
از غارت شیطان نگاه دارد و امید است که از کرم حق تعالی با ایمان درست از دنیا
بیرون رود ولکن الله تعالی و این نماز را صلوة النور گویند **از صلوة مسعودی** هر که
بعد از نماز شام دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه قُلْ يَا أَيُّهَا

الکافرون پنج بار هر که این نماز را عادت دارد و گذارد روزی خدای تعالی آن
بنده را از سه تاریکی نگاه دارد تاریکی گور و تاریکی عرصات و تاریکی صراط و بهشت
برساند و نماز را شکر اللیل گویند و در جز است چون شب در آید فرشته بر بام
کعبه بر آید و ندا کند ای بندگان خدای و ای امتان محمد خدای شما را شبی بخشید
تو شما را شبع و ذخیره است و آن شب گور است برای ذخیره آن شب و برین شب
کاری بکنید و آن است که دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد فاتحه پنجگان بار قل
یا ایها الکافرون بخواند از فوائد الفواد بعد از آن روی سوی حاضران
آورد و فرمود که دو رکعت نماز است که بجهت نگاه داشت ایمان می باید گذارد و بعد از
صلوة مغرب در رکعت اول بعد از فاتحه هفت بار سوره اخلاص و یکبار قل اعوذ
برب الفلق و در رکعت دوم هفت بار اخلاص و یکبار قل اعوذ برب الناس
بعد از آن سر بسجده نهد و سه بار بگوید یا حی یا قیوم ثبتنی علی الایمان بعد از آن
دو رکعت دیگر باذکر و بعد از صلوة مغرب برین نهج که مرا یاری بود هم و دین او را
مولانا تقی الدین کفندی مردی صالح و دانشمند او همیشه صلوة مغرب دو رکعت
نماز بگذاردی در رکعت اول بعد فاتحه والسماء ذات البروج دوم والسماء
والطارق چون او نقل کرد خواجه ذکره الله بالخیر فرمود که من او را در خواب
دیدم و پرسیدم که خدای تعالی با تو چه کرد گفت چون کار تمام شد فرمان آمد ما ورا
بدین دو رکعت بخشیدم و این نماز را صلوة البروج گویند از فتاوی حجت معنا گفت
به یوم بخط ابن عباس رضی الله عنه نبشته هر که بگذارد و بعد از نماز شام دو رکعت
بخواند و در هر رکعتی بعد فاتحه سوره اخلاص و معوذتین هر یکی سه گان بار بعد از
سلام این دعا بخواند اللهم اجعل هذه الصلوة سراجا فی قبری
و فی قبور جمیع المؤمنین هر که این نماز بگذارد و بکند خدای تعالی در گور او

چراغی روز قیامت و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بگذارد در میان نماز شام و خفتن
دو رکعت بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه اخلاص سه گان بار آسان کند خدای عز و جل
بروی سکرات موت از تفسیر مع پیغامبر فرمود علیه السلام هر که بعد از نماز شام
دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه اخلاص پانزده بار چون روز
قیامت شود این بنده را بهم بگویند که این بهر دار از بهر عقاب بکند و بگویند این از
شهیدان است پیش از شهیدان بکند و بگویند این از پیغامبران است از پیغامبران
بکند و او را بجای بیابان ثابت کند بر سر بر عرش رحمان جل جلاله از صلوة مسعودی
صفت الاوابین خواجه امام زاهد محمد و خواجه امام رضی رحمة الله علیه درس کرده
این حدیث بیرون آورد و هر که بعد از نماز شام دو رکعت نماز بگذارد و بخواند
در هر رکعتی بعد فاتحه آیة الکرسی یکبار و شهد الله یکبار و اخلاص پنج بار و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس یکان بار خدای عز و جل آن بنده
را در دار اولیا جای رساند کو داند و این نماز را اوابین خوانند هر شبی برین
نوعی است که ثواب باب الاوابین نام است بنده مومن چون در دنیا عادت
داشته باشد بگذاردن این نماز را چون بقیامت سر از خاک تیره بر آرد آن
هر ندا کنند که ای ولی خدای بر بین گذر که طریق تو برین است از او را او نماز حفظ الامان
از او را نماز [illegible] بعد از نماز شام دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه
پنج بار این آیه ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک
رحمة انک انت الوهاب بعد ازین پنج بار بخواند فاطر السموات والارض
انت ولیی فی الدنیا والآخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین و بعد
ازین پنج بار بگوید سبحان الله والحمد لله تا آخر و اگر خواهد بعد از نماز شام
نفل بگذارد ختم ببین دو رکعت کند از جنیه ابو اللیث ابو هریره رضی الله عنه

از پیغامبر علیه السلام روایت میکند هر که بگذارد میان نماز شام و نماز خفتن بیست
رکعت نماز نگاهدارد خدای تعالی او را و اهل او را و مال او را و دین او را
و آخرة او را و او را ایمن ازین میگویند که در بهشت دری است نام او را و او ابین آ
چون بنده بگذارد این نماز در دنیا عادت کرده باشد چون روز قیامت
سر از گور بیرون آرد آن در ندا کند که ای ولی خدای سوی من آی که گذر تو بر
من است و در عوارف آورده است اگر خواهد بیست رکعت سبک بگذارد دو سوره
فاتحه و سوره اخلاص یکبار بخواند از تفسیر منیع در حدیث است هر که بگذارد میان
نماز شام و نماز خفتن بیست رکعت بخواند در هر رکعتی فاتحه قل هو الله احد
یکبار نگاه دارد خدای تعالی دین او را و نفس او را و اهل او را و آخرت
او را و دنیا او را از تفسیر منیر از پیغامبر علیه السلام ابن عباس روایت میکند
هر کس آیة فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِيْنَ تُمْسُوْنَ وَحِيْنَ تُصْبِحُوْنَ وَلَهُ الْحَمْدُ
فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِيْنَ تُظْهِرُوْنَ يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ و سه آیة این بخواند سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ
عَمَّا يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
از پس نماز شام بخواند هر تقصیری که دران آمده باشد همه را دریافته باشد و نه
بعبادت مشغول کننده از نماز شام همچنین و اگر پس هر نمازی نمازها او پذیرفته
شود و ثواب آن باید نمازگزار بنویسند هر کسی را که چیزی دهد از خدای تعالی بر چنین مزد آن
بنده بر امید آن کار بکند حق تعالی آن ثواب او را دهد اگرچه جز درست نباشد
سوگند یاد کرد که من هیچ حدیثی نشنیده ام از پیغامبر علیه السلام که چشم من روشن تر
ازان باشد و دوست داشته باشم ازان که بدین حدیث و پیغامبر علیه السلام فرمود

هر که بعد از نماز شام صد بار بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ
حق تعالی او را سه چیز کرامت کند اول آنکه هیچ گناهی ایمان او را زوال نیارد
دوم آنکه از وی حق تعالی خشنود گردد سیوم عذاب گور بر وی نباشد
فصل یازدهم در ورد نماز خفتن از تفسیر منیع پیغامبر علیه السلام فرمود
هر که بگذارد نماز خفتن بجماعت مر او را ثواب قیام شب قدر باشد و رسول
علیه السلام فرمود هر که بگذارد نماز در رابیع نماز خفتن او را ثواب آنکه خدا را
عبادت میکند از مسعودی امام زاهد فخرالدین رحمة الله علیه حدیثی روایت
کرده است باسناد درست از رسول علیه السلام هر که بعد از وتر دو رکعت نماز بگذارد
و در هر رکعتی فاتحه یکبار و شهد الله انه یکبار و از بنجا خواند که اَلَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ
رَبَّنَا اِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اَلصَّابِرِيْنَ
وَالصَّادِقِيْنَ وَالْقَانِتِيْنَ وَالْمُنْفِقِيْنَ وَالْمُسْتَغْفِرِيْنَ بِالْاَسْحَارِ
شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا
بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ و در آیة آخر گوید وَلَنَا
عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِيْنَ این نماز سبب بقاء ایمان است و این نماز را
بخانه گذاردن اولی است قال النبي صلى الله عليه وسلم لَا صَلٰوةَ فِي الْمَسْجِدِ
اِلَّا فِي الْمَكْتُوْبَةِ و اگر طالب علم بنیت حفظ گذارد خدای تعالی وی را حفظ روزی
بخشد و روایت میکند حفصه بنت عمر حرم رسول علیه السلام از رسول علیه السلام هر که بعد از
نماز وتر سه بار این تسبیح بگوید تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِيْ لَا يَمُوْتُ
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ خداوند عز و جل ثواب
هشتاد ساله نماز پذیرفته در دیوان وی ثبت کرداند از ملفوظ مروی است
که پیغامبر علیه السلام فاطمه را رضی الله عنها فرمود هست از مردی و زنی از مومنان

که سجده کنند بعد از نماز وتر دو سجده بگوید در سجده اول پنج بار سُبُّوحٌ
قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ پس از سجده بردارد و یکبار
آیة الکرسی بخواند پس سجده دوم کند و بگوید پنج بار سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ
وَالرُّوحِ بدان خدایی که جان محمد بفرمان اوست از جای خود برنخیزد مگر آنکه
خدای تعالی او را آمرزیده باشد و بدهد خدای تعالی او را ثواب صد حج پذیرفته
و صد عمره و او را ثواب شهیدان و خدای تعالی هزار فرشته فرستد سوی
او تا بنویسند نام او نیکیها و چنانستی که صد بنده را آزاد کرده است و مستجاب کند خدای
تعالی دعاء او را و شفاعت دهد او را روز قیامت شصت کس از اهل آتش و چون
بمیرد شهید میرد و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بعد از نماز خفتن صد بار بگوید سُبْحَانَ
اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تا آخر حق تعالی او را سه چیز کرامت کند اول آنکه هر شب دو
هزار فرشته باشند گناه کبیره او را بیامرزد دوم آنکه هر شب دو هزار باشند نیکی
بنویسند در دیوان او ثبت کردن فرمایند سیوم دو هزار باشند کوشک تمام او
در بهشت بنا کردن فرمایند از تفسیر منیر در خبر است ابو حنیفه روایت کرد از ایوب
عاید و محارب ابن دثار روایت ان از عبد الله عمر و او از پیغامبر علیه السلام هر که از
پس نماز خفتن چهار رکعت نماز گذارد بخواند در رکعت اول الم تنزیل السجده و در
دوم یس و در سیوم حم الدخان و در چهارم تبارک چنانستی که شب قدر دریافته
باشد از عذاب گور ایمنی دهد و شفاعت او را از اهل شفاعت او برهاند از آتش
که واجب گشته باشند و این در هر سالی یکبار کند صلوة السعادة مشایخ بگذاردن
این نماز وصیت کرده اند در شب بگذارد دو پیش از وتر چهار رکعت بخواند در رکعت
اول بعد فاتحه اخلاص ده بار و در دوم بیست بار و در سیوم سی بار و در چهارم
چهل بار چون فارغ شود در سجده بگوید اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي سَعَادَةَ الدُّنْيَا وَ

والآخرة

والآخرة این نمازی است که آدم و نوح و ابراهیم صلوات الله علیهم اجمعین
کرده اند و پیغامبر علیه السلام فرمود فاسقان را نماز بیاموزید که بر فسق خود و یاری خواهند
حاجت ایشان روا گردد و شمار او با آل عظیم از روضه خبر است که حق تعالی وحی کرد
بسوی داود صلوات الله علیه یا داود هر که میانه شب بخسپد او و شایان بهشت
من نباشد از تفسیر منیر انس بن مالک رضی الله عنه گفت از رسول علیه السلام
هر که در شب بیدار شود و طهارت سازد و دو رکعت نماز بگذارد و لیکن عیال خود
را بیدار کند تا نیز وی دو رکعت نماز بگذارد روانند و تعالی نام او را و نام عیال او را
در آن شب از جمله وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ
بنویسند از تفسیر منیر پیغامبر فرمود علیه السلام چون بنده در شب از خواب
بیدار شود دو سجده کند بگوید خدای تعالی بعزت و جلال من و بجود و کرم من که نرسد
ترا بعد از این هیچ رنجی همیشه پیغامبر فرمود علیه السلام فاضلترین نماز بعد از نماز
فریضه نماز میانه شب است و پیغامبر علیه السلام فرمود دو رکعت نماز بنده که بگذارد
در میانه شب اجر آن بهتر است مر او را از دنیا و آنچه در دنیاست اگر نه دشوار
بودی من بر امت بدرستی که فریضه میکنم آنرا برایشان و در او را آورده است
اول تهجد چهار رکعت است و بیشتر چنانکه تواند گذارد و بعد از هر دو رکعت که بگذارد
باید که بنشیند تسبیح و استغفار بگوید و صلواة فرستد و در خبر است که زنی بیامد به
پیغامبر علیه السلام و گفت که من عهد کرده ام که شوهر نخواهم مگر مردی را که او در شب
هزار رکعت نماز بگذارد و مردی برخاست و بخدمت رسول گفت که یا رسول الله
مرا دعائی آموخته هر که این دعا بخواند چنانستی که هزار رکعت نماز گذارده باشد
و هر شبی این دعا میخوانم رسول علیه السلام تصدیق داشت و آن مرد آن زن
را بزنی خواست دعا اینست سُبْحَانَ الْمُقْتَدِرِ لِمَا يَشَاءُ بِقَدْرِ رُتْبَةِ فَعَّالٍ

لیمانی بدبعثه برحمتک یا ارحم الراحمین از تفسیر منو
و در خبر است هر که آمن الرسول تا آخر سوره بخواند بعد از نماز خفتن دو بار چنانست
که قیام شب کرده باشد و در خبر است هر که شهد الله انه بخواند وقت خفتن
بیافریند خدای تعالی از آن هفتاد هزار خلق را که آمرزش خواهد مر او را
تا روز قیامت و در خبر است پیغامبر علیه السلام فرمود هر که وقت خفتن آخر سوره
کهف قل انما انا تا آخر سوره بخواند بیافریند خدای تعالی برای او در بهشت
قصرها از نور و هر که این آیه وقت خفتن بخواند بخسبد بدان وقتی که خواهد در شب
بیدار شود خدای تعالی هم بدان وقت بیدار کند اگر بدین نیت بخواند و هر که
این دعا در وقت نماز خفتن ورد سازد او را در گور نه ازد و در گور او را
روشنائی از نور شود و دعا اینست یا حی یا قیوم یا حلیم یا علیم
یا جلیل یا جمیل یا کبیر یا علی یا عظیم یا صنیع یا وتر
اسألک ان تصلی علی محمد و علی آل محمد و لا تذرنی فی
قبری فردا و انت خیر الوارثین و صلی الله علی خیر خلقه
محمد و آله اجمعین و سلم تسلیما کثیرا کثیرا و هر که دو را نما
شب بیدار شود و بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر سبحان الله و ا
و الحمد لله تا آخر بعد از آن هر حاجت که خواهد با اجابت مقرون شود و هر که از پهلو
به پهلو رود و بگوید یا الله تعالی او را بیامرزد و از رکن العباد و شیخ الاسلام شیخ بهاء الدین
ذکریا رحمة الله علیه فرمود بوقت خفتن این حروف بگوید و در پنج انگشت دست راست این پنج
حرف عقد بگیرد و کهیعص و در پنج انگشت دست چپ این حروف بگوید و عقد بگیرد
حمعسق و در هر دو کف دست خود بدمد و در روی فرود آرد و در امان به مد

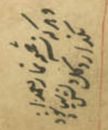
در جهات خود و از وسیلة القرب عقبه بن عامر گفت رسول علیه السلام مرا دید گفت یا عقبه نم
ترا خبر دهم سه سوره منزل نشده است در توریت و انجیل و زبور و فرقان گفتم بلی یا رسول الله
فرمود قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس پس فرمود که فراموش مکن و مخسب هیچ شبی تا آنگاه که این سه سوره بخوانی
و عایشه گفت رضی الله عنه چون پیغمبر علیه السلام بخواستی که بخسبد این هر سه سوره را بخواندی
و کف هر دو دست بر هم آوردی و در آن میان بدمیدی و بر تن مبارک و بر اعضای
خود هر جا که دست مبارک رسیدی بمالیدی از پیش و پس سه بار همچنین کردی پس بخفتی
در حدیث آمده است هر که بر سر جامه بستر ده بار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم بیرون آید از گناه چنانکه آن روز از مادر زاده باشد و در
حدیث آمده است هر که بر سر جامه بستر سه بار بگوید استغفر الله الذی لا
اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه گناه آمرزیده شود اگرچه هم چند
کف دریا باشد و پیغامبر علیه السلام فرمود مر علی رضی الله عنه را یا علی باید که هر شب پنج کار
کنی چهار بار سوره فاتحه بخوانی تا چهار هزار درم صدقه کرده باشی و سه بار سوره اخلاص
بخوانی تا ختم قرآن کرده باشی و ده بار درود فرستی تا بهشت خریده باشی
و چهار بار کلمه سبحان الله و الحمد لله تا آخر بگویی حج بجا آورده باشی و ده بار استغفر الله
بگویی تا جمله خصمان را خشنود کرده باشی صدقه دهی و ختم قرآن کنی و بهشت را بها ستانی
و حج را بجا آری و خصمان را خشنود کنی علی رضی الله عنه گفت یا رسول الله کجا توانم رسول
علیه السلام فرمود مهتر حیدر را یا حیدر چون خواهی خفت الحمد بخوان و آیة الکرسی و آمن
الرسول تا آخر سوره و چهار قل بخوان بهشت ترا ضامنم ذکر تارک نماز خفتن آورده اند
که عقیل برادر علی رضی الله عنه به ابر رسول علیه السلام به سفر رفت تشنگی بر وی غالب شد
گفت یا رسول الله تشنه ام آهوی بیامد سید عالم علیه السلام از آهو پرسید که آب کجاست

گفت مسافتی دور است با آب رسول علیه السلام گفت ای آهو را بر باشش بطرف تب آهو
گفت یا رسول الله بچه خورد دارم بروم او را شیر دهم و باز آیم و راه آب تمام
رسول علیه السلام گفت آهو باشد که باز نیائی آهو گفت یا رسول الله خلاف نکنم و
سخنی در گوش پیغامبر علیه السلام گفت و برفت عقیل گفت یا رسول الله آهو چه گفت
رسول علیه السلام فرمود گفته است اگر نیایم از تارک نماز خفتن تر باشم از صلوة مسعودی
رسول علیه السلام گفت هر که نماز خفتن بگذارد و در مسجد بنشیند چندانکه جماعت بیرون روند
خداوند عز و جل فرماید فرشتگان را تا علمی از نور پیش وی بدارند چون بخانه رود
و با طهارت خسبد فرشتگان آن علم را بر سر بالین او بزنند تا روز آن بنده را از
حق تعالی آمرزش خواهند چون بامداد شود بر خیزد و طهارت سازد و سوی مسجد روان
شود همان علم نور پیش وی میبرند تا بمسجد چون نماز گذارند و در مسجد بنشیند که آفتاب
بر آید و دو رکعت نماز بگذارد و بیرون همان علم نور در پیش وی میبرند و اگر نماز
گذارد و تعجیل بیرون آید دیوان علم خیانت در پیش وی میبرند و درویشی را در خاطر
وی آرند و ویرا از درویشی می ترسانند چنانکه خداوند عز و جل میفرماید قوله تعالی
الشَّیْطَانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَیَأْمُرُکُمْ بِالْفَحْشَاءِ و بخل و حسد را در پیش
سینه وی می آرند ایضا از صلوة مسعودی در جزء است که در دوزخ در بانی
است وی تلخ و سیاه آماده کرده اند از برای کسانیکه نماز خفتن نا گذارده بخسبند
از خالصة الحقایق سوال اگر مردی نماز خفتن بگذارد با صحت تن و بخسبد چیست حال
او و چیست وعید در حق وی جواب انس بن مالک گفت رضی الله عنه پیغامبر علیه السلام
گفت هر که بخسبد و نماز خفتن نگذارده باشد تا وقت آن برود فرشتگان او را دعا
بد کنند بخسبند چشمهایتو و روشن نشوند و حبس کند خدای تعالی ترا میان بهشت و دوزخ
چنانکه ما را حبس کردی از تفسیر منیر مرویست که رسول علیه السلام شتری را دید

فرمحه

که در دیواری سخت بسته بودند چون پیغامبر علیه السلام وی را بنالید چنانکه بچه نالد
پر مادر و بدر پس رسول علیه السلام از اهل او پرسید ایشان گفتند این شتر ما را
گزیده است خوف آنکه مرا بکشد سبب آن ایدر بسته ایم رسول علیه السلام شتر را گفت
چرا ایشان را گزیدی شتر گفت بدرستیکه ایشان در خواب رفتند پیش از نماز خفتن
و نماز خفتن نگذارده بودند من ترسیدم نباید که بر ایشان عذاب منزل شود رسول
علیه السلام فرمود رها کنند این را خشنود شده است از شما بدرستی که ترسید بر شما
از عذاب **فصل دوازدهم در فضیلت شب جمعه** از تفسیر منیر رسول علیه السلام
فرمود هر که درود گوید بر من در شب جمعه صد بار روا کند خدای تعالی صد حاجت
او از حاجتهای آخرت و سی حاجت از حاجتهای دنیا و موکل کرده است خدای تعالی
از بهر درود فرشته را که می آرد آن درود را به من چنانکه بر شما آورده میشود
هدیها و طبقها بدرستیکه دانستن و علم من بعد موت همچنانست چنانکه در حیات
بود و ثبت میکند فرشته آن درود را نزدیک من در صحیفه سفید پس آن درود
نزدیک من بود تا روز قیامت و پیغامبر علیه السلام فرمود مر خدایرا عز و جل فرشتگانند
آفریده شده اند از نور ایشان فرود نیایند مگر در شب جمعه و یا روز جمعه بدستها
ایشان قلمها باشد از زر و دوات از نقره و کاغذها از نور ایشان ننویسند
مگر درود من بسیار گوید در شب جمعه و روز جمعه درود را بر من پس هر که بر من صلوة
گوید در شب و روز جمعه رد کرده اند بروی خدای تعالی آتش دوزخ و بسته کرده اند
بروی درهای آتش و بگشاید مر او را درهای بهشت و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بگذارد
دو رکعت نماز در شب جمعه بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص هفتاد بار چون فارغ شود
هفتاد بار درود و هفتاد بار استغفار بگوید گفتند یا رسول الله چیست ثواب آن
دو رکعت نماز پیغامبر علیه السلام گفت بدان خدائی که فرستاد مرا بحق اگر جمله امت من

من بمیرد بر گناه کبیره و دعا کند مرا آنست نزا آن مصلی بدین نماز و بدین استغفار
به بهشت رسید که در آرد ایشان را خدای تعالی در بهشت بشفاعت و پیغامبر علیه السلام
فرموده است که مر بنده ای را عز و جل فاضل ما لها است خارج از ارزاق که قسمت
کرده است میان بندگان داده نمی شود از آن یکی را مگر کسی که بخواهد از باری تعالی
در شب پنجشنبه و شب جمعه و پیغامبر علیه السلام فرموده هر که بگذارد در شب جمعه نماز وتر جماعة
نبشته نشود گناه او تا جمعه دیگر و اگر بمیرد میان این دو جمعه شهید مرده باشد و نماز گزارد
خدای تعالی بهر رکعتی گناه یکساله او و بنویسد مر او را عبادت یکساله و بنا کند برای
او مدینه در بهشت و پیغامبر علیه السلام فرموده هر که بگذارد در شب جمعه نماز شام و نماز خفتن
دو رکعت بخواند در رکعت اول فاتحه یکبار و آیة الکرسی یکبار و قُلْ هُوَ اللّٰهُ
اَحَدٌ پنج بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و قُلْ یَا اَیُّهَا الْکَافِرُوْنَ
یکبار و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ پنج بار چون فارغ شود بگوید لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ هفتاد بار بیرون نرود از دنیا
تا نه بیند جای در بهشت و بعضی نماز شب جمعه ایشان موت و حساب سوال منکر و نکیر
در باب بیستم در عصمت از عذاب گور نبشته شده است **فصل سیزدهم در فضیلت**
ورود و نماز و غسل روز جمعه ذکر فوت نماز جمعه **از فواید الفواد** در نماز رفتن
نماز جمعه تاویلی نیست مگر کسی که بنده باشد یا مسافر یا مریض اما اگر نتواند که برود
و نرود و قوی سخت والی باشد اگر کسی یک جمعه نماز نرود یک نقطه سیاه بر دل او پیدا
آید و اگر دو جمعه نرود دو نقطه سیاه بر دل او پیدا آید و اگر سه جمعه نرود تمام
دل او سیاه شود نعوذ بالله **از تفسیر محمد** امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت هر که ترک
آرد یک جمعه بغیر عذر کفارت نیست تا روز قیامت از صلوة مسعودی پیغامبر علیه السلام
فرموده هر که یک نماز را جمعه بغیر عذر بگذارد از ذنوبان دلش سیاه شود و یرا نماز نیست ویرا



ویرا روزه نیست ویرا زکوة نیست وی از ما نیست و ما از وی نیستیم بر هر عملی که خواهد
کو بیرو رسول علیه السلام فرموده هر که سه نماز جمعه را بعمد بگذارد در وی منافقت قال النبی
صلی الله علیه وسلم مَنْ تَرَکَ الْجُمُعَةَ ثَلٰثًا بِغَیْرِ عُذْرٍ فَهُوَ مُنَافِقٌ
این وعید در حق کسی است که باعتقاد ماند اگر با فعال مانده بود از گناه و اگر نشسته
توبه کند خدای تعالی توبه او قبول کرد اند ویرا بیامرزد **ذکر خواندن ادعیه روز جمعه**
رسول علیه السلام فرموده هر که بگوید وقت صبح روز جمعه پیش از نماز بامداد این استغفار
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ غَفَّارُ الذُّنُوْبِ
سَتَّارُ الْعُیُوْبِ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ سه بار بگوید بیامرزد خدای تعالی مر
او را و مادر و پدر او را اگرچه گناه او مثل موج دریا باشد و پیغامبر علیه السلام
فرموده هر که اخلاص یکبار بخواند در جمعه دریافته باشد شب قدر را **نقل** از مطلوب
المسلمین و از تفاسیر معتبر روز جمعه چون سلام نماز بگوید پیش از آنکه سخن گوید زانو
بر دارد هفت بار قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ و در اثر
و از روایت از سلف هر که همچنین کند از جمعه تا جمعه دیگر ایمن شود و حرزی باشد از شیطان
لعین مر او را و مستحب است که بعد از جمعه بگوید اَللّٰهُمَّ یَا غَنِیُّ یَا حَمِیْدُ یَا مُبْدِئُ
یَا مُعِیْدُ یَا رَحِیْمُ یَا وَدُوْدُ اَغْنِنِیْ بِحَلَالِکَ عَنْ حَرَامِکَ وَبِطَاعَتِکَ
عَنْ مَعْصِیَتِکَ وَبِفَضْلِکَ عَمَّنْ سِوَاکَ در ارشاد این دعا آمده است هر که
مداومت کند بر خواندن این دعا حق تعالی او را بی نیاز گرداند از خلق روزی
او رساند از جایی که نداند و پیغامبر علیه السلام فرموده هر که صد بار بعد از نماز جمعه بگوید
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تا آخر بیامرزد خدای تعالی صد گناه او و بیست چهار
هزار گناه مادر و پدر او و پیغامبر علیه السلام فرموده است ارسلنا که بگوید بعد از نماز
دیگر روز جمعه هفت بار اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ وَاَنَا عَبْدُکَ وَاَسْاَلُکَ

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ گر آنکه بیامرزد خدای تعالی هفتاد
ساله گناه او بخشیده شود مر او را گناهی **از وسیلة القلوب** در حدیث آمده است
هر که بر من صلوٰة گوید در روز آدینه صد بار آمرزیده شود مر او را خطاهای
او هشتاد ساله **از تفسیر مغنی** پیغامبر علیه السلام فرمود هر که پیش از زوال روز
آدینه سوره کهف بخواند حق تعالی او را و فرزندان او را و املاک او را از جمیع
بلاها و آفتها و از فتنه دجال تا جمعه دیگر سلامت دارد و در ترجمه احیا آورده است
ابن عباس و ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده اند هر که شب آدینه یا روز آدینه
سوره کهف بخواند وی را نوری دهد از جایگاه خواندن وی تا مکه و تا آدینه دیگر گناهان
وی آمرزیده شود و سه روز دیگر زیادت و هفتاد هزار فرشته برای او
آمرزش خواهند و عافیت یابد او از درد سینه و درد دل و از سینه جزام و فتنهٔ
دجال **ذکر فضیلت غسل روز جمعه از تفسیر مغنی** پیغامبر علیه السلام فرمود هر که
غسل کند روز جمعه خیر خاتمت بسته شود مر او را بعدد هر مویی که در تن اوست
نوری روز قیامت و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که غسل کند روز جمعه اگرچه کاسهٔ
از آب به نیاز خریده بود خدای تعالی مر او را ثواب بسیار و پیغامبر علیه السلام فرمود
هر که غسل کند روز جمعه و مسواک کند و موی لب بسترد نگاه دارد خدای تعالی
از درد لب و درد پهلو و درد قولنج و از دیوانگی و از جزام و از برص و از فتنهٔ
دجال اگر او را دریابد و پیغامبر علیه السلام فرمود دیدم من در شب معراج بزیر عرش
هفتاد مدینه هفتاد چند همچو دنیا پر از فرشتگان همه تسبیح و تقدیس میگویند مر خدای را
عز و جل و در تسبیح خود میگویند ای بار خدای بیامرز مر کسی را که غسل کند در روز جمعه
ذکر منع پای نهادن بر گردن مردمان در مسجد جمعه از تفسیر مغنی پیغامبر علیه السلام
فرمود هر که پای بر گردن مسلمانان نهد روز جمعه در مسجد حق تعالی او را پل گرداند

کناند

در دوزخ

در دوزخ و امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه گفت خوردن قدحی از خمر دوست
تر است نزدیک من از پای نهادن بر گردن مردمان و رسول علیه السلام فرمود
هر که غسل کند روز جمعه و جامهٔ خوب بپوشد و خوشبویی در کار کند و اگر
نزدیک او باشد پس بیرون آید تا در مسجد در آید و پای گردن ننهد پس نماز
بگذارد و خاموش باشد و چون خطیب خطبه بیرون آید و سخن نگوید در حالت
خطبه آمرزیده شود گناهان که باشد میان این جمعه تا جمعه دیگر و رسول علیه السلام
فرمود طعام نخورید که گنده کرده و نخورید در غربال و نگیرید در مسجد جای و تخطی رقاب
بکنید یعنی در مسجد پای در گردن مردمان منهید که پل گرداند مر او را خدای تعالی
روز قیامت تا خلق قدم بر وی نهند **ذکر منع در سخن گفتن در مسجد** از تفسیر مغنی
پیغامبر علیه السلام فرمود چون کسی حالت خطبه سخن گوید یا خود دیگری را از سخن گفتن منع
کند بزبان بگوید که خاموش باش او را از ثواب جمعه هیچ نباشد و در شرعة
الاسلام آورده است باشارت انگشت هم منع کند **ذکر فضیلت نماز جمعه از تفسیر مغنی**
رسول علیه السلام فرمود هر که نماز جمعه دریابد مر او را اجر صد شهید باشد و پیغامبر
علیه السلام فرمود به آنکه خبر کنم شما را از اهل بهشت کسی باز ندارد او را از نماز گرما
سخت و سرما و برف و باران و خلاف رسول علیه السلام فرمود هر که نماز جمعه بگذارد
و روزه دارد و مریض را بپرسد و نماز جنازه بگذارد و در خطبه سور
حاضر شود واجب شود مر او را بهشت و پیغامبر علیه السلام فرمود به راستی که
خدای تعالی و فرشتگان او درود میگویند و بر آنکسانیکه دستار بسته نماز
جمعه میگذارند و امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه گفت چون روز جمعه شود بامداد دیوان
هم در بازارها میروند و مردمان را میگیرند و بکاری مشغول میکنند و چیزهایی میدهند
که نماز باز دارند و منع کنند از رفتن در نماز جمعه و فرشتگان می نشینند با علمها

برود مسجد و هر قدمی که در می آید در مسجد می نویسند که فلان در اول ساعت
در آمد و فلان در دوم ساعت تا آن زمان که امام بیرون می آید جهت خطبه
بعد آن بیخیزند و در این مسجد می آیند **ذکر ساعت جمعه از تفسیر منه** پیغامبر علیه
السلام فرمود بیامد بر من جبرئیل و بر کف دست او همچون آینه بود سپید و در
نقطه سیاه پس گفتم یا اخی جبرئیل این چیست گفت او جمعه است عرض کرده است این را
بر تو روزگار تو بر تو باشد عید تو را عید و مر امتان تو را بعد از تو پرسیدم آن نقطه
سیاه چیست گفت این ساعتی است در روز آدینه هر که در آن ساعت از باری
تعالی بخواهد چیزی که خیر باشد عطا کند خدای تعالی او را آن چیز از پیغامبر علیه السلام
سوال کردند که آن ساعت کدام است فرمود بعد از نماز دیگر تا غروب آفتاب
بیشتر اقوال بر این است و یک قول پیغامبر علیه السلام فرمود در حالة تکبیر نماز جمعه
در آورده اند که فاطمه رضی الله عنها روز جمعه بعد از نماز دیگر چون قرص آفتاب
نیمی غروب کردی چون قرص را غروب آغاز شدی خبر کردی و الله اعلم
ذکر فضیلت نماز های روز جمعه از تفسیر منه هر که روز جمعه دویست بار سوره اخلاص
بخواند در چهار رکعت نماز در هر رکعتی فاتحه یکبار و سوره اخلاص پنجاه بار به بهشت (?)
که او را ادا کرده باشد حق جمعه را چنانکه ادا کرده اند (?) فضیلت این نماز بسیار
و امام غزالی در زاد الآخرة آورده است که حضرت هر که این نماز بکند نمیرد تا آنگاه
که جایگاه خود در بهشت نه بیند یا کسی دیگر وی را ببیند **کفارت نماز های قضا** بروایت
صحیح از رسول علیه السلام هر کرا نماز قضا بسیار شده باشد که عدد آن نداند چون
روز آدینه شود پیش از نماز آدینه چهار رکعت نماز کند بیک سلام بخواند در هر
رکعتی فاتحه و آیة الکرسی یکبار و انا اعطیناک الکوثر پانزده بار ابوبکر صدیق گفت
رضی الله عنه که من از پیغامبر علیه السلام شنیده ام که دویست سال نماز قضا کفارت شود

وبروایت عثمان رضی الله عنه ششصد ساله و بروایت علی رضی الله عنه هشتصد ساله
نماز کفارت شود و قبول افتد یاران گفتند یا رسول الله عمر امت ما هفتاد و هشتاد
سال است چنین صفت نماز چیست پیغامبر علیه السلام فرمود نماز او و نماز پدر و جد
و آبا و خویشان و ندان (?) و فرزندان او کفارت شود و قبول افتد بعد از نماز
این دعا بخوانند و صلوات گویند **اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
یَا سَابِقَ الْفَوْتِ وَيَا سَامِعَ الصَّوْتِ وَيَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ بَعْدَ الْمَوْتِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا مِمَّا
أَنَا فِيهِ إِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ
وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ يَا أَرْحَمَ الْعَطَايَا وَيَا غَافِرَ الْخَطَايَا
يَا سُبُّوحُ قُدُّوسُ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ رَبِّ اغْفِرْ
وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
يَا سَاتِرَ الْعُيُوبِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ
خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ نیت این نماز چنین کند نویت
أَنْ أُصَلِّيَ لِلّٰهِ تَعَالَى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ صَلَوٰةَ النَّفْلِ تَكْفِيرَ
صَلَوٰةِ الْقَضَاءِ الَّتِي فَاتَتْ فِي جَمِيعِ عُمْرِي مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ اللهُ
أَكْبَرُ **از تفسیر منه** فضیلت نماز اعرابی روز جمعه زید بن ثابت روایت
میکند اعرابی بیامد و بایستاد بخدمت پیغامبر علیه السلام و گفت یا رسول الله ما در بادیه
در بادیه بوده و دور از مدینه و در هر جمعه نماز نمی توانم رسید مرا رهنمونی کن عملی چون
بازگردم بسوی (?) باز خویش و قوم خبر کنم ایشان را به درستی که ما در آن بادیه سکونت
داریم از سبب نماز جمعه مکلفی نمی باشیم (?) رسول علیه السلام فرمود ای اعرابی چون روز
جمعه باشد بگذارد دو رکعت نماز نزدیک بلند شدن آفتاب بخوان در رکعت

اول فاتحه و قل اعوذ برب الفلق یکبار و در دوم فاتحه و قل اعوذ برب الناس
یکبار بعد از نماز هفت بار آیة الکرسی بخواند پس برخیزد و هشت رکعت نماز
بگذارد چهار رکعت بخواند و در هر رکعتی فاتحه و اذا جاء یکبار و اخلاص
بیست و پنج بار چون فارغ شوی هفتاد بگوی لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس به آن خدای که جان من بدست قدرت اوست نیست از مومن
مرد و زن که بگذارد و درو نجوید این نماز چنانکه گفتم مگر آنکه من ضامن او باشم بهشت
و نخیزد از جای نماز مگر آنکه آمرزیده باشد خدای تعالی او را و مادر و پدر
او را اگر مسلمان باشند و منادی ندا کند از زیر عرش ای بنده خدای عمل
از سر گیر بدرستی که بیامرزید خدای تعالی گناهان گذشته ترا و گناهان آینده ترا
چنانست که خوانده باشد توریت و انجیل و زبور و فرقان و بدهد مر او را خدای
تعالی بعدد هر مومنی و مومنه عبادتی و ثواب نویسد بنام او ثواب اگر روزه داشته
باشد و صدقه داده و در این روز بدهد خدای تعالی مر او را ثواب کسانی که حج
و غزا گذارده و طواف کرده کعبه کرده باشند در این سال و چنانست که او بنا کرده باشد
خانه کعبه و مسجد مدینه و مسجد بیت المقدس را بدست خود و بنویسند خدای تعالی بنام
او بعدد هر مردی و زنی از مسلمانان که بالغ شده باشند ثواب حجی و عمره و بنویسند
بنام خدای تعالی بعدد هر سنگی و کلوخی و بعدد هر برگی و درختی نیکیها و چنانست
که دریافته باشد موسی و داود و ایوب را صلوات الله علیهم و روزی کند خدای
تعالی او را سلامتی در دنیا و در آخرة و شفاعت کند روز قیامت صد کس را
از اهل بیت خود و همسایگان او و از دنیا بیرون نرود تا آب حوض کوثر نخورد
و از میوه بهشت و جای خود در بهشت نه بیند و پیغامبر علیه السلام گفت یا اعرابی هر که
بگذارد این نماز پس چنانست که شب قدر یافته باشد و چنانست که بها خریده باشد

هشت هزار

هشت هزار اسب که داده باشد در راه خدای تعالی و بهتر از آن باشد که مجاوری
کرده باشد خانه کعبه را شصت سال و بهتر از آن باشد که هزار دینار صدقه داده باشد
و نباشد در گور او را تاریکی و تنگی نباشد او را خوف منکر و نکیر و گشاده گردد
گور او خدای تعالی شصت در از رحمت و دو در از بهشت و پیغامبر علیه السلام
فرمود یا اعرابی هر که بگذارد این نماز مستجاب کند خدای تعالی دعا او را و روا کند
حاجتها دنیا و آخرة او را و بنویسد بنام او بهر روزی عبادت یکساله و حرام
گرداند خدای تعالی تن او را بر آتش دوزخ و بیرون نرود از دنیا تا جای
خود را در بهشت نه بیند چون رسول علیه السلام این تمام حدیث فرمود برخاست
زید بن ثابت و دوازده مرد دیگر از صحابه رسول بوسیدند مر اعرابی را
سر مبارک رسول علیه السلام هفت بار و یاران دیگر هم سر مبارک رسول علیه السلام
بوسیدند و ثنا گفتند و دعا کردند و هم یاران پیش اعرابی آمدند و گفتند بدرستی که
یافتیم این فضیلت و این کرامت سبب تو و تو سود کردی امروز و ما هم سود کردیم
پس عبد الرحمن عوف رضی الله عنه دو جامه و دو هزار درم آن اعرابی را بداد
و یاری دیگر یک برده و هفتاد دینار و در دلیل اعرابی بازگشت بسوی قوم خود
خوش دل و با بشارت والله اعلم **فضیلت چهار رکعت نماز چاشت** نقل از جابر
المتنا از امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بگذارد نماز چاشت
روز جمعه چهار رکعت در روز کارها و یکبار بخواند در هر رکعتی فاتحه ده بار و قُلْ
أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ قُلْ هُوَ اللهُ
أَحَدٌ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ هر یکی ده ده بار چون فارغ شود
هفتاد بار استغفار و هفتاد بار سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تا آخر و هفتاد بار بر پیغامبر
علیه السلام درود گوید پیغامبر فرمود هر که این نماز بگذارد دفع کند خدای تعالی از وی

قرار اهل آسمان و قرار اهل زمین و قرار یاران و قرار دیوان و قرار دشمنان سلطان
ظالم و پیغامبر علیه السلام فرمود بدان خدای که فرستاد مرا بحق چون این نماز بگذارد
بجا آرد خدای تعالی او را اگرچه عاق باشد مر مادر و پدر را راضی گرداند و کند قضا و
حاجت او حاجتهای دنیا و قضا و حاجت از حاجتهای آخرة و روا کند خدای
تعالی در ساعتهای شب و روز آن بهشت چهار ساعت است آن مصلی در مقابر
بگذرد و با مردگان کلام هم جواب او گویند از گورها خود دیگر امتی که این مصلی است
نزدیک خدای عزوجل و پیغامبر علیه السلام فرمود چون این نماز بگذارد و فرو فرستد خدای
تعالی سوی او هدیه که خوانده باشد در این نماز فرشته نیولسیند مرا او را حساب
و محو کند از وی سیئات و بر آرند برای او درجات و آمرزش خواهند از خدای
تعالی برای او تا آنگاه که بمیرد و پیغامبر علیه السلام فرمود بدان خدای که فرستاد
مرا بحق بدرستی که چون این نماز بگذارد اگر جمله ساحران فرعون بر وی آیند
نتوانند کرد و برا ضرر بایند رسانند و اگر مردی و یا زنی باشد که اقنیا نباشد فرزندی
نباشد از برکت این نماز حق تعالی فرزندی روزی کند بفرمان خدای عز
وجل و قبول کند خدای تعالی دعا و دیگر هیچ گناه بیش از گذاردن این نماز کرده بود
و دعا دیگر که بعد ازین خواهد کرد تا آن زمانک و اگر بمیرد بعد از گذاردن این
نماز شهید مرده باشد و بنویسانند خدای تعالی بنام او اجر هفتاد شهید و
فضیلت این نماز بسیار است مختصر کرده شد **ذکر ناخن بریدن حجامت کردن روز جمعه**
پیغامبر علیه السلام فرمود هر که روز جمعه ناخن دور کند بیرون آرد خدای تعالی
از انگشتان او دردی را و در آرد در ان شفا و بیرون آرد درد از اندام او
و پیغامبر علیه السلام فرمود حجامت روز شنبه و چهارشنبه و ادینه منع کرده است
و هر که بکند ملامت نکند مگر نفس خود را **ذکر فضیلت روز جمعه** از تفسیر ضحاک گفت

بموسی علیه السلام وحی آمد گفت روزی داده‌ام ترا و امتان ترا و آن ادینه است
تا ورا آن خود را از شغل دنیا فارغ داری و بعبادت بر داری گفتند ما را
بدین روز حاجتی نیست روز شنبه خواهیم موسی گفت یا رب امت من ادینه
نمی پذیرند شنبه بر ایشان بلا گردان و قوم عیسی نیز گفتند ما را بدین روز حاجتی نیست
روز یکشنبه خواهیم موسی گفت یا رب امت من ادینه نمی پذیرند یکشنبه بر ایشان
بلا گردان و قوم عیسی نیز گفتند پس روز عید جهودان آدینه یک اختیار کردند خدای تعالی
چون روز ادینه نصیب این امت نهاده بود که توانند بذیرفت لاجرم آن روز بر ایشان
وبال گشت و روز ادینه برین امت هم جمال انس مالک رضی الله عنه گفت از پیغامبر
علیه السلام هر روز ادینه مر خدای ششصد هزار کس است که آتش بر ایشان واجب شده است
روز ادینه آزاد میشوند و ابن عباس گفت از پیغامبر علیه السلام شنیدم مر خدای را
عزوجل هر روزی از ماه رمضان بوقت روزه گشادن هزار هزار کردن از آتش
آزاد کند چون روز ادینه و شب ادینه در آید بهر ساعتی هزار هزار بنده را از آتش
آزاد کند **از صلوة مسعودی** روز ادینه بود که آدم صفی صلوات الله علیه جان در بدن
و جان بقالب مبارک او در آوردن چون نخست عطسه داد گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِیْنَ ما را معلوم شد که عطسه نعمتی است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لازم می آید هم روز ادینه بود
ملایکه را فرمان آمد تا آدم را سجده کنند همه سجده کردند روز ادینه بود و آدم را در بهشت
در آوردند روز ادینه بود حوا را از پهلوی چپ آدم علیه السلام در وجود آوردند
روز ادینه بود زلت یا قصد آدم در وجود آمد روز ادینه بود که ایشان را از بهشت
بدنیا آوردند و تسبیح آدم این بود رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا وَاِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا
وَتَرْحَمْنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخَاسِرِیْنَ پس ما را بر نشست به ربایدرفتن هر
هر جا که نعمتی رسد حمد باید گفت و هر جا که زلتی در وجود آید استغفار باید گفتن

فصل چهاردهم در فضیلت مسجد و با کمال و جز آن ذکر در آمدن در مسجد و کشیدن
نعلین و نهادن آن و پاک داشتن در فتاوی سراجی آورده است در آمدن در مسجد
نعلین و کفش پوشیده مکروه است قال الله تعالی فاخلع نعلیک و اگر بداند
که در سخن سلامت نیست روا باشد در مسجد نعلین پوشیده و نعلین را بیرون مسجد در
در زمین بمالد پاک کند از صلوة مسعودی با موزه نماز گزاردن اولی تر است و نعلین
در پیش نهادن سنت است تا اگر گردی بیرون آید قدم با موزه برون نهد و آن
گرد را هلاک کند و در ترجمه احیا و فتاوی تیمی آورده است نعلین باید که جانب
دست راست و چپ نهد تا جای مصلی تنگ نشود و منحرف ننهد که مکروه است میان مصلی
و قبله بگیرد از زاد راه چون به مسجد رسد و پیش در بایستد و این دعا بخواند
الهی عبدک ببابک مذنب ببابک مسیء ببابک یرجو
رحمتک و یخاف عقوبتک یا محسن قد امرت المحسن
منا ان یتجاوز المسیء فتجاوز و قبیح ما عندی یا کریم
بعد از آن پای راست در مسجد نهد و درود بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
والحمد لله والصلوة والسلام علی رسوله اللهم
اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب فضلک و رحمتک
بسم الله دخلنا و علی الله توکلنا اگر کسی سلام گوید
و اگر نباشد السلام علینا من ربنا و علی عباد الله الصالحین گوید از وسیلة الطلاب
روایت از حضرت علی رضی الله عنه چون در مسجد رفتی بایستادی و گفتی عبیدک ببابک
مسکینک ببابک سائلک ببابک بنده تو بر در گدای تو در سائل تو بر در
است بسیار بگریستی و تضرع کردی و تواضع نمودی پس با خجالت قدم در مسجد نهادی
هر که حضور داشته است همچنین دانسته است تا بواسطه آن حرمت بجایی رسیده است

از صلوة مسعودی رسول علیه السلام فرمود چون یکی از شما در مسجد آمدن خواهد
باید که در زمین قدمها مالد تا اگر نجاستی رسیده باشد پاک شود که زمین پاک
کننده است اگرچه نعلین پاک بود دو قدم در زمین مالد از برای سنت دلیل بر آنکه
امیر المومنین علی رضی الله عنه را پایش از گل آلوده بود در زمین مالید آنگاه
بمسجد اندر آمد و نماز گزارد ما را معلوم شد اگرچه قدمها پاک بود در زمین
باید مالیدن از برای اقامت سنت در الیف آورده اند ابو حنیفه رضی الله
عنه در مسجد نشسته بود دیگری در آمد و قدمها را در زمین مسجد مالید ابو حنیفه گفت که
ای شیخ اگر قدمها خود را در روی من می مالیدی زیرا که از دو وجه خالی نیست
یا پای پاک است یا پلید اگر پلید است پلید کردی زمینی را که خدای تعالی عزیز کرده
و هر که عزیز کرده خدای را خوار دارد و خوار شود از سلک سلوک چنین گویند در تیه
اسرائیل صد و چهار ساله باران نبارید و دعا مستجاب نمی شد پیغامبران عهد را
خطاب رسانید تا این قوم را بفرما مسجد پاک نمی دارند و هم در آن راه در مسجد
میروند و مسجد را آلوده میکنند از آن سبب دعای ایشان را اثر نیست ذکر تحیة مسجد
از فوائد الفواد اگر در وقت شکر و در مسجد بنشیند و تحیت مسجد نتواند گزارد
چهار بار کلمه سبحان الله والحمد لله تا آخر بگوید در ظهیری آورده است تحیت
مسجد سنت است نزدیک ما و نزدیک امام شافعی رحمة الله علیه واجب است و سنده است
تحیت مسجد هر روز دو رکعت تحیت بگزارد یا اول تحیت بگزارد پس بنشیند بعضی
گفته اند بگزارد در پیش آنکه در مسجد در آید از تنبیه ابو اللیث فقیه گوید رضی الله عنه
مسجد را بر تو ده حرمت است اول آنکه چون اندر مسجد آیی سلام کنی اگر کسی باشد
و اگر در نماز باشند بگوید السلام علینا و علی عباد الله الصالحین دوم
چون اندر شود دو رکعت نماز کند پیش از آنکه بنشیند زیرا که در جز است از رسول

از رسول علیه السلام هر چیزی را تحیت است و تحیت مسجد دو رکعت نماز گذاردن
آنگه در رو خرید و فروخت مکن **سیوم** اندرو شمشیر مکشی **چهارم** اندرو کم بود بجوئی
پنجم اندرو بانگ بلند مکنی مگر بیاد ذکر خدای تعالی **ششم** اندرو سخن دنیا
مگوئی **هفتم** اندرو پای در گردن مردمان منهی **هشتم** از آنجا منازعت مکنی
نهم صف مردمان تنگ مکنی **دهم** نماز کنان نزد وی **یازدهم** اندرو
خوی میندازی **دوازدهم** **سیزدهم** از انگشتان بانگ بیاری **چهاردهم**
مسجد را از پلیدی نگاهداری از گزندگان و از دیوانگان **پانزدهم** اندرو
خدای عزّ و جلّ را بسیار جوئی **ذکر تعظیم داشتن بزرگ مسجد** پیغامبر علیه السلام گفت هر که
قیام آرد در مسجد یکی را خیانت کرد و بندگی کرد دیگر خدای را عزّ و جلّ **وصلوة تحیت**
آورده است دیگر برادر مسجد تعظیم نیارند که در خانهٔ خدای تعالی عز او را تعظیم
باید داشت قال النبی صلی الله علیه وسلم لا تعظموني في بيت ربي جائی که حضرت
رسالت این فرماید که مرا در خانهٔ خداوند تعالی تعظیم مکنید پیغ دیدن من بجز دیدن
دیگری خاستن کی جایز بود و لهذا ائمه سلف چون در مسجد سبق گفتندی شاگردان را
وصیت کردندی می باید که در مسجد دیدن ما بر نخیزند و وقت درون رفتن پای
راست باید نهاد و وقت بیرون آمدن پای چپ و حتی احمد ما بغیر اول پای چپ
در مسجد نهاد و کفارت آن صد غلام آزاد کرد و سفیان ثوری گویند سفیان زاهدی
گفتندی وقتی بنسیان اول پای چپ در مسجد نهاد آوازی شنید یا ثور چون
بیرون آمد هر که او را می دید سفیان ثوری میگفت **ذکر سلام گفتن در مسجد**
از جمله احکام در آینده در مسجد میان جماعت اگر جماعت در نماز باشند و قرآن
بلند نمی خوانند یا ذکر بلند می گویند چنانکه آینده ایشان را خاموش می بینند آرد به ایشان
سلام گوید برین لفظ السلام علیک یا مسلم علیکم و ایشان جواب گویند

بدین لفظ

بدین لفظ و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته و اگر نه و علیک السلام
گویند لیس از عهده جواب بیرون آیند **اما** بهتر اولی است و نشاید که ایشان خاموش
باشند و جواب بگویند که ترک واجب کرده باشند و آثم شوند و اگر یک کس از جماعت
جواب گوید از دیگران ساقط شود و اگر جماعت مشغول باشند باید که السلام
علینا و علی عباد الله الصالحین آینده گوید و در روضه آورده است
مکروه است سلام گفتن در پنج جای و سلام گوینده بزه کار شود و جواب سلام نیاید
یکی در وقت خطبه روز جمعه دوم چون قوم در نماز باشند سیوم چون جماعت قرآن
بلند خوانند و یا یکی میخوانند دیگران می شنوند لیکن جواب می گویند زیرا که ممکن است
دریافتن هر دو فضیلت چهارم در وقت گفتن بحث علم یا یکی علم بیان میکند و دیگران
می شنوند پنجم در وقت گفتن بانگ نماز و اقامت که جماعت نشاید با بانگ نماز و تکبیر مشغول باشند
جواب سلام گویند اگر چه قدرت هست تحصیل دو کار **ذکر سخن دنیا گفتن در مسجد**
در فتاوی سراجی آورده است مکروه است سخن گفتن در مسجد و پیش جنازه و در خلا
و در خانهٔ جماع **از صلوة مسعودی** در خبر است هر که سخن دنیا در مسجد گوید حبط کند
خدای تعالی عمل او چهل سال و کعب احبار رضی الله عنه گفت چون روز قیامت شود
بیرون آید از دوزخ دابه نام خزیش سر او بالاتر هفت آسمان و دنب او فرو
تر هفت زمین و دهن او از مشرق تا مغرب بود و آواز بلند فریاد کند جبرئیل علیه السلام
وی را گوید یا خزیش کرا می طلبی گوید پنج کس را می طلبم کجاست آنکه او نماز نگذارده است
و کجاست آنکه او زکوة نداده است و کجاست او که ربوا خورده است و کجاست او
آنکه خمر خورده است و کجاست آنکه سخن دنیا در مسجد گفته است پس جمع کند جبرئیل صلوات الله
علیه ایشان را فرو برد چنانکه مرغ دانه چیند و فرو برد و لیکن بازگردد در دوزخ
رود **از صلوة مسعودی** در مسجد سخن دنیا گفتن ایشان کم بحدیث صحیح آمده هر که در مسجد

سخن دنیا نگوید که آن مسجد بوی ناخوش گیرد چنانکه فرشتگان نتوانند در وی
قرار گرفتن از بوی دهان ایشان بیرون روند مناجات کنند الهی پروردگار
بندگان تو ما را از خانه تو بیرون کردند مثل ای عز و جل قسم یاد کند که بعزت و جلال
من که پروردگارم بر ایشان جاهی بگمارم از زبانیان دوزخ تا ایشان را از خانه
ایشان بیرون کنند چنانکه شما را از خانه شما بیرون کردند ذکر عقوبت بانگ نماز از
تفسیر نیز و رجز است که موذنان روز قیامت از مردمان دیگر چنانکه نماید گویی که
در مرکب سوار شده بر مردمان دیگر جاده و سر و بالا کرده باشند و برف و بخکند تا مردمان
هر که اعزاز و جاه و منزلت و شادی باشند و هر که اخواری و غم و اندوه بود
برف و دا آورد از تفسیر منبع پیغامبر فرمود علیه السلام هر که بانگ نماز گوید هفت سال
حسبة الله تعالی بدهد او را خدای تعالی برات از آتش دوزخ آزاد کند و هر که
بانگ نماز گوید یکساله بهشت صادق او واجب گردد و روز قیامت بر در بهشت گفته
شود مر او را که شفاعت کن مر کسی را که تو خواهی و پیغامبر فرمود علیه السلام سه کس
را بسیار حساب نباشد و نترسند روز قیامت و اندوهگین نباشند از فزع اکبر
اول حامل قرآن و دوم موذن که هفت ساله بانگ نماز گفته باشد بی طمع و اجر آن نگرفته
باشد و سوم بنده مملوکی که عبادت خدای کرده باشد و حق مولی گذارده باشد واو
وآورده اند که موذنی فقیر ثواب بانگ نماز خود فروخت و بهای آن بگرفت پس
خواست که بانگ نماز باز گوید فراموش شد وآورده اند روزی بلال رضی الله
عنه بانگ نماز میگفت در مدینه چون آغاز کرد اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمدا رسول الله
یهودی بشنید گفت بسوزد خدای دروغ گو را چون شب درخانه آمد چراغ گشته میشد
خواست تا بفروزد آتش شعله زد و بفرمان خدای تعالی آن یهودی تمام از سر تا قدم
بسوخت بدرستی که او دروغ گو بود از تنبیه ابوالیث رسول الله صلی الله علیه وسلم

فرمود هیچ گروه را من تمام بهشت وپذیرفتم اول زن پارسا که اطاعت دارد مر خدای
تعالی و شوی خود را دوم فرزندی که مادر و پدر را مطیع و فرمان بردار باشد و سیوم
کسی که خلق از وی خوش بود و چهارم کسی که در راه مکه بمیرد و پنجم موذنی که در مسجد
از بهر خدای تعالی موذنی کند روایت است از رسول علیه السلام که هیچ شهری نیست
که اندر او موذنان بسیار اند که سرما ان شهر کم نشود از ملتقط مسعودی رسول
فرمود علیه السلام هر که نماز قضا کند قامت نگوید همان دو فرشته که اعمال کاتبان او
باشند بوی اقتدا کنند و اگر بانگ نماز و قامت گوید خدای مثل کوهها فرشتگان در پشت
آن بنده اقتدا کنند فرشتگان مناجات کنند الهی پروردگارا ما معصومیم از گناه
و دیگر وی آلوده گناه است ما بوی چگونه اقتدا کنیم خطاب حضرت عزت احدیت
جل جلاله و عم نواله در رسد مر فرشته را که گناهان از گردن آن بنده برگیرند تا
فرشتگان بوی اقتدا کنند خطاب حضرت عزت بر فرشتگان رسد که ای فرشتگان
بنده من ملک شده است و شما تا کی بر وی اقتدا کنید چون نماز کردند فرشتگان مناجات
کنند الهی پروردگارا فرمان چیست خطاب حضرت عزت در رسد که کریم مطلق منم و کریم صفت
منت از کرم من روا نبود که باز گناه از گردن ضعیف بر گیرم باز در گردن وی نهم
گناهانش را به دوزخ اندازند تا بسوزد و تا بنده من بقیامت بحضرت پاک آید
ذکر در فضیلت شنیدن بانگ نماز و جواب دادن از کفایه شعبی روایت
کرده اند زبیده زن هارون رشید رحمة الله علیه چون نقل کرد او را بخواب
دیدند گفتند خدای تعالی با تو چه کرد گفت مرا ببخشید پروردگار من گفتند او را
بدان صدقات که تو داری گفت نی گفتند از آن مالها که بجای خدای داده بودی گفت
نی گفت آن مالها را اجرت آن حوضها مال مردمان بود از ثواب آن ببردند پس
گفتند چه بود که آمرزیده شدی گفت روزی شکم من زحمت میداد و موذن حاجت بود

رفتم با گفتن نماز آغاز شد پیش متوضا استاده ماندم و درنگ کردم تا آنکه موذن فارغ شد
بعد از آن بقضاء حاجت رفتم بدان تعظیم بانگ نماز خدای تعالی مرا بیامرزید از منظور دریا
گفته باز دهم حضرت کعب علیه السلام ای منظور دریا دانید بانگ نماز چرا پدید است گفت نه
گفت بدان سبب که بنده فراموش کار است و غافل و ذکر گفتنی است بنده بسیار چیزها
گوید بنده اندیشه گفته است چون بنده بانگ نماز شنود و جواب گوید کفارت آن کلمات شود
از وسیلة القلوب روایت کرد جابر عبد الله که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت
هر که بانگ نماز شنود و تمام پس بگوید اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة
القائمة آت محمدا الوسیلة والفضیلة والدرجة الرفیعة وابعثه
المقام محمودا الذی وعدته برحمتک یا ارحم الراحمین رسول فرمود حلال
گردد مر او را شفاعت من روز قیامت ایضا و در حدیث آمده است هر که بانگ نماز شنود
چون موذن بگوید الله اکبر الله اکبر و گوید مرحبا بالقائلین
عدلا و مرحبا بالصلوة اهلا چند هزار نیکی در نامه اعمال او نبشته شود
ایضا و در حدیث است هر که بشنود موذن بگوید اشهد ان لا اله الا الله
او نیز همچنین بگوید پس عقب آن بگوید رضیت بالله ربا وبالاسلام دینا
وبمحمد علیه السلام نبیا آمرزیده شود گناهان او و نقل است از مشایخ کبار هر که
در جواب بانگ نماز چون موذن بگوید اشهد ان محمدا رسول الله و این کلمات
بگوید قرة عینی بک یا رسول الله صلی الله علیه وسلم و هر دو ناخن بر انگشت هر دو
چشم نهد او را هرگز چشم درد نکند چون موذن اول بار گوید اشهد ان محمدا
رسول الله شنود بگوید صلی الله علیک یا رسول الله بعده ناخن هر دو ابهام بر چشم
نهد و این دعا بخواند اللهم متعنی بالسمع والبصر حضرت رسالت فرموده علیه السلام
من اسمع اسمی فی اذنه ووضع ابهامیه علی عینیه فانا طالبه

فی صفوف القیامة وقائده الی الجنة پیغمبر فرموده است صلی الله
علیه وسلم هر که بشنود نام من در بانگ نماز و بنهد هر دو ناخن بر انگشت بر هر دو چشم
خود من طالب وی باشم در صفها و روان کنم او را بسوی بهشت هر دو ناخن انگشت
بر هر دو چشم نهد و لیکن نگفته بوسد از وسیلة القلوب در حدیث آمده است
لو اذن المؤذن لم یجب ما ترکت هذه الامة طرفة عین
فرمود اگر موذن را نگفتندی هلاک کنندی این امت را طرفة العین اما شان
پیغمبر موذن را اجابت میکنند بلا برکت آن از ایشان دفع میکند ایضا و در حدیث است
که رسول علیه السلام مر زنان را گفت چون بلال بانگ نماز بگوید هر چه او میگوید شما بگوئید تا هزار
نیکی بر نامه اعمال شما نبشته شود و دو هزار درجه یابید و دو هزار درجه نام شما بر در بهشت نبشته شود
در بهشت ایضا در جواب حی علی الصلوة وحی علی الفلاح لا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم بگوید پیغمبر حیله و در بودن و نفرت حق تعالی و
ذکر فضیلت مسجد و بنا کردن از صلوة مسعودی رسول فرمود علیه السلام که مسجد
بازارهای آخرت است سالکان و روی چون بازرگانان اند هر کسی سود کند بقدر
مایه خود و خنک آن بازرگان که با حق تعالی کند چون به مسجد اندر آئی تعجیل نشاید بازگشتن
و بیرون رفتن رسول علیه السلام فرموده است که مومن در مسجد چنان بود که ماهی در آب
و منافق چنان بود که مرغ در قفس خواجه امام زاهد فخر رحمة الله گفته است که در حدیث
آمده است هر که پیش از بانگ نماز به مسجد حاضر آید سیصد و بیست و پنج بار رنج برفته بدیوان وی خدای
عز و جل ثبت کرده اند و اگر وقت بانگ نماز آید ثواب بیست و پنج هزار رنج برفته در دیوان نیکی
ثبت کرده اند و اگر قامت آید ثواب بانگ نماز یابد و اگر پیش از امام سر بر دارد و پا
فرود آرد هیچ ثواب نه نویسند و مهتر خضر گفت علیه السلام ای منظور دریا از کعب احبار
شنیده ام مومن را از شیطان سه حصار است اول یاد کردن خدای عز و جل و دوم

مسجد **سیوم** خواندن قرآن ای مظفر دریا از حضرت عالم صلی الله علیه السلام شنیدم
که چون بلایی از آسمان نازل شود از اهل دنیا و رنده کان مسجد و نماز کذارنده کان
در مسجد خدای عز و جل آن بلا را بکرداند و پیغامبر فرمود علیه السلام ای ابو دردا
رضی الله عنه هر که بکزیند نشستن در مسجد کرامی کند خدای تعالی او را به پنج چیز **اول** فراخ
کرداند بر وی عیش او را و رزق او را **دوم** بردارد از وی عذاب **سیوم** بدهد نامه
اعمال او بدست راست او **چهارم** بکذراند او را بر صراط چون برق جهنده **پنجم** در آرد در بهشت
بی حساب **ده درجه است** چون بلائی از آسمان نازل میشود بسوی زمین در عافیت می باشد
از آن قرآن خوانان و آباد دارنده کان مسجد و نماز کذارنده کان در مسجد از
از خالصة الحقایق وهب بن منبه کفت که بنی اسرائیل مسجدی بود که مردمان در آن نماز
نمیکذاردند و بدو التفات نمیکردند تا خراب شد پس آن مسجد بالا بآسمان رفت بنالید
و شکایت کرد از همسایگان خود فرشتگان کفتند کجا آمده کفت آمده ام در حضرت
عزت تا شکایت کنم از همسایگان بد خود که التفات نمیکنند بسوی من فرشتگان کفتند که با
کرد با انصاف رسیدی چون بازکشت بفرمان خدای تعالی آن قوم بر زمین فرو شده
بودند **از تفسیر منیر** چون روز قیامت باشد قومی بیایند بر صراط و وقفه کنند دلیری کردن
نتوانند بر صراط بکذرند و فرشتگان پرسند ای قوم شما را چه مانع شد از کذشتن
صراط کویند که ما می ترسیم پس جبرئیل بیاید و بکوید ایشانرا اکر شما را درد نیاید غرقاب کشتی
آمدی چکونه از دریا میکذشتی کویند میکذشتیم پس مساجد ها را بیارند که در آن نماز کذارده
اند مساجد ها چون کشتیها شود که در آن نماز کذارده اند بنشینند و از صراط بکذرند
ده درجه است هر که بنا کند مسجدی را از برای خدای را بنا کند خدای برای او خانه را
در بهشت **ده درجه است** هر که بنا کند مسجدی را از برای رضا خدای را عز و جل اکرچه
مقدار خانه کنجشک باشد بنا کند خدای تعالی خانه برای آن در بهشت **ده درجه است** که در مسجد

چنانکه از حی لبت پادشاهان از فرشتکان که موکل اند بر مسجد آورنش خواهند
هر نماز کذارنده کان را نماز می نویسند و امیکنند که اکنون بیایید ای بنده کان خدای تعالی بسوی
مبرات بسیار و شفاعت نماید بسوی مغفرت آن برود کار خویش پس هر که بیاید اهل
مسجد را پیش او بانک میکویند و طوق امیکویند چنانکه پیش پادشاهان کویند و می
نویسند هر که سابق می آید نام او یک نیکی و هر که اهل آن نه بینند ایشانرا طپانچه می زنند
و میرانند و میزنند بر روی ایشان پس فرشتگان تیز شند هر کرا اهل بکیرانند دیوان بر روی
جمع شود و مشغول میکنند بغفلتی تا میرود وقت نماز ایشان و چون اقامت میکنند و نماز
شروع میکنند دیوان متفرق می شوند و ملایکه در می آیند در مسجد ها و چون امام نماز
میدهد پس هر که غفلت میکند و بیرون می آید از مسجد او نزدیک بیست درجها بامومنان
و فرشتکان و در رحمت و هر که اول مسجد بیرون می رود مینویسند نام او یک
نیکی و اکر بعد از و بیرون می آید نام او دو نیکی و هر که آخر هم بیرون می آید
نام او ده نیکی می نویسند و هم از این کفته اند شاید که مومن را در مسجد اول در آید
و آخرین هم بیرون آید **ذکر جاروب دادن در مسجد** هر که جاروب زند در مسجد
به رستی که چهار صد سال غزا کرده باشد و چهار صد حج کرده باشد و چهار صد بنده آزاد کرده
باشد چهار صد سال روزه داشته باشد بیافریند خدای تعالی از این ثواب زعفران
را بیافریند از آن زعفران چهار صد حور بزینه و به آن بنده را **ده درجه است**
هر که جاروب زند مسجد را خدای تعالی پاک کرداند از کناهان او از خطاها او را
از خالصة الحقایق ابن عباس رضی الله عنه کفت که پیغامبر فرمود علیه السلام هر که در مسجد
جاروب زند و رفت را بیرون کند خدای تعالی کناه کبیره از فعل او دور کند **ده درجه است**
هر که بیرون اندازد خشتی را از مسجد او را دو کفل دهند از اجر یک کفل هفتاد
هزار نیکی است **آورده اند** که در بدخشان مردی بود دشمن میغ کفتندی او هر روز

بگنجید و در مسجدها جاروب دادی و پاک کردی و رفته را بیرون انداختی
هر روز همین کار کردی چون او نقل کردی خواستند که بر او تکفین کنند او که در آن
خانه مرده بود جستند ندیدند جای او خالی یافتند خلق همه در تحیر و تعجب ماندند ذکر
در فضیلت چراغ دادن در مسجد در خبر است هر که چراغی دهد در مسجد حق تعالی او را
نوری دهد روز قیامت و در خبر است هر که قندیلی آویزد در مسجد فرشتگان دعا
کنند و آمرزش خواهند او را هفتاد هزار فرشته تا آن زمان که آن قندیل را ز
سوختن بماند و تا آن را از آنجا برگیرند و در خبر است پیغامبر گفت علیه السلام که بیاورد قندیلی
را در مسجد بنویسد خدای تعالی مر او را بهر قطره از روغن ده نیکی و محو کند از وی
ده بدی و برآرد برای او ده درجه و بدهد او را بعدد هر که نماز گذارد در آن
در آن مسجد به روشنائی آن چراغ نوری تمام در قیامت او را برابر ایشان از آتش و
دوزخ تیغ آزاد از آتش دوزخ ذکر فضیلت بوریا و صفت برای نماز دادن
و خوشبوی کردن در مسجد در خبر است هر که بساطی دهد در مسجد خدای تعالی بدل
هر بساطی هفتاد بساط از برای او گسترانند در روز قیامت و در خبر است هر که
بوریا به در مسجد دعا کنند و استغفار گویند مر او را هفتاد هزار فرشته تا آن
زمان بوریا در مسجد باشد و در خبر است که بر در بهشت نبشته اند لا اله الا
الله محمد رسول الله هر که خواهد برگ خوش برد لبی از وسخن خوش بگوید و
و در خبر است هر که خواهد گور او روشن باشد در مسجد بها روشنی دارد و در خبر است
هر که خواهد گور او پاک شود و بر او کرمان نخورند لبی او در مساجد جاروب زند و هر که
خواهد تا تازه ماند در زمین و نریزد تن او در مساجدها صف نماز زند و در خبر است
هر که خوشبوئی کند مسجد را چون روز قیامت شود او را از بوی خوش بشناسند و از
پانصد سال راه از وی بوی خوش آید باب چهارم در فضیلت روزه فصل

در روزه ایام حیض و روزه مبارک ماه رمضان مشتمل بر سه فصل است فصل اول
در فضیلت روزه نقل از تفسیر منیر پیغامبر گفت صلی الله علیه و سلم هر که یک روزه بطوع
بدارد و خدا بخواهد میان آسمان و زمین نبشته خدای عز و جل او را اجر بهشت جاوید این
و منظور قرشی گفت روزه بر سه وجه است صوم روح و آن قطع عملست و صوم عقل
و آن خلاف کردن هواست و صوم نفس و آن باز بودن و زخم زدن و اشامیدن
و از مباشرت و سعید جبیر رضی الله عنه روایت کرد و نزد یک موت گفت مستجاب چهار
روزه بغیر غیبت و نماز بغیر سهو و دل بی خیانت و قوت از حلال از خالصه الحقایق
پیغامبر فرمود صلی الله علیه و سلم هر که روزه دارد یک روزه بطوع نباشد برای
کسی مگر خدای عز و جل را نبود خدای تعالی به ادن ثواب آن مگر بهشت پیغامبر
فرمود صلی الله علیه و سلم به درستی که روزه و قرآن هر دو شفاعت کنند روز قیامت
بگوید روزه یا رب من باز داشته ام از طعام و شراب او را از زنی و قرآن بگوید یا رب
که من باز داشته ام خواب او را از روی شب پس هر دو شفاعت کنند پیغامبر فرمود علیه السلام
که صایم در عبادت است اگر چه خفته است در فراش و پیغامبر علیه السلام روزه که در او
ریا نیست خدای عز و جل فرموده است او مراست و جزا در روزه او منم به درستی که
طعام او و آب او از برای رضای من گذاشته است و پیغامبر فرمود علیه السلام
که روزه دار در عبادت است از صبح تا شام اگر چه ایستاده است یا نشسته است یا در
نماز است یا در خواب است یا در کلام است پس او صایم است مادام که غیبت نکرده است
چون غیبت گوید صوم او درست نباشد از روی تقوی و پیغامبر علیه السلام فرمود که خدا
عز و جل را مایده است که هیچ چشمی آن را ندیده است و هیچ گوشها آن را صفت نشنیده است
و نه در دل هیچ بشری گذشته است ننشیند بر آن مایده مگر روزه داران از فواید الفواد
سخن در فضیلت صوم افتاده بود و این حدیث الصَّائِم فَرحَتانِ فَرحَةٌ

عِنْدَ الْإِفْطَارِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ الْجَبَّارِ بعد آن فرمود فرحة
صایم عند الافطار فرحة اکل و شرب این فرحة اتمام صوم است یعنی صایم چون صوم است یعنی
صایم چون صوم تمام کند او را فرحی آید گوید الحمد لله این طاعت از من تمام شد
و امید وار رحمت رویت شد بعد از آن فرمود هر طاعتی را جزای معین است چون
جزای روزه نعمت دیدار است هر آینه صایم با تمام صوم شاد شود با امید آن نعمت و جزی
صفت روزه در باب ادب مذکور شده است **فصل دوم در فضیلت روزه ایام بیض**

از رباعین امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمود جبرئیل مرا گفت چون
مهتر آدم صلوات الله علیه گفت پیغامبر علیه السلام در زمین نزول کرد اندام مبارک
او سیاه شده بود چون انگشت و سیزده هم ماه بود مهتر آدم علیه السلام بگریست چنانچه
آب از دیده او چون جوی روان شد و بگفت جبرئیل کجا شد حسن من و کجا شد جمال من
و چه شد پیرایه من و کجاست روح من حوا پس من گفتم یا آدم حق اعلم نیست پس وحی کرد
حق تعالی سوی من **سیوم** را روزه دار روز سیزدهم از ماه بود مهتر آدم علیه السلام
آن روز روزه داشت سیوم حصه از اندام مبارک سپید شد چنانکه بود پس وحی باز
کرد حق تعالی سوی من بگو آدم را دوم روز روزه دارد و آن چهاردهم روز
از ماه بود روز چهاردهم روزه داشت دو حصه از اندام مبارک او سپید شد باز چون
شد سیوم روز نیز هم روزه داشت تمام اندام مبارک سپید شد باز گشت بر او حسن و جمالی
که بود این روزه را ایام بیض از آن گویند که آدم علیه السلام روزه داشت پس هر که
یک روزه دارد از ایام بیض محو شود یک حصه گناه او و اگر هر سه روزه دارد
بیرون آید از گناهان و پاک شود پس جبرئیل گفت علیه السلام بشارت مر امت ترا بیرون
آید از گناهان و پاک شود پس جبرئیل گفت علیه السلام بشارت مر امت ترا اجر کن لیت شا
الصیام ایام بیض به راستیکه روشن شود دلهای ایشان و سپید شود رویهای ایشان **آدم**

علیه السلام

و گویم علیه السلام همه دوام روزه ایام بیض داشت تا آن هنگام که از دنیا رحلت کرد
و روایت که رسول علیه السلام امیر المؤمنین علی رضی الله عنه فرموده است یا علی روزه بدار
در هر ماهی سه روز و پنجشنبه شود مر ترا اول روزه ثواب صد هزار سال و در
دوم روزه ثواب سی هزار سال و در سیوم روزه ثواب هزار سال **از تفسیر**
در سوره احزاب است که خدای تعالی صفت کرده است اعمال صالح مؤمنین و مؤمنات
اخلاص و صدق و جز آن و ذکر صوم کرده است وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ روزه فرض
و نفل و گفته اند روزه ماه رمضان است و سه روزه ایام بیض است **و در خبر است**
که خدای تعالی گفت موسی صلوات الله علیه یا موسی چون جمع شوند خلق اولین و آخرین
جدا کنم اهل بهشت را از اهل دوزخ بر روزه ایام بیض و استغفار سحرگاه یا موسی حق آن است
آنچه گفته ام به راستی که روزه داران ایام بیض و گویندگان استغفار سحرگاه بمیرند بر آن
که از گور در آیند در بهشت سیراب و بیرون نروند از دنیا تا عرض کرده شود بر ایشان
مقام ایشان از بهشت یا موسی گویندگان استغفار و سحرگاه و روزه داران ایام
بیض جدا کرده شوند بر سیری از شتران بهشت در رویهای ایشان تابان باشد چون شب چهاردهم
و بر هم وری ایشان نزا برایتا از آتش و امان از عذاب **و در خبر است** که رسول صلی الله علیه و سلم
ابلیس لعین را پرسید کدام اعمال بدتر است تو دشمن ترا است گفت **نماز چاشت** و روزه
ایام بیض از ابن عباس گفت رضی الله عنه پیغامبر علیه السلام ایام بیض در سفر و حضر افطار
نکردی عبد الرحمان بن سمره رضی الله عنه گفت من گفتم پیغامبر صلی الله علیه و سلم یا رسول الله
چیست صوم تو فرمود سیزدهم چهاردهم و پانزدهم **[illegible]** جامه مردی [illegible]
ابن عباس گفت اگر خواهی روزه مر او سلیمان علیه السلام پس روزه دار سه روزه
از اول ماه و اگر خواهی تو روزه مریم دو روز روزه دار و یک روز افطار کن
و اگر خواهی تو روزه مر او عیسی صلوات الله علیه پس صیام دهر دار و اگر خواهی تو روزه

افضل است محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم است روزه در رجبهای ایام بیض که
سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم از فوائد الفواد یازدهم ذی الحجه سنه ثمان
و عشر و سبعمایه سعادت دستبوس رسیده شده بنده عرضه داشت که دگر سیزدهم
این ماه ذی الحجه افطار کرده میشود بسبب ایام تشریق حال روزه بیض بر بود فرمود شانزدهم
روز روزه باید داشت انگاه فرمود امام شافعی رحمة الله علیه پیوسته چهاردهم
و پانزدهم ایام بیض داشت امام و درین ماه باتفاق شانزدهم باید داشت از حقایق آداب
روزه یکی آنست که چون روزه دار باشی جایی نزدیکی که عزومان آنجا طعام خورند یا خواهند
خورد و اگر قصد یعنی نشاید کرد روزه بگشایی و این سخن که مسوک مسلمانی دا بر شتن
فاضلترین زیرا که در خبر است آن گفته ها با فضل بیع است اگر جایی رفتن بود مهمان
طعام خورند و تو روزه داری باشی ایشان را و ملکی میخورند و دل ایشان بشکنی
جایی باشد که کسی از جایی دعوت کند و معقود او باشد تا تواند نرود و اگر برود
باید خورد و اگر آن ملکی جاید که روز دیگر از ا قضا باید کرد و دری انکار که روزه
نفل بود و اگر نذر بود یا قضا نشاید خورد والله فصل سیوم در فضیلت روزه
ماه مبارک رمضان از تفسیر منبع موسی صلواة الله علیه گفت الهی من در توریت
یافته ام امتی باشند از برای رضای تو روزه ماه رمضان بدارند آخر زیده شود دکان ها
ایشان آنچه بیش از آن کرده باشند لیس کی ایشان اند از اسیس فرمان شد از حضرت
عزت ایشان امت محمد اند علیه السلام عطا کردم یکی از احسان دیگر من اگر اذن کنم من
آسمانها شفاعت کنند مر ایشان را در آن ماه از خالصة الحقایق جابر بن عبد الله
رضی الله عنه مرویست که پیغامبر علیه السلام گفته است به ترسیم که داده شده است مرا ماه رمضان
پنج چیز که داده نشده است هیچ امتی را پیش از من یکی آنکه چون باشد شب اول از ماه رمضان
نظر کند خدای تعالی سوی ایشان نظر رحمت و سوی هر که خدای تعالی نظر رحمت کند عذاب

نکند

اگر روزه دار را سلطان بخواند افطار باید کرد و روزه قضا صح

نکند او را ابدا دوم آنکه بوی دهان ایشان خوشبوی تر است نزدیک خدای تعالی
از بوی مشک سیوم آنکه امر کند خدای تعالی بهشت را که ساخته شو و آراسته گی
خود را از برای بندگان من نزدیک شد تا برود از ایشان رنجها و زحمتها و در آیند
در بهشت من با کرام من چهارم آنکه چون باشد آخرین شب از ماه رمضان بیامرزد خدای
عز و جل مر ایشان را همه گفتند یا رسول الله آن شب قدرست که همه آمرزیده شوند فرمود
نیست شب قدر نه بینید اعمال چون کار تمام میکنند و فارغ میشوند اجرت ایشان تمام
داده میشود و بعضی از اهل حقیقت گفته اند حق تعالی گفته است آمرزیدم یازده
برادران دعا یک برادر رفته شوند شدم و ما امیدواریم که بیامرزد گناهان یازده
ماه برکت یکماه رمضان و آن قصه یوسف پیغامبر علیه السلام که در حق یازده برادر دعا
کرده او ملفوظات شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز بر لفظ مبارک راند
که ماه رمضان بزرگ ماهی است درین ماه هر شب پیش آدمی یک فرشته طبق رحمت
بدوست اول از آسمان فرود می آیند فرمان میشود چون بندگان من روزه
افطار میکنند این طبق رحمت بر سر او نثار کنند هر که در آمدن ماه رمضان شاد شود
خدای تعالی او را هیچ غمی غمناک نگرداند برکت و خیر و کسب روزی کند و هر که در وقت
رفتن ماه رمضان دل تنگ شود او را شاد و جاوید و هیچ گاهی غمناک نگرداند
از خالصة الحقایق پیغامبر فرمود علیه السلام هر که شاد شود بآمدن ماه رمضان و غمناک
گردد برفتن ماه رمضان خدای تعالی او را بیامرزد از کفایة الشعبی چون جمع شوند
خلایق روز قیامت منادی ندا کند روزه داران امت محمد بیرون آیند از جمله
امتان پس بیرون آیند و ندا کنند ایشان را و بگویند به رستی خدای تعالی میگوید بیایید
فرشتگان را آنچه میان من و میان شماست پس بیرون آیند از سایر امم و بگویند مردمان
از امتان دیگر ایشان کیانند فرشتگان گویند ایشان روزه داران امت محمد اند

علیه السلام و پیش ایشان دست بر دست مالند و افسوس خورند و بگویند ای کاشکی با پیغمبران
ما هم ماه رمضان بودی تا ما هم آن کرامت یافتیمی امت محمد علیه السلام که مردی بود
و بسیار عبادت کردی نام روزی در مقابر میگذشت آوازی شنید از گوری زهی اندوه
و زهی حسرت که ماه رمضان رسید و بیت ما را از این روزه داشتن و از گور دیگر آواز
شنید که میگفت که اگر بیت ما را از این روزه و لیکن ما را فرزندان صالح اند ایشان
روزه خواهند داشت از روزه داشتن ایشان ثواب بما خواهند بخشید خبر
علیه السلام گفت ای مظفر دریا از لقمان حکیم شنیده ام که بهشت را هشت در است
معروف و یک در دیگر است نام آن در ریان است در آن کس رود که روزه دارد در
ماه رمضان و آن کسانی که با خدا است گفته باشد بسم الله الرحمن الرحیم
و مظفر دریا گفت من و محمد علیه السلام در زمین بیت المقدس افطار میکردیم که هم در
ماه رمضان چیزی بگوی گفت ای مظفر دریا حق تعالی جبرئیل را فرماید که ای جبرئیل هدیه
شراب طهور جبرئیل ببر پیش مصطفی علیه السلام بگو حق تعالی سلام میگوید و میفرماید امتان تو
افطار میکنند تو نیز افطار کن جبرئیل علیه السلام بیاید بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه وسلم سلام کند و قدح شراب طهور ربوبی دهد پیغامبر علیه السلام گوید جبرئیل این شراب
طهور مرا است که از نزد بیت جبرئیل با حق تعالی بگوید حق تعالی فرماید که ای جبرئیل محمد
را بگوی که امت ترا نصیب کنم محمد رسول الله به ان لب نهد و بخورد و انگه گفته اند تعجیل
الافطار حکمت گشت افطار مومنان با افطار محمد رسول الله برابر افتد در زرست
خوردن چون پیغامبر علیه السلام بخورد و بقیه زرست که مانده باشد جبرئیل علیه السلام بگیرد
و بگوید الهی حکیم حق تعالی بفرماید فرشته قطره بر کف دست بگیرد و هر مومنی که روزه داشته باشد در
آن قطره در ان افتد آن ساعت که مومن آن قطره بخورد و باری تعالی بگوید از آتش
آزاد کردم و تا یکی از امت محمد علیه السلام مانده باشد جبرئیل صلوات الله علیه و در جلد

ظنی

خانه چهار مسلمانان نظر کند اهل آن خانه از آتش دوزخ آزاد شوند از برکت آن نظر رحمت
که جبرئیل کند مگر ده خانه از ده خانه نظر نکند اول خانه که خمر باشد دوم در خانه که اسباب
فساد بود سیوم در خانه که در وی غیبت باشد چهارم در خانه که شک باشد
پنجم در خانه که جرس آویخته باشند ششم در خانه که روفته باشند و خاک آنجا بر جای
گذاشته باشند هفتم در خانه که در ان خانه زنان گرد باشند هشتم در خانه که
تصاویر باشد نهم در خانه که مال ربوا باشد یا غله بجهت احتکار دهم در خانه
که یتیم را جا زار زنند و پادر روشنی از در محروم باز گردانند که ممکن باشد طعام از قوت
روزی زیادت آید یازدهم در خانه که مال باشد و در ان وام مماطلت کنند
ونه پدر دوازدهم در خانه که مادر و پدر را جا زار زنند و با نمازی عادت دارند
نقل از دوازده مسئله سیزدهم آنست که ابلیس لعین گفت ای مهتر خضر در
روزه مومن خلل افکنم پیش از انکه نیت روزه کند در نفس او در آیم که بعد نیت نفس
او مرا راه نباشد بوقت نیت دل وی را وسوسه کنم تا نیت فراموش کند روزه
بی نیت روا نبود و اگر نیت کند حسد و بغض و کینه برادر در دل او افکنم تا بغیبت
و دشنام و تهمت مشغول گردد و غیبت روزه را تباه کند و در ان روزه او را
ثواب نباشد او پندارد که من روزه داشته ام و این روزه همچنان در گردن
او بماند با من یکجا در دوزخ در آید نعوذ بالله منها جواب رسول علیه السلام فرمود
یا خضر علاج وی آنست که پیش از روزه نیت صادق کند و حاضر گردد و ده بار
کلمه تمجید بگوید و استغفار گوید و توبه کند و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اُرِیدُ
اَنْ اَصُومَ بِاَمْرِكَ وَقُوَّتِكَ بِاللّٰهِ اِنّی اَعُوذُ بِكَ
مِنْ هَمَزَةِ الشَّیْطَانِ وَاَعُوذُ بِكَ یَا رَبِّ اَنْ
یَحْضُرُونَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ودر آن سال

وازوید داند در تاریخ امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه کشته شده و بخانه او همچنین وی
یافتند جهد کردند چون بگشادند یافتند در صندوقی جامه حریر و روی نبشته که سواد در
اول خشته بود که بادا بر دو کوشش عثمان بن عفان اگر شنیده است از رسول علیه السلام
و در دوم خشته بود هر که بجواند طاهرا یا ناظرا بیامرزد خدای تعالی مر او را البته
و در سطر سیوم خشته بود هر جوانی که پیر شود در اسلام و ترک غبار دهد خدای جزی ما
بیامرزد خدای تعالی مر او را البته و در سطر چهارم خشته بود هر که دارد شادی
دل مؤمن بیامرزد خدای تعالی مر وی را البته البته و در سطر پنجم خشته بود هر که
یابد ماه رمضان را و بروزها روزه دارد و بشبها قیام کند بیامرزد خدای تعالی
البته البته البته از وصایا پیغامبر علیه السلام فرمود هر که روزه دارد در ماه رمضان
و پرهیز از حرام و بهتان خشنود بود خدای تعالی از وی و واجب کرد
مر او را بهشت از تنبیه ابو اللیث پیغامبر علیه السلام فرمود در است عراخ جز داده اند
اندر ماه رمضان که هیچ امتی را نداده اول بوی دهان روزه دار نزدیک
خدای تعالی خوشتر از بوی مشک است دوم فرشتگان آمرزش خواهند ایشان را
بوند بوقت روزه گشادن سیوم دیوانرا ببندند از برای ایشان چهارم
بهشت را بیارایند پنجم تو را ها عظیم کرامت کند بر ایشان و چون شب قدر بود
بفرماید خدای تعالی مر جبرئیل را علیه السلام که با گروه فرشتگان تا فرود بر زمین و
علمها سبز بیارند و بر بام کعبه بدارند و مر جبرئیل را ششصد پر بود و از آن دو پر
که وی را باز نکند مگر اندر شب قدر و اندر آن شب هر دو پر باز کند از مشرق تا مغرب
برسد و آنچه بکرد و جبرئیل علیه السلام این فرشتگان را گوید تا ندا کند بر امت
محمد علیه السلام سلام بکنند و بر هر ایستاده و بر هر نشسته و بر هر نماز کننده و بر هر دعا
و بر هر دعا کننده و مرایشان را که کار محکم گیرند و دعا ایشان را آمین می کنند تا صبح بر مد

چون صبح بدمید جبرئیل صلوات الله علیه بانگ کند یا معشر اهل الکرة الرحیل الرحیل
فرشتگان گویند مر جبرئیل را که یا جبرئیل ایزد تعالی با امت محمد علیه السلام چه کرد
جبرئیل گوید ایزد تعالی بنظر رحمت سوی ایشان نگریست و مر ایشان را عفو کرد و بیامرزید
مگر چهار گروه را فرشتگان گویند یا جبرئیل آن چهار گروه کدام اند گفت اول آنکس
که خمر خورد و توبه نکند تا بمیرد دوم آنکس که مادر و پدر او از وی ناخشنود بود
سیوم آنکس که رحم ببرد چهارم آنکس که از برادر مسلمان سخن باز گیرد افزون از
سه روز و چون روز عید شود خدای تعالی فرشتگان را فرماید تا بر سر کویها ایشان
بایستند و بانگ کنند چنانکه همه خلایق بشنوند الا آدمیان و پریان گویند ای امت محمد
علیه السلام بیرون روید بسوی خدای کریم با ایستانید و بیابید ثواب عظیم بیامرزد
گناهان همه و چون نمازگاه عید بیرون آیند خدای عز و جل گوید فرشتگان من گواه
باشید که ثواب روزه داران ماه رمضان و نماز کنندگان خشنودی خویش
کردم و همه را بیامرزیدم پس ایزد تعالی گوید ای بندگان من حاجت خواهید هر حاجت
که خواهید روا کنم پیغامبر علیه السلام گفت شما را خدای خواهم کرد از شب قدر
خبر کنم و ترسم که شما تکیه بر وی کنید مگر شما را بهتر از آنکه بجوئید در ده بار پسین
اندر نه مانده بود و اندر هفت مانده و یا اندر سه مانده بود و علامتها شب قدر
آن بود که شبی بود نه گرم و نه سرد و بامداد و آن آفتاب بر آید مر او را شعاع چندان نبود
هر که اندر وی نماز کند بنیت صادق و خالص بیامرزد خدای تعالی هر گناهی کرده
از خالصة الحقایق انس مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرموده است بدرستی
که خدای تعالی وحی کرد سوی فرشتگان کاتبان اعمال را که ننویسند بر بنده من
روزه دار از بعد از نماز دیگر چیزی ایضا پیغامبر علیه السلام گفت هر که روزه
دارد یک روز ماه رمضان با خاموشی و سکوت و تکبیر و تهلیل و حمد گوید مر خدای را

حلال را حلال داند و حرام را حرام داند بهشت نو و حرا او سزا اهل بهشتی خانه در بهشت
از زبرجد سبز و یاقوت سرخ **ایضا** انس مالک رضی الله عنه گفت که من پیش رسول علیه السلام
نشسته بودم با اصحابه بفوجی جهودان بیامدند و سوال کردند گفتند یا رسول الله چرا
فرض کرد است خدای تعالی بر تو و بر امتان تو سی روزه ماه رمضان رسول علیه السلام
فرمود به درستی که پدر ما آدم بخورد از آن شجره که نهی کرده بود و بود و در دنیا آمد
از آنچه خورده بود در شکم او یکماه باقی مانده بود و پس مبتلا کرد باری تعالی فرزندان
او را از این امت بروزه داشتن آن مقدار روز پس ایشان گفتند صدق گفتی یا محمد
آورده اند که یکی از صلحا روز عید جامه کهنه و ریکین چنانکه پوشیده بود نماز عید رفت
او را گفتند جامه جدید باشد روز عید پوشیدن سنت است گفت ای رفیقان این سنت
که شاد باشند می اند و بکنم و معصیت نه در دام رسید نه کدام معصیت است گفت معصیت
گذشتن ماه رمضان نمی دانم از من قبول کرده اند یا نه و یا بروی من باز زده اند
جزی فضیلت شب قدر و سحر و فضیلت شش روز روزه شوال در آخرین باب
در باب ماه رمضان نوشته شده است **باب پنجم در زکوة و صدقه و در وجود**
و بخل و ضیافت مشتمل بر پنج فصلست فصل اول در زکوة از خلاصة الحقایق
رسول علیه السلام فرمود حصار کنید مالهای خود را بزکوة و دارو کنید بیماران خود را
بصدقه و رسول علیه السلام فرمود نماز نیست مر کسی را که زکوة نیست مر او را و هر که زکوة
مال خود ندهد پس هر که بمیرد و گرسنه نیست فی سنگ بهر ستیکه مانع زکوة گرفته شود بخون او
روز قیامت و آنکه فرمود نماز نیست مر کسی را که زکوة نیست هر که نماز بکند و زکوة مال ندهد
نماز او فضیلت و قبولیت ندارد زیرا که نماز و زکوة باری تعالی یکجا ذکر و پس هر گاه
که در یکی خلل باشد **در دوم** نیز خلل افتد و رسول علیه السلام فرمود حق مال زکوة نگاه
داشتنی و نه بندی خدای تعالی است بدان از ایشان نگاه داشتی اگر بهایم بودی

یاران نیابدی و رسول علیه السلام فرمود چهار کس باشند از کور بیرون آیند و در دوزخ
در آیند بغیر حساب یاران گفتند ایشان کیانند یا رسول الله رسول علیه السلام فرمود
یکی آنکسانکه وقت نماز با مداد و پیشین و نماز بجا نگذارند **دوم** آنکسانکه مال زکوة ندهند
سیوم آنکسانکه پس روی شهوت ها کنند **چهارم** آنکسانکه نماز خفتن غافل
باشند و نگذارند و زکوة بر شیتیان ربع مال جدد و در بعده و دو آزده مسله
پانزدهم است که ابلیس گفت ای پیغمبر خدا در زکوة و صدقات بر چهار گوشه دل پیغامبر علیه السلام
از دویست درم پنج درم باشد و شیطان در زند بدان ربع مال هیچ مضایقی و بخیلی
مکن و نیز و تر اگر فرمان است که ربع عشر بده صد نوع حیلها انگیزی تا بندی گفته اند
که خان مال تو منم مال ترا زیادت کنم و از نقصان نگاه دارم و از تو قرض میطلبد
بر این ز الیطا گفته است که امروز بده فردا بتو باز دهم و این همه مال اوست که ترا
عطا کرده است بدست تو امانت است و تو آنرا مالک شده و هم از مال خود از
تو از دویست درم پنج درم میطلبد ببین که از برای خود می طلبد که او از این مستغنی
و بری است و کسی را فرموده است هم جنس تو و محتاج و برادر است که المومن اخ المومن
پس چگونه زکی باشد که از همت و مروت خود چیزی نداد به و بر آنچه فرمانست در ان هم
مضایقی کند و بوعده خدای عز و جل استواری ندارد پیغامبر علیه السلام فرمود هم از این
جهت دنیا را مردار خوانده است هیچ عاقلی مرداری دوست ندارد و دو که دنیا دار از این
مردار و بر نهانه قال النبی علیه السلام الدنیا جیفة طالبها کلاب
و نشر الکلاب من وقف علیها پس هر که دنیا را دوست دارد
و نه به محبت او از محبت خدای و رسول خدای او را دوست دارد و غالب باشد او سگ بود
بلکه از سگ بتر باشد و مشایخ رحمة الله علیه محبت هم از آنجا فرموده که زکوة سه نوع است
زکوة شریعت و زکوة طریقت و زکوة حقیقت زکوة شریعت اینست که از دویست درم

پنج درم به بنده دو زکوة طریقت اینست که از دویست درم پنج درم نگاه دارد و باقی
همه به بنده دو زکوة حقیقت اینست که هیچ نگاه ندارند همه به بنده دو اهل حقیقت اینست
گفته اند که هر چیزی را زکوة است و زکوة خانه اینست که بجهت مهمانی باشد
و زکوة جاه فریاد رسیدن مظلومان است چنانکه پیغامبر علیه السلام می فرماید که خدای
عز و جل فریضه کرده است بر شما زکوة جاه شما چنانکه فریضه کرده است مال و زکوة علم عمل
کردنست بدان نقل از دو آنده **مسئله یازدهم** آنست که ابلیس علیه اللعنه
گفت ای پیغمبر **خضر** جواب چون زکوة و صدقه فاش شد از آن برم و بوقت دادن زکوة چهار
گوشه دل او بگیرم و او را اول از درویشی و پیری بترسانم و دوستی مال و جاه
در دلش بیفزایم تا زکوة مال ندهد و حق عز و جل در گردن او بماند تا با من بدوزخ
رود و نعوذ بالله منها **جواب** رسول علیه السلام فرمود یا خضر علاج او آنست که اگر مال
دارد و بزرگ الصحت زکوة رسیده نیت ادا می کند و از مال زکوة بیرون آرد
و سه بار کلمه تمجید بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ
الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ وَشَرِّ اَنَا عَبْدُكَ اَسْتَعِیْنُ فِیْ اَدَاءِ الزَّکوٰةِ
وَالَّذِیْ فَرَضَ عَلَیَّ **اَللّٰهُمَّ** زَکِّ مَالِیْ وَ اَعْمَالِیْ یَا ذِی
الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ بِرَحْمَتِكَ یَا خَیْرَ النَّاصِرِیْنَ
از تنبیه ابو اللیث عکرمه گفت که از کعب احبار شنیده ام گفت مرا ابن عباس را چون
شمشیرها برهنه شود و خونها ریخته شود بدانند که از حکم ایزد تعالی باز داشته باشند
و بدانند که زکوة مال نداده باشند و چون ایزد تعالی بعضی را بر بعضی گماشت و باران
باز ایستاد از آسمان بدانید که شما زکوة مال باز داشته آید و چون ببینید که مرگ
مفاجات آمد بدانید که ربا آشکارا شده است **از خالصة الحقایق** مروی است که موسی
صلوات الله علیه گفت که من بجوانی گذشتم آن جوان نماز میگذارد و تعجب میکردم این جوان

به نماز نیکو میگذارد و بعد از مدتی باز موسی صلوات الله علیه این جوان را بدید گفت چه نیکو
تر دیدم نماز این جوان حق تعالی وحی کرد بسوی موسی گفت یا موسی نیکو نماز این
بر هیچ چون زکوة مال نمی دهد یا موسی بدرستی که نماز و زکوة هر دو توامان توانند
قبول نکنم یکی را بی دوم **فصل دوم در صدقه از فواید الفواد** لحتی
سخن در صدقه افتاده فرمود که چون در صدقه پنج شرط موجود شود بی شک آن
صدقه قبول باشد و از آن پنج شرط دو پیش از عطا است و دو در حالت عطا است
و یکی بعد از عطا اما آنچه دو پیش از عطا است یکی آنست آنچه خواهد داد از وجه حلال
حاصل کند **دوم** شرط آنکه نیت کند به مردی صالح بدهد و آن دو که در حالت شرط
عطاست یکی آنست که بتواضع و بشاشت دهد و آن یک بعد از عطاست آنست آنچه داده باشد
اثر آن بر زبان نیارد و ذکر آن نکند **از خالصة الحقایق** رسول علیه السلام فرمود
بدرستی که در بنی آدم سیصد و شصت استخوان است و در هر استخوانی از آن هر روز صدقه ایست
گفتند یا رسول الله چگونه توانیم رسول علیه السلام فرمود راه نمودن گم راه را صدقه است
و هر چه زیان رساند در راه خلق از خار و کلوخ و نجاست و جز آن از راه دور
کردن صدقه است و رسول علیه السلام فرمود صدقه بدهید بدرستی که بیاید بر شما زمانه
که مردمان صدقه دست کرده بگردند کسی را نیابند که صدقه قبول کند و هر که عرض کنند
بگویند اگر بدین صدقه بنشستی حاجت یابم هر اینه قبول کنم امروز مرا بدین حاجت نیست
و رسول علیه السلام فرمود رد مکنید سائل را اگر چه بسبب سوخته باشد و رسول علیه السلام
فرمود صدقه مسکین اجنبی را دهی یک ثواب یابی و اگر قرابت را دهی دو ثواب
یابی یکی ثواب صدقه و دوم ثواب صله رحم و ابو هریره رضی الله عنه گفت که پیغامبر
علیه السلام فرمود نقش نبشته شده است بر در بهشت صدقه هر روزی که آفتاب طلوع کند
پس هر که عدل کند میان دو کس آن صدقه است یعنی هر چه به و بگوید هر دو برابر

بجایی میل کند و اگر کسی ضعیفی و یا ناتوانی را بیند که او سوار نمی تواند شد او را سوار کند
بردارد و رخت او و متاع او بر ستور او نهد آن صدقه است و کلمه طیبه یعنی
سخن نرم و شیرین و نیکو گفتن صدقه است و هر گامی که سوی مسجد نماز برود صدقه است
از تفسیر منبع در حدیث است بر هر مسلمانی در هر روزی صدقه است پس یکی گفت کیست
که طاقت آن دارد پس رسول علیه السلام فرمود دور کردن از راه چیزی که زیان
رساند مردمان را صدقه است امر معروف کردن و نهی منکر بجای آوردن صدقه است
امر معروف کردن و جواب سلام گفتن صدقه است و پرسیدن بیمار صدقه است
و پس روی جنازه رفتن صدقه است و شنوانیدن سخن مرگ صدقه است و مجامعت
کردن با زن خود صدقه است که قضاء شهوت میکند و خود را از ضلال میدارد
از خالصة الحقایق پیغامبر علیه السلام فرمود هر که نفس تو خورد آن صدقه تراست
و هر طعام که زن خود را دهی آن مر ترا صدقه است **و آورده اند** که ابن عمر رضی الله
عنه شکر صدقه دادی او را گفتندی اگر بهای آن به فقیر دادی انفع بودی گفت
میدانم و لیکن از رسول علیه السلام شنیده ام از کلام مجید لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ
تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ یعنی هرگز نمی یابید نیکویی را تا نفقه نکنید صدقه ندهید
از آنچه شما دوست میدارید به درستی که خدای تعالی میداند که من شکر را دوست
میدارم رسول علیه السلام فرمود رد مکنید سایل را اگر چه با شما نکتی باشد از طعام
و آورده اند خواجه حسن بصری رحمة الله علیه نخاسی را طلبید برای او جاریه
حامله بود نخاسی را گفت ارزانی تو بهای این جاریه یک درم و دو درم
گفت نه گفت به درستی که خدای تعالی را از تو بهشت یک دانگ و نیم دانگ
و صالح مردی گفت مر خواجه حسن را گفتیم به درستی که سایلان بسیار شدند ما صدقه
کرا دهیم گفت بکسی ده که دل تو بدو نرم شود و عبد الله مبارک گفت هر که هر روز دوازده

رکعت نماز بگذارد به درستی که او ادا کرده باشد حق نماز را و هر که هر ماه سه روز
روزه دارد به درستی که ادا کرده باشد حق صدقه را و مالک دینار گفت بیوه
بچه داشت گرگ آنرا ربود برخاست یک نان صدقه به درویشی داد گرگ آن بچه را
گذاشت عورت بچه خود را بسلامت یافت آوازی شنید ای زن لقمه بلقمه یعنی لقمه و [illegible]
دادی بچه تو که لقمه گرگ شده بود بسلامت یافتی و پیغامبر علیه السلام فرمود بلا فرود آید
از آسمان و صدقه بالا برود از زمین هر دو را ملاقات شود پس صدقه میگوید
که من صدقه ام و نیم ترا نگذارم رفتن سوی او پس یکدیگر را جنگند و در هوا بمانند تا روز
قیامت و بنده خلاص یابد **از تفسیر منیر** پیغامبر علیه السلام فرمود بیماران را دارو کنید
بصدقه و مالها حصار کنید به دادن زکوة و پیش از آمدن بلا دعا کنید سعید بن مسعود
الکندی گفت از پیغامبر علیه السلام هیچکس نیست که صدقه دهد شب یا روز که نه او نگاه
داشته آید از آن روز تا آن روز که بمیرد از گزیدن مار و کژدم و از مرگ مفاجات
و از بلاها دیگر **ایضاً** ابو هریره رضی الله عنه گفت از پیغامبر علیه السلام که مر آدمی
را سیصد و شصت پاره استخوانست و بر هر استخوانی صدقه واجب است گفتند یا رسول الله اگر نتواند
داد گفت درمانده را یاری دهد یا کسی در خرید و فروخت زیرکی ندارد و یا در دعوی
و خصومت او را سخن یاری دهد گفتند این نکند راه بر مسلمانان پاک دارد و پاک کند
گفتند اگر این هم نکند گفت رنج خود از خلق باز دارد آن بجای صدقه باشد مگر این جز
هر نعمتی را شکر است و شکر نعمت اندام درست آنهاست که گفتیم **ایضاً** در خبر است مردی
هفتاد سال عبادت کرده بود روزی از صومعه بیرون آمد زنی پیش افتاد فتنه
رفت از پس آن سایلی پیش آمد قرصی داشت بدو داد بر پیغامبران زمان را وحی آمد
آن بنده را بگو بنده از آن یک زنا هفتاد ساله طاعت تو حبط کردیم و بدین یک قرص
که دادی هفتاد سال طاعت باز بخشیدم **از تفسیر منبع** پیغامبر علیه السلام فرمود بهترین صدقه

آنست که صدقه دهد در حالتی که با صحت باشد و دل جویان مال باشد و امید بود بحیات
و عیش و بترسد از موت و مرویست که عبد الله عمر رضی الله عنه جاریه بخرید و بسیار دوست
بر خود داشت دل او برو مایل بود پس آنرا آزاد کرد و مردی را نکاح داد و از
جاریه از آن مرد فرزندی آورد و آن فرزند را ابن عمر در کنار گرفت و گفت از
من بوی مادر تو می یابم و برا گفتند که خدای تعالی ترا روزی کرده بود و آن از حلال
و تو آنرا دوست میداشتی چرا از خود جدا کردی گفت این آیه خواندم لَنْ تَنَالُوا
الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ایضا از تفسیر منیع فرمود هر کرا مانند
مال که از آن صدقه دهد پس او لعنت کند بهود در ابد رسیده که آن مرد او را بجای صدقه
ایضا در خبر است چون روز قیامت شود گفته شود مر فقیر آنرا که نظر کنند که شما را
پاره نان خورانیده است و یا کوزه آب داده است و یا جامه پوشانیده است
پس بگیرید دست او و بسوی بهشت برید از کفایة الشعبی در خبر است مردی بیامد بخدمت
رسول علیه السلام و گفت یا رسول الله من مال جمع کرده ام و وارثی نیست و من میخواهم
که مال خود را صدقه دهم پس کرا دهم پیغامبر علیه السلام فرمود کسی را بده که از تو سوال
نکند پس آن مرد گفت من آنکس را چگونه دانم پس رسول علیه السلام گفت که کسب او دلیل میکند
بدان ایضا در خبر است رسول علیه السلام و اصحابه شبی در مسجد حاضر بودند سایلی فقیری
بود بیامد و سوال کرد رسول علیه السلام مر صحابه را گفت که هر یک بقدر وسع طاقت خود
این سایل را صدقه بدهید یاران همه قبول کردند و در خانها رفتند یاری بود که او
هیچ نداشت در خانه رفت طلب کرد هیچ از قلیل و کثیر نیافت و بر وی بنود در حضرت
عزت مناجات کرد و گفت الهی تو میدانی مهمانی رسیده است و من چیزی ندارم که او را
بدهم اگر چیزی ملک من بودی بدو میدادم و لیکن من مالک ام مگر نفس خود را و جان
خود را پس من خود را صدقه دادم در راه خدای عز و جل چون روز شد

هر کسی از صحابه صدقه بیاوردند و پیش رسول علیه السلام حاضر کردند و گفت آن مرد که خود را
در راه خدای تعالی صدقه داده است بشارت بده و برسان و بگوی که خدای تعالی این
صدقه ترا و جمله صدقات ترا قبول کرد بحسن نیت تو و بهشت مر ترا واجب کرد اندیس
رسول علیه السلام گفت کجاست آنکه نفس خود را در راه خدای تعالی صدقه کرده است
جواب نداد از شرم چنانکه رسول علیه السلام دوم بار فرمود از شرم جواب نمی داد
بعد آن رسول علیه السلام تمام گرفت و گفت ای فلان بن فلان آنگاه سر بالا کرد و دید
رسول علیه السلام مر او را گفت چه صدقه دادی دیروز و پس از این حال خبر کرد
رسول علیه السلام مر او را فرمود بشارت مر ترا باد رسیده که خدای تعالی قبول کرد
از صدقه تو و دیگر جمله صدقات تو بحسن نیت تو و در خبر است هر که صدقه دهد پاره
از خرما از حلال بدر رسیده که حق تعالی بپرورد آنرا تا روز قیامت و باشد مثل
کوه احد پس بنهد آنرا در میزان او و در خبر است صحابه فقیر بر رسول علیه السلام شکایت
کردند گفتند یا رسول الله بدرستی که اغنیا صدقه میدهند و حج میگذارند و طعام میدهند
گرسنگان را و جامه می پوشانند برهنگان را و ما این چیزها نداریم پس رسول علیه السلام
گفت بدرستی که خدای تعالی عطا کرده است شما را چیزی که آن افضل و بهتر است
از آنچه اغنیا دارند گفتند چیست از رسول علیه السلام گفت سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ از حقایق در خبر است درویش
یکبار بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ و لا تا آخر و توانگر نیز بگوید توانگر
را هزار درم صدقه باید داد تا برابر درویش شود در ثواب از خالصة الحقایق
مرویست حارث شاکرد امیر المومنین علی رضی الله عنه او گفت که امیر المومنین علی
رضی الله عنه بر در خانه ایستاده میگریست من میگفتم مرا و را چه می گریی یا امیر المومنین

کفت از جهت این میکریم که بر درمن سایلی نیامده است سه روز شد پس من می ترسم
عقوبت را از خدای عز و جل خضر علیه السلام کفت **ای مطفو دریا** و اینکه در کار
درویش نیا ترتیب چرا کفت پی کفت از برای آنکه میان نان و ناخورش هفتاد
روز نهاد و در عید فطر نان دهد و در عید الضحی ناخورش یعنی کوشت **مطفو دریا**
کفت خضر علیه السلام را پرسیدم که تو عمر دراز چکونه یافتی و اکر ترا طلبند کجا یابند کفت
ای مطفو دریا هر کجا دروغ کو یند آنجا از تو می دروغ کو یند ه بوی ناخوش آید
از ایشان من آنجا نباشم و هر که راست کو ید و جائی که راستی باشد منکه خضرم آنجا باشم
چنانکه روزی درویشی در مسجد آمد کفت یا قوم مرا برای خدا را چیزی بدهید هیچ کسی
او را چیزی نداد همه از مسجد بیرون رفتند منکه خضرم کفتم ای شخص بعظمت و جلال
حق که مرا در ملک نان نیست من نفس خود بتو بخشیدم مرا با زار کی و بفروش و روی ولیش
سخن مرا در خاک بشکند که من از صدق کفته بودم مرا بفروخت زنکی مرا از درویش
بخرید و بخانه برد کفتم یا خضر زرو ابود کفت بجلال حق تعالی هفتاد بار تیغ خود در اخشیم
و مرا بندکی بفروختند که در آن عهد روا بود عاقبت خدای تعالی آزادی داد
و با آزادی عمر دراز یافتم کفت چون زنکی مرا بخرید و بخانه برد تو ده خاک که بیک
سال کس آنرا نتوانستی برداشت زنکی کفت ای غلام من بروستا میروم تو این
تو ده خاک را از بخانه بکیر و بیرون انداز چون زنکی این فرمود خضر علیه السلام
کفت که کلند و زنبیل بر کرفتم و خاک می بردم هاتفی آواز داد که ای **خضر**
تو در باب نفس تسلیم کردی بردن خاک بر ماست و در شد زنبیل بر خاک
نه دست می دیدم نه کلند زنکی چیزی فراموش کرده بود و بطلب آن بخانه آمد آن
خاک ندید که یکساله کرفته تنشدی بر کرفته دید زنکی متحیر شد کفت ای غلام تو کیستی
کفتم من بنده درم خریده تو کفت چه حالست کفتم فضل خدای عز و جل کفت آزاد

کردم که چون توی در بندکی مخلوق دریغ باشد روکه آزادی خضر علیه السلام کفت
چون از خانه زنکی بیرون آمدم دلتنک شدم بکوشه بنشستم و سر بر زانو نهادم و با خود
کفتم سبحان الله من چه بنده ام که مخلوق مرا بنده و خود نمی کند در ساعت جبرئیل
صلوات الله علیه بیامد و کفت ای خضر خدای عز و جل میکوید که من ترا بندکی بپذیرفتم
و پادشاه کردانیدم تو یک ساعت از جهت رضای من خود را بندکی دادی من جمله
عالم را اقطاع تو کردم و زیر قدم تو کردانیدم و هر کجا که راست کوی باشد و دوم
ایشان تو باشی **و آورده اند** که مردی بود از اغنیا بود چون خواستی که صدقه
کند دینار جعفری که در وزن و قیمت زیادت و عزیز بودی در کاغذ پیچیدی
بفقیر دادی از وی از آنحال پرسیدند کفت این از برای آن می کنم که درین
سایل چهار بار خوشی شود یکی آنکه چون کاغذ بدست کیرد و آن نماید به اثر کرد پیشتر
بهرست خوشی شود و چون بکشاید دینار زر بیابد **دوم** بار خوشی شود و چون نظر کند
دینار جعفری بیند که این عزیز است **سیوم** بار خوشی شود و چون خواهد که صرف کند
در وزن و نرخ زیادت بیند **چهارم** بار خوشی شود از خالصة الحقایق پیغامبر
علیه السلام فرمود بر شما باد دادن صدقه و بدرستی که یک نان در حال صحت تن بهتر
بهتر است از ده هزار درم که پس از موت نمایند **از تفسیر منیر** در سوره روم و
مَا آتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ ابن عباس کفت رضی الله عنه مراد اینجا صدقه است
بیفزاید یکی به ده و بصد و بهفتصد و زیادت انس مالک کفت شاید که از پیغامبر است
علیه السلام چون صدقه بدرویش دهی بدست راست وی دهی آنرا ایزد تعالی
بپذیرد و بپرورانند چنانکه شما کره اسب با شتر بچه بپرورید تا آن صدقه همچند کوه
احد شود و بقیامت در ترازوی او نهند **لطیفه** نزول این آیه وَيُطْعِمُونَ
الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ایغ کفته اند که در

که در شان علی رضی الله عنه آمده است و آنچنان بود که حسن و حسین رضی الله عنهما بیمار شدند
چون شان برسید این آیه بیمار را گفتند نذری بکن علی گفت اگر بهتر شوند سه روز روزه
دارم فاطمه رضی الله عنها همین نذر کرد و کنیزک فضه نام همین نذر کرد چون بهتر شدند علی
از شمعون یهود سه صاع جو وام ستد نیت دو روزه کرد فاطمه رضی الله عنها یک صاع آس
کرد و بپخت وقت گشادن روزه پیش آورد درویشی بر در آمد علی نصیب خود بدو
داد فاطمه و فضه نیز موافقت کردند گرسنه خفتند دوم روز روزه دار برخاستند
همچنان پیش آورد یتیمی بر در آمد همچنان بدو داد سه شبانه روز بود تا این آیه آمد
از تفسیر منبع(?) در حدیث است صدقه پنهان فرو نشاند خشم پروردگار را و فرو نشاند
گناه را چنانکه فرو نشاند خشم پروردگار را و فرو نشاند گناه را چنانکه فرو نشاند
آب آتش را و به بندد هفتاد در را از بلا و پیغامبر علیه السلام فرمود یا علی صدقه
نهان فرو نشاند خشم پروردگار را و صدقه آشکارا حجاب است از آتش یا علی
گرامی دار همسایه را اگرچه کافر باشد و گرامی دار مهمان را اگرچه کافر باشد
یا علی مر صدیق را سه علامت است پوشیده کند عبادت را و پوشیده دارد مصیبت را
پوشیده دهد صدقه را از تفسیر منبع(?) پیغامبر علیه السلام فرمود که هدیه خدای تعالی است
سوی مومن درویش که بر در آید و پیغامبر علیه السلام گفت رد مکنید سایل را اگرچه
اسپ سوار بیاید شاید بود که عاریت باشد آورده اند چون سایلی بر در صحابه
رضی الله عنهم آمدی گفتندی که کاندری(?) آمده است از ما سهل چیز بگیرد و کل گناه ما ببرد
و در حدیث است نهال بکند مسلمان درختی را پس بخورد از آن از شاخ طایری و ستوری
مگر انگه بنویسند نام ثواب صدقه تا روز قیامت مالک دینار گفت در توریت دیدم
نبشته چنانکه مرا ورا که بخورد از میوه دست خود از تنبیه ابو اللیث روایت
کند از رسول علیه السلام گفت چون سایلی از شما چیزی خواهد سخن بر وی بریده مگردانید

تا تمام گوید پس جواب دهید زیرا که باشد که آدمی نباشد مگر فرشته باشد تا بنگرد که کار شما
چگونه است بدانچه ایزد تعالی بر شما داده است روایت کرده اند که بر در بهشت
سه خط نبشته است اول خط اینست لا اله الا الله محمد رسول الله
امة مذنبة ورب غفور دوم این نبشته دیدند که یافتیم آنچه کردیم آنچه پیش
فرستادیم و زیان کردیم آنچه بگذاشتیم ایضا ابن عباس رضی الله عنه گفت دو چیز
از ایزد تعالی است و دو چیز از شیطان علیه اللعنة رحمی اند این آیه قوله تعالی
الشیطان یعدکم الفقر بیم دهد بر شما را از صدقه دادن
باز دارد و درویشی بیند و یامرکم بالفحشاء و با این هم بر فحشا
فرماید قوله تعالی والله یعدکم مغفرة منه و فضلا
و ایزد تعالی فرمود صدقه بیامرزد و فضل و آمرزش وی به نه آید والله
واسع علیم خداوند تعالی را فضل بسیار است و داناست بثواب دادن
آنکس که صدقه دهد ایضا در روایت است که بخدمت عائشه رضی الله عنها عبد الله
بن زبیر آمد و هشتاد هزار درم آورد پیش وی عائشه رضی الله عنها روزه
دار بود و این مال میان مردمان قسمت کرد که تا شب اندر آید یک درم از آن
نماند گفت ای کنیزک چیزی بیار تا روزه گشایم کنیزک نان آورد و روغن زیت
تا روزه بگشاید کنیزک گفت آنچه قسمت کرده بودی یک درم بجهت خود نداشتی
تا گوشت می آوردمی بهر آن روزه بگشادی عائشه رضی الله عنها گفت ای کنیزک
بر من چنین سخن بگوی و روایت کند عروة بن زبیر که عائشه را دیدم هفتاد هزار
درم صدقه کرد و پیراهن پوشیده بود با پیوند روزی عائشه رضی الله عنها نشسته
زنی آمد دست در آستین کشیده میداشت عائشه گفت چیست یا زن که دست بیرون
نمی کنی زن گفت یا ام المومنین مرا مادری بود منعم صدقه بدرویش دادن دوست

خواستی و پدر من پیوسته صدقه بدر ولیان وادی تا خیال اتفاق افتاد
که یک پاره پنیر و یک پیراهن کهنه به درویش داده بود چون پدر درگذشته بود
شبی بخواب خیال دیدم که قیامت قایم شده مادر را دیدم پاره پنیر بدهن گرفته
می لیسد و این پاره پیراهن در اندام انداخته فریاد میکند که ای تشنگانم پدر
خود را دیدم که بر کرانه حوض آب میدهد و پدرم در دنیا صدقه میداد اما
آب دادن دوست داشتی من قدح آب از پدرم بستدم و بمادرم دادم آوازی
شنیدم هر که او را آب داد دستش شل باد چون از خواب بیدار شدم دست
شل شده یافتم **از خالصة الحقایق** روزی رسول علیه السلام ذکر آتش دوزخ
میکرد فرمود که بپرهیزید از آتش دوزخ اگرچه پاره از خرما باشد و اگر نیابید
کلمه طیب گویید و در دلیست که داود پیغامبر علیه السلام بخواست از حضرت عزت
که مرا میزان بنماید میزان را در خواب بدو نمودند چون بدید رگی بدید بیهوش
شد چون از بیهوشی باز آمد گفت **الهی** کیست آنکه او را مقدر باشد که پر دو پله
این حساب پر کند باری تعالی فرمود یا داود چون من راضی شوم از بنده بیک
خرما این پله را پر گردانم **و آورده اند** از کعب احبار رضی الله عنه که در مسجد بنی اسرائیل
سوال کرد چند روز گرسنه بود هیچکس او را اطعام نداد از گرسنگی هم در آن شب
نقل کرد اهل آن مسجد پشیمان شدند او را غسل دادند و بجامه نیز کفن کرده دفن کردند
چون بامداد شدی بدیدند جامه کفن که او را داده بودند در پیش محراب نهاده
و در وی نوشته این جامه کفن را بشما بر می‌گردانم زانکه بشما سوال کرد او را اطعام
ندادید پیش شما بر مردمان **ایضا از خالصة الحقایق** سوال کرده اند که مرد فقیر صادق
را در جهانست پس چگونه باشد درجات فقیر جواب بعضی از اهل معرفت گفته اند
که مرد فقیر را چهار صد درجه است ادنی آنست که اگر فقیر را تمام دنیا بدهند و او همان روز

تمام آنرا

تمام آنرا نفقه کند پس در خاطر بگذراند کاشکی قوت یک روز نگاه می داشتمی او صادق
نبود و مکر فقیر و در خبر است شیطان علیه اللعنة پیش رسول علیه السلام آمد و رسول علیه السلام
وی را هرچه سوال میکرد جواب میداد و خیانجی رسول علیه السلام پرسید که صدقه میده
نزدیک تو چونست گفت یا رسول الله کسی که صدقه میدهد او مرا چنان کند گویی دو نیم میکند
نیمی در دوزخ سعیر اندازد و نیمی در دوزخ جحیم رسول علیه السلام گفت چرا ای
ملعون گفت ای **محمد** بدرستی که در صدقه شش خصلت است **اول** آنست مستجاب
میکند خدای تعالی دعاء او را **دوم** برکت میکند خدای تعالی در مال او را
سیوم تاخیر داشته شود اجل او **چهارم** بدارد خدای تعالی از وی فساد
دور از مکروهات **پنجم** بکند خدای تعالی مرا او را فضیحه از دعا بده کان صالح
ششم آنکه بکند خدای تعالی میان او و میان آتش حجاب و مردمانرا حشر کنند
روز قیامت در سایه صدقات ایشان پس از این جهت من دشمن می دارم دهنده
صدقه را رسول علیه السلام تبسم کرد و بیغمبر که نزدیک او دشمن است نزدیک خدای
تعالی دوستر است بعد از آن شیطان لعین سوگند یاد کرد و گفت بدان خدایی
که مرا یا فریلس مهلت داد مرا تا روز قیامت اگر نیت کند یکی از امتان
تو که خیری بکند موکل کنم بر وی هفتاد دیو را هر دیوی بکشد بر وی و دری را او با
و باز دارد او را از آن و دیو دیگر بر وی مسلط کنم که تا وی متقاضی شود
او را همیشه وسوسه کند و تقاضا میکند تا اگر چیز میکند خیر خود را پیش خلق بگوید یا کسی
که چیز کند بر باری تعالی منت نهد تا حبط شود ثواب خیر او چنانکه بدرستی که تو
میدانی یا رسول الله که چه رفته است منت نهنده را ابطال خود و رسول علیه السلام
پرسید چیز رسوا کند روی ترا گفت صدقه بر سر رسول علیه السلام پرسید که دام
مسلمانان دوستتر اند نزدیک تو گفت مرا آنکه بر هند ما لعاء خود و بدلی مرخ

و شما مردمان را از تفسیر منی آورده اند یکی از ابدالان گفت من بدیدم ابری
سپید را می رفت آوازی شنیدم که مر آن ابر را گفت برو در زمین فلان بریز
پس من طلب کردم صاحب آن زمین را گفتم مرا ورا چیست عمل تو بدین رسید که من این سخن
شنیده ام آن مرد گفت چون درو وقت غله میشود من غله خود را سه قسم
میکنم یک قسم از برای فقرا جدا میکنم و یک قسم از برای احتیاج زراعت و یک قسم از برای
نفقه نفس خود و فرزندان میدارم پس آن ابدال گفت چون تو ایثار میکنی خدای تعالی
هم ایثار میکند بر تو و نگاه میدارد ترا ایضا رسول علیه السلام گفت بدیدم بر در بهشت
نبشته قرض را ثواب هژده است و صدقه را ده پرسیدم از جبرئیل علیه السلام چیست
قرض را اجر بیشتر است از صدقه گفت بهر سببی که صاحب قرض بر تو نمی آید مگر محتاج و بسا
باشد که صدقه به غیر محتاج میرسد فصل سیوم در سخاوت از خالصة الحقایق
رسول علیه السلام فرموده است که هر خدای آفریده است و دوری از دوزخ ... بهشت
هر روز ندا میکند هر که قرض دهد امروز جزا داده شود و پیغامبر علیه السلام خدای تعالی
گفته است به درستی که واقع کنم از سخی عذاب گور و سختی قیامت او را بدهم [illegible] نگاه
اگر نتیده شود و بعث کنم او را سوی بهشت اول با زمره پیغامبران و ابن عباس
رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرموده است که خدای تعالی عز و جل امر کند
بر کافر سخی در دوزخ بگوید بر مالک خازن دوزخ را عذاب کن او را و تخفیف
کن او را عذاب مقدار سخاوت او که کرده باشد در روز دنیا و رسول علیه السلام
فرموده است که دوست دارد سخاوت را اگرچه بخرمایی باشد و دوست دارد سخاوت
اگرچه بکشتن ماری باشد و رسول علیه السلام فرمود که سخی در جوار خدای تعالی باشد
در بهشت و من رفیق او باشم و بخیل در آتش باشد و رفیق او ابلیس بود و در خبر است
که وحی بخدای تعالی سوی جبرئیل علیه السلام گفت اگر فرستم ترا به دنیا و بکنم ترا از اهل دنیا

چه عمل کنی آنجا جبرئیل گفت یا رب تو میدانی و لیکن من بسم [illegible] صاحب عیالی را نفقه
عیال او و بپوشم عیبها خلق تا هم [illegible] کنم و [illegible]
از [illegible] کنم و در خبر است وحی کرد خدای تعالی بر موسی صلوات الله علیه که
مکش سامری را به درستی که سخی است و مروی است که رسول علیه السلام اسیران بنی عنبر را امر
کرد کشتن ایشان و جدا کرد مردی را از ایشان و گفت ایشان همه را بکش و آن مرد را
بگذار به درستی که خدای تعالی [illegible] سخاوت که در وی بود و او مسلمان
شد سخاوت او سبب اسلام او شد امام شافعی رحمة الله علیه گفت هر چیز خود را [illegible]
اگر من بدانم به درستی که آب سرد رخنه میکند مروت را نخورم [illegible]
زمانی که از دنیا رحلت کنم آورده اند عبدالله بن عتبه رضی الله عنه ملک [illegible]
هشتاد هزار درم و آن درم همان زمان سخاوت کرد و فقیران داد گفتند
برای فرزندان خود را چیزی ذخیره ننهادی گفت این مال را ذخیره خود کرده ام
نزدیک باری تعالی ذخیره فرزندان منست و آورده اند که بر خواجه لیث
بن سعد هر روز هزار دینار در آمدی و بر وی زکوة واجب نشدی و هرگز
سخن نگفتی تا سیصد شصت مسکین را طعام ندادی و آورده اند امام شافعی رحمة الله
علیه وقت رحلت از دنیا وصیت کرد که مرا فلان مرد بشوید بعد نقل آن مرد [illegible]
حال خبر کردند آن مرد حاضر شد و فرزندان امام شافعی را گفت تذکره او بمن
بیارید چون بیاوردند دران هفتاد درم دین از مال خود دادم گفت [illegible]
شستن من که وصیت کرده بود و آورده اند محمد بن واسع گفت که من که بگذشتم
به دیواری بالا نشسته غلامی سیاه و بدست او نانی و سگی پیش او لقمه خود میخورد و یک
لقمه پیش سگ می انداخت پس گفتم مرا زود ای غلام نه که زیان می رسانی بنفس خود
غلام گفت چشمهای سگ مقابل چشمهای منست مرا شرم می آید از و پس طلب کرد

محمد واسع گفت مولی این غلام را پس بیا خرید از وی آن غلام و آن دیوار را بنا
و گفت ای غلام ترا آزاد کردم و این دیوار را ملک تو کردانیدم پس آن غلام گفت
ای خواجه اگر تو صادق بودی در آنچه میگوئی پس این دیوار بر مسکینان و
فقیران است از فوائد الفواد و طاعت لازم است و طاعت متعدی اما طاعت
لازم آنست که منفعت آن همان یک نفس طاعت کننده را باشد و آن نماز است
و روزه و حج و اوراد و تسبیحات و آنچه بدین ماند اما طاعت متعدی آنست
که از تو منفعتی و راحتی بدیگری رسد انفاقی و شفقتی و هر آنچه دست لطف و نفع
در حق غیری باشد این طاعت را متعدی است و ثواب این بی حد و بی اندازه است
و در طاعت لازم اخلاص می باید تا قبول شود اما در طاعت متعدی هر کونه
که بکند ثواب باشد از دقایق منبع در حدیث است چون فرزند آدم بمیرد فرشتگان بگویند
بعضی مر بعضی را چه پیش فرستاد و مردمان گویند چه پس گذاشت و آورده اند
که امیر المومنین علی رضی الله عنه روزی در مقابر مسلمانان در آمد اول سلام گفت
اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَهْلَ الْقُبُوْرِ پس گفت مالهای شما دیگران مالک شدند
و در خانهای شما دیگران سکونت کردند و زنان شما شوهران دیگر کردند
این خبر شما است نزدیک ما پس چیست خبر ما نزدیک شما پس آوازی شنید علیکم السلام
آنچه بخوردیم و خورانیدیم سود کردیم و آنچه بگذاشتیم زیان کردیم از کنایه
مروی است که رسول علیه السلام فرمود دو خصلت است که نیست بالاتر آن از خیر چیزی یکی
ایمان آوردن بخدای تعالی دوم نفع رسانیدن بندگان و دو خصلت است
که نیست بالاتر آن از شر چیزی یکی شرک آوردن بخدای تعالی دوم زیان
رسانیدن بندگان و در جزایست که بر در بهشت این چهار کلمه نبشته اند عفو کردن
در حالت قدرت و تواضع نمودن در حالت دولت و سخاوت کردن در حالت قلت

و عطا بغیر منت از خزانة المجالس بعد از ان حکایت فرمودند که بزرگی از بزرگان
در حج رفته بود و بعد از آنکه حج تمام شد دید که دو فرشته فرود آمدند یکی از آسمان
این بزرگ ایستاده بود و یکی جای نشسته را گفت از استادی پرسید امسال حج چند کس قبول
افتاد گفت امسال حج هیچ حاجی قبول نشد مگر یک مرد در مصر است او را علی موفق
گویند کفش دوز است از برکت حج او جمله حاجیان ثواب حج یافتند این بزرگ چون این شنید
گفت در مصر بروم و علی موفق را دریابم و معامله او ببینم که چیست چندین حاجیان
مشقت را دیدند چنانکه از آن مشقتها در قرآن خبر میدهد لَمْ تَکُوْنُوْا
بَالِغِیْهِ اِلَّا بِشِقِّ الْاَنْفُسِ هیچ نرسند بکعبه مگر بطفیل حج او این بزرگ از کعبه
بیرون آمد و در مصر رسید در دکان علی موفق برسید و با او ملاقات کرد و گفت
خواجه مرا با تو سخنی است و آن اینست که بزیارت کعبه رفته بودم حج اسلام بجا
آوردم همه خلق باز گشتند من در حرم کعبه در مراقبه بودم دو فرشته دیدم که از
آسمان فرود آمدند یکی در پیش من ایستاده شد و دوم جای فرشته ز استاد را
پرسید که امسال حج چند کس قبول افتاد گفت امسال حج هیچکس قبول نشد مگر بواسطه
حج علی موفق از برکت حج او جمله حاجیان ثواب حج یافتند اکنون تو با من بگو یا
که چه معامله است گفت خواجه من هرگز حج نکرده ام و امسال نیز حج نرفته ام اما معامله
من در وجود آمده است شاید که از برکت آن قبول کرده اند و آن اینست که سالها
باشد اتفاق حج داشتم با خود گفتم که من مردی کفش دوزم آن قدر بسیار از کجا
خواهد شد که هم خرج خانه بدهم و هم خرج راه بسازم آنچه الفاحت میکنم هر روز
چیزی ذخیره کنم و چیزی را خرج کنم اوندی زیر زمین فرو بردم مدت پانزده سال
آنچه الفاخت میکردم چیزی خرج خانه کسب میداشتم و چیزی خرج در خانه میکردم تا سالها
شد و دیدم که آن قدر خرج شده است که هم در خانه بدهم و هم خرج راه باشد و در میان

زن خانه در خانهٔ همسایه رفته بود برای آتش در خانهٔ همسایه رفته بود برای آتش
در خانهٔ همسایه گوشت گوسپند بریان کرده بودند و نشسته می خوردند و این زن حمل
داشت زنان حامله را هوسها بسیار آید هوس کرد که اگر پارهٔ ازین گوشت بدهند
من دهند خوب باشد از ایشان طلب ننمود ایشان ندادند زن در خانه آمد شوهر او متغیر شده
بود پرسیدم چیست شوهر تو متغیر است بگریست و گفت نه چیز در خانهٔ همسایه رفته بودم ایشان
گوشت گوسپند بریان کرده میخوردند من از ایشان قدری گوشت خواستم ندادند علی چون
این شنید بر همسایه رفت و گفت ای برادر چندین سال باشد ما را حق جوار است زن من
با حمل در خانهٔ شما آمد و شما گوشت گوسپند بریان کرده میخوردید او را هوس آمد قدری
گوشت از شما خواست شما این چه محبت و چه حق جوار است همسایه گفت ای علی آن گوشت
مردار بود ما را سه فاقه برآمده بود گوسپندی مردار در جنگل افتاده بود دیگران
او را برید و آنرا بریان کردم ما را مباح بود و ما میخوردیم اما زن ترا مباح نبود
چگونه دهیم علی موفق میگوید که چون من این شنیدم در خانه آمدم و آن اکو نکشیدم
و گفتم حج خدای در خانه نشسته قبول خواهد کرد و آنچه در زاد بود بردم و بدان حاجت
دادم و گفتم سودائی کن و خود را بگذران مگر این معامله قبول شده است **از روضه**
پیغامبر علیه السلام فرمود یا علی هرگاه که آفرید خدای عزوجل گفت هر کلی شئ را
بهشت گفت به رستی که راضی شدم من دوزخ گفت برای که آفریدی حق تعالی فرمود
بر کل بخیل و بکر را دوزخ گفت که زود باشد که در بایم **از خالصة الحقایق** مطارف
سخی گفت هر یاران خود را اگر باشید یا گر شما را سوی من حاجتی مجبور می
سوال میکنید که من روا ندارم و کراهیت می آید مرا به چنیم دل سوال شما و لیکن حاجتها که دارید
رقعهٔ بر من نویسید **و آورده اند** که سایلی بیامد بر شعبه بن حجاج و ازو سوال کردند
شعبه خانه خود جست چیزی نیافت که او را بدهد ازسقف خانه بیرون آورد

وبراى

و برای سایل داد و معذرت کرد **و آورده اند** که مردی بخواب دید او را گفتند
که خدای تعالی با تو چه کرد گفت با من حساب کرد و سبک آمد بلی حساب من بی سفیان
بر آن بلی که گفتم کرای چیست گفتند که این کف خاک است که تو انداخته بودی
در گور مسلمانی پس بلی حساب گران آمد بر من مقدار **و آورده اند** که مردی بیامد بر
بر عبد الله مبارک و سوال کرد که من هفتصد درم دین دارم عبد الله بر وکیل خرج نوشت
که غلهٔ انبار بفروشی و این سایل را هفت هزار درم وکیل بجانب عبد الله مبارک نوشت
که سایلی هفتصد درم سوال کرده و تو هفتصد درم فرموده و غله انبار بفروشی و حق این مبلغ
منتهی خواهد شد عبد الله مبارک جواب نوشت اگر غله منتهی خواهد شد و حکایت کرد زیاد
بن جبیر که بدیدم طلحه بن عبد الله صد هزار درم نقره و مجلس و صد نفقه کرد و پیراهنی
که پوشیده بود و آنرا پیوند میکرد **و آورده اند** که شاعری مدح آورده بود برای ابو عمر
و او بکار استحیا بود و گفت والله بر من چیزی موجود نیست که ترا بدهم و لیکن بر نزدیک
قاضی برو و بر من هزار درم دعوی بکن من اقرار خواهم کرد مرا حبس کن اهل
من و اقربای من مرا از حبس بخواهند گذاشت آن شاعر همچنان کرد نزدیک حاکم
برو برده دعوی کرد و او اقرار کرد و محبوس شد اهل بیت او همه جمع شدند
ده هزار درم بود و او را از محبوس بیرون آوردند که عدی بن حاتم نان
لشکر در سوراخ مور چکان خانه خود انداختی و گفتی اینها همسایگان منند و
مر همسایه را حق است **از خالصة الحقایق** پیغامبر علیه السلام چون اراده خدای تعالی
خیر باشد و توفیق دهد او را احسنی و عدت و صدقه و یحیی بن معاذ رحمة الله علیه گفت خدای
تعالی بنده دور توفیق بر نصیحت بندگان خود و استنش جز اول انکه علم جامع زد و عمل بکند
دوم نعمتهای خدای تعالی بخورند و شکر آن نکند **سیوم** محبت صالحان بکنند و اقتدا
بر ایشان نیارند **چهارم** گناه کنند و توبه نکنند **پنجم** مردگان را دفن کنند و عبرت نگیرند

وششم مال حاج کنند و از ان توشه آخرت نکنند و خواجه جنید رحمة الله علیه گفت
که دولت بر دو وجه است دو قدیم است یا ایمان و توفیق عمل و دو دولت
مرگ است یا شهادت و بشارت و دو دولت گور است اخر و راحت و دو دولت
قیامت است رحمت و شفاعت و دو دولت بهشت است خلود و زیادت و رسول
علیه السلام فرمود امیر المؤمنین علی رضی الله عنه را یا علی باش شکور که حق تعالی
دوست دارد شکر را و باش سخی بدرستیکه دوست دارد سخاوت را
و باش شجاع بدرستیکه خدای تعالی دوست دارد شجاعت را اورده اند
آنکه سلطان شمس الدین انار الله برهانه حصار گوالیور را فتح کرد تا کافران
را از بالای حصار بیرون می انداختند از حصار در کمر کوه می افتادند و از آنجا
در زمین می افتادند ذره ذره می شدند کافری را از حصار بیرون انداختند
بالای کوه افتاد و سلامت ماند و از کوه در زمین افتاد هم سلامت ماند هیچ رنج
و آفتی بوی نرسید همه خلق در تعجب و تحیر ماندند پیش سلطان بردند از حال او پرسیدند
گفت چون مرا از حصار بیرون انداختند در کمر کوه رسیدم توده پنبه بود و بالای
آن افتادم مرا هیچ آسیبی نرسید سلطان پرسید تو چه کار میکردی گفت که پنبه دانه داشتم
هر پنبه که حاصل شدی بهم فقرا دادمی سلطان وی را رها کرد فصل چهارم
در بخل از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمود بدرستیکه هر صبح فرشتگان
بر عرش الهام میکنند ایشان را ندا میکنند هر روز دو بار پیش از
طلوع آفتاب و پیش از غروب هر که نفقه فراخ کند بر عیال خویش فراخ گرداند
خدای تعالی بر وی رزق وی در دنیا و آخرت و هر که تنگ کند تنگ گرداند
خدای تعالی بر وی گور وی و قیل پیغامبر علیه السلام گفت هر که سائل را محروم
و نومید باز گرداند حاضر نشوند فرشتگان در خانه او هفت روز و رسول علیه السلام

فرمود بدترین مردمان است انکه تنها خورد و لت زند بنده خود را و منع کند
عطا را و پیغامبر علیه السلام گفت که دوست ندارند ایشان را خدای تعالی
و رسول خدای و ایشان در لعنت خدای تعالی باشند و لعنت فرشتگان و لعنت
همه آدمیان یکی بخیل دوم متکبر سیوم بسیار خوار اورده اند که در بنی اسرائیل
بخیلی بود و فقرا را براندی و چیزی ندادی و ایذا رسانیدی و اغنیا را گرامی
نمودی و تعظیم کردی و عطا دادی خدای عز و جل فرشته را بصورت فقیری فرستاد
آن بخیل او را براند و ایذا کرد آن فرشته بازگشت و باز آمد بروی بصورت
مردی غنی پس آن مرد گرامی نمود و تعظیم کرد پس فرشته گفت او را من فرشته ام که بر تو
اول آمدم مرا اهانت کردی بدرستیکه تو فقرا را خوار می داری و اغنیا را عزیز
و تعظیم میکنی پس بدانکه بدرستیکه تو نومیدی از رحمت خدای عز و جل را از کفایه شعبی
و در خبر است هر که بخیل ... یاد او در روز قیامت همسایه بر وی
در آویزد و دعوی کند یا رب بپرس از این چرا انگه بر خفت و من گرسنه بودم از
وصایا رسول علیه السلام فرمود یا علی بدرستیکه حرام است بر درها بهشت که حرامی بر بخیل
و بر مرائی و بر عاق و بد نام ... یا علی مر بخیل را سه علامت است ترسد از
گرسنگی و ترسد از سائل اگر بروی آید و ... گوید بزبان و روایت کرده ابو
هریره رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام فرمود که داود پیغامبر علیه السلام گفت دوست تر
... تا بخانه ... به از ان بود ... سوال از تو کسیه که مرا او را
چیزی نباشد بعد چیزی مرا ... است از امیر المؤمنین علی رضی الله
عنه پیغامبر علیه السلام فرمود بدرستیکه خدای تعالی که بیافرید بدست قدرت خویش
... و دیگر جمله اشیا بحکم فرمان او شده است قلم و آدم و بهشت پس فرمود و پس بهشت را
گفت ... و ... در نیاید در تو بخیل و نیابد بوی تو دیوث ... کیست ...

بر اهل این خانه پس آن مرغ بگوید به درستی که خدای تعالی فرستاده است
مرا به سوی اهل این خانه و سلام گفته است ایشان را و گفته است به درستی
که بر شما مهمان آمد تا چهل روز جبرئیل صلوات الله علیه رزق او از بهشت بیارد
و در آن خانه نهد و در منقار آن مرغ رقعه نبشته جبرئیل گوید او را این چنین
مرغ بگوید این برات است از آتش دوزخ نبشته است خدای تعالی مر اهل این
خانه را و در خبر است که وحی کرد خدای تعالی سوی داود صلوات الله علیه یا داود
گرامی دار همسایه را اگرچه کافر بود و گرامی دار سایل را اگرچه کافر بود و گرامی
دار مهمان را اگرچه کافر بود از کنز العباد بدانکه در طعام خوردن فریضه است
و سنت و مستحب و ادب و نهی و مکروه اما فریضه چهار است خوردن از حلال و دانستن
از باری تعالی و راضی بودن بدانچه برسد و طاعت شود خدای تعالی را مادام
قوت طعام در وی باشد اما سنت چهار است نعلین از پای کشیدن و شستن هر دو دست
تا بند دست پیش از طعام مر دفع فقر را و نهادن طعام بالا سفره در زمین و کاسه از
گل و یا از چوب باشد و هر که [illegible] بر مایده باشد رسول علیه السلام هر که ریزه بخورد فرشتگان
[illegible] بر او استغفار گویند از برای او تا آن زمان که فارغ شود و گفته اند حاضر
شوند فرشتگان بر مایده که تره باشد و بنشیند بر پای چپ و بالا بنشیند پای راست اگر بر دو پای
نشیند روا باشد که رسول علیه السلام بر سر دو پای و بر زانو نشسته است بسم الله الرحمن الرحیم
بگوید در آغاز طعام خوردن میانه و در آخر نیز بگوید و بلند بگوید تا هر که برابر باشد او هم
بگوید و اگر نسیان شود شیطان در طعام خوردن با او شریک شود اللهم بارک لنا
فیه و ارزقنا خیرا منه و اگر شیر باشد اللهم بارک فیه و زدنا منه
و به دست راست خورد که رسول علیه السلام فرموده است هر که بخورد یکی از شما طعام و آب
به دست راست خورد و دیگر دست راست و به دست راست به درستی که شیطان میخورد به دست

که وی را غیر [illegible] نباشد فصل نهم در ضیافت و آداب خوردن طعام و [illegible]
دست شستن از خالصة الحقایق عایشه رضی الله عنها روایت کرد از پیغامبر علیه السلام که
که فرشتگان همیشه دعا میکنند یکی از شما را مادام که خوان طعام نهاده است و عایشه رضی الله
عنها گفت از پیغامبر علیه السلام شنیدم [illegible] مرا [illegible] نزدیک باری تعالی
از کرامت طعام خوردن با مهمان هر که تنها خوردی و اگر مهمان نباید برابر همسایه
بخوردی و اگر همسایه نباشد با عیال خود خوردی و ابو ذر روایت کرد از پیغامبر علیه السلام
هر که بطلبید برادر مسلمان را بجهت خوردن طعام و او روزه دار باشد و بشکند روزه نفل را
برای رضای برادر مسلمان روزه را افطار کند بنویسد خدای تعالی بنام صاحب طعام بدل
هر روزی هزار روزه ثواب دادن طعام و اگر این مهمان قضا کند آن روزه که
که خورده است برادر بنویسد خدای تعالی مر او را ثواب دو هزار روزه گفتند
یا رسول الله چگونه باشد این یک روزه بخورد و ثواب دو هزار یابد رسول علیه السلام
فرمود هر که گرامی کند برادر مسلمان را به درستی که خدای تعالی را گرامی کرده باشد و هر که
خدای را گرامی کند خدای تعالی گرامی کند او را و جابر رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام
فرمود این سنت است چون طعام پیش او آرند بخوانند کسی را که در او باشد در تفسیر
رسول علیه السلام فرمود هر چیزی را زکوة است و زکوة خانه مهمان خانه باشد و رسول
علیه السلام فرمود چون بخورد طعام یکی از شما با مهمان پس [illegible]
[illegible] با کرام هر که این چنین بکند بنویسد خدای تعالی بنام او [illegible] عبادت
شصت سال که بروز روزه داشته باشد و شبها بقیام کرده و رسول علیه السلام
فرمود چون بخواهد خدای تعالی که بفرستد مهمانی بسوی اهل بیت بفرستد پیش از آن
فرشته [illegible] مرغی سپید [illegible] آن مرغ [illegible] در آن خانه
و بگوید السلام علیک یا اهل الدار پس جبرئیل او را اجابت کند بگوید به درستی تو

بدست چپ مکروه است بدست چپ و میانه بدست [illegible] ابتدا به نمک کند و ختم به نمک کند و مرویست
که رسول علیه السلام فرمود مر علی را که یا علی افتتح بالملح واختتم بالملح ابتدا به نمک کن و ختم به نمک کن بدرستیکه
که نمک شفاست از هفتاد درد از دیوانگی و جذام و برص و درد شکم و درد دندان
و دیگر روایت است نهادن نمک [illegible] ان بالای نان و شکستن نان ترا بدو دست و از نان شکسته
باید نان درست شکند و لیسد انگشت بخورد و آنچه پیش نزدیک او هست بخورد و گویند که [illegible] عیب
است و طعام گرم بگذارد تا سرد شود و از میانه و بالا نخورد که برکت در میانه است و بالای طعام
نازل میشود و رسول علیه السلام منع کرده است و بخورد نان ریزه آنچه از مائده میافتد [illegible]
که رسول علیه السلام فرموده هر که نان ریزه بخورد همیشه روی فراخی معیشت روزی
و نگاه داشته شود [illegible] از ولد و فرزندان او و از [illegible] او بدرستیکه [illegible]
است و [illegible] حق تعالی او را از جذام و برص و دیوانگی [illegible]
ای کاسه را بلیسد کاسه مر او را استغفار گوید و چون از طعام فارغ شود حمد گوید و انگشتان
را بلیسد پیش از آنکه [illegible] پاک کند **و در خبر است** هر که انگشتان را بلیسد انگشتان دعا
کنند او را و خلال کند بعد از طعام و خلال نکند از چوب [illegible] و نه از چوب انار و نه از
چوب گز و نه از [illegible] از جنس [illegible] و نه ریحان و آنچه در خلال
از دندان بیرون آید فرو برد و [illegible] بیرون اندازد چنانکه [illegible]
[illegible] اندازد و بعد از طعام دستها بشوید [illegible] یک طشت خالی نکند که رسم
مجوس است فاما مستحب چهار است یکی آنکه بجمع طعام بخورد اگر چه اهل و فرزندان باشند که رسول
علیه السلام فرموده است چون در طعام جمعیت شود برکت شود و دوست‌ترین طعام
نزدیک باری تعالی آنست که دران دستها بسیار بود و طعام خوردن برابر بود و در ان
شفاست و بدترین مردمان کسی است که تنها خورد **دوم** آنکه در مجلس طعام کسی که او را نام
پیغمبر علیه السلام بود **سیوم** انگشت [illegible] از طعام [illegible] **چهارم** آنکه چون دست

شود با پیشانی و دستها بر روی و چشم بمالد و ساعد دست مسح کند **اما** ادب دست
و شستن است [illegible] طعام خوردن [illegible] دست بشوید از طعام [illegible] چون دستها بشوید
طعام [illegible] مبارک کند چون خواهد طعام خورد اول این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
بِسْمِ اللهِ خَیْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللهِ
الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِیعُ
الْعَلِیمُ اگرچه در ان طعام زهر باشد زیان ندارد و اول دست بطعام برد و لقمه
خورد [illegible] در کاسه جانب خود خورد و لقمه [illegible] و لقمه دیگر برنگیرد تا لقمه اول فرو
برد و [illegible] نکند و [illegible] بسیار [illegible] و هر لقمه که برگیرد بسم الله الرحمن الرحیم
بگوید و آخر هر لقمه الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ بگوید و نظر در پیش خود [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] طعام [illegible]
روی [illegible] و بدست چپ [illegible] و لقمه [illegible] که دیگری را
کراهیت آید و لقمه را که [illegible] و [illegible]
در کاسه [illegible] دست از کاسه بیرون [illegible]
در طعام نکند و لقمه را [illegible] و [illegible] در کاسه و سفره [illegible]
دست شستن [illegible] و بعد شستن دستها بگوید طَهَّرَکَ اللهُ مِنَ الذُّنُوبِ
و آب [illegible] در طشت [illegible] اندازد که [illegible] و آب نخورد در حالتی
که دستها [illegible] و بعد از طعام [illegible]
شکر نعمت خدای تعالی را [illegible] کراهیت [illegible] از طعام [illegible]
[illegible] طعام [illegible] خوردن و [illegible]
طعام خوردن و طعام [illegible] اگر در آن طعام [illegible]
طعام خورد و [illegible] دست در کاسه [illegible]

در لقمه وقت و بزرگی لقمه و دیر خوردن و بر سر طعام آمدن و خاستن و در اثنای طعام بجهت
کاری مگر آنکه خوف حاجت مرد و برخاستن پیش از آنکه کمتر وری که بردارند اما
مکروه بوده آنند دست طعام جو زدن و دم در آوردن و بروی و بینی و نهادن کاسه
بر نان و طعام گرم کشیده تا خیر داشتن و دمیدن طعام و بوی کردن در طعام و طعام
گرم خوردن و نظر کردن سوی لقمه غیر و خاموش بودن در خوردن طعام و طعام
بسیار خوردن و شکم پر کردن و پاک کردن انگشتان که باز در آرد در دهن نان
مگر آنکه این نان را باز بخورد و دست پاک کردن بکاغذ که کتاب را شاید و طعام
خوردن در راه اَیْضاً و است خوردن به حریری مگر آنکه از جهت مهمان مزناد و
خجل نشود و یا آنکه باید او آن نیت روزه نباشد و طعام باید او خوردن فایده است
هر نفس را و طبع را او طعام شب مردم را پیر و ضعیف کند باید که بسیار و شب بخوردن ترک
نیارد اَیْضاً سوال چیست ادب در خوردن طعام بیک انگشت باید یا دو انگشت
و یا بسه انگشت جواب ابو هریره رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرمود
خوردن بیک انگشت خوردن شیطان است و خوردن بدو انگشت خوردن
پیغامبران است و مکروه است ذکر موت و مرگ و عذاب دوزخ در خوردن طعام
و بعضی گفته اند از ادب صاحب طعام است که نماید مهمان را فراغت جای و مقام
وضو بگوید او قات نماز و جهت قبله از قوت القلوب حدیث است ساقی ا
القوم آخرهم شرباً یا بعض قوم را آب دهد خود باید که آخر هم آب بخورد بعد از
فرمود که یا پیش جنید آمد رحمة الله علیه آب آورد تا دست شو باشد جنید نشست چون او
جنید نهادیا گفتند چه کردی گفت او را از آب بود که بالستادی دست شو باشدی
چون او بنشست مرا باید خواست و در فتاوی آورده است شستن دست پیش از
طعام و بعده سنت است این همه سنت است و شستن پیش از طعام خوردن آغاز

از جوانان کند و ختم به پیران و بعد از طعام خوردن آغاز به پیران کند و ختم بجوانان
و در فتاوی نوادر آورده است زیرا که پیش از طعام اول پیران تشویش انتظار
پیران لازم آید از بهر طعام بجهت جوانان و این نشاید بخلاف آنکه جوانان تشویش
اینی انتظار بجوانان بود از بهر طعام بجهت پیران و بس از انتظار طعام نخواهند بود
پس از طعام آغاز از پیران کند و پیغامبر علیه السلام گفت هر که طعامی خورد پس بگوید
الحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَطْعَمَنِی هٰذَا وَرَزَقَنِیهِ مِنْ غَیْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَلَا قُوَّة
بیامرزد خدای تعالی آنچه گذشته است از گناه او و پیغامبر علیه السلام فرمود
هر که چیزی بخورد و دو چشم کسی بر آن چیز ناظر بود و او را نه دهد مبتلا کند خدای تعالی او را
ببلائی که دوا نباشد آنرا از کفایة شعبی آورده است که مردی بود از اصحابه
رضی الله عنهم شبی بروی مهمانی آمد و نزدیک او طعام آن مقدار بود که او را و عیال
او را بس کند زن خود را گفت اگر ما این طعام بخوریم مهمان گرسنه ماند و اگر ما برابر
خوریم مهمان سیر نشود زن گفت او را طعام پیش مهمان بداریم و چراغ را بکشیم و ما دست
سوی طعام بریم و نخوریم مهمان گمان برد که ما میخوریم رها کنیم تا همه مهمان بخورد و سیر شود برا
لسته بیه اقتاد همچنان کردند چون بامداد شد برسول علیه السلام آن مرد را گفت
چه کردی دوش با مهمان که فرشتگان تعجب میکردند از نیکو کاری تو پیغامبر علیه السلام
فرمود هر خانه که در آن درش و در مهمان در نیاید در آن خانه فرشتگان در نیایند درودی آ
که مردی امیر المؤمنین علی رضی الله عنه را مهمان خواند گفت اجابت کردم بر آن شرط
که چهار چیز از من ضمان کنی تا از تو من چهار چیز ضمان کنم اول آنچه خوری از حلال دوم
چندان که خورم تکلیف نکنی سیوم وقت نماز بر من نگاه داری چهارم بوقت
رفتن مرا باز نداری تا من از تو ضمان کنم چهار چیز اول آنکه در حرم تو ننگرم دوم
غیبت خانه تو بیرون نبرم سیوم هر آنچه پیش آری رضا دهم چهارم بوقت

کنم

طعام تو خدای تعالی را نیازارم **و در تنبیه ابو اللیث** روایت میکند عبد الله بن عمر که پاره
نان یافت اندر آمد خواست که روزه بدان بگشاید غلام را گفت چه کردی آن پاره
نان گفت بخوردم ابن عمر گفت که آزاد است کردم که از رسول علیه السلام شنیده ام گفت
هر که نان پاره یابد و برگیرد و بخورد هنوز در شکم او نرسیده باشد که ایزد تعالی او را بیامرزد
و ایضاً از تنبیه ابو اللیث عطا گوید چون ابراهیم خلیل صلوات الله علیه خواستی که چاشت
کردی کسی را جستی که با وی خوردی اگر کسی یافتی یک میل یا دو میل برفتی تا کسی
یافتی با وی چاشت کردی عکرمه گفت که ابراهیم را صلوات الله علیه ابو الضیفان نام بود
یعنی پدر مهمانان و کوشک او را چهار در بود تا مهمانان از هر دری که خواستی در آمدی
و روایت کنند از عمر خطاب رضی الله عنه که چون طعام موجود کردی و اگر خوردی بر روی
نمک نشستی اگر خود ابتیه بودی بخوردی و اگر مسکین بودی مر او را بخواندی و گفتی تنها
طعام کسی را امید بیه که او را آرزو و نمکند و انس مالک رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام
فرمود چهار نفقه است بقیامت آن را حساب نیست **اول** نفقه که بر مادر و پدر کنند
دوم نفقه که اندر ماه رمضان بکار دارد **سیوم** نفقه که بر عیال خویش کند **چهارم**
نفقه که اندر سبیل خدای تعالی کند و خضر علیه السلام گفت **ای مطفر دریا** انگشت
موسی علیه السلام از آتش فرعون نسوخت و زبان وی بسوخت انگشت بلند حکمت آن بود
تا انگشت بر نان و نمک فرعون نزند که حرمت نان و نمک بسیار است **از ذخیرة المجالس**
مجلس طعام بود این آیه خواندند وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا
طَيِّبًا حلال طیب که اینست اگر بخوری و بدانی که خدای تعالی می بیند برای حق خوری
و نیت آن بنهی قوتی که ازین طعام حاصل شود در طاعت و عبادت خدای عز و جل
صرف کنم و قول بزرگی فرموده که گفته است انا د کلوا انا اصلی یعنی من طعام میخورم
و نماز میگذارم در حالت طعام خوردن و اصلی و ر وحال است فرمودند اگر نمیخورد و میداند

که خدای تعالی ناظر است می بیند یا حضور می خورد و نیت طاعت عبادت دارد گویی او
در عین صلوات است بعد از آن فرمودند که روزی صحابه رضی الله عنهم بخدمت پیغامبر
علیه السلام آمدند و گفتند یا رسول الله نَحْنُ نَأْكُلُ وَلَا نَشْبَعُ ما طعام می خوریم و سیر نمی
شویم رسول علیه السلام فرمود لَعَلَّكُمْ تَفْتَرِقُونَ عَلَى طَعَامِكُمْ یعنی مگر شما متفرق
طعام میخورید قَالُوا نَعَمْ گفتند آری متفرق طعام میخوریم قال رسول الله صلی الله
علیه و سلم اجْتَمِعُوا عَلَى طَعَامِكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ يُبَارِكْ
لَكُمْ یعنی جمع شوید بر طعام بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید تا برکت بیابید و بعد
از آن فرمودند شیطان مومن لاغر است و شیطان کافر فربهیست یکدیگر ملاقات
کنند شیطان کافر شیطان مومن را بگوید چیست ترا که لاغری گوید من طعام و شراب
از وی نیابم زیرا که او بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز میگوید پس شیطان کافر
بگوید مرا در همه چیز نصیب است زیرا که نام خدای تعالی وقت طعام در زبان نمی راند

باب ششم در ثواب نیت دل مومن از خالصة الحقایق

نیت خطره است که در دل میگوید و بغیر خدای تعالی کسی بر آن مطلع نیست پیغامبر علیه السلام
فرمود بعث کرده شوند روز قیامت مردمان بر نیتهای خویش و ابن عمر رضی الله عنه
روایت کرد از پیغامبر علیه السلام هر که ترک آرد از چهار چیز یکبار ایمن او در آتش در آ
گفتند یا رسول الله این چهار چیز کدام است فرمودند یک نیت **دوم** قول حق **سیوم**
عمل **چهارم** سنت و در حدیث است بیارند مردی را روز قیامت در مقام حساب
و نامه او بدو دهند و بگویند بخوان نامه خود پس او نظر کند در آن نامه نبشته بیند
همه اعمال خیر از حج و عمره و غزا و صدقه و جز آن پس بگوید یا رب این نامه نیست من این
طاعتها و خیرها نکرده ام پس بگویند او را که این روزی است درین غلط و فراموشی
و غلط نیست این نامه نبشته بدرستی که تو در دنیا نیت کرده بودی چون تو مال یافتی این

این کار را میکردی از کفایة الشعبی در خبر است که سلیمان بن داود علیه السلام روزی
میگذشت گنجشک خانگی را دید که با ماده خود میگفت نزدیک من شو تا با تو جفت گیرم و شاید
که خدای تعالی روزی کند ما را فرزندی که ذکر خدای تعالی گوید که ما در اکبر نسل تسبیح است
سلیمان علیه السلام ازین سخن او تعجب کرد و گفت این نیت بهتر است از مملکت من
و در خبر است که رسول علیه السلام فرمود هر که بامداد از خواب برخیزد و نیت کند که ظلم نکند
بر کسی بیامرزد خدای تعالی مر او را و آورده اند که سه کس بودند از زهاد بنی اسرائیل
دوستی از دوستان خود روان شدند در اثنای راه جوی آب در غایت بسیار آمد
و راه نمی یافتند که بروند هر سه نفر اتفاق کردند و گفتند بیایید تا نیت خود که بر یکدیگر داریم بگوییم
که عصا در دست زنیم شاید بود راه یابیم پس مقدم ایشان پیر و بزرگ بود اول او در
نزدیک آب رفت و چیزی گفت و عصا بزد آب هیچ راه نداد و بعد آن یار دوم همچنین کرد
هیچ راه نیافت بعده یار سیوم که از ایشان کهتر بود بیامد و نیت که داشت بگفت و عصا
بزد آب بایستاد بفرمان خدای تعالی راه یافتند ایشان هر سه نفر گذشتند باز آب
یکی شد پس هر یکی از نیت خود پرسیدند یار اول که مهتر بود گفت نیت من اینست من جمله
مسلمانان را دعا میکنم هر بار ز جهت نفس خود دعا میکنم و لیکن نفس خود را از آن مزید دعا
میکنم یار دوم گفت نیت من همین است به نیت که من میخواهم خلق را آنچه میخواهم بر نفس خود
را و لیکن اختیار میکنم ایشان را بر نفس خود و نه اختیار میکنم نفس خود را بر ایشان یار سیوم
گفت به نیت که همیشه دعا میکنم ای بار خدای اگر یاری را از امت محمد علیه السلام بخواهی در آتش
در آری پس مرا بدل او در آتش کن و او را در بهشت جای ده از تنبیه ابو اللیث در بنی
اسرائیل عابدی بود بر بلندی ریگ بگذشت با خود اندیشه کرد اگر این ریگ آرد بودی
به درویشان صدقه میکردم خداوند تعالی پیغامبر آن زمانه را وحی کرد فلان عابد را بگوی
چون نیت تو کردی هم چندان مزد دهم که اگر این بلندی ریگ آرد بودی و تو بدرویشان

این هم نیت نیکو که تو کردی و شفقت نیکو که تو بود که بر ما کردی باب هفتم در ادب
از خالصة الحقایق در خبر است که رسول علیه السلام این دعا کردی اللهم حسنت خلقی
فحسن خلقی می گفته اند که کمال نعمت در خلق است هر کمال ادب در حسن خلق را و آورده اند
که ایوب پیغامبر علیه السلام از رنج بنالید بحضرت عزت مناجات کرده و گفت انی
مسنی الضر و انت ارحم الراحمین ادب نگاه داشته نگفت ارحمنی و در حد
که هم بپرهیزد از چهار لعنت جایی که حدث کند در راه مسلمانان یا در آب جوش یا در جانب
گذر راه گذری نزول کند یا در زیر درختی که راه گذریان فرود آیند و بزرگی گفته است
یک حصه ادب بهتر است از دو حصه علم زیرا که از علم مغرور شود و با ادب مقرب شود
و ابراهیم تیمی گفت بزرگترین گناه نزدیک باری تعالی آنست که ذکر کند بنده چیزی
را که حق تعالی بر آن چیز ستر کرده است و عبد الله بن طاهر گفت هر که خدمت کند سلطان را
چون نزدیک سلطان برود خود را کور دارد چون بیرون آید گنگ سازد
از فواید الفواد ادب مجلس و در آمدن بخدمت بزرگ و ادب نشستن و مقام گرفتن
فرمود که ادب است چون در مجلس در آیند هر جا که مقام خالی بینند بنشینند یعنی چون
بخدمت پیر در آیند در بند آن نباشند که بالا بنشینند جایی آیند همان جای بنشینند جایی
که خالی باشد در فتاوی براجی آورده است نمی شاید مر جاهل را که مقدم شود بر علما
عالم در رفتن و در جلوس و در کلام اگر چه جاهل مهتر باشد در عمر از عالم و در کفایة الشعبی
آورده است که پیغامبر علیه السلام فرمود در رفتن پیش دست بزرگان گناه کبیره است و پیش
دست ایشان نشود مگر ملعون گفتند یا رسول الله ایشان کیانند گفت علما و صلحا زیرا که
علما نگاهبانان دین اند و صلحا عاملان دین پس تعظیم ایشان تعظیم دین است و ترک تعظیم
ایشان ترک تعظیم کار دین است و در نزهة آورده است مقدم است حق استاد بر حق مادر
و پدر و جمله مسلمانان از صلوة مسعودی بخبر آمده است روزی رسول علیه السلام در مسجد

نشسته بود جوانی خوب روی برشبه اعرابی بیامد و سجده برد رسول علیه السلام گفت رسول
جواب سلام باز گفت دستوری خواهست یا رسول الله دستوری هست تا در آیم رسول
علیه السلام دستوری داد و در آمد و هر قدمی که زد از رسول علیه السلام دستوری میخواست
تا چندانکه بحضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم قریب شد گفت دستوری میخواهست تا چندانکه
که بحضرت رسالت صلی الله علیه وسلم قریب یافت گفت دستوری هست یا رسول الله تا بنشینم
رسول علیه السلام بلی گفت ایمان چیست و اسلام چیست رسول علیه السلام فرمود ایمان آنست
که بگروی بخدای عز وجل و بفرشتگان او و بخدائی او و بکتابهای او و به پیغامبران
او و بروز قیامت و باینکه نیکی و بدی هم از تقدیر خدای تعالی است که او آفریدگار
همه چیزهاست و رسول علیه السلام فرمود که مسلمانی بر پنج چیز است کلمه شهادة گوید و نماز
بر پای دارد و زکوة مال بدهد و روزه دارد روزه ماه رمضان و حج اسلام
بجای آرد چون استطاعت بود و یک روایت است چون جنابت برسد غسل کند و رسول علیه السلام
فرمود که احسان آنست که پرستی مر خدای را عز وجل چنانکه گویی مر خدای را عز وجل می بینی
اگر تو ویرا نبینی بدرستی و درآنی که خدای عز وجل مر ترا همی بیند چون آن سوالها تمام کرد
گفت دستوری باشد یا رسول الله تا باز گردم رسول علیه السلام فرمود بلی باز گشت
و همچنان بتعظیم از مسجد بیرون رفت رسول علیه السلام فرمود که یک کس از شما بیرون
رود و این سایل را طلب کند بیارد یک کس بیرون آمد و این سایل هیچ ندید و درآمد
و گفت یا رسول الله سایل را هیچ جا ندیدم رسول علیه السلام فرمود که آن سایل اعرابی
نبود برادرم جبرئیل صلوات الله علیه آمده بود و بتعلیم شما برای آن بود که در آن وقت
بو عهد آن بسیار بودند اعرابی در آمدندی و از رسول علیه السلام بی ادب وار سوالها
کردندی رسول علیه السلام فرمود که بتعلیم شما آمده بود تا بدانید که سوال چگونه باید کرد
و اگر طالب علم پیش استاد خود نشیند بداند که چگونه می باید نشستن و اگر کسی از شما

بجواز

سوال

سوال کند که ایمان چیست و اسلام چیست بداند که جواب چگونه باید گفت **و آورده‌اند**
که روزی امیرالمومنین علی رضی الله عنه نزدیک رسول علیه السلام رفت تا سوالی بکند
چون نزدیک رسول علیه السلام در آمد آن سوال از وی پوشیده شد رسول علیه السلام
از وی سوال کرد یا علی ترا چه ویرا آورد اینجا امیرالمومنین علی رضی الله عنه گفت
یا رسول الله سوالی کردن آمده بودم آن سوال بر من پوشیده شد رسول علیه السلام
پرسید یا علی در راه از تو چه وجود آمد گفت یا رسول الله در راه از پیر جهود
در گذشتم رسول علیه السلام فرمود یا علی که بی ادبی کردی برو و از ان نیز بحلی خواه
امیرالمومنین علی رضی الله عنه نزدیک آن جهود آمد و از وی بحلی خواست پیر جهود
گفت تو مرا چه کرده که از من بحلی خواهی امیرالمومنین علی رضی الله عنه گفت که من
در راه از تو بتعجیل تر گذشتم مرا رسول علیه السلام نزدیک تو فرستاده است تا
از تو بحلی خواهم پیر جهود گفت ترا بحلی کردم بشرط آنکه نزدیک رسول علیه السلام
ببری امیرالمومنین علی رضی الله عنه پیر جهود را نزدیک رسول علیه السلام آورد و
پیر جهود ایمان آورد **در خالصة الحقایق** بعضی از سلف گفته اند که در بنی اسرائیل
چون صغیری پیش کبیری آوردی یا جاهلی پیش عالمی رفتی زمین هنگامی صغیر و جاهل
و کبیر را فرو بردی **الیف** سوال واجب است بر صاحب خانه ادب کردن اهل
بیت خویش جواب جابر **روایت کرد** رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام که رحمت
کند خدای تعالی بران بنده که آویخته بود در خانه او تازیانه که ادب کند بدان
اهل بیت خود را **از کفایه شعبی مرویست** اعرابی بیامد بخدمت رسول علیه السلام و گفت
یا رسول الله چگونه روزه داریم رسول علیه السلام در غضب شد چنانکه اثر غضب
در بشره مبارک ظاهر شد امیرالمومنین عمر رضی الله عنه حاضر بود بایستاد و گفت
رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ

شدی

و غضب رسول چون عمر رضی الله عنه این بگفت غضب رسول علیه السلام ساکن شد
و آن غضب از سبب بی ادبی سایلی بود که آمد نا اول سلام کرد و بغیر سلام سوال کرد
زیرا که رسول علیه السلام فرموده است السلام قبل الکلام پس از آن گفت یا رسول الله
چه گویی کسی که سالتمام مدام روزه دارد صیام الدهر پس رسول علیه السلام فرمود لا
صام ولا افطر و این نه روزه است و نه افطار بعد از آن پرسید چه گویی در کسی
که یک روز روزه دارد دو روز افطار کند پس رسول علیه السلام فرمود یا کاشکی که طاقت
داشتمی بدین روزه بعد از آن پرسید یا رسول الله چه گویی در کسی که روزه دارد دو روز
در هر ماهی پس رسول علیه السلام فرمود که صیام دهر است و تاویل این حدیث صام الدهر
لا صام ولا افطر اهل فقه گفته اند در آید در نهی کسی که سال تمام
روزه دارد و دو روز عید و سه روز ایام تشریق درین پنج روز افطار نکند روزه
دارد او مخالفت کرده باشد پس عاصی باشد و در سراج آورده است سبقت بر پیر را
تا سیر است ولیکن پیر را از خود جدا کند چون در متوضا دود و در حالت قربان و مکروه
که پیر مرید را او زن شوهر را نام خواند و در بستان فقیه ابو اللیث آورده است
مردی بیرون مسجد است خواهد که خوی اندازد زیر پای خود تا جانب چپ خود
نمی شاید که خوی اندازد جانب راست او نه در پیش خود و نه در مقابل خود و دیگر
نمی شاید که هر جا که دو کس حکایتی و مشوره کنند در میان در آید و سخن گوید و یا سخنی
او را گوش دارد و ایشان از و کاره باشند روز قیامت بر وی بگدازند و در هر دو
گوش او نه ارزند و دیگر در نماز و یا در مجلس دیگر کسی که از وی کسی بزرگ و مهتر و پیر عالم
و عالم باشد راست ایستادن از ترک ادب است و باید که مصلای خود در نماز چنان اندازد
که دامن مصلا بالای مصلای فروتر نهد کسی که مهتر باشد در سن و علم دامن مصلای خود را بزیر
مصلای او کند و پای چپ اول از نعلین و کفش بیرون آرد و در نصاب الفقه آورده است

اگر سابقی شد یکبار آمدن در مسجد و در صف اول جای گرفت بعد از آن مردی که
از وی بزرگتر در سن و علم در مسجد در آمد شاید که آن سابق را که خود در صف آخر آید و آن
بزرگ را پیش فرستد در صف اول از برای تعظیم او را و در کفایه الشعبی آورده است
امیر المومنین عثمان رضی الله عنه گفت که من از آن تا نماز خود دیده است فشنوده ام
از آن روز باز که با رسول الله علیه السلام بیعت کرده ام و آورده اند که یکی بود
از مقتدیان نماز میگذارد و دست بیرون از آن خود نه بود پس هر گاه که اینچنین اعادت
کرد تمام نماز هفت ساله را که پیش از این گذارده بود گفت استخفاف بی ادبی است نماز
و را اینچنین حالت مظفر دریا گفت از خضر علیه السلام پرسیدم چگونه است هر جا از تو سوال
میکنم تو روایت از آن کس میکنی که خاک پای تو باز و باشد گفت ای مظفر دریا پیش از اینجا
بگو نمی که من شنیده ام از خواجه بایزید بسطامی رحمة الله علیه که او گفت هر که گمان برد
بخود که من به از سگم صحبت داشتن او نشاید و نیز ای مظفر دریا مگر خضرم از رسول علیه السلام
شنوده ام هر که حدیثی از بزرگی نقل کند در حال خدای تعالی وی را جایز زد و من
دوست دارم که خدای تعالی وی را جایز زد و از قصه ابو یوسف علیه السلام نظم ادب
آموختن یعقوب صلوات الله علیه فرزند از زاد در آنچه مصر فرستاده است لطلب غله

ابیات نظم پس آنگه گفت چون آنجا رسیدند :: جمال با کمالش را بدیدند
نگه داری ادب در گاه جیگاه :: که آن بهتر ویست شاه پادشاه :: نباشد بجز راحتی جوار
ز سلطان او صحبت بکاری :: نگردد باز هرگز پادشاهی :: نباشد عاقبت را هم بهائی
بگفتندی بدو ما هیچ کاهی :: نبوده ستیم در در گاه شاهی :: ندانیم آن ادب کاین شاید اینجا
بگفتا من بیاموزم او بیا :: چون در گاه او باشد رسیدن :: سگیتر راه چو بیدش بدیدن
ولی با ادب رفتن جنگ کنان :: بیاخفته بود دل لرزان :: چو در پیش بالستید و بنشیند
چنین باید که هر سوی نه بیند :: چو بیند شما گو بید از جان :: که این باشد پسند شاه سلطان

چو نتوان بشنیدن سخن خواهان سرآغاز   دگر بر سر جوانان مختصر ساز   نشاید در پیش کس نشستن بنشستان
مگر باید نشستن زیر فرمان   چو بر پا ایستادن شد اجازت   نشاید سوی جانب ...
چو از پیش برون آمد ازان کس   نشاید گفتن آن احوال با کس باب
هشتم در حلم و غضب و عفو و تکبر و تواضع و حرص و حسد مشتمل بر پنج فصل فصل اول
در حلم و غضب و عفو از خالصة الحقایق در حدیث است هر که ببلائی مبتلا کرده شود و لیکن او
دران صبر کند و اگر چیزی از نعمتی یابد دران شکر گوید و اگر بر کسی ظلم کند از آن
پشیمان شود و توبه کند و اگر بروی ظلم کرده باشد ازو عفو کند رسول علیه السلام
همین مقدار فرمود و ساکت شد یاران گفتند یا رسول الله چیست اجر او در رسول
علیه السلام فرمود ایشان آنکسان اند که مرایشانراست امن است روز قیامت و ایشان
راه راست یافتگانند و عقبه بن عامر رضی الله عنه گفت که من پرسیدم از رسول علیه السلام
که چیست از اعمال که فضیلت دارد گفت عطا دهی کسی را که ترا محروم کرده است و پیوندی
با کسی که از تو بریده است و عفو کنی از کسی که بر تو ظلم کرده است و عبد الله بن عمر گفت رضی الله
عنه که رسول علیه السلام را پرسیدم که چه چیز دور دارد مرا از غضب خدای تعالی فرمود
که تو بر کسی غضب مکن و آورده اند مردی دشنام میگفت احنف قیس را چون دشنام
بسیار شد احنف برخاست از جای خود و گفت ای خواجه این عیبها که تو بر شمردی است
خدای تعالی بر من فضل زیادت از آن است که تو میگویی و پرسیده شد احنف بن قیس را
از که آموختی تو این حلم گفت از قیس بن عاصم گفتند حلم او تا چه غایت بود احنف گفت
که روزی جاریه او سیخ با گوشت بریان گرم بروی آورد و پیش او پسر او بود
خورد و سیخ از گوشت بریان از دست جاریه رها شد و بر پسر افتاد و پسر سوخته شد
و جان بداد جاریه بلیغ حال معاینه کرد و هیبت خورد و بترسید پس قیس گفت ای جاریه
تو حره ای من ترا آزاد کردم و ترا باکی نیست از کفایه شیخ ابوبکر صدیق گفت رضی الله عنه

یونس مقدار که رحمت است بر مردمان طمع رحمت کن از خدای تعالی و چون این مقدار
که صاحب رسول علیه السلام ... بشنیدند او بجای آری طمع کن از خدای جل جلاله و آورده اند
امیر المومنین عثمان رضی الله عنه کاری فرمود غلام خود را و وی آن کار بجای نکرد و گوش
او گرفت و مالید بعد ازان پشیمان شد و بترسید و بلرزید و گفت مران غلام را که گوش من
بگیر او نگرفت بار دیگر فرمود او را اگر تو بر من خادمی نشوی گوش من بگیر و بمال چنانکه
من گوش تو مالیدم آن غلام دلیری نتوانست کرد و گوش نگرفت بار سیوم فرمود
آنچه ترا فرمایم بکن غلام بیامد و گوش گرفت و مالید و غلام برانگیخت ترا از این
بمال که از آن تو مالیدم غلام گفت ای مولای من چنانکه تو می ترسی قصاص را از من در آخرت
من نیز می ترسم قصاص را در آخرت از تو پیغامبر علیه السلام فرمود بدرستی که خدای
تعالی نهاده است چهار چیز را در چهار چیز فراخ رزق [illegible] والدین و برکت علم
در تعظیم استاد و ثبات ایمان در بجای آوردن فرمانهای باری تعالی و امان
در روز قیامت از شوکت ایذا و خلق و خضر علیه السلام گفت ای مطلوب در ... پیغامبر
علیه السلام فرموده است هر که خشمگین شود باید که طهارت کند و نماز گذارد و ذکر خدای
تعالی بر زبان راند گفتند یا رسول الله حکمت چیست گفت زیرا که خشم آتشی دوزخ است
چون باب طهارت کند هر آینه آب آتش را بکشد و نماز مناجات است با خدای تعالی
چون بخدای تعالی مشغول شود از مخلوق فراموش کند خشم نماند ای مطلوب در ... بهم
از رسول علیه السلام شنیده ام که یکی را از عرب پندی داد و گفت لا تغضب و لك
الجنة لك بخشم مشو بدرستی که بهشت مر تراست ایضا انس بن مالک گفت روزی پیغامبر
علیه السلام ما را خطبه کرد و دران و گفت ای مردمان بدانید که این خشم آتش است
افروخته در دل فرزندان آدم علیه السلام نمی بینید در آنکه خشم شود چگونه چشمهاش سرخ
گردد و رگهاش باماسد از شدت آن آتش و در خود آنرا می بیند بگوید اعوذ

رازی بودن

بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم اگر ایستاده باشند بنشینند و اگر نشسته باشند
بخسپند و دست بر سینه نهند اگر آن خشم فرو ننشست اگر بغلطد مردمان تمام گفتند
این غلطیدن بر خاک باید زیرا که آتش بخاک کشند از مسلک سلوک وقتی ابوبکر و داوی مکفت
رم و از خلق چهار چیز مبتلا بودی پرسید که آن چهار چیز کدام اند ابوبکر گفت یکی لقمه حلال
دوم یار موافق سیوم طاعت بی ریا چهارم عالم بی طمع پرسید گفت من این چهار چیز
یافتم گفت چگونه گفت امروز لقمه حلال خشم است و یار موافق قرآن است و طاعت
بی ریا تفکر است و علم بی طمع علام الغیوب از خالصة الحقایق پیغامبر گفت علیه السلام
هر که طپانچه زند بنده خود را کفارت است للضعیفان درست من سه اند یکی زنان و دوم
یتیم سیوم مملوک پس هر که اینها را گرامی دارد خدای تعالی او را گرامی دارد
از تفسیر منبه پیغامبر فرمود علیه السلام هر که طپانچه زند بنده خود را کفارت آنست
و او را آزاد کند فصل دوم در تکبر از خالصة الحقایق تکبر آنست که نفس خود را اعظم
بیند از غیری و بهتر داند خود را در فضل و علم گفته اند که متکبر متابع شیطان است و از دو
نفس و اهل ریاضت گفته اند هر که تکبر میکند او از حق نمی ترسد و از خلق شرم نمی دارد
در روایت ابو هریره رضی الله عنه که رسول علیه السلام گفت خدای عز و جل فرموده است
ای فرزندان آدم بیافریدم شما را از خاک و باز گشت شما است سوی خاک پس تکبر
مکنید بر بندگان من در دنیا و در مال پس شنیدید شما بر من خوار تر از مورچه و [illegible]
و بهم بر شما را روز قیامت باعمال شما نه با حساب شما بدرستی که آنکسانی که تکبر کرده اند
در دنیا بکنم ایشان را روز قیامت مانند مورچه تا زیر پای کنند مردمان ایشان را
چنانکه بهایم زیر پای کرده اند مورچگان را در دنیا و در حدیث است هر بزرگی
که تکبر کنند از جهت حقیر داران و بندگان خوار کنند او را خدای تعالی خوار کنند
او را و در خبر است که فخر کردند نزدیک موسی دو مرد در حسب یکی از ایشان گفت

که من پسر فلانم پسر فلان و جد من فلان تا نه کس برنام گرفت پس وحی کرد حق تعالی
سوی موسی صلوات الله علیه که بگو مر او را ایشان نه کس در آتش رفته اند و هم
از ایشان توی از تنبیه ابو اللیث موسی صلوات الله علیه ابلیس را گفت مرا خبر کن
که کدام گناه است که فرزند آدم بکند ترا بر وی دست باشد گفت بدان وقت که بر نفس
خویش معجب گردد و اندر کار خویش [illegible] و گناهان خویش را فراموش کند آنگاه
مرا بر وی دست باشد از کفایة الشعبی در خبر است وحی کرد ایزد تعالی سوی موسی
صلوات الله علیه یا موسی صلوات الله علیه یا موسی شناسی مرا و شناسی نفس خود را
پس موسی گفت یا رب شناختم ترا و شناختم نفس پس خدای تعالی فرمود بچه شناختی
مرا پس موسی گفت بدین که قادری بر همه چیز پس فرمود بچه شناختی نفس خود را موسی
گفت از این که من عاجزم بر همه چیز پس وحی کرد خدای تعالی سوی موسی اکنون کامل شدی
در معرفت اهل آسمان و زمین و در خبر است که عیسی صلوات الله علیه در راهی میرفت و
اصحاب او از حواریین برابر او بوده اند در ره دیدند زنی بیرون آمده و چون
آن دزد ایشان را [illegible] از آن کار زنا بسته و بخدای بازگشته و بال ایشان در وان شد
و عقب ایشان میرفت بشکستگی تمام و حقارت و خواری نفس و متواضع پس نظر کرد از راهی
عیسی علیه السلام بر وی افتاد و او را شناخت بعیسی گفت یا روح الله بر او بر ما این در
[illegible] کنید او نظر کرد بر وی و فضل خود وحی کرد خدای تعالی سوی عیسی علیه السلام
بگو آن مرد حواری را عمل خود را از سر گیرد که جمله اعمال او حبط شده است بدان عجب
که نفس خود کرد و بگوی مر آن دزد تایب را که از سر گیرد عمل خود بدرستی که بیامرزیدم
او را خدای تعالی بدان شکستگی و حقارت که نفس خود دید و خضر علیه السلام گفت که من
از ابو یزید بسطامی شنیده ام علیه الرحمه گفت هر که گمان برد بخود که من به از سگم
صحبت داشتن با او نشاید نقل از دوازده مسلم [illegible] انست که ابلیس گفت

ای عمر حفص چون بر من موحد جمله چیزست و طاعات بجای آرد و از زبان خشم و خیانت کند
و از صغایر و کبایر دور باشد و یقین و اخلاص حاصل کند شیطان پندارد که ترا ابلیس این
گفت نگاه در دل او در آیم و دست بر موضع تسبیح او نهم تواضع کنم و در دماغ او بیم
عجب و نخوت و کبری در دماغ او پدید آید و با خلقان تکبر و ترفع کند و از مردمان تواضع چشم
دارد و بخلق به کمال نیکو خود دراز دیگران ترجیح و تفضیل نهد ابلیس گفت در دماغ کسی که
ذره کبر باشد و عجب اینکس مطیع و دوست منست که غرض من از و حاصلست جواب رسول علیه السلام
گفت که چون خود را این صفت بیند علاج او آنست که توبه کند از همه گناهان و بخدای تعالی
بازگردد و متواضع شود و کلمه تمجید و این دعا بسیار خواند اَللّٰهُمَّ اَعْصِمْنِی
مِنَ الْعُجْبِ وَ الرِّیَاءِ وَ جَنِّبْنِی مِنَ الْکُفْرِ وَ الْفِسْقِ وَ الزِّنَاءِ
وَ اَکْرِمْنِی بِفَضْلِکَ وَ الْعَطَاءِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ از تفسیر منیر در خبر است که در وقت موسی صلوات الله علیه
دو مرد و صحبت فخر میکردند یکی را اعظم جد و پایه جد امیر بود اما کافر او نسب او پیش بره و
به آن امیر کافر دوازده پدر را یاد کرد و گفت اگر مسلمان نبودندی هم با و نشان
بکرد وحی بموسی علیه السلام فرستاد و گفت آن مرد که نه کافر کرده بود و بر سام نورده و رخ
از تنبیه ابو اللیث موسی بن عمران گفت علیه السلام اندر مناجات یارب از خلق
قربا تو کدام و کیست تو دوست ترا آمد که ای موسی آنکسی که در دل او کبر نباشد و بر زبان
درشت نباشد و بخشم شوخ نباشد و بدست بخیل نباشد از فواید الفواد هر کرا دیده و دیده شود
جواز خود تقصیر ببیند و اگرچه انکسی مطیع باشد و این دیگری عاصی زیرا که شاید بود
که طاعت انکسی آخرین طاعتها باشد و معصیت او آخرین معصیتها بعد از آن حکایت فرمود
خواجه حسن بصری نور الله مرقده میگفت که من هر کرا دیدم به از خود و تقصیر کردم
مگر یک روزی از آن رای خود دیدم آنچنان بود که روزی حبشی را دیدم بر لب آب

عجیب

نشسته

نشسته و قرابه پهلوی خود نهاده بود و از آن قرابه چیزی تجرع میکرد و خواجه
نزدیک او نشسته در خاطر میگذشت که من باری به از وی هم دیانت بود هم که کشتی
در آب غرق شد و کشتی گرفت هفت تن در آن کشتی بودند به غرق شدن گرفت
آن حبشی بر خود در آب جست شش تن را بیرون آورد و روی بسوی من کرد
و گفت ای حسن آن یک را تو بیرون کن خواجه گفت من متحیر ماندم بعد از آن حبشی گفت در این
قرابه آبست و این عورت که پهلوی من نشسته است والده منست من از برای تو امتحان
اینجا نشسته بودم دیدم که تو مرد ظاهر بینی عایشه رضی الله عنها میفرماید که مردی به [illegible] بود
گفت هر گاه که خود را نیکو دانید فرزند [illegible] بود و [illegible] خواجه حسن بصری
رحمة الله علیه در مجمع یکی افتاده بود از آن جمع یکی با آواز بلند گفت که بهترین مردمان
در مجمع حاضر است و بدترین مردمان هم درین جا [illegible] روی بسوی حسن بصری
کرد و گفت شنیدی که چه میگوید خواجه حسن بصری گفت چه معلوم است که بهترین مردمان
کیست و بدترین مردمان کیست ای خدای عزوجل گفت بهترین مردمان تویی
و بدترین مردمان منم چون فرزدق وفات یافت او را در خواب دید [illegible] و از
احوال او پرسید فرزدق گفت چون مرا پیش کرسی قضا بردند مرا پرسیدند
گفتم فرمان برسید که ما ترا امان [illegible] که خود را بدترین مردمان دانستی
از تنبیه ابو اللیث کعب احبار گفت متکبران را روز قیامت بیارند به صورت مورچه از پس
[illegible]
[illegible]
[illegible] دشمن [illegible] از آن دشمن تو دوم متکبر [illegible]
[illegible] متکبر را دشمن دارد و سیوم بخیل [illegible] بخیل را [illegible]
دشمن تر فصل سیوم در تواضع از خالصة الحقایق پیغامبر علیه السلام گفت

بعث نکرد خدای تعالی پیغامبری را الا که او بود متواضع و بهترین مردمان نزدیک
خدای تعالی آنست که متواضع باشد پیغامبر علیه السلام گفت سر تواضع اینست که ابتدا به سلام کند
با هر که ملاقات شود و چون سلام گوید جواب او را سلام کند و راضی باشد بفرود ترین
جای نشستن در مجلس و دوست ندارد کسی او را مدح کند نیکویی و پاکی صفت کند پیغامبر علیه السلام
فرمود طعام خوردن با خادم از تواضع است هر که با خدمتگار خود طعام خورد بهشت
مشتاق او باشد وهب بن منبه گفت دیدم در بعضی کتب که حق تعالی منزل کرده است
بدرستی که بیرون آوردم من ذریات را از آدم صلوات الله علیه السلام روز میثاق
پس نیافتم دلی سخت متواضع از دل موسی علیه السلام پس او را ازان کزیدم و سخن
گفتم با او و از ابن عمر رضی الله عنه روایت میکند از پیغامبر علیه السلام بدرستی که هر که ترک
کند بادی با متواضع او را چون روز قیامت شود خدای تعالی میان این هر دو
وادی برادر آشتی پیدا کند گفتم تو در مسلم را اگر در این وادی را او بران حاجب
بود تا حسنات تو بکند برابر زنگ تو و مروی است از امیر المومنین علی رضی الله
عنه که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که تواضع کند از برای خدا مرتبه او بلند کردانم
و هر که تکبر کند مرتبه او نشیب کردانم و هر که قناعت کند خدای تعالی او را غنی کردانم
و هر که ذکر خدا به بسیار گوید خدای تعالی او را دوست دارد و در آورده اند که
ابو هریره رضی الله عنه امیر مدینه بود و پشتواره هیزم بر سر کرده در درون مدینه آمدی
و خلق کفتی راه دهید مر امیر را از اصول صغار حدیث است از پیغامبر علیه السلام
مَنْ تَوَاضَعَ لِغَنِيٍّ ذَهَبَ ثُلُثَا دِينِهِ یعنی هر که تواضع کند مر غنی را
دو حصه از دین او برود و این را بیان کرده است که مر نفس مومن را سه چیز است
دل و زبان و جمله اعضا پس شاید که دل او مشغول باشد بمحبت باری پس معنی حدیث
اینست که برود دو حصه تن او و آن زبان است و سایر جسد از طاعت خدای تعالی

وباقی ماند

و باقی ماند سه حصه او و آن دل است مشغول بطاعت پروردگار جل جلاله اگر
رحمت و عنایت حق تعالی باشد نگاه دارد دل او را بطاعت و محبت خود و الا نه برود
جمله تن او از طاعت حق تعالی از خالصة الحقایق امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت
که پیغامبر علیه السلام چهار چیز است بر هر که باشد او متواضع است هر که با خادم خود طعام
خورد و گوسفند خود را بدوشد و درازگوش سوار شود و متاع خود در بازار ببرد
و مطلوب در یا گفت من و خضر صلوات الله علیه در جزیره جنوب بودیم صوت شنیدم آمد
من او را بدیدم برخاستیم گفتیم ثواب بود خضر نیز برخاست گفتم او تو را نمی بیند گفت
خدای تعالی می بیند از آسمان چه کیم شنیده ام هر که بنده خدا را بحیث خدای تعالی
حرمت دارد خدای عز و جل بفرماید فرشتگان آسمان و زمین را در موافقت
بنده برخیزند از صلوة مسعودی باید که بدین پنج خصلت عمل کند تا با دولت ایمان
از دنیا بیرون رود رسول علیه السلام فرمود فاضلترین اعمال بحضرت خدای عز
و جل آنست که تواضع کنید در وقت دولت و عفو کنید در وقت قدرت و سخاوت
کنید از چیزی اندک و عطا بکسی کرد بی منت ننهید و چون در میان دو کس عداوت
بود در میان ایشان نصیحت کنید چون بدین صفت باشید محسن شوید و وعده محسن چنین است قوله تعالی
إِنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ فصل در ... از خالصة الحقایق
گفته اند که حرص ضد قناعت است و طلب زوال نعمت غیر است و در خبر آمده است
که مردی بود از بنی اسرائیل نفس خود تندرست بود و هیچ زحمتی نمی شد و مال بسیار داشت
و فرزندان بسیار بود و مدام از زیادت حرص و زینت مال کوشیدی
روزی این مرد گفت یا رب چند عاصی شوم ترا و مرا عقوبت نمی کنی وحی کرد خدای
تعالی بسوی پیغامبر آن زمان که بگوی مر او را چند عقوبت کنم ترا و تو را ان ترا
خبر نیست صحت نفس تو از عقوبت است اگر رحمت بودی مکفر گناهان تو شدی از عقوبت

که مال بسیار جمع کردی و در دنیا دست آن مسکینان نگرفتی و تو را حرص چنین [illegible]
داده ام پس بگیرم ترا تا بستانی از آن و پیغامبر علیه السلام فرمود و پاینده بر مردمان [illegible]
ترین اینست که پیر آن باشند و پیغامبر علیه السلام ترسیده است فرزند وحرص مجرا ابلیس که وی
آدم را صلوات الله علیه سجده نکرد و حرص آدم که علیه السلام گندم خورد از درخت
گندم و حسد پسر آدم که علیه السلام بر آنکه بکشت برادر خود را و رغبت در محبت دنیا و زنان
و پیری و خواب و راحت و پیغامبر علیه السلام فرمود پیر شود فرزند آدم و جوان باشد
بدو چیز یکی حرص بر مال و دوم حرص بر زندگانی دست عمر از تفسیر نوح پیغامبر علیه السلام در وی
کشتی پیری نو اندیشه ای دید رسته بود ازوی چوب نهاده گفت کیستی تو گفت ابلیس گفت که
او [illegible] آمده ای ای ملعون گفت آنکه خدای تعالی مرا داده است این زندگانی تا
وقت معلوم پس گفت ای نوح ترا بر من منتی در گردن است که چندین هزار قوم بدعای تو غرق
شدند و با من در دوزخ [illegible] مکافات آن ترا نصیحت کنم یا نوح دو دشمنی
از حرص که حریص بود که پدرت آدم را از بهشت بیرون افکند و و دیگر از حسد
که حسد بود که مرا دوزخی کرد اید اگر این نصیحت من نگاه داری دست یابی جهان و آن
جهان از تنبیه ابو اللیث ابلیس علیه اللعنه بر سلیمان بن داود علیهم السلام پیش آمد بصورت
پیر سلیمان علیه السلام او را بشناخت گفت چگونه ای تو با امت عیسی علیه السلام چه کردی ابلیس علیه
اللعنه گفت بخوانم ایشان را تا بر دل خدای تعالی گرفتند پس چه کنی با امت محمد علیه السلام
گفت ایشان را بسوی درم و دینار خواندم بر دل ایشان چنان دوست کرده ام از گفتار
لا اله الا الله محمد رسول الله سلیمان علیه السلام آن شب و روز
بگریست تا بزاری که چون روز دیگر معلوم کردند که بر رفته بود از خالصة الحقایق
معتمر بن سلیمان گفت که عمارت خانه ما خراب شده بود دیدم رحیم زود و دران
می بود او را گفتند که عمارت چرا نمی کنی گفت عمر بدان جا وفا خواهد کرد که عمارت کنم

سی سال دران بماند و آورده اند که زن یحیی معاذ رازی رحمة الله علیه گفت
مر یحیی را ای پدرم عجب زنی دختر خود که از من طلب میکند چیزی را تا برابر نان بخورد
گفتم و برا از خدای تعالی بخواه گفت شرم می آید مرا که بخواهم از خدای تعالی که آنرا
بخورم فصل پنجم در حسد از خالصة الحقایق اهل حکمت گفته اند که حسد
طلب زوال نعمت غیر از صاحب نعمت بخلاف ارادت منعم یعنی حق تعالی بخواست خود یکی
را نعمتی میدهد و خواست حق اینست که آن نعمت بروی باشد و حاسد میخواهد که حق تعالی
وی را نعمت نه دهد و نعمت بروی برود و پیغامبر علیه السلام فرمود که بر شما است و تمام
کردن کارها و بر آوردن حاجتها نهان بدارید که هر نعمتی را حاسدی است پیغامبر
علیه السلام فرمود که بدانید مر نعمت خدای تعالی را دشمنانند گفتند یا رسول الله کدام
دشمنان نعمت خدای اند گفت آن کسانی که حسد کنند مردمان را بر آنچه خدای تعالی داده
است ایشان را از فضل خود و پیغامبر علیه السلام فرمود که در آخر زمان قومی باشند
که در آشکارا دوستان و برادران باشند و در نهان دشمنان کنند و پیغامبر علیه السلام
فرمود بدرستی که غل و حسد بخورد نیکیها را چنانکه بخورد آتش هیزم را و رسول فرمود
که مومن غبطه کند و منافق حسد کند از فواید الفواد پیغامبر علیه السلام دعا کرده است
اللهم اجعلنی محسودا و لا تجعلنی حاسدا آنگاه فرمود
حسد است و غبطه است حسد حرام است و غبطه نه حسد است که یکی مر یکی را نعمتی بیند آن نعمت
او را نه و زوال نخواهد این غبطه است و ابن عباس رضی الله عنه گفت ختم کرد خدای
تعالی سوره ها بر حاسد اگر بودی در دنیا چیزی بالاتر از وی ختم کردی بدان و پیغامبر
علیه السلام فرمود که گرسنگی دردی است داروی او شناختن نفس است و حرص دردی
و داروی او شناختن قسمت است و حسد دردی است داروی او شناختن قسام
از تفسیر منیر حسد بر دو گونه است ستوده و ناستوده آنکه کسی را در طاعت بیند

حسد برد و خود را بجهان توانه کرد و حیا نکند پیغامبر علیه السلام فرمود لا حسد الا
فی اثنتین حسد نباید کرد مگر بر دو تن یکی بر کسی که قرآن داند و یاد دارد و دیگر
بر کسی که مال دارد و بتوفیق الله تعالی بخشش و صدقه میکند و نا خوشنود است که ایزد تعالی
کسی را نیکوئی داده باشد از دنیا و خواند و دیدمی جوشید و غمگین می باشد
چنانکه جهودان از پیغامبر علیه السلام و حکیمی گفته است افعالی که در مردم عیب است کم
و غضب و حرص و کبر و بخل و خیانت بزرگتر از همه حسد است زیرا که فعل دل است
و دل جوارح باب نهم در فضیلت اخلاق حقانی پیغامبر علیه السلام
فرمود که حیا از ایمان است و ایمان از بهشت است و در خبر است که خدای تعالی گفت
انصاف نگاه دارید بامن بنده من بخواهد از من شرم میدارم از وی که رد کنم سوال
او و او مرا اطاعت نمیکند و بیا فرمان میکند و از من شرم نمیدارد و در رسول علیه السلام
فرمود که چهار چیز است از سنت پیغامبران یکی عطر دوم نکاح سیوم مسواک
چهارم شرم پیغامبر علیه السلام فرمود اول چیزی که بر داشته شود از امت
من شرم است و امانت روایت کرده اند که وحی بود بر خدای تعالی فرمود دوست
بدرستی که من شرم میدارم از بنده خود که رد کنم سوال او و چون از من بخواهد
و بدرستی که بنده من شرم از من نمیدارد از آنکه او را من بخواهم و اجابت
نمی کند مرا و ترک میدهد فرمان مرا و من از آن عیبها هم می پوشم بدرستیکه
من بادشاه کریم و در خبر است که وحی کرد خدای تعالی بموسی داود صلوات الله
علیه گفت بگو مر بندگان مرا که روی مگردانید از من بسبب هوای نفس بدرستیکه
مرا مثل شما بندگان بسیار اند و نیست مر شما را مثل من یکی بجز من و پیغامبر علیه السلام
فرمود کشیده نشود حیا مگر از فرزندی که حیض و یا از زنا زاده شده باشد و
رسول علیه السلام فرمود اگر نه ستر کند خدای تعالی زن را بجایی خیانت قیمت آن مگر کیخ

شد آن کذب است

خاک دوید

خاک و وهب منبه گفت چون در حرمه دو خلق بینند حیا و ترس دلیل بود بفضل و صلاح
دین او و گفت هر که نظر کند سوی عورت برادر مسلمان عمدا قبول نشود نماز او چهل
روز و روایت بن حبیب گفت بدرستی که شرم میدارم از مردگان چنانکه شرم میدارم
از زندگان و کعب احبار گفت دو مرد از بنی اسرائیل مر قصد بسوی مسجد چون نزدیک در
مسجد رسیدند یک مرد در درون رفت و دوم مرد بیرون مسجد نشست اضطراب
و زاری کردن گرفت و در خاک افتاد و در شرم و میگفت مثل که بود که در درون
بیت الله در روم من چگونه در درون روم بدرستی که من گناه کرده ام و چند بار بخدای
عاصی شده ام و چند بار بی فرمانی خدای عز و جل کرده ام این بگفت و بیهوش شد
هم در آن جای جان بداد و او را دفن کردند خدای تعالی وحی کرد بر پیغامبر آن
زمان که بخشیده ام این مرد را از جمله صدیقان بدین شرمی و حرمتی که او کرد و بگیر آن
خود معروف شد از ملتقط مسعودی بر زاده کوزه بود و فشاید کرد که آن علامت فرزند
با نکاح است از تفسیر منیر و در خبر است از پیغامبر علیه السلام که ایمان و شرم هم گوئی یکجا
بسته اند چون یکی رفت دیگر از پس آن برود و نعوذ بالله منها ایضا روایت از
سلمان فارسی رضی الله عنه که چون خدای تعالی خواهد که بنده را هلاک کند اول
نخستین چیز شرم از وی بستاند چون بی شرم شد خشمگین شود و چون خشمگین شد کینه دار
شود و پس امانت از وی برود و رحم دل چون رحم دل از و رفت در عیب گوی
گردد و سنگدل و سخت دل چون چنین گشت بترا بی سلام از گردنش بر گیرند آنگاه
دیو گرد و ملعونت ملعون شود نعوذ بالله منها علامت نیکبختی و پنج چیز است یکی دل تنگ دوم
خشم کردن سیوم طبع نه در ناجو بنده دنیا چهارم کوتاه آرزو پنجم شرم بسیار
و علامت بدبختی و پنج چیز است یکی دل سخت بی رحم و خشمی ناگزنده و طبع دنیا جوینده
و آرزوی دراز و شرم اندک ایضا و در خبر است که رسول علیه السلام گفت ... را

از مال ابلیس فرزندان خود را بر فرزندان انبیا از برکت افکند و فرزندان
خود را با انبیا ان بیامیزد یاران کفتند فرزندان خود را از فرزندان دیو
که نشناسند پیغامبر علیه السلام بکم نرمی وبیدرحمی (از کفایه الشعبی) در خبر است که موسی صلوات الله
علیه مناجات کرد کفت یارب بیان کن که چه چیز نیکوتر است مرا پس وحی کرد باری
تعالی سوی او که بهتر و نیکوتر مر ترا این بود که ترا امی آفریدم پس موسی کفت یارب
چون مرا بیافریدی پس بیان کن مرا که نیکوتر چیست وحی کرد خدای تعالی برو که
نیکوتر ترا این بود که پیش از بلوغ ترا ای میرانیدمی پس چون موسی کفت یارب
چون پیش از بلوغ مرا مرک ندادی پس بیان کن مرا که نیکوتر چیست پس فرمان آمد
از حضرت عزت یا موسی اکنون نیکوتر مر ترا اینست که برسانم ترا بپیری ومن خداوندم
که شرم دارم که بفرمایم که پیر را بسوی دوزخ ازین بنه فقیه کوید رضی الله عنه
که شرم بر دو وجه است (اول) شرم است که میان تست و میان مردمان و دیگر شرم است
که میان تست و میان ایزد تعالی اما آن شرم که میان تست و میان ایزد تعالی است
که نعمتها ایزد تعالی را شکر کنی و شرم داری که اندروی عاصی شوی (اما) آن شرم که میان
تست و میان مردمان است که چشم را فرو خوابانیده داری (روایت) کنند از عمر رضی الله
عنه که کفت روزی نزدیک رسول علیه السلام آمدم رسول را کریان یافتم کفتم
یا رسول الله چه میکریاند ترا کفت جبرئیل علیه السلام مرا خبر کرد که ایزد تعالی شرم
دارد از بنده که موی در اسلام سپید کرده باشد ویرا عذاب کند و چرا آن بنده شرم
ندارد که از خدای تعالی عاصی شود و باز نیاید (از خالصة الحقایق) نویدی ثابت کفت
کسی که شرم ندارد از خلق شرم ندارد از خدای عز و جل (باب دهم در صدق و
وکذب و غیبت و حفظ زبان) و معصیت و ریا مشتمل بر شش قصه (فصل اول در صدق)
از خالصة الحقایق ابن عباس رضی الله عنه کفت پرسیده شد از رسول علیه السلام که راست

مرد چیست

مرد چیست رسول علیه السلام فرمود کفتن سخن حق و عمل کردن بصدق و در خبر است
وحی کرد خدای تعالی سوی داود صلوات الله علیه و کفت هر که راست باشد بر من بنهان
راست باشم من با او نزدیک همه خلق و در آشکارا او عیسی صلوات الله علیه کفت هر که دوست
دارد که عمل او دیکر را معلوم شود ولیکن صادق نیست در عمل خود و پیغامبر علیه السلام فرمود
هرکه راستی او بود دوزان که دوست دارد ویرا خدای تعالی و رسول خدای پس
راست کوی باشید هرچه کوید راست کوید و فخر نکند و با هم غیبت نکند کافر نکو کند و مرد
است که رسول علیه السلام این دعا کفتی اللهم اجعلنا سریرتی خیرا
من علانیتی واجعل علانیتی صالحة یعنی بار خدایا بکن نهان
من بهتر از آشکارا من و بکن آشکارا من نیک پس و کفته اند که از علامت صدق
یکی آنست که نهان و آشکارا برابر باشد و پیغامبر علیه السلام فرمود سخن صدق کفتن صدق است
واحمد خضرویه رحمة الله علیه کفت هر که دوست دارد که خدای عز و جل برابر او باشد
در جمیع احوال پس او را لازم کرد صدق را زیرا که خدای تعالی در قرآن مجید فرموده است
ان الله مع الصادقین و خواجه ذوالنون کفت صدق شمشیر
تیغ خدای است بر او جل نهاده نشود بر چیزی مکر که آنرا ببرد (از فواید الفواد ملفوظ)
شیخ المشایخ والاولیا شیخ الاسلام فخر الحق والدین نور الله بنور القدس مرقده
بعد از آن فرمود که در وقت خرید و فروخت می باید که دروغ بر زبان نرود
مثلا کالای بنج درم خریده است و مشتری صادق است که البته این کالا بخرد و بایع میکوید
که من شش درم خریده ام و مشتری هفت درم میدهد و میخرد درین بیع هیچ برکتی نباشد
بلکه بایع و مال او تلف شود فاما اکر بنج درم خریده است و همان بنج میکوید مشتری
بنج درم و دو دانک میدهد درین بیع برکت است و او را برکتها بیدا آید و مال او بیفزاید و او
نداند که از کی افزود و درین معنی حکایت فرمود (کتب الاسلام) غزالی حکایت

او را محمد منکدر گفتندی او بزاز بود و دکان بزازی داشت و بیرون دکان
لباسها بود و زنانه داشتی و چون خواجه از دکان جایی رفتی غلام بر راه
کردی که این جنس لباسها ده دینار فروختنی و این جنس را پنج دینار و بایست
و کم فروختی روزی اعرابی بیامد از آن غلام پرسید که این لباسها چه می
ارزد آن جنس که ده دینار قیمت کرده بود غلام گفت پنج دینار اعرابی پنج دینار
داد و لباسها بستد و بپوشید و در راهی می رفت محمد منکدر آن جنس آمد لباسها شناخت
از اعرابی پرسید که خواجه این لباسها چند خریدی اعرابی گفت پنج دینار گفت این
جنس لباسها ده دینار جنس می ارزد و یک دینار زیاده ستده است بودی لباسها
با زده و پنج اضافت بگو و مگر که آن دکان منست اعرابی با او بازگشت
خراج بستند گرد گفت بروای خواجه این لباسها در ولایت ما دو از ده دینار
ارزد مرا او بیع می کنی تا باز دهم تو بگیری خواجه محمد منکدر چون دید
که او خراج کرم کرد و بیع ذوقی شد گفت بیع ذوقی شوا این لباسها از دکان
منست من غلام خود را گفته بودم که این جنس لباسها ده دینار بفروشی او پنج
دینار فروخته است برابری بیا تا یکدیگر بدهم اعرابی چون دید که او مردی
صادق مینماید برابر او رفت خواجه محمد منکدر یکدینار بدو داد اعرابی چون
بازگشت از خلق پرسید این مرد کیست که نیک بادیانت می نماید گفتند این را خواجه
محمد منکدر گویند گفت خواجه محمد منکدر است گفتند آنست ما در خدای نیکیها نام او را
شفیع می آریم و فرج می یابیم ما دانسته بودم که خواجه محمد منکدر شیخ در خانقاهی
خواجه بوده ما چه دانیم که او اینچنین مردی بودست مقصود از این حکایت صدق او بود
از خالصة الحقایق آورده اند حاتم گفت مرا اصحاب خود را بیار رید مردی متقی را
که صالح ترین مردان شما باشند یاران گفتند که فلان مرد حاجی است حج بسیار کرده است

حاتم گفت این مرد حاجی است گفتند که فلان مرد چنین و چنین غزا ها کرده است گفت آن
مرد غازی است گفتند که فلان مردی است روزه و روزه میدارد و شبها قیام میکند گفت
آن مرد عابد است گفتند فلان مرد هر روز از مال خود چندین دینار بیرون می آرد
و نفقه می کند گفت آن مرد سخی است یاران گفتند یا عبدالرحمن ما نمی دانیم تو کدام را
میطلبی گفت من میخواهم از شما مردی صالح که در و سه خصلت باشد اول آنکه تبرا کند
از آنچه که در آسمان و زمین است مگر از خدای تعالی دوم دل او متعلق نباشد بچیزی
بجز خدای عز و جل سیوم چون ظاهر خود و نهان او از کسی ترس نباشد الدقایق
محمد بن علی ترمذی گفت علیه الرحمة و الغفران که مخصوص کرد است خدای تعالی انسان را
جمیع حیوان پس مخصوص کرد است مومنان را از انسان پس مخصوص کرد است مردان
را از مومنان و خدای عز و جل در کلام مجید خود فرمود رِجَالٌ صَدَقُوا
مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ مردانند که وفا کردند بدانچه معاهده
کرده اند با خدای تعالی پس حقیقت مردی صادق آید پس هر که در نیاید در میدان
صدق بدرستی که بیرون آمده است از حد مردان فصل دوم در کذب از خالصة
الحقایق در حدیث است سوگند دروغ ترویج میدهد مر کالا را و ناچیز میکند مر برکت را و
بروایتی محو میکند برکت را از کسب پیغامبر علیه السلام فرمود بنا دروغ بپناه خدای تعالی و بار
داشت خواهید از هر چیز از کفر و دروغ و از وام و از این هر سه چیز پیغامبر علیه السلام دعا
کرده است اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَالْکَذِبِ وَالدَّیْنِ
و پیغامبر علیه السلام فرموده است الکذاب کامل بود مرد را ایمان را تا دوست دارد برادر
مسلمانرا آنچه دوست دارد مر نفس خود را و مروی است مردی بیامد به رسول علیه السلام
و گفت من مبتلا کرده شده ام بسه گناه و خبر نیست از آن مرد را زنا و دروغ و شرب خمر
پس گفت او را رسول صلی الله علیه و سلم دروغ گفتن بگذار از جهت رضا من آن مرد قبول کرد

و رفت بعد آن او را از ما بیش آید آن مرد با نفس خود گفت اگر این کار بکنم و اگر کسی
رسول علیه السلام مرا بگوید که تو زنا کردی اگر بگویم آری کرده ام مرا حد زنند و اگر بگویم نکرده ام
دروغ گفته و عهد شکسته باشم پس زنا ترک داد و دو از آن تایب شد بعد از آن او را هم
بجنس آمد مثل آن در دل او بگذشت و آنها را ترک داد و از دیم توبه کرده و پیغامبر
علیه السلام فرمود افترا از افترا مستر افترا بزرگست و مستغ افترا دروغ بر پانی است
یکی آنکه مردی بر مهر و چشم خود افترا کند بگوید که من چنین خواب دیده ام و ندیده ام
دوم افترا کند بر مادر و پدر خود و از پدر حقیقی خود ننگ آرد و بغیر پدر خود دعوی کند
سیوم آنکه بگوید که من شنیده ام از رسول علیه السلام و نشنیده باشد از وی و رسول علیه السلام
فرمود بعضت کرده شود کسی که گواهی دروغ داده باشد روز قیامت زبان او دراز
شود و آویزان باشد و در آتش و جعفر صادق گفت رضی الله عنه دروغ مذموم است مگر در کار
یکی بجهت ترک ظلم دوم بجهت اصلاح میان دو کس و بعضی گفته اند که کذب مذموم است مگر در
حرب و صلح و پیغامبر علیه السلام فرمود دور شود و در بهشت تمام منع سخن حسن و حکیمی گفته است
که پنج چیز جمع نشود غضب با عقل و زهد با حاجت و طاعت با غیبت و سیادت با حسد و کرم
با دروغ از کفایه الشعبی روایت که امیر المومنین عمر رضی الله عنه گفت روزی منع کند
بنده خود را خوردم پس شنیدم از عقب آواز ای گفت سوگند میخوری بد را ای خود هر که
از نفس خود راه که سوگند بخورد سوگند بخدای خورد و لا ساکت باشد پس کردم دیدم
رسول علیه السلام که او یکی بخشی فرمود بعد آن من سوگند نخوردم و عبد الله مسعود رضی الله
عنه گفت بزرگ بخدای شرم است یا آنکه غیر خدای را عبادت کند دوم بغیر خدای سوگند خورد
سیوم بغیر نام خدای ذبح کند این سه چیز بزرگ گویند و عبد الله عمر رضی الله عنه گفت
سوگند بغیر خدای تعالی بزرگست و مینی است به هر کس را که سوگند خورد بخدای مگر بقرو و ست
و در زعم آورده است هر که خود را که سوگند صدق بگوید پس سوگند خورد بخدای و با جاهلی
موکش

باشد و اگر سوگند خورد بغیر خدای این بزرگ خفی باشد و سوگند بخورد بعد روز بجایت
یکاه نه بکعبه و نه بیزاری از اسلام هر که ایچنین سوگند بصدق خورد و باز گشت او
سوی اسلام سلامت نباشد و هر که بدروغ خورد در آرد خدای تعالی در آتش
دوزخ از تفسیر منبع رسول علیه السلام فرمود هر که سوگند راست خورد و تنگ کرده شود
گور او و در بستان ابو اللیث هم مثل این آورده است که پیغامبر علیه السلام رخصت
کرده است دروغ در سه موضع از کفایه الشعبی آورده است هر که یک دروغ بگوید
بو رستخ که بر وی منزل شود و هفتاد هزار لعنت از وجا بار رسول علیه السلام فرمود
باعث هر که دروغ بسیار گوید ببرد خدای تعالی روشنائی روی او و نور
دل او فصل سیوم در غیبت از خالصة الحقایق در روایت آمده است
که موسی صلوات الله علیه گفت هر که بمیرد تایب از غیبت پس او آخرین کس باشد که در آید
در بهشت و هر که بمیرد مصر بر غیبت پس او اول کس باشد که در آید به دوزخ و مروی است
که عایشه رضی الله عنها عو زنی را گفت که او کوتاه بالا است رسول علیه السلام گفت
که غیبت کردی آن زن را و رسول فرمود که شب معراج گذشتم بقومی که میخراشیدند
روی ها خود را بناخن پس پرسیدم جبرئیل را ایشان کیانند گفت ایشان کسانند
که غیبت کرده اند مردمان را و در زبور است وحی کرد ایزد تعالی سوی موسی بن عمران
صلوات الله علیه که پاک دار زبان خود را و دل خود را از غیبت پس موسی گفت
یا رب چگونه دارم دل خود را پس فرمان آمد از حضرت عزت چون بشنوی در مکان
غیبت را ایمان را خر منشو و دور شو از آن مکان و عایشه رضی الله عنها گفت که من
نزدیک پیغامبر علیه السلام بوده ام زینب بگذشت من گفتم آن زن چه دراز است رسول
علیه السلام فرمود غیبت کردی از دهان بیرون انداز من از دهن بیرون انداختم
چون دیدم پاره از گوشت بود و رسول علیه السلام فرمود که غیبت سخت تر است از زنا زیرا

زیرا که از زنا توبه کند حق تعالی توبهٔ او قبول کند و او را بیامرزد اما کسی که غیبت
کرده است تا کسی این را عفو کند و ابن عمر رضی الله عنه روایت میکند از رسول علیه السلام
که غیبت نا فسق و ضو نماز است و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که پس قفای مسلمانان را غیبت کند
حبس کند او را خدای تعالی در ردغة دوزخ ما دام که بیرون آید از آن که گفته است
و در خبر است اگر کسی غیبت کرد مر کسی برا او نزدیک غیبت کننده مسلمانی یاری کرد آن مسلمان
را که مرو برا غیبت کرده است مغفرة کند باری تعالی این را در دنیا و آخرة و یاری
کردن این باشد مر آنکس را که غیبت کرده است ذکر صفت او بخیر کند و غیبت کننده را منع
کند و رسول علیه السلام فرمود هر که بخورد گوشت برادر در دنیا هیچ کسی را که غیبت میکند
گوی گوشت او میخورد پیش او آرند روز قیامت آن گوشت را بگویند بخور این را مرده
چنانچه خورده بودی تو او را زنده پس بخورد آن را او روی ترش کند و فریاد کند
و آورده اند ابراهیم ادهم رحمة الله علیه را در مجلس بجهة خوردن طعام خوانده
بودند چون در آن مجلس حاضر شد و نشست یکی از حاضران مجلس گفت که این مرد جسیم است
و ذکر او نمیتواند که کام تحمل بردارد ابراهیم ادهم از میان آن جمع بیرون آمد
و گفت حاضر نشوم در طعامی که غیبت کنند در آن مسلمانان او سه روز طعام نخورد و فقیه ابو
اللیث گفته است رحمة الله علیه غیبت بر چهار وجه است یک وجه کفر است چون یکی غیبت کسی و مسلمان
مر او را گفت که غیبت مکن پس او گفت که نیست این غیبت و من صادق و در این پس مر رسته که او
حلال دانست آنچه حرام کرده است خدای تعالی او در این سخن کافر شود و فاما معصیت است
اینست که نام آنکس میگوید و برا که غیبت میکند و میداند این که میگوید معصیت است پس او عاصی
فاما آنکه مباح است اینست اگر غیبت کند فاسقی و یا صاحب بدعتی را و در این ماخوذ است
بزه کار نیست و پیغامبر علیه السلام فرمود أذْكُرُوا الْفَاجِرَ بِمَا فِيهِ
هیچ ذکر کند فاسق را بچیزی که دوست دارد شاید که او از آن چیز باز آید و منع فاجر

و فاسق نگاهست

و فاسق نگاهست با فرمان و دروغ گوی و به آنکه غیبت ذکر کردن بدی است و در غیبت
و در روضة العلما آورده است حد غیبت اینست که یاد کند مسلمانی را بچیزی که اگر آن چیز بدو
برسد از آن کراهت کند هیچ او را خوش نیاید و برابر است چون تو ذکر کنی نقصان
تن او و یا در نسبت او یا در خلقت او و یا در فعل او و یا در دین او و یا در جامه
او و یا در خانه او و یا در دابهٔ او و در تفسیر و در آورده است پرسیده شد رسول
علیه السلام از غیبت پس گفت اگر تو ذکر کنی برادر مسلمان ترا بچیزی که او کراهت کند
اگر آن چیز باشد در او پس غیبت کردی او را و اگر نباشد در او آن چیز پس بهتان
کردی او را و در خبر است چون روز قیامت شود کسی که غیبت کرده است او را
بالیستانند پیش حضرت عزت و داده شود نامهٔ او در نامهٔ خود هیچ حسنه نه بیند
بگوید که این نامهٔ من نیست من چندین طاعتها کرده ام و در این نمی بینم چیزی پس بگویند
او را که عمل تو رفت بغیبتی که مردمان را کردی و دیگر برا ایشان آرند و نامه بدو دهند
به بیند در نامهٔ خود هم طاعت که هرگز نکرده است بگوید که این نامهٔ من نیست که من این
طاعتها نکرده ام او را بگویند که فلان مر ترا غیبت کرد و پس داده شد حسنات او بتو
و آورده اند خواجه حسن بصری طبقه ای از خرما فرستاد و گفت بمن رسیده است
که تو حسنات خود سوی من هدیه فرستاده پس خواستم که مکافات آن کنم بر حسنات
خود معذور دار که مرا مقدور آن نیست که تمام را مکافات کنم از کنز العباد
بدانکه چنانچه غیبت بقول است بفعل هم هست و بحرکت و باشارت و بکتابت زیرا که عائشه
رضی الله عنها اشارت کرد و بنوده که کوتاه است پس رسول علیه السلام فرمود که غیبت کردی
او را و مستمع غیبت اگر ساکت بنشیند شریک است با مغتاب در اثم و مستمع غیبت بیرون نیاید
از اثم غیبت مگر آنکه منکر شود او را بزبان هیچ او را بگوید که ساکت شو از این و اگر
نتواند بدل منکر شود و راضی نباشد و اگر نتواند قطع کند این کلام را بکلامی دیگر و یا

و یا از آن جای برخیزد و اگر آن نکند آثم باشد و اگر به زبان منع کند و در دل
خوش نشود او را این نفاق باشد و بیرون نیاید از اثم تا ما دام که از دل کاره
باشد و در تفسیر زاهدی آورده است هر که فاسق معلن بود و باک [illegible] آنچه در وی
بگوید عیبی که آن غیبت نبود چنانچه پیغامبر علیه السلام فرمود دگر جا در حیا از روی خود دور
کند در حق او غیبت نیست و اگر فاسق باشد مخفی و مستور پس غیبت او غیبت باشد و اگر از روی
آن یاد کند بر وجه تعریف باکی نبود و همچنین اگر گفت کسی را که فلان قصیر است یا طویل
یا اعرج یا احول یا ابرص این غیبت نشد یا نه بینم اگر برای تعریف گفته است غیبت
نباشد چنانچه در روایات اخبار آمده است از جهت تطویل از فلان اعرج و فلان
اعمی و فلان اصم و اگر از برای سرزنش گفته است غیبت باشد و آثم شود و این در حق
آدمیانست اما در حق بهایم غیبت نیست با تفاق و در حیا آورده است و اجب است
بر مغتاب یعنی کسی که غیبت کرده است توبه کند و پشیمان شود و تاسف کند بر فعل خود تا از
حق تعالی بر وی آید پس بحلی خواهد از وی که وی را غیبت کرده است محزون و متاسف
و نادم و در کفارت غیبت رسول علیه السلام فرموده است کسی را که غیبت کرده آمرزش
خواهد و بعضی گفته اند که ثنا گوید او را و دعا خیر کند و بعضی گفته اند که ثنا گوید اعدا
برود و بر آن کس بگوید که من دروغ گفته ام هرچه ترا گفته ام و ظلم کرده ام و بر کرده ام
پس اگر خواهی بگیری حق خود و اگر نخواهی عفو کنی و هو الاصح و اگر غایب باشد
یا مرده باشد پس شاید که آمرزش خواهد او را و دعا کند و در فوائد الفواد
سخنی در توبه افتاده فرمود که توبه بر سه قسم است حال و ماضی و مستقبل حال است
که پشیمان شود یعنی ندامت آرد از معصیتی که کرده است ماضی است که خصمان را خشنود
کند اگر یا ده درم غصب کرده است و همی میگوید که توبه توبه این نباشد توبه است
که ده درم بده و باز ده و او را خشنود کند آنگاه توبه او توبه باشد اگر کسی بد گفته است

برود و معذرت کند و بحلی خواهد او را خشنود کند و اگر آن کس که وی را بد گفته است او مرده
چه کند جواب آنکه بد گفته است در مردن او او را نیکو گوید و خیر یاد کند و اگر کسی را گفته باشد
و از وی اثری نمانده باشد چه کند بر وی استغفار کند هیچ مرده را از زنده [illegible] از دعا نیست اگر دیده
و آن را که گفته انکس اگر مرده باشد او زنده نیست چه کند که ثنا اهل حرمه کند و اگر کسی بر منکوحه غیری
یا مملوکه غیری زنا کرده باشد چه کند اینجا تمامی است که به وی [illegible] عذر خواهد اینجا
چه کند جواب ای عزیز و جل گزیند مرا ایم این معنی فرمود که اگر شارب خمر تایب شود چه کند
[illegible] بحلی خدای [illegible] مقصود از این معنی آن بود که در رساله انا
معذرت هر جهتی که هم از آن غیبت آمده است صفت دوم توبه از قسم ماضی این بود که در
قلم آمد قسم سیوم توبه که صفت مستقبل و از روی است که نیت کند هیچ بدان معصیت باز نگردد
فصل چهارم نگاه داشتن زبان نقل است از خالد الحنافی سفیان عبد الله
ثقفی گفت من سوال کردم از رسول علیه السلام و گفتم یا رسول الله امر کن مرا بکاری
در اسلام که چنگ زنم بدان کار رسول علیه السلام فرمود قل امنت بالله پس استقامت کن
و گفتم یا رسول الله پس چیست بسیار از آنچه خوف شده بر مومن رسول علیه السلام اشارت
کرد به زبان مبارک خود و گفت اینست و در خبر است هر که نگاه دارد زبان خود را
از نکوهیدن مردمان اقالت کند خدای تعالی گناهان او را روز قیامت و در روایت است
که اعرابیی آمد به خدمت رسول علیه السلام و گفت یا رسول الله مرا بعملی رهنمونی کن که به آن
عمل من در بهشت روم رسول علیه السلام فرمود طعام بده گرسنه را و آب ده تشنه را و امر
معروف و نهی منکر و اگر بجا نیاری و اگر این همه نتوانی پس باز دار نگاه دار سخن نیکو را
مگر بخیر و در روایت که پرسیده شد از رسول علیه السلام که نجات در چیست فرمود که نگاه
زبان خود و باشی در خانه خود و برالازم گیر یعنی قناعت کنی و بعضی در ها مخلوق
تر و دیگر بگری بر گناهان خود و در خبر است نگاه دار زبان او مگوی سخنی

بخورد

مگر بجز به درستی که دخل شیطان بر آدمی بواسطهٔ زبان اوست و پیغامبر علیه السلام فرمود
به درستی که خدای تعالی نزدیک زبان هر گوینده است پس پرهیزگاری کن ای بنده ای فلان
و بدان آن را که زبان تو چه گفت و رسول علیه السلام فرمود ویل مر او را که سخن گوید
و دروغ گوید تا مردمان را بخندانند ویل مر او را ویل مر او را و آورده‌اند
که ابراهیم ادهم رحمة الله علیه روزی مهمان داشت و طعام پیش ایشان
آورد چون دست به طعام بردند غیبت آغاز کردند پس ابراهیم گفت که پیش از ما
بوده‌اند ایشان نان پیش از گوشت میخوردند و شما میخورید گوشت پیش از نان
و آورده‌اند که مردی دیگری را غیبت میکرد او را گفت که تو غزا کرده‌ای در ملک
روم گفت نی پرسید غزا کرده‌ای در ولایت ترک و هند گفت نی باز پرسید چگونه مسلمانان
از تو کفار که برادر مسلمان سلامت نمانده است و آورده‌اند که سلطان بهرام
شاه شنید آواز مرغی او را تیر زد و آن مرغ پیش افتاد و مرد پس گفت
که نیکو چیزیست نگاه داشتن زبان بر غافلان و آدمیان و شاعری هم در این معنی
گفته است مثنوی تیغ را چون بقصد جان کردند راست بر صورت زبان کردند
و آورده‌اند که جمع قیس بن ساعده و اکثم بن صیفی گفت یا مردم را چند یافته
تو از عیبها در بنی آدم گفت عیبهای بنی آدم از شمار بیرون است و لیکن می شمرده‌ام
هشت هزار شده است و یافته‌ام در بنی آدم خصلتی اگر آن را در کار بندد همه
عیبها پوشیده میشود و پرسید آن کدام است گفت نگاه داشتن زبان در بی سخنی بی حد
کردم و در نزهة آورده است که مگوی ز ما شاد وز کار را که بلائی د
یا مکروهی برسد به درستی که گرداننده احوال و بیننده بلا باری تعالی است
در کفایه الشعبی و بحر است چون برادران یوسف علیه السلام به پدر آمدند
و آن گرگ گرفته آوردند و دهان او خون آلوده کردند و گفتند که یوسف را

این خورده است پس برادر مهتر گفت گرگ را چرا خورده یوسف را یکبار دیگر بار
گرگ را گفت گرگ ساکت بود هیچ جواب نداد و بعد از آن مهتر یعقوب علیه السلام
گفت مر گرگ را چیست که جواب نمیگویی گفت ایشان عاصیان‌اند و با عاصیان
سخن نگویم پس یعقوب علیه السلام گفت چرا خوردی فرزند و نور دیده
مرا گفت من نخورده‌ام یعقوب علیه السلام گفت پس کجاست فرزند و نور دیده
من قصه حال او گرگ گفت فرزند جز وی از نسبت و خدای تعالی حرام گردانیده
است بر ما گوشت و پوست پیغامبران و لیکن خبر کنم از قصه او به درستی که میخواهم
که قصه شنوانیت از زبان من و آورده‌اند مردی بود طالب العلم تحصیل علم
کردی و لیکن از فحش و منکر باز نبودی در خواب دید دو فرشته سوی او آمدند
در دست هر یک طشتی است و در آن طشت در یک جانب مشک است و در یک جانب
سرگین پس یک فرشته مر دوم را میگوید که چه نیکوست این مشک دوم گفت چه بد است
این مشک با این سرگین گفتند همچنین است پس آن مرد دریافت آنچه ایشان گفتند
که چه قبیح است این علم با این معاصی پس آن مرد متنبه شد و باز تائب گشت
و در خبر است هر که دشنام گوید مرده را به درستی که دشنام داده باشد صد هزار
و بیست هزار پیغامبران را و در صلوة مسعودی علامت اسلام از مسلم چیست رسول
علیه السلام فرمود که مسلمان آن بود که مسلمان دیگر از دست و زبان وی ایمن
علامت محسن چیست رسول علیه السلام فرمود یا علی محسن آن کسان است پیش دستی کنند
در طاعتهای خدای تعالی و بپرهیزد از محارمهای خدای تعالی و نیکویی کنند در حق
کسی که بدی کرده باشد در حق او و هر که این پنج خصلت [illegible] اسلام است بجا آرد
وی مسلمان باشد و در تنبیه ابواللیث روایت کنند از سید عالم علیه السلام چون دندان
مبارک وی شکسته اند در روز احد رسید آنچه رسید به سید عالم گفتند یا رسول الله

اگر دعا کنی ایشان را که بر تو چنین کرده‌اند رسول علیه السلام فرمود مرا فرستاده‌اند برحمت
کردن نه بلعنت کردن پس گفت ای بار خدای راه نمای این قوم را که نمی‌دانند ایشان
پس سید عالم علیه السلام گفت هر که زبان خود را از مسلمانان باز دارد خدای تعالی
بقیامت عذاب نکند و رسول علیه السلام فرمود هر که بنده خود را طپانچه زند کفارت
طپانچه آزاد کردن وی باشد و هر که زبان خود را نگاه دارد خدای تعالی او را
عذاب گور نکند و عورت او را بپوشاند و هر که خشم فرو خورد خدای تعالی او را
عذاب گور نگاه دارد و هر که عذر سوی ایزد باز گردد خدای تعالی عذر او بپذیرد
و پیغامبر صلوات الله علیه گفت هر سخن که نه یاد ایزد تعالی است همه لغو است
و هر اندیشه که نه از آخرت است همه از غفلت است خنک مر آن کس را که سخن وی یاد کردن
ایزد است و خاموشی وی همه تفکر آخرت است و نگرستن وی عبرت است و اورده‌اند
گفت مومن کم سخن و بسیار عمل بود و منافق بسیار سخن و کم عمل بود از خالصة الحقائق
ابو سلمه گفت از ابو هریره شنیدم که گفت از پیغامبر علیه السلام شنیدم گفت بر هر نفس
نوشته شده است حظ آن از زنا چشمها زنا کند و زنا ایشان نگرستن است و دستها
زنا کنند و زنا او کلام است و دستها زنا کنند و زنا ایشان گرفتن است و پایها
زنا کنند و زنا ایشان رفتن است و گوشها زنا کنند و زنا ایشان شنیدن است
و آورده‌اند که زن عثمان بن ابی سفیان گفت مر عثمان را چون تو از نماز عید باز
گشتی چند زنان صاحب جمال نظر کردی امروز زن را گفت وی نظر من از
مقام قدم من تجاوز نکرده است چون بنماز عید فطر رفته ام و باز آمده ام و چشم مرا
پرسیده‌اند که فاسق کیست گفت هر که نظر خود باز ندارد و از زنان مردمان نقل
از خالصة الحقائق رسول علیه السلام فرمود بدرستی که خدای تعالی به ادم موسی را علیه السلام
توریت وحی کرد از ابتدای پنج کلمه و فرمود مر موسی را اگر عمل کنی تو بر این پنج کلمه

خنک

بدرستی

بدرستی که تمام کرده باشی تمام توریت و اگر عمل نکنی باین پس نکنی توریت بر به خالی
اول آنکه مادام که نه بینی ملک مرا پس مترس از پادشاهان و دوم آنکه مادام
که نه بینی خزانه مرا خالی تکیه نجوی که در دست مردمان است و سیوم آنکه مادام که فارغ
نشوی از عیب نفس خود مشغول نگردی بعیبهای مردمان چهارم آنکه مادام که نه بینی
ابلیس را مرده نیاری ترک قتال با او پنجم آنکه تا نه بینی مادام بهره ور و قدم خود در زمین
بهشت ایمن مباشی از خوف قهر خدای تعالی فصل پنجم در فسق و معصیت و از مکافات
آن و شومت گناه و عقوبت گناه کار و آن و جزای آن ذکر فسق و معصیت و ارتکاب
آن و فرزندی رزان از خالصة الحقائق و در خبر است هر که در مجلس معصیت حاضر شود
و از آن معصیت در دل او کراهت و در خیال بود کوئی که در آن مجلس حاضر
نیست و هر که از مجلس فسق و معصیت غایب شود و آن معصیت را دوست دارد و
خیال بود که در مجلس حاضر است و در خبر است بیاید بر مردمان زمانه که یاد نشود
مگر معصیت هیچ میان مردمان زند کاینده کرده نشود و اثر ایشان منقطع باشد
تا از برای رضای ایشان معصیت نکند بخدای تعالی نشود و رسول علیه السلام فرمود
پس چون این چنین زمانه باشد حلال بود مرد را که زن نکند و آورده‌اند
که سلمان بن عفان گفت مر حمید طویل را که مرا وعظ کن گفت وعظ میکنم تو را اگر
تو معصیت کنی در خلوت و گمان بری خدای تعالی تو را نمی بیند بدرستی کافر شوی از
تفسیر منور آورده‌اند چون آدم صلوات الله علیه سیصد سال بگریست و او را
بشارت رسانیدند بعفو و قبول توبه بعد از قبول توبه بعد از قبول توبه هم
آدم علیه السلام بگریست حق تعالی وحی کرد یا آدم هنوز گریه چیست گفت یارب
اگرچه زلت من عفو کردی اما تو میدانی آن زمانی که من دست دراز کردم
به آن درخت که نهی کرده بودی و در خبر است در آن هنگام که خدای تعالی

معترف کرد اید مومنان را بر وی چون در بهشت مومن بیند که بر فردوا افکنده بیند
و باری تعالی را نه بیند پس خدای تعالی بگوید ای بنده من ترا حاجت بروی ما نیست
و آرزوی ملاقات ما نداری پس آن مومن بگوید الهی حاجت و آرزو دارم
ولیکن شرم میدارم از تو از بسیاری گناه و خیانت بکردم روی مقابل تو شوم
و بکدام دیده ترا بینم خدای تعالی بگوید بدرستی که گناهان ترا آمرزیدم چون ترا
در بهشت در آوردم پس آن بنده بگوید الهی اگرچه گناه مرا در گذاشتی ولیکن تو
آن زمان میدیدی که من گناه میکردم پس مرا شرم مانع میشود که سوی تو بینم و تو میدانی
آنچه در دل منست پس فرمان خدای تعالی با لطف در دل آن بنده برود تا همه
خیال گناه از دل او محو شود و مشرف کرد و بدو دیت و بیابد لذت خدای عز و جل
از خالصة الحقایق انس مالک رضی الله عنه روایت میکند از پیغامبر علیه السلام چون
بنده بامداد از خواب بیدار میشود روح در جسد او در می آید و جسد را میگوید
ای جسد من ترا امر کند میدهیم بخدای کریم که او رد نکند سایل را که امروز کاری
بکنی که در آری مرا بدوزخ و رسول علیه السلام فرمود هر که طاعت کند مخلوق را
که در آن طاعت عاصی شود مر خالق را بدرستی که او غیر خدای را اله گرفته باشد
و پیغامبر علیه السلام فرمود باشید که از شما نزدیک مردی که مظلومی را میزند بدرستی
که لعنت منزل میشود بر آن کسانی که نزدیک او باشند تا آن زمان که دفع نکنند ظلم را
از مظلوم در فتاوی کبری آورده است اگر اسقاط حمل کرد آن فتنه شود مادام
که خلقت پیدا نشده است زیرا که هر گاه که از خلقت او چیزی پیدا شد او فرزند
باشد از تفسیر منیر پیغامبر علیه السلام فرمود کسی بود از شما که هم کار بهشتیان
کند تا میان او و میان بهشت چندر ستی پیش نباشد از قضاء ازلی که در لوح
بر وی نبشته شده در رسید بر دست وی کاری رود و از کار رود و زخیال خاتمتش ندارد

دردوز

در دوزخ آید و کسی هست از شما که همه عمر خود کار دوزخیان کند که میان او و دوزخ
مقدار رشتی ماند از قضاء ازلی همچنان در بهشت در آید و پرسیدند پیغامبر را علیه السلام
از گناهان بزرگ گفت اول آنکه با خدای تعالی انباز گوئی و ترا آفریده است
دوم آنکه فرزند خود را بکشی سیوم با زن همسایه زنا کنی از الحیف ابو حنیفه گفت
رضی الله عنه دوست ترین طاعتها نزدیک خدای تعالی ایمانست و دشمن ترین معصیتها
بسوی خدای تعالی کفر است از کفایه شعبی در جزیست که رسول علیه السلام فرمود
هر که بگذارد نماز پس چنانستی که او خراب کرده باشد خانه کعبه را هفتاد بار گفته
حیث غایت بجا نیاید گفت اگر برخیزد و در دامن او که و باشند آنرا بیفشاند
و از آن غبار مسلمانی برسد پس چگونه باشد حال کسی که مسلمانی را بکشد و آورده اند
مردی بود فاسق هر روز در فسق و معصیت مشغول بودی و او را غلامی بود
صالح و متقی هر بار مولای خود را از فسق مانع شدی و گفتی ای خواجه توبه کن از
خدای عز و جل با ذکر و تقوی کز ین مولی گفتی که رحمت خدای بسیار است روزی
غلام را گفت برو در فلان حنطه بکار غلام رفت در آن زمین جو کاشت
چون نمو دیک و روان شد مولی گفت که بروم می بینم لایق درودن شده است
چون دید هم جو کاشته اند غلام را گفت ترا فرموده بودم که حنطه بکاری جو چرا
کاشتی غلام گفت ای خواجه من همچنین گمان بردم که از ین جو حنطه خواهد شد
مولی گفت ای غلام تو دیوانه ای محال است این از جو حنطه نشود پس غلام گفت ای
خواجه این تمثیل فعل تو کرده ام بدرستی که تو بیرون دکار خود عاصی میشوی و از وی
امید رحمت میداری پس مولی او تایب شد و بخدای باز گشت و رسول علیه السلام فرمود
بدرستی که خدای تعالی بیامرزد جمله گناهان بنده را مگر کسی که مهر زن را غصب
کند مبانه اجرت را و با فروشد حر را از نقل از دوازده مسئله المبسوط گفت

مهتر حضرت رسول علیه السلام که در نکاح مومن موحد خلل افکنم و حلال برو حرام گردانم چنانکه
وی را خبر نباشد زیرا که هر مسلمانی که فرزند زن نباشد و نکاح نکرده است او خود در شرف
هست باشد که میل او بسوی اجانب کشم چون شهوت بر غالب شد او را بدوزخ برسانم
دوم سوی حاجت اما چون نکاح کند و دین او از من در حصار شود اول مال و جمال در نظر
او در آرم تا فریفته شود و عفیفه و اهل خویش را در دل او دشمن گردانم تا زن با جمال و با مال
بی صلاح در نکاح در آید دیم روز چون بت پرستان بخدمت او مشغول باشند و این زن
را بد و کار رخنم تا او را می رنجاند و بکار باطل مشغول می باشد و بهوای نفس مشغول شود
تا میان ایشان خصومت پیدا آید و عداوت ظاهر شود و بدشنام دادن طلاق افتد از گرمی
و شدت ایشان را خبر نباشد و همچنان در خانه او حرام می باشند چنان دانند که حلال
یکدیگرند و در میان ایشان موافقت فراهم آید و هر بار بسفاح و زنا مشغول کردند
و اگر بار دیگر عقد کنند جایز نباشد از برای آنکه طلاق گفته است و عقد باطل شده و فرزندان
تولد میشوند هم زاده مستوجب دوزخ گردند نعوذ بالله منها حدیث رسول علیه السلام
گفت باخضر علیه السلام [illegible] که وقت نکاح کردن نیت باید کرد و بصدق و توبه کند از حرام اکر
زن میخواهم تا دین من در حصار آید میان ما فرزندی صالح آید و فرمان خدای عز و جل
عبادت کند و نظر بر مال و جمال نداز د و نسب و حسب ببیند و در وقت نکاح کلمه تمجید بسیار
گوید و آیة الکرسی بخواند و چون زن را در خانه بجلوه در آرد این دعا بخواند تا از شر
او ایمن باشد دعا اللهم جنبنا الشیطان وجنب الشیطان
مما رزقتنا الحمد لله الذی احل النکاح وحرم
السفاح وارزقنا حلالا طیبا و دو رکعت نماز بگزارد
و زن را هم بفرماید و بعد از آن برود و پای زن بشوید و آن آب در چهار گوشه خانه
زند خدای عز و جل بصفا و نوع برکت پیدا آرد و ایشان را با یکدیگر موافقت دهد و صحبت و

و عافیت دارد ان شاء الله تعالی برحمته و کرمه از صلوة مسعودی رسول علیه السلام
فرمود که بدترین و شوم ترین مرد است که کسوت خود را مانند زنان کند چنانکه جامه
ابریشمی پوشد و پیراهن پیش جیب دارد و پا ازار فراخ باید و در رسول علیه السلام
فرمود که خدای عز و جل بر پنج گروه بد کام و بی زبان لعنت کرده است یکی مردی
که خود را مانند زنان کند و دیگر زنی که خود را بر مردان مانند کند و دیگر ترسا که وعده
خلاف کند و دیگر ترسا نابینا را بیم کند و دیگر ترسا که زن نخواهد و کنیزک بخرد و دوست
دارد و لیکن مرادش آن بود که فرزند تولد نشود در روزنست که ابلیس علیه اللعنة
بخدمت پیغامبر علیه السلام آمد رسول علیه السلام پرسید از وی که کیست صدیق تو و خلیل تو
گفت صدیق و خلیل من کسی است از امت تو که می بخورد و رسول علیه السلام پرسید کیست نیز
دیده گفت کسی که سوگند خورد بطلاق اگرچه صادق باشد رسول علیه السلام گفت چرا گفت
ای محمد چون در زبان او سوگند طلاق خوردن عادت و خو باشد که سوگند بکار دروغ
زبان او رود و زن ایذا شود و فرزندان او بزنا زاده شوند لیس از جهت او نوزده
منت پس رسول علیه السلام فرمود خوردن تو از چیست گفت ای محمد از کم دهندگان
و کم وزن کنندگان اگر مردمان کم بجا بیند و کم وزن بکنند من از گرسنگی بمیرم هر گوا
خانه نیست و خانه من کیست که کم بجا بیند و کم وزن کنند و اگر مردی با زن حلال خود
جماع کند اگر بسم الله الرحمن الرحیم نگوید من با او شریک باشم در حرکت
و اگر این تصدیق ندارید یا محمد بخوان کلام خدای وشارکهم فی الاموال
والاولاد و بعد از آن چون التسمیه نگوید و ذکر نگوید و یک حکایت آورده اند که غلامی
بود عتبه نام روزی در راهی میگذشت بیهوشی بر وی آمد و افتاد و چون بیهوشی
باز آمد از وی پرسیدند گفت من در راز گوشی را بر زین جاده [illegible] بودم از آن یاد
کردم اگر خدای تعالی از من سوال کند که چرا نزدی او را چه جواب دهم و کدام عذر

عذر گویم و به آنکه عقوق عباد بخشد و دشوارتر از حق ایزد تعالی بدرستی که حق تعالی خلاص
کند حق خود و لیکن ضایع نکند حق بندگان او را زحق آدمیان حق بهایم مشکل و دشوار است
زیرا که آدمی قابل است که خشنود کند که آدمی عقل و نطق دارد و اگر خصم زنده است
و حاضر است تواند که از وی بحلی خواهد و یا چیزی بدهد و خشنود و معذرت کند
و اگر غایب است نیت او صدقه دهد و نمازی و روزه بدارد و اگر خصم مرده است
بروح او چیزی بدهد و بخوانند کند زیرا که میت محتاج است اما بهایم نه عقل دارد
و نه نطق و زدن مر بهایم را ظلم است زیرا که مر او را تمیز نیست و ترا اطاعت کند
و همراه تو باشد پس قابل نیست از خشنود کردن بهایم اگرچه او را کاه و علف دهی
و چند جو نوع از وی خشنودی طلبند ذکر گناه از خالصة الحقایق رسول علیه السلام
فرمود که زلزله زمین از سه چیز است یکی چون نظر کند سوی پروردگار جل جلاله
ودوم جنبش ماهی سیوم از گناه بندگان و در خبر است که در توریت ایزد تعالی
فرموده است ای فرزند آدم شرم دار از گناه کردن که من شرم میدارم که ترا
عذاب کنم و در خبر است که وحی کرد ایزد تعالی سوی موسی صلوات الله علیه ای موسی
اگر نباشد گوینده لا اله الا الله مسلط کردمی دوزخ را بر اهل دنیا و اگر
کسی نباشد که مرا عبادت میکند مهلت ندادمی او را و اگر عاصی نباشدی بر من خشم زدی
بدرستی که هر که ایمان آرد بمن پس بهترین خلق باشد نزدیک من و در خبر است که وحی کرد
خدای تعالی سوی عزیر پیغامبر علیه السلام گفت یا عزیر اگر برسید ترا مصیبتی شکایت
من مکن سوی خلق بدرستی که رسیده است مرا از تو معصیتها بسیار و من هیچ شکایت تو
نکرده ام بر فرشتگان خود و یا عزیر عاصی مشو بقدر طاعت خود بر عذاب من و بخواه
از من حاجتها خود بر مقدار عملی که بر من میکنی یا عزیر و زین بگرلبت از سلک سلوک
پیغامبر علیه السلام گفت ای کاشکی که پروردگار محمد نیافریدی محمد را و ابوبکر صدیق

رضی الله عنه گفت کاشکی که من صورت آدمی آفریده نشدمی و امیر المومنین عثمان رضی الله
عنه گفتی دوست میدارم چون بمیرم برانگیخته نشوم از خالصة الحقایق ابو هریره رضی الله
عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود شش گروه بسبب شش چیز در آیند در دوزخ روز
قیامت بی حساب گفتند یا رسول الله ایشان که اند فرمود که امیران بجور کردن
عرب متعصب کردن و دهقانان بکبر کردن و بازرگانان بخیانت کردن و روستاییان
بنادانی کردن و عالمان بحسد کردن مثل آن عالمان که دنیا خواهند به یکدیگر حسد کنند
و پیغامبر علیه السلام فرمود مر صحابه را شما میدانید که مفلس کیست گفتند که خدای تعالی
و رسول خدای به داند گفت مفلس آن است که بیارد روز قیامت حسنات او مانند
کوهها باشد و لیکن بگو بنده این بدگفته است آنرا و بکوفته است آنرا و گرفته است مال آنرا و بکشته است
خون آنرا پس آن خصمان همه حسنات او بگیرند و هیچ حسنه او را باقی نمانده و در تفسیر منیر
رضی الله عنه روایت کرد و پیغامبر علیه السلام فرمود چون امت من بیارند ده خصلت را لازم
گیرند عذاب خدای بر ایشان فرود آید یکی آن بود که غنیمت را باشند جز دولت قسمت کنی
بیشتر توانگران و درویشان را کم دهند و امانتها بغنیمت گیرند و زکوة دادن
چون تاوان شمرند و فرمان زنان کنند و در مسجدها آواز بلند بدارند و از کار بمهری
و چند دشنه و محلتها و بدان را از بیم بدی گرامی دارند و در آن اما را زاد
دا گرامی ندارند و با پدران جفا کنند و خمر خوردن گیرند و مردان ز جامه پوشند
و کنیزکان مطربه دارند و رودها زنند و آخر این امت اولیانرا لعنت کنند پس یاران
یاد آن پیغامبر علیه السلام آنگاه که چنین شود چشم دارند مر آمدن عذابها بادی سرخ
که بر آید و هلاکی ایشان در آن بود و یا بزمین شان فرو برند و یا مسخ کنند چون خوک
و کپی اللطف و در خبر است انس مالک رضی الله عنه گفت از رسول علیه السلام شنیدم چون
خدای تعالی بنده نیک خواهد پیش از مرگ یک سال فرشته بر وی گمارد تا هر زشتی

که بیند بوی نماید تا آن بنده بر بهتر میکند و بر چه خیرات مینماید تا آنرا آگاهی بیند و چون
خدای تعالی بنده بد خواهد پیش از مرگ بوی بروی کار و تا بهشت نیز تا چشم او
نیکو نماید و نیکها هم زشت نماید تا این میکند و این میکند رو [illegible] که رسول
علیه السلام دعا کرده است ای بار خدای هر که نرمی کند با امت من تو نرمی بکن بر وی و
هر که دشوار روا دارد بر ایشان تو دشوار دار بر وی و یقین است که دعا رسول علیه السلام
مستجاب است [illegible] علیه السلام گفت ای [illegible] پیغمبر عالم علیه السلام گفت فردا
قیامت اول بیارند آنکسی که ظالمی بناحق کشته است و چون [illegible] گناه وی روا کرده
کشته او را نیز حاضر کنند که خداوندا ای بار خدای این ظالم بناحق کشته است پس حق تعالی
فرماید چرا کشتی او گوید مرا امیر فرمود حق جل جلاله گوید من ترا [illegible] فرمان من که
خدایم نکردی فرمان او کردی تو امید نگونسار [illegible] دوزخ فرو در افکنند فرو د
بیرون تا قعره دوزخ از [illegible] چهل سال [illegible] و رسول علیه السلام فرمود
[illegible] چنین [illegible] و سختی دل است از کثرت گناهست و کثرت گناه [illegible]
امید است و دوری [illegible] و [illegible] هم گناهست [illegible]
[illegible] عایشه رضی الله عنها آمد و گفت [illegible] دیگر کرده [illegible]
[illegible] گفت من [illegible] که چیزی آموخته [illegible] و چون در آمد [illegible]
[illegible] و دیگر [illegible] رفتیم تا بجائی رسیدیم که دو شخص دیدم
نگونسار [illegible] گفتند [illegible] تا [illegible] نزدیک
آن [illegible] دیدم گفتم [illegible] گفتند [illegible] گفتند بشنید
فرمان [illegible] فرمان بکردم گفتند [illegible]
[illegible] دیدم سپید [illegible]
سپید [illegible] آمد و [illegible] آسمان [illegible] آمدم و گفتم چنین [illegible] دیدم گفتند

اما نوله

اما [illegible] برفت اکنون بیاموز پس آن کلمات که ایشان برخوانده بودند می یاد کردم
و باز در خانه آمدم از زیر آنها [illegible] بزمین افکندم و آن سخنان خواندم و درو [illegible]
برست و [illegible] و [illegible] آن چون [illegible] آمد در حال [illegible] شدم [illegible]
کا [illegible] مرا چه گوئی تو بهشت عایشه رضی الله عنها به [illegible] و [illegible] صحابه رضی الله عنهم
[illegible] هیچ کس حکم نکردند [illegible] تو [illegible] و تعالی داند که حال او بقیامت چگونه باشد
الیف از تفسیر در قصه معراج پیغامبر گفت علیه السلام دوزخ [illegible] پیش من آوردند
قومی دیدم از امت خود که لبهاء ایشان می بریدند گفتم یا جبرئیل ایشان کیانند
گفت دانشمندان امت تو که دروغ و بهتان گفته اند قومی دیگر را دیدم زبانهای [illegible]
گفت این شاعرانند و قوم دیگر را آتش در [illegible] ایشان گفت خورنده کان مال یتیمانند
[illegible] و قومی شکمها بزرگ شده هر ساعت بروی در می افتند گفت ربا خوارانند و
[illegible] گنده تر از هم بو [illegible] گفت زانیانند و قومی در گوشها و چشمها [illegible] فرو کرده
گفت [illegible] و قومی از سر تا پای آتش گرفته گفت که ایشان آدبست تمام نکرده اند
و قومی هم موی [illegible] آتش گرفته گفت [illegible] و قومی که [illegible] گفته
گفت کم و [illegible] قومی [illegible] آهنین [illegible]
[illegible] که [illegible] گفت آنکه رکوع و سجود تمام نکرده اند
قومی که زبانها از [illegible] بیرون کشیده اند و [illegible] میکردند از
زرد آب و زخیان در گلوی شان می ریختند گفت می خوارگانند و زنانرا دیدم
پستان فرو ریخته و ماران هم [illegible] گفت آنکه بچگان خود را خود شیر دادند
تا فربه شوند و قومی زبان دهن [illegible] گفت گواهان دروغ [illegible] گفت
بیشتر اهل دوزخ توانگران دیدم و زنان جهودان و ترسایان پس گفت دیدم
بر منبرها از نور چون کلمه اخلاص بر زبان راندندی نور از دهنها ایشان بیرون

بیرون آمدی گفت این موذنانند که بانگشان بخشیده کرده اند و قومی با نگشان زمیکردند
اما فوزی بود در و بنهاد شان شکسته گفت این موذنان که بانگشان بخشیده نکرده اند
و آورده اند که شیخ ابوبکر وراق رحمة الله علیه در محلت او سگی کزنده بود و هر گاه
که شیخ ابوبکر از خانه در مسجد رفتی و یا از مسجد در خانه آمدی سگ از راه دور شدی
تا خواجه بگذشتی یک روز شیخ از مسجد در خانه می آمد سگ برجست و پای شیخ بگزید شیخ
در رنجه ماند در خانه آمد نعلین از پای کشید و در ته آن نظر کرد مورچه در ته نعلین
مرده بود با خود گفت چون من مورچه را بکشتم بغیر حق لاجرم حق تعالی سگ را گماشت
بر پای من تا بگزید و تفسیر زاهدی از تفسیر منیر درست از پیغامبر علیه السلام
هر که یک زنا کند هفتاد سال طاعتش حبط کند و اگر تقیاست با هفتاد زنا جای کار
او به ان بسی جانند که یک شربتی خورده از تفسیر منیر و در حدیث است ای مردمان
بپرهیزید از زنا که در زنا شش خصلت است سه در دنیا و سه در آخرت اما آنکه در
دنیاست زیبایی روی او ببرد و فقیر شود و عمر نقصان و اما آنکه در آخرت است
ایزد تعالی در خشم باشد بر وی سخت حساب باشد و بر وی جاوید در آتش باشد
و رسول علیه السلام فرمود اعمال امت من عرضه میکنند بر من و بر او بینند و بالیس سخت
ترین خشم خدای تعالی است بر زانیان و وهب منبه گفت نبشته دیدم در توریت زانیه
نمیرد تا فقیر نشود و قوال نمیرد تا کور نشود و پیغامبر علیه السلام فرمود بیرون آیند روز
قیامت خمر خواران کور و خود بوی او کنده تر از مردار باشد و کوزه خمر در گردن
او آویخته و قدح بر دست در میان گوشت و پوست او ماران و کژدمان باشند
و نعلین آتشین در هر دو پای او باشند از گرمی آن و کژدمان باشند و نعلین آتشین
در هر دو پای باشد از گرمی آن مغز او چون دیگ جوشد و از گور روی وی را
بکشانند از دوزخ برابر و قوتوالی بکی باشد نقل از کتاب نجم الدین سعید بن [illegible]

کرد

گوید

رحمة الله علیه قابیل را گفت تا انگاه که مست شد و قوم نوح او را بیازردند
تا انگاه که مست شدند و قوم لوط او را نیازردند تا انگاه که مست شدند و قوم
موسی گوساله نپرستیدند مگر پس از انکه مست شدند و هاروت ماروت آن معصیت
نکردند مگر از پس انکه مست شدند و ایضا حکایت کنند که زنی نان میپخت کودکی
گرفت زن همسایه را گفت این مقدار نان من بپز زن همسایه نان بخت نشوی
آن زن بیامد و آن نان با میخواران بخورد و پس آن زن همسایه مرد او را
بخواب دیدند از پس بیست سال در او را پرسیدند که حال تو چگونه است گفت
سال است تا مرا عذاب میکنند از برای انکه نان بخت تا میخواران بخوردند ایضا
حکایت کنند بارسائی بود او را پری خورد و بمرد به رشی او را در خواب دید
هم موی سپید شده گفت ای پیر تو را خورد بگور کردم چگونه است که موی سپید شده
می بینم گفت ای پدر اندرین همسایگی مامیخواره را در گور کرده اند از گور
او آتش بفروغ زد هیچ کودک نماند درین گورستان که نه همه را موی سپید شد
از هول آن ذکر لعب شطرنج و مقام آن از تفسیر منیع پیغامبر علیه السلام گفت بدرستی
خدای تعالی در هر روزی سیصد و شصت نظر میکند سوی اهل زمین و رحمت میکند بر آن
بندگان الی بیت از آن نصیب اهل شطرنج را و پیغامبر علیه السلام فرمود آن وقت حساب
هم بندگان حساب اهل شطرنج کنند و لعنت کند خدای تعالی هر آنکس را و شطرنج بازد
و هر که بازی کند شطرنج به رشته که او عاجز بود و بخدای و رسول خدای و پیغامبر
علیه السلام فرمود دیدم بر من جبرئیل صلوات الله علیه لون او متغیر شده بود
گفتم یا جبرئیل چیست که بشره تو متغیر شده می بینم گفت نظر کردم در دوزخ وادی
دیدم از آتش بر می جوشید پس مالک را پرسیدم کراست این وادی گفت مرکسی
را که شطرنج باختند و دوم می خواران را و سیوم مقامران را ذکر عقوبت [illegible]

زنان از تفسیر منیر رسول علیه السلام فرمود هر زنی که خیانت کند شوی خود را در مال
یا در فراشش بر و ولیکن آن زن از بهشت و نظر نکند خدای تعالی سوی آن زن در
دنیا و نه در آخرت و رسول علیه السلام سخت ترغضب خدای است بر آن زن که خیانت کند بر شوی
او بوی بهشت نیابد ایضاً از تفسیر منیر رسول علیه السلام فرمود که ام رشت که او عبادت
کرده است همچون عبادت مریم بنت عمران و شوی او از وی خشنود نبود قبول نکند خدای
تعالی عبادت او را و او را آرد او را با منافقان در دوزخ در درک اسفل مگر آنکه توبه کنند

ذکر توبه و ندامت و سبب عفو گناه از خالصة الحقایق ابو درداء رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام
روایت میکند که گفت خدای تعالی فرموده است چون توبه کند بندهٔ مومن فراموش
دهم او را از اعمال و فراموشی دهم مکان او را و فراموشی دهم ملایکه که او را
محافظت میکنند تا گواهی نده بر وی از کفایة الشعبی و روایت از ابو هریره رضی الله
عنه که رسول علیه السلام فرمود بنالید زمین بحضرت عزت یا رب بدرستی که صبر نماند مر بسیاری
گناه بندگان تو و بر پشت مرا بحکم تو پس فرمان ده مرا تا فرو برم ایشان را گفت
خدای تعالی بزرگی به راستی که بندگان من در میان امهال اند اگر توبه کنند قبول کنم توبه
ایشان و یا بیرون آیند از صلب او فرزندی صالح تا دعا کند او را و یا پیش من
آرند انتقام کنم و از تو گواهی خواهم بر وی روز قیامت ایضاً مرویست
که رسول علیه السلام بر قصابی گذشت خواست تا او را سلام گوید جبرئیل علیه السلام
آمد و گفت یا رسول الله خدای تعالی ترا سلام میگوید و نهی میکند که این قصاب
را سلام مکن رسول علیه السلام سلام نکرد روز دیگر رسول علیه السلام باز بدان قصاب
گذشت خواست تا سلام کند جبرئیل علیه السلام بیامد و گفت یا رسول الله خدای
تعالی میفرماید که امروز این قصاب را سلام کن و رسول علیه السلام گفت یا جبرئیل
چه بود جبرئیل علیه السلام گفت این قصاب را دوش تب آمده بود و شصت

ساله گناه او بدان رفته است رسول علیه السلام گفت یا جبرئیل خاصه مر این را است
یا برتمام گفت بر تمام است مر کل مسلمانان را ایضاً در خبر است که پیغامبر علیه السلام شنود
روز قیامت آواز قومی از امت خود در دوزخ بگویند وا محمداه وا نبیاه
و اسیداه پس پیغامبر علیه السلام بگوید یا رب امتی پس خدای تعالی بگوید ایشان عاصیانند
پیغامبر بگوید کجاست شفاعت پس بگوید خدای عز و جل یا محمد ایشان خونیان
و ظالمان اند پس رسول علیه السلام بگوید خدای تعالی یا رب پس کجاست رحمت پس
رسول علیه السلام گفت خدای تعالی بگوید مر ایشان خصمانند پس رسول علیه السلام گوید یا رب
پس کجاست خزانه پس بیرون آرد خدای تعالی از آتش و خشنود کند خصمان ایشان را
و در آرد ایشان را در بهشت و حکام بن سلمه گوید گفت که نزدیک ما فاسقی بود در عهد
فسق بودی و هر گاه که گناه کردی آنرا اثبات کردی در ملطفه کاغذ شده بود از
گناهان او روزی خمر میخورد تا مردی رافضی چون قدح خمر آن رافضی بدست
کرد جام ابو لؤلؤ قاتل عمر خطاب این فاسق تفکر کرد که این رافضی را بکشم از برای
محبت امیر المومنین عمر را رضی الله عنه تیغ کشید و او را بکشت و در خانه خود آمد
و نام این رافضی در یک ملطفه گناهان خود نبشت و ملطفه گناه را مطالعه کند تمام سپید شده
دید و ملطفه دیگر تفحص کرد هم سپید شده دید متحیر ماند در ملطفه نبشته دید که عفو کرد
خدای تعالی جمله گناهان گذشته بود ترا و هر که باز عود کند منتقم خدای تعالی است
و آورده اند که مردی بود از وی دایم بوی مشک آمدی و مردمان در تعجب
بودند که شب و روز از وی بوی مشک می یافتند چون مدتی بگذشت بر وی
تفحص کردند مشک نیافتند تعجب ایشان زیادت شد الحاح کردند از وی پرسیدند
ماجرای حال خود گفت که زنی عاشق و دیوانه من شد مرا هر بار میخواند من اجابت
نمی کردم چون مدتی یافت حیله کرد و مرا در خانه خود طلب کرد و در قفل کرد با خود

آید شنیدم که خلاصی چگونه باشد با او گفتم که در بیخانه متوضای است مرا حاجت انسانی هست
خاطر فارغ کنم بیایم مرا فراغت جای نمودند در آن رفتم خود را و جامها و طعام در بیت
آلوده و بیرون آمدم مرا گفت این چه کردی گفتم پایم لغزید آلوده شدم مرا راه دهید
بروم و برو جامه بشویم بیایم در بکشادند بیرون آمدم و در رود جیحون رفتم غسل کردم و جامه
شستم و خدای تعالی را حمد گفتم شکرانه آنکه مرا از زنا رهانید از آن روز باز اندام
من بوی مشک می آید و آورده اند که عبد الله مبارک رحمة الله علیه میخواست انگور
بهالستاند یک دانه انگور بخورد از برای چشیدن را چنانکه عادت مردمانست
پس تفکر کرد که این دانه انگور بغیر اذن صاحب او خوردم پشیمان شد انگور فروش
را گفت که ازان یک دانه انگور صلح کن بیک ابک او قبول نکرد یک درم گفت هم
قبول نکرد ده درم نقره گفت صلح کن نکرد بیست درم نقره خصم انگور راضی نمی شد
تا نهصد درم نقره رسانید انگور فروش صلح کرد و راضی شد نهصد درم پیش
او آورد و داد انگور فروش خندید گفت که بدان یکدانه انگور نهصد درم
از تو ستدم عبد الله مبارک گفت اگر صلح نمی کردی تو بدین زیادت می کردم ترا تا
پانزده هزار درم می رسانیدم که بملک من بود فصل ششم در زبان رکفته
شیخ آورده است که امام اعظم ابو حنیفه رضی الله عنه را دیدند در آفتاب نشسته بودند
در آن روزی که آفتاب سخت گرم بود در پهلوی او درسایه دیواری بود گفتند
مر او را ای امام مسلمانان چرا بسایه دیوار نمی نشینی گفت که صاحب دیوار وام می
دارد ولیکن کراهت می آید مرا که نفع کیرم بسایه دیوار او از تفسیر منیر روایت
کرد ابو هریره رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام آن شب که بمعراج مرا بردند در آسمان
هفتم رسیدم آواز ها شنیدم از رعد و صاعقه و برق که می جست و دیدم مردمان
را که شکمها ایشان چند خانها و ماران است جبرئیل علیه السلام گفت این ربا خوران اند

وراز عبد الله

و از عبد الله بن سلام روایت کرده در ربا هفتاد و دو بزه است کمترین آنست
که کسی در مسلمانی با مادر خود زنا کرده یک درم از ربا بتر از سی هفت بار که زنا کند
و بقیامت خدای تعالی فرمان دهد تا هم خلق از نیک و بد بایستاد و پیش خداوند تعالی
ربا خوران کان نتوانند ایستاد هر باری می افتند چنانکه دیو کسی را دیوانه کرده
باشد از دیوانگی روایت از امیر المومنین علی رضی الله عنه که رسول علیه السلام لعنت
کرد ربا خوار را و مر ربا ستاننده او گواه او و نویسنده قباله را لعنت کرد و آنکس را
که بر زن سه طلاق کند و آن کس که حلاله کند و آن زن را که خود را بحلاله دهد و آن
کسی را که زکوة باز گیرد و یا صدقه و در تنبیه ابو اللیث روایت کند ابن عبد الله رحمان
گفت هر شهری را که بلای نزدیک آید اندر وی چهار چیز کنند اول اندر وکم سنجند
دوم پیمانه کم پیمایند سیوم زنا آشکارا کنند چهارم ربا خوردن آشکارا شود
چون ربا اندر آید و پیمانه کم کنند آنگاه باران از آسمان بازایستد و چون ربا خوردن
آشکارا شود دشمنان مختلف در میان ایشان افتد از تفسیر منیر پیغامبر علیه السلام فرمود
پنج چیز به پنج چیز است گفتند چیست پنج به پنج فرمود که نقض عهد نکنند قومی الا که مسلط کند
خدای تعالی بر ایشان دشمنان ایشان را و حکم نکنند خلاف حکم کتاب خدای تعالی
مگر آنکه مبتلا کند ایشان را و ظاهر نشود در میان ایشان فاحشه مگر آنکه فاش شود در میان
ایشان مفاجا و کیل و ترازو کم سنجند مگر آنکه بر دارد خدای تعالی برکت
از نباتهای زمین و باز ندارند زکوة را مگر آنکه باز داشته شود از ایشان باران
و در خبر است چون خواهد خدای تعالی که قومی را هلاک کند ربا میان ایشان
آشکارا شود والله اعلم باب یازدهم در صله رحم و حقوق مادر و پدر
و حسن و رفق مشتمل بر سه فصل فصل اول در صله رحم و پیوستگی خویشان
و نه آن و قرابان و تفقد حال ایشان و پیوستن یاران و همسایگان و ذکر

فضیلت و ثواب پیوستن صله رحم از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمود به راستی
که در بهشت درجه ایست نرسند بدان درجه مگر سه کس امام عادل و آنکه صله رحم آرد و بار
رحم محروم بود دیگر صاحب عیال که صبور باشد پس امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت
یا رسول الله چیست صبر صاحب عیال رسول علیه السلام فرمود منت ننهد بر آنکه نفقه کند
بر ایشان و ابو طفیل رضی الله عنه گفت که بدیدم من زنی را نزدیک رسول علیه السلام
که بگسترانید از برای او ردای مبارک خود و آن زن بالای ردا بنشست من پرسیدم
که این زن کیست گفتند مادر رضاعی است که پیغامبر علیه السلام را شیر داده است و رسول
علیه السلام فرمود به راستی که اگر اهل خانه با یکدیگر پیوستگی کنند روان کند خدای تعالی
بر ایشان رزق و باشند در پناه خدای عز و جل و حقیقت صله رحم اینست که پیغامبر
علیه السلام فرموده است در صله رحم پیوسته باشی اگرچه دور گامی بر وی و اهل حقیقت
گفته اند صله رحم چیست سلام گفتن و طعام دادن و تفقد حال کردن در غیبت و پیدا
در حالت رحمت و لهذا گفته اند که تفقد بیگانه قرابت شود و ترک تفقد خویشاوندان
بیگانه کردند و پیغامبر علیه السلام فرمود سه کس در سایه عرش خدای تعالی باشند روز
قیامت که هیچ سایه نباشد مگر سایه عرش که قرابتان و خویشاوندان پیوند و رزق
او فراخ کرده و عمر او دراز کند و دیگر زنی که شوی او مرده باشد و فرزندان یتیم و
صغیر گذاشته و آن زن شوی دیگر نکند از سبب فرزندان و دیگر مردی که طعامهای خوب
و لطیف بسازد و یتیم و مسکینان را دهد از تفسیر منیر پرسیده شد از پیغامبر علیه السلام
نیک مرد کیست گفت آنکس که در وی سه خصلت باشد یکی آنکه پیوند کند با آنکه از وی ببرد
دوم عفو کند از آنکس که او آزرده باشد سیوم عطا بخشد آن را که عطا از خود
از وی باز گیرد و آورده اند که مردی بود درستی او را عیال بسیار داشت
عاجز شد از ایشان خواست تا آن مقام فرا زجا بود و از ایشان روی بتابد

نقل

و از آن موضع بیرون آمد حق تعالی فرشته را بصورت آدمی بفرستاد
و برا گفت ای مرد از کاری خواهی کرد و با جرت بکه نیاز آن مرد گفت کدام کار
خواهی فرمود گفت همین کار که آب از چاه بیرون آری آن مقدار که یک
گنجشک را کفایت باشد سیراب شود آن مرد گفت سهل کاریست بر سر چاه آمد و دلو انداخت
آب کشید و در غنچکی ریخت گنجشک بیامد و آب خوردن گرفت هرچند که بیرون می آورد
گنجشک سیر نمی شد آن مرد از کشیدن آب عاجز آمد چون خسته شد گفت مرا اجرت تو
باید من اجرت ترک دادم مرا خلاص ده بدرستی که این گنجشک سیر نخواهد شد
پس فرشته گفت ای ضعیف قومی تو از یک گنجشک آب دادن سیر کرد از لیس چگونه قدرت
آن باشد که ترا عیال خود را نفقه دهی که از ایشان میگریزی آن مرد باز گشت
و دانست که روزی دهنده باری تعالی است و پیغامبر علیه السلام فرمود که سه از زنان
که بردارد خدای تعالی از ایشان عذاب گور و حشر کند ایشان را با فاطمه رضی الله
عنها زنی که صبر کند بر غربت خود و زنی که صبر کند از نیازی خود و زنی که بخشد کند
مهر خود شوی خود را از برای محبت خدای تعالی و رسول خدا و ببخشد خدای
تعالی هر یکی از ایشان را عبادت هزار ساله از تنبیه ابو اللیث ابو هریره رضی الله
عنه گفت که روزی اعرابی پیش پیغامبر علیه السلام آمد و چهار خصلت سبیل گرفت یا رسول
الله خبر کن مرا بچیزی که مرا در بهشت نزدیک کند و از دوزخ دور گرداند گفت
گفت که ایزد تعالی را پرستی و بپرستی بیگانگی و با او انباز نگویی و نماز ها بپای داری
و صدقه داده و زکوة و رحم پیوسته داری رسول علیه السلام گفت خبر کنم
شما را کسی که صدقه فرموده اند که و لیکن ثواب آن بسیار گفت آن باشد
که آشتی دهد میان دو کس که سخن با ز گفته باشند و روایت کرده ابو درداء که یاری از
صلی به بود گفت اگر بهشت چیز خواند از بهشت چیزی دیگر عاجز شوید ازک آنکه بهر کله فضل

فضل

نماز شب خواهد و خفته بماند بر وی باد اگر بر وی گناه نکند دوم هر که روزه
قطوع خواهد باید از اکثر روزه دارد زبان نگاه دارد از لغو و فحش سیوم
هر که فضل علم خواهد با خود اندیشه کند از کار آخرة چهارم هر که فضل غازیان
خواهد وی بجایگاه نشسته باشد پیوسته با دیو جهاد کند پنجم هر که فضل صدقه
خواهد هیچ چیز ندارد از علم بشنود و از آن علم کسی دیگری بیاموزد ششم
هر که فضل حج خواهد و وی عاجز باشد نماز جمعه بپای دارد هفتم هر که فضل
عابدان خواهد آشتی دهد میان مومنان و دشمنی میفکند هشتم هر که فضل
ابدالان خواهد هر چه خود را نپسندد دیگران را نپسندد و آورده اند
خواجه شقیق بلخی زنی داشت به خلق خواجه را رنجانید ند چرا این زن را رها نمیکنی
ترا ایذا میکند گفت این زن رها کنم من مثل او باشم در خلق و دیگر این میترسم
که این زن ضایع ماند مردی دیگر این را نخواهد از خالصة الحقائق ابو هریره
رضی الله عنه گفت رسول علیه السلام فرمود حق مسلمان بر مسلمان شش است پرسیدن
بیمار و لیس روی جنازه و جواب عطسه چه گفتی و سلام کفتن چون ملاقات
شود و اجابت دعوت کردن و نصیحت کردن چون طلب نصیحت کند از لطیف
ذو النون مصری گفت رحمة الله علیه علامت اهل بهشت پنج است روی خوب
با شناست و خلق خوب و صله رحم بجا آوردن و زبانی لطیف و باز بود دل
از جواهعا و علامت اهل دوزخ پنج است خلق بد و دلی سخت و از نگاه سیاه
و زبانی درشت و روی ترش کرد بریدن رحم از خالصة الحقائق رسول
علیه السلام فرمود در روز و در بهشت کسی که از خوف خدا وندان ببرد و پیغامبر
علیه السلام فرمود به آن خدایی که فرستاد مرا بحق که قبول نکند خدای عز و جل
صدقه از مردی که مرا و را قرابتان باشند محتاج بصدقه او و او غیر ایشان را

صدقه دهد پیغامبر علیه السلام فرمود که رحم دو رخ است چنانکه او در یکدیگر پیوسته
و رحم مشتق است از رحمان پس هر که آن را ببرد حرام کرداند خدای تعالی بهشت
بر وی و پیغامبر علیه السلام فرمود محبت پدر موروث است و محبت یکماه قرابت است
و محبت یکسال رحم است هر که بپیوندد خدای تعالی با وی بپیوندد هر که ببرد خدای
تعالی با وی ببرد از تفسیر و در خبر است که خدای تعالی فرمود بیافریدم رحم
را چون پوست درخت بر درخت سبز پس گفت بدانکه هر که با رحم بپیوندد او را
در بهشت در آرم و هر که با رحم ببریده باشد او را در دوزخ کنم دیگر هر که
دوست دارد که روزی او فراخ گردد و در اجل تاخیر کو رحم پیوسته دار
و عبد الله بن اوفی گفت نزدیک پیغامبر علیه السلام نشسته بودم شبانگاه پیغامبر
علیه السلام فرمود که حلال نیست کسی را که او رحم بریده است تا برخیزد از میان
ما هیچ کس برنخاست مگر مردی از آخر مجلس برخاست و برفت و زود باز آمد
پیغامبر علیه السلام گفت مر او را که از میان قوم هیچ کس برنخاست مگر تو گفت
یا رسول الله چون از تو خبر شنیدم خاله بود مرا که از وی بریده بودم
نزدیک او شدم که با او صلح کنم مرا گفت که ترا آورد نزدیک من و
تو خود نمی آمدی پس او را خبر کردم که پیغامبر علیه السلام چنین گفت پس خاله مرا
دعا بسیار و از بهر من آمرزش خواست پس رسول علیه السلام او را گفت
که نیکو کردی بنشین که رحمت فرود نیاید میان قومی که قاطع رحم باشند
از تنبیه ابو اللیث حکایت و فی مردی خراسانی بمکه بود مردی پارسا بود که مردمان
بدست وی امانتها نهادندی و قیل مردی نزدیک او ده هزار درم امانت
داشته بود و خود بشغلی برفت از مکه چون بمکه باز آمد آن مرد خراسانی مرده
مرده بود پرسید از زن و فرزندان او از حال امانت که نهاده بود گفتند

که چیز ندارم پس آن خداوند مال نزدیک فقهاء مکه باز آمد و گفت که من بدست فلان
خراسانی ده هزار درم امانت داشته بودم و او وفات یافت و از زن و
فرزندان او پرسیدم همگو نهند که ما هیچ چیز نداریم چه میفرمایید شما اندرین کار ایشان گفتند
امید داریم که آن مرد خراسانی از اهل بهشت است از آنچه پرهیزکار بود چون
ثلث یا نیمه گذشته باشد بر سر چاه زمزم فرو کن و بانگ کن که فلان بن فلان من آن
خداوند امانتم که نزدیک تو نهاده بودم پس آن خداوند امانت سه شب همچنین
صفت کرد و بانگ کرد البته کسی او را جواب نداد پس باز نزدیک فقهاء مکه آمد
و ایشان را خبر کرد و گفت ای امامان مسلمانان سه شب بانگ کردم و بر چاه زمزم فرو کردم
و بانگ کردم هیچ جواب نیامد و ایشان گفتند انا لله و انا الیه راجعون
ترسیم که آن خراسانی از اهل دوزخ است پس خداوند امانت را گفتند ترا یمن
باید رفت و آنجا وادی است که آنرا برهوت گویند اندران وادی چاهی است
بر سر آن چاه شو از آنکه از شب نیمی گذشته باشد آنگاه بانگ کن که یا فلان بن فلان
من خداوند آن امانتم که نزدیک تو نهاده ام پس خداوند امانت بکرد و آنچه او را
فرموده بودند همچنین بانگ بر سر آن چاه فرو کرد و آواز داد جواب باز یافت
پس خداوند امانت او را گفت مرا خویشان و ندان بودند بخراسان و من از ایشان
ترسیده بودم و بگذاشته بودم خداوند تبارک و تعالی مرا بدان بگرفت و از اهل
دوزخ کرد اما بدان امانت تو برجایست و من بر فرزندان خویش ایمنی نداشتم
و بدست ایشان ندادم و فلان جایی بزیر زمین کرده ام بگوی فرزندان مرا تا
ترا بدان جایی برند که ترا نشان میدهم بکن و آن امانت خویش برگیر پس خداوند
مال همان کرد که او را فرمود و آن امانت خویش بدان جایی یافت و برگرفت
مردمان آن روزگار را از حال خراسانی عبرت گرفتند انس مالک گفت رضی الله عنه

که رسول علیه السلام فرموده است پنج گروه اند که ایشان را نماز نیست اول زنی که شوی
او از وی خشنود نبود دوم بنده که از وی خداوند گریخته باشد سیوم آنکس که
از برادر مسلمان افزون از سه روز سخن باز گیرد چهارم مر آنکس را که بخوردن خمر
معتاد باشد پنجم امامی که مر قوم را امامت کند و آن قوم کاره باشند مر او را ذکر
حقوق فرزندان از خالصة الحقایق امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام
فرمود ختنه کنید بچگان را اندر روز هفتم از ولادت به درستی که پاکیزه ترست تن او و زود
ترست برستن گوشت و خوش کننده است مر دل را روایت ابو هریره رضی الله عنه
پیغامبر علیه السلام گفت هر که دشنام گوید فرزند خود را لعنت کند خدای تعالی او را
و بنویسانند بر وی گناه بعدد ستارگان آسمان و برگ درختان و بگشاید در گور
وی دری از عذاب از تنبیه ابو اللیث ابو هریره رضی الله عنه روایت کرد از پیغامبر
علیه السلام فرزند را سه حق است یکی آنکه چون بزاید نام او نیکو نهد دوم آنکه
چون بزرگ شود او را قرآن بیاموزد سیوم آنکه چون بالغ شود از بهر وی زن خواهد
انس مالک رضی الله عنه گفت هفت گروه را از پس مرگ ثواب نویسند یکی آنکه هر که
چشمه کند یا جویی بیرون آرد تا جانوران آب میخورند و منفعت همی گیرند او را
همی نویسند سیوم آنکه مصحف نویسد تا هر کسی که دران مصحف می نگرد و میخواند او را
ثواب همی نویسند چهارم آنکه هر که درختی نشاند تا از آن درخت مردمی یا جانوری
همی خورد و یا از سایه او منفعت همی گیرند او را ثواب همی نویسند پنجم هر که سنتی نهد
در میان خلق بنیک تا مانده اند که بدان سنت روند او را ثواب همی نویسند ششم
آنکه کسی را علم بیاموزد تا بدان علم کار همی کند او را ثواب همی نویسند هفتم آنکه
از او فرزندی ماند نیکبخت و نیک مرد و پدر او را علم و قرآن آموخته باشد و آن
فرزند او را دعا کند و از ایزد تعالی آمرزش میخواهد او را ثواب همی نویسند بدانچه

فرزند میکند از تفسیر منیر رسول علیه السلام فرمود هر که را پسر روزی شود و نام نکند یکی
را از ایشان محمد پس او از جاهلان باشد و رسول علیه السلام فرمود جبرئیل
علیه السلام و گفت یا محمد به درستی که خدای تعالی بر تو سلام می رساند و میگوید بعزت
وجلال من که عذاب نکنم و آتش حرام کنم بر وی که بنام تو خوانند و رسول علیه السلام گفت چون
نام می کند مومن فرزند خود را محمد پس ندا کنند او را بنام بخوانند یا محمد اجابت کند او را
فرشتگان جمله عرش بگویند لبیک یا ولی الله به درستی که تو نزدیک ما شدی و را اجر
و بهره او را خدای تعالی روز قیامت ثواب جمله عرش و رسول علیه السلام فرمود هر که
میوه نو باوه از بازار بیارد بر عیال خود اول باناث دهد پس از ذکور به درستی
هر که شاد کند دل اینها را شاد کند دل او را خدای تعالی در آن روز قیامت
از نزع چون سخن گوید بیاموزد تعلیم کند او را اول کلمه لا اله تلقین کند هفت بار پس تلقین
این آیه فتعالی الله الملک الحق لا اله الا الله الا
هو رب العرش الکریم و تلقین کند او را آیة الکرسی و آخر سوره
حشر هو الله الذی لا اله الا هو هر که اینچنین بکند حساب نکند
خدای تعالی با او روز قیامت و عادت و هر او را ابکردن جراحت چون ابتدا
راستا خود را از احیاء خود پس به درستی که ثواب آن مر او را باشد و نباشد
بر وی از به بها چیزی و امر کند بنماز چون هفت سال رسید و بزند اگر نماز نکند او را
چون ده ساله شود ذکر پرسیدن جار و حق جوار از کفایة الشعبی مروی است
که رسول علیه السلام بیرون آمده بود در غزاتی پس امر کرد که ندا کنند مردمان
تا کسی که آزار رساند همسایه خود را و رنجاند او مصاحب ما نشود پس مردی
برخاست و گفت یا رسول الله من همسایه خود را همی رنجانم ولیکن بول میکنم در زیر
دیوار همسایه خود پس رسول علیه السلام گفت مر او را که مصاحب ما نباشی و آورده اند

که علی رضی الله عنها با پیغامبر علیه السلام بود گوسپندی درشت آنرا ذبح کرد
گوشت او صدقه داد و بر وی چیزی یا خانه مگر سر گوسپند زن را گفت این سر را
ببر بده زن را گفت همسایه ما محتاج است از ما پس آن سر را به آن همسایه خود
فرستاد و نداد آن همسایه آن سر قبول کرد و هم گفت از ما فلان کس محتاج است
بدو فرستاد و او مثل این نیز بر غیری فرستاد و همچنین در هفت خانه آن سر گشت
بعد از آن باز هم در خانه علی رسید و پیغامبر علیه السلام گفت که ایزد تعالی بقیامت
بر هفت مردم بنظر رحمت نکند و گویند شان که ای دوزخیان به دوزخ شوید
اول لوطیان دوم آن کس که است خود بدست خود برون آرند سیوم
آنکه با چارپایان بکرد آید چهارم آنکه با زنان فعل لوطیان کنند پنجم
کرد آید کان با دختر زن خویش ششم آنکه آن کس که زنا کند با همسایه هفتم
آنکه همسایه را بیازارند از تنبیه ابو اللیث ابو القاسم عبد الرحمن محمد گوید
باسناد خویش از حسن البصری رحمة الله علیه که پیغامبر علیه السلام را پرسیدم حق
همسایه چیست گفت حق همسایه آنست که چون وام خواهد وام دهی و چون بخواند
اجابت کنی چون بیمار شود بپرسی و چون یاری خواهد یاری دهی و چون مصیبتی
رسد تعزیت کنی و چون شادی بیند تهنیت کنی و چون بمیرد بجنازه او حاضر آیی و چون
غایب شود خانه و اهل بیت او را نگاه داری و از دیگ خویش او را چیزی
بچشانی تا آزرده نباشد از خالصة الحقایق سوال پیغامبر علیه السلام فرمود هر آن
مومنی که گرویده است بخدای عز و جل و بروز قیامت پس گرامی کند همسایگان
خود را و همسایگان بر انواع اند مومن است و مشرک است پس چگونه اکرام بود
در حق ایشان جواب پیغامبر علیه السلام فرمود همسایگان بر سه نوع اند همسایه است
که او یک حق دارد و آن همسایه مسلم است و همسایه است که او سه حق دارد آن همسایه

مسلمان و قرابت است پس بهترین قیاس کن و در اکرام ایشان **ایضاً** سؤال چیست
حق جوار و چیست حد ایذا رسانیدن و رنجانیدن جار **جواب** گفته اند حق جوار
تحمل کردن ایذا است و ایثار کردن نعمتها و حد ایذا اخبار قول پیغامبر علیه السلام چون تو
سگ همسایه را آزردی به راستی که همسایه را ایذا رسانیدی **فصل دوم**

در حقوق مادر و پدر و خشنودی ایشان از جامعة الحقایق رسول علیه السلام

فرموده است از فرزندی که نظر کند سوی مادر و پدر به نظر رحمت مگر آنکه بدهد خدای
تعالی بدان نظر ثواب حج و عمره گفتند یا رسول الله اگر نظر کند یکروزی هزار بار
رسول علیه السلام فرمود اگر نظر کند یکروز صد هزار بار از مقدار ثواب حج و عمره یابد
و ابن عباس رضی الله عنه گفت پیش مادر و پدر چنان باش چنانکه بنده باشد کنار بدکار
و خوار و ضعیف پیش خورنده کار درشت خوی و درشت روی و وهب بن منبه گفت که بتازی است
که خدای تعالی گفت مر عزیر را صلوات الله علیه که نیکویی کن در حق مادر و پدر به راستی
هر که نیکویی کند در حق مادر و پدر من خشنود شوم از او و من چون خشنود شوم برکت
کنم و برسانم برکت را چهارم جای در نسل او و هر که عاق شود بر مادر و پدر من خشم گیرم
از او و چون من خشم گیرم لعنت کنم و برسانم لعنت بچهارم جای در نسل او **و آورده اند**
که در عهد رسول علیه السلام جوانی بود صالح روزی بر گور مادر و پدر رفت برون
آمده گفت از دنیا مسلمان بوده اند و بتو ترک نیاورده اند اگر عذاب تو بر ایشان
است پس عذاب کن مرا بجای ایشان در دنیا و آخرة و ایشان را آزاد کن وحی کرد
ایزد تعالی سوی پیغامبر علیه السلام که بگو مر این جوان را که بگذار تو تو را مادر
و پدر را ... باید که تو گوری بر ایشان **و در خبر است** که روز قیامت
پرسیده شود زن از نماز پس از آن حق شوی و پرسیده شود بنده از نماز پس
از آن از حق مولی و انس مالک رضی الله عنه گفت مردی بخدمت رسول علیه السلام بیامد

مادر و پدر او

وگفت یا رسول

وگفت یا رسول الله وگفت حجت برادر و در آن مدت که ترا در حمل داشت و در آن وقت
که ترا شیر داد و حیث از خلق برادر که از حجت تو شبها بیدار داشت و تحفت و در روزها
تشنگی تحمل کرد و پس آن مرد گفت یا رسول الله من او را بالا بر دو کتف خود سوار کرده
در خانه کعبه برده ام و حج بیت الله گذارده ام پس رسول علیه السلام گفت بدان خدایی
که فرستاد مرا پیغامبری بحق که تو حق گذاری یک درد زه او نکرده و رسول علیه السلام
چون ترک آزردن بنده دعا مادر و پدر منقطع گرداند خدای تعالی از وی رزق
را در دنیا و رسول علیه السلام گفت که موسی صلوات الله علیه پیر برعرش مردی را
گفت یا رب این مرد کیست خدای عز و جل فرمود ای موسی تو را نام او نگویم ولیکن خبر
کنم از سه خصلت او تا این مرد در دنیا بود دنیاه حسد نکرده است بر مردمان
بر آنچه داده است ایشان را خدای تعالی از فضل خود و نیکویی کرده است در حق مادر
و پدر خود و امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرموده است
نیکویی کن بر مادر و پدر اگر چه سفر کنی دو ساله را و بر خم بپیوند اگر چه سفر کنی یک
ساله و بپرس بیمار را اگر چه یک میل باشد و اجابت دعوت بکن اگر چه
دو میل باشد و زیارت برادر مسلمان رو که بهر خدای تعالی باشد و مصافحه کن
او را اگرچه سه کروه باشد و رسول علیه السلام فرمود هر که نکو کار باشد با مادر و پدر
او را برکت بدهند ... از محمد حسن رحمة الله علیه منقول است اگر مردی را پدر و
و مادر کافر بوده باشند اگر دو شب ... نماز فرض شد خروج بر کل مسلم بالغ پس منع
کردند مادر و پدر کافر مسلم خود را از خروج به جنگ اگر باشد منع ایشان به وجه
از شفقت روا باشد او را که بیرون نیاید و اگر بیرون آید عاصی شود والا نه و
اگر منع کنند او را مر عزیز و ... کفر و خوار اسلام روا نباشد مر او را که بیرون
آید بغیر رضا ایشان پس حال کسی که مادر و پدر او موحد و مسلمان باشد **و در خبر است**

که موسی صلوات الله علیه در منجزه میکذشت در کوری دید که تو را نه آن کو زنانبوا
با چند ستون بود موسی علیه السلام دو رکعت نماز بکذارد و از حق تعالی بخواست تا راز
حال آن مرده خبر دهد حق تعالی فرمود موسی علیه السلام را که برو سوی آن کور و سوال
کن از آن میت پس موسی علیه السلام بیامد بر سر آن کور ربنا خداي تعالی
عز و جل که از میان بنکافت پس دید میت را و پیش او خوان زر نهاده و درو
طعام از نوروز و از آن تناول میکرد و از وی پرسید که این نعمتها از کجاست
آن میت کفت بدرستیکه مرا فرزندی است صالح و دعا کرده است مرا پس موسی علیه السلام
مر میت را کفت که شما فخر میکنید بفرزند صالح کفت یا پیغمبر خداي بدرستیکه ما فخر میکنیم
بفرزند صالح چنانکه شما فخر میکنید بنبوت بر جمله خلق از تفسیر منیر پرسیده شد فضیل
از بهر والدین کفت به تنحرد بخدمت کردن ایشان از کجا بلی و منقول است از ابو
یوسف رحمة الله علیه اگر ما در و پدر امر کنند با فروختن آتش بته خود باید که آتش
کند اگرچه در دیک خوک کوشت باشد و از خمر خورده کوزه خمر از دست پدر بگیرد
و در حدیث است هر که یاد کند ما در و پدر راز وی خشنود باشند و در از بهشت
مر او را کشاده باشند و اگر یک باشند یک در و آورده اند که مردی کفت مر ما در
خود را ما ده خر آن مرد نقل کرد و برا دفن کردند هر شب از کور وی آواز خر
شنیده شدی و در حدیث است حکایت از خداي تعالی کفت خداي تعالی
هر که عاق باشد بر ما در و پدر مرا هیچ کار نباشد بنویسم او را بد کردار
و هر که مرا بی فرمان باشد و ما در و پدر را فرمان بردار بنویسم او را نیکو
کار و پرسیده شد ابن عیینه از صدقه که بروح میت دهند کفت هر چه بدهند بروح
او بدو برسد اما نیست چیزی سود مندتر مردکان را از استغفار و اگر بهتر بی
از این بودی آن تعیین مودمی و در حدیث است بدرستیکه خداي تعالی بلند کرداند

درجه بنده را در بهشت پس او بکوید این درجه مرا است پس خداي تعالی بکوید این
درجه ترا با ستغفار فرزندت و مرویست چون یعقوب صلوات الله علیه
با یوسف ملاقات شد یوسف را نکذاشت که از مرکب فرود آید سوار [illegible]
[illegible] حق تعالی وحی کرد سوی یوسف صلوات الله علیه [illegible] پدر را [illegible] میکرد
بفرود آمدن از مرکب پس اکر نزول میکردی از مرکب از بهر ای پدر زاید بدرستیکه
بیرون می آوردم از صلب تو بعضا پیغامبر مرسل را پس کرام کردم پیغمبر
آن پدر تو بکردانیدم نبوت را بر ادران تو و آورده اند مردی مادر
و پدر خود را بخواب دید ما در را دید نام بود پس ما در را کفت حاجتی
داری کفت همین حاجت دارم که زیارت ما نکذاری و ما را بدعا یاد کنی
بدرستیکه بیامدن تو مرا اخر و زاد بیه بشارت میدهند چون بمی آئی مرا میکویند
باز ایستاد این پسرت بدرستیکه پیش تو آمده است پس من شاد میشوم و شاد میشوند
مردکان که در حوالی منند از تفسیر منیر خبر است از پیغامبر علیه السلام هر مومنی که این
آیت بخواند وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَلَهُ الْعَظَمَةُ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و ثواب آن مر ما در و
پدر را بخشد هم حق ایشان کذارده باشد و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که منت نهد
بر فقیر او ملعون است در دنیا و آخرة و هر که منت نهد بر ما در و پدر و برادر
و خواهر او دور است از خداي و دور است از رحمت خداي و دور است
از ملائکه و نزدیک است با آتش و مستجاب نیست دعا او و روا نشود حاجت او
و نظر نکند خداي تعالی سوی او در دنیا و آخرة از کفایه شعبی مرویست
که امیر المومنین عمر خطاب رضی الله عنه بیرون رفته بود و یاران برابر بود

زنی را دید پیری و ضعیف را با لا داشت خود و میدارد او از خود جدا نمیکند
تا هر ساعت که چیزی میخواهد میدهد امیر المومنین عمر رضی الله عنه در تعجب شد و یاران
را گفت چه میگویید این زن حق پدر تمام ادا کرد یاران گفتند بلی یا امیر المومنین
پس عمر گفت رضی الله عنه که من هم میگویم که این زن حق پدر را ادا کرد
بلکه زیاد است پس آن زن گفت غلط گفتی یا امیر المومنین من حق آن ادا نکرده ام
بدرستی که پدر و پرورش این در حق من بهتر از این پرورش من بود زیرا که در آن
هیچ بودم این مرا پرورده است بخدمت من و مهیا داشتی اسباب و رنج
می کشیده است و تمنا و من برده است بحیات من و ناخوش بود و بموت وی
اگر چه خدمت می کنم و لیکن مرگ این آرزو می برم امیر المومنین عمر گفت رضی الله
عنه هر یکی از مردمان فقیه تر اند از عمر و آورده اند که مردی بود دایم خمر خوردی
بعد از نقل او پسر او را بخواب دید پدر را پسر نشناخت که در عذاب
سوخته شده بود گفت پدر را که تو پدر منی پدر گفت که تو پدر من نیستی که پدر من
مردی بود خوب روی پدرم نشانها گفت از خوردن خمر چون پسر از خواب
بیدار شد چیزی که بروی موجود بود بر روح پدر صدقه کرده و سوی آب گرفت
و خلق را آب میداد چون مدة دو ماه مردمان را آب داد و در شب پدر را بخواب
دید قوی خوش و نیکو حال و روی او تابان چون ماه شب چهارده و هم پدر را گفت
بدرستی که خدای تعالی بیامرزید مرا و نجات داد از عذاب ببرکت صدقه
دادن و آب دادن تو مردمان را احسنت من و پیغامبر علیه السلام گفت مردان
مادران منقطع نگاه نیز از آسمان فرزندان او و آورده اند که روزی رسول
علیه السلام در گورستان بقیع الغرقد رسید و آوازی شنید که کسی در گورستان
می میگفت یا اماه فوقی نار و تحتی نار و یمینی نار و یساری نار ما در با لا ... و فرود

و ر استاره من و جدا و من آتش است رسول علیه السلام گفت ای جوان مرد تو کیستی گفت
یا رسول الله من مردی ام از امت تو از انصار و اکنون ده سال است که خدای تعالی
مرا بدین گونه عقوبت میکند گفت سبب چیست گفت نمی دانم مادر مرا بخوان مگر او بداند
که وی تقصیر کرده باشم و من از آن بی جرم گفت مادر تو کیست گفت در خانه
ابوبکر صدیق و ده سال است که عایشه را دایگی میکند و این ساعت مرا او را اشنا نه
میکند گفت چه نام است گفت جمیله رسول علیه السلام ابوبکر صدیق را رضی الله عنه گفت
او را بخوان بخواست رسول علیه السلام که خود برود گفت یا رسول الله تو مرو که این
ساعت از حرمت تو مرا عذاب میکند ابوبکر صدیق بخانه رفت و مادر او را گفت
که چه خبر ترا عذاب میکند گفت تا خدمت صدیقه تمام نکنم نیایم صد هزار فرزند
فدای او تار یک موی صدیقه باد چون خدمت خود تمام کرد بیامد رسول علیه السلام
حال او بگفت ورد او مبارک خود را بر گور او نهاد و بر زن را فرمود
که گوش نه و یک گوره چون گوش نهاد فریاد بر آورد گفت یا رب
من از پسر خشنودم چه سبب عقوبت میکنی ندا آواز داد گفت نمیداند که جرم
کرد و استاد جبرئیل علیه السلام آمد و گفت ای محمد بر مادر عاق شده بود در
شب و آن چنان بود که ماه رمضان بوقت افطار قدحی پر آب کرد تا بخورد مادر گفت
بخور به تو زیکاه است گفت فرمان صاحب شرع و فتوی نبوی است بخورد گفته مادر نشنید
بر مادر عاق شد پیر زن گفت بار خدایا من از وی خشنودم حق تعالی گفت
من در گذاشتم و آورده اند که در سمرقند مردی بود دهقان او را حاجت شد
نذر کرد از خدای تعالی بهر چه حاصل کنم روزه او نیز بر روح مادر و پدر
صدقه دهم او را حاجت شد و نذر بجای آورد و یک و زاد نیز او را هیچ چیزی
حاصل نشد که صدقه دهد عالمی را پرسید او گفت که پوست خربزه جمع کن و بشن

ویرا از کوشان جنبد از زنده شد بیرون خوابی آمد همچنان کرد و در آن شب مادر
وپدر را بخواب دید گفتند ای فرزند از تو خشنود باد خدای تعالی ما را طعام و آب
دادی و ما آرزومند خربزه بودیم ما را خربزه خورانیدی از خربزه های بهشت

اندر خبر المجالس بعد از آن این حدیث فرموده قال علیه السلام لا یُبَدَّلُ للمَرءِ اِلّا
جَزاءُ عَمَلِهِ یعنی چاره نیست مرد را از جزاء عمل خویش اگر عمل نیک کرده است جزاء
آن نیک است و اگر عمل بد کرده است جزاء بد یابد بعد از آن فرمود تذکره رسول علیه السلام
این حدیث در جای فرموده است قصه این حدیث فرمودند عورتی بخدمت ام المؤمنین
عایشه رضی الله عنها آمد و گفت که امشب خوابی دیده ام گوئی قیامت شده است
و من در روی محروم و تشنه در راه [illegible] بستان شدم پدر خود را دیدم بر سر حوضی ایستاده
و آب میخورد و خلق را آب میداد و من تشنه شدم و گفتم یا ابتا این آب ما نیز از
مادر من کجاست قال ما طلقنی [illegible] گفت مادر تو [illegible] رسیده است از [illegible] بیرون آمدم
و در راه جای رفتم دیدم مادر خود را بر سر حوضی ایستاده و فریاد میکند و اعطشاه
من نزدیک رفتم و گفتم ای مادر حوض [illegible] است چرا آب نمیخوری گفت [illegible] دست نمی
رسد من رفتم قدری آب بر کف و در حلق مادر ریختم آوازی شنیدم [illegible]
یَدَیْ مَن سَقَاها یعنی خشک شده است دست کسی که آب داد و آن عورت بیدار
شدم دست را خشک یافتم عایشه رضی الله عنها خواب این عورت بخدمت رسول
علیه السلام گفت رسول علیه السلام مر عایشه را فرمود که از آن عورت بپرس که پدر تو
چگونه مردی بود و مادر تو چگونه عورتی بود گفت پدر من مردی صالح و خیرات بسیار
کردی اما مادر بر عکس این بود عایشه بخدمت رسول علیه السلام آمد و احوال ایشان
باز گفت رسول علیه السلام این حدیث فرمود لا یُبَدَّلُ للمَرءِ اِلّا جَزاءُ عَمَلِهِ
و پیغامبر فرمود علیه السلام که کسی بوی بهشت نیابد و بوی بهشت از و پانصد ساله

راه یابد نشنود و بخیل [illegible] شده و مدمن خمر و عاق از صلوة مسعودی رسول علیه السلام
فرمود پنج گناه کبیره است که وی را در دنیا کفارت نیست شرک آوردن بعد از ایمان
آزردن مادر و پدر و گریختن یک مومن از دو کافر روی بگردانند و بکشند و دروغ
خوردن و خون ناحق ریختن از تنبیه ابو اللیث موسی گفت صلوات الله علیه یا رب
وصیت کن مرا خداوند سبحانه و تعالی گفت وصیت کنم بجستن رضای مادر و پدر
از انس مالک گفت رضی الله عنه که اندر عهد پیغامبر علیه السلام جوانی بود او را علقمه
گفتندی حریص بر طاعتها و سخی بود بیمار شد سخت زن او بخدمت رسول علیه السلام
آمد و گفت شوی من علقمه در حالت نزع جان دادن است پیغامبر علیه السلام بلال و عمار
و سلمان و عثمان رضی الله عنهم بسوی علقمه فرستاد و یاران رفتند علقمه را گفتند
بگو اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا الله هیچ زبانش کار نکرد بلال بیامد و رسول
علیه السلام را از حال علقمه خبر کرد رسول علیه السلام گفت مادر و پدر زنده هست گفتند
یا بلال بسوی مادر علقمه رو و از من سلام برسان و بگوی اگر توانی بسوی من آی
و اگر نتوانی همانجا باش تا من نزدیک تو آیم بلال رفت و سلام رسانید مادر علقمه
برخاست پیش عالم علیه السلام آمد سلام کرد و بنشست پیغامبر علیه السلام گفت یا مادر علقمه
راست گوی حال علقمه با تو چگونه بود پیر زن گفت یا رسول الله نماز کنی و روزه
بود و صدقه نیکو دادی من با وی بخشم بودم زیرا که او زن را بر من گزیده
بود و هر چه او فرمودی کردی و هر چه من فرمودمی نکردی پیغامبر علیه السلام
گفت آن بود خشم تو که از شهادة گفتن زبان وی را بگرفته نزع باز میدارد پیغامبر
علیه السلام بلال را فرمود که برو آتش و هیزم گرد کن بیار تا او را بسوزیم مادر گفت
یا رسول الله فرزند میوه دل منست تو او را بسوزی دل بیچاره من بسوزد پیغامبر
علیه السلام گفت یا مادر علقمه عذاب آن جهان سخت تر و باقی تر از عذاب این جهان

جهان است اگر خواهی که خدای تعالی گناه او را بتو بخشد و او را بجا عوض دهد تو از وی خشنود
شو بدان خدای که جان من بامر اوست که نماز و روزه و صدقه علقمه هیچ سود نداشت
تا تو از وی خشنود نشوی پس مادر علقمه دست بر داشت و گفت یا رب تو خداوند خلقی
گواه باش که من علقمه را بخشیدم و از وی خشنود شدم پس پیغامبر علیه السلام گفت یا بلال بسوی
علقمه رو و بنگر بلال نزدیک علقمه باید او آواز شنید که همی گفت لا اله الا الله
محمد رسول الله پس علقمه در حال فرمان یافت رسول علیه السلام بیامد و فرمود
تا او را بشستند و کفن کردند و بر وی نماز کرد اندر میان گورش بایستاد و گفت یا گروه
مسلمانان هر که زن را بر مادر گزیند لعنت خدای بر وی باشد و نه فرایض پذیرند
از وی و نه تطوع و حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید و فرقان حمید فرموده است
ان اشکر لی و لوالدیک شکر کنید مرا و مادر و پدر خود را شکر گزاردن
ایزد تعالی آنست که اندر شبانروزی پنج نماز کنی و شکر گزاردن مادر و پدر
آنست که اندر شبانروزی پنج بار دعا کنی و نیز گفته اند که حق پدر را بر فرزند ده
حق است یکی آنکه چون او را جامه باید جامه بدهد اگر تواند دوم آنکه چون او را طعام
باید طعام بدهد سیوم آنکه چون وی را چیزی اندر بایست کند و حاضر آید چهارم چون
محتاج گردد خدمت کند پنجم آنکه چون وی را فرماید فرمان او بجا آرد
مگر آنکه او را بمعصیت فرماید ششم آنکه با او سخن نرم گوید درشت نگوید هفتم آنکه او را
بنام نخواند هشتم آنکه از پس او رود و چون نشیند کالا و رمح نهد نهم آنکه آنچه
خود را پسندد او را همان پسندد و آنچه خود را ناپسندد و غیری را ناپسندد دهم
آنکه او را دعای نیک کند همی آنکه خود را و نیز گفته اند که مادر و پدر از کسی ناخشنود
مرده باشند خشنود کردن ایشان از پس مرگ بسیار دشوار بود آنکه فرزند تنها خود بیک
مرد بود زیرا که هیچ چیز سوی مادر و پدر دوست تر از نیکمردی نباشد و دیگر آنکه

با خویشان مادر و پدر بپیوندد و دوستان او را گرامی دارد سیوم
آنکه دعا کند مر ایشان را و آمرزش خواهد و صدقه دهد بر ایشان و دیگر سبب خشنودی
مادر و پدر دو رکعت نماز آمده است بعد از اشراق بگذارد و بخواند در هر رکعتی
بعد از فاتحه آیة الکرسی یکبار و اخلاص سه بار و بعد از نماز صلواة گوید و این دعا
بخواند یا لطیف الطف فی ولوالدی فی جمیع الاحوال کما
تحب و ترضی یا علیم یا قدیر اغفر لی و لوالدی انک علی کل
شیء قدیر از خلاصة الحقایق آورده اند که زین العابدین با مادر خود طعام
نخوردی از وی پرسیدند که با مادر خود طعام چرا نمی خوردی گفت از خوف آنکه مبادا
که دست من سبقت کند در خوردن چیزی که مادر من آرزو برد و خوردن آن بر او من
عاق شوم بر وی الصفا پیغامبر علیه السلام فرمود هر که نظر تیز بر مادر و پدر
آرزو حنین و حیات و آورده اند که سهیل یمانی روزی از مادر خود پرسید
ای مادر هیچ آرزوئی داری از دنیا گفت ای پسر آرزوی حج بیت الله
دارم سهیل گفت ای مادر تو مرا در شکم خود داشته و بار من کشیده با ضعیف و قوت
من پس مادر را در پشت گرفت و در خود نشاند و بحج روان کرد بعد چهار سال باز مادر
کشیده ام و از مکانها بعید و تحمل و مشقت شدید ای در خانه کعبه رسیده ام نمی دانم
حق مادر را ادا کرده ام یا نه چون در شب بخواب رفت رسول را در خواب گفتند ای
پسر هیچ که تو او را کرده از حق مادر خود مگر آنکه آن مقدار که ترا اگر دانیدی است
مادر از کنار خود از پهلوی به پهلوی فصل سیوم در حسن خلق و از خلاصة الحقایق
مرویست از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که پیغامبر صلی الله علیه و سلم فرمود بر شما باد
بحسن خلق بدرستی که نیکو خلقی در بهشت باشد لا محاله و بر شما باد از خلق بد بدرستی
که بد خلقی در آتش رود لا محاله دوم حدیث که وحی کرد خدای تعالی بسوی موسی

صلواة الله علیه اگر تو نخواهی مرا در ایام حیات خود مگر آنکه اجابت کنم ترا ای رسول
نکنی از من در قیامت مگر آنکه بگویم مر ترا انعم پس مر ترا باد اکه لازم گیری حسن خلق
و در روایتست که پرسیده شد رسول علیه السلام مرا چه بهترین چیزی است که در آرد بنده را
در بهشت رسول علیه السلام فرمود که تقوی و حسن خلق است و اثم آنست که خلجان باشد از کار
در دل و دل منشرح نشود دیده و دل بارند بهکردن آن کار متردد باشد و کراهیت
دارد که مطلع شوند بر وی مردمان **و در روایتست** که وحی کرد خدای تعالی بسوی
عیسی صلواة الله علیه یا عیسی وصیت کنم ترا بچهار چیز چون تو آن را بجا آری پیدا کنم در تو
دو جناح از زر ناظران کنی مر آن هر دو جناح بدان بر ملایک در بهشت باشی همچو زمین که
گناهان میکنند بر وی و او فرو دمی بر دیگر را و باشی مرده همچو آب میرود و آنجا که روان
کرده شود و باشی منفعت همچو آفتاب که بر نیک و بد می تابد و باشی متواضع چون
همچو بوم که بر فرو افکنده می شود و بر بالا نمی کند و انس مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر
علیه السلام فرمود دیدم رستیکه مر خدای را عز و جل تختست از زبرجد سبز در نبشته است
بر بر عرش و نبشته است در آن تخته اِنَّ اللّٰهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ
خَلَقْتُ بضع عشر و ثلثمایة خَلْقٍ مَنْ جَاءَ بِخُلُقٍ مِنْهَا مَعَ شَهَادَةِ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ یعنی منم خدایی که نیست خدایی
جز من مهربان از همه مهربان بیافریدم سیصد چند خلق پس هر که بیاید با یکی از آن خلق
با کلمه شهادة لا اله الا الله در آید در بهشت و پیغامبر علیه السلام فرمود خلق
نیکو کننده شود دیگر از کسی که از حیض و زنا زاده باشد **ابو موسی** اشعری رضی الله عنه
گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود خلق نیکو جهاریست از رحمت خدای تعالی در بنی آدم صاحب
خلق نیکو جهار بدست و لیکن نیست و فتنه میکند او را سوی خیر و خیر میکند بسوی بهشت
و خلق بد جهاریست از خشم خدای تعالی و جهار بدست شیطانست و شیطان می کشد بسوی

دوزخ

شود نرمی کند او را سوی آتش و ابن عباس رضی الله عنه **روایت** میکند از پیغامبر
علیه السلام حسن خلق میگدازد گناه را چنانکه میگدازد آفتاب نمک را و **در روایت** که در حاتم
بن بکر که رسول علیه السلام با اصحاب در کوچه مدینه میگذشت و در اثنا در راه بچکان تکی
بازی میکردند و خاک می پراکندند بعضی از صحابه پیش رفتند و بچکان را منع کردند که تکی
بازی میکنند که گرد بسوی رسول می رسد رسول علیه السلام یاران را باز داشت از
منع کردن بچکان و فرمود بگذارید بچکان را ایشان که خاک بهار بچکانست **و در خبر**
که موسی صلواة الله علیه بخدای عز و جل مناجات کرد و گفت یا رب از چه مرا شایان
کلام خود کردی از میان جمله انبیا علیهم السلام پس وحی کرد خدای عز و جل بسوی موسی
علیه السلام یا موسی یاد میکنی تو آن روز که گوسفندان شعیب می چرانیدی گوسفندی
برمید تو از پس او دنبال میکردی و خواستی که او را العصا زنی پس تو مرا یاد کردی و عصا را
از دست بنهادی و هر دو سر ران آن گوسفند بگرفتی بر هر دو چشم وی بوسه دادی و گفتی
ای حبیب من مرا برنجانیدی و نفس خود را نیز رنجانیدی پس رحمت که تو کردی بدان
گوسفند بگردم ترا اهل کلام خود **از فواید الفواد** معامله خلق با خلق بر سه قسم است
قسم **اول** آنست که از انکس بدیگری نه منفعت رسد و نه مضرت حکم انکس حکم جماد
باشد **قسم دوم** آنست که از انکس بدیگری منفعت رسد مضرت این قسم بهتر است
قسم سیوم از این بهتر است و آن آنست که اگر کسی انکس را مضرت رساند مکافات
نکند تحمل کند این کار صدیقانست **و در فتاوی کبری** آورده است لا باس است
که برود غلام برابر مولی و مولی سوار باشد اگر غلام را طاقت راه رفتن باشد
و اگر نباشد مکروه است **و در روایتست** که امیر المومنین عثمان رضی الله عنه بیامد بر رسول
علیه السلام سوار و غلام او پیاده به دنبال او میرفت می آمد رسول علیه السلام را خوش
نیامد فرمود چرا غلام را در خانه نگذاشتی پس امیر المومنین عثمان رضی الله عنه غلام

آزاد کرد و این را تاویل کرده اند که آن غلام را طاقت راه رفتن نبود و از [illegible]
مرویست که امیر المومنین عمر رضی الله عنه پرسیده شد که نیکو کار کیست گفت اگر خشنود
باشد از او اهل او و همسایگان او و قرابتان او بدرستی که اهل او به اند از
احوال و مزاج او در خلوت و همسایگان او به اند بمواظبت با او و قرابتان
به اند از قرابتی و یاران به اند از صحبت و مرویست که در وقت عمر رضی الله عنه
زالی بود ضعیف از کار مانده بود و هیچکس نداشت امیر المومنین عمر هر شبی در کلبهٔ او
آمدی جاروب زدی و آب آوردی و آتش کردی و آنچه حاجت بودی مهیا
کردی یک شب عمر برسم قدیم بیامد و در بزد زال گفت تو کیستی گفت من عمر آمده ام
تا کاری و حاجتی که از آن تو باشد مهیا کنم زال گفت پیشتر از تو پیری بیامد و کرد
رفت عمر باز گشت شبی دیگر تعجیل آمد و در خانه زال دست بزد باز زال همین جواب
شنید که پیری می آید پیش از تو کاری و حاجتی که می باشد تمام میکند میرود عمر رضی الله
عنه در تعجب شد که آن پیر که خواهد بود هر باری آید یک شبی امیر المومنین عمر رضی الله عنه
تکیه کرد تا دریابد که آن پیر کیست چون نگاه کرد ابوبکر بود رضی الله عنه پس عمر رضی الله
عنه بیامد و گفت من حسد کردم بر تو یا ابابکر به آنچه دریافته مسابقی این خیرات
و آورده اند که سلطان الاولیا ابو یزید بسطامی رحمة الله علیه در شهر همدان
رفته بود و آنجا [illegible] معصفر بها خرید از آن لختی بخورد و آنچه دیگر
مانده در گوشهٔ دستار بست و در شهر بسطام آمد چون در خانه آنرا گشاد در میان آن تخمها
یک مورچه یافت گفت این غریب است هم به آنجا بردم باز سفر کرد و در شهر همدان آمد
از برای یک مورچه از تفسیر منیع رسول علیه السلام فرمود و لعنت کند خدای تعالی
رمانندگان را انس بار فرمود این لفظ گفتند رمانندگان که اند گفت آنکسانیکه
نومید کنند بندگان خدای تعالی باب دوازدهم در شکر از خالق الخلایق

و ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرد که رسول علیه السلام فرمود چهار چیز هر که باشد جای
دهد خدای تعالی او را و رضای خود دو نثار کند بروی رحمت خود و در آرد در بهشت
خود گفتند یا رسول الله چیست آن رسول علیه السلام فرمود کسی که چون وی را خبری داده
شود شکر آن بکند و در دو چون بر کسی قدرت یابد و قادر شود داند وی عفو کند و چون
خشمگین شود تحمل کند و خشم فرو خورد و در روایت که داود صلوات الله علیه گفت
الهی چگونه شکر کنم ترا و شکر من مر ترا نعمتی است از تو و یک تو مرا توفیق شکر
نعمت است و این بیان عجز است از شکر پس وحی کرد خدای تعالی سوی داود علیه السلام
ای داود و اکنون شکر کردی تو مرا و رسول علیه السلام فرمود هر که شکر نگوید مردمان
را شکر نگفته باشد خدای تعالی را و عایشه رضی الله عنها گفت که رسول علیه السلام فرمود
چون شود روز قیامت جمع کند خدای تعالی خلق اولین و آخرین را در یک بلندی
پس بیارند مردی را که نعمت داده باشد وی را او در مسلمان پس بگوید مر او را
که تو چه کردی در زینت کردی و در آن نعمتها که ترا افکندم و پس آن مرد بگوید یا رب
من دانستم که آن نعمتها مر تراست پس شکر کردم ترا پس خدای تعالی بگوید شکر من نکردی
چون شکر نکردی مر آنکس را که داده ام من نعمتها بر دست او و کعب احبار رضی الله عنه
گفت که در توریت خدای تعالی فرموده است که شکر کن مر آنکس را که نعمت داد ترا و نعمت
ده کسی را که شکر تو بگوید بدرستی که زوال نیست مر نعمت را چون تو شکر گویی و دوام نیست
آن نعمت را چون تو ناسپاسی بکوشی و در شکر زیادت شود نعمت و در امان باشد از غیر
خدای تعالی [illegible] یا ذکر و از کسی که شکر نگوید و مرویست که رسول علیه السلام فرمود
یک منادی ندا کند روز قیامت که برخیزید آنکسانیکه شکر و حمد گفته اند پس برخیزند گروهی
و علم بر افراشتند و نصب کنند و در آرند ایشانرا در بهشت گفتند یا رسول الله ایشان
کیانند فرمود آنکسانیکه شکر گفته اند در رنج و در راحت و در خبر است که نوح علیه السلام

چون چیزی بخوردی بگوی الحمد لله و چون سیر شدی بگوی الحمد لله و چون
جامه پوشیدی بگوی الحمد لله پس بخواند خدا تعالی عبداً شکوراً
و دعای این دعا بخواندی بعد هر چه بخوردی الحمد لله الذی جعل
لنا اهلاً لاکل ما نجد و ترتب لکل لم نجد و رب واحد
لم یاکل پس بخواند خدای تعالی او را عبداً شکوراً و در خبر
است پیغامبر صلوات الله علیه بگذشت بفقیر دست او بگرفت و آورد بفقیر و گفت مر
غنی را که این برادر تو باشد در اسلام بدرستی که فضل کرده است بر تو خدای تعالی
بفراخی نعمت پس شکر آن خدای را عز و جل بدان نعمت پس بگرفت دست آن فقیر
و آورد او را بر مریض پس گفت مر فقیر را اگر تو فقیر رنجی نداری چه میکردی
اگر فقیر و بیمار بودی پس آن شکر کن نعمت خود را پس آن مرد مریض را برد و [illegible]
و گفت این مریض را چه میکردی تو اگر مریض کافر میبودی پس شکر بر اسلام خود کن
و آورده اند مردی بود نابینا بیرون آمد از خانه خود سوی مسجد در شب
که باران می بارید تا نماز بجماعت بگذارد پس [illegible] گفت مرا او را جای در خانه
نماز نمیگذاری آن مرد نابینا گفت دست و پای من سلامت تر بود در مسجد
شکر دست و پای خود ادا کنم چون از مسجد در خانه آمد و شب بخفت چون بوقت
صبح بیدار شد خود را دید در هر دو چشم بینا شده پس گفت نیکو بود روزگار
نیست پروردگار من شکر کردم او را پس جزا داد مرا الشکر من و خواجه شقیق
بلخی رحمة الله علیه گفت شکر بر سه نوع است اول آنکه تو بیابی بعد رسیدن نعمت
که این نعمت که او اگر داد دوم مر [illegible] شنوی بدانچه به تو رسید و سیوم مادام
که قوة در تن تو باشد بخدای تعالی عاجز نشوی و حکیمی گفته است هر که طعام در دیگ
بپزد و گمان برد که یک نعمت است بدرستی که او فهم نکرده است زیرا که آب از نعمت

و لذتی که در خوردن است از نعمت است و در روایت مردی بیامد بخدمت موسی
صلوات الله علیه و گفت یا نبی الله دعا کن تا روزی کند خدای تعالی مرا نعمتهای دنیا
و آخرة پس موسی دعا کرد و خدای تعالی سوی موسی علیه السلام که روزی کرده ام
او را آن نعمتها بدرستی که داده ام عیال موافق و در خبر است موسی صلوات الله
علیه مناجات کرد و گفت یا رب نعمتهای تو بر من بسیار است پس مرا بیاموز که چون شکر آن
پس وحی کرد خدای تعالی سوی او یا موسی یاد کن مرا بسیار چون مرا یاد کردی
شکر من گذاردی و چون مرا فراموش کنی ناسپاسی کرده باشی بر من و آورده اند
که عورتی بود عابده صایم الدهر حمزة بن محمد بلخی و حاتم اصم بزیارت آن عورت رفتند
چون بر وی در آمدند سلام کردند چون آن زن جواب سلام داد نوری از
دهان او مثل شعاع آفتاب ظاهر شد ایشان در تعجب شدند گفتند ای خواهر
از مشغولیها چه داری گفت دو شکر و دو یقین و دو خوف یک شکر آن خدای
عز و جل مرا اسلام عطا کرد و در [illegible] علم خود شکر دوم آنکه اختیار کرد مرا از
صد و بیست و چهار هزار است و کرد از محمد علیه السلام و یک یقین آنکه من مومنم و دین شکر
نیست و دوم یقین آنکه خدای تعالی وعده کرده است جنت مر مومنان را و من
[illegible] دارم و یقین دارم و یک خوف است آنکه گناه کرده ام [illegible] و دوم
خوف عاقبت و خاتمت دارم و [illegible] ایمان که با من باشد پس گفتند [illegible] مرتبه که حالت تو
بزرگتر است از حال عابدان این زمانه از کفایة الشعبی و در خبر است سخت شد بلا
بر ایوب پیغامبر علیه السلام زن او وی را گفت بدرستی که مستجاب الدعوتی پس چرا دعا
نکنی تا خدای تعالی ترا عافیت دهد جواب گفت که هفتاد سال بر من گذشته است
در فراخی نعمت پس هفتاد سال دیگر در بلا گذرد تا شکر آن باشد پس از آن دعا کنم
از خدای تعالی عافیت خواهم و در روایت که رسول علیه السلام فرمود جاهلان امت

من شکر من کویند بر خوردن و پوشیدن و علی الانسان شکر کویند بتوحید
و معرفت که کرامی کرده است خدای تعالی بدان انبیا نزدیکو بنده چرا سپاس
که رزق کافران امید به چنانکه ما را امید به و لیکن برکزیده ما را با ایمان
و معرفت خضر علیه السلام گفت ای مظفر دریاد اینکه عطا نیند الحمد لله
چرا کویند گفت بگفت از برای آنکه بنده غافل است و خدای بر بنده نعمت
بی شمار است و بنده شکر آن نمی گزارد و فرشتگان کویند الهی بر بنده چنین نعمت
داده و شکر نعمت تو نمی گزارد خدای تعالی دو فرشته آفریده است یکی را نام
زنجا و دیگر را نام عنقا هر دو را فرمان داده تا از راه دماغ بنده در آیند و
پهلوی چپ و تحنا نند یا بجارند بنده را عطسه آید کوید الحمد لله رب العالمین
حق تعالی کوید فرشتگان را دیدید که بنده شکر نعمت گزارد از تفسیر میغ پیغامبر
علیه السلام فرمود چون نعمت دهد باری تعالی بنده را پس آن بنده بداند که از
باری تعالی است بدرستی که ادا کرده باشد شکر آن نعمت از جز المجالس حکایت
فرمودند کوهی است در زمین شام آنرا کوه لکام کویند و درویشی در آن کوه
بودی دست و پای مجروح و اندام ماماس کرفته و مکسان در خشیده و آن
درویش را آن قوت نبود که مکسان براند و یا پهلو بکرداند بزرگی از بزرگان
دین بر آن کوه رسید دید مردی بر آستان افتاده است و جمله اعضا مجروح و
مکسان در خشیده و او را قوه نه که مکسان براند و یک زمان از ذکر حق
زبان او خالی نیست همی میکوید الله الله آن بزرگ نزدیک آمد و پرسید
که ای برادر چه حال است گفت شکر مر خدای را عز و جل آن بزرگ گفت که ای برادر
شکر بر کدام نعمت میکوئی چیست نفس نداری و عراند اری اعضا مجروح و در آنجا
مکسان گفت بر نعمت ایمان شکر میکویم نعمت ایمان نعمتی است که اگر هر موئی

هزار زبان

هزار زبان شود و هر یک زحمت هزار شنود و شکر ایمان نتوانم گفت بعد از آن
این فرمودند که بهشت بواسطه ایمان خواهند یافت از تفسیر میر عال الهدی
وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ کم اند از بندگان من شکر کننده مر نعمتهای مرا
اما داود و سلیمان علیهما السلام از جمله شاکران بودند که خود نان جوین خوردندی
و هر دو نان زنان کنده می دادندی او یتیمان و بیوه کان زنان مانده نقلی از کتاب
علم دین قوله تعالی اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا خداوند تعالی میفرماید که ال
داود شکر کنید نمی کویند شکر کویند تا بدانی که شکر بفعل است نه بقول و آورده اند
که جنید بغدادی قدس الله سره العزیز هفت ساله بود و سری سقطی خال او بود
او را با خود بحج برده بود در مسجد حرام مکه یک مسئله شکر میرفت و در میان چهار
صد پیر صد قول بگفتند در شرح بیان شکری کردند خال جنید روی سوی جنید کرد گفت
ای پسر تو نیز چیزی بگوی جنید ساعتی سر در پیش افکند پس گفت الشکر ان لا تعصی
بنعمته گفت شکر آنست که خدای تعالی ترا داده است بدان نعمت او در وی عاصی
نشوی نعمت وی را در ما پر معصیت نشاندی چون جنید این جواب داد آن چهار صد
پیر یکبار گفتند که چنین است یا قرة العین از تنبیه ابو اللیث روایت کرد سعید جبیر
از ابن عباس رضی الله عنه او از پیغامبر علیه السلام گفت اول کروهی را که بهشت
خوانند شکر کویندکان را که ایشان در غم و شادی مر خدای را عز و جل شکر کنند پس واجب
است بر بنده که خدای تعالی را شکر کوید بر آنچه به وی رسد از بلا و سختی و باید که موافقت
اقتدا به پیغامبران کنند علیهم السلام خاصه پیغامبر ما صلی الله علیه و سلم که صبر کرد بر آزار
کافران و رسول علیه السلام فرمود که خدای تعالی فرموده است که من خشنود شوم از
از بنده که چون طعام خورد و یا از آب بیاشامد آنگاه مرا شکر کوید ایضا اسما
بنت یزید گفت که از رسول علیه السلام شنیده ام چون ایزد تعالی خلق اولین و آخرین

کنند بحو

را ذکر کنند مشاهده ی ندا کند خداوند که همه خلق بشنوند که بیند ایشان مرا امروز اهل
نوازش کیست گویند برخیزند آنکسانی که شب تو پهلو از بستر خواب برداشتندی [illegible]
گویند ایشان برخیزند آنکسان پس بار دیگر بانگ کنند که برخیزند آنکسان که شکر گویند
خدایرا تعالی را اندر نهان و آشکارا ایشان نیز برخیزند و برخیزند آن کسان که
دنیا شما را مشغول نکرد [illegible] از ذکر ایزد تعالی باز نداشت این هر سه گروه برخیزند
و ایزد تعالی [illegible] ایشان را بهشت فرستد الکاه حساب کند با همه خلایق [illegible]
از تنبیه ابو اللیث پیغامبر علیه السلام فرمود هر کرا دو خصلت باشد [illegible] خدای
تعالی از شاکران بود و از صابران اول آنست که بوسته از بهر دین مسلمانان
شکر کنند دوم آنکه هر که اندر کار دین از وی بتر کس بود و بوی اقتدا کند
فقیه گوید رضی الله عنه تمامی شکر اندر سه چیز است اول آنست که چون ترا چیزی دهد
بنگری که آن از او است و شکر کنی مر آن منعم را دوم آنچه رضا و بدان رضا دهی
تا منفعت آن بتو رسد سیوم آنکه تا [illegible] در وی [illegible] روایت کند
ابن عباس رضی الله عنه از رسول علیه السلام که [illegible] گراه شده اند اول
اندر تنگدستی دوم اندر فراخی باب سیزدهم در صبر و رضا و آورده
که یکی بود از صالحان سه روز طعام نیافت بعد از آن صبر نماند قصد کرد و رفت در
از در [illegible] اغنیا تا طعامی سوال کند چون نزدیک در رسید سگی بروی بانگ کرد پس گفت
آن سگ را بانگ بر من مکن اگر چیزی بیابم میان من و تو مناصفه باشد سگ ساکت شد
و دم [illegible] آن درویش سوالی کرد از درون خانه یک نان آورد و بوی داد
آن درویش نیمی نان پیش سگ نهاد و نیمی برای خود [illegible] سگ آمد اگر [illegible]
و التفات بدان نان نکرد آن درویش که نیم نان برای خود داشت [illegible] آن نیم نان
نیز پیش سگ نهاد [illegible] بدان التفات نکرد [illegible] ای جوانمرد شرم نداری

کرا از

که سه روز گرسنه بودی صبر نتوانستی کرد و مگر سگی و این سگ از ده روز باز
گرسنه است و صبر میکند و نمی نالد و بر کسی نمی رود و آورده اند که ابو حفص کبیر رحمة الله
علیه پیری داشت نقل کرد گفت در تعزیت پسر سید الانبیا [illegible] بر من آمدند
هیچ حقیقتی نمی دیدم در نفس خود تا سه نفر آمدند بر من حمله [illegible] و از من برگشت یکی
در آمد بر من دیوانه گفت یا شیخ صبر کن اگر فرزند چون من آمدی چه میکردی سیوم
بیامد بر من مجوسی گفت ای شیخ آنچه فرزند تو یافت بهر خدای تعالی [illegible]
[illegible] تو آنچه تو یافتی از مصیبت وی و خدای تعالی بهتر است از فرزند وی
از فواید الفواد سخن در صبر جمیل افتاد در معنی آنکه خلقی بوده فات صبر کنند
کاری شکر خواهند بود و بر خلاف آنکه جزع میکنند و تمام آن رفته آواز میکنند این نوع
چیزی نیست در میان فرمود که می آرند بقراط حکیم را ابنی [illegible] بود یک روز خبر بشنید
بمرد [illegible] و دیگر [illegible] ایشان افتاد [illegible] ملایم این حکایت فرمود
که مجنون را خبر کردند که لیلی بمرد گفت [illegible] چرا کسی را دوست دارم
که بمیرد از اینجا سخن در صبر و رضا افتاد فرمود که صبر آنست چون مکروهی به بنده
رسد در آن صبر کند و شکایت نکند اما رضا آنست که از آن هیچ کراهیتی به وی برسد
گویی که آن بلا به وی نرسیده است بعد از آن فرمود که متقدمان این معنی را منکر اند
ایشان میگویند که هرگز تصور نداریم کسی را مکروهی برسد او را از آن کراهیتی نباشد
فرمود که این را جواب این است یکی آنکه باشد که مردی در راهی میرود و خاری در
پای می خلد و خون میرود و او را خیال تعجیل میرود و دل او مشغول بچیزی است
که او را از آن خبر نباشد بعد از ساعتی او را معلوم میشود دوم سپاهی باشد
که یکی در محاربه مشغول است و او را زخمی میرسد او خیال مشغول حرب است که
که او را اصلا از آن آگاهی نیست بعد از آن که بمقام خود باز می آید معلوم میشود

اکنون چون استغراق این معنی اکمل آمد از ان ورد بایستی مستدام داشته و مشغول
حق باشد طریق اولی آنست که سخن را تسلیم افتد و در نقد و دل نقد افکند حکایت
فرمودند که درویشی نشسته بود و مگسی بیامد و بر بینی او نشست درویش گفت ای بار خدایا
من میخواهم که مگس بر بینی من ننشیند و تو میخواهی که بنشیند من خواست خود را بگذاشتم
هر چه خواست تست بدان ساختم بعد از ان مگس از بینی خود نخواهم راند چون بگفت
هیچ مگس بر بینی او ننشستی حکایت درویشی را افتاد که با اهل و عیال گرفتار
باشند فرمود که صبر بر سه نوع است الصَّبْرُ عَنْهُمْ بعد از ان الصَّبْرُ عَلَيْهِمْ بعد از ان
الصَّبْرُ عَلَى النَّار الله بیان فرمود اول صبر از صحبت می باید اگر کسی را
اصلا از ان جانب کششی نباشد و هیچ میلی بدان کار نباشد آن صبر نیکوترست
پیچ الصَّبْرُ عَلَيْهِمْ و دیگر آن میسر نشود و زن بخواهد و فرزند گرد بجز دیابد که بر بلاهای ایشان
صبر کند الصَّبْرُ عَلَيْهِمْ این باشد که اگر جفا و از ایشان بکشد و در حظها افتد الصبر
الصَّبْرُ عَلَى النَّار باشد پس صبر بر سه نوع یافتیم از نفس صحبت است نصب کند خدای
تعالی میزان را روز قیامت بیارند اهل نماز را و بدهند اجر ایشان را بوزن و بیارند
اهل صدقه را و بدهند اجر ایشان را بوزن و بیارند اهل حج را و بدهند اجر ایشان را بوزن
را بوزن و بیارند اهل بلا نصب کرده شود از برای وزن ایشان میزان و نه
از برای حساب دیوان داده شود و مر ایشان را اجر بغیر حساب تا آرزو برند اهل
عاقبت در دنیا کاشکی که تن ما را به مقراض ببریدندی تا ما را فضل بلا اجر و ثواب بودی
و مرویست و نیز بود در عیسی پیغامبر صلوات الله علیه بیش او در زنده بحذر
عیسی گفت یارب بر کجا نیستی بر وزیر من سنگی بیا تا او را بخورد خدای تعالی وحی کرد
بر وی یا عیسی او را نشاندیم منزلی در بهشتی رفیع بود و عمل او به ان نمی رسانید
لیس من مبتلا کردانیدم تا بدان درجه رسد حکایت الفضیل

رسول علیه السلام فرموده است که خدای تعالی دفع میکند بلا را از ان امت من که بر کت مصلی
از نماز گزاردن و از برکت روزه دار و از ان که روزه نمیدارد و از برکت زکوة دهنده
از کسی که زکوة نمی دهد و از برکت غازی از انکه غزا نمیکند و از برکت حاجی از انکه
حج نمیکند و از برکت کنند از بنده بلا را جواز و که جمع شده نمی شود و اگر همه جمع شوند بر ترک
این چیزها هلاک شوند خدای تعالی اینت نیز با تا هلاک شیم زنند الفضا پیغامبر علیه السلام فرموده
است که خدای تعالی از برکت یک مسلمان صالح صد کس را از اهل بیت او و همسایگان
او دفع بلا کند در او در تفسیر ... است که صبر ... است وقت مصیبت و گردانیدن
طاعت و در مصیبت هر که صبر کند از جزع و فزع و جامه دریدن و موی کندن و ...
در وقت مصیبت بر ... از آسمان و زمین و هر که ... دل
... جامه ... و ...
از ...
و هر که در وقت مصیبت صبر کند ...
الفضة ... بعضی از مشایخ ... رحمهم الله ...
و نوبت ... در ترغیب الصلوة ...
...
...
...
... و خضر علیه السلام گفت
... پیغامبر علیه السلام چون ... گفت ...
... تسبیح ... خدای عز و جل ...
... تسبیح ... در ترغیب ... پیغامبر علیه السلام

گفت چون مومن را فرزندی وفات کند حق تعالی فرشتگان را گوید قبضت
رُوحَ وَلَدِ عَبْدِی جان فرزند بنده من قبض کردید آری حق تعالی گوید بنده
من چه گفت واو را چه زاری کرد گویند بنده گفت إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
گویند حمد گفت حضرت ترا و صبر کرد حق تعالی فرماید که در بهشت بنا کنند بنام این بنده
خانه و آنرا بَيْتُ الْحَمْدِ نام کنید ای مطفر دربا از ابو یزید بسطامی سوال کرد که
خدای تعالی بر او لیا خود چه کند گفت آن کند در دنیا با دوستان خود که فردای
قیامت با دشمنان کند يَفْعَلُ اللهُ بِأَوْلِيَائِهِ فِي الدُّنْيَا مَا يَفْعَلُ بِأَعْدَائِهِ
فِي الْعُقْبَى رسول علیه السلام گفت بیست او از ما نیست هر که صیحه کند و یا جامه پاره کند و یا
نوحه زند در مصیبت از تفسیر منیر صبر بر سه گونه است عَنْ تَقْرِيبِي وَتَسْمِيعِي وَ
حُسْبَتِي عَنْ تَنْبِيهِ آنکه خود طبع آن بود که از بد کسی دلش بسوزد و اگر صبر کند إِلَّا
عَلَيْهِ و تسمیع آنکه بنیان جزع کند پیش از مردمان صبر نماید عقوبت واجب آید منسوخ
و حسبتی آنکه دل می سوزد و نفس مصیبت را تقاضا میکند فی الله و الله خویشتن
را از جزع و فزع و مصیبت باز دارد لاجرم قال الله تعالی وَنَهَى النَّفْسَ
عَنِ الْهَوَى فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ایضا و در صبر جمیل یعقوب گفت
علیه السلام اکنون بر منست که صبر کنم و شکیبائی جمیل ای نیکو مفسران گفتند صبر جمیل
با واز بلند بخروشند و جامه ندرند و موی نکنند اما از آب چشم رنجش خالی نباشد
و خواجه امام گفت بنزد من آنست ورطاهر جامه دریدن نباشد و بر سوی زدن
نبود و بزبان از خدای تعالی ناپسندی نبود دل نه هر چند که دل میسوزد و چشم
میگرید صبری بود و چه نا کرلیتی فشان ابید رحمی است حسن بصری رحمة الله علیه گفت
چون یوسف علیه السلام را به پیغامبری وحی آمد در چاه آمد و آن روز او هفده
ساله بود و در زیر ده سال غایب مانده بود از پس دیدار با پدر بیست و

سال بیست و چهار قبل صلوات الله علیه نزد یک یوسف علیه السلام در زندان آمده بود
یوسف علیه السلام پرسید یا جبرئیل پدرم یعقوب چه داری گفت چندان غم دارد اندر تو که مادر
را از هزار فرزند مرده نباشد اما ایزد تعالی بدان صبر که میکند ثواب صد شهید داده است
بدین قصه دلیل آمد که اگر کسی عزیزی که مرده یا غایب باشد غم خورد و یاکید کر این بی صبری
نباشد راه حلیه صبری آن بود که بدل از خدای تعالی ناپسند باشد بزبان شکایت
نماید فریاد و جزع کند از تفسیر ابو اللیث روایت کرد عبد الله بن حارث از عبد الله
بن مسعود که پیغامبری از پیغامبران صلوات الله علیهم خالیه گفت الهی بنده مومن
ترا طاعت دارد و بلا بروی گماری و بازبنده کافر ترا طاعت ندارد و بروی مصیبتها
و غیری کند بلا از وی بگردانی و دنیا را بروی بگسترانی ایزد تعالی بوحی کرد و گفت بنده
مومن از آن منست و بلا هم از آن منست و هم مومن از بنده من گناه دارد و دنیا از وی باز دارم و بلا بر وی
گمارم تا کفارت گناهان وی گردد و چون نزد یک من آید اثر گناه نیکیها و بی ثواب
و هم دکافر را دنیا بستند و در دنیا بروی روزی بگسترانم و بلا از وی دور دارم
تا جزا نیکیهای او کرده هم در دنیا چون پیش من آید بیها را از او را اجزا و هم تیغ دوزخ
جاوودان روایت کند ابن مسعود رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام گفت هر که سه چیز
روزی کرده اند دنیا و آخرت روزی کرده اند اول خرسندی بودن بقضا ایزد تعالی
دوم صبر کردن بر بلا و سختی سیوم اندر وقت فراخی دعا کردن و گو بنده که چهار چیز
از گنجها نیکی است اول پنهان داشتن درویشی دوم صدقه را پنهان سیوم پوشیدن
درد و غم چهارم پوشیدن بلا و مصیبت و گویند ریتو که غم چهار خصلت بکسی نشیند
اول این بود هر که کتاب خدای تعالی بخواند و کارهای پدر که و بیان ان را فرو دارد از ان
کسان باشد که بر کتاب خدای تعالی افسوس کرده بود دوم خطا این بود که هر که را
مصیبتی رسد او را در ان مصیبت صبر نکند و گله کند چنانستی که ایزد تعالی گله کرده باشد سیوم

خطا این بود که هر که قسم خورد بدانچه از وی رفته باشد چنانستی که با قضا ایزد تعالی
خشم کرده باشد چهارم خطا این بود که هر که تواضع کند مر توانگری را از بهر توانگری
وی یکی از دین وی شود و دریغ بتقوی وی نگاه روایت کرده اند از رسول علیه السلام
گفت هیچ بنده نیست که مر او را مصیبتی نیست اگرچه مر او را روزکار بر آمده باشد انا
لله وانا الیه راجعون او را همچنان مزد بود که بروز اول بود روایت
کنند از رسول علیه السلام گفت چون یکی را از شما بند نعلین بگسلد بگوید انا لله وانا الیه
راجعون که این همه از مصیبتها است و موسی صلوات الله علیه مناجات کرد و گفت
الهی چه مزد باشد آنکس را که بیماری را بپرسد گفت هر آن کس که بیماری بپرسد
مر او را همچنان از گناهان بیرون آرم که گویی آن روز از مادر زاده است
پس گفت یا رب چه مزد باشد آنکسی را که از پس جنازه رود گفت فرشتگان و
تا بسر گور رسیده می روند گفت یا رب چه مزد باشد تعزیت کننده را او مصیبت
رسیده را گفت سایه و هم مر او را اندر آن روز که سایه نباشد مگر سایه عرش
و روایت کنند که سلیمان پیغامبر علیه السلام را پسری در گذشت سخت بسیار تنگدلی میکرد
ایزد تعالی دو فرشته را امر کرد تا بشبه آدمیان پیش وی آمدند تا چون دو خصم
بر یکدیگر دعوی کردند یکی از آن دو کس گفت که بزمین تخم افکنده بودم چون
از آن گذشت نادر وه بود که آن مرد پیاده ان بگذشت و تباه کرد آن دیگری گفت
تخم براه افکنده بودی ندانستی که مردم را از راه رفتن چاره نیست فرشته جواب
جواب داد ای سلیمان تو بر فرزندی چرا چندین غم خوری ندانستی که آدمیان را از
مرگ چاره نیست چون سلیمان علیه السلام این بشنید بیش جزع نکرد و صبر کرد و ابن مبارک
گوید مصیبت یکی است چون جزع کند آنگاه دو گردد یکی خود مصیبت است دیگری
رفتن ثواب و این مصیبت بزرگتر از مصیبت اول و در بعضی کتاب ... گفته

نبشته است پنج خطا خطا اول نبشته است هر که بامداد برخیزد و بر دنیا حریص بود خدای
تعالی بر وی خشم بود و خطا دوم هر که را مصیبتی رسد و گله کند چنان باشد که از خدای تعالی
گله کرده باشد خطا سیوم این بود هر که باک ندارد از روزی که هر چه باید بگیرد
خدای تعالی وی را آتش اندر دو روی میگرید و هیچ سود ندارد و خطا چهارم این
بود هر که را بیشتر قصد وی بر شهوات بود خدای تعالی ترس از دل وی ببرد
خطا پنجم این بود هر که کافر را تواضع کند از بهر دنیا وی بامداد برخیزد دید روی نشسته
مبتلا کرد والله اعلم باب چهاردهم در مناجات و دعا و اوقات
استجابت و آن مشتمل بر هفت فصل فصل اول در مناجات از خدای
تعالی رسول علیه السلام فرمود براستی که مر خدای را فرشته است موکل هر کس که
بگوید یا ارحم الراحمین و چون این کلمه را سه بار بگوید فرشته بگوید مر او را
براستی که خدای تعالی ارحم الراحمین است و او بتو نزدیک تر است بخواه
از وی هر چه داری و در روایت که جبرئیل علیه السلام شنید که ابراهیم خلیل صلوات الله
مناجات کرد در حضرت عزت و میگفت یا کریم العفو جبرئیل صلوات الله
گفت هیچ دانی کریم العفو چه باشد گفت نمی دانم جبرئیل صلوات الله علیه گفت کریم
العفو آنکه گناه را عفو کند و بدل کند گناها را نیکیها و در خبر است که پیغامبری از
پیغامبران علیهم السلام مرکوبی داشت مردی آن را از وی بدزدید آن پیغامبر گفت
الهی من پیغامبر توام مرکوب من دزدیده شد مرا اطلاع ده بر آنکسی که دزدیده است
وحی کرد ایزد تعالی بر وی براستی که آنکه دزدیده است او از من میخواهد تا ستر
کنم او را و تو از من سوال او را رد کنم سوال نخواهم رد کنم پس بگیر از من مرکوبی
دیگر تا فضیحت نشود آن مرد و خواجه جنید را رحمة الله علیه می آرند چون این آیة
خواندی فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت گفت الهی یونس

پیغامبر علیه السلام دعا کرد و به تو در تاریکی گفتا نان خود پس مرا اجابت کن و چون
این آیه بخواندی أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ بگفت الهی ابراهیم علیه السلام
از تو خواست زنده کردن مرده پس اجابت کردی تو او را و من میخواهم از
تو زنده کردن دل من که مرده است پس زنده کن دل مرا حکایت آورده اند
اعرابی بیامد در روضه مبارک رسول علیه السلام و گفت الهی تو فرموده ما را
با آزاد کردن بندگان برسر گور دوستان و این حبیب تست و من بنده توام
پس آزاد کن بنده خود را برسر گور حبیب خود پس آواز آمد ای شنیدم ما ترا آزاد
کردیم ای اعرابی بخیلی کردی تنها نفس خود را آزاد خواستی بعزت و جلال من
اگر تو درخواست کردی بجمیع آنچه بر روی زمین از بندگان اند ما همه را آزاد
می کردیم بکرامت این حبیب خود در خبر است که چون موسی صلوات الله علیه بگریخت
از فرعون بیامد سوی مداین او را از گرسنگی آب در دیده بگشاد پس مناجات کرد
در حضرت عزت و گفت من غریبم و من مریضم و من فقیرم پس خدای تعالی بروی وحی
کرد و گفت ای موسی بدانکه مریض کسی است که نیست مرو را محبت و همچو مثل من و فقیر کسی است
که نباشد میان من و میان آن روشنایی مناجات منظوم در استغفار این مناجات
ابونواس شاعر است خواجه ابو اسحاق ... میگوید که من او را بخواب دیدم بعد موت
هم از شب اول در حالت نیکو دیدم پرسیدم که این درجه بکدام وسیلت یافتی گفت
بابیات مناجات گفتم آن کدام است گفت در زیر بستر من بالین خود که نوشته ام
چون بیدار شدم با مادر خانه او رفتم و این حال با برادر گفتم برادر او عزا در خانه
بود و از زیر بالش او بیرون رقعه هم بخط ابونواس یافتم چنانکه نشان داده
بود همچنان یافتم و در وی نبشته این ابیات ابیات است

يَا رَبِّ إِنْ عَظُمَتْ ذُنُوبِي كَثْرَةً ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتُ بِأَنَّ عَفْوَكَ أَعْظَمُ

إِنْ كَانَ لَا يَرْجُوكَ إِلَّا مُحْسِنٌ ۝ فَمَنِ الَّذِي يَرْجُو وَيَدْعُو الْمُجْرِمُ
مَا لِي إِلَيْكَ وَسِيلَةٌ إِلَّا الرَّجَا ۝ وَجَمِيلُ ظَنِّي ثُمَّ إِنِّي مُسْلِمُ
أَدْعُوكَ رَبِّ كَمَا أَمَرْتَ تَضَرُّعًا ۝ فَإِذَا رَدَدْتَ يَدِي فَمَنْ ذَا يَرْحَمُ

مناجات پیغامبر علیه السلام الهی بحرمت طه و من تلیها و بحرمت
یاسین و من قرأها و بحرمت مکه و من بناها و بحرمت ... و من
صلیها بلغ نفسی الی مناها از کفایه شعبی در خبر آمده است که موسی
صلوات الله علیه مناجات کرد بحضرت پروردگار جل جلاله و گفت یا رب
حق تعالی فرمود لبیک بار دوم موسی گفت یا رب ایزد تعالی فرمود لبیک
یا موسی پس موسی گفت یا رب من بنده ام و تو پروردگاری چون ترا میخوانم
اجابت میکنی بلبیک پس باری تعالی فرمود بدرستیکه من سوگند یاد کرده ام
هر که مرا بخواند با خلاص اجابت کنم او را بلبیک و در خبر است که اعرابی در آمد
در مسجد مصطفی علیه السلام و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از سلام گفت سه بار
گفت یا رب بوجهی ... با اخلاص بار چهارم باز گفت یا رب رسول علیه السلام
تبسم کرد اعرابی گفت یا رسول الله میخندی بر دعای من رسول علیه السلام گفت نه
ولیکن تبسم کردم تعجب از فضل خدای تعالی هر گاه که تو گفتی سه بار یا رب
اجابت کرد حق تعالی ترا سه بار بلبیک پس هر گاه تو برخاستی و گفتی چهارم
بار پس عجب کردم از فضل خدای تعالی و الله اعلم فصل دوم در فضیلت دعا
از حقایق باید که مومن هیچ وجه ترک دعا نکند و از دعا کردن باز نماند که دعا در نفس
خود عبادت است چنانکه در خبر است الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ و هر که چهار چیز باز
گیرد خدای تعالی چهار چیز از وی باز گیرد و هر که زکوة باز گیرد خدای تعالی نگاه داشت
بلای از وی باز گیرد و هر که صدقه باز گیرد خدای تعالی عافیت از وی باز گیرد و هر که نماز

باز گیرد و حق تعالی در وقت مردن ایمان از وی باز گیرد و هر که دعا باز گیرد خدای تعالی
اجابت از وی باز گیرد **از خالصة الحقایق** رسول علیه السلام فرمود دعا کردن
عبادت است و پیغامبر علیه السلام فرمود دعا کننده و آمین گوینده هر دو در اجر شریک اند
و آنکه قرآن میخواند و آنکه میشنود هر دو در اجر برابر شریک اند و استاد و شاگرد
در علم گفتن و شنیدن در اجر برابر شریک اند و پیغامبر علیه السلام فرمود دعا شفیع است
آن چیز را که نازل شده است آنرا در حبس میدارد و پیغامبر علیه السلام فرمود نیست
چیزی گرامی تر نزدیک خدای تعالی از دعا **از تفسیر منیر** پیغامبر علیه السلام فرمود
هر که دعا نکند [illegible] از خدای تعالی [illegible] خدای تعالی او را دشمن دارد
از حقایق اگر دعا کند و برای اجابت دعا [illegible]
و تضرع که او می کند [illegible] از وی اعمال او [illegible] و دیگر آنکه
اگر مستجاب نکند باری می شنود و هر که [illegible] باز کنند **سیوم** [illegible]
کردن [illegible] زیاده شود و معصیت نکند زیرا که [illegible]
آید که [illegible] حق تعالی [illegible] توفیق [illegible] ناگذشت
تقدیر [illegible] باشد و توفیق توبه [illegible] ناگذشت [illegible] توبه تقدیر [illegible] باشد
و در فتاوی خانیه آورده است اگر مردی دعا میکند و دل [illegible] باشد
پس دعا کردن بهتر است [illegible] از ترک دعا **از تفسیر منیر** پیغامبر علیه السلام فرمود
هر کرا شکر روزی کرده شود او را محروم نکند از قبول توبه و هر کرا استغفار روزی
کرده شود او را محروم نکند از اجابت **فصل سیوم در آداب دعا از فواید**
الفواید [illegible] دعا [illegible] فرموده که بنده در وقت دعا [illegible] که [illegible] معصیت
که کرده باشد در خاطر [illegible] نه هیچ طاعتی زیرا که اگر طاعت [illegible]
دعا [illegible] وقت دعا [illegible] رحمت حق [illegible]

این دعا مستجاب است ان شاء الله تعالی و دیگر فرموده که وقت دعا باید که هر دو دست
متصل یکدیگر باید داشت و بلند باید داشت و [illegible] بصورت [illegible] که گویی
همین زمان چیزی در دست او خواهند انداخت و در [illegible] این هم فرموده
که دعا مسکین دل است خدای تعالی [illegible] **و از خالصة الحقایق** رسول
علیه السلام فرمود چون سؤال کنید از باری تعالی پس بخواهید بکفها هر دو دست
و بخواهید [illegible] و چون فارغ شوید از دعا هر دو دست بر روی آرید **از حقایق**
از آداب دعا است چون دست به دعا بر داشته باشی در آن زمان بیاد آور [illegible]
[illegible] و در دل [illegible]
نکنی و جای [illegible] خشم [illegible] و هر دو دست [illegible]
[illegible] آواز بلند [illegible]
آواز بلند [illegible] معصیت است و در دعا الحاح کنی که خدای تعالی الحاح کردن در دعا
[illegible] دوست دارد و در وقت دعا [illegible] کنی که حق تعالی [illegible]
[illegible] چیزی را که دوست میداری [illegible] دعا [illegible] باید کرد
که اختیار [illegible] است و بنده را اختیار نیست که حق تعالی اختیار [illegible] کرده است
و گفته وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ و اختیار کردن در دعا آن باشد
که گوئی یا رب فلان چیز مرا ده و یا مرا فلان شهر ده و یا مرا فلان شغل ده و یا مرا
[illegible] ده و یا مرا [illegible] ده و حق تعالی گفته است إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ
[illegible] گوید یا رب [illegible]
[illegible]
[illegible] حق تعالی [illegible]
آن وعده کرده [illegible] رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ در خبرست هرکه این دعا پیوسته گوید خدای تعالی
او را در دنیا عافیت دارد و در گور زندگی در عافیت دارد و همچنان در
عافیت میدارد تا در بهشت برود و دیگر دعا که آموخته است در قرآن رَبَّنَا
لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا و هم در وعده
استجابت کرده و دیگر دو چیز در دعا بگو الهی آن چیز که میخواهم مرا بده در عافیت
و در رضاء خود زیرا که هر نعمتی که ترا دهد اگر آن در عافیت نباشد و در رضاء
حق تعالی نباشد آن نعمت و عافیت نیز هم در بلاست و بیماری **فصل**
چهارم در شرایط استجابت دعا از تفسیر اجابت دعوت دیگرست و قضاء حاجت
دیگر اجابت دعوة اینست اگر بگوید بنده یا رب حق تعالی گوید لَبَّيْكَ عَبْدِي
و این وعده کرده شده است و موجود است هر مؤمنی موجود شده را و قضاء
حاجت دادن دیگر است و این وعده یا بدنیا باشد و یا در آخرة باشد و یا جزاو
و یا نباشد و در عوض این باشد زیرا که خدای تعالی صلاح بندگان بهتر میداند
و آورده اند که ابراهیم ادهم رحمة الله در بازار بصره میگذشت خلق
بر وی جمع شدند و گفتند که خدای تعالی در کتاب فرموده است اُدْعُونِي
أَسْتَجِبْ لَكُمْ و ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود دعاء ما پس ابراهیم ادهم
گفت بدرستی که دلهاء شما مرده است به ده چیز اول آنکه می شناسید خدای را عز و جل
و اداء نمی کنید حق او **دوم** آنکه میخوانید کتاب او را و عمل نمی کنید بدان **سیوم**
آنکه دعوی میکنید محبت رسول را صلی الله علیه وسلم و ترک آورده اید سنتهاء او را
چهارم دعوی میکنید عداوت با شیطان و با او موافقت کرده اید **پنجم** دعوی میکنید
محبت بهشت را و عمل نمیکنید مر آنرا **ششم** دعوی خوف آتش میکنید و رهن کرده اید
نفسها خود را بدان **هفتم** اقرار میکنید که مرگ حق است و ساخته نمیشود مر آنرا

هشتم مشغول شده اید بعیب برادران و از عیب خود یاد نمی کنید **نهم** می خورید
نعمتهاء خدای تعالی را و نا سپاسی میکنید **دهم** دفن میکنید مردگان خود
را و بدان اعتبار و انتباه نیست مر شما را و در حدیث است که همیشه بنده بخیر است
تا که عجلت نکرده است گفتند چگونه است عجلت یا رسول الله گفت میگوید بنده که دعا
کردم بخدای عز و جل مستجاب نشد از حقایق چون کسی دعا کند توفیق می یابد
مستجاب شدن آن سخت شتاب مکن و بیخودی و بی عملی مکن که در ضمن این کار
چند چیز است یکی آنکه لقمه خود را بنگرد که از کجاست اول لقمه حلال باید تا دعا مستجاب
شود و هر که از لقمه حرام کننده باشد استجابت دعا از چشم نباید داشت که در خبر است
در شکمی که یک لقمه از حرام باشد چهل روز دعا او مستجاب نشود و دیگر آنکه بعضی دعا
از آنهاست که اگر مستجاب شود مومن و بال او را هلاک کند و حق تعالی صلاح کار بهتر
میداند و دیگر بعضی دعاهاست که اگر چه دعا مطلوب کننده نمی نهند اما ذخیره میکنند
بجهت آخرة او و در آخرة ثمره آن بیابد تا چون در آخرة ثواب و ثمرات آن
دعا معاینه بگوید کاشکی در دنیا هیچ دعا مستجاب نشدی همه در ذخیره آخرة شدی
و دیگر آنکه اگر ده دعا تو با چندین کژی تو مستجاب نشود بدان تنگدل مشو
که تو نیز چندان بنده فرمان بردار نیستی که دعاء ترا اجابت باشد و نیز تو بنده و بنده
را لایق ما آن خداوندی باید بود و نه خداوند را امرا و بنده او را الکاه دید که او
خود بهتر است بهر حال مطیع و فرمان بردار باید بود و اما اگر تو مطیع بودی دعاء
ترا اجابت نبودی چنانکه گفته است كُنْ لِي مُطِيعًا وَلَا تُعَلِّمْنِي مَا يُصْلِحُكَ
در روایت از مصطفی علیه السلام از ابو سلیمان دارانی رحمة الله علیه هر که خواهد
که دعا او مستجاب شود پیش در و گوید بر پیغامبر علیه السلام پیش از دعا و بعد از
دعا هر آینه که رد نکند خدای تعالی درود پیغامبر علیه السلام پس دعائی که میان

دوور و درست آن هم رد نشود که عصمت الانبیا علیه السلام و پیغامبر علیه السلام
فرموده است که اعمال موقوف است و دعا محبوس تا چون درود گوید بر من
پس دعا کند مر نفس خود را خدای تعالی بیامرزد او را و دعا مستجاب کند از
تفسیر منثور آورده اند که مردی از باری تعالی فرزند خواست صفت نکرد که
چگونه فرزند باشد حق تعالی او را فرزندی مخنث داد آن مرد گفت یا رب
من از تو فرزندی خواستم مرا فرزند مخنث دادی آوازی شنید ما سوال
ترا اجابت کردیم تو از ما مطلق فرزندی خواستی فرزند دادیم شرایط دعا
ندانستی شرایط این بود که میگفتی مرا فرزندی بده شایسته و ولی و صالح که نسل
او مبارک و صالح باشد چنانکه ذکریا خواست علیه السلام از ترغیب الصلوة
هر که خواهد که دعاء او مستجاب شود باید که دو چیز نگاه دارد یکی آنکه وقت دعا
دل حاضر دارد دوم دیگر لقمه و کسوت را از وجه حلال سازد تا دعا مستجاب بود
در خانه مومنی که رشته تاری از حرام باشد باشد اهل آن خانه را هیچ روی
روی دعا مستجاب نشود و قال النبی علیه السلام ان کان فی بیت مومن
مسلک من الحرام لم یستجب دعوته و در خالصة الحقایق آورده است
مردی برسید عالمی را که چکنم تا مستجاب شود دعا من پس آن عالم گفت مر او را
که لقمه حلال بخور و لباس از حلال بپوش پس دعا کن تا ببینی اجابت را پس
آن مرد رفت و سوال کرد و گفت که درین زمانه حلال کی است پس آن عالم گفت
او را برو در کنار دریا یک جامه بیرون کن و در آب برو و از دریا
ماهی بگیر و سر خود کن پس تو حلال خورده باشی و حلال پوشیده پس
و ازین عمل بخواه هرچه خواهی از ملفوظ شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز
بر لفظ مبارک راندند که شرائط دعا کردن بسیار است اگر همه بگویم سخن دراز گردد

رضا یک شرط است که آغاز دعا به پروردگار عالم جل جلاله حمد و ثنا کند باید که
دوم بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعد از آن دعا کند اجابت شود شرط دوم
است که اهل بیت خود پوشیدن حلال منع نکند شرط سیوم است که در آغاز دعا
و اتمام آن صدقه دهد چنانکه روایت کرده اند از امام ثقه رحمة الله علیه
که او را حاجتی بود دیر باز داشت درویشی را صدقه داد و گفت دعا کن تا حاجت
من تمام شود زیرا که شرط است هر که بر بادشاهی رود دربان را چیزی دهد پس
درویش دربان خدای است عز و جل پس چون برفت حاجت او تمام شد باز جامه
صدقه دیگر بداد و برای اتمام حاجت فصل پنجم در اوقات استجابت دعا از
تفسیر منیر امیر المومنین علی رضی الله عنه گفت که از اسباب دعا یکی آنست که دعا کند از
پس عبادتی که خالص باشد مر خدای را عز و جل و عقب صدقه که هست صادق دهد
و نخواهد در دعا شرئی را که این حکم کردن باشد و در میان حکم کردن و دعا کردن
فرق است و پیغامبر علیه السلام فرموده است که موسی صلوات الله علیه بخواست از پروردگار
جل جلاله گفت کدام ساعت است یا پروردگار من که من ترا خوانم و تو مرا اجابت
کنی پس فرمان شد از حضرت عزت که بنده منی و من پروردگار توام هر گاه که مرا خوانی
اجابت کنم ترا پس چند بار موسی علیه السلام همین خواست کرد پس فرمود خدای تعالی
بخوان مرا در نیم شب بدرستی که اجابت کنم اگرچه خوانی مرا در وقت عصر یا زوال
از ضیا تفسیر منیر و مشارق در خبرست چون میگذرد نیم شب یا ثلث آن شب
ندا میشود از حضرت عزت جل جلاله سوی زمین تا آنکه صبح صادق میدمد آیا
هست از سایلی که داده شود سوال او و هست از دعا کننده که اجابت کرده
شود دعای او و هست استغفار کننده که آمرزیده شود گناهان او از ضیا در خبرست
مردی بیامد بخدمت رسول علیه السلام و گفت کدام ساعت است شنواتر و امیدوارتر

محبت مستجاب است و دعا رسول علیه السلام فرمود دعا نیمه شب و آخر شب چون نصف شب بگذرد
را شش جزو کند سه جزو نصف شب اول باشد و سه جزو نصف آخر لیس میان شب
آخر پنجم جزو باشد از شش جزو شب و دیگر اوقات اجابت دعا است دعا نزد دیدن
ماه نو دیدن و دعا در شب قدر و دعا نزدیک آنکه و سیاه روی بود و دعا
بوقت اقامت گفتن و دعا بوقت باریدن باران و پیغامبر علیه السلام گفت اغتنموا
ذی الحجه است و آن شب عرفه است خدای تعالی اندرین شب بمؤمنان نظر رحمت بکرد و
و دعا شب عرفه و دعا در روز عرفه و در آخر قرآن خواندن و در عقب صدقه که نیت
صادق بود و آن وقت که از بانگ نماز گفتن فارغ شوی و یا از شنیدن بانگ نماز چون
دل حاضر داشته باشی و هم ذلک را جواب دهد **و در خبر است** هر نمازی که در عقب
وی یکی نشسته زود حق دعا بود سنت است **کما قال الله تعالی** فَإِذَا فَرَغْتَ
فَانْصَبْ و پیغامبر علیه السلام فرمود غنیمت دارید دعا را وقت رقت دل بیچون
دل شما خوش شود و مکر دو دوست و در چشم آید که آن نشان اجابت دعا است و مستجاب
نشود دعایی که با غفلت باشد **و در خبر است** پنج است از شب که در آن دعا رد نیست
شب آدینه و اول شب از ماه رجب و شب برات و هر دو شب عید **فصل ششم**
در دعا کسی که مستجاب است در حدیث است دعا پدر و مادر در حق فرزند
رد نشود و دعا بیمار و دعا حاج و دعا فرزند مادر و پدر را و دعا
معتمر تا مراجعت کند و دعا مسافر و دعا ستم رسیده و دعا امام عادل و دعا کسی که دست
بر گیرد خدای عز و جل و دعا بیمار و دعا المؤمن و دعا روزه دار و دعا غایب
و دعا بندگان و رسول علیه السلام فرمود بپرهیزید از دعا کسی که او را فریاد رسی
نباشد جز باری تعالی و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت چون مؤمن دوستی را در
غیبت و حاجت مستجاب کند خدای تعالی و دعا او را رد نکند حاجت او و عفو کند

گناهان او

گناهان او و بنده مر او را برائت از آتش دوزخ و برائت از نفاق **فصل**
هفتم آنکه مانع اجابت دعا است و در خبر است که خدای تعالی فرموده است مستجاب
نکنم از زن دعا قومی که راضی باشند از زنان خود و بپوشیدن خلق‌ها با آواز و زینت که
بپوشند زنان کار باشند و در حق خود مستجاب نشود دعا کسی که نماز را سبک میدارد
بر آنکس بود که او را طلب جماعت اهتمامی نباشد چون در یابد جماعت را جماعت
بگذارد و اگر جماعت فوت شود او را افسوس نباشد و **و در خبر است** که دعا کسی
مستجاب نشود مردی که در ذمه وی دین باشد و نه مردی که بد مال را
بنا دادن که حق تعالی منع کرده است وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمْ
و مردی که باشد مر او را زنی بد خلق و او را طلاق نگوید **و در خبر است** که در جایی
فرشتگان نیایند که در و خمر باشد یا دف یا طنبور و یا نرد و مستجاب نشود دعای
ایشان **و در خبر است** هر که خنده کند در عقب جنازه خوار کند خدای تعالی او را
روز قیامت و در نظر خلایق و مستجاب نشود دعای او **و در خبر است** و کسی که زکوة
واجب شود او را و نده مستجاب نشود و هر که مهتر را بر کف دست نهد دعا او مستجاب
نشود و الله اعلم **باب یازدهم در نماز و ادعیه بجهت قضاء حا**
حاجات و کفایت مهمات و اخلاص محبوس و ادعیه که پیش بزرگان بر وی مشتمل
بر پنج فصل **فصل اول در نماز قضاء حاجات نماز کن فیکون**
هر کرا غمی و اندوهی بود یا از کسی بترسد و یا مهمی پیش آید این نماز بگذارد و تا قدرت
خدای تعالی است به ده کند شب نگذرد که از آن غم و اندوه نجات و فرج باشد
و شک ندارد که شود بالله منها بکوک درخت غسل کند و جامه پاک بپوشد بعد از آن
چهار رکعت نماز بگذارد در اول شب آدینه بدین منوال رکعت اول بعد از
فاتحه صد بار بگوید وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ [illegible] رکعت دوم

دوم بعد از فاتحه بگوید اَلَا اِلَی اللهِ تَصِیرُ الْاُمُورُ رکعت سیوم بعد از فاتحه
صد بار بگوید نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَفَتْحٌ قَرِیبٌ رکعت چهارم بعد از فاتحه صد بار بگوید
غُفْرَانَکَ رَبَّنَا وَاِلَیْکَ الْمَصِیرُ پس سر به سجده نهد و دست یکبار برآورد و صد
بار بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ هنوز سر از سجده برنیاورده باشد
که حق تعالی حاجت او روا کرده باشد اِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَی وَهَذِهِ الصَّلوةُ مُجَرَّبَةٌ
دیگر نماز حاجت منقول است که حضرت علیه السلام نماز حاجت چنین از بهر دو رکعت
نماز بگذارد و بخواند در رکعت اول فاتحه هفت بار و قُلْ یَا اَیُّهَا الْکَافِرُونَ
یکبار و در دوم فاتحه هفت بار و اخلاص یکبار بعد از نماز بنشیند ده بار بگوید
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ تا آخر و ده بار بگوید مَا شَاءَ اللهُ کَانَ
وَمَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَاَنَّ اللهَ
قَدْ اَحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا وَاَحْصَی کُلَّ شَیْءٍ عَدَدًا و ده بار
صلوة و ده بار یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ بگوید پس سر به سجده نهد و ده بار یَا غِیَاثَ الْ
الْمُسْتَغِیثِینَ اَغِثْنِی پس بنشیند و بر سینه کند و دست را بلند بردارد و ده بار بگوید
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ از خدای تعالی آنچه خواهد ان شاء الله هر حاجت که خواهد
هم حاجت بر آورد بفضل و کرم خویش دیگر نماز حاجت آورده اند که یکی از خلفا
بر یکی از اغنیا بغداد دشمن شد و خواست تا او را بکشد آن مرد خبر یافت بگریخت
به راهی رفت آن را بر سید او را بجست که تو بیرون آمده از بغداد او حال
خود بگفت که خلیفه بر من دشمن شده است قصد کشتن من دارد درویش گفت برو
بیرون در صحرا و خطی بکش و سنگ ریزه جمع کن و گور پیغامبر علیه السلام بنا کن و دو رکعت
نماز بگذار و هرچه دانی از قرآن بخوان بعد از نماز هزار بار درود بگوی بعد ان
روی بر خاک نه و سجده کن و در سجده بگوی اِلَهِی اَنَا عَاجِزٌ عَنِ الدُّعَاءِ اِلَی -

تو بحق رسولک المصطفی علیه السلام فهذه اضبوره قبره حسنک بحق مقدار ان
تفرجنی عن هذه الظالم آن مرد همچنان بکرد پس چون سوی خانه بازگشت
نزدیک دروازه شهر رسید شوری و غوغائی شنید پرسید که این چیست گفتند که غلامان
خلیفه را بکشتند و در کتاب دلیل الحاج هم این را آورده است بجهت بر آمدن حاجات
و مهمات دیگر نماز حاجت اگر چیزی دارد و بترسد که از دست او بشود و از تعالی دو رکعت
و زمین و مال و قریه و جز آن این دعا را که بر این ترتیب یاد کرده میشود بخواند و در خبر
آمده است که آن را حق تعالی بر وی نگاه دارد و آنچه خواهد از قرآن بخواند چون از نماز
فارغ شود صد بار اخلاص این کلمات بگوید اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ
وَقُوَّتِکَ وَسُلْطَانِکَ وَمَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ اَنْ تَحْفَظَ بعد از خواندن دعا یاد کند که از برای چه میخواند
اگر مال باشد بگوید عَلَی اَمْوَالِی کُلِّهَا و اگر ولایت باشد ولایتی نه داخ
باشد نام گیرد **فصل دوم** در ادعیه قضاء حاجات از فوائد الفواد
اگر کسی به رنجی و یا بلائی گرفتار شده باشد چنانچه هیچ علاج دفع نکند و سود ندهد
بعد از نماز دیگر تا وقت غروب بهیچ مشغول نشود و ذکر این سه نام که اینجا
ملا کوید اینست یَا اَللهُ یَا رَحْمَنُ یَا رَحِیمُ از آن رنج خلاص یابد
دیگر سخن در فاتحه افتاد که آنرا برای آمدن حاجات بسیار خوانده بود
هر کرا مهمی و کاری مشکل شود فاتحه همچنان خواند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ
اَلْحَمْدُ لِلّهِ و چون اینجا رسد الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ و چون سوره تمام کند آمین
سه بار بگوید حق تعالی او را کفایت رساند از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید
الحق والدین قدس الله سره العزیز بلفظ مبارک رانده که در روضه امام محمد
حسن شیبانی رحمة الله علیه نبشته دیدم بروایت جعفر صادق رضی الله عنه

که از رسول علیه السلام هر کرا غمی و یا مهمی پیش آید و یا کاری بزرگ که قابل اصلاح
نباشد چون نماز بامداد بکذارد صد بار بکوید لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا قیوم یا فرد یا وتر یا احد
یا صمد پس اگر حاجت او را انشنود لعنت کند بروی نعوذ بالله منها بعد از آن
هم درین محل فرمود که در وقت درماندگی هر که این دعا چهار هزار بار بکوید آن
مهم بالقطع بکفایت رسد و این کلمات اینست اقوی معین و اهدی دلیل
بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین از کتاب الفرج چون کاری بالی بتو
رسد و بلیتی در ماند بتاب و دست باش بر بستری پاک و سوره والشمس و اللیل هر یک
هفت بار بخوان پس بکوی اللهم اجعلنی فرجا من امری
هر اینه در شب اول یا دوم یا هفتم در خواب بیند که کسی بیاید و ترا خبر کند که سبب
خلاص تو چه باشد و این بیماری را چه علاج باشد بسیار مجبوسان و درماندگان
و بیماران این را تجربه کرده اند و در خواندن و در خواندن باید که زن
نزدیک نباشد و اکر عورت خواند هیچ مردی نزدیک نباشد از حال
غایب زنده یا مرده و سبب رحمت و مات و فوت ان از ین معلوم شود و بردا
والشمس و سوره اخلاص هفتکان بار بخواند و جامه پاک بپوشد و مستقبل قبله
بر پهلوی راست خسبد بر آن نیت که بیند در شب اول یا دوم یا پنجم یا هفتم و اکر نه بیند
پس او را انقضا یافته باشد در وضو و یا در قرائت و یا در جامه و پیغامبر
علیه السلام فرمود اگر کسی اندوهکینی زده این دعا بخواند از آن غم و اندوه
فرج یابد و اکر وام داری خواند وامش ادا شود و اکر از سلطان می ترسد
از خوف او ایمن باشد ابو عثمان گفت که این حدیث مجرب و نافع است
بفرمان خدای تعالی دعا اینست اللهم انی اسألک یا من

لا یواری

لا یواری منه لیل داج و لا سماء ذات ابراج و لا جبال
ذات فجاج السر عندک علانیة و العلانیة عندک
شهادة و الظلمة عندک نور و کل شیء عندک بمقدار
اعطنی الصحة فی بدنی و النور فی بصری و الیقین فی قلبی
و الاخلاص فی عملی و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین
و در اثنا آمده است هر کرا غمی و اندوهی پیش آید بعد از وتر پیش از آنکه با کسی
سخن کوید پنجاه یکبار سوره والضحی بخواند آن غم و اندوه برود و مجربست
از صلوة مسعودی خواجه امام زاهد فخر الدین با شیخ الاسلام برهان الدین
رحمة الله علیه بعیادت خواجه امام بکر عمار رحمة الله علیه رفتند وی حدیثی روایت
کرد که هر کرا مهمی پیش آید در کوش راست وی بانک نماز بکوید و در کوش چپ
او اقامت کوید خدای تعالی آن مهم را بکفایت رساند و هر حاجتی و مرادی
و کاری که زود بر نیاید در چول قل هو الله احد هزار و یکبار بخواند در حال
و ساعت بر آید مجربست و هر بیماری و علتی که دیر کشیده باشد و دارو نکند و یا
حادث شده باشد و دارو آن نه دانند و یا بدانند قل یا ایها الکافرون
هزار و یکبار بخوانند در حال صحت یابد البته و منقول است از شیخ الاسلام
نظام الدین قدس الله سره العزیز بعد از نماز چاشت سوره یس خواند و سه
بار دعا سوره یس خوانند پس حاجت خواهد بر آید از منافع قرآن جعفر صادق
گفت رضی الله عنه هر که سوره انفال بنویسد با خود دارد و پیش حاکم برود
بالسید حاکم رعایت او کند حق او برد و دشمنان و حاجت او روا کند اگر چه حق با
بروی باشد دفع کند و هر که سوره طه بنویسد و در حریر سبز بپیچد و با خود

دررداگر قصد کند بر قومی بجهت تزویج وخواستگاری آن کار تمام شود وسخن
او قبول کنند واگر میان دو قوم بجهت اصلاح برود میان ایشان قتال نشود و
اگر بشوید بآب وبخورد دو شیش هر پادشاهی جباری وقهاری که برود نرم گرداند
خدای تعالی او را بروی وبیرون آید از پیش وخوشدل واگر بشوید وبخورد
کسی که او را فرزند نباشد خدای تعالی او را فرزند روزی گرداند
وهر که سوره قیامت دایم بخواند واز خدای تعالی حفظ قرآن بخواهد نمیرد تا
تا حافظ نشود واگر حاجتی بزرگ خواهد در دنیا حاجت او برآید وهر که سوره
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وقت طلوع آفتاب که در آغاز طلوع باشد ده بار
بخواند هر حاجت که خواهد برآید وهر که این آیه بنویسد وبا خود دارد ومردی
را که او را زن نباشد ویا زنی است که او را شوهر نیست البته زن جفت
روزی شود وکسی را که فراموشی بسیار بود بعد آن او را فراموشی نباشد
واگر مریض باشد شفا یابد واگر فقیر بود غنی گردد واگر او را در کاری
ویا در کسی نقصانی باشد که نمی داند یا آن کار راست نمی آید وبر او آن کار
آسان شود ودر آن برکت شود وآیت اینست وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ
إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا
لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى وَأْمُرْ أَهْلَكَ
بِالصَّلَوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ
وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى

فصل سیوم در ادعیه دفع حزن وغم وقضا حاجات

فقیه ابو اللیث رحمة الله علیه در کتاب
خود آورده است عجب دارم از آن گروه که بغم گرفتار شده اند چگونه
نگویند لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

زیرا که حق سبحانه وتعالی در کلام مجید فرمان داده است که فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ
نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ مهتر ایوب علیه السلام این را
روزی چند ملازمت نمود واز آن بلا که گرفتار بود نجات یافت وعجب دارم
از آن گروه که کسی بترسند واین نگویند حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ زیرا که
حق تعالی در کلام الله میفرماید فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ
سُوءٌ وعجب دارم که بترسد از مردمان ونگوید وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ
إِنَّ اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ زیرا که حق تعالی فرموده است فَوَقَاهُ اللهُ سَيِّئَاتِ
مَا مَكَرُوا از طایف مولانا ضیاء الدین مفسر روز آدینه که خطیب از
منبر فرود آید این دعا بخواند حق تعالی او را از غمها ودردها واز همه اندوهها
خلاص بخشد وحاجتها روا گرداند بسم الله الرحمن الرحیم سُبْحَانَ اللهِ
الْوَاحِدِ الْأَحَدِ سُبْحَانَ اللهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ سُبْحَانَ مَنْ
رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمَدٍ الْمُتَوَحِّدِ بِلَا صَاحِبَةٍ وَلَا وَلَدٍ وَلَمْ
يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ
وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ
أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَمَشَرَّتِهِ لِكُلِّ
نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
أَجْمَعِينَ وابن عباس رضی الله عنه روایت میکند که پیغامبر علیه السلام امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه را گفت یا علی بدانکه بیاموزم ترا چیزی که بیاورد برمن جبرئیل علیه السلام
وگفت یا محمد این هدیه من است ترا از باری سبحانه وتعالی وگرامی کرده است ترا این
باشد ده کلمه است بخواند این را اگر مردی وزنی اند وهگین ومحزون ومغمومی وخایف
از سلطان ویا از شیطان ویا از زندان ویا از غرق شدن مگر آنکه فرج دهد خدای تعالی

ازان وایمن کردانند او را از انچه میترسد چهارم کلمرا ازان حبشه شده است بر عرش ونه کلمرا زان در علم اینه وتعالی است پس علی گفت بگو نهت اي وعلی پیغامبر علیه السلام فرمود یا علی بگوی یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ وَيَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ وَيَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ وَيَا حَسَنَ الْبَلَاءِ وَيَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ وَيَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى وَيَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى وَيَا مُحْسِنُ وَيَا مُنْعِمُ وَيَا مُفْضِلُ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَبَيَاضُ النَّهَارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا رَبِّ پس حاجت خواه بدرستی که از جاي فتنت نخزی که دعا مستجاب شود و حاجت بر آمده باشد و نیاموزید این دعا سفهارا یعنی نادانانرا از ترجه احیا پیغامبر علیه السلام فرمود هیچکس را اندوهی نرسد واین کلمات بگوید که نه حق تعالی اندوه وی ببرد و بجاي آن شادی بدل کرد رندگفتند یا رسول الله ما آنرا بیاموزیم گفت هرکه بشنود بایدکه بیاموزد دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم اَللّٰهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ وَحُكْمُكَ نَافِذٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَأَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ أَعْطَيْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَنُورَ صَدْرِي وَجِلَاءَ غَمِّي حُزْنِي وَهَمِّي در روضة القلوب اسما بنت عمیس رضی الله عنها گفت که از رسول علیه السلام شنیده ام هرکرا غمی واندوهی رسد یا بیمار شود یا بلائی

أعطيتَه

درمانده باشد و یا وزوی برویی مستولی شده باشد یا در آتش درویشی و بیماری افتد پس سه بار این کلمات بنیت خلاص خود ازان رنج بگوید حق تعالی آن رنج را از وی ببرد و آن بلا از وی بگرداند بفضل خود و کلمات اینست اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً فصل چهارم در خلاصی محبوس هر محبوسی که این آیه کلام مجید باعتقاد درست بخواند حق سبحانه وتعالی او را بزودی وجهد خلاص بخشد وآورده اند که در خلافت امیر المومنین معتصم مردی را حبس کرده بودند آن مرد را در خواب نمودند که این آیه بخواند امیر المومنین معتصم کس فرستاد تا او را از زندان بیرون آرند و خلعت دادش و تربیت کرد خنک آنکس را که این آیه یادگیرد و هر شب بخواند ایزد تعالی وی را از همه غمها فرج دهد آیه اینست بسم الله الرحمن الرحیم قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ قُلِ اللهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ سلطان و یا بر دشمن و ظالم برود خدای تعالی از شر ایشان نگاه دارد و آیات اینست الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ دیگر از هرکه خائف باشد این آیه بخواند و پیش انگشتی برود و از دست وزبان او سلامت ماند و هیچ گزندی و آفتی بدو نرسد آیات اینست عَسَى اللهُ

ان یجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة والله قدیر
والله غفور رحیم باب شانزدهم در ادعیه عصمت و عافیت
و ظفر یافتن بر دشمنان مشتمل بر هشت فصل فصل اول که هر روز در
بامداد و شبانگاه بخوانند از جالهٔ الحقایق روایت کرده اند از ابن عباس
رضی الله عنه گفت با پیغامبر علیه السلام برفتیم گذشتیم بر قومی که مجذوم بوده اند گفتیم
یا رسول الله چه سخت بلائی است این پس رسول علیه السلام فرمود اینها در طلب چیزی
بوده اند که از خدای تعالی عافیت نخواسته اند ایضا مرویست مردی بیامد
بر رسول علیه السلام گفت بخواه از پروردگار خود عفو و عافیت در دنیا و آخرة
روز دوم آن مرد بیامد و باز همین سوال کرد گفت کدام دعا فاضل تر است رسول
علیه السلام باز همین جواب گفت که از خدای تعالی عفو و عافیت بخواه اگر ترا داده
شود عافیت در دنیا پس آن سبب رحمت خدای شود و در آخرة پس از برای
عفو و عافیت دعائی که بهتر ازین نیست کد را و راد شیخ الشیوخ آمده است و جامع است
مدام بخوانند دعا اینست اللهم انی اسألك العفو والعافية والمعافاة
فی الدنیا والآخرة از تنبیه ابو اللیث حوزانی رضی الله عنه گفت هر که در
بامداد این دعا بخواند آن روز هیچ ظالمی و موذیی بر وی قادر نشود و هر چند
که خواهد کسی بدایی برساند نتوانند تا شبانگاه و اگر در شب خوانند تا در بامداد در عصمت
باشد بفضل الله تعالی دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله علی
نفسی و دینی بسم الله علی اهلی و مالی و ولدی بسم الله علی
ما اعطانی ربی الله ربی لا اشرک به شیئا الله اکبر الله
اکبر عز و جل مما اخاف و احذر اللهم انی اعوذ بك
من شر نفسی من شر کل شیطان رجیم و شر کل عنید جبار

فان تولوا

فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
وهو رب العرش العظیم وبالله التوفیق والعون
وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین دیگر
هم در عصمت شیخ الاسلام ابو طالب مکی در قوة القلوب آورده است
از مصطفی علیه السلام که او فرمود هر که این دعا را در روز بخواند تا شب هیچ بلا
بوی نرسد و اگر در شب بخواند هیچ بلائی تا روز بوی نرسد دعا اینست اللهم
ربی لا اله الا انت علیك توكلت وانت رب العرش العظیم
ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم اعلم ان الله علی کل شیء
قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما و احصی
کل شیء عددا اللهم انی اعوذ بك من شر
نفسی و من شر غیری و من شر کل دابة انت آخذ بنا
صیتها انك رب العرش العظیم دیگر هم در عصمت هر که بخواند
این دعا را در روز و در شب بلائی بوی نرسد دعا اینست اللهم
صل علی محمد و علی آل محمد و بارك و سلم و صل علی جمیع
الانبیاء والمرسلین تحصنت بذی الملك والملکوت واحتجبت
بذی القوة والجبروت واعتصمت بالحی الذی لا یموت
ورمیت کل عدو بلا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
دیگر هم در عصمت این دعا است پیغامبر صلی الله علیه وسلم اللهم
انی اصبحت لا استطیع دفع ما اکره ولا املك نفع
ما ارجو اصبحت مرتهنا بعملی و اصبح امری بید غیری فلا

فَقِيرٌ أَفْقَرُ مِنِّي وَلَا ضَعِيفٌ أَضْعَفُ مِنِّي اَللّٰهُمَّ لَا تُشْمِتْ
بِي عَدُوِّي وَلَا تَسُوءْ صَدِيقِي وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي
وَدُنْيَايَ وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ
هَمِّي وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ از تفسیر منه پیغامبر علیه السلام فرمود هر که هر روز
بامداد هفت بار بخواند حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ایمن باشد از سوختن و غرق شدن
و از دزدیدن و چون در شب آنگاه بخواند ایمن باشد تا صبح ایضاً
پیغامبر علیه السلام فرمود هر که ده بار قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ بخواند از هفتاد
نوع بلا خدای تعالی او را نگاه دارد ایضاً در حدیث است هر که بخواند آیة
الکرسی وقت خواب کردن در شب خدای تعالی فرشته فرستد تا او را نگاه
دارد تا صبح و جبرئیل علیه السلام گفت مر پیغامبر علیه السلام را به درستی عفریتی از جنیان
که قصد تو می‌کند پس بران او را از خود به آیة الکرسی و هر که بخواند آیة الکرسی
چون بخواهد که بخواب رود در حفظ و امان و در دل نفس او را و همسایه او را
و خانها که گرد خانه او باشند ایضاً در خبر است هر که بیرون آید از خانه
خود و آیة الکرسی بخواند بفرستد خدای تعالی سوی او هفتاد هزار فرشته
تا استغفار کنند او را و دعا کنند مر او را پس چون بازگردد و در خانه آید
و آیة الکرسی بخواند بیرون آید خدای تعالی فقر را از پیش هر دو چشم او ایضاً
مرویست از ابن مسعود رضی الله عنه هر که بخواند چهار آیة اول سورة بقره
و آیة الکرسی سه آیة تا خالدون و سه آیة از سورة بقره نیاید نزدیک او
و اهل او آن روز هیچ شیطان و نه چیزی که او را زیان رساند و اگر بر دیوانه

خواند نیکو شود و [illegible] القلوب رسول علیه السلام فرمود ابو هریره را
چون از خانه بیرون آیی بگوی بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس فرمود بر در خانه فرشته ایست
استاده چون بنده این کلمات بگوید آن فرشته گوید هدایت شدی و کارها را
کفایت کرده شدی و از شر دشمنان نگاه داشته شدی پس دیوان از او دور شوند و شیطان
برابر بر شود و از قصد دیوان او را نگاه دارند ایضاً در حدیث آمده است
هر که پیوسته بگوید حق تعالی هم عمر او را [illegible] بدل کرداند و نفس و دین و اهل
و مال او را [illegible] نگه دارد ایضاً اللهم إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي
وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
فَإِنَّكَ لَا تُضَيِّعُ وَدَائِعَكَ وَإِنِّي أَعْلَمُ لَنْ يُجِيرَنِي مِنْكَ أَحَدٌ
وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَدًا از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین
قدس الله سره العزیز بر لفظ مبارک رانده در فتاوی ظهیری نبشته دیدم از
رسول علیه السلام که هر که آیة الکرسی بخواند از خانه بیرون آید حضرت عزت فرمان دهد
مر هفتاد هزار فرشته را تا آن زمان که آن بنده بیرون است نگاه دارند و برای
او آمرزش خواهند ایضاً امام سیوطی در کفایه خود آورده است که وقتی زاهدی
بود در بنی اسرائیل از صد بزرگ و از کنیزک خوب داشت و آن زاهد پیر و جای
مانده در نظر کنیزک خلل آمدی و آن کنیزک از آن زاهد بغایت تنگ آمده بود چنانکه
پیش طبیبی گله کردی که چه تدبیر کنم که از آن زاهد خلاص شوم زالی بود در نزدیک
همسایگی او گفت سهل کاریست برای دفع این زاهد ترا زهر هلاهل بدهم در
کوزه آب زهر بکن وقت افطار او را بده تا بخورد و هلاک خواهد شد کنیزک
چون از زال چنان شنید همچنان کرد وقت افطار زهر در آب انداخت زاهد را

دو زاهد بخورد و دره در زاهد آب زهر کارگر نبود آن کنیزک منتظر که زاهد
بمیرد چون روز شد آن کنیزک را طاقت نماند پیش آن زاهد گفت خواهم که بشنوی
خواهم که از من ترا زهر داده ام چون بود که ترا کارگر نشد زاهد در تبسم شد
گفت من دعائی دارم هر که این دعا بخواند از زهر و جز آن هر چه باشد از جمله بلاها
ایمن بود و هیچ چیز وی را از زهر و جز آن کار نکند از برکت این دعا و دعا اینست
بسم الله خیر الاسماء بسم الله رب الارض والسماء
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا
فی السماء وهو السمیع العلیم و در اوراد آورده است
پیش از طعام خوردن این دعا بخواند بعد آن طعام بخورد هیچ آن طعام زیان
ندارد اگرچه زهر باشد در آن طعام کار نکند از وسیلت القلوب و رز
ورا و حرز امام شافعی رحمة الله علیه هر که یکبار در روز و یکبار در شب بخواند
خدای تعالی از جمله بلاها در عصمت دارد و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اعوذ بک بنور قدسک وعظیم رکنک وعظمة
رکنک وعظمة طهارتک وبرکة جلالک وجمالک من کل
آفة وعاهة ومن شر طوارق اللیل وطوارق النهار و
طوارق الجن والانس الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن
اللهم انت عیاذی فبک اعوذ وانت ملاذی فبک الوذ
وانت غیاثی فبک استغیث یا من ذلت له بجلال وجهک وکرم
جلالک ان تجیرنی فی کشف سترک ونسیان ذکرک والانصراف
عن شکرک انا فی صدرک لیلی ونهاری ظعنی واسفاری ذ
ذکرک شعاری وثناؤک دثاری لا اله الا انت سبحانک وبحمدک

لقد

لقد تسامی عظمتک وتکرمها السحاب وجهک فسبحان اجرنی
من خزیک وقنی من شر عبادک واضرب علی سرادقات
حفظک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
آمده است که هارون رشید فرمود که امام شافعی را بیارند میخواست که او را
بکشد سیاف حاضر کرد و گفت چون دست بر سر نهم سرش بینداز چون
چشم هارون رشید بر وی افتاد برپای خاست او را کنار گرفت و بر جای
خود نشاند و چهار هزار دینار بنش داد و با کرامت باز گردانید امام شافعی
رحمة الله علیه همین دعا خوانده بود چون بر خلیفه در آمد و رسول علیه السلام
این دعا خواند که کافران گرنخیند و قاتک بن سلیمان روایت کرد که رسول
علیه السلام وصیت کرد علی را رضی الله عنه نزدیک رحلت این دعا فرمود هر که
بخواند یا بر خود دارد در حفظ و امان خدای تعالی باشد همیشه از جمیع بلاها
و آفات و امراض و از شر شیطان و جور سلطان و از غرق شدن و سوختن
و از کید ساحران و حاسدان انس و جن بود و بپارسی کرده شد و دعا
اینست بسم الله الرحمن الرحیم اسألک بحق لا اله الا الله
محمد رسول الله اسألک بحق هذه الاسماء وقرآن
العظیم اسألک بحق هذه الکلمة وتفسیر اسألک بحق هذه
الملائکة وحملة العرش والکرسی اسألک برب جبرائیل
ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل ودردائیل واستهدک
بخاتم النبیین واسألک بخاتم سلیمان بن داود علیهما
السلام واسألک بحق آدم صفی الله وابراهیم خلیل الله
وموسی کلیم الله وعیسی روح الله ومحمد حبیب الله والله غالب

عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي
بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ
الْأَخْسَرِينَ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ
الْمُفْسِدِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و این دعا مجرب دیگر منقول
از شیخ الاسلام شیخ نظام الدین قدس الله سره العزیز هر که این دعا هر شب
بخواند و با خود دارد در عصمت باشد و بر وی هیچ خصمی ظفر نیابد دعا اینست
اللَّهُمَّ انْصُرْنَا عَلَى كُلِّ عَدُوٍّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ
ذَكَرٍ وَأُنْثَى حُرٍّ وَعَبْدٍ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ شَاهِدٍ وَغَائِبٍ
كَافِرٍ وَمُسْلِمٍ وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَلَا يَخْفَى لَكَ
اكْفِنَا مَنْ لَمْ يَكْفِهِ غَيْرُكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
و ابن مسعود رضی الله عنه گفت روزی من بیرون آمده بودم با پیغامبر
علیه السلام سوی وادی پیغامبر علیه السلام موزه ها از پای مبارک خود بیرون
آورد و در زمین نهاد و زاغی بیامد و یک موزه را بگرفت و بر پرید و در
هوا شد و از آن موزه ماری سیاه فرو افتاد پیغامبر علیه السلام را گفتم اگر
می پوشیدی مار گزیدی پیغامبر علیه السلام گفت مرا نگزیدی به درستی که من هر روز
در بامداد سه بار این دعا میخوانم دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ
يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ
اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و این دعا در مشارق و در مشارق هم آورده
از منافع قرآن هر که سوره والفجر بخواند طلوع روز ایمن بود از جمله بلاها که از آن
بترسد تا طلوع روز دوم ایمن بود از جمله بلاها تا طلوع روز دوم از تفسیر زاهدی

اگر سوره یس

اگر سوره یس از جهت عافیت و سلامتی نفس خواند در آن روز برکت مناجات
بیند و اگر در آن شب که خوانده باشد همین حکم دارد و در ذخیره و در خالصة الحقایق
آورده است که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که ورد خود گرداند ...
روز اول ابر و باران نکند بالا هر دو شاهد بدار و حق تعالی او را از بلا
و بلاد و عقوبت بدارد و در جزیت هر که روغن در سر اندازد روز اول ابر و ما
رد جوب کند از صداع ایمن باشد از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین
قدس الله سره العزیز بلفظ مبارک راند که حق تعالی هر روز تا شب
ششصد بلا منزل میکند بر هر یکی از ... هر که در نماز و دعا
و تسبیح می باشد البته بر وی این دعا بلا را از خود دفع میکند زیرا چه در جب
چون بلاها از آسمان منزل میشود بر یکی و زنگیس که دعا میخواند و آن دعا
از وی بالا می رود و اگر آن دعا قوی باشد البته آن بلاها هم از راه باز
میگرداند و اگر در بین اخلاص و صدق نباشد لیکن دعا رد میکند فرود
می آید اما از زبان شیخ الاسلام قطب الدین بختیار قدس الله سره
العزیز شنیدم که ... می باید که بر حال که باشد از دعا کردن و گفتن
و خواندن و تسبیح آوردن خالی نباشد فصل دوم در ادعیه
که با خود دارند از تفسیر منور ابن عباس رضی الله عنه گفت بر عصا موسی
صلوات الله علیه نبشته بود و این کلمات اسماء الله تعالی هر سه لا بد اهیا اشراهیا
معنی این باشد أَنَا الْأَوَّلُ وَأَنَا الْآخِرُ وَأَنَا الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
أَبَدًا هر که این نام ها را بر کاغذ نویسد یا بر زنان بار دار بر خود دهند یا از
روز نکاح خانه فرود آوید بلاها و آفتها از وی دور باشد از ملفوظ
شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز فرمود این حکایت

که وقتی مردی را در بغداد پیش هفت شیر افکندند بقصد هلاک بهفت
روز پیش شیران افتاده بود و او را هلاک نکردند سلامت بیرون
آمد و سلامتی او از آنجا بود که این اسم اعظم بر وی بود **امنیت**
بسم الله الرحمن الرحیم یا دائم بلا فناء یا قائم بلا زوال
و یا صغیر بلا وزیر شیخ الاسلام به زبان مبارک راند هر که خواهد
که دشمنی خود را قهر کند این دعا پیوسته بخواند **دیگر** هر که این چهار
نام را در کاغذ باریک بنویسد و در موم گیرد و انگاه در زر و یا نقره
غلاف کند و با خود دارد غرق نشود و با آتش نسوزد و از بلاها ایمن شد
و اگر زنان در کمر در تیغ بر وی کار نکند و اگر در شب یا روز او را جایی برد
نبرد اگر تنگ آرد کارگر نشود باذن الله منها **امنیت** یا ابنو تا بنو تا
هنجیثا اخنوثا از منافع قرآن هر که سوره بنی اسرائیل بخواند بنویسد
در حریر سبز بجدد و با خود دارد هر تیری که بنوسند خطا شود و هر که سوره
جاثیه بنویسد و با خود دارد و یا بشوید و بخورد ایمن از تمام هیچ کس سخن
چینی نکند و نزدیک او غیبت کسی نگوید و اگر بر طفل بندد و از زبان
و گزندگان ایمن شود **فصل سیوم در ادعیه که بوقت سواری مرکب**
خوانند از تفسیر منیر در حدیث است چون خواهد که در مرکب سوار شود
چون پای در رکاب نهد بگوید الحمد لله علی کل حال سبحان
الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا
الی ربنا لمنقلبون سه بار تکبیر گوید و سه بار تهلیل و چون از جای
پایه فرود آید بگوید اللهم انزلنا منزلا مبارکا و
انت خیر المنزلین **و آورده اند** قومی بوده اند در سفر چون

بر مرکب سوار می شدند نمیگفتند سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا
له مقرنین و مردی بود میان ایشان ماده شتری داشت لاغر او آیه بخواند گفت
گفت این مضبوط است بر و التفات نکرد آن ماده شتر برمید و بگردید از پشت
او افتاد و گردنش بشکست و در صدق است پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود
چون یکی را زحمت می برسد و در حالت سوار شدن بس بگوید این آیه را بیامرزد خدای
تعالی مر او را **از تفسیر منیر** در خبر است از پیغامبر علیه السلام هر کسی که بنشست که او
بر ستور یا کشتی و بگوید الحمد لله الذی حملنا فی البر و البحر و رزقنا
من الطیبات و فضلنا علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا و الحمد لله الذی
من علینا بالاسلام و من علینا بالقرآن و بمحمد علیه السلام
سبحان الذی سخر لنا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون
ستور هنوز پای از جای بر نگرفته بود که خدای تعالی او را بیامرزد
فصل چهارم در ادعیه که بوقت خوف در سفر و حضر خوانند از تفسیر منیر
دعا و رعد مجرب است هر که بانگ رعد بشنود و بگوید سبحان من یسبح الرعد
بحمده و الملائکة من خیفته و هو علی کل شیء قدیر
حق تعالی در عافیت دارد از آفت رعد و این قیاس گفت هر که بشنود
رعد این دعا بخواند اگر او را صاعقه برسد دیت او روز قیامت بر من باشد
از فواید الفواد سخن در فضائل ... افتاد که بخدمت ما فضلت نقش میکرد از شیخ
فرمود هر وقت که مردم از خانه بیرون آید باید که دو گانه بگذارد
بیرون آید تا هر بلایی که در راه باشد حق تعالی از آن نگاه دارد
و در بین دو گانه بسیار حرمت و سلامتی بعد از آن فرمود که اگر کسی این
دو گانه نگذارد و نشود وقت بیرون آمدن و در وقت آمدن آیة الکرسی

باشد

بخواند جابر را این کلمه بگوید که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اذ روبیت
القلوب بروایت انس مالک آمده است که وی گفت یا رسول الله من میخواهم
و وصیت نامه نبشته ام که اد هم آن وصیت نامه را با پسر را یا برادر را
رسول علیه السلام فرمود چون میخواهی به سفر از خانه دو رکعت نماز بنشسته
که بگذارد و در آن ساعت که از خانه بیرون آید بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه
قل هو الله احد یکبار چون سلام دهد بگوید اللهم انی اتقرب بهن
الیک فاجعلهن خلیفتی فی اهلی و مالی پس فرمود که این خلیفه باشد در
اهل او و مال او و در ولد او و در خانه که گرد خانه اوست تا آنگاه که باز
آید القضاء حوایج بن معظم گفت رسول علیه السلام فرمود چون بیرون
خواهی رفت بسفر اگر خواهی که او از همه یاران حال تو نیکو باشد و زاد
تو بیشتر و نیکوتر حاصل شود نخست پنج سوره بخوان قل یا ایها الکافرون و
و اذا جاء نصر الله و اخلاص و معوذتین و ابتدا از بسم الله الرحمن الرحیم
کند و ختم نیز به آن کند پس بیرون رود و عار تنهایی شب هر که در شب جایی
تنها ماند و از دیو و پری و دد و دام و آدمی بترسد نخست سوره معوذتین
بخواند و این دعا بگوید اعوذ بالله الذی یمسک السماء ان تقع
علی الارض الا باذنه انه سمیع علیم و اعوذ بک یا رب من همزات
الشیاطین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم آیات حجب
هر که این آیات بخواند چون دشمنان قصد او کرده باشند از نظر دشمنان خدای
تعالی در حجاب دارد و سلامت ماند و هیچکس وی را نه بیند این را دوم قصه است
که از نظر دشمنان در حجاب مانده اند و سلامت رفته اند چنانچه جابر بن

بکام رسیده

بکام رسیده است از سبب تطویل نبشته نشد پس آیات حجب انا جعلنا
علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و ان تدعهم الی
الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا اولئک الذین طبع الله علی
قلوبهم و سمعهم و ابصارهم و اولئک هم الغافلون افرایت
من اتخذ الهه هواه و اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل
علی بصره غشاوة فمن یهدیه من بعد الله افلا تذکرون
در وحشت القلوب در حدیث آمده است از رسول علیه السلام گفت چون
یکی از شما در سفر باشد و چیزی گم کند و آن کس خواهد که او را بازیابد
در طلب آن باشد از بهر آن بگوید که عباد الله الصالحین اعینونی پس گفت حق تعالی
بندگان هستند که کس ایشان را نه بیند نهب در حدیث آمده است که اگر یکی از شما در سفر
باشد پس خواهد که بجایی رود و باید که متاع خود در آنجا گذارد پس خیال کرد بکشند
چنانکه ترسد ضایع شود و در حال گشیدن بگوید الله الله الله ربی
لا اشرک به شیئا فرمود که نگاه داشته شود آن بند و در آمده است که آیة
الکرسی بخواند بدان بر هر که آدمی و پری بر آن هیچ دست نیابد از منافع
قرآن هر که سوره توبه نویسد و بپیوندد در دستار یا در میان کلاه ایمن باشد
از راه زنان و دزدان و رحله مکانها اگرچه او را ببینند قادر نشود و از
از سوختنی و هر که سوره صف مدام بخواند ایمن بود از همه بلاها و سفر
در حفظ باشد تا آن زمان که در وطن خود باز آید و هر که سوره نبا در سفر
بخواند شب دیگاه نگاه داشته شود از جمله مضرتها و اگر بنویسد و در کمر بندد هیچ
کرمی و کسی دست بد که او نیابد و اگر در بازو بندد قوتی عظیم باشد
و هر که سوره و النازعات بخواند و مقابل رود به دشمنان و یا برود

بر سلطان که از و خائف باشد ایمن بود و سلامت دارد خدای تعالی از آن
وهر که سورهٔ عبس بنویسد در پوست آهو با خود دارد هر جائی که رخ کند و برود
در راه خیر بیند مگر هم چیزی و هر که سورهٔ والقدر بخواند در شب در حفظ خدای
تعالی باشد تا صبح هر که بخواند در هر دردی که خوف باشد بگذشتن و در آن
در و چاره نباشد و در فتنی و در آن بگذرد سلامت و هر که بترسد از
دزد و یا از غائب و یا از دشمنی و یا از شیطان و یا از چیزی که بترسند
مردمان از وی این آیه بسیار بخواند در شب وقت خفتن و بعد از شدن
و بعد از نماز بامداد از جمله ترسها و خوفها و هولها و آفتها در پناه خدای تعالی
او را نگاه دارد و هر که بخواند در پیش سلطان ظالم رود ایمن باشد نفس
او و مال او از شر آن و اگر بنویسد در گردن بچه بندد حق تعالی آن بچه را از
جمله آفتها و زحمتها نگاه دارد آیه اینست اِنِّی تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ
رَبِّی وَرَبِّکُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا هُوَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّی عَلٰی
صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ اَبْلَغْتُکُمْ مَا اُرْسِلْتُ بِهٖ اِلَیْکُمْ
وَیَسْتَخْلِفُ رَبِّی قَوْمًا غَیْرَکُمْ وَلَا تَضُرُّوْنَهٗ شَیْئًا اِنَّ رَبِّی
عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ حَفِیْظٌ اسناد شیخ آیه از عربی و فارسی کرده شد
ابن سیرین رحمة الله علیه گفت که نزول کردیم ما با قافله در جوی آباد نزدیک
دیهی از نواحی اهواز اهل آن قریه آمدند و ما را گفتند از اینجا روان
گشتند در این منزل کسی نزول نمیکند از خوف قطاع طریق و هر که نزول
میکند رخت او غارت میشود و صحبت و یاران هم از آنجا روان کردند
و من تنها ماندم و اعتماد کردم بحدیثی که ابن عمر رضی الله عنه روایت
کرده است از رسول علیه السلام گفت هر که بخواند سی و سه آیه زیان نرساند

او را دزد

او را دزد تا شب صبح و دده و دزدی و موذی و در عافیت باشد
نفس او و مال او و اهل او تا بامداد چون شب شد خواب نکردم و دیدم
قطاع طریق را بیامدند و تیغها کشیده زیادت از سی کرّه قصد کردند
قدرت نیافتند و بمن نرسیدند چون بامداد شد از اینجا روان گشتم
مردی پیری دیدم بر اسپی سوار پیدا شد مرا گفت ای خواجه تو انسی یا
جنی گفتم من بنی آدم گفت ما آمدیم در شب زیاده از چندبار هر چند قصد
کردیم تا بر تو در آئیم ممکن نشد میان ما و تو حصار آهنی حایل می شد گفتم حدیث
است ابن عمر رضی الله عنه از رسول علیه السلام روایت کرده است هر که بخواند
سی و سه آیه در شب هیچ موذی و دده و دزدی در آن شب مضرت نرساند
و نفس او و مال او و اهل او در عصمت باشد تا روز و اگر در روز
بخواند تا شب در عافیت باشد پس آن مرد پیر از اسب فرود آمد و کلاه
خود را بشکست و عهد کرد با خدای تعالی که قطع طریق نکند در این آیتها منفعت
از صد درد و علت که دوا از آن جذام و برص است پیغامبر علیه السلام فرمود
هر که سی و سه آیه بخواند روا گرداند خدای تعالی حاجت او و هر که بخواند
این آیتها بر جراحت به شود و اگر محبوس باشد و یا در شدت باشد خلاص دهد
خدای تعالی از آن و این آیتها شفاست مر جمله زحمتها را چنانکه استسقا ر
و باد صرع و قولنج و بواسیر و لقوه و فالج دفع کننده است چشم زخم را و شر
پریان و آدمیان و جمله موذیان چنانکه شیر و پلنگ و گرگ و مار و کژدم
و هر که بخواند ایمن باشد از شر کل ظالمان و حاسدان و جابران و ستمکاران
و دشمنان و فراخ شود رزق او و نزدیک خلق مقبول باشد قول او و عمل او
در نظر مردمان عزیز بود و هر که بگذارد دو رکعت نماز روز دوشنبه وقت

حاجتست و بخوانند این آیتها و نماز و چون از نماز فارغ شود سجده کند و حاجت
خود را بخواهد مومنین و مومنات را خدای تعالی همه را اجابت کند و هر که بخواند
این آیتها را بنیت غایب که از حال او معلوم نباشد ظاهر شود
بدون تمام بر حال او از حیات و ممات و هر که بخواند در روز و در شب
[illegible] خدای تعالی نگاه دارد و هزار فرشته را با او [illegible] اگر بمیرد
[illegible] خدای تعالی او را از هول منکر و نکیر و از فزع اکبر نگاه دارد
[illegible] از احوال برق جهنده و هر که بخواند بر [illegible] نیکو شود و اگر این آیات
بنویسد و در گلوی طفلان بندد ایمن بود از جمله بلاها و اگر این آیات در خانه
بیاویزند [illegible] آن خانه [illegible] و موضع
و آن خانه [illegible] برکت و صلاح [illegible] ظاهر گردد
اگر [illegible] ببرکت این آیتها و این سیصد آیه است اول فاتحه
و [illegible] فاتحة الکتاب [illegible] اول سوره بقره تا مفلحون چهار
آیه و آیة الکرسی تا خالدون سه آیه ان ربکم الله الذی خلق
السموات والارض تا من المحسنین سه آیه قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا تا آخر سوره دو آیه والصافات
صفا تا لازب ده آیه یا معشر الجن والانس تا فلا تنتصران
سه آیه لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره چهار آیه قل اوحی تا شططا
چهار آیه قل یا ایها الکافرون و اخلاص و معوذتین [illegible] خوف [illegible]
است جای خوف [illegible] بگیر [illegible] ازو خدای تعالی نگاه دارد
و دفع مضرت کژدم **از نفعیه** هر که خواهد که کژدم او را آزار نرساند در
روز بگوید سلام علی نوح فی العالمین دفع ما [illegible] کژدم بوقت خفتن

بخوانند [illegible] ایمن باشد **نیت** اعوذ برب [illegible] من
کل عقرب وحیة دفع مضرت سگ **از نفعیه** هر که خواهد که سگ
با وی حمله نکند بگوید وکلبهم باسط ذراعیه بالوصید
و طاعون و با بنویسد [illegible] در خانه بندد هر روز این بیت
غروب بخوانند از وبا و طاعون و آفات دیگر ایمن گردد و مرویست که وقتی
در مدینه وبا افتاد رسول علیه السلام این دعا خواند **نیت** بسم الله ذی
الشان العظیم البرهان الشدید السلطان الرفیع کل یوم
هو فی شان ما شاء الله کان لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم اللهم انی اعوذ بک من الطعن
والطاعون ومن هجوم الوباء ومن موت الفجاءة
ودرک الشقاء وشماتة الاعداء یا حی یا قیوم یا ذی
الجلال والاکرام ربنا اکشف عنا العذاب انا
مؤمنون انی لهم الذکری وقد جاءهم رسول
مبین ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا
لنکونن من الخاسرین **فصل [illegible] نصرت و ظفر یافتن**
بر دشمنان از منافع قرآن هر که سوره هود علیه السلام بنویسد و در پوست
آهو با خود دارد خدای تعالی او را قوت و نصرت [دهد] اگر صد مرد با او
جنگ مقابل شوند همه را بکشد و قهر کند و همه از وی بترسند و هیبت [illegible]
و پای هم او دست شوند و کار کنند و هر که او را بیند بترسد و از مهابت او
دلیر و سخن نتوانند کرد و اگر بر جماعتی بانگ زند همه بگریزند [illegible] او
نتوانند که بیاید و اگر بنویسد این سوره بزعفران و بشوید و سه روز بخورد

باشد او دشمنان که او پدید آید در دل او و در هم بجز در مدت حیات خود دور
و روز از کسی خوف نکند اگرچه در هفت اقلیم باشند بترسند اگر جمله پریان و
دیوان جمع شوند و قصد او کنند بر همه غالب آید و از ایشان بترسند بفرمان
خدای تعالی و هر که این آیه بنویسد با طهارت در پوست آهو بره بگلاب
و زعفران و نهد در کلاه هر که آن کلاه بر سر نهد او را قبولیت و مکانت و
منزلت باشد و هر که خواهد که او را نصرت و ظفر باشد بر دشمنان این آیات
را روز پنجشنبه در ساعت اول و یا در ساعت دوم که ماه در برج باشد
نقش کند بر طبقی برنج و روانه در بر سخت کند چون با خصمان مقابل شود او را
نصرت و ظفر باشد و دشمنان از وی هیبت خورند و بترسند و منهدم شوند
آیات اینست إنا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم
من ذنبك وما تأخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا
مستقيما وينصرك الله نصرا عزيزا هو الذي أنزل السكينة
في قلوب المؤمنين ليزدادوا إيمانا مع إيمانهم ولله جنود
السماوات والأرض وكان الله عليما حكيما
هر که این آیه نقش کند در تیغ با الماس فولاد روز سه شنبه که ماه
در برج حمل باشد و نقاش با طهارت باشد هر که با این تیغ مقابل شود با دشمن
دشمن منهدم شود و بگریزد و عاجز شود و اگر این تیغ بجنبانند بر روی قاطع طریق
عاجز شود و حرکت نتواند و باطل شود و هرچه در این تیغ بریده شود زود به شود
و بر هر که این تیغ باشد او مظفر و منصور بود دائما و اگر این آیه نقش کند بر تخته
پولاد روز دوشنبه در ماهی که آفتاب در برج حمل باشد هر که این را با خود
دارد ایمن بود از شر جن و از سحر انسان و از هرچه بترسد از آدمیان و پریان و

و دیوان و جن و حرز است مر اطفال را از جمله بلاها و آفتها آیت اینست وأنزلنا
الحديد فيه بأس شديد ومنافع للناس وليعلم الله
من ينصره ورسله بالغيب إن الله قوي عزيز و دیگر
بوقت آنکه اندر مصاف اسب رانده شود و در میان دو کوشش اسب بر آن زبانه
یا دبشتی ضیا بقلم بنویسد لا تخاف دركا ولا تخشى هیچ دشمن بر وی
و اگر کسی از دشمنان بترسد و یا گریزان باشد همین آیه بخواند ایمن شود و
دشمنان نه بیند فصل ششم در ادعیه که سوار شدن در جهاز و دریا و در کشتی
بخوانند نقل از دلیل الحاج ابن ابی عباس رضی الله عنه گفت هر که این دعا وقت
سوار شدن در دریا یا در کشتی و یا سوار شدن بر جهاز را این آیه بخواند اگر
او هلاک شود و یا غرق شود ذمه من باشد دیت او روز قیامت و این دعا را در
دریا تجارت کرده اند و از آفات دریا سلامت گذشته اند و دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحيم وما قدروا الله حق قدره والأرض
جميعا قبضته يوم القيامة والسماوات مطويات بيمينه
سبحانه وتعالى عما يشركون فقال اركبوا فيها
بسم الله مجريها ومرسيها إن ربي لغفور رحيم
ومن آياته أن يرسل الرياح مبشرات وليذيقكم من رحمته
ولتجري الفلك بأمره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
اللهم رب السماوات السبع وما أظللن ورب الجبال وما
أرسين ورب الرياح وما أرسلن ورب البحار وما أجرين
ورب السحاب وما سخرن أن تسخر لنا هذا البحر كما
سخرت لموسى عليه السلام إنك على كل شيء قدير

از منافع قرآن هر که این آیه قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ
وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ
مِنَ الشَّاكِرِينَ قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ
ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ در کشتی در دریا چون باد خیزد و آب موج زند
وخوف آن باشد که کشتی غرق شود بنویسد در میان آب دریا اندازد
باد ساکن شود بفرمان خدای تعالی عز وجل و هر که این آیه بجهت سلامتی
دریا از جمله آفات بنویسد با طهارت روز ادینه بر تخته چوب و سخت کند
آن تخته را در پیش آهنگ کشتی سلامت آیه این است فَالِقُ الْإِصْبَاحِ
وَجَاعِلُ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا
ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ
فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ و هر که این آیه وَقَالَ ارْكَبُوا
فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
نقش کند در چوب ساج و سخت کند در پیش آهنگ کشتی خدای تعالی
از جمله آفتها نگاه دارد و هر که این آیتها أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي
فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ
دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ
فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ جَبَّارٍ
كَفُورٍ عَنِيدٍ در سوار شدن کشتی چون باد سخت خیزد و آب موج زند
هفت ورق کاغذ بنویسد و در آب اندازد از دست غرق یکان یکان

ورق حق تعالی ساکن گرداند از تفسیر منقول چون در کشتی سوار شده باشد
بگوید بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ و چون از کشتی
فرود آید اَللَّهُمَّ أَنْزِلْنَا مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ فصل
هفتم در دراز عمر که میان رخت و قماش نهند از منافع قرآن جعفر صادق
رضی الله عنه گفت هر که سوره مایده بنویسد و در پوست آهو نهد و در صندوق
ایمن بود از قماش و متاع و مال که در آن دزد و بیان اگر چه متاع او در میان راه
باشد و هر که این آیه بنویسد بر صندوق روز ادینه و نهد در میان مال
و یا خزانه برکت شود و در آن نگاه دارد خدای تعالی از جمله بلاها و آیتها
آیه این است ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ و هر که سوره عصر بخواند بر مال و یا بر چیزی که دفن کند خدای تعالی
نگاه دارد آن دفینه را دیگر اسامی اصحاب کهف بنویسد و در میان رخت
نهد سلامت ماند آن رخت از دزدیدن و از غرق شدن و سوختن محروست
فصل هشتم فضیلت اسامی اصحاب کهف امیر المومنین علی رضی الله عنه
گفت از رسول علیه السلام شنیدم در امان حق باشد چون این نامها را
در سفر و حضر بخواند و هر که بر خود دارد و در ... خدای تعالی بپرد و هر که
بنوشته بخواند و در ویرانه او را هفتاد کس از اقربا بجا ورزد و میان تیر
و ناچ رود زیان ندارد و از درد شکم و هفتاد گونه بلا برهاند دیگر
چند چیز از نامهای اصحاب کهف کار می آید یکی آنکه اگر کسی خواهد که از موج دریا ایمن
ایمن شود در کشتی این نامها را بخواند یا با خود دارد دوم آنکه اگر این نامها
بنویسد و رخانه و در جهت ... آتش نگیرد سیوم آنکه اگر آتش گرفته باشد
در جامه سپید این نامها بنویسد و در سنگ ریزه نهد و در میان آتش اندازد

و آتش و لشکر نبیند چهارم آنکه اگر این نامها بنویسد بر ران راست بندد هر چند
راه برود مانده نشود پنجم آنکه اگر بر کسی تلخی غلبه کند این نامها را
بنویسد بر ترنجی کند و در میان کنت نهد تلخ در آن کنت زیان نرساند
ششم آنکه هر آن زنی که بر دروزه بماند این نامها بنویسد و بر ران چپ
آن زن بندد در حال بار نهد هفتم آنکه اگر موضعی را آب دریا زور کند و زمین
زایل بر دارد این نامها را بنویسد و در میان دو نزاینده نهد و بر آن محکم کند و آنجا
که گرداب شده است باز ایستد و بفرمان خدای تعالی آب از آن موضع بجای
دیگر فوت کند و پیش آن زمین را نگاه دارد هشتم اگر این نامها بنویسد
او در قبضه کمان بندد و تیر راست رود نهم آنکه اگر حاجتی دارد دو رکعت
نماز بگذارد و این نامها بخواند و شفیع آرد حق تعالی حاجت او بر آرد
دهم بر هر که این نامها باشد در حرب مظفر و منصور بود و هیچ گزندی
به وی نرسد و نترسد یازدهم هر که این نامها با خود دارد در نظر خلق
عزیز و محترم بود دوازدهم هر که این نامها با خود دارد در نظر امرا
و ملوک و سلاطین و بزرگ و جاه بلند و هیچ بدبختی به وی نرسد سیزدهم اگر این
نامها بر صاحب تب و صداع و جز آن بندد صحت یابد چهاردهم اگر اسباب
را در دنگم باشد و یا کمیز نتواند کرد این نامها بنویسد و در گردن بندد و بشوید
خوردن دهد نیکو شود پانزدهم اگر کشت غله را موشان زحمت دهند این
نامها بنویسد و در میان سکره فرو کند و در چهار گوشه کشت فرو برد آن
موشان از آن کشت دفع شود شانزدهم اگر این نامها در کتاب و کاغذ
بنویسد کرم و موش و هیچ موذی زیان نرساند هفدهم آنکه اگر در سفال
است نارسیده این نامها بنویسد و در میان غله نهد کرم نگیرد و غله کنده نشود

اگر همه است در چاه غله در آید خاصیت بسیار است و در هر کاری بندد و مونس آید
نامها اینست یَمْلِیخَا مَکْسَلْمِینَا تَبْیُونُس کَشْفُوطَط اَذَرْفَطْیُونُس
کَشْفَسَا قَطْلُونُس یُوانِس مِنْ اِسْمِهِمْ کَلْبُهُمْ قِطْمِیر او این
این نامها وَعَلَی اللهِ قَصْدُ السَّبِیلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ بخوانند و بنویسد
باب هفدهم در دفع جمیع زحمتها و علتها و دفع موذیان و بازیافتن
گم شده و گریخته مشتمل بر یازده فصل فصل اول دفع جمله دردها
درد سر و شقیقه و درد چشم و درد گوش و درد دندان و درد سینه و درد دل و درد
شکم و درد پهلو و درد زه و درد دست و درد جمله دردها و دفع درد سینه و درد
شکم و طپیدن و گرفته شدن دل و درد شکم و درد جگر و درد گرده و تپیدن
شکم و علتها و زحمتهای شکم سپرز فصل از منافع قرآن هر که بنویسد فاتحه
با وند پاک بگلاب و زعفران و با آب پاک بشوید و از این آب بیمار روی
خود بشوید صحت یابد و اگر این آب بخورد کسی که دل او را قرار نباشد و تپیدن
طپیدن دل و گرفته شدن دل بفرمان خدای عز و جل ساکن شود و درد
از وی برود و هر که سورهٔ اعراف بنویسد بگلاب و زعفران و با خود دارد
ایمن شود از درد دل و هر که سورهٔ قصص بنویسد در پوست آهو بره و ببندد
سپرز و درد جگر و درد شکم و همه زحمتها و دردها و اسهال از وی دفع شود
و هر که سورهٔ مؤمن بنویسد و با آب بشوید و از این آب آرد خمیر کند و نان بزد
و خشک کند و آس کند به اره هر که او درد دل و درد گرده و جگر و تپیدن شکم
و سپرز باشد خوردن بدهد شفا یابد هر که الم نشرح بر سینه و دل بخواند از جهت
درد دل و درد سینه نیکو شود و هر که سورهٔ لقمان بنویسد و بشوید بخورد هر مرد
و زن بیمار که درد شکم یا درد شکم علتی و زحمتی باشد بروی صحت شود و تب نیز دفع

شود و هر علتی که بنی آدم را شود از ان ایمن گردد و هرکه بنویسد در کاغذ سوره
ق والقرآن و بشوید بخورد درد جهت شکم و زحیر و دیگر دفع شود و هرکه سوره تبت یدا
بخواند و یا بنویسد بخورد درد پیچیدگی شکم دفع شود و هرکه برای دفع جمله دردها این را
بنویسد در شب چهاردهم ماه رمضان در جامه سفید بمشک و کافور و گلاب
در حرم بگیرد و نگاه دارد هر کرا دردی باشد هرکدام در دکه هست و درد
لرزه و تب گرم و یا چشم درد آمده باشد و یا بادی باشد و یا درد دل باشد
و یا درد جگر و یا درد سر و یا درد دندان برای این جمله دردها بر وی بندد
صحت یابد و هرکه با خود دارد از مردان و طفلان و زنان حامله ایمنی باشد
و قوت باشد و برکت باشد و زحمت آفتها خدای تعالی نگاه دارد ایات
منیت مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
تا آخر سوره و هرکه سوره عنکبوت بنویسد و بشوید بخورد درد جگر دفع شود و هرکه
و هرکه سوره یس بنویسد و با خود دارد و یا بنویسد و در آب پاک و یا آب بشوید
و مسح کند بدان چهار دو دست خود و بمالد و بر موضع درد دست مسح کند و
و این دعا بخواند اللهم انت تشفی الشافی اللهم اکشف
الکافی اللهم عافیت المعافی صحت یابد بفرمان خدای تعالی و دفع صداع
و شقیقه هرکه سوره سجده بنویسد و با خود دارد ایمن شود از تب و درد
سر و درد نیم سر و هرکه سوره الهیکم التکاثر بر صداع بخواند و ساکن
شود و دفع درد دندان هرکه سوره الحاقه بنویسد و صاحب درد دندان با خود
دارد ساکن شود دیگر این بخواند و دندان او ببندد نیکو شود منیت
انا بکر المصدق یق الاکبر و بر کاغذ بنویسد و در موم گیرد و در دندان
دندان بد اندازد دیگر این دعا بخواند و دندان انگشت بر دندان نهد نیکو شود

اَیُّهَا الضِّرْسُ الْمَضْرُوسُ ... فِی الْقَمَرِ مَحْبُوسٌ اِسْکُنْ بِاِذْنِ
الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ لِکُلِّ نَبَاٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
دیگر چون عطسه آید بخواند فاتحه و زبان را گرد بر گرداند دندان را گرد اندازد
همچنین کند همه عمر درد دندان نباشد مجرب است دفع درد گوش اگر فاتحه
بنویسد در آب پاک و بشوید بر روغن گل و در گوش اندازد درد گوش
برود و بعد از ان بشنود و هرکه سوره اعلی بخواند در گوشی که آواز آید دفع شود
دفع درد دستها و پایها و پاها و ساقها هرکه این آیه اِذَا مَسَّ
الْاِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ اَوْ قَاعِدًا اَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا
عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَاَنْ لَمْ يَدْعُنَا اِلٰى ضُرٍّ مَسَّهُ كَذٰلِكَ
زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ بنویسد در صدف تازه و
پاکیزه و لیاهی پر کند پر روغن بنفشه و هم از این روغن صدف بشوید پس
گرم کند آن روغن را بر آتش نرم پس طلا کند بر روی پای و درد ساق و پا دفع
شود و هرکه این آیه وَمَا لَنَا اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُتَوَكِّلُونَ بنویسد و با خود دارد درد دستها و درد پاها و چشم
زحمت نباشد دفع درد چشم و باد فتق بر روغن کنجد بخواند و بدمد و طلا کند
صحت یابد وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ
الظَّالِمِينَ اِلَّا خَسَارًا دعا دفع جمله دردها آورده اند که خزینه ابو امیه
صندوقی بود از نقره و قفل از زر و در درون آن صندوق این دعا بوده و در ان
نبشته بود که بر هر دردی که این دعا بخوانند آن درد ساکن شود بفرمان خدای
تعالی دعا منیت بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَسْئَلُكَ بِالَّذِي
يُمْسِكُ السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ

رؤوف الرحیم ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد
من بعده انه کان حلیما غفورا اسکن اسکنتک بالذی
ان یشأ یسکن الریح فیظللن رواکد علی ظهره ان فی ذلک
لآیات لکل صبار شکور روایت کرده اند که محمد ابن سماک حنفی را
یاران او را بر طبیب نصرانی بردند و در اثنای راه مردی دیدند پیش آمد نیکوروی
خوشبوی پاکیزه جامه پرسید که کجا می روید گفتند بر فلان طبیب گفت سبحان الله
از برای دوست خدای تعالی بر دشمن خدای نصرانی یاری میخواهید باز گردید و بگوئید
ابن سماک را دست بر جای درد بنهد و این بخواند وبالحق انزلناه وبالحق
نزل وما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا پس آن مرد از نظر ایشان
غایب شد باز گشتند و یاران او به و گفتند او دست بر جای درد نهاد و این آیه
خواند همان ساعت صحت شد آن مرد خضر علیه السلام بود **درد سلب القلوب**
عایشه رضی الله عنها گفت که رسول علیه السلام چون در تن مبارک خود رنجی دیدی هر دو
قل اعوذ میخواندی و بر کف دست خود دمیدی و بر اندام خود مالیدی ابن
عباس رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرمود هر که به بیماری درود و بگوید هفت مرتبه
اسألک الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک آن بیمار شفا یابد
و اگر بیمار گوید ان یشفینی باید گفت و اگر در غیبت رنجور گوید ان یشفی
فلانا من رجعه و اگر حضور او بدین لفظ گوید بخواند است در حدیث بدین لفظ
و از عمر رضی الله عنه آمده است که چون لشکری با مرد کردی وصیت کردی ایشان را اگر
یکی از شما را رنجی یا دردی باشد در سر یا در گوش و یا در دندان و یا در اعضا
و یا رجوع دست بر آن موضع نهد و بگوید این کلمات پنج بار یا هفت بار بسم الله
الشافی ولا حول ولا قوة الا بالله محمد رسول الله اسکن باذن

الله ربی وربکم الله العزیز الحلیم **دعا درد زه از تفسیر**
واز تفسیر ثعلبی ابن عباس رضی الله عنه گفت چون فرزند زادن بر زن دشوار
شود این دعا و آیه در کاغذ بنویسد و بشویند و آن آب خوردن دهد **آیه**
لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان رب السموات السبع
ورب العرش العظیم کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة
او ضحاها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا
ساعة من النهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون
دیگر چون فرزند زادن دشوار شود بنویسد بر ران او بندد **آیه**
اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض
مدت والقت ما فیها وتخلت خل عن رحم فلانة
وبنت فلانة بامر تعالی و قدرته کما خلقت عن رحم
الامهات یا قادر یا قدیر یا مقتدر یا اول یا آخر
یا ظاهر یا باطن حسبی الله وعلی الله فلیتوکل
المتوکلون چون بار نهد بر فور بگشاید **دیگر** اگر زنی به درد زه در
مانده بود و رنج می بیند این کلمات را بنویسد و بر پای راست او بندد و بار بنهد چون
بار بنهد بر فور بگشاید کلمات **اینست** الشکور والبکور لا حول و
لا قوة الا بالله العلی العظیم **دیگر** اسامی اصحاب کهف
بنویسد و بر ران چپ او بندد و یا در قدحی بنویسد و بشویند و خوردن دهد
و در حال بار بنهد و از درد زه خلاص یابد **فصل دوم** در دفع زحمتها
تیز شدن چشم رحمتها چشم تب گرم و تب لرزه و دیوانگی ضعف تن چشم زخم
رخ برفه زکام امساک یا یاد آمدن فراموش شدن سرمه جهت تیزی نظر

و دفع کلّی زحمت چشم از منافع قرآن حضرت صادق رضي الله عنه کفت هر که سوره
فاتحه بنویسد بمشک و در آوند آبگینه و بشوید باب باران و آب باران
ماه نیسان باید که آفتاب در برج حمل باشد و این نسخه را بجامه رومی
کافوری الله یا کو بند و ازین آب که نشسته است سرمه سفیده صحق کنند و در چشم کنند
نظر قوی تیز شود و چشم روشن کردد و نکاه دارد چشمها را از جمله زحمتها
و آفتها و علتها که در چشم باشد و اگر درین سرمه زهره خروس سپید و زهره
ماکیان هم کنند و در چشم کنند نظر بغایت تیز شود که روحانیان ببیند و هر که فاتحه
مدام در شب بخواند برود از وی کاهلی و ضعیفی و درد چشم مجرب است و هر که
سوره حم سجده بنویسد و بشوید باب باران و آتش کنند درین آب سرمه لیسیده
چشمی که کل باشد و باعلتی باشد بکنند جمله علتها چشم دفع شود و بعد از ان
چشم بدرد نیارد و سپیدی که در چشم باشد برود و چشم روشن کردد
و سوره اخلاص بخوانند و بدمد بر چشم که بدرد آمده باشد نیکو شود و درد بکند
و هر که پیوسته بخوانند و بر انگشتان بدمد و بر دیده مالد چشم او را هیچ علتی
و زحمتی نباشد و از کوری خدای تعالی نگاه دارد و دعا **اینست** یا سمیع
یَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ يَا لَطِيفُ لِمَا يَشَاءُ احْفَظْ
عَلَى بَصَرِي و بروایت دیگر این هم آمده است فَكَشَفْنَا عَنْكَ
غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ **نقل** از شیخ الاسلام
شیخ رکن الدین قدس الله سره العزیز هر که هر روز بامداد این آیه بخواند
اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ تا عليم بخواند پنج بار و بر چشم دمد هر زحمتی
که در چشم باشد دفع شود بفرمان خدای تعالی **دفع تبها** هر که سوره عنکبوت
بنویسد و بشوید و بخورد تب گرم و لرزه و جمله دردها دفع شود مگر زحمت

ورکه آنرا

مرگ که آنرا چاره نیست و از خوردن این آب دل و سینه کشاده و خوش شود
و کاهلی برود و هر که سوره لقمان بنویسد و بشوید و بخورد تب دفع شود و هر علتی
که بنی آدم را شود از ان ایمن کردد و هر که سوره سجده بنویسد و با خود دارد
ایمن شود از تب و درد سر و هر که سوره وَاللَّيْلِ بشوید بخورد دلی که ویران مدام
باشد نیکو شود و تب گرم را این کلمات بنویسد در کاغذ و باب بشوید و بخورد
شفا یابد کلمات **اینست** بِسْمِ اللهِ اَفْنُوهَا الرَّحْمٰنِ طَيِّبُوهَا الرَّحِيمِ
انحوها نیکو شود **دیگر** این آیه بنویسد بر صاحب تب دهد و بشوید و بخورد وَقُلْنَا
يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ
تب لرزه را بنویسد بزبان فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ
دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا **دفع دیوانگی** هر که سوره یس بنویسد
و با خود دارد ایمن باشد از دیوانگی و هر که سوره ق بنویسد در کاغذ و بشوید
بخورد ترسی و دیوانگی و زحمتها دیگر دفع شود **دفع ضعف نفس**
هر که سوره والمرسلات بخواند نفس او قوی و ضعیفی نفس بسختی بدل کردد
و دل او ساکن شود و اگر خواندن نتواند بنویسد بشوید بخورد **دفع چشم زخم**
هر که سوره اعراف بنویسد بگلاب و زعفران و با خود دارد ایمن بود از چشم
زخم و هر که این آیه وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللهِ وَقَدْ هَدَانَا
سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُتَوَكِّلُونَ بنویسد و با خود دارد چشم زخم به وی کار نکند و هر که
سوره الهمزه بخواند بر هر که چشم زخم رسیده باشد زایل شود چشم زخم از وی
دفع زخم این آیه سه بار بخواند بر سه کلوخ بدمد و کلوخ را کرد بر کرد زخم بکرداند
در آب روان اندازد چنانچه کلوخ بگذارد آن علت هم بگذارد و آیه **اینست**

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا **دفع رنج** بخواند بر کسی که مد بخورد أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ [الکریم] **دفع زکام** بنویسد و بر که بشوید غرغره کند در طشت افکند آنرا آب روان اندازد زود نیکو شود فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ یا شافی یا کافی

امساک هر که سوره طارق بنویسد بخواند بر هر چیزی که بپاشد از نظر بد دور کند ایمن بود از بد آمدن و هر که سوره قریش بخواند بر طعامی که بترسد از آن طعام شفا یابد در آن طعام از جمله دردها و از آن دور و خاطر جمع کند و بشوید و به بیمار دهد اگر بخواند بر آب و بدهد آن آب را به کسی که مشغول باشد دل او چیزی که شناخته نشود و دانسته نشود و سبب او بگرداند خدای تعالی

علاج یاد آمدن فراموش شده هر که سوره وَالضُّحَىٰ بخواند برای چیزی که آنرا فراموش کرده است آن موضع او را یاد آید و اگر فراموش کرده باشد کاری را مدام بخواند آن کار یاد آید **ذکر حجامت** از شرعة الاسلام حجامت سنت است و نافع و دافع است مر جمله زحمتها و دردها و علتها را و حجامت کردن در حالت ناشتا شفا و سودمند است و در حالت سیری موجب زحمت و مضرت است و در حدیث است حجامت کردن در وی شفا است از هفتاد زحمت از دیوانگی و از جذام و از برص و از غشی دل و درد دندان و تاریکی چشم و درد سر و در حدیث است حجامت عقل را و علم را زیادت کند و حجامت کردن در قفا منع است و در حدیث است حجامت کردن در گودال قفا منع است فراموشی

ورد باید که از آن احتراز کند **فصل سیوم در دفع تنگی** و جراحت و آماس و دمل و زخم هر که سوره قصص بنویسد و بشوید به آب آماس و تنگی و جراحت از این آب بشوید نیکو شود و هر که سوره مؤمن بنویسد و ببندد بر کسی که او را دمل و تنگی و جز آن باشد نیکو شود و هر که سوره حدید بنویسد و با خود دارد اگر جنگ یا دشمنی او را زخم کند آن آهن او را نخلد و اگر بخلد بجای جراحت بغیر درد بیرون آید و اگر بنویسد و بشوید از این آب جراحتها نیکو شود **و هر که** و هر که سوره غاشیه بخواند بر درد زخم و ریش و دردهای دیگر ساکن شود به فرمان خدای تعالی **هر که** این دعا سه بار بخواند بوقت برآمدن بر دمل بدمد شفا یابد

اَللّٰهُ أَكْبَرُ أَنْتَ لَا تَكْبُرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ وَأَنْتَ تَصْغُرُ اللّٰهُ أَبْقَى وَأَنْتَ تَفْنَى لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

فصل چهارم در دفع بادهای مخالف چون فالج و عرق النسا و صرع و یرقان و رنج باد و لقوه و باسور دفع فالج و عرق النسا هر که سوره فاتحه بنویسد و در آوند پاک و بشوید به روغن کتان و بخواند بر این روغن فاتحه هفتاد بار از این روغن باد و فالج و عرق النسا و درد پشت دفع شود و دفع صرع و درد پشت **هر که** سوره سجده بنویسد و با خود دارد ایمن باشد از صرع **و هر که** سوره سجده و وَاللَّيْلِ بخواند بر بیهوش که وی را باد صرع باشد در ساعت نیکو شود **و هر که** سوره عسق بنویسد و بشوید و آب آن بر مصروع زند بسوزد دیو صرع و بعد آن باز نیاید بفرمان خدای عز و جل **دفع یرقان** و هر که سوره سبا بنویسد و بشوید و آب بخورد و روی بشوید یرقان دفع شود و هر که سوره لم یکن بنویسد و ببندد بر صاحب یرقان نیکو شود و دفع رنج باده هر که

سوره انفطرت بنویسد و بشوید وازان آب سرخباده بشوید نیکو شود و دیگر
این دعا بر سرخباده بخوانند و یا بنویسد بر صاحب سرخباد دهند و سرخباده دفع شود
دعا اینست اللهم ادفع عنه هذه الحمرة فعده واحرة
كما وسلطها بحق يس والقرآن الحكيم وبحق عبادك
يا كريم وبحق معبودك يا حليم فان الحمرة ابيد كود قعا
بقدرتك يا شافي انت كافي اشف بحق الانبياء بحق ادريس
قرني وموروف دفع لقوه هر که سوره زلزله بنویسد و برجنت آهن و نظر کند در آن
صاحب لقوه نیکو شود و روی او چنانچه بود دفع باسور هر که سوره الم نشرح بر باسور
خواند دفع شود و هر که دو رکعت سنت نماز بامداد در رکعت اول بعد از فاتحه
الم نشرح و در رکعت دوم الم تر کیف مداوم بخواند او را باسور زحمت ندهد
دیگر پس نماز بامداد و نماز خفتن این آیه بخواند و بر آب دمد آب خوردن
و بدشفا یابد ما عندكم ينفد وما عند الله باق الله لا اله
الا هو الحي القيوم وعنت الوجوه للحي القيوم قلنا يا نار
كوني بردا وسلاما على ابراهيم سلام على
نوح في العالمين بحق نام بزرگ که باز گردی و خشک شوی ای باسور
ازمقعد فلان دیگر دعا باسوره ابوعلی سینا گوید رحمة الله علیه که هیچ علت
زشت تر بر فرزند آدم از باسور نیست هر چه بخورد زیان دارد اگرچه دارویی
باشد که مفید باشد هیچ چیز دفع نشود و هیچ آدمی نیست که او را علت باسور نیست
ولیکن پدید نیست و هر که مباشرت علو کند و چیزها ترش خورد مر او را پدید آید
و هیچ چیز دفع نشود مگر این دعا بزرگوار با خود دارد برکت خدای تعالی
او را صحت دهد و این دعا را دعوات سلطان محمود نام نهاده [illegible]

ابوبکر نامی

ابوبکر نامی جنتی بوده است زبهار زنگ نیارد و دعا اینست اللهم
رب السموات والارض ورب الروح الامين كل
مخلوق في الاولين ومدبر كل مخلوق في الاخرين
وهو حافظ عليين قادر على كل شيء قادر في سلطانه
غالب على امره منفرد في ملكه وهو الاول والآخر ليس
ملكه وزير ولا في سلطانه شريك عزته العزيز الازلي
وملكه ملك الابدي اللهم يا رباه ويا سنداه ويا
اصلاه ويا املاه ويا مفزعاه ويا مستغاثاه اسألك
ان تشفيني من هذه العلة واغوثاه واغوثاه الغياث
الغياث برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير
خلقه محمد وآله اجمعين فصل بجهة دفع علتها ودفعها
خنزیر به خون شکم سبزی استسقا که دوانه سنگ مثانه [illegible]
و دفع خنزیر دوالی باریک جار و به ابر انکس که خنزیر یا تخمه یا آماس
گلو باشد جبل یکبار بخواند و جبل یکبار که دمند و بروی دمند و شفا یابد
اینست اعوذ بعزة الله وقدرة الله وعظمة الله وبر
هان الله وكنف الله وجوار الله وامان الله وحرز
وحرز الله وبطش الله وبهاء الله وجلال الله وكمال
الله من شر ما احذر دیگر نقل است از شیخ الاسلام نظام الدين قدس الله
سره العزیز هر کرا خنزیر بیرون آید نماز دیگر تا شنبه که بهم بخوانند و فرو دارد
دو آرزو ده یا سیزده بار بباید خواند و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحيم
سری مها سری سنه و قصری جرجای سنن قیره بحق

یازده شنبه [illegible]

ابراهیم خلیل دیگر دفع بر موضعی که ضربه باشد این شکل بنو
یسد خوش و مجرب است دفع خون شکم اگر از شکم خون برود هر روز بر نان بنک
بنویسد و بخورد تا سه روز صحت یابد لئلا یعلم بعد
علم شیئا ان الله علیم قدیر فسیکفیکهم الله وهو السمیع
العلیم ایاک نعبد وایاک نستعین بسم الله ینشقک
والله لم یکن من دار حیوة ذلک دیگر دفع بیرز هر که سوره جمعه
بنویسد و بشوید بخورد و اگر بیرز و بر بیند باشد دفع شود
الضف دیگر این آیة بنویسد و بر جای بیرز بنهد نیکو شود آیة إن الله
یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما
من احد من بعده انه کان حلیما غفورا یا طحال ارجعی
الی مکانک بحق ابی بکر الصدیق دفع استسقا هر که سوره قصص
بنویسد و بشوید به آب باران و بخورد استسقا و جمله دردها دفع شود دفع کدو دانه
این آیة ... بار بخواند و بر سه بار دیگر بنویسد و هر روز ... تا
بخورد و چون ... روز تمام شود ... صحت یابد و ... شود آیت
یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم
دفع سنگ مثانه هر که سوره الم نشرح بخواند بنویسد و بشوید بخورد درد آن دفع
شود دفع ... این ... آیة بنویسد با آب ... و آن روز روزه
دارد و آن روز و آن شب هیچ ... بخورد ... بفرمان خدای عز وجل
... آیت بسم الله الرحمن الرحیم
ویشف صدور قوم مؤمنین قد جاءتکم موعظة من ربکم
رحیم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین

دفع مار ... این آیة بنویسد ... صحت یابد و اگر با خود دارد
هرگز ... مار ... مجرب است و دعا آیت الله اکبر
الله اکبر ... ولا ... محمد صلی الله علیه
وسلم ... باذن الله دیگر دفع ... و درد ... و ...
... از این انواع ... کند ... قوت ...
... و ... بیماری ... بحق
... دعا بخواند ...
... تعالی شفا دهد
دعا آیت اللهم یا سابغ النعم ویا دافع النقم ویا باری النسم
ویا عالم جمیع الامم من العرب والعجم ادفع من فلان بن فلان
کل بلاء وآفت وعاهت ولا ... لا یخشاک
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم یا حنان یا منان
بحق بسم الله الرحمن الرحیم الله اکبر الله اکبر
لا اله الا الله والله اکبر ...
قد مات محمد صلی الله علیه وسلم ... یا نار و
یا ... ویا جمیع الاوجاع والادواء ... بحق
هذه الاسماء وصلی الله علی خیر خلقه محمد
وآله اجمعین دفع برص هر که سوره لم یکن بنویسد ... صاحب برص ...
دفع شود بفرمان خدای تعالی دیگر دفع ... هر که ... این ...
کند ... آن موضع ... اگر ... علاج کند ... علاج
نکند چون علاج خواهد ... تر کند و این دعا

سه بار بخوانند و بدمد تا هفت روز طلا کند خدای تعالی شفا دهد دعا دیگر
وَتَوَکَّلْ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ دیگر اگر کسی را برص و باد و
و باد زحمتی و علتی دیگر حادث شود که از تداوی آن عاجز آید و رنج بیند همین
علاج کند نیکو شود و نقل است از شیخ الاسلام شیخ رکن الدین قدس الله سره العزیز
چهل روز مداومت کرد و بعد از سنت نماز بامداد چهل بار سوره فاتحه با تسمیه
بخواند آن زحمت بکلی دفع شود و بی شک بفرمان خدای عز وجل اگر ناغه کند
باز از سر گیرد و جهت خلاص محبوس نیز همین خواندن آمده است فصل
ششم در علاج زنان حمل گرفتن عقیمه را یا دفع فرزند نرینه زیادت شدن
شیر گرفتن حمل از منافع قرآن جعفر صادق گفت اگر مردی فرزند ندارد
عقیمه است که فرزند نمی شود و یا زن او عقیمه این آیه بنویسد بگلاب و زعفران
بر پاره شکر بخواند در شب ادینه نیم شب چنانکه کسی نه بیند پس آن را مرد خود
بخورد و زن را علاحده بنویسد خوردن دهد و سه شب همچنین کند بفرمان
خدای تعالی زن بار گیرد و فرزند شود و آیه اینست یَا أَیُّهَا النَّاسُ
اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا
زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا کَثِیرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَلَیْکُمْ
رَقِیبًا زادن فرزند نرینه اگر خواهد که حامله پسر زاید چون مدت حمل دو ماه
باشد این آیه بنویسد و عورت را بدهد تا در شکم بندد جانب راست و پیوسته دارد
تا آن زمانکه زمان وضع حمل شود و چون بحاجت نشیند از خود جدا کند و نیت کند
چون پسر شود محمد نام کنم بفرمان خدای تعالی پسر زاید مجرب است و هیچ جای در کتاب
کور کنند آیه اینست اللهم صل علی محمد لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ

عَلَی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْیَةِ اللَّهِ
بسم الله الرحمن الرحیم وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ
قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَی بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ
جَمِیعًا وَصَلَّی اللَّهُ عَلَی رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِینَ علاج
زیادت شدن شیر عورت هر که سوره حج بنویسد بزعفران و بشوید باب و زنی
را خوردن دهد که او را شیر کم شده باشد شیر بسیار شود و هر که سوره یس
بنویسد و بشوید و زنی را که شیر کم شده باشد خوردن بدهد شیر بسیار شود و هر که
سوره حجرات بنویسد و بشوید بخوردن دهد زنی را که شیر نباشد شیر بسیار شود
فصل هفتم در علاج طفلان حفظ نیز باز کردن بیرون آمدن سخن سلامتی
بچه تعویذ البته آمدن خلق خواستگاری حفظ اگر سوره حجرات زن حامله با خود
دارد خدای تعالی از جمله خوفها نگاه دارد و اگر بشوید و آن فرزندی
زاده باشد او را بخوراند سلامت دارد خدای تعالی آن فرزند را
از ان رنجها که بچگان در کودکی میشود و نبات نیک پرورده شود و هر که
این آیه بنویسد بگلاب و زعفران در پوست آهو بره و بزغاله زن حامله
در میان گاه خود جانب راست بندد تا آن زمانکه وضع حمل شود خدای تعالی
نگاه دارد آن حمل و بچه را از جمله آفتها و عیبها و دیگر و اگر بنویسد بمشک و زعفران
و در غلاف آهن تعویذ کنند و در گلوی طفل نهد حرز عظیم بود او را از رنجی
و ترسیدن ایمن بود و باندک شیر مادر سیر شود و با برکت و مبارک گردد و آیه اینست
إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا
فَتَقَبَّلْ مِنِّی إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا أُنْثَی وَاللَّهُ
أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَیْسَ الذَّکَرُ کَالْأُنْثَی وَإِنِّی سَمَّیْتُهَا

مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا
زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ
عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ
عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ علاج برآمدن
دندان هر که سوره قاف بنویسد و بشوید و از آن آب دهان طفل بشوید دندان
روان شود بی رنج و زحمت بر آید شیر باز کردن هر که سوره ... بر بچه بندد که از شیر
باز کرده باشند او را شیر که اشتهای آسان شود و بیرون آمدن سخن هر که سوره
بنی اسرائیل بنویسد به زعفران و بشوید با آب بچه را خوردن دهد که سخن درست
نمی تواند گفت سخن درست از وی بیرون آید به فرمان خدای عز و جل سلامتی
بچه هر که سوره بلد بنویسد و بر طفل بندد که اول زاده شود و این وسیلت بود
آن بچه از نقصانها و اگر بشوید به آب و در بینی چکانند هر جا حست او درد بکند و بگو
بیابد و هر که سوره النساء بنویسد به طفل بندد و ایمن بود ... از
وسیلت القلوب ابن عباس رضی الله عنه گفت که رسول صلی الله علیه وسلم
حسن و حسین را بدین کلمات تعویذ کرده این است أُعِيذُكُمَا بِكَلِمَاتِ
اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ
لَامَّةٍ پس فرمود که پیغمبران خود را بدین کلمات تعویذ کنند که ابراهیم
صلوات الله علیه مر اسمعیل و اسحاق را علیهما السلام بدین تعویذ کرد و اگر یک
کسی را گوید اعیذکما باید گفت تعویذ دیگر هیچ ... که علامت آن ظاهر گردد
و بچگان را تب پیوسته بگیرد و هر چه بخورد ... نکند و اگر خواهد ...
اندک که از سینه و چهار ماه بگذرد ... این تعویذ بر این نقش بنویسد و بر بالین

[illegible]

الحمد لله	رب العالمين	الرحمن الرحيم	مالك يوم الدين
اياك نعبد	واياك نستعين	اهدنا الصراط	المستقيم
صراط الذين	انعمت	عليهم غير المغضوب	عليهم
ولا الضالين	آمين	بسم الله	الرحمن الرحيم

اندرین حلق بجز استغفاری هر که سوره احزاب بنویسد و بر پوست آهو بره و ...
ببرد و در خانه خود ... دختران و خواهران او را کسی خواستگاری نمی کند
بره و مردمان بخواستگاری دختران و خواهران او بخانه او آیند فصل بیستم
در دفع مضرتها و ضررها و فتنها مار و کژدم و دیو و پری و سحر کرم غله و خراب
کردن و احتلام دفع مار و کژدم و جز آن هر که سوره اعراف بنویسد بگلاب
و زعفران با خود دارد ایمن بود از گزیدن مار و از دشمنان و هر که
سوره نمل بنویسد در پوست آهو بره و یا در کاغذ و یا در صندوق نهد
در آن خانه مار و کژدم و پشه و مورچه و چیزی که زیان رساند نباشد و هر که
بنویسد سوره سبا در کاغذ و در جامه سپید پیچیده با خود دارد ایمن بود
از گزندگان و هیچ گزنده نزدیک او نیاید و هیچ عقوبتی بر وی نرود مادام
که این سوره بر وی باشد و هر که سوره یس بنویسد و با خود دارد ایمن
از گزندگان و دفع دیو و پری هر که سوره اعراف بنویسد بگلاب و زعفران
با خود دارد ایمن بود از کید شیطان و هر که سوره حجرات بنویسد و بند ... کسی
که آسیب بوی باشد از غولان و دیو ایمن شود و بعد از آن دیو نزدیک او
رو نیاید آنچه ما که بر وی این سوره باشد و اگر این سوره به دیوار خانه بنویسد

دیو در آن خانه در نیاید و ایمن بود و از جمله خوفها و هرکه سوره الناس
بنویسد با خود دارد و یا بخواند هر شب در خانه ایمن باشد از دیو پریان و از وسوسه
شیطان و هرکه این آیه وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ
هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُتَوَكِّلُونَ اگر کسی را آسیب پری و یا نظر آدمی باشد بر سبوی نو بخواند
و صاحب زحمت میان چهار راه ببرد و در شب و از زیر آب [illegible] و را بشوید در
شب همین کند نیکو شود و بیرون آورد و آن سبو را [illegible] بنویسد و گردن
[illegible] سفید [illegible] هر جا که سحر و مکر [illegible] باشد [illegible] زمین [illegible] بود
[illegible] دفع کرم غله [illegible] هرکه بنویسد آیة الکرسی در سفالی نو [illegible] در کاغذ [illegible]
و در انبار غله کرم نگیرد و برکت [illegible] هرکه این آیه مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ
فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ بنویسد در سفالی نو و در انبار غله و یا در خانه و یا
در [illegible] دیگر [illegible] یک [illegible] از [illegible] هیچ کمی نشود [illegible]
و هیچ آفتی نرسد و اگر این سفال در کنجهای باغ و کشت زراعت [illegible] برکت
شود و دزدان [illegible] باشد دفع غراب
هرکه سوره مومنون بنویسد در شب [illegible] جامه سفید [illegible] که غراب خوار(ه)
باشد [illegible] غراب [illegible] دفع
[illegible] هرکه سوره قصص بنویسد [illegible] آهو [illegible]
که [illegible] دفع احتلام
هرکه [illegible] بنویسد [illegible] و احتلام در آن شب تا صبح

بجز تو

[illegible] دفع موذیان موش و شپش و عشق و زنبور و مور جهت دفع
موش و خراب بسیار [illegible] دعا [illegible] بنویسد [illegible] دیگر
[illegible] در زیر آستانه [illegible] چهار گوشه [illegible]
موش دفع شود و دعا این است عقدت [illegible] الفار الصغار الکبار
مِنَ [illegible] وَالزَّرْعِ وَالثِّمَارِ [illegible] الْأَشْجَارِ وَصَلَّى اللَّهُ
عَلَى النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ وَعَلَى أَصْحَابِهِ الْأَبْرَارِ [illegible]
[illegible] وَصَلَّى اللَّهُ
عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ دفع [illegible] و عشق [illegible]
[illegible] این دعا بخوانند [illegible] از [illegible]
و عشق [illegible] دعا این است فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ
أَسْتَوْدِعُ دِينَكَ وَمَالَكَ وَزَوْجَكَ [illegible]
[illegible] این آیه وَمَا
لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ
عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ
فَإِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَكُفُّوا عَنَّا شَرَّكُمْ وَأَذَاكُمْ
پس این را [illegible] بر [illegible] از [illegible]
دفع زنبور [illegible] بر خانه زنبور [illegible] بار بگوید [illegible]
[illegible] وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ
[illegible] دفع مور [illegible] این آیه [illegible] بخوانند [illegible]
[illegible] آیت حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ

نملة يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم
سليمان وجنوده لا يشعرون افسون چون کسی را کژدم
بگزد و نمک آب کند و بران موضع گزنده بمالد اخلاص و معوذتین بخواند تحت
یابد **از تفسیر منقول** ثواب کشتن موذیات عایشه رضی الله عنها گفت از پیغامبر
علیه السلام هر که بکشد یک کژدم محو گرداند خدای تعالی از صحیفهٔ او هفت گناه
شود و گفت رضی الله عنه که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بکشد یک زنبور را
نبشته شود مر او را سی نیکی و پاک کرده شود سی بدی و هر که بکشد یک کژدم
را نبشته شود بنام او ده نیکی و پاک کرده شود ده بدی و برآورده شود
بنام او ده درجه و هر که بکشد یک کژدم را نبشته شود بنام او ده نیکی و پاک
کرده شود ده بدی و برآورده شود بنام او ده درجه و هر که بکشد یک کژدم
را نبشته شود بنام او هفت نیکی و پاک کرده شود هفت بدی و هر که بکشد
یکی ازین‌ها را چنانست که گویی کشته باشد یک کافری را از اهل حرب **فصل**
دهم در عصمت چهارپایان جعفر صادق رضی الله عنه گفت هر که سوره انعام
بنویسد و در گردن چهارپایان بندد و اشتر و جز آن به هر که بندد صحت و سلامت
باشد و لاغر نشود و هر زحمتی که حادث شود چهارپایان را از آن هم
خدای تعالی سلامت دارد تا آن زمان که زنده باشد **فصل یازدهم**
در دزدیده و گم شده و گریخته در حدیث آمده است هر که چیزی غایب شود بایسی
آب دست کند و دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول بعد از فاتحه والضحی
و در دوم الم نشرح بخواند و بعد از سلام دست برآرد و بگوید اللهم
یا هادی الضال و راد الضالة اردد علی ضالتی بعزتک
وسلطانک فانها من فضلک هر آینه باید دیگر اگر کسی را چیزی گم شود

چهار رکعت نماز بگزارد به یک سلام و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه قل
یا ایها الکافرون چهار بار چون سلام دهد سر بسجده نهد و صد و سیزده بار
بگوید افشا الحق محتجبك على محمد عليك ان تظهر في سره في
خداوند تعالی در دزد و آشکارا کند بامروی به ورساند **دیگر**
چون نماز خفتن بگزارد و با آبدست پاک بنشیند والشمس والضحیها هفت بار بخواند
والليل هفت بار بخواند آنگاه این دعا بخواند با آبدست بخسپد در خواب ببیند
کسی بیاید خبر کند که کالا پیش فلان در دزد دعا **اینست** یا جامع الناس
ليوم لا ريب فيه اردد علی ضالتی بعد از ده بار یا بیست بار چون
این دعا خوانده باشد آن چیز را نام بگو و فلان است و بتو رو برده و درخت هرچه
باشد **دیگر** از جهت بیرون آوردن دزد دیده دو کس مقابل بنشینند دو کمان
تیر بر دست کنند یکان تیر و ریکان دست بیکان دو ان کف دست بگیرند و میان
انگشتان و سوفار دو کان تیر وصل کنند با تیر یکدیگر و میان چهار تیر گشاده
گذارند و هر دو کس سوره یس بخوانند و هر کسی را بگویند تا یکان نفر بیاید و دست
در میان این تیرها برآرد و دور شود هر کدام که در میان کالا دزدیده باشد
هر چهار تیر گرد آید و دست او بگیرند این نوع تجارت شده است **دیگر**
ابن عباس رضی الله عنه گفت که پیغامبر صلی الله علیه وسلم جبرئیل صلوات الله علیه این
دعا بیاموخت و کیفیت این دراز است هر که این دعا برای گم شده چهار پایه
و از جهت آدمی گریخته بخواند حق تعالی آنرا به ورساند با آسانی و عافیت دعا
اینست ان السماء سماؤك والارض ارضك والجنة جنتك
والنار نارك والبحر بحرك والمشرق مشرقك والمغرب
مغربك اللهم ضيق على فلان الارض برحبها حتى تجعلها

عَلَيْهِ أَضْيَقَ مِنْ مَسْلَكِ حَلْقٍ حَتَّى يَصِيرَ عَلَيَّ فِي يُسْرٍ وَعَافِيَةٍ إِنَّكَ
تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتَرُدُّ الضَّالَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ
ضَالَّتِي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَإِنَّهَا كَانَتْ مِنْ رِزْقِكَ وَعَطَائِكَ
يَا كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَعُ أَبَدًا وَلَا يُحْصَى
عَدَدُهُ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ
عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ إِنَّمَا أَمْرُهُ
إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ
الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ بجهت برده
گریخته بگیرد قفل و بنفت بار سوره یس بخوانند تا اتیکم من الکرمین و در آخر نام گریخته
یاد کنند و قفل را بهم نهد و در میان سبوت اندازند تا برگرده ان شود جاید دیگر
هرکه این آیه نویسد و زنان جو و خورده ان و بهر برده که زنا بازی و باز ندرا که
باشوهر آرام نمی گیرد نشینند را از گریختن باز دارد و زنان آن خصلت بگذارند
آیت یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَ
اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ دیگر چون برده بگریزد بر این آیه
نویسد بخواند و در میان خواند که سخن نگوید هر آینه باز آید آیت أَلَمْ
تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي
كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ دیگر باز یافتن گریخته بعد از نماز
خفتن چهل بار سوره والضحی بخواند بعد خیزد و بر چهار گوشه خانه بانگ نماز و اقامت گوید
و در نشستن جانب این آیه بخواند إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ
إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ هر آینه باز آید و هم

بجز کرا برده بگریزد و نام یکی نام یوسف نبشت کنند و در چاه نهند که آن جند دیده اند
چون برده باز آید از آن مهر شکر بکشا نه و آن ده تا ان کودکان کنند مجرب است
دیگر هرکه زر و چیزی گم شود دعای ام سلمه را دو آن زده هزار بار بگوید بکرم
فضل خدای تعالی هم در آن نزدیک روز باز یابد البته البته و این دعا
آیت اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ عَوِّضْنِي
بِمَا هُوَ خَيْرٌ مِنِّي ذَلِكَ دیگر گم شده را هزار بار بگوید اصبحت فی جوار الله
هر آینه باز یابد آزموده است دیگر گریخته برده که گریخته سوره والضحی در کاغذ دو
بنویسد بسم الله چنانکه دایره تمام شود و نام گریخته در آن دایره در میانه بنویسد
و بیرون دایره در چهار کنج کاغذ چهار کنجی یکان نام ابوبکر و عثمان و عمر و علی رضی الله
عنهم بنویسد و در میان کاغذ یک مدسیم بخیده و در میان سی پاره قرآن مدار
و جای خوابگاه برده گریخته باشد بنه یا بر کران نهند امید است که همان روز
گریخته جدا شود دیگر ابن عباس رضی الله عنه گفت هرکه را برده بگریزد
این آیه بنویسد و در حقه نهند و بموم گیرد و دفن کنند چون برده باز آید آن حقه
و کاغذ پیش روی او باز کنند آیه آیت أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ
يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ وَظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا
أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ فلان غلام يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ
مِنْ نُورٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالصَّوَابِ باب هژدهم در زیادت
شدن حفظ نقل از وصایای پیغامبر علیه السلام فرمود یا علی پنج چیز فراموشی
آرد خوردن سور موش و بول کردن مستقبل قبله و بول کردن در آب ایستاده و
بول کردن در خاکستر و خوردن حرام از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمود
شش چیز زیادت کند حفظ را و عمر ناشستن و ریم گذاشتن نقصان کند حفظ را

از احیاء علوم امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت سه چیز حفظ را زیاد کنند
بلغم را کم کند تلاوت قرآن و صوم و مسواک دعاء حفظ این دعا در وصیت
از پیغامبر علیه السلام بزعفران در آوند پاک روز آدینه بنویسد پس در شب بجای
آنجا که ستاره بر وی تابد بنهد چنانکه میان آوند و ستارگان هیچ حایل
نباشد پس چون روز شود آن آوند را با آب باران جمع کرده بشوید پس
آن آب را سه روز ناهار با سه مثقال شکر و ده مثقال انگبین بخورد حفظ او
چنان شود که هرچه بخواند و بشنود یاد ماند بقدرة الله و مشیته دعا اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَا أَسْأَلُ غَيْرَكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَا أَرْغَبُ
غَيْرَكَ يَا مُعْطِيَ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى الرَّاغِبِينَ وَيَا أَمْنَ الْخَائِفِينَ
وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ فَتَّاحَ الْخَيْرَاتِ مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ
كَاتِبَ الْحَسَنَاتِ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ وَأَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ أَسْمَائِكَ
كُلِّهَا وَأَعْظَمِهَا وَأَجَلِّهَا الَّذِي لَا يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ أَنْ
يَسْأَلُكَ إِلَّا بِهَا يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى كُلِّهَا
وَبِأَسْمَائِكَ وَأَحَبِّهَا وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَأَقْرَبِهَا
مِنْكَ وَسِيلَةً وَأَجْزَلِهَا مِنْكَ ثَوَابًا وَأَسْرَعِهَا مِنْكَ ثَوَابًا وَأَسْرَعِهَا
مِنْكَ إِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْجَلِيلِ الْأَجَلِّ الْعَظِيمِ
الَّذِي تُحِبُّهُ تَرْضَاهُ وَتَرْضَى عَنْ دُعَائِكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ
وَحَقًّا عَلَيْكَ لَا تُحَرِّمُ بِهِ السَّائِلِينَ وَبِحَقِّ كُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ
وَمَلَائِكَتُكَ وَأَنْبِيَائُكَ وَأَصْفِيَائُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ
وَالْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَالْمُتَضَرِّعِينَ إِلَيْكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ لَكَ فِي بَرٍّ
أَوْ بَحْرٍ أَوْ جَبَلٍ أَوْ سَهْلٍ دَعَاكَ بِهِ أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ

دعاک

فاقته

فَاقَتُهُ وَأَعْظَمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَأَشْرَفَتْ عَلَى الْهَلَكَةِ
نَفْسِي يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ إِلٰهِي أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ إِلٰهِي
أَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ
الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ
الرَّحِيمُ وَأَنَا الْخَاطِئُ وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ وَأَنْتَ الْغَفُورُ
وَأَنَا الْمُذْنِبُ وَأَنْتَ أَحَقُّ مَنْ أَشْكُو بَثِّي وَأَسْتَعِينُ إِلَيْهِ
وَأَرْجُوهُ وَأَسْأَلُهُ أَنْتَ الْكَرِيمُ فَكَمْ مِنْ مُذْنِبٍ فَقَدْ غَفَرْتَ
لَهُ وَكَمْ مِنْ مُسِيءٍ قَدْ تَجَاوَزْتَ عَنْهُ وَكَمْ مِنْ ضَالٍّ قَدْ نَجَّيْتَهُ
وَكَمْ مِنْ وَضِيعٍ قَدْ شَرَّفْتَهُ وَكَمْ مِنْ طَوِيلٍ أَذَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ
بَلَاءٍ قَدْ رَفَعْتَهُ فَأَنَا عَبْدُكَ إِلٰهِي فَارْزُقْنِي حِفْظَ كِتَابِكَ
فِي قَلْبِي كَمَا اتَّخَذْتَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَكَلَّمْتَ مُوسَى
تَكْلِيمًا وَأَيَّدْتَ عِيسَى رُوحَ الْقُدُسِ وَكَانَ
يُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَيُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِكَ إِلٰهِي
أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَى رَسُولِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
أَنْ تَرْزُقَنِي حِفْظَ كِتَابِكَ يَا مُجِيبَ الدَّعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ
يَا مُعْطِيَ السَّائِلِينَ إِنَّكَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه میگوید که چون من آن دعا را بسیمین که سطر سطر بگیرم حفظ
من بحدی رسید که اگر سماع مغنیان و نوحه نوحه گران بشنودمی ایستم و بکس
کردمی تا اینجا رفیعان میگویند یاد بماند و عبد الله عمر و انس بن مالک رضی الله عنه
نیز همچنین کنند و بکر و وصیت حفظ را از محمد بن هیثم نقل از کتاب الفنون
مجرب است بنویسد بر نان تنک سه روز ناهار بخورد و دعاء آیت بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسألك بحق كتابك الذی جعلته فی صدر
نبیك محمد علیه السلام ان علینا قرآنه یمحو الله ما
یشاء ویثبت وعنده ام الكتاب اسألك ان
تمحو السهو من قلبی وان تطهر من كل دنس وهم
حتی ادعی لتامك وما ترضی به عنا فانك تهدی
من هدیت من نفسك یا جابر من جبروت ویا نور ضیاء
حوفنا بنورك یا مالك یا ملك یا مقتدر وانه سهل انك
علی ما یشاء من لم یكون قدیر وصلی الله علی
محمد وآله اجمعین دیگر اگر کودکی را در سخن گفتن زبان
میگرده سوره بنی اسرائیل را بمشک و زعفران بنویسد بشوید و اورا
خوردن دهد فصیح گردد بقدرة الله تعالی دیگر جبل معاذ رضی الله عنه
گفت که پیغامبر فرمود علیه السلام هر که بنویسد بر کف دست راست خود آیة الکرسی
هفتاد بار هر روز یکبار بلیسد فراموش نکند چیزی را همیشه دیگر روایت
از پیغامبر علیه السلام باسناد درست بنویسد بمشک و زعفران فاتحة الکتاب
وسه قل و سوره حشر و سوره القارعة و تبارک الذی و اگر یس بنویسد
بهتر باشد و چون نوشته باشی بشوی بآب پاک یس بیاشام بوقت سحرگاه با
مثقال مشکی برده درم مثقال انگبین سفید و آن روز روزه دارد و
چون زوال گردد دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت الحمد یکبار و اخلاص
پنجاه بار بخواند چهل روز بر نیاید که حافظ گردد و اینکس باید که سال اندک کمتر
از شصت بود و این را بزرگان دین آزموده اند و حافظ شده دیگر
دعاء حفظ چهل صباح بخواند پیش از بلند شدن آفتاب برین ترتیب اول

فاتحه

فاتحه سه بار بخواند و سه بار سبحان الله والحمد لله تا آخر بگوید و سه بار
درود فرستد و این آیه بخواند ففهمناها سلیمان وکلا
آتیناه حکما وعلما وسخرنا مع داود الجبال
یسبحن معه والطیر وکنا فاعلین ده بار و این دعا بخواند
یکبار یا رب موسی و هارون و یا رب عیسی و ابراهیم
و یا رب محمد صلی الله علیه وسلم اکرمنی بالفهم
والحفظ وارزقنی العلم والحکمة وتلاوة القرآن
یا قاضی الحاجات اقض حاجتی واکرمنی بانواع الخیر
یا قریبا غیر بعید برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله
علی رسوله محمد وآله اجمعین دیگر جهت حفظ بر کف دست
بنویسد بلیسد صعلهم هلیخا و اگر بر کاغذ بنویسد خنب او بیزد و در آب
روان اندازد یا در چاه که در آن آب باشد اندازد و یکبار فاتحه و آیة
الکرسی وچهار قل بخواند و در آب اندازد و با آب دست باشد بهر نیت که اندازد
تمام کرد و لیس نه بیند دیگر نقل از منافع قرآن و نسبت از جعفر صادق
رضی الله عنه هر که سوره یس هر روز بنویسد بگلاب و زعفران و بشوید و بخورد
حفظ او چنان شود که هر چه بشنود یاد ماند و غالب آید با هر که او مناظره کند
و در نظر مردمان عزیز و مکرم بود ایضا تمام سوره فاتحه بمشک و زعفران
در آوند آبگینه بنویسد و بگلاب بشوید بخورد کسی که او کند طبع باشد هفت روز
ناهار بخورد کندی طبع برود و هر چه بشنود یاد ماند ایضا خاصیت این آیات
اینست که حفظ را زیادت کند و نفس را قوی کند و علم در دل که ثابت دارد
موفقت را زیادت کند اول پنجشنبه از ماه اول ساعت از روز و آوندی

باک مشک و زعفران بنولیسد و بشوید باب خوش بخورد و همچنین کند از علوم آن روز سه روز دیگر همچنین کند تا آب زین بیاشامد و بامداد آن روز دوار دو سه روز با پنج روز همچنین کند مطلوب خود برسد آیات **بسم الله** الم

ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ **ایضاً** هر که این آیه بنولیسد و با خود دارد اگر بسیار فراموشی او را باشد بعد آن فراموش نباشد **آیه اینست** وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ

ایضاً خاصیت این آیات اینست که دین را قوی کند و دل را از برکت کردند نسیان را ببرد و حفظ قرآن و علم و حکمت حاصل شود و وسواس ببرد و بنولیسد در اوند آبگینه بمشک و گلاب و بشوید و با آب زمزم بخورد هفت روز متواتر بعد از نماز بامداد بمراد برسد و فایده بسیار دهد بفرمان خدای تعالی آیات **اینست بسم الله الرحمن الرحیم** وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ

قناعت بیسج با فاحتیاج محمد دود
ریدرا از ذکر خود کامل شود

أَوْ أَدْنَىٰ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ **ایضاً** جعفر صادق رضی الله عنه گفت هر که بامداد هر روز این سوره را بخواند و از خدای تعالی حفظ قرآن خواهد میسر شود و دایم که قرآن یاد شود و هر حاجتی که از خدای تعالی خواهد آن حاجت روا شود و **دیگر** هر که پیش از سبق خواندن این دعا بخواند بعد آن هرچه بخواند هرگز فراموش نشود و در کند و حفظ زیاده شود از برکت این دعا **اینست** اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا حِكْمَتَكَ وَانْشُرْ عَلَيْنَا فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا مُيَسِّرَ كُلِّ عَسِيرٍ فَإِنَّ تَيْسِيرَ الْعَسِيرِ عَلَيْكَ يَسِيرٌ إِنَّكَ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ **اللّهم** عَلِّمْنِي وَفَقِّهْنِي فِي الدِّينِ وَاجْعَلْنِي فِي قُلُوبِ عِبَادِكَ وَارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا وَعَقْلًا كَامِلًا **اللّهم** إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي الْعِلْمِ زِيَادَةً وَفِي الرِّزْقِ بَرَكَةً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از فواید الفواد شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز هر که سوره قرآن یاد کند گرفتن کرد اول سوره یوسف یاد کرد هر که سوره یوسف یاد کرد برکت آن حق تعالی او را تمام قرآن روزی کند هم ملام این مسیح فرموده اند که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که را نیت یاد گرفتن قرآن باشد بدان نرسد و هم در آن بمیرد چون او را بگور رسانند فرشته بیاید و ترنجی از بهشت بیارد و بدست او دهد انکس آن ترنج را ابتداع کند تمام قرآن او را محفوظ شود و فردا چون حشر شود او حافظ مبعوث کرده **باب نوزدهم در فضایل متفرق**

درکسی کو قناعت محو اسه
نباری بغت کم از وسک فه
فنا فی الله کسی را چون شود
بحر حق چشم تکشاید سیا
بجبر ئیل امر حق شد بلند
بشد بر ذکر تلقین صاحب
وزان تلقین بصد سبق اکر
دلش از نور ذکر خفیه بیک
وزان پس آگهی داده عیار
بدل صیقل ذره ش ذکر جهر
گرفته این سلسله در تقاضا
بجا نزاین سلسله در اهل دل
دل از ذکر جهر اکر دد منور
چه صوفی حلقه را اگر دمرد
زیاد حق چون سیهنها جوش
برقص آیند سرمستان ماه
بسور عشق چون غلطند برخ
کنند کرد معاصی از بدن فاک
شود چون حلقه ذکر بپا گرم
ملک را آید از تسبیح بغم
کشند سر قدسیان از کنگره
کنند افسوس ذوق عالم فرق

رزق حاط
نذر ذکری

نقل از فوائد الفواد انس بن مالک گفت رضی الله عنه بالله العظیم بدرستی که ورا ایشان
که حدیث کرد مرا محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم وگفت بالله العظیم بدرستی ورا ایشان
که خبر کرد مرا اسرافیل خازن رب العالمین صلوات الله علیه وگفت بالله العظیم
که حضرت عزت میکام ربی زبان بی صوت والحال این ندا شنیدم یا اسرافیل بعزت
وجلال من بجود ونوال من هیچ مومنی نیست که یکبار سوره فاتحه بخواند متصل بسم الله الرحمن الرحیم
که شما گواه باشید من تمامت گناهان او را بیامرزیدم اگرچه کافر حق باشد اعمال
صالحه او را بدیدم و سیات از وی درگذارم و سوگند یاد میکنم که زبان او را
باتش دوزخ نسوزم و از اهوال و افزاع رستخیز و از عذاب گور و سختی حساب
برهانم و گذشتن صراط برو آسان کنم و فردا قیامت پیش اولیاء و انبیا جزا
بیند و منشور امان از قطیعت بدست او دهم بدانکه در حدیث چند اشکال است سوالی
ازین مراد اتصال چه میخواهد میم الرحیم بلام الحمد پیوستن یا معنی دیگر میخواهد جواب از
استاد خود امام مجد الدین قدوة المحققین عمر کاتب طیب الله ثراه شنیدم و معنی
این حدیث که مراد ازین اتصال آنست که میان تسمیه و خواندن فاتحه هیچ عملی از اعمال
دنیا قصد نکند و خاطر و ضمیر را هیچ اندیشه مکدر نگرداند و همه باطن خود را مستغرق
دارد تا ثواب اتصال حاصل آید اگرچه میم الرحیم بلام الحمد بپیوندد سوال بمجرد
خواندن فاتحه آمرزیدن کافر حق چگونه درست آید جواب اصل کفر در لغت
عرب ستر است یعنی پوشیدن عرب شب تاریک را کافر خوانند بدانکه اشیا را بظلمت
خود بپوشد و همچنین مرد مزارع را کافر خوانند زیرا که تخم زیر زمین می پوشد
و مردی که زیر پیراهن زره دارد او را نیز کافر خوانند چون درست شد که معنی
کفر در لغت عرب پوشیدن است تاویل حدیث چنان باشد که هر که خوانده سوره فاتحه
متصل بسم الله الرحمن الرحیم بیامرزد اگرچه آنکس چیزی را بپوشد و ظا

نگرداند

نگرداند سوال تاویل حدیث چگونه درست آید که پیش از اولیا و انبیا جزا بیند
جواب اندرین کلمه حذف مضاف مقدم است چنانکه در قرآن آمده است
واسئل القریة یعنی اهل است را نه بیند پیش از اولیا و انبیا و آنچنان باشد که فردا
قیامت اولیا انبیا کنم شفاعت در میان ایشان و در عرصات منکر شوند و گناهکاران را
شفاعت و از وحشت زبانیه خلاص میدهند و پیش از خود در بهشت فرستند این
معنی بدین تاویل درست آید بدین تفسیر و در جزایست از پیغامبر علیه السلام که خدای عز و جل
را بندگانند که بایشان زنده دارد و عافیت که بمیرانند و در گور و قیامت و بهشت عافیت
گفته جز گفت بسیار گویند رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس
الله سره العزیز فرمود که در تفسیر امام ... رضی الله عنه دیده ام هر که خواهد اعمال
و نذر حق قبول ارسته باشد این آیه بخواند رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و چون خواهد که نیکی دنیا و آخرت بدو دهند و از آتش برهد این
آیه بخواند رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و چون خواهد که در همه حال صابر باشد و قدمش در
کارها ثابت باشد و دشمنان بروی ظفر نیابند این آیه بخواند رَبَّنَا أَفْرِغْ
عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
هر که خواهد که با دوستان حق جمع باشد و شهود این آیه را بسیار بخواند رَبَّنَا إِنَّكَ
جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ
بعد از آن بر لفظ مبارک راند که آنکس چون ملازمت کردن این آیه باشد با دوستان
خدای جمع شود مراد او ... خود را ازین سعادت محروم نخواهد فرمود چون کسی را
چیزی غایب شود و یا برده بگریزد و یا خواهد که فرزندی شایسته و پارسا بود و شود

این آیه بخوانند رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ
سَمِيعُ الدُّعَاءِ مست زکریا صلوات الله علیه در مناجات همین خواند و بود خدای
تعالی اجابت کرد و پسری بمو یحیی صلوات الله علیه و مردی بخدمت شیخ محمد هوستانی رحمه الله
علیه بیامد نیت فرزندی روی بر زمین آورد و دست بجهت شیخ از خرم رکن
که در الشیاه بود فرمود که بر رو این آیه ملازمت نمای حق جل جلاله عز او را پسری
شایسته روزی خواهد کرد آن مرد ملازمت نمود و حق تعالی او را پسری داد
که صاحب سیر و دست که بهای یاد ه جعفر ذح نکذار ذ و چون مردم بخواهد که
وعدهاء پیغمبران برسد و رنج در عرصات قیامت نه بیند این آیه بسیار خواند
رَبَّنَا آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ مردی در بخارا در فسق از حد گذشته بود چون بمرد
او نقل کرد مسلمانی او را بخواب دید میان اولیاء و دوستان خدای ایستاده
در و حیرت و عجبی پیدا آمد گفت این دولت از کجا یافتی گفت در تفسیر کشاف
دیده بودم هر که این آیه بخواند خدای تعالی او را با پیغمبران به اردا کنون
من آن را بصدق خوانده بودم حق تعالی چون اندک به پیغامبران بخشیده است از من
این طاعت قبول کرد و کرد از ما مرا بهایه فرزندیه مرا در کار این آیه کرد و میان
پیغمبران فرمانست که بباشم و چون مردم خواهد از صحبت ظالمان نجات یابد
این آیه بسیار خوانند رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ
أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا
پس خوانند این آیه را نعمت و دوستان خود بدو رسانند و پیوسته مظفر و منصور
بود و چون مردم خواهد که با ظالم جمع نشود در دنیا و آخرت این آیه بسیار خواند
رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ و چون مردم خواهد که از شر ظالمان

ایمن باشد او را و اولاد او را جنبت بر سبب مبتلا نکرداند این آیه بسیار خواند
رنیت رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ
الْأَصْنَامَ و چون مردم خواهد که کافران بر وی مستولی نشوند این آیه بسیار خواند
رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا
إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ از وسیلت القلوب انس رضوان
الله علیهم روایت کرده اند که رسول علیه السلام گفت هر که یکبار قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ
بخواند برکت شود بر وی و هر که دو بار خواند برکت کرده شود بر وی و بر اهل بیت
او و بر همسایگان او و هر که دوازده بار خواند دوازده قصر بنا کرده شود
برای او در بهشت و هر که بیست بار بخواند فردا با پیغامبران صلوات الله علیهم
چنان بود و یک الشیاه ان که انگشت نهاده میانگی و هر که صد بار خواند گناه بیست و
پنج ساله او آمرزیده شود و هر که چهارصد بار خواند اجر چهارصد شهید که خون ریخته
شده باشد در راه خدای تعالی و اسب هم کشته شده باشد در نامه اعمال او نویسند
و هر که هزار بار بخواند نمیرد تا جای خود در بهشت نه بیند یا در خواب ببیند از کفایه شیخ
مرویست که پیغامبر علیه السلام فرموده است هر که مدام قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند
امر کند خدای تعالی ملایکه را تا از برای او در بهشت قصر بنا کنند خشتی از زر و
خشتی از نقره و چون از خواندن سوره اخلاص باز ایستد ملایکه هم از عمارت
توقف کنند پس ملایکه دیگر که بدان نگذرند بگویند ایشان را که چرا عمارت توقف داشتند
ایشان بگویند صاحب عمارت نفقه ما توقف داشته ما هم توقف عمارت داشته ایم
تا نفقه ما بار رسد از تفسیر منیر قوله تعالی وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ
ابن عباس رضی الله عنه گفت مجاهد و شیخ فرستید بهین مجامعت کردن با عیالان
بر روز پیچارگی نو بهید و آن ثواب بدان است که پیش از آن بنده مرحد ایرا

بادو و در علم آمده است و حیان یافته ایم که پیش از آنکه دست فرو خواهی کنی جما
کفت ترا بسم الله الرحمن الرحیم و قل هو الله احد خواند پس بگوید
اللهم جنبنی الشیطان بما رزقتنی و در میان هیچ حدیث نباید کرد
و از دست راست بر آید و از دست چپ فرو د باید آمد و با خوانتن نزدیک گوید
الحمد لله الذی احل النکاح و حرم السفاح و زرقنی
حلالاً طیباً مقاتل کفت آن بود که مجامعت فرزندی آید اگر پیش برد
شفیع باشد و اگر پس دعا گوی شما بود قول خواجه امام کفت آن نیت
نیکوست که مومن کند و آن بر چهار وجه است یکی آنکه گوید خوشتن را بدین
حلال از شهوة فارغ کنیم تا بحرامی نگرید دوم نیت حق این عورت در گردن
منست و ل و از شهوة فارغ کنم تا بحرام نگراید سیوم آنکه یک فرزندی آید
خداوند را یاد کند چهارم آنکه مگر بدین غسل مرا ثوابی باید بود والله اعلم

باب بیستم در عصمت از عذاب و فتنه ضغطه گور و امان از منکر و نکیر
و صفت الشیطان و آسانی سکرات موت و زیارت قبور و سلامتی ایمان و
دخول بهشت و دعاها که در کفن نویسند مشتمل بر شش فصل فصل اول
در عصمت از عذاب و ضغطه گور و سبب زوال ایمان و عذاب دوزخ
فصل دوم امان از منکر و نکیر و سبب عقوبت الشیطان فصل سیوم
در آسانی موت و علامتها موت و آمدن ملایکه برابر ملک الموت
فصل چهارم در زیارت قبور فصل پنجم در سلامتی ایمان و
دخول بهشت فصل ششم در دعا کردن در کفن بنویسند والله اعلم
فصل اول در عصمت از عذاب گور و ضغطه گور و سبب زوال
ایمان و عذاب دوزخ از کفایه شعبی روایت میکند امیر المومنین علی رضی الله

عنه که پیغامبر علیه السلام گفت جبرئیل را صلوات الله علیه یا روح القدس مرا
چیزی بیاموز چون امت من آن بکنند بر ایشان عذاب گور نباشد پس جبرئیل
گفت یا رسول الله بدرستی که خدای تعالی فرستاده است برای امت تو
هدیه رسول علیه السلام گفت آن هدیه کدام است جبرئیل گفت دو رکعت نماز است
در شب آدینه بخوانند در هر رکعتی فاتحه یکبار و آیه الکرسی یکبار و اذا زلزلت
الارض سه بار هر که این نماز بکند از دو او را عذاب گور نباشد البته
از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فریدالدین قدس الله سره العزیز فرمود در فتح
عبد الله عباس را رضی الله عنه پرسید گفت چیزی نزدیک تو ضغطه گور نگاه
دارد گفت آری آنگاه فرمود بگذارد دو نماز هر شب چهارده رکعت نماز
بخوانند در هر رکعتی بعد از فاتحه اذا زلزلت الارض زلزالها پانزده بار
این سبب امان تو باشد آنگاه مردی دیگر آمد همین سوال کرد فرمود هر که
این نماز بکند از دو شبان باشد که پانزده بار ختم قرآن کرده باشد و امان
تو باشد از ضغطه گور و در روضة المصلی و در آورده است هر که بخواند گور
بسم الله علیه رسول الله بود و خدای تعالی عذاب و تنگی و تاریکی
از صاحب گور رحیل سال دور او صول الصفار آورده است پرسیده شد از
قاسم حکیم سمرقندی یاست از گناهی گشته شود ایمان از شومت آن گفت بیست
سه چیز است یکی آنکه حق تعالی نعمت ایمان و مسلمانی او را عطا کرده است شکر آن نگوید
و تارک نماز باشد دوم آنکه او را خوف فوت ایمان نباشد سیوم
آنکه ظلم کند بر اهل اسلام ایضاً شمس الایمه عثمان بن احمد خلیل رحمة الله علیه گفت
هر که خواهد که ایمان بروی سلامت ماند و مدام با ایمان باشد این سه چیز را
بجای آرد اول آنکه شکر اسلام خود بگوید در هر حال دوم بترسد از زوال

احوال

ایمانی و رحیم عمر خود و سیوم آنکه رحمت و شفقت کند بر مسلمانان و رحیم حال اما عذاب
مرده چهار چیز هست سبب جنابت و بول و نا خوردن و نشستن نماز و فراموش کردن
قرآن و فقیه زاهد ابو اللیث رحمة الله علیه گفت عذاب گور از پنج چیز است
از بول و جنابت و ترک نماز و غیبت و سخن چینی و فراخی گور از پنج چیز است
از طهارت و گذاردن نماز و خواندن و تسبیح و دادن صدقه این پنج چیز و شنا
و فراخی گور است از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز
فرمود که شنیدم از زبان خواجه خود شیخ قطب الدین قدس الله سره العزیز که
در خبر آمده است از رسول علیه السلام که سوره ملک اندر توریت نام مانعه است
و بپارسی مانع و باز دارنده بشد یعنی سورة الملک باز دارد از عذاب گور دعا دفن میت
از رسول علیه السلام هر که بگوید نزدیک گور مرده وقت دفن کردن سه بار اللهم
انی اسألک بحق محمد المصطفی صلی الله علیه وسلم ان لا تعذب هذه

وآل محمد

المیت بردارد خدای تعالی از وی عذاب را تا آن روز که صور دمیده
شود از کفایه شعبی در خبر است مروی از انس مالک رضی الله عنه که پیغامبر موجود
صلی الله علیه وسلم بنده آن باد و قطرات باران بر گور مومن کفارت گناهان است
منظوم دریا گفت خضر را علیه السلام پرسیدم که هر که روزه دار بمیرد او را عذاب
گور باشد گفت از مهتر عالم علیه السلام شنیده ام ای منظوم دریا دو گروه را در
گور عذاب نکند یکی آنکه روزه دار بمیرد دوم آنکه در ماه رمضان میرد از تفسیر
پیغامبر فرمود علیه السلام عذاب نکند خدای تعالی در گور مومنان و شهید و کسی که بمیرد
روز جمعه یا شب جمعه رسول علیه السلام فرمود که هیچ شبی نیاید بر میت سخت و دشوار
تر از شب اول پس رحمت کنید بر مردمان خود به چیزی از صدقه و اگر صدقه نباشد
دو رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه آیة الکرسی یکبار و الهکم

التکاثر یک بار و ده بار قل هو الله احد و چون سلام دهد بگوید الهی بار خدای ثواب این نماز بر
فلان میت رسان همان ساعت بفرستد خدای تعالی در گور آن میت هزار فرشته با نوری
و با هر یکی اورا خدای تعالی ثواب هزار شهید و پیغامبر گفت علیه السلام هر که خواهد
که نجات یابد از عذاب گور لیس بر وی است که ملازمت کند چهار چیز را و پرهیز کند از
چهار چیز اما آن چیز که ملازمت کند نماز پیوسته گذاردن و صدقه دادن و خواندن
قرآن و بسیار گفتن تسبیح به درستی که ازین چهار روشنایی و فراخی گور است و اما از آن
چهار چیز که پرهیز کند دروغ گفتن خیانت و سخن چینی و از بول پرهیز که مروی است
از رسول علیه السلام که پاک دارید خود را از بول که تمام عذاب گور از بول است
از تنبیه ابو اللیث فقیه گفت هر که خواهد که عذاب دوزخ بر وی او را باید که
چهار چیز لازم گیرد اول بوقت نماز گذاردن چنانکه از وقتش فوت نشود و دوم باید
که صدقه داده دارد سیوم باید که پیوسته قرآن خواند چهارم باید که تسبیح گوید که این
چهار چیز روشنائی گور است اما او را از چهار چیز دور باید بود اول آنکه دروغ
نگوید دوم خیانت نکند سیوم سخن چینی و غیبت نکند چهارم خود را از بول و غایط
پاک دارد که عذاب گور بیشتر از آن باشد فصل از اربعین احادیث مروی است
از سلمان فارسی رضی الله عنه که پیغامبر علیه السلام فرمود ده چیز و ده چیز که آن
طلب دوزخ است خوار داشتن فرمان خدای تعالی و دوستی کردن با بد کردار
و سختی کردن با ضعیف و خوار داشتن بزرگان و سادات و روی ترش کردن
با خواننده و باز داشتن رد سلام و ملقب به خواندن مردمان را و عشوه دادن
بر هستی و دمیدن بر میخ و دلیری کردن بر بلاهای خدای تعالی از صلوة مسعودی
رسول علیه السلام فرمود هر که مرده را کفن کند خود را حلة اماده کرده باشد در بهشت
و اگر بشوید خدای تعالی وی را از گناهان پاک گرداند چون مرده را در خاک نهد

مشتی خاک بگیرد و بران خاک چیزی خوانند و دران گور اندازد بعده هر ذره
که دران خاک بود خدای تعالی یکی ذره دیوان وی بخشد گرداند و مرده را اسایش
بود و ثوبان رضی الله عنه روایت میکند که رسول علیه السلام بگورستان بر گذشت و شاخ
تر بشکست و بیه و خاک فرو برد سوال کردم که سبب چه بود یا رسول الله گفت هر دو
مستحق عذاب بودند و در عذاب بودند تا این هر دو شاخ تر بود عذاب بر ایشان
سهل بود **سوال** کردم که بچه خصلت برین عذاب گرفتار شده اند رسول علیه السلام
گفت که یکی سخن چین بوده است و یکی جامه خود را از بول نگاه نداشته است الکاه رسول
علیه السلام فرمود که اگر در مدت عمر خویش از ماه رجب یک روزه داشتندی ایشان را
این عذاب نشدی **از خالصة الحقایق** آورده که شیخ ابوبکر وراق چون وفات
یافت بعضی از صالحان او را بخواب دیدند و بهیچ جا نشستم ازو که نزدیک ما
آورده اند یکی از میان ایشان مسلمان بود **فصل دوم** اما از منکر و نکیر
و سبب عقوبت ایشان و سوال ایشان و صفت ایشان **از ملفوظ** شیخ فریدالدین
قدس الله سره العزیز سخن در ترس منکر و نکیر و تنگی گور و هیبت آن افتاد و بعد
بر لفظ مبارک راندند که وقتی از عبد الله عباس رضی الله عنه پرسید که من قوی بخوف
و ترسیدن من از منکر و نکیر است عبد الله عباس گفت من ترا چیزی بیاموزم اگر کسی از
ایشان هیچ نترسی پس گفت که در شب جمعه دو رکعت نماز بگذارد بخواند و در هر رکعت فاتحه
یکبار و اخلاص صد بار پس این سبب امان تو از منکر و نکیر است بعد از آن شیخ الاسلام
بر لفظ مبارک راند آن بود چند روز دو رکعت نماز ملازمت نمود و در رنج اولیا
می نویسید آن مرد چون نقل کرد او را در خواب دید پرسیدند که خدای تعالی
با تو چه کرد و از منکر و نکیر چون رستی گفت آن زمان که منکر و نکیر بدان هیبت بیامدند
از من سوال کردند من در سوال ایشان عاجز شدم خواستند که عمود بر من

زنند فرمان رسید که دست ازین بنده بدارید که او را بجا عزیز داریم آنگاه دست بداشتند
از صلوة مسعودی رسول علیه السلام فرمود هر که موی در بینی دراز گذارد و کوتاه نکند
او عقوبت کرده شود بسبب چیز شفاعت مرا امید ندارد و آب حوض من نخورد و بیمار زرد
خدای تعالی منکر و نکیر را بروی بخشم و درشتی **از تفسیر مغز** در حدیث است چون
مرده را در گور می نهند روح او را در جسد او آرند و دو فرشته می آیند منکر و نکیر و در گور
از وی سوال میکنند میگویند مَنْ رَبُّكَ وَمَا دِينُكَ وَمَنْ نَبِيُّكَ وَمَا
قِبْلَتُكَ وَمَا كِتَابُكَ یعنی کیست پروردگار تو و چیست دین تو و کیست پیغامبر تو
و چیست قبله تو و چیست کتاب تو پس میگوید رَبِّيَ اللهُ وَدِينِيَ الْإِسْلَامُ
وَنَبِيِّي مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یعنی پروردگار من خدای تعالی است
و دین من اسلام است و پیغامبر من محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پس ثابت بود او در حیات
خود در دنیا باقرار بخدای عز و جل و بکتابهای وی و پیغامبران وی و منادی ندا
کند از آسمان که صدق گفتی ای بنده من و بگویند بخسپ چون خسپیدن عروسی شهید پس گور
او را فراخ کنند تا آنجا که نظر او کار کند **و آورده اند** که بدین نام رسول را بعد نقل
او را در خواب گفتند خدای تعالی با تو چه کرد گفت بیامدند در گور من دو فرشته
درشت و مهیب و سوال کردند مَنْ رَبُّكَ وَمَنْ نَبِيُّكَ پس ریش سفید خود بدست
گرفتم و گفتم ایشان را همچو منی این سوال میکنید بدین ریش که تعلیم کرده ام مردمان را جواب
این هشتاد سال پس از پیش من برفتند **از وسیلة القلوب** در حدیث آمده است
از رسول علیه السلام فرمود آنکس که در وقت موت باشد بگویید او را برفق و آهسته چنانکه
او دریابد و فهم کند شما چه میگویید و شما این کلمه میگویید که أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و هر که در وقت مردن این کلمه بگوید حق تعالی کار منکر و نکیر را آسان کند
چنانچه هیچ رنجی از ایشان به وی نرسد الطف در حدیث آمده است هر که در مرض موت
قل هو الله احد بخواند در آن حال بمیرد یا پیش از آن که بعد از آن سخن
در دنیا نگوید در فتنهٔ منکر و نکیر در نماند و از هول گور ایمن باشد از تفسیر منیر صفت
منکر و نکیر ابن عباس گفت رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام شنیدم در صفت منکر و نکیر
که دندانهاشان از دهان بیرون خمیده باشد چون سرو نهاده چهار پایان و از چشم
شان آتش جهد چون برق تافته و از آوازشان چون رعدی آید و مویهاشان برگ
درختان خرما و دستهای آهنی و بدست هر یک عمودی از آهن که اگر همه اهل دنیا
گرد آیند نتوانند جنبانید که در آیند در گور رشته بانگ بر مرده زنند پرسند
من ربک اگر مومن بود جواب دهد ربی الله باز بانگ زنند که پیغامبر تو کیست
گوید محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم گویند از چه دانستی که محمد پیغامبر است
گوید قرآن بخواندم بدان گرویدم عمر گفت رضی الله عنه یا رسول الله در آن هول
که تواند جواب دادن انسان ایزد تعالی این آیه فرستاد یثبت الله
تا آخر آیه و اگر کافر بود در هر سه سوال او ماند ایس عمودها بر سرش زنند
و اگر بر کوه زنند خاک گردد و برزخ گورش بر آتش بود نعوذ بالله منها فصل
سیوم در آسانی سکرات موت و بحران موت و آمدن ملایکه برابر ملک الموت
در خبر است هر که سوره عم بعد از نماز دیگر بخواند آسان کرداند خدای تعالی
مرا ورا سختیهای مرگ از تفسیر منیر ابی کعب گفت رضی الله عنه که پیغامبر فرمود که
علیه السلام هر که سوره قاف بخواند خدای تعالی سکرات موت بروی آسان
گرداند و در خبر است که در بهشت این کلمات نبشته اند لا اله الا الله
محمد رسول الله هر که خواهد که مرگ خوش بمیرد بس او سخن خوش بگوید

هر که خواهد که در لحد روشنایی باشد بس در مسجد چراغ دهد و هر که خواهد که گورش
پاک بود و کرمان نخورند بس در مسجد جاروب دهد و هر که خواهد که در زمین تازه
باشد و نرود صف نماز در مسجد دهد از وسیلت القرب در حدیث آمده است
که پنج کلمه است هر که در وقت مردن بگوید از آتش برهد اگر چه همی تن او از آتش شده
باشد کلمات اینست لا اله الا الله وحده لا شریک له
لا اله الا الله له الملک وله الحمد لا اله الا الله
والله اکبر لا اله الا الله والله اکبر
ولا حول ولا قوة الا بالله لا اله الا الله
محمد رسول الله از تفسیر زاهدی اگر سوره یس نزدیک بیمار در
صدر موت بخوانند چون ملک الموت بقبض روح او آید بعدد هر حرفی که در این
سوره است ده فرشته منزل شود از جهت کرامت او در پیش وی همه صف
زنند و بایستند دعا و آمرزش کنند او را و بوقت غسل او حاضر باشند و دنبال
جنازه او بروند و نماز کذارند و در دفن حاضر باشند و ملک الموت جان
وی را قبض نکند تا رضوان خازن بهشت قدح شربت از شربتهای بهشت بروی نیارد
و نخوراند تا او بوقت قبض روح سیراب باشد و از گور سیراب خیزد و بوقت
حساب سیراب باشد و همچنان در بهشت سیراب رود بفضل الله تعالی از جامع الحقایق
روایت کرده اند پیغامبر صلوات الله علیه ایام خود را سه قسم کرده بود سه روز
حکم کردی میان مردمان و عدل کردی و دو روز تعهد اتباع و خدمتکاران
کردی و دو روز صومعه بودی و عبادت کردی چون اجل نزدیک رسید
و هنگام آن شد که دنیا بگذارد در روزی صومعه خود بود که عزرائیل در آمد
چون عزرائیل را بدید بلرزید گفت یا اخی کی آمده گفت آمده ام تا جان ترا قبض

کهنه او کفت یا ملک الموت تو مرا کفته بودی که پیش از مرک تو چند رسولرا بفرستم
خواهم کردن تو مرا خبر نکردی ملک الموت کفت ای رسول که نه خبر کردم خبر کننده کان
تو افتیاده اند تو نه اشنیدی راوی پیغامبر صلواة الله علیه کفت که اعنی یا ملک الموت
کفت اول پیری که آن فرستادهٔ مرکست و نرم شدن استخوانها و ضعیف شدن
تن و خمیدن پشت و سست شدن اعضا و درد کردن مفاصل و کم شدن نظر
و نقصان شدن اشتها و پیری فرزندان و بالغ شدن نبکان و مردن یاران
و همنشینان داود کفت راست کفتی یا ملک الموت ساعتی مرا فرصت ده تا بروم
و فرزندان و اتباع خود را ببینم و وداع کنم ملک الموت کفت مرا فرمان نیست
که مهلت دهم داود کفت بگذار تا سجده کنم پیش از آنکه کار را بیرون روم
از دنیا در سجده چون در سجده رفت ملک الموت روح او را در سجده قبض
کرد چون روزها گذشت و از صومعه بیرون نیامد فرزندان در طلب او شدند
در صومعه دیدند در سجده افتاده و جان بحق داده لطیفه در خبر است
که چون نزدیک موت رسد هفت صف از ملایکه پیدا میشوند یک صف نزدیک
سر مؤمن ایشان میگویند مرا او را لا تخف وصف دوم بجانب دست راست
ایشان میگویند مرا او را لا تحزن وصف سیوم در پیش ایشان میگویند
ابشروا بالجنة وصف چهارم نزدیک پاهای ایشان میگویند
مرا او را نحن اولیاؤکم فی الحیوة الدنیا و فی
الآخرة وصف پنجم میگویند و لکم ما تشتهی انفسکم
وصف ششم ندا کنند مرا او را نزلا من غفور رحیم
وصف هفتم ندا کنند از آسمان و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون و انتم فیها
خالدون لک البشارة یا مؤمن باللقاء والرؤية

والخلود

والخلود فی الجنة و این در حق کسیست که فرمانهای خدای تعالی را
اطاعت کرده است و بر راه مستقیم بوده لطیفه وهب منبه کفت چون حاضر میشود
ملک الموت بقبض روح بنی آدم برابر سر فرشته دیگری آید ملک الانفاس و ملک
الارزاق را یاد نموده است آشنایی و یا ایشان بعد ازین پرسد ملک الارزاق را که است باقی چیزی
از اشیا کو بد هیچ کیستی از پهلو پهلو نیست باز پرسد ملک الموت این فرشتگانرا که دو فرشته
رزق بکوید استیفا شد رزق او ملک الارزاق بکوید باقی نماند از اشیا او چیزی و باز پرسد
ملک الموت ملک الانفاس را که هست باقی از دمهای او چیزی پس ملک الانفاس بکوید نیست
مگر همین ساعت دم آخرین است که استیفا میشود از دمها او این که او را در دنیا بود و بس
بیرون آرد ملک الموت طیفور را و به و فرشته بود و لبسم الله الرحمن الرحیم
اجابت کن خدای را روح رزق بیرون آید سبکتر از بلک زدن چشم لطیفه
در حدیث آمده است چون عاصیان این امت را در بهشت و دوزخ روان کنند چون به دوزخ
رسند ملک را گویند که یار اجازت کن تا ساعتی از آتش گریه کنیم ایشانرا اذن
کند پس ایشان بگریند مالک گوید ایشانرا اگر شما در دنیا میگریستید از خوف آتش این ساعت
از گریه ایمن بودید و الله اعلم فصل چهارم در ثواب زیارت قبور
زاد وراد زیارت قبور شب جمعه بامداد یا دو ساعت بعد از نماز بامداد شبی از طلوع آفتاب
باید رفت که ارواح مردگان آن زمان حاضر باشند چون بر سر گور رسد از قبله
در آید و بگوید السلام علی اهل لا اله الا الله من اهل لا اله
الا الله یا اهل لا اله الا الله و احشرنا فی زمرة من
قال لا اله الا الله و لا یسلبنا قول لا اله الا الله محمد
رسول الله برابر و بنشیند فاتحه و اذا زلزلت الارض بخواند و این دعا بخواند
الحمد لله الذی لا یبقی الا وجهه تا آخر و آیة منها خلقناکم الله

تا من الشاهدین از کفایة الاسلام اگر کسی خواهد بود که گورستان خاکیان
خود زیارت رود و یا از ان دیگری باید که دو رکعت یا چهار رکعت در خانه
بگذارد و در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی یکبار و اخلاص سه بار و یس پس ثواب
این نماز مرده را که زیارت خواهد بخشد فاما یک درود بر پیغامبر علیه السلام بگوید تا نماز
قبول افتد از مفاتیح المسایل پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بخواند بر گور مادر و پدر
فاتحه یکبار و قل هو الله احد هفت بار و بخواند ایشان را خدای تعالی گور
مادر و پدر او را و بهشت در روز قیامت ایضا پیغامبر علیه السلام فرمود هر که خواهد
زیارت قبور رود دو رکعت نماز در خانه بگذارد و بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار
و آیة الکرسی یکبار و اخلاص سه بار و بگوید ثواب آن میت را منور کرد اند خدای
تعالی گور آن میت را بنور و به هر این مصلی را ثواب حج و عمره ایضا پیغامبر
علیه السلام فرمود هر آن بنده که بایستد بر سر گور مومن و آیة و دعا بخواند بیامرزد خدای
تعالی مر آن میت را گناه پنجاه ساله و بنویسد مر او را چهل و پنج هزار نیکی دعا این است
الحمد لله الذی لا یبقی الا وجهه و لا یدوم الا ملکه
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها
واحدا احدا صمدا فردا وترا لم یتخذ صاحبة و لا
ولدا و اشهد ان محمدا عبده و رسوله جزی الله
محمدا النبی الامی عنا ما هو اهله ایضا خواجه حسن بصری
رحمة الله علیه گفت افضل زیارت قبور زیارت والدین است و افضل ایام
مر زیارت را روز جمعه است و روز عید یعنی زیرا که درین روز زندگان خوش
می شوند و مردگان اندکی می بینند از ریاحین پیغامبر علیه السلام فرمود هر که زیارت
کند مادر و پدر را او را یا یکی را از ایشان در هر جمعه دو بار بیامرزد او را خدای تعالی و بنویسد

نیکوکار

نیکوکار و پیغامبر علیه السلام فرموده هر که زیارت کند گور مادر و پدر و یا یکی
را از ایشان و در جمعه بخواند نزدیک گور ایشان سوره یس آمرزیده شود او
به هر آیتی و به هر حرفی که خوانده است و این تحمید بخواند که انس مالک رضی الله عنه
از پیغامبر علیه السلام روایت کرد هر که بگوید لله الحمد رب العالمین
وله الکبریاء فی السموات والارض و هو العزیز الحکیم
یکبار پس بگوید و بگوید ثواب تمام آن دادم به والدین گویند اللهم اجعل ثوابها
لوالدی ادا حق مادر و پدر را ادا کرده باشد و هیچ باقی نماند حق مادر و پدر
بر وی تمام حقوق ایشان بجای آورده باشد و اگر این دعا سه بار بخواند
و بگوید ثواب این مر جمله مومنین و مومنات را در رسان خدای تعالی در گور ایشان
هر یکی را از مومنان روشنایی و نور و فراخی انس مالک رضی الله عنه گفت که
پیغامبر علیه السلام فرمود چون بخواند مومن آیة الکرسی و بگوید ثواب آن مر اهل
قبور را ادا کرد خدای تعالی در گور هر مومن از مشرق تا مغرب چهل نور
و فراخ کرد گورهای ایشان را و برتر آرد مر میت را درجه و بنویسد خواننده را ثواب
شصت پیغامبر و بکند خدای تعالی از هر حرفی فرشته تسبیح گوید مر او را تا روز
قیامت از روضة القلوب آمده است هر که این آیه در گورستان بخواند
زعم الذین کفروا ان لن یبعثوا قل بلی و ربی لتبعثن
بما عملتم و ذلک علی الله یسیر حق تعالی بیامرزد آن مرده و این
زنده را فصل پنجم در سلامة الایمان در دخول بهشت از فواید الفواد
بر لفظ مبارک راند علامت سلامتی ایمان این است که رونده را وقت رحلت
روی زرد شود و جبین عرق شود از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله
سره العزیز و از تفسیر نیز از روضة القلوب هر که خواهد که زندگان خویش

با جریمت بیروی و مولفش با سلام این آیه بسیار خواند رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا
صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
و چون خواهد که مسلمانش بمیراند و بصلاح النفس برساند این آیه بسیار خواند
فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ و چون خواهد که نور ایمان
در دل او کامل شود این آیه بسیار خواند رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ
لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و چون خواهد که دلش ایمن از ایمان شود
و رحمت حق نصیب او گردد این آیه بخواند رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ
إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ
وقتی رسول صلی الله علیه وسلم نشسته بود و صحابه گرد او حکایت پیغامبران گذشته
بیان میکرد و در میان صحابه از یاران رسول علیه السلام برخاست روی
بر زمین آورد و عرضه داشت کرد که یا رسول الله ما از ایمان چگونه ایمن گردد
که ما با ایمان خواهیم رفت رسول علیه السلام در این اندیشه [illegible]
جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت یا محمد این آیه آورده‌ام بستان پس هر که
در پی ملازمت نماید دل او از ایمان ایمن شود و امید بود که او با ایمان برود
نزول این آیه در آن روز بود که آن اصحاب التماس کرده بود و بعده
به لفظ آمده که رسول علیه السلام فرمود هر که این دعا را در روز یکبار بخواند
و اگر در آن شب بمیرد در بهشت رود و در بهشت دعا اینست اللَّهُمَّ أَنْتَ
رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا
عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي

مبارک

فاغفر لی

فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ و ابن عباس
رضی الله عنه گفت که این دعا از زبان رسول علیه السلام شنیدم در عقب هر نماز
فریضه ترک نداده‌ام و این دعا را ورد خود ساختم الکاه فرمود و بعد از نقل
در خواب دیدند پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد فرمود که بجای حرز بیده
و بهشت روزی کرد از برکت این دعا که رسول علیه السلام فرموده بود این
دعا را سید الاستغفار گویند از اوراد شیخ الشیوخ و از تفسیر منغ وجه
است هر که در روز و یا در شب این کلمات بگوید در بهشت رود و به کاری که بود
باشد کلمات اینست أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
وَأَنَّ عِيسَى عَبْدُ اللَّهِ وَابْنُ أَمَتِهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا
إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ
وَأَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ و رضی از اوراد و از وسیلت القلوب
هر که در خواندن این دعا در صباح و مسا مواظبت کند که در حدیث آمده است
هر که در عقب هر نماز فریضه بگوید این ده کلمه پنج برای دنیا و پنج برای آخرت در
پنج حالت دنیا و در آن پنج حالت آخرت و هر حالی که در ماند رحمت خدا بوی
آید با بیکاه او را از آن برهاند و جزای خود را عطا او کرد اند کلمات اینست
حَسْبِيَ اللَّهُ الْهَادِي لِدِينِي حَسْبِيَ اللَّهُ الْمُعِينُ لِدُنْيَايَ
حَسْبِيَ اللَّهُ الْكَافِي لِمَا أَهَمَّنِي حَسْبِيَ اللَّهُ الْقَوِيُّ
لِمَنْ بَغَى عَلَيَّ حَسْبِيَ اللَّهُ الشَّدِيدُ لِمَنْ كَادَنِي بِسُوءٍ حَسْبِيَ
اللَّهُ الرَّحِيمُ عِنْدَ الْمَوْتِ حَسْبِيَ اللَّهُ الرَّؤُوفُ عِنْدَ الْمَسْأَلَةِ
فِي الْقَبْرِ حَسْبِيَ اللَّهُ الْكَرِيمُ عِنْدَ الْحِسَابِ حَسْبِيَ اللَّهُ

اللطیف عند المیزان حسبی الله العزیز عند الصراط
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب
العرش العظیم چون باعتقاد درست وصدق ایمان این کلمات بگوید
هژده بیم او کفایت شود در وقت ان شاء الله تعالی از معمرات واز تفسیر
در خبرست هر که بگذارد روز جمعه چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار
واخلاص پانزده بار وبعد از سلام صد بار بگوید لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم نگاه دارد خدای تعالی ایمان او وقت نزع از تفسیر
گذشتن از عقبه صراط به است که کسی در دنیا برده آزاد کند چنانکه در خبرست
از پیغامبر علیه السلام که بیامد اعرابی برسول علیه السلام گفت یا رسول الله مرا چیزی بیاموز
که در کردن آن در بهشت روم رسول علیه السلام گفت نسمه را آزاد کنی یا رقبه را
از بندگی برهانی گفت یا رسول الله هر دو یکی است گفت نه عتق نسمه آن باشد که برده
آزاد کنی تنها وفک رقبه اعانت اعرابی شنید از رسول علیه السلام در نماز این آیه خواند
در صفت دوزخ لِکُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ پس اعرابی هفت بنده خود را آزاد
کرد وگفت هر بنده که خواست بی آنکه آزاد کند خدای تعالی مرا وهفت اعضای
مرا از هفت در که دوزخ پس جبرئیل بیامد وخبر کرد پیغامبر را علیه السلام که
بشارت برسان اعرابی را که رستی که خدای تعالی حرام کرد اینده بر تو آتش
وبسته کرد اینده بر تو درهای دوزخ وگشاده کرد اینده بر تو کل درهای بهشت
از کفایة الشعبی در خبرست که رسول علیه السلام فرمود اگر مسلمانی بمیرد وبگذارند نماز
بر وی صد کس از مسلمانان وآمرزش خواهند او را خدای تعالی بیامرزد
او را ودر خبرست از رسول علیه السلام هر که بمیرد وبگذارد نماز بر وی صف
وآمرزش خواهند او را بیامرزد خدای تعالی مر او را ودر خبرست از رسول

علیه السلام چون بنده مومن بمیرد وگواهی دهد از همسایگان او که این متوفی
از اهل خیر بود بکند خدای تعالی او را از اهل بهشت از مطهورات گوشی دارد
در آن ساعت که محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم بر براق نشسته بود وسر
تازیانه بود در بهشت مالید تا در راست بایستید چون خواجه عالم علیه السلام در بهشت
رضوان خواست که آن در پیش کند هر چند جهد کرد در پیش نشد رضوان در رنج ماند
جبرئیل آمد وگفت ای رضوان جهد مکن وخود را رنجه مدار که تو نتوانی در را پیش
کردن دری که محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم گشاده است
رضوان تو نتوانستی پیش کردن تا بقیامت گشاده خواهد بود تا امت محمد
علیه السلام در آیند دری که خداوند تعالی گشاید اَفَمَنْ شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهُ
لِلْاِسْلَامِ ابلیس بیگانه کی تواند آنرا بست وآن تازیانه بر در مالیدن
سنت شد تا هر سواری که بشارستان اندرون رود وبیرون آید تازیانه
بر در مالد وباید که این کلمه بگوید رَبِّ اَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ
وَاَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ هر که این سنت نگاه دارد واین کلمه بگوید
فردا قیامت در آن در بهشت رود که محمد رسول الله صلی الله
علیه وسلم گشاده است نقل از ریاحین احادیث مرویست از
سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرد که پیغامبر علیه السلام ده حدیث در [illegible]
عمل کردن بدان سبب بهشت است کرامت کردن مهمان ونگاه داشتن راز وپوشیدن
خویشان وندان وکار نیک کردن ونیکوئی کردن بجای کسی که بد کرده است
بر تو ودوست داشتن درویشان ونگاه داشتن اندام نمازی وباز جستن
وپرسیدن مر همسایه را وپرسیدن بیمار ونشستن با برادران نیکوکار وآورده اند
که مولانا شیخ الاسلام برهان الدین مرغینانی رحمة الله علیه در خواب دید که

که می آمد و صحابه کرام ابو بکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم در خدمت پیغامبر علیه السلام
هر یک دستار خود را دربسته شیخ الاسلام پیش رفت و سلام گفت و سوال کرد که ای پیغامبر
خدای واقعه چیست که دستار خود را دربسته و صحابه کرام متابعت کرده پیغامبر گفت
علیه السلام واقعه ازین صعبتر چیست که هر روز چندین هزار آدمی از امت من
از دنیا بآخرت می آیند از ایشان کسی ایمان با خود نمی آرد شیخ الاسلام در پای
مهتر عالم افتاد و گفت تدبیر چیست مهتر عالم گفت که تدبیر آنست که تو دعا و تحیت گویم
کافه که با امتان من که این دعا بیاموزند از برکت این دعا خدای تعالی
ایمان بر ایشان نگاه دارد و کاغذ بدست شیخ الاسلام داد و شیخ الاسلام
چون این بدید این دعا بخط سبز نبشته دید دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسألك بعزتك يا عزيز وبقدرتك يا قدير
وبحمدك يا حميد وبحلمك يا حليم وبرحمتك
يا رحيم وبعظمتك يا عظيم وبعفوك يا عفو وبفضلك
يا رحمن وبمنك يا منان ان تحفظ علی الايمان فی
آناء الليل واطراف النهار قائما وقاعدا وراكعا
وساجدا ويقظانا ونائما حيا وميتا علی كل حال
صعد برحمتك يا ارحم الراحمين و سعید بن مراد گفت که ما
رفتیم بعیادت سلمان رضی الله عنه و او مستور بود و گفت از پیغامبر علیه السلام
شنیدم بدرستی که گفت چشم دارید میت را در حالت مردن از سه چیز چون عرق
پیشانی او و آب دیده روان بود و هر دو سوراخ بینی منتشر باشد پس این رحمت
از خدای تعالی که بر وی نازل شده است و اگر به بیند که چون اشتر جوان که حلق
او خفه کرده باشند بانگ کند و یا چون مردم که در حالت خواب بانگ کند و لون

چهره سرخ بود و لبها و دهان از خاکستر لون باشد و کف از گلوی او برابر چون
اشتر بر آید پس این علامت از عذاب باشد از خدای تعالی بر وی نعوذ بالله
منها فصل ششم در دعا که در کفن نویسند پیغامبر گفت علیه السلام
عبد الله را رضی الله عنه یعنی پسر عباس چون کسی بمیرد او را در کفن نهند
و این آیتها و دعا بر کاغذ نویسند و بر سینه او نهند حق سبحانه و تعالی ببرکت این دعا
بر آن مرده رحمت کند و نزدیک او فرشته رحمت آید با سندس و استبرق و
فرشها بهشت و طبقها پر نور رحمت و دری از درهای بهشت بر وی بگشاید
و این مرده را عذاب گور نباشد و اقدّ و الله و الله اگر کافر
باشد چون برکت این دعا بوی می رسد با آنکه حال مومن چگونه باشد دعا این است

ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انك علی كل شیء قدير
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الجنة حق ~~والميزان~~
حق والنار حق والصراط حق والميزان حق والبعث
حق والشفاعة حق والرؤية حق وانت حق وقولك
حق وفعلك حق ولقاؤك حق فی الجنة حق ان الساعة
آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من فی القبور
واقم الصلوة طرفی النهار وزلفا من الليل ان
الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكری للذاكرين
افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه
فويل للقاسية قلوبهم والكاظمين الغيظ والعافين
عن الناس والله يحب المحسنين اقم الصلوة لدلوك

الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر
کان مشهودا فقال حسبی الله لا اله الا هو
علیه توکلت و هو رب العرش العظیم بسم الله الرحمن الرحیم
الم نشرح تا آخر سورة دیگر در خبرست از رسول علیه السلام هر که این
دعا بنویسد و در سینه مرده نهد حق تعالی عذاب گور را دفع کند انشاء الله این فضیلت را
دعا اینست سبحانک انت ربی و انا عبدک رب اغفر لی
و ارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی
خیر خلقه محمد و آله اجمعین دیگر از کفایه شعبی مردی در حالت
مرض پسر خود را وصیت کرد چون من بمیرم و غسل داده شوم باید که در پیشانی و
در سینه من بسم الله الرحمن الرحیم بنویسی پسر او همچنان کرد و بعد از فصلی
پدر را در خواب دید و پرسید که حال چگونه است گفت آن زمان که مرا در گور
نهادند و فرشتگان عذاب در آمدند چون نوشته دیدند در پیشانی و در سینه من
بسم الله الرحمن الرحیم باز گشتند و گفتند که تو ایمن کرده شدی از عذاب
دیگر این دعا در کفن بنویسد در مناجات موسی علیه السلام است تا از اهل
عذاب نکند اللهم انی اسألک باسمک العظیم الذی
هو قاهر الدین و اسألک باسمک الذی ترزق به
العالمین و اسألک باسمک الذی یحیی و یمیت و اسألک
الذی دعاک به جبرئیل و اسرافیل یا بدیع السموات
و الارض یا ذا الجلال و الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین
دیگر وقتی آتش گرفته بود و جمله مصحف سوخته شد مگر این آیة نا سوخته ماند
الی الله تصیر الامور باب بیست و یکم در اسباب غنا و فقر و قضاء

دیون مشتمل

دیون مشتمل بر سه فصل فصل اول در اسباب غنا و ذکر نماز و دعا و طلب
رزق دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و انا اعطیناک
الکوثر سه بار قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس سه بار چون سلام دهد این دعا سه بار بخواند
اللهم یا رازق المقلین و یا راحم المساکین و یا ولی
المؤمنین و یا غیاث المستغیثین اغفر لی و ارزقنی و انت خیر
الرازقین اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله
و ان کان فی الارض فاخرجه و ان کان بعیدا فقربه
و ان کان قریبا فیسره و ان کان یسیرا فکثره
و ان کان کثیرا فبارک لی فیه انک علی کل شیء
قدیر یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
دیگر هر که را مهمی و کاری باشد هر روز بهر وقت که خواهد از اوقات جمعه
و غیر آن دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در رکعت اول فاتحه یکبار و قل یا
ایها الکافرون سه بار و در دوم اخلاص سه بار بعد آن در سجده نهد
و این دعا بخواند یداک مبسوطتان تنفق کیف تشاء ابسط
علینا بفضلک او اسع یا من لیس بغناک غایة ارحم
لمن لیس بفقره نهایة برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر
از کتاب کفایه شعبی در خبرست هر که سنت نماز بامداد در خانه بگذارد و فراخ
کرد خدای تعالی رزق را بر وی دیگر ادعیه که می باید خواند
از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز فرمودند که شنیده‌ام
از زبان شیخ الاسلام قطب الدین بختیار قدس الله سره العزیز هر که آیة الکرسی

بخواند درون خانه رود و حضرت عزة ازان بنده درویشی دفع کند بعد ازان
فرمود بخدمت شیخ الاسلام قدس الله سره العزیز حاضر بودم خدمت ایشان
حکایت درد عا میکردند فرمودند هر کرا اتیکه معاشش بند اشود دبرای کشایش
تنگیها این دعا بخواند یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید فعال لما
یرید الیف چون مردم خواهد برکت و رحمت نازل شود و روزی بروی
فراخ گردد و هیچ کس محتاج نگردد این آیه بخواند رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً
مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً
مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ از منافع قرآن
هرکه آیة الکرسی و دو آیه بعد او تا خالدون بعد هر فریضه نماز بخواند
غنی گرداند خدای تعالی او را از فقر و روزی رساند او را بی حساب
و هرکه آیة الکرسی بنویسد و بنهد در حجره و یا در خانه که سکونت دارد روزی
بروی فراخ گردد و هیچ تنگی نه بیند از خالصة الحقایق رسول علیه السلام فرمود
هرکه هر روز صد بار بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ
حق تعالی او را غنی گرداند و از فقر ایمن بود و عذاب نباشد و در بهشت رود
از مطلب القلوب در حدیث آمده است بروایت امیر المومنین عمار رضی الله عنه
هرکه هر روز صد بار بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ
مر او را امان باشد از درویشی که مفرقه دین باشد و آن درویشی دل را
نعوذ بالله منها چنانکه توانگری دل سود مند است و درویشی دل زیان کار است
و نشان آن حرص است و حرص آتش دوزخ چنان سوزد که کسی نه بیند و هر چند
که جامه دیگر خواهد چنانکه آتش را هر چند که هیزم دهی قبول زد الیف در حدیث
آمده است جردی گفت رسول علیه السلام که هرکه بسیار مصیبت می افتد در تن و مال و اهل

وولد فرمود هر روز با مداد بگوئی بسم الله الرحمن الرحیم بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰى
نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي اللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِيمَا قَدَّرْتَ لِي وَأَرْضِنِي
بِمَا قَضَيْتَ حَتّٰى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ أَخَّرْتَهُ وَلَا تَأْخِيرَ
شَيْءٍ عَجَّلْتَهُ آنگاه گفت از خواندن این حق تعالی آن همه تفرقها و محنتها
و مصیبتها سهل کرد اندوه و وسواس برخاست و کارها در او فراهم کرد و آینده و هر روی
بدوام بر آمده بود و شنا لبید حبیبی رسول علیه السلام از پریشانیها حال رسول علیه السلام
فرمود مر او را که بگویی هر روز این دعا چون بگفت و آنچنان که گذارده شد
دیگر از خالصة الحقایق پیغامبر فرمود علیه السلام هر که هر روز صد بار بگوید
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ او به فقر نشود و هفتاد
نوع مضرة و بلا خدای تعالی از وی دفع کند کمترین آن درویشی و غم باشد
دیگر از کتاب اقدام اسلام هر روز هزار بار بخواند لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خدای تعالی او را غنی گرداند
دیگر پیغامبر علیه السلام فرمود هر که میان سنت و فریضه نماز بامداد هفتاد
بار این آیه بخواند حق تعالی تنگ روزگار از وی برگیرد وَإِنْ تَعُدُّوا
نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللّٰهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ دیگر
ختم سوره ارایت جبل یکبار بخواند ثبت آنکه حق تعالی فرزندان او را از بلا
و از محنت و محتاج شدن نگاه دارد دیگر از تفسیر منع در خبرست هر که
در آمدن خانه سوره اخلاص بخواند خدای تعالی او را و همسایگان
او را غنی گرداند دیگر پیغامبر فرمود علیه السلام هر که سوره واقعه هر شب
بخواند او را فاقه نشود و همیشه دیگر در خبر است در حولیت از رسول
علیه السلام هر که مواظبت کند بر خواندن این چهار سوره واقعه و مزمل

و اللیل و الم نشرح ایمن شود از فقر دیگر منقول است از شیخ الاسلام شیخ
صدر الدین محمد زکریا رحمة الله علیه که بعد از اشراق و بعد از عشا این
چهار سوره بخوانند واقعه و مزمل و اللیل و الم نشرح حق تعالی از عذاب گور
و از فقر و فاقه ایمن گرداند بعده این دعا بخوانند یا مسبب الاسباب و
و یا مفتح الابواب و یا مقلب القلوب و الابصار و یا دلیل
المتحیرین ارشدنی و یا غیاث المستغیثین اغثنی توکلت
علیک یا رب و فوضت امری الیک یا رب و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم دیگر از تفسیر امام زاهدی انس بن مالک
رضی الله عنه روایت کرد از پیغامبر علیه السلام هر که در روز ادینه بگوید اللهم
اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک و وجه
نکند که حق تعالی او را غنی گرداند و جز وانس مالک مردی دیگر گفت که من
آن را تجارت کردم پس یافتم چنانکه فرموده است دیگر مرویست که رسول علیه السلام
نظر کرد سوی مردی از صحابه و گفت که حال تو نیکو نمی بینم آن مرد گفت یا رسول
الله چگونه حال من این چنین نباشد که جمع شده است بر من فقر و زحمت پس رسول
علیه السلام فرمود بیاموزم من ترا چیزی که برود از تو فقر و هم زحمت گفت
بلی یا رسول الله گفت بگوی این دعا را در شبانگاه دعا اینست توکلت
علی الله الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا
و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل
و کبره تکبیرا پس این مرد در خانه رفت و این دعا را
لازم گرفت و مدام میخواند بعد از چند گاه باری تعالی فقر از وی دور کرد
و زحمت از وی دور شد دیگر در نقل است که روزی اعرابی بخدمت رسول

علیه السلام

علیه السلام آمد از دست فقر و فاقه نالید رسول علیه السلام فرمود بعد از
هر فریضه ده بار انا انزلناه بخوان و بروز چهار ناخن باز کن اعرابی همچنان
کرد چندان مال جمع شد که از کار آخرت می ترسیم رسول علیه السلام فرمود
که ناخن بدندان باز کن و پای از زر با بروی پاک کن همچنان کرد و فقیر گشت
دیگر دعای ثعلبه او فقیر بوده است چنانکه از غایت فقر خاک بستر او بوده
این دعا رسول علیه السلام او را بیاموخت غنی شد هر که این دعا هر روز بخواند
و با خود دارد غنی شود و دعا اینست اللهم انی اسألک یا عالم
السرائر و الخفیة و یا من السموات بعظمته مبنیة و یا من
الارض بعزة جلال ملکیته و یا من الانوار من حسن نوره
مضیئة و یا من الریاح بمشیته منذریة و یا من الجبال
بارادته راسیة و یا من نجی یوسف من رق العبودیة
یا کهیعص یا حم عسق یا من اسمه المودة اهیا شراهیا
و یا اسمه فی الارض شامل یا من اسمه فی التوریة طاب
صیما و یا من اسمه فی مصحف ابراهیم و یا من اسمه بلسان
یعقوب الوهیم و ایل شرایاه و یا من اسمه فی القرآن الله
لا اله الا هو الحی القیوم اللهم یا رب العالمین یا فالق
البحر لبنی اسرائیل یا سامع الصوت و یا سابق الفوت
اسألک بحق هذه الاسماء العظام و شرفها و
تفسیرها ان تفتح علی ابواب الرزق و الخیر و البرکة
و السعادة و الکسل مدحیت ما کان و حیث
ما توجه انک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین

الوهیم

دیگر در خبر است هر که بخواند سوره مزمل بر دارد خدای تعالی از وی
تنگی در دنیا و آخرت دیگر از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله
سره العزیز در حدیث است هر که بخواهد عقد و جاه و مال یس سوره اخلاص سه بار
بخواند و سه بار درود فرستد و این آیة وَمَنْ یَتَّقِ اللّٰهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
تا لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا بخواند و بسوی آسمان بدمد غنی گرداند خدای تعالی
او را فقیر نشود و غنی باشد میان مردمان دیگر از فواید الفواد
فرمود که من شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز را در خواب
دیدم مرا گفت باید که هر روز صد بار این دعا بخوانی لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ
شَیْءٍ قَدِیرٌ چون بیدار شدم این دعا را التزام نمودم با خود گفتم که درین
فرمان مقصودی خواهد بود بعد از آن در کتب مشایخ نوشته دیدم که هر که هر روز
این دعا بخواند باید اسباب خوش باشد و خوش زید دانستم که این معنی مقصود
شیخ بوده است دیگر آورده اند که قبیصه گفت یا رسول الله من ضعیف و
نابینا شدم و محنت و خاک فقار گشته و چشم عیال خوار گشته رسول علیه السلام سوگند
یاد کرد و همیشه سنگ و کلوخ بزاری می گریستند آنچه قبیصه میگفت پس رسول علیه السلام
گفت برو بامداد و شبانگاه این دعا را بخوانی تا در روزی بر تو گشاده
چون سالی تمام بخواند قبیصه از همه مردمان توانگر شد پس هر آن بنده که بخواند
توانگر گردد انشاء الله این بسیار است مختصر کرده شد دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
وَأَتُوبُ إِلَیْهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ
مَا شَاءَ اللّٰهُ کَانَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ دیگر

از فواید

از فواید الفواد دولت و سعادت میسر شد یا آنکه بیاید و برای انتظام احوال
حوایج استمداد وی کرد فرمود برای تنگ معیشت هر شب سوره جمعه بخواند بعد از آن
فرمود که شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز هر شب او سوره را
فرمودی که هر شب باید خواند من میگفتم برای خود هرگز نخواندم برای آنکه هر که
که او را باید داد دیگر از خالصة الحقایق محبت فنا در حدیث آمده است
شکر کردن و کلمه تمجید بسیار گفتن و استغفار گفتن بحق آن دیگر خصائل
و افعالی که سبب توانگری باشد پیغامبر علیه السلام فرمود هر که چهار چیز لازم گیرد
او و عیال او هرگز فقیر نشود خاستن از خواب پیش از صبح و وضو کردن پیش
از نماز وقت و در آمدن در مسجد پیش از بانگ نماز زوتر دیگر از منافع قرآن
جعفر صادق رضی الله عنه گفت سوره کهف بنویسد و بکند در شیشه که سر او تنگ باشد
و در خانه بدارد ایمن شود از فقر و از دین و ایمن شود او و اهل او از ایذا
مردمان و هیچ محتاج کسی نباشد دیگر نقل از اربعین مرویست از سلمان فارسی
رضی الله عنه از رسول علیه السلام ده حدیث از سبب توانگری است نیکویی کردن
در حق مادر و پدر و انگشترین عقیق پوشیدن و بسیار گفتن شکر خدای عز و جل
و بریدن ناخن روز پنجشنبه و گرفتن دست نابینا و پوشیدن نعلین مار رنگی
و جاروب دادن مسجدها و گذاردن حج و راستی در تجارت و تعاهد نیکو
کردن در زراعت دیگر در رساله غوثیه در حدیث است هر که انگشترین عقیق
پیوسته با خود دارد غنی گردد دیگر انگشترین زمرد پوشد فقیر نشود دیگر
از منافع قرآن هر که این آیة وَلَقَدْ مَکَّنَّاکُمْ فِی الْأَرْضِ
وَجَعَلْنَا لَکُمْ فِیهَا مَعَایِشَ قَلِیلًا مَا تَشْکُرُونَ
بنویسد روز آدینه چون از نماز جمعه در خانه آید و بدارد در خانه و یا در حجره

و یا جائی که سکونت دارد خیر و برکت و رزق بسیار شود **لطیفه** هر که این آیه
بنویسد در پوست بزغاله سفید تر را ذبح کرده و دباغت داده با آب [illegible]
کشنیج کوفته و زعفران خمیر کنند صبر سقوطری و زعفران بعد خشک بجهد چنانکه تعویذ بهتر بعد از آن
در صوف لعل بچیند و در گردن خروسی که تاجدار و سبز چشم باشد بندد و دو تا کند
خروس را در روز یکشنبه اول ساعت از روز در خانه و یا در جایهای و یا در آنجا که
آن خروس برود و هر جا که دفینه و مالی و گنجی و یا چیزی پنهان در زیر باشد آنجا
بایستد و بپای و با منقار آن مکان را کاوید اگر یکبار و دو بار هر بار
که خروس را رها کند باز همانجا برود و بایستد چون آن موضع را بکاوند مالی
و گنجی و دفینه پیدا شود و ایات **آیت** لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ اِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ
وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرَاهِيمَ وَمُوسٰى وَعِيسٰى اَنْ اَقِيمُوا الدِّينَ
وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ
اِلَيْهِ اللّٰهُ يَجْتَبِي اِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ **دیگر** از خالصة الحقایق ابن عمر
رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمود در خانه که مرد جنب و یا زن جنب در آن
خدای تعالی در آن برکت پیدا نیارد **دیگر** اسباب توانگری **از خالصة الحقایق**
هم احادیث پیغامبرست علیه السلام اهل بیت را با یکدیگر نیکو ساختن و ذکر کردن
و ورد او خدای تعالی بعد از نماز بامداد و در طلب رزق شدن و خواب
ناکردن آخرت را بر دنیا و بامداد و شبانگاه در مسجد شدن اهل بیت
خود را امر کردن بنماز گذاردن مشغول بودن و مداومت در نماز و عبادت
خدای تعالی و تسبیح خواندن و ادعیه توسیع رزق کردن امانت گذاردن

و در طلب رزق صبر کردن و عجلت ناکردن و توکل کردن بخدای تعالی چنانکه حق
توکل است و تقوی کردن پیش ستاینده در رفتن نماز [illegible] خوردن او و روزی
خدای تعالی بجای آوردن مادر و پدر را دعا کردن پیش از هیچ خاستن و
افزودن و صدقه کردن در نشستن مهمان تعظیم قرآن دعا کردن در شب [illegible]
[illegible] ترک کردن تفاخر و زناشو را با عیال رحم پیوستن نیکوئی کردن در حق
مادر و پدر از خوف خدای تعالی در دل کردن سخی و [illegible] کردن تا نبودن
از گناه و از معاصی دور گردن و ترک دروغ گفتن و گواهی دروغ دادن
ترک زنا و ترک کردن فسق فحش نکاح کردن جواب با کلمات گفتن سخن حق گفتن در
متواضع سخن ناگفتن ترک حرص کردن شکر حق گفتن پیش از طعام و بعد از طعام
و دست شستن نماز خفتن بجماعت گذاردن هر که در خانه در آمدن **از تفسیر مغ**
آورده اند که عالمی را آنکه معاش تنگ شده بود [illegible] از حال
خود شکایت کرد و گفت مگر تو سوره و آیتی از قرآن یاد کرده بودی و آنرا
فراموش کردی گفت آری بر وی آشکار شد و گفت باز یاد گیر آن همچنان که ترا
عیش از وی برفت **فصل دوم در اسباب فقر** از خالصة الحقایق
روایت که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که سفره را پاک کند و ام دار شود **لطیفه**
هر که طعام بی بسم الله [illegible] برکت برود **لطیفه** هر که ترک آرد و [illegible] رزق منقطع
کرد و از روی رزق در دنیا **لطیفه** سلیمان پیغامبر علیه السلام گفت در خانه
هر که این سه چیز باشد برکت برخاسته خیانت و زنا و دزدی **لطیفه** امیرالمؤمنین
علی رضی الله عنه گفت مر اصحاب خود را خبر کنم شما را چیزی که از آن فقر باز آرد
تنیدن عنکبوت در خانه گذاشتن و سوگند دروغ خوردن و [illegible] کردن و بیهده کردن
حرص و خواب کردن میان نماز شام و نماز خفتن و [illegible] بسیار شنیدن و [illegible]

حایل که در شب آید و ترک تقدیر در معیشت چنانچه بیان از دعا از کفایة الشعبی

انس مالک رضی الله عنه گفت که رسول علیه السلام فرمود دعا بد مکنید فرزندان

را به درستی که هر که دعا بد کند فرزند خود را فقر میراث یابد از اربعین الحاج

و روی از سلمان فارسی رضی الله عنه که رسول علیه السلام فرمود ده چیز است

که آن سبب فقر است خوردن نزدیک جرده پوشیدن ازار ایستاده و بستن

دستار نشسته و افکندن پیش زنده و برهنه بودن میان تمام بستر ایمن و خوردن

آب اندر گوشه آونده و تعلل کردن در نعلین و کاهلی در نماز و ترک اشتغال از

مردمان و عادت در دروغ و در خبر است در خانه که جرس و دف و طنبور

و نه و دعا اهل آن خانه مستجاب نشود و ملایکه در آن خانه در نیاید و

بر دارد باری تعالی برکت از آن خانه و در خبر است که کسی تنگ روزی

باشد فرزند عاق و زن خاینه و همسایه بد از فواید الفواد در شرف

این حدیث است لا یدخل هذا البیت قوم الا دخل الذل

این حدیث در باب جو نهادن راست است یعنی این جو نهاد در خانه در نهادند

مگر آنکه خواری در آن خانه در آید و این حدیث در محلی فرموده است که وقتی

رسول علیه السلام در خانه یکی در آمد و در آن خانه دو جوب دید که در او

راست میکنند و جفت میرانند چون آن بدید این حدیث فرمودند دیگر

چند چیز است که موجب فقر است زنا کردن و دروغ گفتن نان ریزه بر زمین

افتاده رها کردن دست و روی با بستن و دامن پاک کردن بکرباسی

و دستار خانه رفتن تنیدن عنکبوت در سقف خانه نا رفتن مادر و پدر را

آزردن نماز خوار داشتن استاد را استخفاف کردن بوقت صبح خفتن

و بیگاه خفتن و بیگاه خاستن خانه نارفته در گوشه خانه داشتن

درشب خانه

در شب خانه رفتن جنب بودن زیاده از یک وقت و در جامه خیاطت کردن

خوردن مگر آنکه دست و دهان بشوید آنگاه بخورد و بر آستانه نشستن

کاسه و دیگ طعام را ناشسته نهادن دست ناشسته طعام خوردن فرزندان

و مهمانان را خوار داشتن با وجود بسیار سوال کردن بدرجیب خلال کردن بموی کنند

و دروغ خوردن در آن خانه و صنوبول کردن قرآن بی وضو خواندن بوست

سیر و پیاز سوختن بجای هیزم تعجیل بیرون آمدن از مسجد بعد از نماز بامداد و

دست شستن بخاک و گل و تکیه کردن در بازوی در بامداد و پدر را طعام

خوردن و وضو خفتن جامه در تن پوشیده و خرید نان ریزه در دوزن

و چراغ بدم کشتن بنگاه در بازار رفتن تراشه قلم زیر پای کردن شانه شکسته

در سر کردن بقلم کرده لب شکستن ناخن را بکاه و دندان به بیل خلال

رفتن که بترک بشتن سجده و تلاوت نماز و اشتی فضلت تسلیم در فصادی

از تفسیر حسینی آورده اند که معاذ جبل رضی الله عنه حیدر روزه در مسجد

حاضر نشد رسول علیه السلام تفحص حال او فرمود و معاذ جبل رضی الله عنه عرضه داشت

کرد یا رسول الله قرض بسیار بر من است و از ترس آن بیرون نمی توانم

آمد رسول علیه السلام این آیت و این دعا فرمود عن قریب معاذ جبل غنی شد

وجدو وام ببرداد و در تفسیر است که اگر کوه ام آن مقدار همچو جمله کوه های روی زمین

باشد حضرت آفریدگار از خزانه کرم خود ادا فرماید و دعا این است

قل اللهم یا بغیر حساب اللهم فارج الهم ویا کاشف

الغم ویا مجیب دعوة المضطرین یا رحمن الدنیا والآخرة

ورحیمهما تعطی منهما من تشاء وتمنع من تشاء اللهم ارحمنی

رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک واغننی من الفقر والعیلة

اللهم فارج الهم ویا کاشف الغم

واقض دینی بمنّک یا کریم الاکرمین و مرویست
که پیغامبر علیه السلام فرمود جبرئیل علیه السلام آموخته است دعا بجهت قضاء دین که
هرکرا دین باشد پس وضو نیکو کند و چون استوای آفتاب بگردد و وقت
زوال شود چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه قل هو الله
احد یکبار و آیة الکرسی یکبار و چون سلام دهد قل اللهم تا بغیر حساب
و دعا تا آخر چنانکه بالا نبشته شده است و در سجده بخوانند و این دعا را ده وخته
شود و دور ده اند هرکرا وام در گردن باشد باید که روزه بسته و در شب
بعد از نماز خفتن وقتی که خلق در خواب شوند آنگاه در خلوت شود و سه بار مجلس
خود فشانه کند و سه بار این دعا بخواند و هر بار که ... میکند این دعا را هم
کانبار بخواند و از برکت این دعا وام او وخته شود دعا یا قدیم یا دائم
یا حیّ یا قیوم یا فرد یا وتر یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن
له کفوا احد و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله
اجمعین اللهم یا نور النور یا خالق النور یا نور
السموات و الارض یا ذی الجلال و الاکرام یا
ارحم الراحمین از منافع قرآن جعفر صادق رضی الله عنه گفت
هرکه سوره تحریم بخواند اگر وام او بسیار شود که حد نبود بکرم خدای تعالی
همه وخته شود و مقدار ذره در دل باقی نماند الصف هرکه سوره و العادیات
را مداوم بخواند وام او خدای تعالی وخته کرده اند اگرچه بی حساب باشد از ثنواة
الائ ابد قضاء الدین مرویست که اعرابی بیامد بر رسول علیه السلام گفت مرا بیا
موزی که تا وخته شود وام من که وام من بیشتر از آنست که گمان برده شود
پس پیغامبر گفت علیه السلام گنجهای خدای تعالی بیشتر از آنست که گمان برده شود

اعرابی گفت بیاموز مرا رسول علیه السلام گفت روز آدینه میان نماز پیشین
و نماز دیگر چهار رکعت نماز بگذارد دو دو کان رکعت بخوان در رکعت
اول بعد فاتحه انا انزلناه ده بار و اخلاص یکبار و چون سلام دهد پیش
از آنکه برخیزد این دعا بخواند الحمد لله الذی خلق الخلق و لم یخلقهم
منفعته لا یزید فی ملکه طاعة المطیعین و لا ینقص
من ملکه معصیة المذنبین و الحمد لله حمد السموات و یصعد
و یستطع و یطلع و یعتدل و یخص و یجمع و لا اله الا الله
و الله اکبر عدد علم پس برخیزد و دو رکعت دیگر بگذارد و
در رکعت اول بخواند فاتحه و العادیات ده بار و اخلاص یکبار و قل اعوذ
برب الفلق یکبار و در دوم قل یا ایها الکافرون ده بار و اخلاص
یکبار و قل اعوذ برب الناس یکبار چون سلام دهد پیش از آنکه سخن
گوید ده بار این دعا بخواند سبحان ربّ العزة عما یصفون
و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و لله
ربّ السموات و ربّ الارض و ربّ العالمین و له ا
الکبریاء فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم
پس بگوید یا من ذکره شرف الذاکرین یا من
شکره فوز الشاکرین و یا من طاعته نجاة
للمطیعین و یا من لا فیه ملجاء للعاصین و یا من
لا یخفی علیه ثناء المحتاجین و یا من لا تنقطع عنه حوائج
السائلین و اسألک بمعقد العز من عرشک و منتهی الرحمة
من کتابک و باسمک الاعظم و جدک الاعلی و

ربّ

وکلمات التامات ان تصلی علی محمد و علی آل محمد
وان تقضی دینی یا حی یا قیوم هر اعرابی گفت من این کردم
نشستن [illegible] و درآمد و [illegible] هر کنجی مالی عظیم حرمت
بیاید پیغامبر صلی الله علیه وسلم گفت خدای عز و جل میگوید بگو مر آن اعرابی
را این ورد [illegible] اکبر [illegible]

در دعا ها پیغامبر علیه السلام فرمود یا علی مرد را [illegible] بسیار [illegible]
و سختی غم و خواب [illegible]

باب بیست و دوم در فضیلت [illegible] نقل است
از تفسیر [illegible] **در فضیلت حلوا** از تفسیر [illegible] پیغامبر علیه السلام فرمود چون [illegible]
[illegible] پیغامبر علیه السلام گفت [illegible]
[illegible] که خدای تعالی [illegible]
[illegible] قیامت [illegible] پیغامبر علیه السلام فرمود [illegible] حلوا [illegible]
[illegible] مسلمان [illegible]
[illegible] حساب و [illegible] **در فضیلت [illegible]** [illegible]
ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها گفت که رسول علیه السلام مرا گفت یا عائشه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یا عائشه هر که بخورد [illegible]

در دیده و در شکم و نه در حلق و نه در سر و نه در چشم و نه در گوش
هر که بخورد و در شب [illegible] شب هیچ آفتی [illegible]
و [illegible] و نه در پای و نه در پشت و نه در سینه **در فضیلت خرما** پیغامبر
علیه السلام فرمود بخورید خرما را [illegible] که [illegible] و کفت پیغامبر
علیه السلام [illegible] که خدای تعالی دوست دارد او را هر که دوست دارد خرما
و کفت پیغامبر علیه السلام بهترین طعام سحر مومن خرماست و کفت فرزندان آدم
[illegible] خرما و کفت [illegible] دشمنان [illegible]
[illegible] و کفت پیغامبر علیه السلام طعام [illegible] زنان را [illegible]
[illegible] که طعام [illegible] خرما باشد [illegible] طعام مریم
چون عیسی علیه السلام متولد شد خرما بود اگر چیزی از این طعام بهتر [illegible]
خدای تعالی مریم را آن [illegible] و کفت پیغامبر علیه السلام [illegible]
[illegible] منفعت [illegible] و کفت [illegible]
[illegible] **در فضیلت مویز** پیغامبر فرمود علیه السلام نیکو طعامی
مویز که [illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] را و [illegible]
[illegible] و کفت پیغامبر علیه السلام
هر که دوست دارد [illegible]
[illegible] بخورد **در فضیلت انار** پیغامبر علیه السلام فرمود بخورید انار [illegible]
[illegible]
[illegible] و کفت پیغامبر علیه السلام [illegible] انار [illegible]
[illegible] **در فضیلت [illegible]**

به هدیه آورده بودند بر رسول علیه السلام از طایف و باده سفرجل را گرفت و بوسید
و بر سر و چشم مبارک خود نهاد و گفت ای بار خدای چنانکه این روزی
کردی در دنیا ما را محروم مکن از این در آخرة و گفت پیغامبر علیه السلام
بخورید سفرجل را به درستی که دل را قوی و پاک گرداند و درد دل را ببرد
و دلیری زیادت شود و فرزندان حسن و جمال داده شود و گفت پیغامبر علیه السلام
خورانید به زنان حامله سفرجل به درستی که فرزندان نیکو خلق زاده شوند
فضیلت عناب پیغامبر علیه السلام فرمود چون شب گرم آید یکی از شما بستانی
بخورید عناب را به درستی که دفع کند حرارت تب را و گفت پیغامبر علیه السلام
چون یکی از شما بلغم بود و صفت عناب بخورید به درستی که خون را کم کند و تلخی را
فرو نشاند و بلغم را ببرد **فضیلت انگور** پیغامبر علیه السلام فرمود و قبض کرده است
خدای تعالی روح پیغامبر مرسل را انگاه که او را اشتهای انگور بوده است و گفت
پیغامبر علیه السلام بخورید انگور را دانگان دانگان به درستی که آن گوارنده است
فضیلت خربزه پیغامبر علیه السلام فرمود خربزه چهار صفت دارد و شیرین است
و میانه است و ترش است و دوی است و اما آنچه شیرین است صفرا را می زداید
و آنکه میانه است گوشت برامی رویاند و آنکه ترش است گرما را می کند و روغن شکم
و آنکه دوی است بواسیر را دفع کند و مروی است که رسول علیه السلام بگرفتی خرما
تر را به دست راست و خربزه را بدست چپ پس بخوردی رطب را با خربزه
و این هر دو میوه دوست تر بودندی نزدیک رسول علیه السلام و رسول علیه السلام
فرمود بخورید خربزه را و تعظیم دارید او را به درستی که آب او رحمت است
و حلاوت او از بهشت است **فضیلت شهد** در حدیث است به درستی که خدای تعالی
نهاده است برکت در شهد و شفاست از جمله بیماریها و دردها و هر که دائم

نرمت شهد بیشتر روز بخورد حق تعالی او را از هفتاد و هفت زحمت و علت
در عصمت دارد که ادنی آن فالج و جذام است و عایشه رضی الله عنها روایت
کرد که پیغامبر علیه السلام دوست داشتی حلوا و عسل را **فضیلت شیر**
پیغامبر علیه السلام فرمود چون یکی از شما با دو ابخورد دل شیر دهد و گفت پیغامبر داده
مرا در معراج قدح است و خمر و شیر من اختیار کردم قدح شیر و گفت پیغامبر علیه السلام
هر که شیر بخورد و این دعا بخواند اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه
فضیلت سرکه در حدیث است به درستی که باری تعالی را دو فرشته است
موکل بر کسی که بخورد سرکه را آمرزش خواهند مر او را تا آن زمان که از خوردن
سرکه فارغ شود و گفت پیغامبر علیه السلام فقیر نشود اهل آن خانه که در آن سرکه
باشد و گفت پیغامبر علیه السلام نعم الادام سرکه به درستی که در سرکه برکت است
و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که سرکه بخورد و بمیرد آن آرد خدای تعالی از دل
او غل و غش و حسد و شرک و کبر و عداوت و بغض **فضیلت هریسه** پیغامبر علیه السلام
فرمود جبرئیل صلوات الله علیه فرمود که ای محمد بخور هریسه را تا ما را
قوت شود و قوت زیادت شود و در عبادت پروردگار جل جلاله
فضیلت گوشت پیغامبر علیه السلام فرمود که گوشت بر همه طعامها و خلق
او بد شود بخورید گوشت را که گوشت از گوشت است و شنوایی را زیادت
کند و گفت پیغامبر علیه السلام هر که ترک آرد گوشت را چهل روز بد شود خلق او
پس آورد زمین نباشد و گفت پیغامبر علیه السلام بر شما باد گوشت به درستی که نیکو
کند خلق را و خلق را و گفت پیغامبر علیه السلام که سید الطعام در دنیا و آخرت
گوشت است و هر بار که رسول علیه السلام ضیافت خوردی گوشت دعوت کرده اجابت
کرده است و هر وقتی که گوشت هدیه آوردندی قبول کرده است **فضیلت سیب**

پیغامبر علیه السلام فرمود نیست از بیماری که می افتد در معده شفا مگر دانه
و بیرون می برد درد را صفت بادنجان روزی از مسلم رضی الله عنهما که گفت
بادنجان بریان کرده پیش رسول علیه السلام جا آوردند از آن بخورد و پس ابتدا و برای
زاد و خیر تا شده کرد صفت قدید خباب گفت قدید مر رسول علیه السلام را که گوشت
قدید را میخورد و در طبق نهاده پس با ابتدا و دیگر آید بود درد و گوشت سفال آنرا
بخورد صفت روغن رسول علیه السلام فرمود شیر بقر و غنم شفاست و روغن
انها داروست و دست تری [illegible] رسول علیه السلام شیر بود و دوست
و [illegible] افطار کردن بشیر صفت عدس رسول علیه السلام گفت یا علی [illegible]
استغفار میکنند [illegible] که در خانه او [illegible] باشند و سیاه و دانه دار روی
جمله روایت مکرر رسول علیه السلام فرمود بر شما باد که بخورید عدس را
به درستی که آن مبارکست و دل را تنک کند و آب دیده را زیادت کند و برکت
کرده اند بروی هفتاد پیغامبر الصف در حدیث است طعام عدس مثقال
از بوی بهشت است و دعا کرده اند بر او ابراهیم و محمد علیه السلام صفت خیار
از تفسیر منیر رسول علیه السلام فرمود چون بخورید خیار را پس بخورید میانه اسفل او
و رسول علیه السلام فرمود هر که خیار بخورد و با نمک نکند [illegible] خدای تعالی
او را از جذام صفت [illegible] رسول علیه السلام گفت بخورید [illegible] و [illegible] کنند [illegible]
به درستیکه دروی شفاست از هفتاد زحمت و رسول علیه السلام فرمود بخورید [illegible]
خام را صفت [illegible] در خبر است که مردی [illegible] شد [illegible] بخدمت
پیغامبر علیه السلام شکایت کرد [illegible] رسول علیه السلام امر کرد
او را بخوردن [illegible] گفت رضی الله عنه که رسول علیه السلام فرمود
[illegible] بخورید

به درستی که جان روشن کند بینائی چشم را و پاکیزه کرداند موی را و زیادت
کند [illegible] آورده اند که سفیان ثوری رحمة الله علیه زحمت داشت
[illegible] مبارک بعیادت آمده و گفت الحمد لله رب العالمین
به درستی که [illegible] رحمت از خالصة الحقایق انس مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر
علیه السلام فرمود ده چیز است که از آن فراموشی آرد خوردن پنیر و خوردن [illegible]
موش و خوردن [illegible] کشنیز خشک و حجامت کردن [illegible] و کوفتن میان
دو [illegible] و نظر کردن مصلوب [illegible] شده و بول کردن [illegible] ایستاده
و [illegible] زنده و قراءة [illegible] الصف ابن عباس رضی الله
عنه گفت که پیغامبر علیه السلام هر که [illegible] بخورد [illegible] الصف
ابن مسعود رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود [illegible] بخورید و
[illegible]

باب بیست و سیوم در حکایات بعضی خلفا

رضی الله عنهم و ملوک ماضیه نقل از تفسیر منیر و کفایه [illegible] ابو اللیث
و خالصة الحقایق و کتب دیگر از تفسیر منیر مرویست که سلیمان علیه السلام
[illegible] سلیمان را چون حوضها بود [illegible]
[illegible] گفت [illegible] پیش وی [illegible] چهار صد هزار مرد
بودی که او را خدمت کردندی [illegible] کاسها [illegible]
[illegible] بودی [illegible] تا آتش کردندی
[illegible] در تفسیر آمده است که مطبخ سلیمان
صد فرسنگ بود بیست و پنج فرسنگ برای آدمیان و بیست و پنج فرسنگ برای
[illegible] بیست و پنج فرسنگ برای مرغان و بیست و پنج فرسنگ [illegible]

ودکان چون سلیمان بر تخت نشستی و دویست هزار کرسی زر بر دست راست بجهت
آدمیان و دویست هزار کرسی بر دست چپ بجهت پریان و پس نهنگان میمنه
و میسره بجهت دانشمندان و پس و پیش دیوان میرفتندی و کاری که میتوانستی میکردی و نفقه
عیال او تا نفس خویش خوردی و خود تنها نان جو خوردی و قتی طعام سیر نخوردی
از سبب آنکه فقرا را فراموش نکند و همچنین **یوسف علیه السلام** در سال قحط خلق
را طعام و غله دادی و خود گرسنه بودی تا خلق را فراموش نکند و مواسات
ایشان کرده باشد **و در خبرست** که آدم صلوات الله علیه را چون زراعت
فرموده شد روزی زراعت میکرد و جفت بسیار از صورت وی کاهلی کرد و در زمین
راند پس او را چوب زد آنگاه گفت یا **آدم** در آن وقت که تو عاصی
شدی بر پروردگار زده شدی بچوب که چرا جواب ندهی چون **آدم علیه السلام**
این شنید بیهوش شد و افتاد چون از بیهوشی باز آمد گفت که هم فرزندان منکنید
مر اعصیان **مناقب امیر المومنین ابابکر صدیق رضی الله عنه آورده اند** که چون
ابابکر صدیق خلیفه شد جامه را از خانه و بازار برد تا بفروشد که مر او را
جامه فروشی جامه خود داد گفت تا آن زمان که خلیفه نبوده ام کسب میکردم
بجهت نفقه عیال خود و این زمان که از کسب باز مانده ام این جامه می فروشم
تا نفقه فرزندان دهم پس صحابه جمع شدند و وظیفه بریده از بیت المال
تعیین کردند هر روز یک درم و ثلثان درم آن مقدار از بیت المال بر گرفتی
و در وجه خود و عیال بمصرف رسانیدی چون نقل میکرد چیزی از دو درم وظیفه
باقی در خزانه مانده بود عایشه رضی الله عنها را وصیت کرد که آن را تسلیم
امیر المومنین عمر رضی الله عنه کنند عایشه رضی الله عنها باقی درم را تسلیم امیر المومنین
عمر کرد عمر رضی الله عنه بگریست و گفت رحمت خدای بر ابوبکر باد که سخت گرد

کار بر کسی که بعد از وی است **و در روایت دیگر** یکی از صحابه رضی الله عنهم که شمرده بودم
پیوند تا جامه ابوبکر رضی الله عنه در آنچه خلیفه بود دوازده پیوند بوده است
مناقب امیر المومنین عمر رضی الله عنه آورده که زینبی هدیه فرستاده بود بسوی
زن امیر المومنین عمر رضی الله عنه در خلافت عمر از وی بستد و در بیت المال
جمع کرد و گفت که بر زن همسایه ما چرا فرستاده است بر ما فرستاده است
از آنکه من کارکن مسلمانان هستم و این حق بیت المال است و آورده که عمر رضی الله
عنه در بازار میگذشت شتری را دید فربه پرسید که این شتر از آن کیست
گفتند از آن پسر تو عبد الله پس پسر را گفت از کجا یافتی پسر گفت حاجیان میفروختند
لاغر بود من بها خریده ام عمر گفت رضی الله عنه از کی فربه کردی گفت از بیت المال
عمر گفت ای ناکس بیت المال از برای تو نهاده نشده است از دو کار یکی اختیار
کن یا شتر را در کار مسلمانان استعمال کن تا لاغر شود چنانکه بود یا خواهی بگیر بهای
این شتر بده آنچه خریده و این شتر رد کن در بیت المال و مرویست که عمر رضی الله عنه
با نفس خود محاسبه در هر شب پس اگر راجح دیدی حسنات خود بر سیئات خود بحضرت
عزت تضرع و زاری کردی و استغفار کردی و اگر راجح دیدی سیئات را از حسنات
نفس خود را حد زدی **و آورده اند** که در عهد عمر رضی الله عنه زمین را زلزله
شد پس بیرون آمد با یاران و دره زد زمین را و گفت بفرمان خدای تعالی
زمین ساکن شد **و آورده اند** که عهد امیر المومنین عمر رضی الله عنه در رود نیل
آب کم شد عمر رضی الله عنه را خبر کردند گفت که پیش از این در جاهلیت آیینی بوده
گفتند بوده است پرسید چه میکردند گفتند دختری را می آوردند و برای بیوفتانیدند
در رود نیل می انداختند آب روان شدی پس عمر رضی الله عنه کاغذ طلبید
و در آن نبشت من عبد الله تعالی امیر المومنین الی رود النیل

رَضَا بَعْدُ فَاِنَّكَ لَا تَشْتَغِلُ بِرُسُومِ الجَاهِلِيَّةِ وَلٰكِنْ سِيرِي بِاِذْنِ
الله تعالی یعنی از بنده خدای تعالی امیرالمومنین سوی رود نیل اما بدانکه
ما مشغول نشویم برسم جاهلیت ولیکن تو روان شو بفرمان خدای تعالی فرمود
که بیندازید این رقعه را در رود نیل پس در رود نیل انداختند روان شد
از برکت عمر رضی الله عنه و هنوز روان است تا قیامت روان خواهد بود روایت
کرده اند از عمر رضی الله عنه که روغن زیت آورده بودند از شام برای او و آن
روغن اندر کاسهها بود عمر رضی الله عنه قسمت کرد میان مردمان بقدح و نزدیک
عمر رضی الله عنه پسری بود از آن او خرد برابر او موی بود وی نگریست اندران
روغن او را از آن روغن هیچ نداد که بر چوب کند چون کاسه از روغن فارغ
شد آن کودک دست دراز کرد و در آن کاسه مالید و بر خویشتن اندر مالید عمر
رضی الله عنه بسوی او گفت یا پسر سخت راغبی چنین شدار که الا مسلمانان دست
پسر بگرفت و بیرون آورد نزدیک حجام برد و موی سرش ببرید و [illegible]
و گفت ای پسر برو تا مسلمانان ترا از حساب قیامت [illegible] آورده است که امیرالمومنین عمر
رضی الله عنه گفت معاویه را اگر من در روز بخسپم ضایع کرده باشم رعیت را
و اگر در شب بخسپم ضایع کرده باشم نفس خود را پس چگونه خواب کنم با این دو چیز
آورده اند که امیرالمومنین عمر رضی الله عنه سلمان فارسی را رضی الله عنه امیری
اقطاعی داده بود در شهر و سلمان رضی الله عنه آنجا رفت و بدینجا ماند و هیچ
کاغذ حاصل نمی شد که کیفیت ولایت بعمر نویسد پس جانب عمر نبشت نزدیک که
من محتاجم بکاغذ و در این امیری و مقطعی حاصل نمی شود که کاغذ بیابم عمر جواب
نبشت بدانکه قلم را باریک کن و سخن را مختصر کن تا کاغذ ترا کفایت آورده اند
که بعض از تابعین گفت که من بدیدم پشت مبارک امیرالمومنین عمر رضی الله عنه

از تازیانها

از تازیانها ظاهر بود آمدم و از برادر او عبدالله پرسیدم که امیرالمومنین عمر رضی الله عنه
پشت مبارک خود کشاده بود و من اثر تازیانها دیدم عبدالله گفت سُبْحَانَ اللّٰه
و حلیم است او را تازیانه که تو اثر آن دیدی او را رسم است هر شب او بتازیانه
نفس خود را می زند و میگوید که چنین و چنین کردی آورده اند که چون وفات یافت عمر
رضی الله عنه فلک دیگر گریست آسمانها و زمینها بر وی جهان [illegible] روایت کرد امیر
المومنین عمر خطاب رضی الله عنه چون او را ابولولو زخم در نماز زده بود امیر
[illegible] است امیرالمومنین علی رضی الله عنه و عبدالله عباس بعیادت آمدند عمر
رضی الله عنه بگریست ایشان او را گفتند چرا می گریی گفت گریه من از این است
که خدای تعالی مرا امیر کرده بود بر امت محمد علیه السلام و من میترسم اگر از من
سوال کنند از مظالم ایشان گفتند [illegible] که تو عدل کرده میان
خلق خدای عز و جل پس عبدالله عباس ساکت شد امیرالمومنین علی رضی الله عنه
گفت ساکت شو چه ترسی که من برابر تو گواهی خواهیم داد بر عدل او پیش
خدای عز و جل پس عمر رضی الله عنه پسر را گفت ای پسر چند عبدالله بیار دوات
و قلم و کاغذ و گفت کاغذ را بنویس آنچه گواهی میدهد علی بن ابی طالب و عبدالله
بن عباس رضی الله عنهما بدرستی که عمر بن خطاب عدل کرده است میان خلق خدای
عز و جل که عمر بن خطاب عدل کرده است میان خلق خدای عز و جل و بدرستی که
رسول علیه السلام قبول کرده است گواهی دو کس و وصیت کرد و چون [illegible] این
خط میان کفن من بنهادی تا حجت باشد نزدیک خدای تعالی چون عمر رضی الله
عنه نقل کرد پسر او در خواب دید بعد از یک سال و در دست او آن خط بود
پسر پرسید چه کرد خدای تعالی با تو گفت که خدای تعالی با من حساب کرد پس یافت
تقصیر در کار رعیتان پس حق تعالی فرمود بدرستی که من [illegible]

که نزد کنم گواهی دو کس را از یاران رسول علیه السلام پیش بیار عمر ایشان را پرسید
ای عمر کدام تقصیر آمد گفت شتران بیت المال که بوده اند زانو ضعیف اند شتران بیمار
کهنه و رمیده و دیگر نو شتر با نان از بیت المال می برد و تو مرا از آن پرسیده
که کهنه چرا دور کردی و ضایع کردی و علاج نکردی با آنکه امیر و ضعیف و بیمار و نگاه
یکی میکردی شتر آنرا از نو میدادی تا یک سال زانو مینداخت حاجت نبود بهم بر آن
بکذشتی این مقدار از بیت المال ضایع کردی **حکایت نقل فاطمه رضی الله عنها**
آورده اند که فاطمه رضی الله عنها در مرض امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
وصیت کرد و گفت یا علی با تو چهار وصیت دارم باید که بعد از من آنرا بجای
آری یکی آنکه چون من از این جهان رحلت کنم باید که تو مرا بدست خود بشوئی
و کفن کنی تا دست غیری بمن نرسد **دوم** آنکه جنازه مرا در شب بیرون
بری چنانکه کسی نه بیند و نظر کسی بر جنازه من نیفتد **سیوم** آنکه مرا گور جائی
کنی که گور من کسی نداند و نشناسد **چهارم** وصیت این میکنم که بعد از من بر حسن
و حسین شفقت و رحمت کنی که ایشان بی مادر خواهند شد چون **فاطمه**
رضی الله عنها از دار فنا به دار بقا رحلت کرد بعد آن امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
او را بخواب دید که چگونه گفت نیک نیکو زم اما مرا موقوف داشته اند و مقام
که از آن منت مرا بدان مقام رفتن نمی دهند و موقوف از سبب آن مانده ام
روزی من از آن همسایه سوزنی عاریت ستده بودم تا جامه دوزم آن
آن سوزن بفراموشی باز ندادم و در خانه فلان طاق گذاشته ام آن
سوزن بخصم بده تا من بمقام برسم امیر المؤمنین علی رضی الله عنه همچنان کرد
آن سوزن بخصم او رسانید **مناقب عمر عبد العزیز** آورده اند که آن روز
عمر عبد العزیز خلیفه شد شبانی دید که گرگ با میش بیکجا آب میخورند در تعجب

ماند و گفت مگر عمر عبد العزیز خلیفه شده است تا این زمان [illegible] بودند در تعجب
گفت که گرگ و میش را بیند و بعد آن چه بینند که گرگ میش را نزد و گفت عمر عبد العزیز خلیفه شده
منادی کردند [illegible] در آن روز **آورده اند** که عمر عبد العزیز خلیفه شد
روزی نشسته بود دختر او بجوی آمد گریه کنان گفت که من جامه رفتنی نه دارم
پرسید چرا گفت بچگان مرا افسوس میکنند و میگویند که این پسر خلیفه است جامه نو
ندارد جامه کهنه و پاره پوشیده است خلیفه گفت در دست من و ملک من چیزی
که بدان جامه نو بستانم پس جانب خازن بیت المال نوشت که مرا احتیاج و اندوه پیش
آمده است و پسر را [illegible] از بیت المال [illegible] تا جامه
بستانم [illegible] خازن جواب نوشت
[illegible] که [illegible] یک سال زنده [illegible] اگر [illegible]
[illegible] خلیفه [illegible] مستحق [illegible]
چون این جواب بخلیفه رسید گفت [illegible] گریست [illegible]
و گفت که من این قدر [illegible] ندارم [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] گفت [illegible] از روضه [illegible] آمد [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] **وآورده اند** که [illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible] خلیفه [illegible] گفت [illegible]
[illegible] **وآورده اند** که عمر عبد العزیز [illegible] نشسته بود [illegible]

بیت المال فتیلا کرد چراغ نزدیک بود که کشته شود برخاست و چراغ را روشن کرد
و خفت و غلام او جای خفته بود گفتند چرا او را جواب نفرمودی غلام را گفت
برسیده که رسول علیه السلام فرموده است چون آفتاب غروب کند مولی را حکم
نماند بر بنده و گفت چون من برخاستم خلیفه بوده ام و چون بچراغ افروختم خلیفه بوده ام
و چون بنشستم خلیفه ام **و آورده اند** که عمر عبد العزیز بشب نشسته بود و پیش او شمع
افروخته بودند و در دفاتر بیت المال نظر میکرد و با مهمات شب نظر وی در آمد
حسد پرسید خلیفه شمع فرو نشاند و از پیش دور کرد و چراغ افروختند بعد آن سوال
آن عورت را جواب گفت او را گفتند چرا چنین کردی گفت این شمع از بیت المال
افروخته بودند و من درین کار مهام مسلمانان مشغول بوده ام و مرا او را بود که
شمع از بیت المال افروزم اما سوال این زن بر عامه مسلمانان نبود بلکه مر او را بود
که نفع کیرم بمال عامه مسلمانان **و آورده اند** که هر گاه که پیش عمر عبد العزیز از غنیمت
مشک می آوردند و قیمت میکردند میان مردمان دست بر بینی نهاده تا بوی در
نرود از وی پرسیدند ازین حال گفت که منفعت در مشک منفعت بکر بوی او نیست
مرا اگر اینست می آید که و بدانکه بوی او در بینی من لیس من یا فتم روز قیامت و جمله
مسلمانان خصومت کنند با من و در ان **و آورده اند** فاطمه قوم عبد العزیز خواهر عبد الملک
مروان بود و این زن جاریه جمیله داشت و عمر عبد العزیز را پیش از خلافت
بدان جاریه میل خاطر بود و کرت از زن بلطف و مروت بها طلبید زن نداد و چون
خلیفه شد متفکر بود که مدتی مدید خلیفه را بدین جاریه خاطر بود و این زمان از دنیا
اعراض کرده است بخدای تعالی مشغول شده خاطر این در بایم این جاریه را بخلیفه
ببخشد و خلیفه بدان خوش شد و شب آن جاریه را در خلوت طلبید از وی پرسید
که تو پیش ازین از آن که بوده گفت از آن فلان بوده ام و در کوفه حجاج مصادره کرده

مولی مرا بدان مصادره بحجاج واد پس حجاج فرستاد مرا سوی عبد الملک مروان
و او بخواهر داد فاطمه بمن کرد خلیفه پرسید از ان مولی تو کسی مانده است
گفت چیزی هست پس خلیفه کس در کوفه فرستاد و بر والی نوشت که طلب فلان بن
فلان نزد او او را سوی من بفرست پس والی کوفه آن مرد را بر خلیفه فرستاد پس
خلیفه ازین مرد پرسید که تو یاد داری چه گرفت حجاج از پدر تو گفت چندین و چندین
هزار بناحق ستده است آن مقدار مال او را داد و باز پرسید و جز این دیگر
هم ستده است چیزی گفت نه پس عمر عبد العزیز گفت مر ان جاریه را که بیرون ای ان جاریه
بیرون آمد آن مرد را گفت این جاریه به ملک تست حق اوست و این را کرفته بود آن
مرد گفت من میدانم و لیکن امتحان میکردم نه بمن داد و دین و اگر من دعوی کردم
تو مرا رد کردی خلیفه گفت من بتو رد کردم آن مرد گفت خلیفه را که این جاریه
بتو هبه کردم خلیفه گفت من نمی خواهم آن مرد گفت که من بگفته تو بیع میکنم بهر بهایی که خواهی
خلیفه گفت مرا مطلوب نیست آن مرد گفت من بطوع و رغبت خود میفروشم عمر عبد العزیز
گفت چون این جاریه نگیرم از هوا نفس و شهوه باشد می باید آن جاریه مرا بدان
مرد دارد تا مخالف نفس کرده باشد **و آورده اند** که عمر عبد العزیز شب خفته بود
در خواب بترسید و متغیر شد لون او و بار دیگر هم بترسید و بلرزید و از جامه خواب
بجست چون بیدار شد از وی پرسیدند یا امیر المومنین چه دیدی در خواب که از ان
بترسیدی و لون تو متغیر شده است گفت دیدم در خواب که گویی قیامت قایم
شده است و منادی ندا میکند که ابوبکر را پیش آرید ابوبکر را پیش آوردند و با او
حساب کردند حساب سهل او را سوی بهشت فرستادند بعد آن ندا کردند که عمر را
پیش آوردند حساب کردند با او سخت تر از انکه ابابکر کردند و همچنین یا امیر المومنین
عثمان هم حساب کردند پس ندا کردند که علی را پیش آرند چون علی را پیش او

با او حساب کردند زیاده از حساب که با ابوبکر بود ولیکن در بهشت بردند همچنین خلفای
دیگر را چون نوبت بمن رسید مرا پیش بردند پس خدای تعالی حساب کرد با من و بگرفت
مرا از قلیل و کثیر و ذره ذره اگر نبودی رحمت خدای تعالی هلاک شدمی پس مرا سوی بهشت
روان کردند پس بدیدم در راه مردار [illegible] جیفه شدم گفت اشهد ان لا اله
الا الله محمد رسول الله پرسیدم که تو کیستی گفت منم حجاج گفتم که تو اینجا چه میکنی
گفت امید میدارم رحمت خدای تعالی را **و آورده اند** که عمر عبد العزیز را غلامی
بود [illegible] روزی [illegible] گفت ای غلام [illegible] امیر المؤمنین [illegible] راحت
[illegible] عمر عبد العزیز گفت [illegible] راحت [illegible]
[illegible] لوجه الله تعالی [illegible] **و آورده اند**
[illegible] عمر عبد العزیز [illegible] و اورا [illegible] و گفت
این کار تو کردی گفت [illegible] و سوزش آن [illegible]
کرده شد **عمر عبد العزیز** گفت [illegible] آمده است من [illegible]
[illegible] حکایت [illegible] که [illegible]
[illegible] **مناقب هارون الرشید** آورده اند که در عهد هارون [illegible] و ظلمت
[illegible] هارون الرشید [illegible] بر زمین افتاده
[illegible] گفت **الهی** اگر خشم تو بر خلق از سبب گناهان [illegible] عفو کن
[illegible] اگر خشم تو [illegible] خلق [illegible]
[illegible] خدای تعالی ظلمت برفت روشنائی [illegible] **و آورده اند** [illegible] هارون الرشید
[illegible] ابو یوسف قاضی [illegible]
ابو یوسف قاضی رحمة الله علیه [illegible] خلیفه شکایت کرد که [illegible]
[illegible] خلیفه

بولسیدام

پرسید تو او را چه رسید گفت که ابو یوسف [illegible] خلیفه بر ابو یوسف گفت [illegible]
که چرا گواهی این رد کردی گفت بدرستی که شنیده ام از وی میگفت که من بنده خلیفه
ام اگر وی راستگو باشد صادق است پس گواهی بنده را و اگر کاذب است پس قبول
نکنم گواهی کاذب را بعده خلیفه گفت که گواهی من قبول کنی ابو یوسف گفت که گواهی
تو نیز [illegible] از آنکه تو گردن کشی میکنی بر خدای تعالی پس [illegible]
[illegible] ادب [illegible] و پرسید چگونه ابو یوسف گفت [illegible] که فرض کرده است
خدای تعالی بر مسلمانان پنج نماز را و فرموده است ادا کنند آن را بجماعت و برابر است
در آن ضعیف و قوی و غنی و فقیر و تو بیرون نمی آئی سوی مسجد پس خلیفه فرمود مسجدی
بنا کنند بهلوی قصر من [illegible] و در آن [illegible]
[illegible] نماز بگذارند [illegible] در مسجد حاضر شدی و پنج وقت نماز بجماعت گذاردی
حکایت سلطان محمود غازی رحمة الله علیه آورده اند چون از دنیا برفت
او را بخواب دیدند و گفتند ای سلطان خدای تعالی با تو چه کرد و گفت سلطان
[illegible] و سلطان هم برفت **و آورده اند** که سلطان محمود بعد از وفات
او بخواب دیدند از وی پرسیدند که خدای تعالی با تو چه کرد و گفت شبی من در خانه
بوده ام [illegible] مصحف [illegible] با خود گفتم که مصحف اینجا باشد من چگونه [illegible]
با خود گفتم که مصحف از اینجا بیرون فرستم هم در خاطر گذشت که برای آسایش خود
مصحف را از اینجا چگونه بیرون فرستم القصه آن شب همه نشسته بودم بیدار
چون وقت [illegible] **از ملفوظ خیر المجالس** حکایت
[illegible] در عهد دولت امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه والی از ولایت [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه حاضر آورده اند [illegible]
[illegible] آوردند امیر المؤمنین عمر با او گفت اگر تو [illegible] دارد

من دیگر نکشیدمی و ترا امیر نکردمی و این حال شدی اکنون تعهد با خدا اکن که عامل [illegible]
ولایت باز [illegible] هم گفت تعهد خدای تعالی چگونه اما ولایت [illegible] گفت جزا جمیع
و خلق [illegible] پیران و کسان و خلق بسیار دراین حال انشاالله جمع شود ولایت
لشان گفت ولایت لشانم چرا [illegible] بیخواب از این ولایت بده تا من آن احوال را
کنم امیر المومنین عمر فرمود قبض لشان گفت لشانم گفت [illegible] لشان گفت [illegible]
تا آن را [illegible] کنم و امیر المومنین عمر فرمود که برو [illegible] به خواب افتد ولایت او بود
به بعد کسان امیر المومنین عمر رضی الله عنه رفتند و [illegible] ولایت تفحص کردند یک [illegible] خواب
بود امیر المومنین عمر را گفتند که تمام ولایت گشتیم [illegible] خواب [illegible] امیر المومنین عمر
او را پیش طلبید و گفت که تمام ولایت تفحص کردند هیچ [illegible] خواب [illegible] آن [illegible] گفت
مقصود من همین بود تا امیر المومنین بداند که من این ولایت [illegible]
اگر بعد ازین خواب شود تعهده جواب قیامت تو باشی بعد از آن زمانه ساکت شدند
و فرمودند که بادشاهان پیشین را [illegible] که بوده [illegible] رعیت بوده [illegible] اعلم

حکایت ملکشاه بن الب ارسلان از خیر المجالس

فرمودند که [illegible] بادشاهی
بود [illegible] ملکشاه بن الب ارسلان میگفتند روزی شکار بیرون آمده بود و [illegible] آن
و در دهی نزول کرده بود و در ده زالی بود [illegible] گاوی داشت و [illegible] غلامان
ملکشاه [illegible] گاو زال بگرفتند و ذبح کردند و بخوردند خبر به زال رسید زال گفت [illegible]
بر پل [illegible] که آن پل را [illegible] و گفتندی که [illegible] ملکشاه بر آن پل [illegible]
زال را بردند و بر پل ایستاده کردند [illegible] ملکشاه [illegible] چون نزدیک رسید زال
فریاد کرد و گفت ای پسر الب ارسلان [illegible]
قیامت چون خدای تعالی [illegible] ملکشاه [illegible]
فرود آمد و [illegible] گفت [illegible]

تا وی [illegible] و گشت من [illegible] علامان [illegible] گاو [illegible] ذبح کرده [illegible]
ملکشاه [illegible] فرمود تا تفحص [illegible] بود که آن زال گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] و این [illegible] هم [illegible]
[illegible]
[illegible] خاطر [illegible] باز گشت بعد [illegible] ملکشاه
الب ارسلان [illegible] ملکشاه و الب ارسلان نقل کرد
[illegible] الب ارسلان [illegible]
عدل کرد [illegible] فضل کرد [illegible] هم فضل کن [illegible]
[illegible] ملکشاه [illegible] بهشت [illegible] بهشت [illegible]
این مقام [illegible] گفت [illegible] و هم عدل کرد
و هم فضل خدای تعالی [illegible] هم فضل کرد

حکایت سلطان علاء الدین [illegible] غفر الله از ملفوظ خیر المجالس

[illegible] شیخ قدس الله سره العزیز [illegible]
خدمت شیخ [illegible] شیخ الاسلام شیخ نظام الدین قدس الله سره العزیز یاد کرد و [illegible] فرمودند
چند [illegible] بودند [illegible] سلطان بودند [illegible] و آن وقت [illegible]
[illegible] فرمودند مولانا برهان الدین غریب رحمة الله علیه چه بزرگ بود و بعد از آن
یاری دیگر را ذکر فرمودند مولانا شمس الدین [illegible] امام را یاد کردند و فرمودند
[illegible] آن زمانه چه توان گفت چه صالح بودند که [illegible] آن وقت هم [illegible]
صالح [illegible] فرمودند که در آن وقت [illegible] عام بودی که در موسم [illegible]
چهار شنبه ماه صفر که می آید درین روزها [illegible] جماعات [illegible]
هر طرف [illegible] و رقص بودی و این [illegible] باشند [illegible]

غرباء حاصل و رحمت سلطان علاء الدین [illegible] کرده بود [illegible] بود و [illegible]
[illegible] که [illegible] و آن [illegible] و همه [illegible] شد [illegible]
[illegible] بود [illegible] پس آن [illegible]
[illegible] حکایت [illegible]
[illegible] آن [illegible] و [illegible]
[illegible] از آن [illegible]
[illegible] آمده بود و عزت کرد [illegible]
[illegible] خلق باز گشته [illegible] بودم [illegible] سلطان علاء الدین
[illegible] زمین [illegible] فرو [illegible]
[illegible] رفتم سلطان [illegible] باز گشتم [illegible] آدم [illegible] رفتم
که سلطان [illegible] مجلس سلطان [illegible]
هم کردی [illegible] کرد که پادشاه مسلمانان [illegible] فرمان [illegible]
[illegible] گفت [illegible] و سلطان گفت [illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible] جهان
[illegible] زمین [illegible] خلق
[illegible] هم [illegible]
خلق [illegible] که از من هم خلق [illegible]
[illegible] گفت [illegible] که [illegible] آن هم خلق [illegible]
[illegible] از اطراف [illegible] از اطراف [illegible]
[illegible] العلیم [illegible]
[illegible] که من [illegible] آن [illegible] از اطراف رسید [illegible]

گرفتند چنان [illegible] شدند و هم خلق عالم [illegible] و فتح رسید چه پادشاهی بود
سلطان علاء الدین رحمة الله علیه گفت خلق [illegible] پادشاه [illegible] و [illegible]
[illegible] حاجتها بر می آید [illegible] حکایتی یاد [illegible] عرضه داشت کردم [illegible]
[illegible] سلطان علاء الدین رفته بودم [illegible]
[illegible] آنجا آمدم که خلق [illegible] حاجتی [illegible]
کشیدم و [illegible] شب در خواب دیدم که [illegible] سلطان علاء الدین
[illegible] شدم و گفتم که من [illegible] حاجتی که داری بگو
گفتم من هیچ حاجتی ندارم چه گویم و در دل میگذشت حاجتی که [illegible]
[illegible] بیدار شدم از [illegible] تفسیر [illegible] پیغامبر گفت علیه السلام
امیری که عادل بود [illegible] که هم رعیت
[illegible] خلاصة الحقایق پیغامبر علیه السلام
[illegible] عدل یک ساعت بهتر است از عبادت شصت سال و در تفسیر [illegible] که موسی
صلوات الله علیه گفت [illegible] خدای عز و جل
[illegible]
[illegible]
[illegible] عذاب کنم [illegible] که [illegible] موسی علیه السلام [illegible]
[illegible] وحی کرد خدای تعالی بموسی [illegible] گفت [illegible]
[illegible] پس هر که [illegible] خدای تعالی غرق کرد حکایت
نوشیروان آورده اند که نوشیروان [illegible]
[illegible] گفت که [illegible] نوشیروان گفت
[illegible] قبول کرده [illegible] گفت هم قبول [illegible]

میکرد و بعد مدتی گفت مینه هم زر ال قبول نمیکرد و نوشیروان رضا نمید گفت بهتر از من بی میل یک درمی
خود لستان زر ال قبول نکرد و بعد از ان نوشیروان گفت ای مرد ای چرا تو این زر ال را قبول نمی
کنی گفت مینه هم را خوشی نبود و قبول نمی کنی زر ال گفت چرا من بی کار دیگر آمده و نمیکنم هیچ
این تفکری کنم وی گوید چگونه است ... شده که اهل لشکر او ما را ما درد دل نا حق
میکرد نوشیروان و دین تو رسیده و بجهانی و دیگر ... و تفحص کرد انگشت ازین
گرفته بود و بیاورد و دو کردن زدند **و آورده اند** که نوشیروان در تهیج رنج شد
اطلاع جمع شده گفتند او را در رنج دل بوده زیرا که نوشته است نوشیروان گفت که مسلمانان
من ظلم نکرده ام و در مملکت من بر کسی ظلم نکرده است و نیز وان گفت که انصاف مظلوم مال
از ظالمان لستانم هر انه لستانند **نوشیروان** گفت اکنون علاج من چیست گفتند ترا خاک
باید که اباد ان بوده باشد روز کار عدل تو خوب گذشته تا آن خاک بیارند و از دل
دو کار کنند تا تو انجا خیبه نیکو نوی کرد تمام ملک و بر آمدند هیچ جای خراب نیافتند مگر
لشهری که نام وی بامیان بوده است خانه یافتند سقف آن فرو آمده و خاک آن
بیاوردند گفت چرا باید که در روز کار عدل من خانه باشد خراب رئیس گفت آن از
عدل تو بوده است و انچنان بود که باز رسیده بود و در ان خانه نزول کرد
بعد از ان فوت شد رخت و مال او در ان خانه است که او مرده است کس را زهره
آن نبود که در آن باز کند از بیم تو تا بام آن خانه فرو آمد خراب شد این از
عدل است نه از ظلم **و آورده اند** چون نوشیروان عادل وفات یافت وصیت کرده
بود که تابوت من در مملکت من بگردانند و ندا کنند تا هر کرا حقی بر من باشد طلب کنند
همچنان کردند و هیچ کس پیدا نشد **و آورده اند** که در انگشتری نوشیروان نبشته
بوده است نه امید به عفو دوست نه بیم تنگ من از انکه امیدت به عفو است

باب بیست و چهارم در علامتهای قیامت نقلی از تفسیر و کتب اخبار و غیره

روز کفتار پنجم بعضی از معتمدان گفته اند چون بر وی نوشته شود و از بیست و دو خصلت
و فضیل و رحمت جمیع چیزها بود و از علامت قیامت باشد یا آنکه چون بر وی نوشته شود و عدل امرا
نوع دوم آنکه عمل از علما **سیوم** و خلاص از غاز یان **چهارم** و رع و زهد از اهل
پنجم امانت از بازرگانان **و ششم** رز نیکو کاران **هفتم** سخاوت از اغنیا **و هشتم**
صبر از فقرا **و نهم** عقل از بازرگانان **و دهم** حرمت از نیکو کاران **و یازدهم**
شرم و ناموس از زنان **و دوازدهم** شکر از مزدوران **و از تفسیر** در خبر آمده است
بایستاده است که وقتی باشد مردان و زنان بی کی باشند و مشغول بخوردن
و بر هوا و هوس روند شوند و مسخ شده باشند تا جائی شود که هر یک جنبدی خود افتاد
که در فلان خانه بنج تن مسخ شدند و در فلان خانه ده تن کی شدند و یاران ترسیدند
از پیغامبر علیه السلام پرسیدند یا باشد بیرون آمدن دجال را گفت نیکو زنان و مردان را النحو
خواهند نه مرد و زنان پیدا شود و نه زن از مرد خیانت دیدگر کند و نیکو کنند و پیغامبر علیه السلام
فرمود که در آخر زمان پیشوای قوم بهتر از ان قوم ناکسان و خسیسان و کم اصلان
شوند **و از منیه ربی و از مفتاح الابنجاح** جبرئیل پرسید از پیغامبر علیه السلام خبر کن مرا
از قیامت که آید رسول علیه السلام گفت جواب دهنده از پرسنده عالم تر است پس جبرئیل
گفت که خبر کن مرا از علامتهای آن رسول علیه السلام فرمود که از کنیزک خوند کار فرزند آن
بزاید و برهنه پای بر همگان و تن برهنگان و فقیران و شبانان عمارتها بسیار
و رفیع کنند و بران فخر کنند و حقیر قوم شوند جبرئیل گفت صدقت گفتی و فرو ماندگان
و خسیسان غنی و حقیر قوم شوند **و در مسیح فقه** گفت پیغامبر میرود دست ...
خوش نباشد بعضی مگر ایکه خدمت کنند منافق او پیغامبر علیه السلام فرمود زمانه آید
هر یکی است من شناخته شود عالمی مکر بجامه خوب و شناخته نشود قاری مگر با آواز
خوب و عبادت نکنند خدای تعالی را مگر در ماه رمضان بکمال و خدای تعالی بجا ...

کسی را که رحمت نکند بر خوردکان ایشان و حرمت نکند بزرگان ایشان را و پیغامبر علیه السلام
فرمود زمانه آید بر مردمان جاهل تکلم کنند و عالم ساکت باشند و دروغ گوی را راست
گوی دارند و راست گوی را دروغ گوی پندارند و برادر از برادر رنج [illegible] و پیغامبر
علیه السلام فرمود قایم نشود تا جمع نشوند بر یک مردی زن ده هم بکوشند که با او نکاح کنی
و پیغامبر علیه السلام فرمود پناه جویند و باز داشت خواهید از خدای تعالی بعد از پنجصد
هشتاد و از تفسیر منیر رسول علیه السلام فرمود چون بیاید بعد از من بر امت من صد
و هشتاد سال بدرستی که حلال بود مر ایشان را که زنان نخواهند و خلوت گیرند و عزلت
گزینند بر سر کوهها و پیغامبر علیه السلام فرمود زمانه آید بر امت من دوست دارند
پنج چیز را دوست دارند عمارت کردن قصرها و خانها و فراموش کنند گور را و دوست
دارند گناه را فراموش کنند توبه را دوست دارند دنیا را و فراموش کنند آخرت را و دوست
دارند خلق را فراموش کنند خالق را از تنبیه ابو اللیث چون قیامت نزدیک آید
این خصلتها پدید آید اول چون مردان بمردان بسنده کنند دوم زنان بزنان
بسنده کنند دعوی نسبها کنند که بدان نسبت نباشند سیوم از بزرگان بر خوردکان
رحمت نکنند چهارم خوردکان مر بزرگان را حرمت ندارند پنجم امر معروف را
باز دارند ششم دوست از نهی منکر و دیگر باز دارند هشتم علم از بهر کردن درم
و دینار را آموزند نهم بارانها تابستان بیارد دهم فرزند کمتر زنها را مادر زود
باشد یازدهم بناها قوی بر آرند دوازدهم متابع هوا گردند سیزدهم
دین خود را به دنیا فروشند چهاردهم خون ریختن خوار دارند پانزدهم
رحمها ببرد شانزدهم منارها دراز کنند هفدهم مصحفها و سیم گیرند هیژدهم
مسجدها را نقش و نگار کنند نوزدهم رشوتها آشکارا خورند بیستم رباها خوردن
گیرند بیست یکم سرود گفتن عزیز دارند بیست و دوم زنان بر اسپان نشینند

از خالصة الحقایق

و از خالصة الحقایق ابو هریره رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمود چون امرای شما
بهتران شما باشند و اغنیای شما سخی باشند و کارهای شما بمشورت شما باشد پس پشت زمین
بهتر از شکم زمین و چون امرای شما بتران شما باشند و توانگران شما بخیلان باشند
و کارها بدست زنان شما باشد پس شکم زمین بهتر از پشت زمین و ایضا
ابن عباس رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمود در آخر زمان قومی باشند که ترغیب
کنند مردمان را در کارهای آخرت و خود [illegible] و فرائض و سنت [illegible]
و بر نهند کان [illegible] ایشان و دشمنان [illegible] و ایضا ابن عمر رضی الله
عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود [illegible] که زمانه آید بر امت من [illegible]
[illegible] و ایضا ابو هریره رضی الله عنه
گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود چون قیامت نزدیک آید [illegible]
یک [illegible]
و ایضا ابو هریره رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمود چون قیامت نزدیک
رسد [illegible] و پیغامبر علیه السلام فرمود زمانه آید که [illegible]
[illegible] مبتلا کند خدای تعالی ایشان را بسه
اول [illegible] ایشان [illegible] دوم آنکه [illegible]
سیوم آنکه بیرون از دنیا نروند [illegible] پیغامبر علیه السلام فرمود زمانه
آید بر مردمان که عالمان ایشان همچو گرگ گردند و امیران و فرمادهان همچو [illegible]
[illegible] همچو [illegible] حال مومنان و فاجران میان گرگ و شیر
از تفسیر منیر معاذ جبل روایت کرد رضی الله عنه از پیغامبر علیه السلام فرمود قیامت
[illegible] نیاید [illegible] و دلها [illegible] آیه و علما
آن زمانه [illegible] چون [illegible] اگر [illegible] و [illegible]

جویید که باری دل ارامی کند نیابد و با دری حلال جوید نیابد ایضاً مکحول شامی
روایت کرد از اعرابی پرسید قیامت کی شود پیغامبر علیه السلام فرمود پرسنده و
جواب دهنده درین مسئله یکسان است و لیکن علامتهاست یکی کاسدی بازار
و دیگر باران غالب بسیار و بی برکتی و دیگر ربا خوردن آشکارا شود و دیگر مال
و زن را بهم زخرف کنند و ناپاک بچگان بسیار کردند و دیگر اندر مسجد آواز
از فاسقان بر آید و دیگر اهل باطل بر اهل حق چیره شوند از تفسیر معنی ابن عباس
گفت رضی الله عنه بدرستی که هرچند ابر آسیح جویبار است روان کرده است آنرا در
زمین بر جناح جبرئیل علیه السلام از بهر منافع خلق سیحون در هند و جیحون
در بلخ و فرات و دجله بعراق و نیل بمصر پس چون آخر زمان اندر شود بفرستد
خدای تعالی جبرئیل را تا بردارد پنج چیز را از زمین قرآن و علم و رکن یمانی و مقام
ابراهیم و تابوت موسی و این پنج جوی ایضاً در حدیث است علامتها قیامت
از رحم برخیزد و خویش را رنجیتن بیگانگی کنند و قرابت ایشان خوانند و مال بسیار جمع کردن
گیرند و تجارت بسیار گیرند و گواهی دروغ دهند کریمان اندک شوند و بخیلان
و ناکسان بسیار شوند از تحقیق قدر او از کتاب فرایض ابن مسعود رضی الله
عنه روایت میکند از پیغامبر علیه السلام بدرستی که گفت بیاموزید علم فرایض
را و تعلیم کنید مردمان را علم فرایض را و تعلیم کنید مردمان را علم فرایض بدرستی
که در آخر الزمان اول علم فرایض برگرفته شود از امت من تا حال که مرد و دو
زن ببینی که میراث منازعت کنند کسی را نیابند که مال میان ایشان قسمت کنند
تا منازعت دور کنند از عبد الله ابو الدرداء روایت میکند حبیبی رضی الله عنه از
رسول علیه السلام شنیده ام پیش از آنکه قیامت شود فتنها هول بود که دل مرد
زود و میرد همچنانکه تن مردم بامداد مومن برخیزد و شبانگاه کافر شود و شبانگاه

مانند و گفت

مومن بمیرند و بامداد کافر خیزند و گروهی دین خود را بفروشند باندک چیز از دنیا
از فواید الفواد سخن در کعبه و عمارت و خرابی آن افتاده بود و فرمود کعبه را
دو بار خراب کنند تا رسیدم بر آسمان برند و در آخر زمان باشد که چون
قیامت نزدیک آید حجاج را اجابه و در کعبه بنهند و از قبله که نام آن دو بیت المقدس
زنان بیایند و در پیش آن بتان بازی کنند آنگاه کعبه را به آسمان برند طلوع
آفتاب بمغرب شود و از تفسیر منیر حدیث است روایت کرد ابی او ذر از رسول
علیه السلام گفت بیاید بر شما شبی چون شبها دیگر چون آن شب آید بشناسند آن
شب را اهل شب خیزان که ختم شب خود را چون ان شب خیزان و روز خویش
بازخوانند و زاری کردن گیرند که آفتاب از سوی مغرب بر آید همی آید تا میان
آسمان بایستد و باز گردد و فرو شود هم بمغرب و آنگاه از سوی مشرق بر آید
و آن روز که آفتاب سوی مغرب بر آید هیچ تن کاری کرد و ایمان سود ندارد
چون پیش از آنکه آفتاب از مغرب بر آید مومن بوده باشد و از آن کسی که پیش
بر آمدن آفتاب سوی مغرب ایمان با اخلاص نیاورده باشد و کار نیک
نکرده اگر از آن اخلاص و کاری کند آن از و نپذیرند زیرا که آن روز از
هیچ کافری ایمان پذیرفته نشود و یکبار چون آفتاب را دید که سوی مغرب بر آید
مگر از آن کس که آن روز زنار رسیده باشد یا از پس آن از مادر بزاید چون
برسد و کافر شود اگر از پس آن مومن شود بپذیرند از تفسیر معنی حروف اسلام از
پیغامبر علیه السلام دو وقت دجال است پس دجال پس یاجوج و ماجوج پس
و دابة الارض پس طلوع آفتاب بمغرب و ابن عباس گفت رضی الله عنه چون
فحش فاش و رسوم و فی منی منکر نماید آفتاب و ماه حبس کرده شود بمقدار
یک شب و آن شب خیزان و آنچه آفتاب و ماه از مغرب طلوع کنند و بر دو

[illegible] جانب تا منتهای آسمان پس نیز باز نگردد بعد از آن در توبه بر او بسته شود و در

وی بی بسته و در آسمان جانب مغرب آن گشاده است و آن را باب التوبه گویند چون آفتاب

[illegible] از آن طلوع کند [illegible] و [illegible] بسته شود [illegible] ایمان کافران و اخلاص

منافقان قبول نباشد اما توبه مومنان قبول باشد اگر توبه کنند علامت دخان [illegible]

يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ روزی که از آسمان دود پدید آید [illegible]

[illegible] خلق را [illegible] کند و [illegible] اما مومنان را چنان نماید که [illegible]

علامت یاجوج و ماجوج از تفسیر [illegible] و آن قومی اند [illegible] و [illegible]

[illegible] و [illegible] یک گوش ایشان [illegible] و یک

گوش [illegible] چون بخسپند یک گوش بستر کنند و دیگر گوش لحاف

[illegible] روزی [illegible]

[illegible] ابو سعید خدری گفت رضی الله عنه

از پیغامبر علیه السلام شنیدم [illegible] یاجوج و ماجوج [illegible] بیرون

آیند خلق [illegible] در جهان [illegible] بسیار [illegible]

قوم [illegible] و قوم دیگر

[illegible] اهل زمین [illegible]

حصار [illegible] اهل زمین فارغ شدیم قصد آسمان کنیم [illegible] سوی آسمان

[illegible] آسمان [illegible] خون آلوده باز آید [illegible] اهل آسمان را هم [illegible] خدای تعالی

[illegible] و مومنان [illegible] و حصارها [illegible]

[illegible] خدای تعالی بیرون [illegible]

[illegible] بیرون آیند [illegible] بیرون [illegible]

[illegible] کوشت [illegible] یاجوج و ماجوج [illegible]

همه مرده اند

خوردن

خوردن شوند زینب بنت جحش روایت کرد که پیغامبر علیه السلام روزی بیرون آمد و

در جهان [illegible] گشته [illegible] که آمده وای عرب را که شری نزدیک و شد یاجوج و

ماجوج [illegible] مقدار [illegible] حلقه کرد [illegible] گشاده گشت زینب گفت یا رسول الله

[illegible] میان ما [illegible] هلاک شویم گفت [illegible] زینب چون [illegible] بسیار [illegible] و گفت

[illegible] حیث گفت [illegible] خوردن [illegible] و [illegible]

[illegible] از تفسیر [illegible] یاجوج امتی [illegible] است و ماجوج امتی [illegible] چهار صد هزار [illegible]

ایشان [illegible] از میان ایشان [illegible] و [illegible]

مگر آنکه او را [illegible] و ایشان [illegible] پسران یافث بن نوح اند و ایشان هر روز

سد را [illegible] که شعاع آفتاب [illegible] و بعد از آن باز [illegible]

میگویند فردا تمام کنیم بیرون آییم چون [illegible] خدای تعالی [illegible]

[illegible] وقت آن رسد که ایشان در جهان بیرون آیند میان ایشان یکی

بگوید ان شاء الله تعالی چون روز دیگر شود سد را همچنان که [illegible] باشند [illegible]

آیند [illegible] تمام آب [illegible] تمام [illegible] درخت [illegible] بخورند بعد آن برگ درختان

بخورند [illegible] در زمین است از تر و خشک [illegible] از ایشان [illegible]

[illegible] نشوند مگر در چهار مسجد [illegible] مسجد حرام و مسجد مدینه و در

المقدس و مسجد طور سینا [illegible] ایشان بر روی زمین [illegible] بگویند ما تمام

اهل زمین را کشتیم اهل آسمان مانده اند تیرها بسوی آسمان [illegible] آن تیرها [illegible]

[illegible] تیر خون آلوده باز آید [illegible] بگویند که اهل آسمان را هم کشتیم پس از آن [illegible]

[illegible] خدای تعالی بر ایشان [illegible] فصل و [illegible] از تفسیر [illegible]

أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً [illegible] ایشان دابه را از زمین

و آن دابه [illegible] باشد که [illegible] آید بالا او از زمین تا آسمان باشد عصا و [illegible]

صلوات الله علیه بیت و انگشتری سلیمان علیه السلام بدان عصا روی کافران داغ کند
تا روی ایشان سیاه کرد و آن پس آن مجلس را بنام بخوانند چنانکه ای اورا گوید
یا کافر و این را یا مومن و این دابه سه بار بر آید یکبار از میان صفا و مروه و دو بار
دیگر با خلق سخن گوید که مردمان با مدان با ایمان نداشتند اکنون که بر آمدیم مقام گفت
سری بر آید از آن او کردید بدان بزرگی باشد که از مشرق تا مغرب به بینند و بسی
گرد و دو این زمین بجنبش آید و زلزله تا شکستن ساعت آن شب هم خلق در بیم باشند تا آنگاه
که روز شود بانگی بر خیزد که **دجال** آمد و آن یک چشم باشد یک چشم دعوی خدائی
کند با وی یک کوهی با گیاهها نیکو و نهرها روان شود و گوید که این بهشت است کوهی دیگر
به ابر آورد و گوید که این دوزخ است هر که بمن گرود در بهشت کنم و هر که نگرود
در دوزخ کنم پیغامبر علیه السلام گفت بهشت وی دوزخ است و دوزخ وی بهشت پس از بهر
فتنه خلق را این کوهها روان شود و بهفتاد هزار جهود […] زمین در نوشته
شود تا در جهان […] جهان بگردد و چون بمکه آید فرشتگان بر حرم […] باز گردانند
همچنین چون بیت المقدس آید عیسی علیه السلام از آسمان فرود آید […] یک تیغ
دجال را بکشد پس میان مومنان و کافران حربی بزرگ […] تا بدانجا رسند که در قتال
و سنگها بسخن آیند مومنان را آواز دهد یا مومن فلان کافر است بکشش تا **عیسی** علیه السلام
خبر آرند که حبشیان آمدند خانه کعبه را ویران میکنند **عیسی** رسولی فرستد تا آن رسول باز
آید **عیسی** مرده باشد […] یاجوج و ماجوج بیرون آیند […]
خلق غلبه کنند […] از پس آن آفتاب و ماه از سوی مغرب بر آید

فصل دجال لعین از تفسیر […] رسید […] ابو
امامه باهلی رضی الله عنه که پیغامبر علیه السلام خطبه کرد […] حدیث دجال یاد کرد و گفت
هیچ پیغامبری نبود از پس نوح صلوات الله علیه که نه امت خود را از دجال خبر داد

و […] از شر و فتنه او و من آخرین پیغامبرانم و شما آخرین امتها اگر وی
بیرون آید و من زنده باشم پیش از شما من ایستاده باشم و اگر من رفته باشم هر کس از
شما باید که خویشتن را نگاه دارد از شر و فتنه او و خدای عز و جل خلیفه منست بر همه
مسلمانان بدانند او بیرون آید میان عراق و شام و نخست دعوی پیغامبری کند بدانند
که از پس من پیغامبری دیگر نخواهد بود و بعد آن دعوی خدائی کند بدانند که هیچکس در دنیا
خدای عز و جل را نتواند دید و او یک چشم کور باشد میان پیشانی نبشته شود که این
کافر است بخدای تعالی […] همه مومنان را که […] خوانند اگر خواننده
و نویسنده باشند از فتنهاء او یکی آن باشد که مردی را گوید خواهی که مادر و پدر
تو زنده گردانم بمن گروی گوید بلی در آن وقت دیوی را […] مادر و پدر […]
و آن هر دو گویند ای پسر […] که خدای است […] گوید که […] زنده گردانم
همچنان […] بهشت و دوزخ […] پیغامبر علیه السلام
گفت هر که بدان مبتلا شود **اول سوره کهف** بخواند خدای عز و جل بروی آن
آتش سرد کند همچنانکه بر ابراهیم علیه السلام و آفتاب بگیرد […] کند و
بر کند مرغان هوا را […] هر کرا خدای عز و جل نگاه دارد […]
[…] بالله **منها** و همه زمین را […]
مگر مکه و مدینه که فرشتگان بیرون کنند چون به مدینه نزدیک رسد […]
[…] مدینه […] منافقان بیرون آیند
و مدینه را پاکیزه کرده اند از منافقان و از فتنه دیگر […] که مومنی را بگیرد و گوید
[…] مومن گوید […] خدای من […]
[…] زنده […] گوید الله و تو دشمن الله
[…] خدای تعالی […] دیگر […] مومن […]

کند اگر آن قوم به وی بگروند همه ستوران ایشان سقط شوند و هر که بگرود و از این
باران آید و در ساعت نبات روید تا ستوران ایشان خورند و فربه شوند و این همه فتنه
خلق را باشد و حق تعالی ابر و زمین را فرمان بردار او کرده باشد و بیت المقدس
آید سه بار بانگ کند چنانکه از مشرق تا مغرب بشنوند و ایشان را او را حصار کنند
ناگهان عیسی پیغامبر علیه السلام فرود آید وقت نماز بامداد اما چون او را ببیند
خواهد که باز پس آید عیسی علیه السلام دست بر پشت وی نهد گوید تو امامی کن چون
نماز گذارند عیسی فرمان دهد تا در شارستان باز کنند عیسی علیه السلام بیرون آید
ببیند دجال را با هفتاد هزار جهود شمشیر زن دجال چون ببیند مر عیسی را علیه السلام
و دجال بگدازد و بر خویشتن در زمین پس بگریزد و از پیش وی عیسی علیه السلام در یابد او را
بر دری از درهای بیت المقدس که آن را باب اللد خوانند بزند و بکشد جهودان بگریزند پس
جهودان بگریزند پس درختان و دیوارها نهان شوند خدای تعالی درخت و سنگ
و چوب ستوران همه به سخن آرد که یا مسلمانان این فلان جهود است بکشید یک گیاهی که
که بجای پس بر عد خوانند بماند عیسی علیه السلام میان قوم عدل گسترد و خوک را بکشند و صلیبها
را بشکنند و کینها و عداوتها از دل مؤمنان بیرون رود و زهر از ماران و کژدمان
بیرون رود چنانکه بچگان بگیرند و بر شیران برنشینند زیان نرسانند گرگ با گوسفندان
ارامیده و جهان بر عدل همه یک گفتار و توحید موافق شوند و جهان کناهان جهان
بر آید که وقت آدم علیه السلام و برکت پدید آید یک خوشه انگور را بسیار مردم بخورند
سیر شوند بهار [illegible] آید حرب نباشد همه خلق بکسب و زراعت
مشغول باشند و این چهل سال بعد دجال باشد و سال نخستین چند نیم سال باشد
و سال دیگر چند یک ماه و سال دیگر یک آدینه و سال دیگر چون یک روز و از پس همه
همچنین باشد مردی از در خانه بیرون آید بشود به شارستان نرسیده باشد که شب

گرسنه آید گفته

گرسنه آید گفتند یا رسول الله اندران روز چگونه نماز کنند گفت مومنان بر قیاس
آن وقت تکبیر زنند و نماز میکنند اندر پیش از آنکه دجال بیرون آید سه سال قحط باشد
چنانکه هیچ نبات نماند گفتند مومنان چه خورند گفت ایشان تسبیح و تهلیل و تکبیر زنند و از
[illegible] گفت عیسی علیه السلام فرود آید به بیت المقدس و دجال با هفتاد هزار جهود
تا بیت المقدس رسند [illegible] و [illegible] چون [illegible]
[illegible] و [illegible] باشد [illegible] آید و
درختان و چوبها و [illegible] و [illegible] او باشند و همه قرآن خوان باشند ابن
عباس را گفتند که این کیان باشند گفت کسانی که [illegible] و [illegible] خدای تعالی
و فضل بر تن [illegible] ان القدر [illegible] الا [illegible] و هم [illegible] دجال قصه
صور [illegible] اند [illegible] که [illegible] ماندند و در خانه
آرامیده خدای تعالی اسرافیل را فرمان دهد که در صور بدمد و آن نفخه فزع گویند
و میان [illegible] و چند سال که هیچ [illegible] و انقطاع نبات چون خلق اول نشود
متحیر شوند و بر شوند و مردمان او بجا با [illegible] و [illegible] و [illegible]
بانگ بادی شود و عظیم تر چنانکه در دهها و شهرها [illegible] در آیند اشتران
و وحشیان و دوکان و میان مردمان در [illegible] چون زیاده شود و کوهها از
هول آن از روی زمین بجنبند چون زیاده شود و زمین بجنبد آید چون بانگ زیاده
شود ستارگان فرو ریزند چون زیاده شود و آفتاب و ماه سیاه گردد چون زیاده شود
ستارگان فرو ریزند چون زیاده شود دریاها در هم شوند جز برها از میان برخیزند
و این همه علامات شود و خلقان می بینند این شش علامت در دنیا باشند و شش
در قیامت باشد [illegible] و نماز [illegible] و [illegible] که [illegible] و او را
[illegible] و [illegible] بزرگوار [illegible] برخی

و ربک الله و سه بار بگوید الله اکبر لا اله الا الله و الله
اکبر و لله الحمد الحمد لله الذی خلقنی و خلقک و صورنی
و صورک و قدرک منازل و جعلک آیة للمؤمنین العالمین
اللهم اهلّه علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام
و التقوی و المغفرة و التوفیق لما تحب و ترضی و الحفظ مما
تسخط اللهم اجعل لنا شهر برکة و اجر و نور و روح
و معافاة اللهم قاسم الخیر بین عبادک اقسم لنا فیه
من خیر تقسم لعبادک الصالحین دعای هر ماه که نو شود این دعا بخواند
اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اجعل لنا هذا الشهر
اوله صلاحا و وسطه نجاحا و آخره فلاحا برحمتک یا ارحم الراحمین
اللهم اجعل لنا هذا الشهر کله سلاما و سلامة و امنا
و ایمانا و عصمة و عافیة و عفة و صحة و صلاحا و نجاحا
و فلاحا برحمتک یا ارحم الراحمین هر که ماه نو بیند اول شب سه بار فاتحه بخواند
در آن ماه در امان خدای تعالی ماه محرم مشتمل بر پنج فصل فصل اول
در نماز و دعای شب اول و نماز و دعای آخر سال و سر سال و روزه عشر فصل دوم
در نماز و دعای شب عاشورا فصل سیوم در نماز و دعا و ثواب روز عاشورا
فصل چهارم در فضیلت روزه ماههای حرام فصل پنجم در فضیلت روز
عاشورا فصل اول در نماز و دعای شب اول و روز اول و نماز و دعاء
آخر سال و سر سال و روزه عشر اول شب ماه محرم شش رکعت نماز بگذارد
به سه سلام در هر رکعت بعد از فاتحه اخلاص پانزده بار بخواند و انتها دو رکعت
سه بار بگوید سبحان الله الملک القدوس سبوح قدوس رب

الملائکة

الملائکة و الروح نماز و روزه و دعای آخر سال [illegible] عبد الله
عباس رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که روزه دارد آخر روزه
از ماه ذی الحجه و اول روز از ماه محرم به درستی که ختم کرده است سال گذشته را
به روزه و آغاز کرده است سال آینده به روزه و بکند خدای تعالی مر او را
کفارت گناه پنجاه ساله از پیغامبر علیه السلام مرویست در آخر روز از ماه ذی الحجه
دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه ده آیت و بعد از سلام این دعا
ده بار بخواند حق تعالی گناه آن سال از او عفو کند دعا اینست اللهم
ما عملت من عمل فی هذه السنة مما نهیتنی عنه فلم ترضه
و نسیته و لم تنسه و حلمت عنی بعد قدرتک علی عقوبتی و دعوتنی الی التوبة
بعد جرأتی علیک اللهم انی فاستغفرک منها یا غفور فاغفر لی
و ما عملت من عمل ترضیه و وعدتنی علیه الثواب فتقبله
منی و لا تقطع رجائی یا عظیم الرجاء نماز و دعای اول سال
پیغامبر علیه السلام فرمود هر که اول روز از ماه محرم دو رکعت نماز جماعت بگذارد
در هر چه از قرآن بخواند و بعد از سلام هفت بار این دعا بخواند و فرشته
او را تا سال دیگر نگاه دارد و دعا اینست اللهم انت الله الابدی
القدیم و هذه سنة جدیدة اسالک فیها العصمة
من الشیطان الرجیم و الامان من السلطان و من کل ذی
شر و من البلایا و الآفات و اسالک العون و العدل علی
هذه النفس الامارة بالسوء و الاشتغال بما یقربنی
الیک یا بر یا رؤوف یا رحیم یا ذا الجلال و الاکرام
و مرویست از ابن عباس رضی الله عنه که پیغامبر علیه السلام اول روز از ماه

محرم این دعا بخواندی و فرموده که اول روز از محرم این دعا بخواند بفرستد
برای او هزار نیکو برد و بردارند برای او هزار درجه در بهشت و بنویسد خدای تعالی
چهار هزار فرشته تا از برای او استغفار کنند و آموزش خواهند تا سال
دیگر و دعا اینست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ ذَلَّ کُلُّ شَیْءٍ لِعِزَّتِهٖ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِیْ خَضَعَ کُلُّ شَیْءٍ لِمُلْکِهٖ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اسْتَسْلَمَ کُلُّ شَیْءٍ
لِقُدْرَتِهٖ اَسْأَلُکَ بِعَظَمَتِهٖ وَعِزَّتِهٖ وَمَمْلَکَتِهٖ وَقُدْرَتِهٖ فِیْ هٰذِهِ السَّنَةِ
الْجَدِیْدَةِ الْاَمْنَ وَالْاَمَانَ وَالْعَافِیَةَ وَالْغُفْرَانَ وَالْعِصْمَةَ
مِنَ الشَّیْطَانِ دیگر دعای هر سال هر که این دعا را ده بار بخواند و بر آب
دمد و آن آب بخورد ایزد تعالی نفس او را از همه بلاها و آفتها و علتها محفوظ دارد
دعا اینست سُبْحَانَ اللّٰهِ مِلْءَ الْمِیْزَانِ وَمُنْتَهَی الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا
وَزِنَةَ الْعَرْشِ اللّٰهُ اَکْبَرُ مِلْءَ الْمِیْزَانِ وَمُنْتَهَی الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ
الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ اللّٰهُ اَکْبَرُ مِلْءَ الْمِیْزَانِ وَمُنْتَهَی الْعِلْمِ
وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ
دعا روز دهم از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز هر که
هر روز یا هر شب از ماه محرم صد بار بگوید این کلمه را از دوزخ خدای تعالی
او را از آتش دوزخ نگه دارد کلمه اینست لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ
لَهٗ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوْتُ ذُوالْجَلَالِ
وَالْاِکْرَامِ بِیَدِهِ الْمُلْکُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ اَللّٰهُمَّ
لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَیْتَ وَلَا مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا رَادَّ لِمَا قَضَیْتَ
وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْکَ الْجَدُّ در روزه عاشورا و آنچه مستحب است روزه محرم
و پیغامبر علیه السلام فرموده است فاضلترین صیام بعد ماه رمضان صوم محرم است فاضلترین

نماز بعد نماز فریضه نماز شب است فصل دوم در نماز و دعا در شب عاشورا
پیغامبر علیه السلام گفت هر که زنده دارد شب عاشورا را چنان است که او عبادت کرده
باشد مثل عبادت اهل هفت آسمان آن نماز او را در شب عاشورا صد رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص سه بار و بعد از فراغ هفتاد بار بگوید سبحان
الله والحمد لله تا آخر و دیگر اینست هر که بگذارد دو رکعت نماز بخواند در
هر رکعت بعد از فاتحه اخلاص سه بار و بعد فراغ بگوید سبحان الله والحمد لله تا آخر هفتاد
بار و در دو فرستد ثواب بسیار است و دیگر اینست چهار رکعت نماز بگذارد در آخر شب
نزدیک سحر بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه آیة الکرسی سه بار و اخلاص یازده
بار چون سلام دهد سوره اخلاص صد بار بخواند ثواب بی حد است و دیگر اینست
هر که بگذارد دو رکعت نماز در شب عاشورا بکند خدای تعالی مر او را نصیبی
در ثواب جمیع آنکه عبادت کرده اند خدای تعالی را در روز عاشورا
و دیگر اینست هر که بگذارد در شب عاشورا چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعت
بعد فاتحه اخلاص پنجاه بار بیامرزد خدای تعالی پنجاه ساله گناهان که گذشته او را
و پنجاه ساله گناه آینده او و بنا کنند از برای او را هزار کوشک از نور
و دیگر اینست چهار رکعت نماز بگذارد در شب عاشورا بخواند در هر رکعت بعد
فاتحه آیة الکرسی ده بار و اخلاص ده بار و معوذتین ده بار بعد سلام ده بار
اخلاص بخواند ثواب بسیار است فصل سیوم در نماز و دعا روز عاشورا
در فضایل الاخبار پیغامبر صلی الله علیه السلام گفت روزه دارد روز عاشورا
داده شود مر او را ثواب هزار حج و عمره و ثواب ده هزار شهید و هر که
افطار کناند مومنی را شب عاشورا چنان است که افطار کرده باشد نزدیک جمیع امت
محمد علیه السلام و سیراب کرده باشد شکمها ایشان را از ... هر که روزه دارد

روز عاشورا فرد داشتن مکروه است مشابهت بیهود میشود و در مبسوط و زهم
آورده است ... روز متصل بدارد و نهم و دهم یازدهم از برای مخالفت اهل
کتاب چون آفتاب بلند شود دو رکعت نماز بگذارد بخواند در رکعت اول بعد فاتحه
آیة الکرسی و در دوم آمن الرسول تا آخر سوره بخواند بعد از سلام صلوات گوید و این دعا بخواند یا
یَا اَوَّلَ الْاَوَّلِیْنَ وَ یَا آخِرَ الْآخِرِیْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَ فِیْ
هٰذَا الْیَوْمِ وَ تَخْلُقُ آخِرَ مَا تَخْلُقُ فِیْ هٰذَا الْیَوْمِ اَعْطِنِیْ فِیْهِ خَیْرَ مَا
اَعْطَیْتَ فِیْهِ اَنْبِیَاءَکَ مِنْ ثَوَابِ الْبَلَایَا وَ اَسْهِمْ مَا اَعْطَیْتَهُمْ
فِیْهِ مِنَ الْکَرَامَةِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت دیگر شش رکعت
نماز بگذارد بخواند در رکعت اول والشمس و در دوم انا انزلناه و در سیوم
اذا زلزلت الارض و در چهارم اخلاص و در پنجم الفلق و در ششم الناس
بعد فراغ بسجده رود و هفت بار قل یا ایها الکافرون بخواند و حاجت خواهد
روا شود صلوة الضحی هر که روز عاشورا چهار رکعت نماز بگذارد و نیت
خشنودی خصمان بخواند در رکعت اول قل یا ایها الکافرون سه بار و
اخلاص یازده بار و در سیوم الهکم التکاثر یکبار و اخلاص یازده بار و در چهارم
آیة الکرسی سه بار و اخلاص بیست و پنج بار خدای حق تعالی و علاوه از احوال گور
برهاند و خصمان او را خشنود کرداند بعد از نماز این دعا بخواند اللهم اکفنی
مَشْهُوَتِیْ عَنْ کُلِّ مَحَارِمٍ وَ اَرْدُدْ حِرْصِیْ عَنْ کُلِّ مَاْثَمٍ وَ امْنَعْنِیْ
عَنْ اَذٰی کُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ و این نماز بگذارد
روز عاشورا و یا روز ترویه هشتم ذی الحجه و یا روز عرفه و یا روز عید اضحی
و یا در پانزدهم شعبان و یا آخر آدینه ماه رمضان و در روایت چهار رکعت
نماز بگذارد در روز عاشورا بخواند و در هر رکعت بعد فاتحه آیة الکرسی یکبار

و اخلاص ده بار

اللهم اکفنی

و اخلاص ده بار آنگاه حاجت خود بخواهد البته روا گردد و در روایت است هر که بگزارد
روز عاشورا او دو رکعت نماز قیام و رکوع و سجود تمام بجا آرد با خضوع و خشوع و حضور
دل بگذارد و بس بگوید خدای عز و جل ای فرشتگان من گواه باشید از برای این بنده
هزار هزار درجه و بگشایید از برای او هزار هزار در و جمع او را از الجلال که بسته نشود
آن در ها بر وی همیشه از افعال عاشورا چهل و پنج است که مولانا ... الدین
والشی جمع کرده است همه از روایت از پیغامبر علیه السلام و اسناد حذف کرده است
ترک داشتن روزه روزه داشتن با خاموشی از گفتن لغو و فحش فراخ کردن
نفقه بر عیال خویش و بر برادران خویش رحم پیوستن صدقه دادن زیارت
مسلمانان رفتن سلام گفتن بر ده کس را مصافحه کردن اکرام کردن برادر
مسلمانان را خشنودی فعل و کلاب لقمه حلوا بدهان دادن سخن نیکی که بدیه باشد
گفتن گرسنه را سیر کردن و تشنه را آب دادن موی برادر و صدق و عمود
فرمودن بیمار پرسیدن لباس روی جنازه کردن بچه را جامه پوشانیدن
راه نمودن گمراه را آیتی از قرآن خواندن تسبیح گفتن بمعنا و تسبیح القدر
الوکیل ... غسل کردن
عالم که عامل باشد رفتن گریستن از خوف خدای تعالی چنانکه آب از دیده فرود
آید خشنود کردن خصمان اصلاح کردن میان دو مسلمان ...
در این روز تیغ ... فراموش ...
... کردن عمل خیر کردن حاضر شدن در مجلس ذکر خاموش بودن از گفتن
دعا این روز خواندن نماز این روز گذاردن دعا ... دعا
اللهم اِجْعَلْنِیْ مِمَّنْ دَعَاکَ فَاَجَبْتَهُ وَ اَحَبَّکَ فَقَبِلْتَهُ
وَ رَغِبَ اِلَیْکَ فَاَعْطَیْتَهُ وَ تَوَکَّلَ عَلَیْکَ فَکَفَیْتَهُ وَ اقْتَرَبَ مِنْکَ

فاذقنيه اللهم اسعد بعيشتي منه واجعلني في قلوب المؤمنين
ودا اللهم إني أسألك الإيمان منك وأسألك الفضل
من الرزق وأسألك العافية من البلاء وأسألك حسن العاقبة
في الدنيا والآخرة يا ذا الجلال والإكرام ايضا هر كه روز عاشورا
هفتاد بار حسبي الله نعم الوكيل بگويد حق تعالى او را بيامرزد و ايضا پيغامبر
عليه السلام گفت هر كه روز عاشورا بگويد لا إله إلا الله العلي العظيم
لا إله إلا الله رب السموات والأرض وما بينهما وما تحت الثرى
خداى تعالى بدان بنده نظر رحمت كند ايضا روز عاشورا بخواند اللهم
ارزقني كمال الحسنى وسعادة العقبى وخير الآخرة والأولى
پيغامبر گفت عليه السلام هر كه اين دعا روز عاشورا بخواند در آن سال نميرد و اگر
تقدير موت او را باشد ايضا سبحان الله ملء الميزان ومنتهى
العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش لا ملجأ ولا منجا من الله
إلا إليه سبحان الله عدد الشفع والوتر وعدد كلماته
التامات وأسألك السلامة برحمتك يا ارحم الراحمين ولا حول ولا قوة إلا
بالله العلي العظيم حسبي الله نعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير
وصلى الله على خير خلقه محمد وآله أجمعين دعا روز عاشورا اللهم يا فارج
كرب ذي النون يوم عاشوراء يا جامع شمل يعقوب يوم
عاشوراء ويا سامع دعوة موسى وهارون يوم عاشوراء
ويا كاشف ضر أيوب يوم عاشوراء يا غافر ذنب داود
يوم عاشوراء اغفر ذنوبي واكشف غمي وهمي يا حي يا قيوم
يا ذا الجلال والإكرام اكفنا ما أهمنا من أمور

الدنيا

الدنيا والآخرة والدين يا أرحم الراحمين يا مالك
يوم الدين إياك نعبد وإياك نستعين سبحان الله
ملء الميزان ومنتهى العلم وزنة العرش ومبلغ الرضا
والله أكبر ملء الميزان ومنتهى العلم وزنة العرش
ومبلغ الرضا ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم
ملء الميزان ومنتهى العلم وزنة العرش ومبلغ الرضا اللهم
يا شديد القوى ويا شديد المحال يا عزيز ذللت بعزتك
جميع خلقك فاكفني شر جميع خلقك يا كريم يا منعم
يا لا إله إلا أنت يا أرحم الراحمين ايضا هر كه اين دعا روز
عاشورا بخواند حق تعالى نورى بوى دهد جمله جهات از پيش سينه او بردارد و از
[illegible] نگاه دارد و در آن سال خداى تعالى ببخشد تا سال ديگر عمر او را ثواب
هزار شهيد او را بدهد عزت عهدى بخشد كه فردا قيامت حساب با وى آسان
كند و عاشورا ايضا اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر كل
شيطان مارد وعدو وحاسد وأمر فاجر وسلطان جائر اللهم
إني أعوذ بك من مقاساة البؤس ومعاداة النفوس وحدة
الفقر وشدة الألم وموت الأحباب وفقد الصحاب ونكد النوائب
وسوء العواقب وصروف الزمن وصنوف المحن وكفى بك كافيا
لمن استكفاك وداعيا لمن استوفاك ومجيرا لمن التجأ إليك
وضمينا لمن يتوكل عليك اللهم اهدني في الدنيا ورغبتي في
الحسنى وأوقع على الصبر وحببني إلى الأجر واجتنبني طاعة
الهوى وبلغني غاية المنى واجعلني ممن يرضى بقضائك [illegible]

بلقائك وتلقی رضاك وتشغلني بك عمن سواك ولا تاصل
غيرك من رزقه فقد ضل من تيصرف عنك املة وتجعل بغرك
عماه و توفقني لما افتقاقه من خلقك وتهنئك فيما ضمنته
من رزقك اللهم نزهني من عبادة العباد واغنني من
عمارت البلاد واجعل عبادي لك وخشيتي منك واصلي
اليك وثقتي بك يا اله العالمين ويا احسن الناصرين دعاء
دفع شقیقه پیغامبر علیه السلام فرمود هر که روز عاشورا غسل کند هنوز زیر اسم حور است
لنفده [illegible] حق تعالی [illegible] او بیرون [illegible] بعد از غسل خود را [illegible]
یارب [illegible] دعا [illegible] حسبی الله وکفی الله وسمع الله
لمن دعا لیس وراء الله منتهی ومن اعتصم بحبل الله نجی حق تعالی آن
[illegible] را [illegible] شقیقه [illegible] کان این دعا [illegible] کرده اند فصل
چهارم در فضیلت روزه ماهها وایام نقل است که هر کس رادی [illegible]
وگفته اند [illegible] که در [illegible] بن [illegible] از فلان [illegible] انس مالک رضی الله عنه گفت
[illegible] از پیغامبر علیه السلام شنیده ام هر که سه روزه روزه دارد
از ماه حرام پنجشنبه و آدینه و شنبه نوشته شود او را عبادت هفتصد سال و ماههای حرام
چهار است ذوالقعده و ذی الحجه و محرم و رجب فصل پنجم در فضیلت روز عاشورا
پیغامبر علیه السلام فرمود هر که فراخ کرد نفقه بر عیال خود و بر برادران خود در روز عاشورا
[illegible] و علما و مسلمان نزدیک حق [illegible] روز قیامت و بر دست [illegible] که [illegible]
[illegible] و هیچ چهارم کسی میان ما [illegible] و رسول علیه السلام فرمود هر که فراخ کند علوفه
و طعام را بر عیال خود در روز عاشورا حق تعالی تمام سال او را فراخی دهد و گفت
[illegible] تجربه کرده ام [illegible] ابو [illegible] گفت من هر روز [illegible] می شکستم

کاشورا [illegible] آدم چون عاشورا شد [illegible] نان نمی خوردند و به آنکه [illegible] ای تو [illegible]
روزه عاشورا جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل صلوات الله علیهم و عرش و کرسی
و لوح و قلم را [illegible] آسمانها و زمینها [illegible] بهشت را [illegible] روز عاشورا [illegible] قیامت [illegible]
و [illegible] آدم را صلوات الله علیه روز عاشورا [illegible] روز [illegible] بهشت [illegible]
عاشورا [illegible] قبول کرد توبه آدم را روز عاشورا و ادریس پیغامبر علیه السلام
آسمان و در بهشت رفت روز عاشورا [illegible] آمد نوح [illegible]
[illegible] روز عاشورا [illegible] ایوب یوسف علیه السلام از زندان روز
عاشورا [illegible] دریا موسی و بنی اسرائیل را [illegible] غرق شدن فرعون روز
عاشورا بود عیسی علیه السلام که در آسمان بردند روز عاشورا بود و ابراهیم خلیل
صلوات الله علیه از آتش نمرود نجات [illegible] روز عاشورا بود [illegible]
آورده است از ابن عباس رضی الله عنه که رسول علیه السلام فرمود هر که روز عاشورا
[illegible] ماه صفر مشتمل بر پنج فصل فصل
اول در نماز و دعا و اول شب [illegible] رسول علیه السلام [illegible]
ماه صفر [illegible] این دعا بخواند [illegible] حسنا [illegible]
[illegible] بالخیر [illegible] عنا [illegible] عن جمیع [illegible]
[illegible] دعای دوم اللهم انی اعوذ بك من صنف
[illegible] الفنا [illegible] وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین
روز اول [illegible] برای [illegible] مسلمانان [illegible] نماز [illegible] روز
چهار رکعت نماز [illegible] سلام بخواند در رکعت اول بعد فاتحه قل یا ایها الکافرون
[illegible] سبحان الله
والحمد لله [illegible] ایاك نعبد و ایاك نستعین

و مصفا و با صلوات بر وی رسند و از جمله آفتها ایمن باشد دعای ماه صفر روایت کرد ابو امامه باهلی
عراقی رضی الله عنه از رسول علیه السلام که در ماه صفر جبرئیل صلوات الله علیه بیامد و رسول
علیه السلام و گرد روی او نشسته بود و بولای کرده و غبار نشسته و جبرئیل را وهمی کسانی
چون نظر رسول علیه السلام بران مرد افتاد از جای خود برجست از صعوبت بود جواب
رسول گفت یا اخی جبرئیل این کیست جبرئیل گفت این مرد همین صعوبت که تو در یافتی و در
ماه بلاها و سختیها است بدرستیکه خدای تعالی بلاها نازل شده ده جزو قسمت کرده است نه جزو
درین ماه نازل شده و یک جزو در یازده ماه دیگر پس دعا بخوانند و دعا اینست اللهم
انی اعوذ بک من شر هذا الشهر ومن کل شدة و بلیة
التی قدرت فیه یا دهر یا دهور یا دیهار یا ازل یا ابد
یا کائن یا کینون یا کنان یا مبدی یا معید یا ذی
العرش المجید انت تفعل ما ترید احرسنی بحرمة الابرار
والاخیار برحمتک یا ارحم الراحمین پس جبرئیل گفت یا محمد هر که این دعا بخواند
دفع کند خدای تعالی اندوهها و غمهای وی و رحمت زوال آن ماه خدای تعالی باشد تا صفر دیگر
دعای دیگر هر که این دعا در ماه صفر یکبار یا بیشتر بخواند ایزد تعالی این صفر را بر وی
مبارک گرداند و همه مکروهات و بلاها از وی بگرداند و هر که بر دیوار خانه بنویسد هزار
برکت دران خانه در آید و همه آفتها و هزار گونه بلا از آن خانه دور شود و فتنه باز گردد
دعا اینست یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز ذللت
بعزتک جمیع خلقک اکفنی عن جمیع خلقک یا محسن یا مجمل
یا مفضل یا منعم یا مکرم یا من لا اله الا انت یا ارحم
الراحمین دیگر دعا از ملفوظات شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره
العزیز فرمود حق تعالی در هر سالی ده لک بیست هزار بلا از آسمان منزل میکند

اما در ماه صفر تنها سه لک بیست هزار بلا نازل میکند پس هر که درین ماه بدعا و طاعت
مشغول نباشد او را از بلاها هیچ جای گریز نیست بعد ازان هم درین محل فرمود شنیده ام
از بزرگی هر که خواهد ازین بلاها ایمن بود بر وی باد که این دعا بسیار بخواند بعده
فرض دعا اینست اعوذ بالله من شر هذا الزمان واستعیذ به
من شر دهر الازمن واعوذ بجلال وجهک وکمال قدرتک
ان تجیرنی فی هذه السنة وقنی شر ما قضیت فیها واکرمنی
من الصفر یا کریم النظر واختم بالسلامة والسعادة
لی ولاهل بیتی واولیائی واقربائی ولجمیع امة محمد
صلی الله علیه وسلم رب اغفر وارحم وانت خیر
الراحمین این دعا بخوانند و جمله اهل بیت خود را نام کرد و از بلاها ایمن بوده
و نیز فصل دوم در نماز و دعای آخر چهار شنبه فضل این را وارد در
آخرین چهار شنبه از ماه صفر بعد از صبح غسل کند چون از نماز اشراق فارغ شود و
جانب مشرق نشسته و دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد فاتحه قل اللهم
تا بغیر حساب و در رکعت دوم قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما
تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت
بها وابتغ بین ذلک سبیلا بعد از سلام ده بار درود بگوید و این دعا بخواند
اینست اللهم اصرف عنی شر هذا الیوم واعصمنی من شؤمه
وجنبنی عما اخاف فیه من النحوسات وکربات بفضلک
یا دافع الشرور ومالک یوم النشور یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی خیر خلقه محمد النبی الامی وعلی آله و بارک
وسلم از ملفوظات شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز

بر لفظ مبارک راندند که در شرح شیخ معین الدین سجزی قدس الله سره العزیز نبشته دیده ام
در تمامی ماه صفر سیصد و هشتاد هزار بلا نزول می شود اما در آخر چهارشنبه ماه صفر
از این دو چندین چندین و لیکن آن روز از روزها دیگر گران تر است پس هر که در روز
آخر چهارشنبه چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه اِنَّا اَعْطَیْنَاکَ
الْکَوْثَر هفده بار و اخلاص پنج بار و بعد سلام این دعا بخواند حق تعالی او را از جمله
بلاها که در آن روز نازل می شود بکرم خویش نگاه دارد و هیچ بلایی گرد آن بنده
نگردد و تا سال تمام و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ یَا شَدِیْدَ الْقُوَی یَا شَدِیْدَ
الْمِحَالِ یَا عَزِیْزُ ذَلَّلْتَ بِعِزَّتِکَ جَمِیْعَ خَلْقِکَ اِکْفِنِیْ عَنْ جَمِیْعِ
خَلْقِکَ یَا مُحْسِنُ یَا مُجْمِلُ یَا مُتَفَضِّلُ یَا مُنْعِمُ یَا مُکْرِمُ یَا لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ **فصل سیوم در نماز و دعا آخر چهارشنبه**
رسول علیه السلام فرمود چون از چهارصد پنجاه و پنج و رکعه در جزوی و در آخر نماز
نکر بود تا اعرا دکف صلی ... هر که آن ماه صفر درآید در ...
آخر بن شنبه باشد آن روز وقت روزه دار و وقت تنفل و تسبیح مشغول گردد و غسل کند
بیار دو چهار رکعت نماز بگزارد با خضوع و خشوع تمام بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اِنَّا
اَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَر هفده بار و اخلاص پنج بار و چون سلام دهد سر به سجده نهد
و این دعا استعاذه بخواند اَعُوْذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ هٰذَا الزَّمَانِ وَاَتَعَوَّذُ
بِهٖ مِنْ شُرُوْرِ اَهَالِیْ زَمَانِهٖ وَاَعُوْذُ بِجَلَالِ وَجْهِکَ وَکَمَالِ قُدْرَتِکَ
اَنْ تُجِیْرَنِیْ فِیْ هٰذِهِ السَّنَةِ وَقِنِیْ شَرَّ مَا قَضَیْتَ فِیْهَا وَاَکْرِمْنِیْ
فِی الصَّفِّ بِاَکْرَمِ النَّظَرِ وَاخْتِمْ لِیْ بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ
لِیْ مَعَ اَهْلِ بَیْتِیْ وَاَوْلَادِیْ وَاَقْرِبَائِیْ وَجَمِیْعِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ بِرَحْمَتِکَ اَعُوْذُ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِیْنَ

فصل

فصل چهارم در نماز و دعا برای درازی عمر در آخر ماه **صفر**
روز و در اول و در آخر ماه صفر هشت رکعت نماز بدو سلام بگذارد و بخواند در هر رکعت
بعد فاتحه اخلاص یازده بار و بعد از سلام سه بار درود و دیگر دو سه بار این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ شُکْرًا وَلَکَ الْمَنُّ فَضْلًا وَاَنَا عَبْدُکَ وَتَقَاوَتَ
لِذٰلِکَ اَهْلُ اَنْتَ فِیْ عَلٰی نَفْسِیْ وَدِیْنِیْ وَدُنْیَایَ وَاٰخِرَتِیْ وَخَوَاتِیْمِ
عُمْرِیْ وَعَمَلِیْ وَاَنْتَ فِیْ عَلٰی عِرْضِیْ وَعِزَّتِیْ فِیْ خَلْقِکَ مِنْ فَضْلِکَ
وَاَنْتَ فِیْ عَلٰی جَمِیْعِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ لِشِدَّةِ حَوْلِکَ
وَبَطْشِکَ وَقُوَّتِکَ فَاِنَّ اَنْتَ فِیْ عَلٰی مُصَانٍ وَحِلْمُکَ
دَاخِلٌ وَقَضَاؤُکَ غَالِبٌ یَا اَحْکَمَ الْحَاکِمِیْنَ وَیَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِیْنَ
یَا اَکْرَمَ مَا مَسْئُوْلٍ وَاَجْوَدَ مَسْئُوْلٍ یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ یَا دَائِمُ یَا فَرْدُ
یَا وِتْرُ یَا اَحَدُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهٗ کُفُوًا
اَحَدٌ یَا عَزِیْزُ یَا وَهَّابُ وَصَلّٰی عَلٰی خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِیْنَ
ابو هریره روایت کرده است از پیغامبر علیه السلام هر که بگذشتن ماه صفر این دعا بخواند
خدای تعالی عمر او را زیادت کند تا صفر دیگر چاپل آن بنده قبض نکند عمر او را زیادت گوید
عمر این بنده تمام شده است فرمان آید من حکم کرده ام حکم من نیست آن بنده
نامی ... مرا دعا یاد کرده است بنده خود را نومید نکنم مادام که بر من ما دعا را
یاد کند از عزرائیل عمر او برکت میکنم و از بلاها و آفتها نگاه میدارم **فصل**
پنجم در صدقه دادن ماه صفر نقل از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره
العزیز حکایت در ماه صفر افتاده بود بر لفظ مبارک راندند که ماه صفر گران ماهی
و صعب ماهی است زیرا که چون ماه صفر بیاید ... ماه صفرست ... این
تغیر است رسول علیه السلام را از رسیدن او خوشی از حد ماه صفر گران ماهی است

بعد از ان هم درین محل این حکایت فرمود که حق تعالی در هر سالی دو لک و بیست
هزار بلا از آسمان منزل میکند اما در ماه صفر تنها سه لک و بیست هزار بلا نازل گردد
و رنج و دلیلی هر که درین ماه بدعا و طاعت مشغول شود و او را از بلا هیچ جا گزند نرسد
بعد از ان هم درین محل فرمود که انبیا در بلا مبتلا می شدند هم در ماه صفر بودی
چنانچه آورده اند حضرت آدم صلوات الله علیه گندم بخورد هم در ماه صفر بخورد و از
بهشت بیرون افتاد و سیصد سال بگریست بدان ذلت که در وجود او آمد بعد
از ان هیچ چیز در وجود دنیا هم گوشت و پوست او بریزد فرمان آمد که توبه تو قبول
کردیم و این هم از آن در ماه صفر بود و چندان بلا و زحمت حضرت آدم دید بعد از ان
هم درین محل فرمود به روایت وهب منبه رضی الله عنه که او فرمود در ماه صفر وقتی که هابیل
و قابیل هر دو برادران بجنگ بیرون آمدند حضرت آدم ایشان را منع کرد ماه صفر بود
بیرون رفتند ایشان سخن حضرت آدم را پاسخ ننشنیدند القصه چون در راه رسیدند پسر
برادر را سخن شد قابیل در زمان تیغ کشید هابیل را بکشت پشیمان شد کور گردید از آنجا
تحلف همه و این خبر با آدم رسید حضرت آدم از حد دلتنگ شد حضرت جبرئیل صلوات الله علیه
فرود آمد گفت فرمان می شود هر فرزندی که از هابیل شود همه مسلمان و مومن باشند
و هر فرزندی که از قابیل شود همه جهود و ترسا کافر شوند زیرا که در ماه صفر برادر را
بکشت بعد از ان فرمود که قوم حضرت نوح را که غرق کردند هم در ماه صفر بود و ایشان
را بلاء طوفان مبتلا گردانید و ایوب پیغامبر را ببلاء کرمان مبتلا گردانیدند
هم در ماه صفر بود و ابراهیم خلیل الله را در آتش انداختند روز اول ماه صفر بود
و زکریا را اره بریده اند در ماه صفر بود و روز چهارشنبه بود و
و یحیی که کارد در حلق بریدند میانه ماه صفر بود و داود در بلا نظر مبتلا شد هم در ماه
صفر بود و دو بیست سال بگریست گوشت و پوست رخساره مبارک او بریخت آنگاه توبه

قبول شد

قبول شد و جرجیس را هفتاد بار پاره پاره کردند هم در ماه صفر بود و یونس پیغامبر را
در شکم ماهی کشیدند هم در ماه صفر بود و نمرود بلاء پشه مبتلا کردند هم در ماه صفر
بود بعد از ان شیخ الاسلام ادام الله برکاته چشم پر آب کرد و بگریست و نعره زد
و بیهوش گشت چون از بیهوشی باز آمد فرمود که سلطان انبیا را که رحلت شد هم در ماه
صفر بود هم در ان رحلت بحق پیوست آنگاه فرمود که مثل این چندین انبیا
بلاها که منزل شده است و می شود هم در ماه صفر بود و این ماه از حد گران است
حق تعالی ما را و شما را و کافه اهل اسلام از گرانی این ماه در امان و عصمت
خود نگاه دارد آمین ماه رجب شعبان بر نه فصل فصل اول در نماز و دعا
نقل است از امالی انس مالک رضی الله عنه گفت چون رسول علیه السلام ماه رجب دیدی این
دعا بخواندی اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْ رَجَبَ وَشَعْبَانَ وَبَلِّغْنَا شَهْرَ
رَمَضَانَ روز اول شب ماه رجب بعد از نماز شام بیست رکعت بگزارد
بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص یکبار و ایضاً بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز
بگزارد و بخواند در رکعت اول بعد فاتحه الم نشرح یکبار و اخلاص سه بار و در دوم
الم نشرح و اخلاص و معوذتین یکان بار بعد از سلام سی بار بگوید لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ و سه بار صلوات گوید پس حاجت طلبد و در خبر است چون اول شب
باشد از ماه رجب ترک آرند ملایکه تسبیح و ذکر را و همین قول میگویند لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ حَقًّا حَقًّا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِيْمَانًا وَصِدْقًا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ
فصل دوم در دعا اول روز و هر روز پیغامبر علیه السلام فرمود هر که
دریابد ماه رجب را پس غسل کند در روز اول او و میانه او و در روز آخر او
بیاید از گناهان همچنانکه آن روز که زاده باشد مادر او و ایضاً در ماه رجب برکت

نماز بگذارد ده رکعت در اول و ده در میانه و ده در آخر ماه بخواند در هر رکعت بعد فاتحه
قل یا ایها الکافرون یکبار و اخلاص سه بار بعد فراغ از نماز اول بگوید
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده
الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا
الجد منک الجد **روزه زکریا علیه** و ابن عباس رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام فرمود هر که
روزه دارد اول از ماه رجب پس چنانست که روزه داشته است هزار سال پس اگر
بگذارد شب یک افطار دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در رکعت اول الحمد فاتحه
الکتاب و آیة الکرسی و اخلاص و قل اعوذ برب الفلق یک بار و در رکعت دوم اذا زلزلت
الارض و اخلاص و قل اعوذ برب الناس یک بار چون سلام بدهد خدای تعالی مر او را
عبادت شصت سال و بهشت و هزار فرشته فرستد تا آمرزش خواهند مر او را تا سالی دیگر

وصل سیوم در فضیلت روزه ماه رجب نقلست از امالی پیغامبر علیه السلام فرمود هر که
یک روز از ماه رجب بدارد به نیت خالص که دل او بوعده خدای تعالی شاد بود و امید ثواب از
خدای تعالی دارد مستحق خشنودی خدای تعالی باشد پس و خشنود شد ایمن روزه او
غضب خدای تعالی و نهد بر وی درجه و فتح در بهشت و اگر بدهند او را پری زمین زر ادای
روزه او نباشد و کمال ثواب روزه او نباشد در جزای آن مگر در آخرت
چون نماز شام شود ده دعا از او مستجاب شود و اگر در دنیا طلبند در دنیا بدهند
یا ... اگر نطلبند ثواب ده دعا از او ذخیره کنند از برای آخرت و هر که دو روزه
دارد از ماه رجب ثواب این هیچ واصف صفت نتواند کرد از اهل آسمان و اهل
زمین و نزدیک باری تعالی او را اکرام باشد و نوشته شود مر او را مثل اجرها
ده صدیق و هر که سه روزه دارد این ثواب باشد چنین و چنین تا سی روزه و هر که روزه
دارد سی روز از ماه رجب ندا کند منادی از آسمان که ای ولی خدای گناهان گذشته

ترا آمرزید اکنون عمل از سر گیر آنچه از زمان تو باقی مانده است و بعد خدای تعالی
و او را در بهشت چهل هزار مدینه چهار هزار قصر چنین و چنین تا آخر حدیث پس مردی
ضعیف به خدمت برخاست بگفت یا رسول الله من عاجزم نمی توانم که تمام روزه ماه رجب
بدارم پس رسول علیه السلام فرمود روزه دار اول روز از ماه رجب به درستی که
نیکی ها ده است و یک روزه میانه بدار و یک روزه آخر روز بدار از ماه رجب
به درستی که داده شود مر او را ثواب کسی که تمام ماه روزه دارد و در حدیث
دیگر آمده است هر که روزه یک روز از ماه رجب بدارد چنانست که یکسال روزه
داشته باشد و هر که هفت روز روزه دارد از ماه **رجب** هفت در دوزخ بر وی
بسته شود و هر که هشت روز روزه دارد از ماه رجب گشاده شود بر وی هشت
در بهشت و هر که ده روز روزه بدارد حق تعالی از وی سوال نکند و حساب
نکند و ثواب جبرئیل عطا کند و هر که پانزده روز روزه بدارد از ماه رجب
ندا کند منادی از آسمان به درستی که بیامرزید خدای تعالی آنچه گذشته بود
و عمل از سر گیر و بدل کرد خدای تعالی سیئات ترا حسنات و هر که زیاده روزه
دارد از پانزده روز ثواب بمثل آن زیاده شود پیغامبر علیه السلام فرمود
رجب ماه است در بهشت در نیاید در آن مگر روزه داران ماه رمضان **وصل**

چهارم در نماز لیلة الرغایب رغایب جمع رغیبه است و رغیبه عطیه کثیر را گویند
پیغامبر علیه السلام فرمود غافل مباشید از اول شب ادینه که در ماه رجب آید به درستی
که این شب را فرشتگان لیلة الرغایب میگویند و چون ثلث شب برود هیچ فرشته
در آسمان و زمین نمی ماند همه در خانه کعبه و حوالی آن جمع می شوند فرمان میشود
از حضرت عزت ای فرشتگان هر چه خواهید از من حاجت که در این بگوئید فرشتگان
ای پروردگار ما ما حاجتها داریم حاجت ما از تو آنست که بیامرزی روزه داران

ماه رجب است پس بگوید حق تعالی بدرستی که بخشیدم اول کسی که در این ماه آید روزه بدارد
و شب اول جمعه چون در آید بعد از سنت نماز شام شش رکعت نماز اوابین بگذارد و بخواند
در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص سه بار بعد آن نماز لیلة الرغائب بگذارد و بعد آن باز
نماز اوابین تمام کند نماز لیلة الرغائب دوازده رکعت بگذارد در شش سلام بخواند در
هر رکعت بعد فاتحه انا انزلناه سه بار و اخلاص دوازده بار بعد فراغ هفتاد بار بگوید
اللهم صل علی محمد النبی الامی و علی آله و بارک و سلم پس در سجده رود و هفتاد بار بگوید سبوح
و قدوس رب الملائکة والروح پس بنشیند هفتاد بار بگوید رب اغفر و ارحم و تجاوز
عما تعلم فانک انت العلی الاعظم بار دوم سجده کند هفتاد بار بگوید سبوح قدوس
رب الملائکة والروح و در سجده رود و حاجت خواهد روا شود پس بنشیند و این دعا
بخواند دعا اللهم انی صلیت هذه الصلوة التی امرتها عبدک و رسولک و خیر
کل من خلقک شفیع الامة و کاشف الغمة صلی الله علیه و سلم و ان مقصرا فی اقامة
حقائقها غافلا عن تقدیم شرائطها کما یجب و تری من یستطیع من عبادک ان یعبدک
و یطیعوک کما ینبغی لک فما ذا اعترفت بتقصیری و عجزی فلا تحرمنی جزاء لقصدی و
ثواب حسن الرغبة و صدق النیة فی سنة نبیک علیه السلام لانک ذو فضل و مغفرة
علی عبادک اجمعین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین حاجت خواهد تا نماز خفتن درآید
و در فضیلت این نماز پیغامبر علیه السلام گفته است ای خدایی که جانم بدست قدرت او
بگذارد این را مردی و زنی مگر آنکه بیامرزد خدای تعالی جمله گناهان او را اگر چه گناه
و مثل کف دریا و عدد ریگ بیابان و بوزن کوهها و عدد برگ درختان باشد و شفاعت
کند روز قیامت هفتصد کس را از اهل بیت خود که مستوجب آتش شده باشند و چون
آنکس که این نماز گذارده باشد بمیرد در شب اول در گور او را بفرستد خدای تعالی ثواب
این نماز بهترین صورت پس بیاید آن صورت بر وی گشاده روی و زبان فصیح پس بگوید مر او را

ای حبیب من بشارت مر ترا که نجات یافتی از جمله شدتها پس آن بنده پرسد تو کیستی که هرگز
من اینچنین روی زیبا و خوب ندیده ام چنانکه روی تست و اینچنین سخن شیرین نشنیده ام
چنانکه سخن تست و اینچنین بوی خوش نیافته ام چنانکه بوی تست پس آن صورت بگوید
ای دوست من ثواب آن نمازم که تو گزارده بودی در اول شب آدینه از ماه رجب
در فلان سال امشب به تو آمده ام تا حق گزاری کنم و چون صور دمیده شود در عرصات
قیامت بر سر تو سایه کنم و چون از گزاردن این نماز و نماز خفتن خواهد افطار کند دو
رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعت آیة الکرسی و معوذتین یکبار ثواب بسیار است
و فصل پنجم در استغفارها این ماه در این ماه استغفار بگوید نقل است از اول ماه
استغفار رجب است هر روز صد بار بگوید استغفر الله لذنوبی کلها و اسرارها و جهرها
صغیرها و کبیرها ظاهرها و باطنها قدیمها و حدیثها اولها و آخرها و اتوب الیه اللهم اغفرها
برحمتک و پیغامبر علیه السلام فرموده هر که استغفار گوید در ماه رجب هر روز صد بار
بنویسد خدای تعالی برای او هزار هزار نیکی و محو کند از وی هزار هزار بدی و پیغامبر
علیه السلام فرموده هر که بخواند روز چهاردهم از ماه رجب سوره اخلاص صد بار نوری
دهد خدای تعالی او را در روز قیامت که روشنایی آن نور در بهشت رود
و پیغامبر علیه السلام هر که استغفار گناهان خود بگوید در ماه رجب بعد عصر ایام خود هر
روزی از آن مدت که بروی قلم رفته است هیچ از روز بلوغ آغاز کند هر که این
استغفار بگوید خدای تعالی روزی کند او را ثواب توبه و ساعتی که توبه کرده بود
بعد از آن همیشه پیغامبر علیه السلام فرموده هر که استغفار گوید در روز آخر ماه رجب
سیصد بار بیامرزد خدای تعالی او را البته و کعب احبار روایت میکند از پیغامبر
علیه السلام فرموده هر که استغفار گوید در ماه رجب هفتاد هزار بار خدای تعالی
او را بیامرزد البته پرسید که چگونه استغفار گویم پیغامبر علیه السلام فرمود بگوی

استغفر الله استغفر الله و حکایت جنید رحمة الله علیه حکایت عن الله از کلمات قدسی اولیست
که خدای تعالی گفت هر که بگوید در ماه رجب این استغفار استغفر الله ذی الجلال والاکرام
من جمیع الذنوب والآثام اگر او را نیامرزم اگر نیامرزم او را سه بار بگفت [?]
پروردگار او نباشم **عجایب الاستغفار** روایت منسوب است بعبدالله بن حنظله
رضی الله عنه در ماه رجب هر روز بخواندی و این مردی بود بفسق و فجور مشهور
و معروف شده بود در عهد رسول علیه السلام چون او نقل کرد بر وی نماز کسی نگزارد
و دنبال جنازه او کسی نرفت جبرئیل علیه السلام بیامد رسول علیه السلام را خبر کرد که عبدالله
بن حنظله نقل کرده است و حضرت عزة فرمان می شود که بر جنازه او بر و بحضور خود
دفن بکن رسول علیه السلام با یاران رفتند بر وی نماز گزاردند و دنبال جنازه
او روان شدند یاران دیدند که رسول علیه السلام در راه بر سر انگشتان پای
می رفت چنانکه [?] گشته شده چون بر سر گور او رسیدند او را در لحد فرود آوردند
رسول علیه السلام در آن تبسم کرد چون در گور کردند باز گشتند یاران گفتند یا رسول الله
تو دنبال جنازه بسر انگشتان می رفتید چون او را در لحد نهادند تبسم کردید چه بود
رسول علیه السلام فرمود که از آسمان چندین ملایکه فرود آمده بودند که قدم نهادن
جای نبود و پای من بالا و بر بال فرشتگان می آمد از جهة آن بر سر انگشتان می رفتم
چون او را در لحد کردند بفرمان خدای عز و جل رضوان از بهشت در گور او درآمد بهشت بدر
حوران بهشت در گور او درآمدند هر یکی قدحی از شراب بر دست کرده او را
تحفه از تحفهای بهشت نمودند چون حوران بر وی هجوم کردند هر یکی پیش دستی
میکردند و میگفت که من قدح خود اول بدهم چون آن بدیدم تبسم کردم بعد آن رسول
رسول علیه السلام با یاران در خانه او آمدند از زن او پرسیدند که او چه کار کردی
در نهان و آشکارا زن او پرسیدند گفت که من خبر ندارم مگر [?] بودی نماز گذاردی

و روزه داشتی هر شب مست در خانه آمدی از وی بیکاری و عملی صالح ندیدم الا
چون ماه رجب آمدی در هر شب ماه رجب استغفاری یاد داشت آنرا بخواندی از بسیاری
خواندن او مرا هم یاد شده است زن آن استغفار بخواند رسول علیه السلام یاران را
فرمود که بنویسید و یاد گیرید و هر روز در ماه رجب بخوانید هر که در ماه رجب
این استغفار بخواند برای آن درجه بود که او را بود و اسما ان استغفار بسیار است
مختصر کرده شده است استغفار اینست **بسم الله الرحمن الرحیم** أستغفر الله
أستغفر الله أستغفر الله الذي لا إله إلا هو الحي القيوم وأتوب
إليه أستغفر الله من جميع ما كره الله اللهم إني أستغفرك بما قدمت وما
أخرت وما أسررت وما أعلنت وما أسرفت أنت المقدم وأنت
المؤخر وأنت على كل شيء قدير اللهم إني أستغفرك من ذنب تبت
إليك منه ثم عدت فيه أستغفرك لما أردت به وجهك فخالطته
ما ليس لك فيه رضا وأستغفرك لما وعدتك به من نفسي
ثم أخلفتك وأستغفرك لما دعا إليه الهوى من قبل الرخص
مما اشتبه علي وهو عندك حرام وأستغفرك من النعم التي
أنعمت بها علي فتقويت بها على معاصيك وأستغفرك من الذنوب
التي لا يعرفها غيرك ولا يطلع عليه أحد سواك ولا يسعها
إلا حلمك ولا ينجيني منها إلا عفوك وأستغفرك لكل يمين
سلفت مني فحنثت فيها عندك وأنا مأخوذ بها وأستغفرك
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين وصلى الله على محمد
وآله أجمعين رب اغفر وارحم وأستغفرك عالم الغيب والشهادة من
كل شيء عملتها في بياض النهار وسواد الليل في ملاء وخلاء

وَمَسَّ وَعَلَانِيَةً وَأَنْتَ نَاظِرٌ إِلَيَّ إِذَا ارْتَكَبْتُهَا وَأَتَيْتُ بِهَا مِنَ الْعِصْيَانِ
يَا حَلِيمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ فَرِيضَةٍ أَوْجَبْتَ
عَلَيَّ آنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ فَتَرَكْتُهَا عَمْدًا أَوْ خَطَأً أَوْ
نِسْيَانًا أَوْ أَنَا مَسْئُولٌ بِهَا وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ سُنَّةٍ مِنْ سُنَنِ
سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَرَكْتُهَا غَفْلَةً
وَسَهْوًا أَوْ جَهْلًا أَوْ نِسْيَانًا أَوْ قِلَّةَ مُبَالَاةٍ وَأَسْتَغْفِرُكَ لَا إِلَٰهَ
إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ سُبْحَانَكَ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَكَ الْمُلْكُ
وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ وَصَلَّى اللهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَبِعَدَدِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فصل ششم در نماز خواجه اویس قرنی رضی الله عنه از فواید الفواد و از شیخ
او را سخن در نماز خواجه **اویس** قرنی افتاد شیخ رضی الله عنه فرمود که این نماز در سوم
و چهارم و پنجم ماه رجب سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هم گذارده اند و بروایتی
همین است یا سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم بعد از آن در فضیلت این مبالغه بسیار
فرمود **و بروایتی** بیست سوم **بیست چهارم و بیست پنجم** بگذارد و اگر در اول و میانه
نگذارده باشد و نماز اویس قرنی دوازده رکعت است به سه سلام چون خواهد که این نماز
بگذارد بوقت چاشت غسل کند چهار رکعت بگذارد هرچه خواهد از قرآن بخواند بعد از
سلام هفتاد بار بگوید لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ
و چهار رکعت دیگر بگذارد بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اذا جاء نصر الله یک بار بعد از
سلام هفتاد بار بگوید إِنَّكَ أَقْوَى مُعِينٍ وَأَهْدَى دَلِيلٍ بِحَقِّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
و چهار رکعت دیگر بگذارد بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص سه بار بعد سلام هفتاد

بار

ام فرض نخوانده و دست بر سینه فرود آرد و هر حاجت که دارد بخواهد حق تعالی آن حاجت
روا کرد و ده روز هر روز غسل کند و این نماز بگذارد و سخن نگوید تا آنگاه که از غسل
و نماز فارغ شود **از فواید الفواد حکایت** فرمود که در مدرسه منوری دانشمندی بود
او را معین الدین گفتندی مرد دانشمند بود هر مسئله که او را پرسیدندی جواب
شافی گفتی و در مباحثه بعبارت دانشمندانه درآمدی از حال تعلیم او استکشاف کردند
گفت که من هیچ نخوانده و شاگرد هیچ کس نکرده ام چون بزرگ شدم وقتی نماز اویس
قرنی بگذاردم و دعا کردم که الهی من بکبر سن رسیدم و هیچ تعلیمی نکرده ام مرا علمی روزی
کن حق تعالی ببرکت این نماز در علم بر من بگشاد تا هر مسئله که افتد من از آنجا بیان
شافی شروع میکنم براستی تمام کنم **فصل هفتم** در نماز و دعا پانزدهم ماه و دعای استفتاح
از اوراد و روز پانزدهم از ماه رجب پس از برآمدن آفتاب پنجاه رکعت نماز بگذارد
به بیست و پنج سلام و در هر رکعت بعد فاتحه و اخلاص و معوذتین یکبار بخواند و در پانزدهم
ماه رمضان همین نماز بگذارد ثواب بسیار است و در فضیلت این نماز حدیث در ربانی جنتی
آورده است صحیح و در روایت است از ابن مسعود رضی الله عنه که رسول علیه السلام فرمود هر که
بگذارد روز پانزدهم ماه رجب این پنجاه رکعت نماز بگذارد و نزدیک بلند شدن
آفتاب و بگذارد همین در پانزدهم ماه رمضان بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص
و معوذتین یکبار بیرون آید از گناهان چنانکه آن روز که از مادر زاده باشد
و حشر کرده شود از گور برابر شهیدان و درآید در بهشت برابر پیغامبران و بدهد
او را خدای تعالی ثواب کسی که روزه داشته است تمام ماه رجب و ماه شعبان و ماه
و ننویسد مر او را ابدا هولی که زیستن او است ثواب حج و عمره و نوشته شود در وی گناه از وی دور
شود و عالم او نباشد فتنه و عذاب قبر نشود و در گور او بر داشته شود تنگی و تاریکی از
گور او و چون بیرون آید از گور روی او از نور تابان باشد و هر که خواهد که حقیقت

حال او نزد یک خدای تعالی پس بکذارد این نماز بدرستیکه قدرت نیابد بکذاردن این
نماز مگر مومن از اهل بهشت پس هر که این نماز بکذارد چون بمیرد خدای تعالی بسوی او ملک
الموت را با پنج هزار فرشته که بشارت دهند او را بدخول بهشت و منقطع نشود
زنهار فرشتگان او در ایام حیات او و ترک نیارد جبرئیل صلوات الله علیه زیارت
گور او را تا آنگاه که صور دمیده شود و پراکنده شود تمام او به آیتی که در قرآن است
مدینه چون از گور بیرون آید جبرئیل با تختی از آب کوثر بیارد و بخوراند او را و لباس
نوار کند او را جبرئیل بر جناح خود تا ببرد او را پیش حضرت عزة پس بگوید خدای تعالی
بنده من بخواه هر حاجتی که داری پس روا کند همه او را از حاجت و شفاعت دهد
او را به هزار کس از اصحاب کبایر پس روان کند او را بسوی بهشت برابر پیغامبران
و شهیدان و عکرمه گفت که خبر از خواجه عالم علیه السلام شنیده ام هر که روز استفتاح
این دعا بخواند پنجاه در رحمت بروی گشاده گردد و دعا اینست یا مفتح الابواب
یا مسبب الاسباب یا مقلب القلوب والابصار یا دایم الثبات
یا مخرج النبات اللهم افتح علی ابواب فضلک ورحمتک یا ارحم الراحمین
دعا استفتاح نقل است او را در جمعه ماه رجب در آیه سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
بعد از زوال غسل کند و هشت رکعت نماز بکذارد هر چه خواهد از قرآن بخواند
و بروایتی در اول والضحی و در دوم الم نشرح و در سیوم انا انزلناه و در چهارم
اذا زلزلت الارض و در پنجم والعادیات و در ششم الهیکم التکاثر و در هفتم
والعصر و در هشتم ویل لکل همزة بخوانند پس نماز پیشین بکذارد پس هشت رکعت دیگر
بکذارد هر چه داند بخواند و بروایتی در اول الم تر کیف و در دوم لایلاف
و در سیوم کافرون و در چهارم اذا زلزلت الارض اذا جاء نصر الله
و در پنجم تبت یدا و در ششم اخلاص و در هفتم الفلق و در هشتم الناس بخوانند

و نماز دیگر در اول وقت بکذارد و در جای نماز بنشیند فاتحه صد بار و اخلاص
صد بار و آیة الکرسی ده بار و آمن الرسول ده بار بخواند سوره انعام و کهف
والم سجده و یس والصافات و حم السجده و حم عسق و حم الدخان و انا فتحنا
و اذا وقعت الواقعة و الملک و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخوانند بعد الفراغ
این دعا بخوانند دعاء استفتاح بسم الله الرحمن الرحیم صَدَقَ اللّٰهُ الَّذِی
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الَّذِی
لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ وَصَدَقَ اَنْبِیَاؤُهُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ
رِسَالَاتِهِ وَاَنَا عَلٰی ذٰلِکَ مِنَ الشَّاهِدِینَ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ
وَلَکَ الْمَجْدُ وَلَکَ الْفَخْرُ وَلَکَ الْقَهْرُ وَلَکَ الْعِزَّةُ وَلَکَ النِّعْمَةُ وَلَکَ
الرَّحْمَةُ وَلَکَ الْمَهَابَةُ وَلَکَ الْعَظَمَةُ وَلَکَ السُّلْطَانُ وَلَکَ الْبُرْهَانُ
وَلَکَ الْاِمْتِنَانُ وَلَکَ التَّسْبِیحُ وَلَکَ التَّقْدِیسُ وَلَکَ التَّهْلِیلُ وَلَکَ
التَّکْبِیرُ وَلَکَ مَا یُرٰی وَلَکَ مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلٰی وَلَکَ مَا تَحْتَ
وَتَرْضٰی بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَلَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الشُّکْرُ وَالنَّعْمَاءُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی جِبْرَئِیلَ اَمِینِکَ عَلٰی وَحْیِکَ الْقَوِیِّ وَعَلٰی اَمْرِکَ وَالْمُطَاعِ فِی
سَمٰوَاتِکَ وَمَحَالِّ کَرَامَاتِکَ وَالْمُتَحَمِّلِ لِکَلِمَاتِکَ النَّاصِرِ لِاَنْبِیَائِکَ
الْمُدَمِّرِ عَلٰی اَعْدَائِکَ اَللّٰهُمَّ عَلٰی مِیکَائِیلَ مَلَکِ رَحْمَتِکَ الْمَخْلُوقِ
لِاَهْلِ الْمُسْتَغْفِرَةِ لِاَهْلِ خَطِیئَتِکَ الْمُعِینِ لِاَهْلِ طَاعَتِکَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی اِسْرَافِیلَ حَامِلِ عَرْشِکَ وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِکَ
الْوَاجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِیفَتِکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی عِزْرَائِیلَ قَابِضِ اَرْوَاحِ
عِبَادِکَ بِاِذْنِکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطَّاهِرِینَ وَعَلَی السَّفَرَةِ
الْکِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّیِّبِینَ وَعَلٰی مَلَائِکَتِکَ الْکِرَامِ یَا ذِی الْجَلَالِ

والاكرام اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذى اكرمته
بسجود ملائكتك واباحة جنتك اللهم صل على امنا حواء
المطهرة من الرجس المفضلة على الانس المترددة بين محال
القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود
وصالح وابراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب ويوسف
والاسباط ولوط وايوب وموسى وهارون ويوشع والخضر و
ذى القرنين ويونس والياس واليسع وذى الكفل ولوط
وداود وسليمان وزكريا ويحيى وشعيب واشعيا وارميا
ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين و
الاتباع اللهم صل على محمد وعلى آل محمد وبارك على محمد
وعلى آل محمد وارحم محمدا كما صليت وباركت ورحمت و
ترحمت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد
اللهم صل على السعداء والشهداء وائمة الهدى
والابدال والاوتاد والسياح والزهاد والعباد
والصالحين واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا
صلى الله عليه وسلم واهل بيته بافضل صلواتك واكمل
كرامتك وبلغ روحه منى تحية وسلاما وزده
فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل
الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم
صل على من سميت ومن لم تسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك
واهل طاعتك واوصل صلواتى واسلامى اليهم والى

ازواجهم

ذ الى ازواجهم واجسادهم واجعلهم اخوانى فيك واعوانى
على دعائك اللهم استشفع بكرمك الى كرمك وبجودك
الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك يا الله
اللهم انى اسألك بكل ما سألك به احد من خلقك
من مسألة شريفة غير مردودة وبما دعاك به من دعوة مجابة
غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا كريم يا عليم يا حليم يا عظيم
يا جليل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا حفيظ يا
منير يا خبير يا مبين يا متين يا حق يا مدين يا محيل يا كبير يا
منور يا نصير يا شكور يا بر يا طاهر يا باطن يا ساطر يا محيط
يا مقيت يا اول يا آخر يا قريب يا ودود يا حفيظ يا حميد
يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا محصى يا مجمل
يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادى يا بديع يا مرسل
يا مرشد يا مسبب يا مسدد يا معطى يا مانع يا دافع يا نافع
يا رافع يا باقى يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح
يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا رؤف يا عطوف يا كافى
يا شافى يا معافى يا وافى يا وفى يا مهيمن يا عزيز يا قهار يا جبار
يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا احد يا صمد يا قيوم يا فرد
يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم
يا حاكم يا بارى يا مصور يا مسلم يا محبب يا مستجيب يا مغيث
يا دائم يا قائم يا واحد يا ماجد يا جواد يا بار يا ستار يا عادل
يا فاضل يا ديان يا حنان يا من اعلى فاستعلى فكان بالمنظر

لا علی یا من قرب فدنی و بعد فنای و علم السر و اخفی یا من له
التدبیر و المقادیر یا من الغیر یا من هو علی من یشاء قدیر یا مرسل
الریاح یا فالق الاصباح یا باعث الارواح یا ذا الجود و السماح
یا راد یا فات یا صارف لما فات یا منشر الاموات یا ذا الجلال
و الاکرام یا حی یا قیوم حین لا حی یا حی محیی الموتی یا حی
یا لا اله الا انت بدیع السموات و الارض یا الهی صل علی محمد و
علی آل محمد کما صلیت و رحمت علی ابراهیم انک حمید مجید و ارحم
ذلی و انفرادی و خضوعی و خشوعی و فاقتی بین یدیک فاعتمادی علیک
و تضرعی الیک ادعوک دعاء الخیر الخاضع الذلیل الخاشع الخائف
المشفق البائس الفقیر المسکین الحقیر العائذ المستجیر المقر
بذنبه المستغفر الخطیئة دعاء من اسلمته ثقته و رفضته
احبته و عظمت بذنوبه فجیعته دعاء حزین مفتقر ضعیف
مهین بائس مسکین اللهم و اسالک بانک ملیک مقتدر و انک
علی کل شیء قدیر و اسالک بحرمة الشهر الحرام و البیت
الحرام و البلد الحرام و المشعر الحرام و المشاعر العظام و الرکن
و المقام و بقبر نبیک محمد علیه السلام یا من وهب لادم
شیثا و لابراهیم و اسمعیل و اسحاق یا من رد یوسف
علی یعقوب و یا من کشف بعد البلاء ضر ایوب و یا راد موسی
علی امه و یا زائد الخضر فی علمه و یا من وهب لداود سلیمان
و لذکریا یحیی و لمریم عیسی و یا حافظ بنت شعیب و یا کافل
ولد ام موسی اسالک ان تصلی علی محمد و ان تغفر لی ذنوبی

کلها و تجیرنی من عذابک و توجب لی رضوانک و امانک و غفرانک
و جنانک و احسانک و اسالک ان تفک عنی کل غفلة
بینی و بین من یؤذینی و تفتح لی کل باب و تلین لی کل صعب
و تسهل علی کل عسیر و تخرس عنی کل لسان ناطق بسوء و تکبت
عنی کل باغ و تمنع عنی کل ظالم و حاسد و یکفینی شر کل عائق
یحاول ان یفرق بینی و بین طاعتک و یثبطنی عن عبادتک یا من الجم
الجن المتمردین و قهر عتاة الشیاطین و اذل رقاب المتجبرین
و رد کید المتسلطین عن المستضعفین اسالک بقدرتک
علی ما تشاء و تسهیلک لما تشاء ان تجعل لی قضاء حاجتی مما تشاء
برحمتک یا ارحم الراحمین بعد آن سر بسجده نهند و این دعا بخوانند اللهم لک صلیت
و لک سجدت و بک آمنت و علیک توکلت فارحم ذلی و فاقتی
و انفرادی و مسکنتی و وحشتی و غربتی و وحدتی و کربتی
لوجهی برحمتک یا ارحم الراحمین و رای کوشد که آب از دیده روان
کرد و اگر چه اندکی بود بمقدار سر مگسی که آن نشان اجابت دعاست

فصل هشتم در دعای شب معراج و فضیلت روز آخر ماه رجب و در شب معراج بیست و هفتم
ماه رجب نقل است از امالی رسول علیه السلام فرمود هر که بگذارد در شب بیست و هفتم ماه رجب
شش رکعت نماز بخواند و در هر رکعت فاتحه یکبار و قل هو الله احد هفت بعد از سلام
از حق تعالی حاجت خواهد از جای نماز برنخاسته باشد که حاجت او روا شود و چنان است
که بیست حج گذارده باشد و بیست بنده آزاد کرده باشد و کوه زر صدقه داده باشد و روز قیامت
از جمله رستگاران او را ایمن شدگان باشد و بروایتی و آن ده رکعت نماز بگذارد در شش
سلام هر چه خواهد بخواند چون از نماز فارغ شود صد بار گوید و هر حاجتی که دارد بخواهد بیابد

روا کرده و از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز حکایت در شب
معراج و فضیلت آن افتاده بود بر لفظ مبارک راندند بزرگ شبیست شب بیست هفتم
ماه رجب زیرا که رسول علیه السلام در شب بیست هفتم ماه رجب معراج بود دلیلی هر که آن شب
را زنده دارد دلیل آن بود که البته او را نیز معراج بود و سعادت معراج و ثواب آن
در نامه اعمال او نویسند بر لفظ دربار راندند که درین شب صد رکعت نماز آمده است در هر
رکعت فاتحه یکبار و اخلاص پنجبار چون از نماز فارغ شود بعد بار صلوة گوید و صد بار کلمه
سبحان الله والحمد لله تا آخر بگوید بعد از آن سر سجده نهد و حاجت خواهد آن حاجت
او روا کرده شود بعد از آن فرمود که در اوراد شیخ معین الدین سنجری چشتی قدس الله
العزیز حکایت در شب معراج و فضیلت آن افتاده بود بر لفظ مبارک راندند بزرگ
شبیست شب بیست هفتم ماه رجب زیرا که رسول علیه السلام در شب بیست هفتم ماه رجب
معراج بود دلیلی هر که آن شب را زنده دارد دلیل آن بود که البته او را نیز معراج
و سعادت معراج و ثواب آن در نامه اعمال او نویسند بر لفظ دربار راندند که در
شب صد رکعت نماز آمده است و در هر رکعت فاتحه یکبار ... امشب شب رحمت است هر که
امشب زنده دارد امید است از نعمت رحمت بی نصیب نماند ... فرمود که در خبر است
از رسول علیه السلام از آسمان امشب هفتاد هزار فرشته مقرب با طبقهای نور فرود آیند
و در خانه در روند کسانی که امشب زنده داشته ... از ... فرمود که بر سر
ایشان آن طبقهای نور نثار کنند شیخ الاسلام چشم پر آب کرد فرمود ... که مردم
خود را از این نعمت محروم دارند و در کار خدای تعالی غفلت نمایند ... این عباس
در سه روز از ماه رجب سی صد بار ... خدای تعالی مراد او را البته و هر که صدقه بدهد
در سه روز که باقی مانده است از ماه رجب ... میان او و میان آتش دوزخ
و هر که اصلاح کند میان دو کس در سه روز آخر ماه رجب بنویسد خدای تعالی مراد او را

صیام صد سال

صیام صد سالی **فصل نهم** در نماز و دعا از برای درازی عمر در آخر ماه رجب چنین آورده‌اند
باسناد صحیح از سلمان فارسی رضی الله عنه چون اسلام آورد سیصد سال بود پیغامبر را گفت
علیه السلام یا رسول الله دعا کن تا ایزد تعالی عمر صد سال دیگر عمر دهد و در اسلام عبادت کند صلوات الله
علیه ... پیش رسول الله آمد و گفت یا رسول الله سلمان را بگوی تا آخر ماه رجب این نماز بگذارد
همچنانکه عمر او باقی مانده بود حق جل و علا همان مقدار دیگر در عمر وی بیفزاید و در زندگانی
راحت و طاعت ارزانی دارد و از معصیت معصوم ماند و اجلش بسعادت و شهادت بود
این دعا را فضل بسیار است اما مختصر کرده‌اند تا خواننده را ملال نیفزاید در آخر روز ماه رجب
شش رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعت الحمد یکبار و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون
سه بار و قل هو الله احد سه بار و هر بار سلام می‌دهد و این دعا را ده بار بخواند چون سه بار
سلام داده هر سه بار این دعا خوانده شد سه بار استغفار گوید و سه بار صلوات دهد و سببت
یقین است که دعا مستجاب شود بزرگان و امامان گزین این نماز گذارده‌اند و اثر آن دیده
دعا این است یا اجل من کل جلیل و یا اکرم من کل کریم یا اعز من کل
عزیز و یا احسن ... انت ... یا غیاث
المستغیثین و رجاهم اغثنی بفضلک و رحمتک یا ارحم الراحمین اللهم اقذف فی
قلبی رجاءک واقطع رجائی عمن سواک حتی لا ارجو احدا غیرک
اللهم ما ضعفت عنه قوتی وقصر عنه عملی ولم ینته الیه رغبتی و لم
یبلغه مسالتی ولم یجر علی لسانی مما اعطیت احدا من الاولین
والآخرین من الیقین فخصنی به یا ارحم الراحمین **ماه شعبان** مشتمل بر شش فصل
فصل اول در نماز و دعا اول شب فصل دوم در فضیلت روزه شعبان
فصل سوم در فضائل شب براة **فصل چهارم** در نماز و دعا
شب براة **فصل پنجم** در فضیلت شب براة **فصل ششم** در روزه شک

فصل اول در نماز و دعا در اول شب از ماه شعبان از او وارد اول شب
از ماه شعبان دوازده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد فاتحه اخلاص پانزده بار
بخواند الفصل در وقت سحر دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد فاتحه صد بار اخلاص
بخواند و در رکوع و سجود بگوید سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سُبْحَانَ خَالِقِ
النُّورِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فصل دوم در فضیلت روزه ماه
شعبان و وی دراز ریاحین جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت کرد از پیغامبر
علیه السلام هر که روزه دارد یک روزه از ماه شعبان بیرون آید از گناهان
خود چنانکه آن روز که زاده شده او را مادر او و بنویسد خدای تعالی مر او را
عبادت یک ساله و اگر روزه دارد سه روز گشاده شود مر او را هشت در بهشت
تا در آید بدری که خواهد و اگر زیاده روزه دارد به خدای تعالی
او را بر روزی ثواب صد شهید و برآرد برای او صد درجه الف از ریاحین
و از امالی پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هر که روزه دارد سه روز اول از ماه
شعبان و سه روز از میانه و سه روز آخر ماه بنویسد خدای تعالی ثواب هفتاد
پیغامبر علیهم السلام و چنان است که خدای تعالی را عبادت کرده باشد هفتاد سال و شهید بمیرد
و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بگوید در ماه شعبان هزار بار لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَلَا نَعْبُدُ
إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ثبت فرماید خدای تعالی برای او عبادت
هزار سال و محو کند هزار ساله گناه او و بیرون آرد از گور روز قیامت روی
او تابان مثل ماه شب چهاردهم و بنویسد خدای تعالی او را از صدیقان از اخیار
نهایت سعادت پیغامبر علیه السلام فرمود هر که مدام بر من صلوة گوید در ماه شعبان به رسید گروه که
ورد و گوید بر من در ماه شعبان یک بار به رستیکه در دو کفه منم بر من ده بار و بر ماه
شعبان و روزی کند خدای تعالی او را ثواب آن فصل سوم در فضیلت

شب براة

شب براة در روایت آمده است هر که شب براة وقت فرو شدن آفتاب
چهل بار بخواند لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ایزد تعالی چهل ساله گناه وی
بیامرزد و چهل حج را او را بنویسد و به چهل کس را از آتش دوزخ شفاعت او
خدای تعالی خلاص بخشد و بهشت فرستد و شب براة بیست یک خصلت است اول آنکه
قرآن بقدر رانده کند و بسیار صدقه کند از سیم و جامه و غله حق تعالی روی ازو بر خیر
برکت کند و روزی فراخ گرداند دوم خلق را از منکرات منع کند و نهی منکر
فرض است و رسول علیه السلام فرمود وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِنْ لَمْ تَنْتَهُوا عَنْهُ
سیوم خود را از بد عقیده تحرز نماید که این نیز فرض است چهارم نماز بسیار بگذارد
صد رکعت یا بیشتر چندانکه تواند پنجم سورة اخلاص دو هزار بار بخواند و اگر نتواند
هزار بار ششم است و بیداری بسیار کند که عهد مغفرت است هر گناه که آنجا از خدای تعالی
هفتم غسل کند و شب روزه کند با مداد و آن همچنان از گناه پاک شود چنانکه آن
روز که مادر زاده باشد هشتم از عقوق والدین توبه کند که عاق والدین
بی بهره ماند نهم صله رحم بجا آرد که قاطعان رحم درین شب آمرزیده نشوند
دهم ذکر بسیار گوید که ذاکر را درین شب وعده طوبا است یازدهم
با کسی که از برای دنیا بهر دارد از مغفرت محروم ماند دوازدهم از غیبت
و نمیمه و صورتگری و میخوارگی و کلاهداری و جادوئی و کینه برادران توبه کنند
که با این معصیتها درین شب مغفرت نرسد سیزدهم درین شب دعا بسیار کند
برای خود و برای پادشاه وقت و برای کافه مسلمانان که دعا درین شب
مقبول است چهاردهم درین شب سرمه کند در یک چشم سه بار و در دوم دو بار
تا سال دیگر فایده دهد یا آنکه چشم درد نیاید دوم آنکه در عبادت
کاهلی نکند پانزدهم درین شب اگر نه مختار باشد تا برکت پیدا شود تا سال دیگر

از غله و جامه و درم و جز آن **شانزدهم** در این شب هر چه بزد وانه بود
و از گوشت بپرهیزد که بدل هر دانه ده نیکی یابد و ده بدی پاک شود و ده
درجه در بهشت یابد هفده هم اگر عیال واری خواهد که این شب را نگاه دارد
دستوری عیال خود خواهد زیرا که رسول علیه السلام **عایشه** را دستوری خواسته
هجدهم چون نماز دیگر بگذارد در رکوع و سجود تسبیح بسیار گوید **نوزدهم** جای
نماز گذارد که خالی باشد بنشیند و در سجده این کلمه بگوید سَجَدَ لَکَ سَوَادِی
وَخَیَالِی وَآمَنَ بِکَ فُؤَادِی وَأَقَرَّ بِکَ لِسَانِی وَهَا أَنَا ذَا بَیْنَ یَدَیْکَ
یَا عَظِیمُ کُلِّ عَظِیمٍ اِغْفِرْ ذَنْبِیَ الْعَظِیمَ فَإِنَّهُ لَا یَغْفِرُهُ غَیْرُکَ یَا عَظِیمُ پس بنشیند
و صلوات گوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ هَبْ لِی قَلْبًا تَقِیًّا مِنَ الشِّرْکِ بَرِیًّا لَا کَافِرًا
وَلَا شَقِیًّا پس دیگر بار سجده کند بگوید اَعْفِرُ وَجْهِی فِی التُّرَابِ لِسَیِّدِی وَحَقٌّ
لِوَجْهِ سَیِّدِی أَنْ تُعَفَّرَ الْوُجُوهُ پس حاجت بخواهد روا شود **بیستم** این
را زنده دارد تا دل او هرگز نمیرد **فصل چهارم در نماز و دعای**
شب برات در این شب صد رکعت نماز است به تحیهٔ سلام و بسی کس از صحابهٔ حضرت
رسالت صلی الله علیه السلام روایت کرده اند و این نماز را **صلوة الخیر** خوانند
بخوانند در هر رکعتی بعد فاتحه اخلاص ده بار **و روایتی** دیگر است از رسول علیه السلام
دو رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه آیة الکرسی یکبار و اخلاص
پانزده بار و بر روایتی دو رکعت بگذارد و در هر رکعتی بعد فاتحه اخلاص هزار
بار بخواند و بر روایتی دیگر و لیکن از رسول علیه السلام دوازده رکعت بگذارد
بخواند در هر رکعتی فاتحه و اخلاص و ثواب بسیار است و از امالی **و تفسیر منبع**
مرویست که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که دوست دارد که سلامت ماند از قضای
بد پس بگذارد در شب برات بعد از خفتن سی رکعت نماز بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه

بخوانند سه بار و ازان نماز یکبار رحمن بسلام یکبار بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تا آخر شش بار و پیغامبر علیه السلام درود فرستد و سه بار
آیة الکرسی بخواند پس این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ یَا رَبِّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ
إِنْ کُنْتَ کَتَبْتَنِی فِی أُمِّ الْکِتَابِ شَقِیًّا فَامْحُ عَنِّی وَإِنْ کُنْتَ قَدَّرْتَ عَلَیَّ سُوءً فَاصْرِفْهُ
عَنِّی وَأَعْتِقْنِی إِلَی السَّنَةِ الْمُسْتَقْبِلَةِ وَاجْعَلْنِی نَصِیبًا مِنْ کُلِّ خَیْرٍ قَسَمْتَهُ بَیْنَ عِبَادِکَ
الصَّالِحِینَ پیغامبر علیه السلام فرمود هر که این دعا بخواند بگوید خدای تعالی بعظمت
و جلال من سوگند است که بیامرزیدم مر ترا و عطا کردم ترا آنچه خواستی تو در عصمت دارم
ترا تا سال دیگر و در بابی دیگر هم چنین بگوید خدای تعالی فرشتگان را بنویسید از برای
بنده من ثواب کسی غزا کند و ثواب کسی که رباطها عمارت کند و ثواب کسی که نماز
گذارده است و روزه داشته است درین سال و بفرماید خدای تعالی فرشتگان را
حفظ او را تا آخر شب خواهند از برای او تا روز قیامت و نه نویسند نام
وی هیچ گناهی تا آنگاه که بمیرد و بنا کنند برای او در بهشت هزار قصر از زر و در آنجا
دیوارها و سقفها و اوندها را از زر سرخ و هفتاد هزار از نقره سفید زمین
آن و دیوارها و سقفها از یاقوت سرخ و هفتاد هزار قصر از زبرجد سبز
سبز و هفتاد هزار از نور سبز و هفتاد هزار قصر هم از خاک مشک و در هر قصری هزار
هزار ایوان و در هر ایوانی هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار مجلس و در هر مجلس تختی
که نه هیچ چشمی دیده و نه هیچ گوشی صفت آن شنیده و نه در دل هیچ بشری گذشته باشد و نظر
کند سوی او در روز کار تبارک و تعالی هر روز و بفرستد خدای تعالی بسوی او هزار
فرشته و دست هر فرشته ای طبقی باشد و نهاده بر طبق طوبی لولی الله الذی
رضی الله عنه لیلتی و در آیند بر خانه او هزار فرشته دیگر بر دست هر فرشته کاسه از
... از زر و در آن طعام باشد که دست هیچ آفریده ای در آن نرسیده باشد و آن

فرشتگان برود نزد پروردگار جل و علا سلام بگویند سلام علیکم من رب ال
و دعا شب برات بروایتی دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی
اخلاص سه بار پس این دعا بخواند سبحان علینا ما قدرت فیه
اللیلة المبارکة و لا تحرمنا من برکة هذه اللیلة و اجعل آخر کلا
بالشهادة و اختم عمرنا بالسعادة و انزلنا منزل الشهداء او
وحسن اولئک رفیقا برحمتک یا ارحم الراحمین دیگر بعد ادا فرض
و وتر نماز خفتن در شب برات سه بار سورهٔ یس یکان یکان بار بخواند
دیگر دو رکعت نماز بگذارد و بخواند بعد فاتحه اخلاص یکی بار بعد از ا
دعا بخواند اللهم انی اسألک یا ذا المن علیک باسمائک الحسنی و
العلیا لا اله الا انت یا ذی الجلال و الاکرام یا ذی الطول و
یا ظهر اللاجین یا جار المستجیرین یا صریخ المستصرخین یا محسن
المقسطین و یا امن الخائفین یا دلیل المتحیرین یا ارحم ا
اللهم ان کنت کتبتنی فی ام الکتاب عندک شقیا فقیرا و
عنی اسم الشقاوة و اثبتنی عندک سعیدا غنیا و ان
فی ام الکتاب عندک محروما مقترا علی رزقی فامح
اسم حرمانی و تقتیر رزقی و اکتبنی عندک سعیدا غنیا م
للخیر موسعا علی رزقی فانک فی ام الکتاب یمحو الله ما
و یثبت و عنده ام الکتاب و ان کنت کتبتنی قصر العمر و طول
و عمس والدی و اولادی و مالک علی و علیهم و ارزقنا
الله اکرمنا برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از ان سجده الله و حاجت
روا شود و دیگر هرکه درین دو شب برات صد بار بگوید یا حی یا قیوم

استغفرک و از جمله مهمات کرد و که هرکز به بهشت نشود فصل هم در
از تفسیر منقول است ابو هریره رضی الله عنه روایت کرد از پیغامبر علیه السلام
بیامد جبرئیل من در شب برات پس گفت یا محمد این شبی است گشاده شده است
درین شب درهای رحمت پس برخیز و نماز بگذار و دستها به جانب آسمان بردار
پس گفتم یا اخی جبرئیل چیست این شب گفت ای محمد درین شب گشاده می شود سیصد
در از درهای رحمت پس آمرزد خدای تعالی جمله مومنان و مسلمانان را مگر کسی که
نیاورده است بخدای تعالی چیزی مگر آنکه جادو سازی یا کاهن یا خمر خوری و یا مشاحنت
میخ کینه رو یا ندهی خمر و یا مصر من بر زنا به درستی که اینها آمرزیده نشود درین شب
تا ازین توبه بکنند و درهای توبه ایشان گشاده می شود تا آن زمان که ایشان توبه
کنند پس بیرون آمد رسول علیه السلام به بقیع غرقد و این نام مقبره ای جامعست
در مدینه و آنجا نماز گذارد و در سجده دعا و در سجده می گریست و می گفت اعوذ
بعفوک من عقابک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ بک منک
جل ثناؤک و لا اله غیرک و لا ابلغ الثناء علیک انت کما قلت و کما
اثنیت علی نفسک پس چون ربعی از شب بگذشت جبرئیل صلوات الله علیه السلام
بیامد بر رسول علیه السلام و گفت یا محمد سر از سجده بردار به درستی که درهای رحمت و ابواب
بر تو بدر اول فرشته ندا میکند خنک مر کسی را که سجده کرده است درین شب
و بر در دوم فرشته ندا میکند خنک مر کسی را که سجده کرده است درین شب و بر در سوم
فرشته ندا میکند خنک مر آن کسی را که درین شب ذکر گفته است و بر در چهارم فرشته
ندا میکند خنک مر وی را که دعا کرده است درین شب و بر در پنجم فرشته ندا میکند خنک
مر وی را که بگریسته است درین شب از خوف خدای تعالی و بر در ششم فرشته ندا میکند
هست خواهنده که داده شود سوال او و هست دعا کننده که مستجاب کرده شود

بر در بهشت فرشته ندا میکند بهشت توبه کنندگان که پذیرفته شود توبه او و بر در
جهنم ندا میکند بهشت استغفار کنندگان عفو کرده شود گناه او پس پیغامبر علیه السلام فرمود
یا اخی جبرئیل بر امت من و رحمت کن و بهشت بگفت بهشت از اول شب تا طلوع صبح
و شب پانزدهم ماه شعبان را شب براة از آن گویند که داده می شود در دو بار از
براة یکی بدبختان را و نیکوکاران را براة بر ستارها [illegible] بیزاری از آتش دوزخ و امان
از عذاب و جواز بر پل صراط و داده می شود دشمنان را تیغ کافران را براة از جنت
تیغ بیزاری از بهشت و کشاده می شود لوح محفوظ در شب براة لیکن نظر میکند و روایت است که پیغامبر
علیه السلام نسخه میکند آنچه در آن سال خواهد بود از اول تا آخر لیکن نسخه رزقها
بمیکائیل صلوات الله علیه میدهند و نسخه اعمال با سمعیل فرشته میدهند بصاحب آسمان دنیا او
فرشته عظیم است و نسخه مصیبتها بملک الموت میدهند و در تفسیر زاهدی آورده است بر لوح
محفوظ جز اسرافیل اطلاع نیست و برا اطلاع میدهند و روایت همان سال [illegible] است
و پیغامبر علیه السلام فرمود هر که زنده دارد پنج شب را و شب عید و شب براة
دل او نمیرد در روزی که میرد دلها بعضی این چنین گفته اند که دل او متحیر نشود در روزی
که متحیر شود دلها یعنی روز قیامت و پیغامبر علیه السلام فرمود پنج شب است که در آن
دعا رد نشود شب آدینه و شب اول از ماه رجب و شب پانزدهم ماه شعبان
و دو شب عید فصل ششم در روزه شک و رفتا وی بر اجواز آورده است
مکروه است روزه شک اگر نیت فرض و یا واجب دیگر بدارد و اگر نیت نفل بدارد
مکروه نیست بلکه افضل است که روزه دارد در نزد بعض علماء رحمهم الله باب در فضائل
ماه مبارک رمضان فصل اول در نماز و دعا در شب اول و هر شب و دعا
روز حکایت دادن و فضیلت نماز تراویح نقل است او را چون ماه مبارک رمضان
بدیدند این دعا بخوانند دعا بسم الله الرحمن الرحیم اللهم قد اظلنا شهر رمضان

فادخله علینا بالصحة و الایمان و الصحة من السقم و الفراغ من الشغل و الاعانة علی الصیام و القیام
و تلاوة القرآن حتی ینقضی عنا و قد غفرت لنا و رضیت عنا اللهم هذا شهر رمضان قد حضر
فسلمه لنا و سلمنا له و تسلمه منا فی یسر منک و عافیة اللهم ارزقنا صیامه و قیامه بقبول منا
ایمانا و احتسابا اللهم ارفع عنا الکسل و الفترة و السآمة و ارزقنا فیه الجد و الاجتهاد
و القوة و النشاط لما تحب و ترضی در شب اول از ماه رمضان دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعت بعد فاتحه انا فتحنا بخوانند تا سال دیگر در نگاه خدای تعالی باشد و در ماه رمضان
باید که بیشتر قرآن بخوانند و دعا روزه کشادن بگوید اللهم لک صمت و بک امنت و علیک
توکلت و علی رزقک افطرت و الصوم غد نویت سبحانک اللهم و بحمدک تقبله منی انک انت
السمیع العلیم الحمد لله الذی اعاننی فصمت و رزقنی فافطرت یا واسع المغفرة اغفر لی
و هر شب در ماه رمضان این دعا بخوانند خاصه در شب قدر اللهم انک عفو تحب العفو
فاعف عنی یا عفو الدعا هر شب بگوید اللهم انی اسالک بکرمک و جنتک الجنة و اعوذ بک
من النار فضیلت نماز تراویح در روایت آمده است امیر المومنین علی رضی الله عنه نماز
تراویح را از حدیثی که از عمر شنیده جلو دو گفتند یا امیر المومنین چیست این حدیث گفت
شنیده ام از حضرت رسالت پناه محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بدرستی که مر خدای را گرد
عرش موضعی است نام آن حظیرة القدس گویند و آن از نور است و در آن فرشتگان
ساکن اند عدد آن کسی نداند مگر خدای تعالی و ایشان همه مر خدای را عبادت میکنند
یک ساعت از عبادت بیکار نمی باشند و شبهاء ماه رمضان از حضرت عزت فرمان می شود
ایشان را تا بزمین فرود می آیند و برابر مردمان هر شب نماز تراویح گذارند و دست
ابد بر دو [illegible] ازجمله نیکبختان شد که هرگز بدبخت نشود چون امیر المومنین عمر رضی الله عنه
این حدیث شنید گفت اولی و احق است که اول نماز تراویح را مذهب کرد و جماعت
گذارد و فوت نکند فصل دوم در فضیلت و بیان شب قدر در [illegible]

رمضان و بیست خود را بیدار کند و در طاعت آرد هیچ رحمت کند یقیناً از زمان اعتزال خاص

که پیغامبر علیه السلام چنین کرده است و عایشه صدیقه رضی الله عنها گفت که بخواند در شب

بیست و سیوم ماه رمضان سوره عنکبوت و سوره روم بخدا ایشان که او از اهل بهشت است و هر که ازین

سو کند من نیک بدارم و مواخذه نکنم و درین سوگند نزدیک باری تعالی در شب بیست و سیوم

نقل از او را دوازده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد فاتحه انا انزلناه سه بار و اخلاص

ده بار و بعد از ده رکعت بتشهد سلام بگذارد و بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه انا انزلناه

سه بار و اخلاص ده بار و تسبیح سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تا آخر صد بار بگوید و بخواند و در اینکه

که پیغامبر علیه السلام فرموده که بگذارد در شب بیست و هفتم از ماه رمضان دو رکعت

نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی فاتحه یکبار و انا انزلناه یکبار و انا انزلناه یکبار

و اخلاص بیست و پنج بار و بعد از سلام صد بار استغفار بگوید و صد بار درود بگوید و هر که این

که او شب قدر را دریافته است و قبول کند خدای تعالی از و نماز او و روزه او و هر چه

بخواهد از او از ثواب چندانکه صفت نتوان کرد و در اصفهان و در شب ای دعا بسیار

خواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ الْعَفْوَ وَالْعَافِیَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِی الدِّیْنِ وَالدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ

اِنَّکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنَّا یَا عَفُوُّ یَا غَفُوْرُ اَیضاً اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِیْ حُبَّکَ وَحُبَّ

عَمَلٍ یُقَرِّبُنِیْ اِلٰی حُبِّکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ از نصوص منه احبار گفت رضی الله عنه

هر که در شب قدر بگوید کلمه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ سه بار در یک کلمه یکی را آمرزیده شود

دوم کلمه نجات یابد از آتش و سیوم کلمه در آید در بهشت و ابوبکر صدیق

رضی الله عنه گفت جمع در آید ده آخر ماه رمضان کلمه تمجید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

بسیار گوید چه رسته که این کنز است هر صیام را و قیام را و لازم کیرد مسجد را در

ایام یاد کرد و درود و دعا در ماند **فصل لیلة القدر** و در تفسیر ابو اللیث گویا ما

آورده است که پیغامبر صلی الله علیه و سلم فرمود بر شما باد که خوردن برنج و خرما است

بر ... و خوبست زاو در شب ... حاضر گردد و بعد از ... وصل کنان او را تقدیم ...

از عهد او و خیال کنان نکنان و نیکان همه و پیغامبر علیه السلام فرموده که بخواهد که بیابد

بخوره طعام بیشتر پس او بخورد و برنج با شکر و در شب قدر اختلاف است بعضی گفته اند

اول از ماه رمضان و بعضی شب هفدهم و بعضی شب نوزدهم و بعضی شب بیست و چهارم

و بعضی شب بیست و نهم و بیشتر اقوال برین است که شب بیست و هفتم **فصل دوم**

در نماز و دعا شب بیست و هفتم از دو روایت کعب رضی الله عنه گفت از پیغامبر علیه السلام

شنیده ام بدو گوش خود و الا نه کر باد بدو که گفت شب قدر بیست و هفتم

است از روایت عبد الله بن عباس و بلال رضی الله عنهما گفتند ما از پیغامبر علیه السلام

شنیده ام که شب قدر بیست و چهارم شب است و ابو ذر غفاری رضی الله عنه گفت

که از پیغامبر علیه السلام شنیدم و اگر نه کر باد این دو گوش من که شب قدر بیست و پنجم است

و عباده بن صامت رضی الله عنهما گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود طلب کنید شب قدر را

در شب بیست و یکم و در شب بیست و سیوم و در شب بیست و پنجم و شب بیست و هفتم و شب بیست و نهم از

خالصه الحقایق علامت شب قدر گفته اند تیر هوا روشن و درخشنده و ساکن باشد نه گرم باشد و نه سرد

باشد و بامداد او آن آفتاب بی طلوع در روی شعاع نباشد مانند طشت باشد و ابن عباس رضی الله عنه

گفت هر که دریابد شب قدر را و از بیگانگان باشد هر که بعد آن بخت نشود و دیگر که

بگذارد نماز شام و نماز خفتن و نماز بامداد در شب قدر بجماعت حاصل شد که دریافته باشد

تمام فضیلت و ثواب شب قدر را از ... ابو اللیث ابو ذر غفاری رضی الله عنه گفت رسول

علیه السلام روزه داشت آخر ماه رمضان و شب بیست و سیوم بود که نماز جماعت و نماز

کرد تا ثلثی از شب بگذشت پس بر فتیم پس بیست و چهارم بیرون نیامد شب بیست و پنجم بیرون آمد

و با ما نماز کرد تا نیمی از شب بگذشت مر او را گفتیم که چه بود اگر هم شب نماز کنیم گفت هر که با ما

بیرون نیامده باشد **بیست هفتم** بیرون آمده و بر قوم راکد زمانه ای که سحر خوردن از ماه
خواسته شد **فصل چهارم** در فضیلت سحر پیغامبر علیه السلام فرمود هر که سحر خورده باشد
که بیزاری بوده باشد از دین یهود و نصاری از انهد این پیغامبر علیه السلام فرمود سحر بخورید
به درستی که در سحر برکت است و تاخیر در انشای مستحب است وقت سحر تا آن زمان است که صبح
صادق ندمیده است و پیغامبر علیه السلام فرمود سه چیز است از اخلاق پیغامبران
مرسل تعجیل افطار و تاخیر سحر و مسواک از جمال الاطعام مستحب است که روزه دار سحر
بخورد و اگر چه یک لقمه باشد یا یک دم آب و سحر از نیمه آخر شب است تا آنگاه که صبح دوم
ندمیده است و هر چند که تاخیر دارد بهتر و وقتی که شب یقینی باشد اگر شک باشد در دمیدن
صبح در شب ماهتاب یا ابرناک بهتر ناخوردن است اگر بخورد مکروه باشد از انس
انس مالک رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود چهار نفقه است بر آن حساب کرده نشود
بر بنده از آن نفقه که بر مادر و پدر کند و نفقه بر عیال خود کند و طعامی که بدان افطار
کنند و طعام سحر **فصل پنجم** در نماز و دعا شب آخرین ماه رمضان و شب عید
از او روایت در شب آخرین ماه رمضان ده رکعت نماز به پنج سلام بگزارد در هر رکعت الحمد بخواند
از قرآن بخواند بعد السلام هزار بار استغفار گوید پس در سجده رود و این دعا
بخواند یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ یَا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَیَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِینَ یَا إِلٰهَ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی وَتَقَبَّلْ صَلَوَاتِی وَصِیَامِی
وَقِیَامِی پیغامبر علیه السلام فرمود به آن خدایی که مرا براستی به خلق فرستاد بیرون از
سجده برنداشته باشد که آمرزیده شود و از تفسیر معنی پیغامبر علیه السلام فرمود هر که
بگزارد در شب آخرین از ماه رمضان چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعت بعد فاتحه
اخلاص ده بار ... حق تعالی بسوی او صد فرشته را بفرستد پس فرشته بشارت دهند او را

وسی امان خواهند او را از آتش وسی دیگر بدارند او را از خطا کردن و ده فرشته
قصد دشمنان او کنند تا هیچ دشمن بر وی دست نیابد **نماز شب عید فطر** چهار رکعت
به دو سلام بگزارد و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص و معوذتین چون از نماز فارغ
شود هفتاد بار بگوید سبحان الله والحمد لله تا آخر **نماز روز عید** سلمان فارسی رضی الله
عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که بگزارد در روز عید فطر و عید الاضحی چهار رکعت
نماز بعد از نماز عید و بعد خطبه بخواند در رکعت اول بعد فاتحه سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَى
و در دوم والشمس و در سوم والضحی و در چهارم اخلاص پس ثواب رکعت اول
به درستی که او خوانده باشد جمله کتابها که خدای تعالی بر انبیا فرستاده است و ثواب رکعت
دوم چو او را باشد از ثواب مثل آنچه تافته باشد بر روی آفتاب از وقت طلوع تا وقت
غروب و ثواب رکعت سوم چنانست که جمله یتیمان را طعام سیر داده و آب سیراب
کرده باشد و جامه پاکیزه پوشانیده باشد و ثواب رکعت چهارم بیامرزد خدای تعالی
گناه پنجاه ساله آینده و پنجاه گذشته او و مروی است از امیر المومنین علی رضی الله عنه
که او گفت خدای تعالی قوم لوط را زیر و زبر کرد در روز شنبه اول روز بود از ماه شوال
و هلاک کرد اصحاب الفیل را در روز یکشنبه اول روز بود از ماه **شوال** و غرق کرد قوم
نوح را روز دوشنبه و اول روز بود از ماه شوال و غرق فرعون و لشکر او را روز
سه شنبه و اول روز بود از ماه شوال و هلاک کرد قوم عاد را به باد عقیم روز چهارشنبه
اول روز بود از ماه شوال و عذاب فرستاد بر قوم صالح روز پنجشنبه و اول روز بود
از ماه شوال و بکرد خدای تعالی اول روز از ماه شوال عید و رحمت بر امت سید الانبیاء
محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم **فصل ششم** در صدقه فطر از جمع اوراد و از کتاب
مضمرات استخراج کرده اند صاع بوزن درم زمینی که سی و چهار هزار و صد و هشت
نیم درم باشد نیم صاع سیر قیمتا دو ... درم سنگ پانزده بر و پنجاه و هفت نیم درم شود از

از بهر این احتیاط او نفع و خیرات نزده بهتر است پس نصف صاع گندم یا مویز اگر حنطه و یا آرد
حنطه نصف صاع بهتر بود به یک صاع خرما نزده هم بهتر بود و اگر مخلوط حنطه و جو اگر حنطه غالب
است حکم جو دارد و یک صاع آرد اولی است و درم اولی است از آرد که بیشتر غرض فقیر در وی
حاصل است و این در طحاوی و کفایه شیخ و هدایه آورده است از قواعد الاسلام مستحب است
که صدقه فطر دادن پیش از رفتن نمازگاه و صدقه فطر فریضه نیست و اجب است
چون مالک به مقدار نصاب فارغ مسکن و جامه و متاع و اسب و سلاح و بندگان و صدقه
بیرون آرد از نفس خود و از فرزندان خرد و از بندگان که به جهت خدمت باشند
نه جهت تجارت را از مسلمان و کافر و خارج زن و فرزندان بزرگ اگرچه عیال باشند
و خارج بنده مشترک و مکاتب اگر از قبل فرزندان بزرگ که در عیال وی اند از قبل
زن به هر تقدیر اوشان روا باشد استحسانا و از زهد بروایه و لهذا به هرکه ایشان در تحت
ولایت او باشد و در صدقه فطر سه ثمره است یکی قبول صوم و دوم اسباب شکرانه صوم است
و سیوم نجات از عذاب آتش است و ابن عباس رضی الله عنه گفت صدقه فطر پاکی است مر روزه
دار را از لغو و رفث و طعمه است مر مسکین را هر که ادا کند پیش از نماز پس آن مقبول است
از صدقات **فصل هفتم در فضیلت شش روزه از ماه شوال** از ریاض پیغامبر علیه السلام
فرمود هر که روزه ماه رمضان بدارد و پس شش روزه از ماه شوال بدارد چنانست که
تمام دهر روزه داشته است و سعید خدری رضی الله عنه گفت رسول علیه السلام فرموده است
هر که ماه رمضان روزه دارد و پس از آن شش روزه از ماه شوال بدارد چنان
که در ان خداوند تعالی تن او را بر آتش دوزخ حرام کند و چنانست که تمام دهر روزه داشته است
و بدهد او را خداوند تعالی بدل هر روزه از شوال ثواب جهاد و برادر از وی
عذاب گور و شدت قیامت و عبد الله رضی الله عنه گفت که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که
روزه دارد شش روزه از شوال متصل تا یک از کند شش ماه رمضان فاضلتر باشد

و او را از عبادت ششصد هزار سال و ثواب آزاد کردن ششصد هزار مرد و آزاد کردن
ششصد هزار سال به سبب قبر مقبول بود و هر روزی از این روزه مقدار ششصد
هزار سال مرتبه سال ... ثواب و بعضی گویند متصل روزه داشتن از شوال مکروه
است چنانکه مشهور بالکتاب و زیادت می شود در مفروض مکروه است که روز
عید هم روزه بدارد چون روز فاصله شده است متصل ماه رمضان نباشد پس مکروه
نباشد کذا فی ... **عشره ذی الحجه مشتمل بر هفت فصل فصل اول** در نماز اول شب
از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین قدس الله سره العزیز به لفظ مبارک ایشان
که راوی آن شیخ قطب الدین بختیار قدس الله سره العزیز به روایت ابو هریره رضی الله عنه
دیده ام هر که دو رکعت نماز در اول شب از ماه ذی الحجه بگذارد و بخواند در رکعت اول
بعد فاتحه سه آیت از سوره انعام و در دوم اخلاص یکبار حق سبحانه و تعالی ثواب حج
کنندگان در نامه اعمال او بنویسد بعد از آن شیخ الاسلام به لفظ مبارک راند که
وقتی جوانی فاسق بدکردار بگذشت که از فعل او و از سبب او خلقی در تاسف بودند
که چون آن جوان در بستر مرگ ... هم بود و در آن بزرگی
وی را در خواب دید پرسید که خداوند تعالی با تو چه کرد گفت آن زمان که مرا در گور
فرود آوردند خلق بازگشت فرشتگان عذاب در آمدند تا مرا بگیرند هاتفی ندا آمد
که آن عمر و ما برمن ... بکشند مرا عذاب کنند فرمان آمد از ذره که ... ببنید که فلان بنده
و شما ... که هیچ ... و ... دادم ... کنند کان
است فرشتگان عذاب دست از من بداشتند و رحمت ... عوض رحمت کردند که این جوان
و ... در وجود او آید که او را بیامرزیدی فرمان آمد که ای ملایکه همچنین
که شما میگویید این جوان در اول شب از ماه ذی الحجه هر سالی این دو رکعت نماز گزاردی
پس او را بیامرزیدیم **فصل دوم در فضیلت روزه عرفه** نقل از روضة العلماء صاحب

صاحب کتاب گفت رحمة الله علیه شنیدم از ابو نصر احمد بن ابو الفضل چنین گفت هر که
ده روزه عشر ذی الحجه بدارد حق تعالی او را ده چیز کرامت کند برکت کند در عمر او
زیاده کند در مال او و در حفظ دارد عیال او و عفو کند گناه او و تضعیف کند حسنات
او و آسان کند سکرات موت او و منور گرداند گور او و گران کند میزان خیرات
او و نجات دهد از درکات دوزخ و بلند گرداند درجات او و ابو ذر غفاری
رضی الله عنه گفت پیغامبر علیه السلام گفت هر که روزه دارد روز ترویه بدرستی چنانست
که عبادت کرده است خدای تعالی را دوازده هزار سال و هر که روزه دارد روز
عرفه بدرستی که عبادت کرده است خدای تعالی را بیست و چهار هزار سال و هر که روزه دارد
روز عید اضحی تا آن زمان که نماز عید بگذارد بدرستی که خدای عز و جل را عبادت کرده است
شصت هزار سال فصل نهم در نماز و دعای شب عرفه و روز عرفه از زبان حلبی
پیغامبر علیه السلام فرموده هر که زنده دارد پنج شب واجب شود مر او را بهشت شب
ترویه و شب عرفه و شب عید اضحی و شب عید فطر و شب برات از او را دو شب عرفه صد رکعت
نماز کند ادا و در هر رکعتی بعد از فاتحه سه بار سورهٔ اخلاص بخواند و بروایتی دیگر دو رکعت
نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از فاتحه آیة الکرسی صد بار و در رکعت دوم سورهٔ اخلاص
صد بار بخواند ثواب بسیار است تسبیح شب عرفه سُبحانَ الَّذِی فِی السَّماءِ عَرشُهُ سُبحانَ الَّذِی
فِی الأَرضِ قُدرَتُهُ سُبحانَ الَّذِی فِی البَحرِ سَبِیلُهُ سُبحانَ الَّذِی فِی النّارِ سُلطانُهُ سُبحانَ الَّذِی
فِی السَّماءِ رَحمَتُهُ سُبحانَ الَّذِی فِی الهَواءِ رُوحُهُ سُبحانَ الَّذِی فِی القُبُورِ قَضاؤُهُ سُبحانَ الَّذِی رَفَعَ
السَّماءَ سُبحانَ الَّذِی وَضَعَ الأَرضَ سُبحانَ الَّذِی لا مَلجَأَ وَلا مَنجا مِنهُ إِلّا إِلَیهِ در روز عرفه
دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعتی فاتحه یا الشمس و اللیل سه بار و قل یا ایها الکافرون
یا التوحید سه بار هر که این بخواند هرچه خواهد بیابد و پیغامبر علیه السلام فرموده هر که روز عرفه هزار
بار سورهٔ اخلاص بخواند هرچه خواهد بیابد و هر که روز عرفه هر روز این تهلیل بخواند

حق تعالی آتش دوزخ بر تن او حرام گرداند لا اله الا الله عدد اللیالی و الدهور
لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله عدد الریاح و نبع البراری و الصخور لا اله
الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور لا اله الا الله عدد الشوک و الشجر لا اله الا الله
عدد الشعر و المدر و لا اله الا الله عدد خواطر القلوب لا اله الا الله عدد لمح العیون
لا اله الا الله خیر مما یجمعون لا اله الا الله تعالی و اللیل اذا عسعس و الصبح اذا تنفس و صلی الله
علی محمد و آله عدد ما احاط به علمه و جرت به قلمه از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین رحمه الله
روز عرفه چهار رکعت نماز بگذارد و میان نماز پیشین و نماز دیگر بخواند در هر
رکعتی بعد فاتحه اخلاص پنجاه بار بعد الفراغ هزار بار اخلاص بخواند پس داده شود او را
هرچه از خدای تعالی بخواهد لطیف از ملفوظ وارد شده روز عرفه پیش از غروب
صد بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
بسم الله ما یسوق الخیر الا الله بسم الله ما شاء الله کل نعمة من الله بسم الله ما شاء الله
الخیر کله بید الله ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله بسم الله ما شاء الله ما شاء الله کان
حسبی الله محمد رسول الله مصطفی صلی الله علیه و سلم می فرماید هر که در روز عرفه پیش از غروب
آفتاب این کلمات را صد بار بگوید منادی فرماید حضرت عزة ذو الجلال که خشنود
گردانید مرا پس خشنود از تو سوال کرد ای بنده از ما آنچه خواهی تا بتو بدهیم
پس هر بنده که این کلمات را چون از خواب بیدار شود فرا و در وقت خفتن بگوید
حضرت عزت آن بنده را نگاه دارد از بلا جوشش و حرز نیز اود از شیطان و در
خالصة الحقایق آورده است که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت که هر که شب عرفه
جمع می شوند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خضر علیهم السلام و در عرفات این کلمات
میگویند و پیغامبر علیه السلام فرموده هر که نگاه دارد روز عرفه گوش و چشم و زبان
خود را خدای تعالی او را بیامرزد فصل دهم در نماز و دعای شب عید

در روز عید اضحی نقلست از رسول که چهار رکعت نماز کند بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه
اخلاص و معوذتین هر کدام یک بار بعد از سلام هفتاد بار بگوید سبحان الله و الحمد لله
تا آخر پس از آن بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الهاً واحداً و لا
نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره الکافرون از ملفوظ شیخ الاسلام شیخ فرید الدین
قدس الله سره العزیز در شب عید اضحی دو رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعتی فاتحه
یکبار و آیة الکرسی یکبار و اخلاص پنج بار ثواب بسیار است روز عید اضحی نقلست از رسول
چهار رکعت نماز گذارد بعد از نماز عید و خطبه بخواند بعد فاتحه در رکعت اول سبح اسم
ربک الاعلی الذی [illegible] و در دوم والشمس و در سیوم والضحی و در چهارم اخلاص ثواب بسیار را

لطف از ملفوظ شیخ الاسلام چون از نماز عید فارغ شود و خطبه بشنود و بعد از خطبه
چهار رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد فاتحه الم نشرح یکبار و در دوم فاتحه
یکبار و اخلاص یکبار بعد از آن بر لفظ مبارک راند که در اوراد شیخ شهاب الدین
قدس الله سره العزیز آمده است از مصطفی صلی الله علیه و سلم هر که دو رکعت نماز بعد نماز
عید اضحی چون در خانه آید بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه و المرسلات پنج
بار آن بنده شریک گردد در حج و در عمره و در دعاهای ایشان و در طواف ایشان
که حج کرده باشند و حضرت عزت برکت دهد در مال او و بروایت ابوذر غفاری رضی الله عنه
که پیغامبر علیه السلام فرمود هر که روزه دارد روز عید اضحی بعد از نماز عید چون در خانه
باز گردد دو رکعت نماز بگذارد بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه والشمس و ضحیها پنج بار
شریک گردد با حاجیان در حج و در عمره و در طواف و در دعا و در جمله مناسک ایشان

فصل نهم در قربانی اگر در ولایتی مرد قربانی نتواند داد دو رکعت نماز بگذارد
و بعد از نماز عید بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه انا اعطیناک الکوثر سه بار ثواب
قربانی یابد دعای قربانی نقلست از رسول چون قربانی تمام کند بگوید بیت بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله و الله اکبر اللهم هذا فدائی لحمها بلحمی و دمها بدمی و عظمها بعظمی اللهم لک
صلواتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول
المسلمین اللهم تقبل منی کما تقبلت من خلیلک پیغامبر علیه السلام از قواعد الاسلام
قربانی واجب است بر مسلم مقیم توانگر روز عید اضحی و بر فرزند و در ولیتی [illegible] قربانی
بکند از نفس خود و فرزندان خورد از [illegible] یک از جمعیت کسی یک شتر و یا یک
ماده گاو و قربانی خوب ترین و بهی بهاتر آن اختیار کند لاغر و نابینا و کور و لنگ
نباشد که تا جای ذبح نتواند رفت و بریده گوش و بریده دم نباشد و اگر اندکی از
دم بریده [illegible] و یا آنکه شیر [illegible] است و بیمار [illegible] و دیوانه روا نباشد گوسفندی را
که خلقت گوش نباشد و [illegible] دندان چون علف بتواند خورد روا باشد و لنگ [illegible] هر چه
از قربانی جدا کند از الصدقه دهد و قربانی بدست خود ذبح کرده افضل است اگر ذبح
کردن نیکو داند از خالصة الحقایق در خبر است که داود صلوات الله علیه گفت الهی چیست
ثواب کسی که قربانی دهد از امت محمد مصطفی صلی الله علیه السلام خدای عز و جل وحی کرد دو ثواب
او که قربانی دهد هم او را هر مویی که بر تن او است ده نیکی و بردارم برای او ده
بدی و محو کردانم او ده بدی و پیغامبر علیه السلام فرمود رحمت منزل شود در اول
عشره ذی الحجه بر کسی را از آن نصیب نیست عاق مادر و پدر دوم آنکه [illegible]
با وجود بسیار سیوم آنکه طلب کند فضول دنیا را و مشغول بکند نفس خود را بعبادت
عز و جل چهارم آنکه حج کند با وجود استطاعت پنجم آنکه تاسف بکند حج والله اعلم بالصواب

تمت تمام شد نسخه مفتاح الجنان کاتب فقیر حقیر سید [illegible] بلده [illegible] در عهد [illegible]
عالمیان سلطان معظم در سنه ۱۰۹۶ [illegible] شاه [illegible]
هر کسی که دعوی کند باطل و نامسموع است هر که درین نسخه نظر کند گو از [illegible]



هر که این آیت بنویسد بر صندوق یا بر مال یا در ضیعه یا در جای
که مال باشد برکت شود و دزدان نگاه دارد دفع از همه آفات
این است بسم الله الرحمن الرحیم ذلك فضل الله یؤتیه
من یشاء والله ذو الفضل العظیم

هر که سوره عصر بخواند بر مال یا بر چیز که دفن کند خدای تعالی نگاه دارد آن
مال را دیگر اسامی اصحاب کهف بنویسد و در میان مال نهد نگاه
دارد آن مال از دزد دیدن و از غرق شدن و سوختن مجربست
دیگر در سلخ عجوز آورده هر که انگشتری عقیق بسازد و بنویسد با
خود دارد غنی گردد از منافع القرآن هر که این آیت ولقد
مکناکم فی الارض وجعلنا
لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون بنویسد در ادینه بعد
نماز جمعه در خانه آلوده دارد در جای که سکونت دارد در خانه برکت
و خیر و روزی او بسیار شود

